

سوئد وال

تاریخ کتاب
از کمترین دوران تا عصر حاضر

ترجمه
محمد علی خاکساری



Islamic Research Foundation
Astan Quds Razavi
Mashhad - IRAN
1993



یادگار
از نخستین دوران آباء معاصر

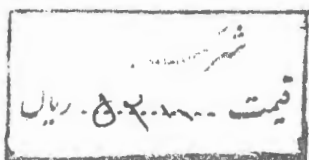
۱۳۸۰/۸/۵

۲/۵





سوند دال



تاریخ کتاب

از کهن ترین دوران تا عصر حاضر

ترجمه

محمد علی خاکساری

Dahl, Svend.

دال ، سوند ، ۱۸۸۷ - ۱۹۶۳ .

تاریخ کتاب : از کهن ترین دوران تا عصر حاضر / سوند دال ، ترجمه محمد علی

خاکساری . - مشهد : آستان قدس رضوی ، بنیاد پژوهشهای اسلامی ، ۱۳۷۲ .

۴۲۰ ص . : مصور .

عنوان اصلی : Histoire Du Livre de L'Antiquite a Nos Jours.

این کتاب توسط محمد صلاح الدین حلمی به عربی ترجمه و با عنوان " تاریخ

الکتاب من اقدم المعمور الی وقت الحاضر " سال ۱۹۵۸ در دانشگاه قاهره چاپ

شده است .

کتابنامه : ۶ ص ، همچنین در پایان هر فصل

۱ - کتاب - تاریخ . ۲ - کتاب آرایسی . ۳ - جلد سازی .

۴ - کتاب - صنعت و تجارت . ۵ - کتابخانه ها - تاریخ . الف - خاکساری ،

محمد علی ، ۱۳۲۱ - مترجم . ب - عنوان .

۲۴ Z ۰۰۲/



مجلس شورای اسلامی
آستان قدس رضوی

تاریخ کتاب

از کهن ترین دوران تا عصر حاضر

سوند دال

ترجمه

محمد علی خاکساری

ویراسته سید محمود رضا علوی بجستانی و اسدالله توکلی طیبی

چاپ اول ، ۱۳۷۲

۳۰۰۰ نسخه - رزیری

حروفچینی : پدیده

چاپ : مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۱۷	سخن مترجم
۲۷	مقدمه
بخش اول: تاریخ کتاب در دورانهای باستان	
۳۳	خط و کتابهای نخستین
	نوارهای بردی مصری □ گیاه بردی و آماده سازی آن
۳۵	کتاب در مصر باستان
	ابزار نوشتن □ رطوبت و برگه های پاپیروس □ کتابهای مردگان □ کتابخانه های مصر
	فرعونی
۴۰	کتابهای چین باستان
	کتابهای چوبی □ کتابهای ابریشمی
۴۱	الواح گلی آشوری بابلی

- الواح نیپور و نینوا □ کتاب آشوری بابلی □ کتابخانه های بزرگ بابل و آشور
 مواد دیگری که برای نوشتن در دوران باستان به کار رفته اند
 ۴۴ پوست درخت □ پارچه
- کتاب در دوران یونانی و رومی
 ۴۴ نوارهای پاپیروس در یونان □ تطوّر آن
- کتاب یونانی در قرن سوم و چهارم پیش از میلاد
 ۴۵ عصر اسکندر و دوره هلنی □ کتابخانه بزرگ اسکندریّه
- شکل کتاب یونانی
 ۴۷ خط □ عنوان □ اشکال توضیحی □ رواج پاپیروس در یونان باستان □ پیشرفت کتابخانه اسکندریّه
- پرگاموس و کتابهای ساخته شده از پوست
 ۵۲ کتابخانه پادشاهان پرگاموس □ پیدایش پوست □ تهیه پوست و مزایای آن □
 گزینش پوست به جای پاپیروس □ کتابهای پوستی ابتدایی و ساختن آن به شکل طومار
- پیدایش کتاب تا نشدنی
 ۵۵ انتقال از طومارهای تا شده به جزوه ها □ تطوّر ساخته شدن کتاب به شکل جزوه □
 طومارهای پاپیروس که تاکنون باقی مانده اند □ شکل جزوه ها □ عنوان و شماره گذاری صفحه ها □ مصوّر سازی جزوه ها □ خط و ابزار آن □ جلد کردن
- کتاب در روم
 ۶۰ تاجران و ناشران کتاب در روم □ خواندن علنی کتاب □ ناشران □ قیمت کتابها
- کتابخانه های روم
 ۶۳ کتابخانه های اختصاصی □ کتابخانه های عمومی روم □ تحوّل خط
- اختراع کاغذ در چین
 ۶۷ کاغذ ابریشمی □ کاغذ حقیقی

بخش دوم : قرون وسطی

- دوره میانه اول مسیحی
 ۷۵

نخستین کتابخانه های دیر و کلیسا □ مجموعه های کتب مسیحی پیش از جنگهای

ژرمنی

کتابخانه های پیزانس ۷۶

کتابخانه های امپراتوری □ کتابخانه های کلیساها □ کتابخانه های شخصی

تمدن عرب (اسلام) و تأثیر آن بر غرب ۷۹

احیای ادبیات یونانی □ کتابخانه های عربی (اسلامی) در شرق و اسپانیا □ اعراب کاغذ را وارد غرب کردند

اروپای کاتولیکی در دوران ویرانیهای بربرها ۸۰

کتابخانه های کلیساهای کاتولیکی □ ایتالیا □ سرزمین گل

فعالیت راهبان در زمینه کتاب ۸۲

احیای میراث کلاسیکی توسط راهبان بندیکتیان □ انتشار هیات های تبلیغی سلتی □ مبلغان بزرگ انگلیسی □ گسترش کلیساها و کتابخانه ها

نسخه های خطی پیش از دوره شارلمان - پیشرفت خط ۸۵

خط ایتالیک یا مایل لاتین و اشکال آن □ خط ایرلندی □ حروف اختصاری در خط □ کار راهب نسخه بردار □ عنوان و سرفصلها □ تزئین نسخه های خطی □ مینیاتورها □ رنگ آمیزی مینیاتورها □ هنر تزئین کنندگان

دوره شارلمان ۹۲

کوشش شارلمان برای متمرکز ساختن حیات عقلی

هنر رومی میانه در نسخه های خطی ۹۲

خط کارولتزی □ پیشرفت در تزئین رنگی

تأثیرات کارولتزی در آلمان ۹۴

کتابخانه های کلیساها □ صومعه کروی □ صومعه فولدا □ صومعه رایشنو □ صومعه راتسبان □ کتابخانه های دیرهای دیگر □ نسخه های خطی اسکاندیناوی □ کتابخانه های کشورهای اسکاندیناوی □ امتیازات نسخه های خطی اسکاندیناوی □ زندگی در کتابخانه های کلیسایی □ نسخه برداران □ منابع کتابخانه □ کتابدار

هنر تجلید در قرون وسطا ۱۰۱

تجلید های اولیه □ جلدسازی به روش زرگری □ اشکال گوناگون جلدها □

۸/ تاریخ کتاب

جلدهای ساخته شده از پوست □ جلد‌های ساخته شده از پوست ساده □ جلد‌های ساخته شده از پوست کنده کاری شده □ چاپ جلد به روش ساده □ انواع دیگر جلد‌ها

کتابخانه های قرن دوازدهم تا چهاردهم
۱۰۸ وسایل و تجهیزات کتابخانه

کتابخانه های کلیسایی
۱۰۹ کتابخانه های دیرها □ کتابخانه فلوری □ کلنی □ کتابخانه های کلونی دیگر □ کتابخانه کوری □ کتابخانه کلیسای سن ژرمن دپره □ کتابخانه های فرعی

روابط بین کتابخانه ها
۱۱۳ ایجاد نخستین فهرست عمومی برای کتابخانه ها □ کتابخانه های محافل کلیسایی □ کتابخانه های پاپا در آرینون □ کتابخانه های دانشگاهها □ پیشرفت تجارت کتاب
سبک گوتیک در هنر کتاب آرایی
۱۱۷ خط گوتیک □ تزئین گوتیک

کتابدوستی و کتاب آرایی در فرانسه در قرن چهاردهم و پانزدهم
۱۱۸ دوستداران کتاب از میان پادشاهان و فرمانروایان □ نقاشان غیر مذهبی □ ژان پوسل □ مکتب فلامینکی فرانسوی □ ژان فوک

مجموعه های کتاب ویژه طبقه متوسط
۱۲۲ گرانی کتاب □ تاثیر طبقه متوسط

فراوانی کاغذ و انتشار کتاب در قرن پانزدهم
۱۲۳ تولید کاغذ در اروپا □ صنعت کاغذ □ نشان آبی □ گسترش آسیاب های کاغذ سازی □ نسخه های خطی کاغذی

گسترش نسخه های خطی
۱۲۵ کتابهای عبادت □ تجارت نسخه های خطی □ نگهدارنده های کتاب □ انحطاط فرهنگی کلیساها □ سهل انگاری کتابخانه های کلیساها

اصلاح
۱۲۸

ریچارد دی بری □ کتابدوست □ پایان دوران نسخه های خطی و آغاز دوران رنسانس □ رنسانس در ایتالیا □ بازگشت به کتابهای دوران قدیم □ هنر تزئین نسخه های خطی □ تاثیر پترارک □ خاندان مدیسی و دربارشان □ کشف گنجینه های کلیساها □

کتابخانه های عمومی □ کتابخانه پاپها □ دستداران کتاب از میان رجال بزرگ کلیسا □
هنر جلدسازی در آغاز دوران رنسانس □ رنسانس کتاب در فرانسه □ لویی دوازدهم و
همسرش □ فرانسوای اوک □ کتابخانه پادشاهان ماتیاس گروین □ حامیان کتاب در ایتالیا

بخش سوم: پایان قرون وسطی

۱۵۳

چاپ در قرن شانزدهم

پیدایش چاپ و چاپ با حروف ثابت □ چاپ بوسیله الواح چوبی کنده کاری شده در
چین □ چاپ بر الواح در اروپا □ چاپ تک برگه ای ها □ چاپهای خمیری □ نخستین
کتابهای لوحی

۱۵۶

چاپ با حروف متحرک در چین و اروپا

حروف متحرک در چین □ اختراع حروف متحرک در اروپا □ یوهان گوتنبرگ □
لورنس کاستر □ اختراع وسیله ای برای قالب ریزی حروف □ نخستین چاپخانه ها

۱۵۹

گسترش صنعت چاپ

کنده کاری روی چوب □ دوره اول چاپ در آلمان □ نخستین جانشینان گوتنبرگ □
چاپخانه های جنوب آلمان □ روشهایی که اولین چاپخانه داران به کار گرفتند □ کهن ترین
کتابهای چاپی □ تورات گوتنبرگ (۱۴۵۵ م) □ کتاب مزامیر ماینس (۱۴۵۷ م) □
حروف نخستین کتابهای چاپی

۱۶۵

پیدایش کنده کاری بر روی چوب

کهن ترین کتابهای مصور □ نقاشیهای آبرشت فیستر کنده کاری شده بر روی چوب □
کنده کاران دیگر آلمانی □ ویژگیهای کهن ترین انواع کنده کاریهای روی چوب □
تورات کنده کاری شده کلونی (۱۴۸۰ م) □ پیشرفت سریع در هنر کنده کاری اولیه

۱۶۹

نخستین چاپخانه در خارج آلمان جنوبی

چاپ در ایتالیا □ حروف چاپ رومی □ چاپخانه داران آلمان درونیز □ تزئین ،
راندولت و تأثیری در آراستن حروف □ تصویر سازی رنگی

۱۷۳

چاپ در سرزمینهای سفلی و انگلستان

یوترکت □ آنورس □ بروژ □ وست مینستر □ چاپخانه در فرانسه □ چاپخانه
داران پاریس و لیون □ کنده کاری روی چوب در فرانسه □ کتابهای ساعات واجبات □

- آنتوان ورار □ دیگر چاپ کنندگان کتابهای ساعات واجبات
- ۱۷۹ آلمان شمالی و سرزمینهای اسکاندیناوی
- ۱۸۰ اوضاع اقتصادی ابتدای چاپ
- رقابت نسخه های خطی با کتابهای چاپی □ رقابت بین چاپخانه داران □ کتابفروشان دوره گرد □ ناشران بزرگ □ کارهای تجارتی □ فروشگاههای کتاب □ تقلید □ تحقیق در کهن ترین کتابهای چاپی
- ۱۸۵ فهرستهای کتب چاپی قدیم در قرن هیجدهم و نوزدهم
- روشهای شناخت کهن ترین کتابهای چاپی
- ۱۸۷ پیشرفت هنر جلدسازی
- جلدهای چاپی به وسیله لوحه های کنده کاری شده □ جلد سازی هلندی □ جلد سازی آلمانی □ جلدسازان انگلیسی و فرانسوی □ جلدسازی در ایتالیا - تأثیرات شرق □ جلدسازی در شرق اسلامی □ هنر خوشنویسی در ایران □ تذهیب
- ۱۹۲ هنر نویستگی در دوران رنسانس
- دوره آلدو در ایتالیا □ کارهای جدید آلدو □ حروف ایتالیک یا حروف مایل □ کتابهای کلاسیک چاپ آلدو □ سبک آلدو در تزئین □ جلدهای آلدویی □ استفاده از مقوای دستداران و مجموعه داران کتاب در عصر آلدو □ گرویه و معاصرانش □ جلدهای گرویه □ گرویه و مجموعه اش
- ۲۰۰ جلدسازی به سبک کامیو (سنگ نقاشی شده)
- جانشینان آلدو - خاندان جونتا
- ۲۰۱ هنر خط در آلمان در دوره رنسانس
- اوج ترقی هنر کنده کاری روی چوب □ دوران دورر □ دورر و کنده کاری با سیاه و سفید □ گسترش کنده کاری روی چوب در آلمان □ بال مرکز تحقیقات انسانی □ هولباين و لوتزل برگر □ هنر کتاب آرایی در اوگزیبرگ □ کتابهای امپراتور ماکس میلان □ حروف جدید آلمانی - حروف شکسته و حروف شواباخ □ مصور سازی و تزئین □ کتابهای عبادات □ چاپخانه و کتابخانه ها در عصر اصلاح دینی □ تأثیر اصلاح دینی بر کتاب □ انحطاط جنبه هنری □ انحطاط سطح کتاب و انتشار آن بین عامه مردم □ انتشار کتابهای دینی پروتستان □ چاپخانه داران شهر ویتنبرگ □ بازارهای کتاب □

اصلاح دینی و کتابخانه های صومعه ها □ غارت ویرانی در آلمان □ تشکیل دوباره کتابخانه های عمومی □ کتابخانه های فرمانروایان □ نابود کردن کتابها برای استفاده از آن در کارهای دیگر □ مصادره کتاب توسط غیر روحانیان در انگلستان □ کتابخانه های کشورهایی که از اصلاح پروتستانی متأثر نشده بودند

۲۱۸ هنر جلدسازی در قرن شانزدهم در آلمان

جلد چاپ شده به وسیله 'چرخ' □ روش جدید و کاربرد آن در قابها □ ادامه چاپ تزئینی توسط لوحه سنگی در وسط جلد □ بزرگی قاب جلد نسبت به مرکز □ جلد های تذهیب شده □ جلد های جاکوب کراوس □ جلد های نقره کوب

۲۲۳ هنر کتاب آرایی فرانسوی در دوره رنسانس

سبک گرویه □ کتابهای لویی دوازدهم □ کتابهای فرانسوای اوّل □ چاپ هنری ژوفر واتوری □ تاثیر ایتالیایی در هنرتوری □ خاندان استین و یاران آنها □ روبراستین □ گارامون □ هانری استین □ خانواده فوگر در آلمان □ کتابهای هنری در عصر هنری دوم و سوم □ جلد های عالی □ جلد سازی به سبک فانفار □ کتابدوستان معاصر با هنری سوم □ جلد های معمولی

۲۳۳ هنر جلدسازی در انگلستان در قرن شانزدهم

جلد های چاپ شده به وسیله چرخ □ تاثیرات فرانسوی و ایتالیایی □ جلد های گلدوزی شده □ کریستف پلاتن صحاف و ناشر □ انتشارات پلاتن □ همکاران پلاتن

۲۳۶ رونق دوباره کهنه کاری روی چوب در آلمان

کهنه کاری روی چوب در فرانکفورت □ نابودی هنر کهنه کاری روی چوب

بخش چهارم : قرن هفدهم

۲۵۶ پیشرفت هنر مصوّر سازی کتاب

انتقال از کهنه کاری روی چوب به کهنه کاری روی مس □ روش کهنه کاری روی مس □ کاربرد کهنه کاری روی مس □ ارزش هنری کهنه کاری روی مس

۲۵۸ سبک باروک در هنر کتاب آرایی

اشکال رمزی لوحه آغازین کتاب

۲۵۹ هنر کتاب آرایی فرانسوی در قرن هفدهم

کنده کاری در نیمه اول قرن هفدهم □ ژاک کالو □ کنده کاران در نیمه دوم قرن هفدهم □ سباستین لکلرک □ چاپخانه داران و ناشران بزرگ هلندی □ خاندان الزویر □ چاپهای الزویر □ ثروت خاندان الزویر در قرن هجدهم و نوزدهم □ خاندان آئشده □ گسترش حوزه مؤسسه الزویر □ خاندان پلو □ اطلس بزرگ

۲۶۹

کتابخانه ها در قرن هفدهم

آغاز فروش کتاب ، از طریق مزایده □ کتابدوستان و مجموعه داران فرانسوی □ دوستداران کتاب از میان بزرگان اشراف □ ریشلیو و کتابها □ کتابخانه مازارن □ کتابخانه کولبر □ دوستداران کتاب در قرن هفدهم

۲۷۵

نخستین کتابخانه های عمومی آلمان

کتابخانه برونزویک □ کتابخانه پروسا □ فعالیت در کتابخانه های فرمانروایان بزرگ □ پیشرفت هنر معماری کتابخانه ها □ شکوه و تزئین در عمارت کتابخانه □ کتابخانه سن ژنویو □ کتابخانه وین □ کتابخانه وایمار

۲۸۰

جلدسازی در قرن هفدهم

جلدهای معمولی □ جلدهای هنری □ سبک لوگاسکن □ گسترش سبک لوگاسکن در فرانسه □ گسترش سبک لوگاسکن در خارج فرانسه □ سبک جلد سازی ژانسیستها □ زیتهای گوناگون □ جنگ سی ساله و نتایج آن □ بحران کتاب در آلمان □ غارت کتابخانه ها □ غارت کتابخانه ها توسط کاتولیکها □ ثروتهای کتابخانه های سوئدی □ کتابخانه های غارت شده

۲۸۹

دوره مولفان کتابهای چند زبانی و چند دانشی

۲۹۰

تجارت کتاب در آلمان و فرانسه

مراکز بزرگ تجارت کتاب در آلمان □ چاپ کنندگان ناشر □ صحافان کتابفروش □ فروش کتابهای جیبی □ بازرسی □ بازرسی دینی □ بازرسی سیاسی □ تقلب و حق امتیاز □ آئین نامه پادشاهی صادره در سال ۱۶۸۶ در فرانسه □ قیمت گذاری کتاب □ رسومات اتحادیه کارگری و استبداد کارگری در آلمان

بخش پنجم : قرن هیجدهم

۳۰۵

هنر کتاب آرایی در دوران لویی پانزدهم

دوره؛ جلدسازی به سبک روکوکو □ روح عصر چنان که سبکش آن را تشریح می کند
 □ سبک روکوکو و تزئین به سبک وینیت □ سبک لویی پانزدهم در فرانسه □ پیشگامان
 نخستین □ بوشه □ کوشن پسر □ اودری، شوفار، ایزن، مارلیه □ گراولو □ موری
 اصغر □ چاپ در عصر لویی پانزدهم □ حروف مورد استفاده □ همکاری در تولید کتاب
 در قرن هجدهم □ تجلید - تزئین و طرح ملیله کاری میشل پادلو □ ملیله کاری به عنوان
 عنصری از عناصر تزئین □ ساخت نشان مالکیت کتاب □ نشانهای مالکیت در قرن
 شانزدهم و هفدهم □ نشانهای مالکیت باشکلهای رمزی در قرن هجدهم □ کتابدوستی
 در قرن هجدهم □ رونق کتاب آرایی در فرانسه □ تولید کتاب تزئین شده با شکلهای
 کوچک □ بازگشت به کتابهای قدیمی □ تجارت کتاب در پاریس □ مجموعه داران
 فرانسوی - لوالیرو هویم □ دیگر مجموعه داران فرانسوی □ کتابخانه سلطنتی □
 کتابدوستی در انگلستان □ تاسیس موزه بریتانیا □ مجموعه هارلی □ دوستداران چاپهای
 نخستین □ جلدهای انگلیسی به سبک هارلی □ دوستداران کتاب در آلمان □ فردریک
 دوم □ دوستداران کتاب در درزدن □ مجموعه داران اسکاندیناوی □ کتابخانه های
 عمومی و دانشگاهی آلمان □ کتابخانه گوتهنگن □ سیاحان مجموعه دار

۳۲۸

انتشار کتاب در قرن هجدهم

کتابهای عوام پسند و دایرة المعارفها □ علاقه مردم به انتشار کتاب در این قرن □
 کتاب هنری عوام پسند در آلمان - کودو ویتسکی □ رونق کتاب در آلمان □ وضع مؤلفان
 □ افزایش قیمت کتاب □ مبارزه با تقلید و چاپ غیر مجاز □ تجارت کتاب □ بازاری
 سیاسی □ تجارت کتاب در فرانسه □ تکمیل صنعت کتاب - چاپ کلیشه ای برای یک
 صفحه کامل □ دستگاه چاپ فلزی

۳۳۴

سبکهای قدیم در صنعت کتاب

واکنش ضد سبک لویی پانزدهم در فرانسه □ الهام از هنر قدیم □ خاندان دیدو و
 حروف رومی □ بودونی در ایتالیا □ کاسلون و باسکرویل در انگلستان □ چاپخانه بومارشه
 □ چاپ آلمانی □ کوشش برای ترکیب حروف رومی با حروف سیاه شکسته □ تجلید
 قدیمی

۳۴۰

تأثیر انقلاب فرانسه

تقلید سبک رومی □ تجلید □ انقلاب فرانسه و کتابخانه ها □ ملی شدن کتابخانه ها
 □ مخازن ادبی □ کتابخانه ملی □ پراکنده شدن مجموعه های اختصاصی

بخش ششم : قرن نوزدهم و بیستم

کتابدوستی ناپلئون □ اثر جنگ □ بازگشت کتابهای غارت شده به کتابخانه ها □ هنر کتاب آرایی در عصر ناپلئون □ کتاب انگلیسی در عصر ناپلئون □ بحران محدودیت خواننده □ مزایده روکسبرگ □ کتابدوستان انگلیسی در قرن نوزدهم □ معاملات بزرگ کتاب □ مجموعه اسپنسر □ دیدین و کلپ روکسبرگ □ کتابدوستی

تطور کننده کاری

۳۵۱

کنده کاری بر سنگ □ بلیک وکنده کاری بر مس □ بوئیک و کنده کاری بر چوب □ هنر بوئیک □ اشکال کنده کاری شده بر چوب در خارج انگلستان □ اشکال کنده کاری شده بر چوب در فرانسه □ نقشهای کنده کاری شده بر چوب در آلمان □ چاپ سنگی □ چاپ سنگی در فرانسه □ روشهای عکس برداری □ کنده کاری باعکس □ کتابدوستی و هنر تجلید در فرانسه در قرن نوزدهم □ حرکت تاریخی در کتابدوستی □ کتاب برونه و اثر آن □ شارل نودیه □ علاقه به جلدهای قدیمی □ دوستداران و خبرگان کتاب فرانسوی □ دوران طلایی کتابفروشیهای کوچک کتابهای قدیمی □ قانون گذاری تجارت کتاب □ تمایلات جدید در تجلید □ تجلید با سبک امپراتوری □ تجلید با سبک دوران بازگشت پادشاهی □ تجلید رومانتیکی با سبک کاتدرالی □ بازگشت به سبک قدیم □ تجلید معاصر

صنعتی شدن کتاب و عکس العمل هنری

۳۶۹

پیروزی صنعت ماشینی در تولید کتاب □ به کارگیری ماشین □ ماشینهای حروف ریزی □ نشریات ادواری □ عکس العمل بر ضد به کارگیری ماشین - ویلیام موریس □ بازگشت به روش زیبایی قدیم □ کتاب آرایی موریس □ همکاران موریس در انگلستان □ چاپ هنری در آمریکا □ مجلدات هنری ساندرسون

کتاب آرایی معاصر در اروپا

۳۷۵

حرکتهای جدید و کتاب آرایی در آلمان □ تطور چاپ □ تصویر سازی □ چاپخانه داران هنرمند معاصر □ هنر جلد سازی جدید □ کتاب آرایی در دولتهای اسکاندیناوی و انگلیس □ کتاب آرایی در فرانسه □ چاپهای ادوارد پلتان □ چاپ سنگی □ نشان مالکیت □ صنعت چاپ □ مصور سازی کنونی در فرانسه □ هنر تجلید □ کتاب آرایی در دیگر کشورهای اروپایی □ نمایشگاههای دولتی کتابهای مصور

۳۹۴

تطور کتابخانه ها

تفکر جدید از کتابخانه - مطالب فرهنگی جدید □ غنای کتابخانه ها □ پانیتسی و کتابخانه فعال □ تنظیم کتابخانه جدید - کارهای پانیتسی □ توسعه کتابخانه ملی پاریس □ کتابخانه های آلمان □ تأثیرات آلتهوف □ کتابخانه های ملی در کشورهای انگلیسی ساکسونی □ دخالت دولت □ دوستداران و حامیان کتاب در آمریکا □ کتابخانه های بزرگ آمریکا □ تنظیم علمی کتابخانه ها □ رشد تجارت کتاب □ اوضاع عمومی انتشارات معاصر □ تخصص □ تنظیم اماکن تجارت کتاب □ قانون ویژه حقوق مؤلفان □ آزادی انتشارات □ تنظیم تجارت کتاب □ تجارت کتاب در آلمان □ تجارت کتاب در فرانسه □ تجارت کتاب در انگلستان □ تجارت کتاب در کشورهای اسکاندیناوی □ تجارت کتاب در بلژیک و هلند □ تجارت کتاب در آمریکا □ فروشندگان دوره گرد

جنگ جهانی اول و سالهای پس از آن ۴۱۰

جنگ و صنعت کتاب □ بحران کتاب در دولتهای جنگ طلب □ رونق کتاب در دولتهای بی طرف □ بازگشت تعادل پس از جنگ □ رشد کتابخانه های ملی □ کتابخانه های تخصصی □ آینده کتاب □ تمایل به هماهنگی بین هنر و صنعت

سخن مترجم

درود بی پایان بر آفریدگاری که صورت انسان را با قلم قدرت بر اوراق کتاب آفرینش ترسیم کرد ، او را به عنوان اشرف مخلوقات بر تمامی آفریدگان برتری داد ، لباس کرامت را بر وی پوشاند و تاج تبارك را بر سرش نهاد . سپس با اعطای علم و خرد و اندیشه و بیان ، وی را به مطالعه و تأمل و تفکر در کتاب آفاق و انفس مأمور کرد ، تا از رمز و راز هستی آگاه شود و با طی مدارج علمی و سیر و سلوك ، بر سرچشمه های زلال عرفان و ستیغ معرفت دست یابد .

سلام بر پیامبران و معلمان واقعی بشر ، به ویژه بر فهرست کتاب کاینات ، و واسطه عقد موجودات ، پیامبر بزرگوار اسلام ، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم که به مصداق اَنَا أَرْسَلْنَا رَسُولَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ^۱ ، برای تدریس کتب آسمانی که بهترین برنامه های زندگی و تضمین کننده سعادت دو جهان است آمده اند .

درود بر کتاب مبین و حبل المتین و امیر المومنین علی علیه السلام و یازده فرزند گرامی اش که به حق شایسته ترین مفسران و شارحان این کتابند و یکی پس از دیگری برای ارشاد انسان و آشنایی او با تعالیم عالیه و حیات بخش اسلام مأمور شده اند . همچنین درود بر علما و دانشمندان که وارثان انبیا و ادامه دهندگان راه آنان و مشعلداران علم و دانشند و از پرتو وجود و رشحات قلمشان دیگران بهره مند می شوند و به وسیله دو شهر علم و عمل تا مقام مداد العلماء افضل من دماء الشهداء عروج می کنند .

انسان از آغاز آفرینش برای انتقال اندیشه و برقراری ارتباط با هموعان خود وسیله ای جز زبان نداشت ، و برای ذخیره سازی اطلاعات بسیار محدود از حافظه اش مدد می گرفت که این در واقع نوعی ذخیره سازی اطلاعات از طریق حافظه یا سنت شفاهی و غیر مکتوب بود . گاهی هم بدون دخالت زبان ، از شیوه های دیداری با استفاده از اشیا ، الگوها ، طرحهای مجرّد یا هندسی ، نمایش تصویر انسان ، حیوانات یا گیاهان ، اطلاعاتی را منتقل می کرد تا اینکه بتدریج با اختراع خط و استفاده از مواد و ابزار نوشتاری گوناگون ، و بعدها با ساخت کاغذ ، توانست اطلاعات نامحدودی را به صورت مکتوب ذخیره کند و به نسلهای آینده بپردازد ، که آن را هم می توان نوعی ذخیره سازی اطلاعات از طریق نوشتار نامید . انسان سرانجام با سیر تکاملی تمدن ، موفق به اختراع چاپ شد و در سطحی بسیار گسترده اطلاعات را از طریق تکنولوژی با استفاده از ابزارهای خودکار ، ذخیره سازی کرد و با پیدایش کتاب ، دانش که در واقع از دیر باز تا کنون مجموعه تمامی اندیشه ها و تجارب بشری است تدوین شد . با گسترش روز افزون علم و تکنولوژی ، تعداد کتابها افزایش یافت و کتابخانه ها به عنوان گنجینه های دانش و فرهنگ ایجاد شدند . و هم اکنون ، شاهدیم که برای سهولت ذخیره سازی اطلاعات و تسریع در بازیابی آن ، کامپیوتر به خدمت کتابخانه ها و مراکز اسناد و مؤسسات علمی و آموزشی و پژوهشی و

غیره در آمده ، و با ایجاد بانکهای اطلاعاتی راه تحقیق و پژوهش هموار شده است .

مسأله کتاب و کتابت در اسلام نیز مورد عنایت قرار گرفته و به لحاظ اهمیت آن ، خداوند بزرگ به قلم و کتاب سوگند یاد کرده و نخستین آیه ای را که بر پیامبر اسلام نازل فرموده با کلمه (اقرأ = بخوان) آغاز می شود، و در قرآن ۳۲۲ بار مادۀ کتاب در ۳۷ صیغه مختلف ، از آن جمله ۲۶۳ بار لفظ « کتاب » و « کتب » و « مکتوب » آمده است .

واژه کتاب ، از باب اطلاق مصدر بر مفعول است ؛ یعنی کتاب (نوشتن) مصدر است به معنای مکتوب (نوشته شده) که اسم مفعول است ، و در تعریف کتاب چنین آمده است :

« کتاب مجموعه ای از لوحه های چوبی یا عاجی یا مجموعه ای از ورقه های کاغذ ، پوست آهو ، یا مادۀ ای همانند آن است ، اعمّ از دستنویس یا چاپی که با هم به نخ کشیده شده باشند ^۲ » .

کتابی که پیش روی دارید ، تألیف دکتر سوند دال ^۳ استاد کتابداری و رئیس هیأت امنای دانشگاه کوپنهاگ دانمارک است که تحت عنوان :

Histoire du livre de l'antiquite a` nos jours.

به زبان فرانسه به سال ۱۹۳۳ در پاریس چاپ و سپس به زبان انگلیسی و غیره ترجمه و انتشار یافته است و محمد صلاح الدین حلمی آن را از زبان فرانسه به زبان عربی برگردانده و با ویراستاری توفیق اسکندر استاد اسناد و آرشیو دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره در سال ۱۹۵۸ توسط موسسۀ القومیۀ للنشر و التوزیع با عنوان : تاریخ الکتاب من اقدم العصور الی الوقت الحاضر جزء سلسله الف کتاب در قاهره چاپ و منتشر شده و اینک ترجمه آن به زبان فارسی

۲ - پوری سلطانی، اصطلاحنامه کتابداری، فارسی به انگلیسی، ویرایش دوم، تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵، صفحه ۲۲۸ .

3 - Svend Dahl.

تقدیم می شود .

چنان که می بینیم مترجم عربی در مقدمه اش این کتاب را توصیف کرده است . ولی گفتنی است که این کتاب در حقیقت یک کتابشناسی تاریخی است و « بررسی کتاب به عنوان (شینی هنری) موضوع بحث کتابشناسی تاریخی است . تاریخ خط ، تذهیب ، تجلید ، کتاب آرایی ، تصویرگری کتاب ، فنون اوایل چاپ و نظایر آنها از جمله مطالبی است که بررسی آنها در حوزه وظایف کتابشناسی تاریخی است . کتاب به عنوان اثر هنری ، آینه نگرشها ، احساسها و عواطف عصری است که در آن آفریده شده است . به همین دلیل ارزش فرهنگی ، تمدنی و تاریخی دارد . در کتابشناسی تاریخی ، نقش ارزنده کتاب در رابطه با تمدن ، جامعه و زندگی بشر به عنوان وسیله انتقال افکارمورد توجه قرار می گیرد^۴ . » گرچه این کتاب بظاهر متنی تاریخی است ، اما در بسیاری موارد ، بریژه در بخش تصویرسازی کتاب و نقاشی و هنر جلد سازی و صحافی دارای نکات فنی و هنری دشواری است که درک مفاهیم آن تخصص می طلبد . لکن از آن جا که مترجم ، کتابدار است و با مسایل مربوط به کتاب ، مانوس و پیوندی تنگاتنگ دارد کوشش کرده است تا مقصود نویسنده را در قالب جملاتی رسا و روان عرضه کند . البته وی ضمن اعتراف به نواقص کار ، نظریات و راهنمایی های خوانندگان عزیز را باکمال امتنان می پذیرد .

مترجم برای ضبط فارسی معادل های اسامی خاص یا اعلام از قبیل نامهای اشخاص ، جاها ، کتابها ، قومها و آیینها و غیره حتی الامکان به منابع مستند فارسی مراجعه و معادلها را انتخاب کرده است . علاوه بر این ضبط لاتین اعلام را پس از برگرداندن به فارسی ، با شماره گذاری در متن به پاورقی منتقل کرده است . در بخش تصویرسازی و نقاشی و هنر جلد سازی و صحافی که

۴ - ماندانا صدیق بهزادی ، « کتابشناسی » یادنامه ادیب نیشابوری ، زندگی استاد و مجموعه مقالات در مباحث علمی و ادبی ، به کوشش مهدی محقق ، تهران ، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل ، دانشگاه تهران ، ۱۳۶۵ ، صفحه ۲۸۲ .

اصطلاحات خاصی به کار رفته برای واژه‌گزینی و معادل‌یابی به واژه‌نامه‌های هنری موجود مراجعه شده است .

عکسها و اشکال کتاب که به توضیح مطالب کمک می‌کند عیناً به ترجمه فارسی منتقل و در جای خود قرار گرفته است . کتابنامه نیز مانند ترجمه عربی به همان زبان اصلی در پایان کتاب آمده و فقط به ترجمه عنوانها اکتفا شده است .

شایان ذکر است که نویسنده هر چند ضمن بیان سیر تاریخی کتاب ، سهم کشورهای اسلامی ، بویژه ایران را نادیده نگرفته و به گواهی تاریخ تمدن ، کشورهای غربی را در این صنعت ، متأثر و مدیون کشورهای اسلامی و مشرق زمین دانسته ، اما درباره کتاب و کتابخانه که زیر بنای تمدن ایرانی و اسلامی است و در ایران سابقه ای دیرینه دارد حق مطلب را ادا نکرده است . تحقیق در این باره از حوصله این گفتار خارج است ؛ لذا برای مطالعه بیشتر و مزید اطلاع خوانندگان گرامی از غنای فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی ، بویژه در صنعت کتاب از قبیل : کاغذ ، خوشنویسی ، تذهیب ، مینیاتور ، مصور سازی کتاب ، هنر جلد سازی ، صحافی سنتی ، مجموعه های نقیص و نسخ خطی و کتابخانه ها ، مترجم در پایان هر بخش به تناسب موضوع ، منابع و مأخذی را معرفی کرده است . مثلاً در باره هنر کتاب آرایی می بینیم : « نگارگری ایرانی در عرصه کتاب آرایی رشد کرده و از این رو با نگارگری پیوند بی واسطه داشته است . در آن روزگار به منظور انتشار آثار منظوم و منثور سخنوران بزرگ ، متون را با خط خوش می نگاشتند و سپس این وظیفه را بر عهده نقاش می گذاشتند که او بنا بر انتخاب خود و یا طبق سنت معمول ، بخشهایی از متن را به تصویر در آورد و بر کتاب بیفزاید . نقاش ایرانی با جوهر و روح کار خوشنویسی آشنایی کامل داشت ، زیرا او نیز نظم و وزن خط را تجربه می کرد و بی سبب نیست که نقاشان غالباً خطاط هم بودند . در روند ساختن نسخه های مصور ، همبستگی خوشنویس و نقاش به دلیل اشتراك وظیفه شان که همانا

انتقال اندیشه سخنور بود- استحکام بیشتری می یافت ، ارتباط بنیادی بین عمل نوشتن و عمل نقش کردن آن چنان بود که در زبان فارسی ، فعل نگاریدن و یا نگاشتن- و لغات مشتق از آنها- هر دو معنی را می رسانند .

« هنر کتاب آرایی فقط به نگارشگری و نگارگری منحصر نمی شد ، بلکه تذهیب کاری ، حاشیه سازی ، جدول کشی ، جلد سازی و غیره نیز از عوامل مکمل یکدیگر درآرایش یک نسخه خطی بودند ؛ هنر کتاب آرایی ناگزیر به وحدت تمامی عناصر تزئین و لازم ملزوم بودنشان نیاز داشت . از این رو در کارگاههای کتابسازی همکاری نزدیکی بین خطاطان ، نقاشان ، مصوران ، مذهبان ، وراقان ، قطاعان و صحافان برقرار بود و در روند تحول هنر کتاب آرایی ایرانی بتدریج نظام زیبایی شناسی کاملی ساخته می شود که ساختار آن در تمامی اجزاء و در کل از منطقی یگانه برخوردار است . تطبیق متقارن عناصر ، تقسیم متناسب سطوح ، تنظیم هندسی نقوش ، تلفیق موزون خطها ، ترکیب متعادل رنگها ، همه دستاوردهای هنر اسلامی- ایرانی هستند که وحدت مضمونی و بصری در نسخه های خطی فارسی را تأمین می کنند . بدینگونه پیوندی درونی بین اجزای مختلف کتاب ، از جلد و سرلوح تا صفحات متن و تصویر به وجود می آید که محصول پیروی هنرمندان و صنعتگران از الگوی فرهنگی یگانه است . هدف مشترك استادان خط و نقاشی و مذهب و صحاف نیل به آن زیبایی متعالی است که نه فقط چشمها را بنوازد بل دلها را روشن کند .

تصاویر ریز نقش داخل کتابهای خطی آن چنان از لحاظ زیبایی شناسی غنی هستند که بر خلاف هنر مصور سازی متعارف ، قابلیت بررسی مستقلانه و خارج از کتاب را نیز دارند ؛ می توان در آنها بلند پروازی خیال و ژرفی احساس نقاش را بروشنی تشخیص داد و بریژه می توان در آنها بازتاب جهان بینی کارگزاران فرهنگ ارزشمند اسلامی - ایرانی را دید . جلوه چنین هنری را در نفیسترتین نسخه های خطی سده های نهم و دهم از جمله در نسخه های شاهنامه

بایسنقری، شاهنامه و خمسه، تهماسبی می توان دید. کهن ترین نسخه خطی موجود، نسخه ورقه و گلشاه عیوقی مربوط به سده های ششم و هفتم هجری است. این نسخه به خط نسخ نگارش یافته و شامل ۷۱ تصویر است که حدود بیست و پنج سال پیش از انبارهای موزه تویقاپو سرای استانبول پیدا شد. و به رغم نظر برخی از هنرشناسان ترك، در عهد سلجوقیان توسط هنرمندان ایرانی ساخته شده است.^۵

در مورد شیفتگی و دل بستگی به کتاب، که نویسنده به شرح حال تعدادی از دوستداران کتاب و مجموعه داران غربی پرداخته، گفتنی است که با مطالعه سرگذشتنامه های علما و دانشمندان ایرانی و اسلامی، می بینیم در میان آنان هم مشتاقان و شیفتگان کتاب بوده و هستند. در سخنان بزرگان اسلام و در پهنه ادبیات فارسی، قطعات فراوانی به نظم و نثر در توصیف و ستایش کتاب موجود است که حاکی از ذوق مطالعه و کتابدوستی آنان و تحریص دیگران به کتابخوانی است.

با تحقیق در این زمینه به این نتیجه می رسیم که سرآمد عاشقان کتاب را در میان دانشمندان اسلامی می توان ادیب و متفکر بصری و نویسنده بزرگ مسلمان ابو عمرو عثمان بن بحر جاحظ دانست که درباره او گفته اند:

« علمای بلاغت و ادب را در عرب و عجم در باب کتب و دفاتر در نظم و نثر مآثری است، اطناب جاحظ از همه بیشتر است. گویا زینت خود را به خامه دانایان و نامه دانایی دانسته نه به جامه پرنیان و عمامه دارایی. و ضرورت در عیش او مکتوب و منقول بوده، نه مشروب و مأكول، حلیف نقل و کتاب است نه حریف نقل و کباب. و رفیقش تنها سفینه غزک بوده بدون صراحی می ناب. می توان گفت کلمات او در باب کتاب، غایه مافی الباب است.^۶ »

۵ - م. مقدم اشرفی، همگامی نقاشی با ادبیات (از سده ششم تا یازدهم هجری قمری)، ترجمه روین پاکباز، تهران، نگاه، ۱۳۶۷، صفحات ۱۴، ۲۴ و ۲۵.

۶ - محمد رضا تهرانی، شرح اربعین، تهران [بی نا]، ۱۳۴۴ ه.ق.، صفحه ۱۰.

« و رآق یعنی کتابفروش و کسی که نسخ خطی را بنا به سفارش اشخاص ، رونویسی می کرد یا می نویسانید و می فروخت . حوزه بصره معدن و مرکز همه گونه کتب بود و می توان گفت حرکت ترجمه که در بغداد به ثمر رسید و رواج و نُضج یافت از بصره آغاز گردید . ابن مقفّع و ماسر جویه و عیسی بن ماسر جویه و منکه هندی و حنین بن اسحاق (در بخشی از زندگیش) زندگی و کارشان در بصره بود ؛ جاحظ ، دانشمند جوان که شوق جنون آمیزی به کتاب داشت نه تنها روزها از این کتابفروشی به آن کتابفروشی سر می کشید ، بلکه چنان که نوشته اند شبها تا صبح ، دکان و رآق را کرایه می کرد و با صرف نظر کردن از خواب ، ساعتها در دکان از بیرون قفل شده ، با حرص و ولعی که تصوّرش شگفت انگیز بود ، این جزوه و آن کراسه و این کتاب و آن دفتر را بسرعت مرور می کرد و یاد داشت بر می داشت . جاحظ تا آخر عمر دست از تداوم مطالعه بر نداشت ، حتّی وقتی درد پشت و ناراحتی چشم و ناتوانی فلج بی تابش ساخته بود ، ساعتی از یار دیرینش کتاب ، جدایی نمی گزید . و آن سطور درخشان که در مقدّمه الحیوان در ستایش کتاب ، نوشته نه محض بلاغت نمایی است که صادقانه ترین حدیث نفس است . او گوید : کتاب بهترین پس انداز و خزانه است و بهترین همنشین و پشتوانه ، خوشترین دلگشایی است و دلکش ترین سرگرمی و کار ، و نیکوترین همدم تنهایی . . . ، و همسایه ای نیکوکار تر و آشنایی با انصاف تر و یاری رامتر و معلّمی آرامتر و دوستی سودمند تر و کم زیان تر برد بارتر و بی آزار تر و بی زحمت تر و کم غیبت تر و خوش گفتار تر و پر شگفت تر و . . . از کتاب نیست ، و کجا دیده ای بوستانی در آستین و باغی در بغل ، گویا از زبان مردگان و ترجمان زندگان ، همدمی که تا نخواییده ای بیدار است . . . و از هر محرمی راز نگه دار تر . . . و کتاب همنشینی است که بیهوده ترا نستاید و دوستی که نفریبت ، رفیقی است که دلگیرت نسازد و شفیقی است که مفت نفروشدت ، همسایه ای که به هنگام نیاز و پناهجویی به تأخیر درنگشاید ، و همصحبتی است که آنچه داری با تملّق نرباید

و به مکر و دروغ نگراید ؛ کتاب همان است که در آن بنگری بهره ات بخشد ، زیانت را بگشاید و انگشتانت را در نوشتن مهارت آموزد و واژگانت را شکوهمند سازد ، جانت را فخر و شادی و سینه را آبادی دهد و بزرگداشت رعیت و دوستی حکومت رابه تو عطا کند ، و به ماهی از کتاب ، چندان علم آموزی که به عمری از افواه رجال نیندوزی ، در حالی که از سنگینی خرج و رنج طلب ، و از این مکتب به آن مکتب شدن در امائی و ناچار نیستی پیش آن کس که در نژاد و نهاد از تو فروتر است و در کردار و رفتار از او برتری ، زانو بزنی و با دشمن خویان و کودکان نشینی ، کتاب است که شب و روز ترا فرمانبر است و مطیع در سفر و حضر ، بهانه خواب آلودگی نگیرد و شب نشینی خسته اش نکند . جاحظ در آخرین لحظه زندگی هم قربانی کتاب شد ، دانشمند مفلوج گرداگرد خود را دیواری از کتابهای حجیم و سنگین چیده بود که ناگاه آوار چرم و کاغذ فرو ریخت و پیر مرد زنده دل زیر بار کتاب مرد^۷

در خاتمه از اولیای محترم بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی (ع) و هیأت علمی آن مرکز که با ترجمه این کتاب موافقت و به چاپ آن اقدام فرموده اند ، همچنین از گروه محترم ویراستاری فارسی صمیمانه سپاسگزارم . امید است این کار که به انگیزه خدمت به جامعه کتابداران و دوستداران کتاب و کتابخانه ، با شور و شوقی خاص صورت گرفته مقبول اهل کتاب واقع شود .

مراسم خفته گل عمر لابلای کتاب که عمر من همه در خدمت کتاب گذشت^۸

محمد علی خاکساری

مسئول بخش فهرست نویسی منابع شرقی

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد

و فهرست نویس کتابخانه بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی .

مشهد مقدس ، بهار ۱۳۷۰

۷ - علیرضا ذکاوتی قراگزلو، زندگی و آثار جاحظ. تهران، شرکت انتشارات علمی و

فرهنگی، ۱۳۶۷. صفحه ۲۱ - ۲۲.

۸ - کمال اجتماعی جندقی.

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

اهمیت تاریخ کتاب و کتابخانه نزد ملت‌های عرب بر هیچ کس پوشیده نیست . زیرا این موضوع ، علاوه بر اهمیت فرهنگی ، در قیام جدید این ملت‌ها و پیامدهای آن ، از قبیل گسترش فرهنگ در نواحی شرق عربی ، امری حیاتی شمرده می شود ؛ بویژه می دانیم که انقلاب مردم اروپا و آمریکا ، تماماً بر پایه علم و فرهنگ و توسعه کتابخانه استوار بوده و همین امر موجب محو بیسوادی در آن کشورها شده است .

در زمینه نشر کتاب و گسترش کتابخانه ، مصر و کشورهای همجوار آن در شرق عربی پیشقدم بوده اند و نشانه های آن آشکار است . از جمله نمونه های آن ، اقدام آموزش و پرورش مصر است به ایجاد بخش ویژه ای برای ترجمه کتابهای مهم و اساسی اروپایی به زبان عربی و ایجاد بخش دیگری برای اجرای طرح « هزار کتاب » به همین منظور ، که این خود گام بزرگی در این راه است ؛ همچنان که ایجاد مرکز اسناد تاریخی در قاهره ، و بخش اسناد و کتابخانه ها در دانشگاه قاهره ، قدمی دیگر در اهمیت دادن به اسناد و تربیت متخصصان در اسناد و کتابداری و اداره کتابخانه هاست و همه اینها از پشتوانه های نهضت ملت‌های عربی است . برای رسیدن به این اهداف

در قدم اول نیاز مبرمی به مجهز کردن کتابخانه های کشورهای عربی به منابع و مراجع در این زمینه ، برای استفاده خوانندگان احساس شد .

از این رو ، کار ترجمه کتاب تاریخ الکتاب^۱ ، اثر سوند دال^۲ ، نویسنده دانشمند و رئیس هیأت امنای دانشگاه کوپنهاک را آغاز کردیم ، نویسنده ای که در کتابش سرمایه علمی عظیمی را با تحقیق ژرف فراهم آورده است ، به طوری که آن را در ردیف نادرترین کتابها در نوع خود قرار می دهد و شامل بحثی فراگیر و مفصل درباره تاریخ کتاب از ابتدای پیدایش آن و از کهن ترین دوران تا کنون ، در سرزمینهای مختلف جهان است . مؤلف این کتاب بحث را از مصر که گاهواره تمدن و مادر کتاب و کتابخانه از هنگام طلوع تمدن انسان است آغاز می کند و پس از آن درباره کتاب در چین و آشور و بابل و آنگاه در مورد طومارهای پوستی که به دست یونانیها ، رومیها و رهبانان قرون وسطا نوشته شده اند ، به تحقیق می پردازد و سپس آخرین مراحل را که کتاب تا امروز پیموده و به دست ما رسیده است مورد بررسی قرار می دهد .

نویسنده ، در ضمن این مباحث ، کاربرد کاغذ را از ابتدای اختراع آن در چین ، تا وضعیت کنونی آن در پیشرفته ترین کشورها بیان می کند . سوند دال در بحث خویش تنها به تاریخ کتاب اکتفا نمی کند ، بلکه به همراه آن تاریخچه پیدایش کتابخانه ها را نیز از دوره پیش از میلاد ، در زمان تسلط فراعنه بر مصر و هنگامی که کاهنان آمون و رع مدیریت کتابخانه ها را به عهده داشتند ، بیان می کند . این کاهنان شاگردانشان را چون امروز برای انجام این وظیفه بدقت تربیت می کردند .

نویسنده پس از این بحث به تحقیق درباره کتابخانه های اروپا در قرون وسطا ، اعم از کتابخانه های دیرها ، کلیساها و پاپها یا کتابخانه های دانشگاهی و اختصاصی می پردازد .

اما در بیان تاریخچه جلد کردن کتاب ، نویسنده بر اساس ترتیب زمانی پیش می رود و سیر تکاملی این هنر را از دوران فراعنه تا کنون در سرزمینهای گوناگون

1- Histoire du livre.

2- Svend Dahl.

شرق و غرب و حتی در دورانهای مختلف شرح می دهد : تجلید با پاپیروس در زمان فراغت ، تجلید با غلافهای پریشی یا محفظه های چوبی و سنگی در یونان و روم باستان ، یا جلد کردن با طلا و نقره و سنگهای قیمتی در اروپای قرون وسطا و تجلید با پوست و کاغذ ، یا جلد های پوستی و کاغذی که هم اکنون رایج است .

در کنار همه اینها ، آنچه سوند دال را ممتاز می سازد ، این است که وی در کتاب خود مراحل تکامل مصور سازی کتاب را در دوران های مختلف ، از قدیم تا به امروز به گونه ای هنرمندانه شرح می دهد ؛ از جمله مصور سازی با استفاده از رنگهای دستی ، یا کنده کاری دستی روی چوب و مس و سنگ و یا مصور سازی با استفاده از روشهای عکاسی و وسایل جدید . وی موضوعاتی را که شرح آنها مستلزم دقت است ، در نهایت آسانی عرضه می کند و این خود بر ذوق هنری او و ید طولایی که در این رشته دارد ، گواهی می دهد .

علاوه بر این ، در این کتاب ، تاریخچه مفصل چاپ از زمان اختراع آن توسط گوتنبرگ آلمانی در قرن پانزدهم تا کنون در کشورهای مختلف اروپایی از قبیل آلمان ، ایتالیا ، فرانسه ، انگلستان ، هلند ، بلژیک و کشورهای شمالی بیان شده ؛ بررسیهای گوناگونی درباره انواع حروف و ابزار چاپ به عمل آمده و برخی از آنان با برخی دیگر ، در داخل و خارج این کشورها مقایسه شده ؛ و نیز آخرین ابتکارات فن چاپ و عکاسی جدید ، و شگفتیهای چاپ که وصف ناشدنی است ذکر گردیده است .

نویسنده در کتابش از ذکر مشروح زندگی کتابفروشان و اتحادیه ها و قوانینشان در سرزمینها و دورانهای مختلف غفلت نکرده است .

خلاصه کلام آن که این کتاب دارای شش بخش مهم است که مباحث تاریخی مفصل را از کهن ترین دوران تا امروز در بر دارد به این شرح :

۱- ماده کتاب و شکل آن .

۲- جلد کردن کتاب .

۳- مصور سازی کتاب .

۴- تاریخ چاپ کتاب .

۵- تشکیلات تجارت کتاب و قوانین آن .

۶- تاریخچه کتابخانه ها در کشورهای مختلف جهان .

شکی نیست که همه اینها ، گواه بر این است که نویسنده مطالب فراوان و مهمی را در این کتاب گرد آورده و همین امر سبب شده است که کتاب او در نوع خود به صورت اثری برجسته در آید ، تا آن جا که دانشمند معروف لویی بارتو^۳ ، که از وزرای بزرگ فرانسه و عضو برجسته انجمن فرانسه^۴ و بسیار کتابدوست بود ، برای این کتاب پیشگفتار نوشته است^۵ . البته معروفیت او به سبب مباحث و شرح حالهای فراوانی است که برای رجال انقلاب فرانسه نوشته است .

در عین حال ، نباید از ارزش این کتاب- بویژه در این دوره از نهضت پر برکتان- در معرفی جایگاه رفیع مصر در تاریخ کتاب و کتابخانه در دوران فراعنه ، و برتری مصر در تعلیم صنعت کاغذ و تذهیب و تجلید شرقی در طول قرون وسطا تا عصر نهضت جدید اروپا غفلت کنیم . شکی نیست که تصاویر متعددی که در این کتاب آورده شده برای توضیح نکات دقیق ضروری بوده است ؛ مع ذلک ما به اینها بسنده نکرده ایم و برای استفاده بیشتر خوانندگان تصاویر دیگری را هم بر آن افزوده ایم . ما برآستی معتقدیم که این کتاب خلأ مهمی را در کتابخانه های عربی پر می کند و از نادرترین کتابها در این زمینه به شمار خواهد رفت ؛ و امیدواریم ترجمه این کتاب ارزشمند گامی باشد در جهت اعتلای فرهنگ کتابداری عربی در تمامی شرق و گامهای دیگری را در پی داشته باشد .

سَدَدُ اللّٰهِ خَطَّانًا وَ هِدَانَا سِوَاءَ السَّبِيلِ

توفیق اسکندر و محمد صلاح الدین حلمی

قاهره ، فوریه ۱۹۵۸ م .

3- Louis Barthou.

4- Institute de France.

۵- در ترجمه عربی این پیشگفتار نیامده است .

بخش اول

تاریخ کتاب در دورانهای باستان

تاریخ کتاب قدمتی بیش از پنجهزار سال دارد . با وجود این ، در ثلث نخستین این دوره طولانی ، جز رویدادهای اندك و پراکنده چیزی نمی یابیم که بتوان با تکیه بر آن ، تصویری روشن از وضعیّت کتاب در آن زمانهای دور به دست آورد ؛ و به رغم کاوشهای باستانشناسی معاصر و کشفیات ارزنده ای که در این زمینه به دست آمده است ، هنوز ، مشکلات بسیار و اموری تردید بر انگیز پیش روی ما قرار دارند ، نویسندگان رومی نیز که در تمام آنچه به تاریخ تمدنهای باستان مربوط می شود مرجع اصلی ما هستند ، جز اطلاعاتی بسیار اندك در این زمینه چیزی در اختیار نمی گذارند . بدین جهت می بایست این موضوع را در نهایت هوشیاری و احتیاط بررسی کرد ؛ زیرا چه بسا کاوشهای باستانشناسی متروکه ای که به عنوان قدمهای اولیه برای رسیدن به نتایج و نظریه های عمومی آغاز شده اند ، اما پس از اندك زمانی متزلزل شده اند و کاوشهای جدید آنها را از بین برده است .

خط و کتابهای نخستین

نوارهای بردی مصری

در تاریخ خط و کتاب ، مصریان باستان گوی سبقت را از دیگران ربوده اند ؛ کما

این که در تمامی زمینه های تمدن انسانی نیز همیشه پیشرو بوده اند . برای آنان پیشرفت در زمینه خط و کتاب ، امری طبیعی بوده است ، زیرا کاوشهای باستانشناسی بر درخشش ادبی مصر در دوران امپراتوری فراعنه که با این تمدن مصری مرتبط است ، گواهی می دهد .

گیاه بردی و آماده سازی آن

در دورانه های باستان در آبهای راکد و باتلاقهای دلتای نیل گیاهی به وفور وجود داشت که به یونانی پاپیروس^۱ نامیده می شد و معنایی برای این اسم به دست نیامده است . این گیاه به گروه گیاهان بنددار تعلق دارد و در حال حاضر کمیاب است و مصریان برای کارهای گوناگونی از آن استفاده می کردند .

آنچه در این جا به ما کمک می کند استفاده آنان از ساقه این گیاه است که مثلی شکل بود و ارتفاع آن به چندین متر می رسید . مصریان مغز این گیاه را به قطعات بسیار نازکی می بریدند و سپس می فشردند و آنها را کنار هم می چیدند و سپس بالای آن لایه دیگری از قطعات می گذاردند بطوری که بر هم عمود بودند . آنگاه با چکشی بر این دولایه که روی هم قرار گرفته بود می کوبیدند تا بچسبد . پیداست که شیره چسبنده ای که در این قطعات بود به چسبیدن دو طبقه کمک می کرد . همچنین احتمال دارد که آنان چسب مخصوصی به کار می بردند . به هر حال چسب آن محکم بود ، به دلیل این که بسیاری از برگهای پاپیروس با آن که قرنهای از ساختن آن می گذرد تا به امروز به همان حال باقی مانده اند .

این احتمال نیز می رود که آنان پس از آن که قطعات را به ترتیب مزبور به برگه ای تبدیل می کردند ، روی آن چسب می مالیدند تا نوشته پخش نشود ، سپس آن را در آفتاب می خشکاندند و جلا می دادند تا سطح آن برآق و درخشان شود . پس از انجام این کارها ، آن برگه حتی اگر چندان مرغوب هم نبود نرم و لطیف می شد ، و این نرمی تا زمان حاضر نیز استمرار پیدا کرده است ، به حدی که باعث شگفتی است . بعد از این

1- Papyrus.

مرحله ، برخی از این برگه ها را به برخی دیگر از چپ به راست در قطعات بلند می چسباندند .

چنین بر می آید که تهیه و آماده سازی برگ پاپیروس از نخستین دوره در زمره صنایع در آمد تا آن جا که همانند کاغذ در عصر ما ، در مجموعه های بزرگ و بسته ها یا توپهایی که بر حسب نیاز و اندازه لازم بریده می شدند ، فروخته می شد . بطور کلی قطعاتی از پاپیروس به طول ۱۵ و ۱۷ سانتیمتر مورد استفاده واقع می شد . گرچه در زمانهای اخیر قطعاتی به دست آمده که طول آن به سه برابر این میزان می رسد .

بهترین نوع پاپیروس آن است که رنگ آن باز و مایل به زرد یا تقریباً سفید است . اما انواع نامرغوب آن نیز متفاوت بوده و این تفاوت بستگی به میزان تیرگی آن داشته است . صنعت پاپیروس در هزاره سوم پیش از میلاد به اوج شکوفایی خود رسید ، و بعدها نیز از آن مرحله تجاوز نکرد . گرچه ممکن است با گذشت زمان ، در کیفیت پاپیروس و انواع آن تفاوتهایی به وجود آمده باشد تفاوتهایی که از روشهای گوناگون تهیه آن ناشی می شده ، اما اطلاعات ما در این زمینه اندک است و به اطلاعات دقیقی نیازمندیم ، چرا که در ارتباط با صنعت پاپیروس ، به گونه ای که هم اکنون آن را می شناسیم اطلاعات ما از منابع مصری به دست نیامده ، بلکه آنها را از نویسنده بزرگ رومی ، پلینی^۲ ، و نیز از تحقیقات گروهی اندک از دانشمندان باستانشناس جدید مصری ، کسب کرده ایم .

کتاب در مصر باستان

انواع پاپیروس ، چه نوع هیراطیقی آن که به کهن ترین دوران می رسد ، یا نوعی که در زمان نزدیکتر و در عصر جدید به دست آمده از لحاظ صفت مشترکی که دارند ، یعنی تفاوتی که در دوروی برگه وجود دارد ، از همدیگر متمایز می شوند . به علت قرار

2- Plinius.

گرفتن دو طبقه قطعات پاپیروس به طور عمودی بر روی یکدیگر بناچار این اختلاف به وجود می آید . رویه ای که قطعات به طور افقی چیده شده اند رکتو^۳ نامیده می شود و این همان سطحی است که غالباً برای نوشتن مورد استفاده قرار می گیرد ؛ اما رویه دیگر که ظاهر ورقه است و به ورسو^۴ معروف است ، جایی که قطعات به طور عمودی چیده شده اند ، بندرت برای نوشتن به کار می رود . به هر حال ماده پاپیروس نرم برای تابیدن مناسبتر است .

رسم بر این بود که خطها به اندازه طول برگه پاپیروس نباشد ، و نوار به ستونهای از خطوط بسیار کوتاه تقسیم می شد . همچنین کتاب به قسمتهایی که شبیه صفحه بودند تقسیم می گردید و با باز شدن نوار نوشته ظاهر می شد .

از جمله برگه های پاپیروس که معروفیت زیادی دارد ، نوارهای بردی کتابخانه دانشگاه لایپزیک^۵ است که درازای آن تقریباً به ۲۰ متر می رسد و دارای ۱۱۰ صفحه است ، و از طرف خارج و سمت راست روی آن نوشته شده و صفحات به دنبال هم از راست به چپ قرار دارند .

اما خطی که در آن به کار رفته ، خط هروگلیفی باستانی که دارای اشکال متعدّد است و آن را در سنگ نوشته های مقدّس عصر فرعون می بینیم ، نیست بلکه نوعی خطّ مایل و آسانی است که در دوره های نخستین انتشار یافته و مخصوصاً بر پاپیروس نوشته می شده است . بر این خط ، نام هراطیقی ، یعنی خط کهنوتی اطلاق می شد ؛ کما این که بهترین نوع پاپیروس نیز به پاپیروس هیراطیقی معروف شده بود . روش دیگری برای نوشتن وجود داشت که در عصر جدید به کار رفته و به دیمو طیقیّه یا شعبیه شهرت داشته و بسیار ساده و آسان بوده است .

اما کهن ترین نوار پاپیروس معروف ، تقریباً مربوط به سال ۲۴۰۰ پیش از میلاد است ، هرچند این مطلب نیز ثابت شده که پاپیروس از دوران خط هروگلیفی برای نوشتن مورد استفاده قرار می گرفته است ، به دلیل این که یکی از حروف خط هروگلیفی به شکل نوار پاپیروس است .

ابزار نوشتن

مصریها برای نوشتن ، از ساقه نی استفاده می کردند . این ساقه به طور مایل تراشیده می شد تا بتوان به آسانی بر حسب جهت خاصی که به آن داده می شد ، ریز یا درشت نوشت . با این حال از قرن سوم پیش از میلاد نوشتن با قلمی که تراشیده و نوک تیز بود و کالاموس (قلم)^۶ نام داشت آغاز شد . از آن جا که این قلم برای دقت بسیار در نوشتن مناسب بود ، از این زمان استعمال آن رواج یافت . خط کش هم که برای خط کشی کردن خطوط و صفحات به کار می رفت ، مانند قلم ، وسیله ای بود که هر خطاطی به آن احتیاج داشت .

مرگبی که مصرف می کردند از سنگ یا ذغال چوب و آب و چسب تهیه می شد و خیلی بهتر از مرگبی بود که امروزه ما از آن استفاده می کنیم . مکتوبات برجای مانده از عهد فراغه ، پس از هزاران سال هنوز رنگ سیاه روشن و زیبای خود را حفظ کرده اند . از جوهر قرمز نیز برای نوشتن عنوانها و سر فصلها استفاده می شد . نویسندگان ، قلم مو و مرگبش را در قلمدان قرار می داد ؛ قلمدان محفظه ای مستطیل شکل از چوب نازک بود که جایی برای قلم و دو شکاف یا بیشتر برای مرگب داشت . مصریها برای نگهداری پاپیروس قطعاتی از چوب یا گل را به کار می بردند . از آن جا که رویه بیرونی نوار بیشتر در معرض نابودی است ، آن را طوری می ساختند که محکمتر باشد ، یا برای نگهداری آن را در داخل روکشی می گذاشتند . همچنین برای مقاومت بیشتر آن ، به اطراف نوارها قطعاتی چسبانده می شد .

رطوبت و برگه های پاپیروس

نباید تصور شود که بر جای ماندن مقدار زیادی از انواع برگه های پاپیروس تا به امروز به علت دوام ماده ای بوده که پاپیروس از آن ساخته شده است ؛ چرا که بنا به گفته نویسندگان پیشین ، نوارهای پاپیروسی وجود داشته اند که پس از گذشت چند صد سال فرسوده شده اند و نویسندگان بسیاری نیز از سستی و تحمل ناپذیری و نا پایداری آن بر

اثر گذشت زمان شکایت داشته اند . علاوه بر این ، پاپيروس همواره در معرض حملات آفتها و حشرات است و به همین دلیل برای مقاوم شدن آن را در روغن درخت سدر فرو می بردند . رطوبت نیز بزرگترین دشمن پاپيروس است و طبعاً نمی توان شماره برگهای پاپيروسی را که در اثر رطوبت از بین رفته اند تخمین زد . آنچه در این باب می توان گفت این است که در عصر حاضر تمامی برگه های پاپيروس موجود در موزه ها و کتابخانه ها ، بخش کوچکی از کل پاپيروسهای نوشته شده در دورانهای گذشته اند و به طور غیر مستقیم این خود دلیل بر این است که رطوبت ، علت اصلی نابودی آنها بوده است . بیشترین پاپيروس از کاوشهایی به دست آمده که در مصر انجام شده است . هر چند در یونان و روم باستان - که شرح آن بعداً خواهد آمد - پاپيروس تقریباً به مدت دو قرن و در سطحی وسیعتر از مصر مورد استفاده بوده ، اما در این سرزمینها مقدار بسیار کمی نوار پاپيروس به دست آمده ، زیرا نامناسب بودن آب و هوای آن مناطق باعث شده که نوارها از بین بروند ، در صورتی که هوای خشک مصر عامل اصلی محفوظ ماندن پاپيروس بوده است .

در حقیقت نوارهای پاپيروس که در ریگزارهای مصر مدفون شده اند ، تمامی آنها به گونه ای محفوظ مانده اند که گویی در موزه جای داشته اند ؛ حتی می توان گفت از موزه هم بهتر نگهداری شده اند ، زیرا در موزه می بایست در ویتترینهای شیشه ای محکم و قفل شده نگهداری می شدند . بیشتر این پاپيروسها از گورهای مصریان باستان به دست آمده که بهترین جا برای نگهداری ماده ای کم دوام نظیر پاپيروس است . در آخرین قرنهای پیش از ظهور مسیح ، رسم این بود که تابوتهای اجساد مومیایی شده از اوراق پاپيروس مستعمل که به یکدیگر می چسبانند و روی آن را با گچ می پوشانند ، ساخته می شد . امروزه تعدادی از متون نوشته شده بر برگه های پاپيروس از این راه به دست ما رسیده است .

کتابهای مردگان

بیشترین اوراق پاپيروسی که در دست داریم مربوط به یک رسم دینی است که

مقداری نوشته های مقدّس و غیره را در قبر مردگان می گذاشتند تا پشتوانه ای برای مرده در رفتنش به جایگاه مردگان باشد . از مهمترین این متون کتاب مردگان است که دوران مهمّی را به این طریق سپری کرده ، و قدمت آن تقریباً به سال ۱۸۰۰ پیش از میلاد می رسد ، و متن آن بتدریج تحوّل یافته و تقلیدی شده ، و پیداست که کاهنان مقدار زیادی از متن را قبلاً آماده می کردند و جایی خالی برای نوشتن اسم مرده باقی می گذاشتند . بدین طریق آنها همانند کلیسای کاتولیک تجارت می کردند و آن را بعداً به نام سندهای آمرزش به فروش می رسانیدند . فروش کتاب مردگان نوعی تجارت منحصر به فردی بود که در مصر قدیم به تجارت کتاب معروف بود ، زیرا از این تجارت اثر دیگری به ما نرسیده است .

اما کتابهای مردگان از لحاظ دلبذیری تصویر فرق می کردند . تصور می شود که نخست این اشکال را یک هنرمند ترسیم می کرد ، سپس خطاط نوشته های لازم را بر آن می افزود . در بیشتر حالات ، این اشکال در اطراف نوشته و در طول نوار پاپیروس یا بر بالای نوشته رسم می شد . این اشکال از لحاظ ارزش هنری با یکدیگر فرقه های بسیاری داشتند ، گرچه همه آنها در معیارهایی که اشکال مصری بدان وسیله مشخص می شدند با یکدیگر مشترک بودند . برخی کتابهای مردگان دارای عکسهای رنگی بود که از حیث ارزش و آماده سازی با یکدیگر تفاوت داشتند و احتمال می رود که این نوع کتابها مخصوص مردگان ثروتمند یا بزرگان بوده است ، در حالی که عامّه مردم به تهیه نوع پست و ساده آن قانع بودند .

چنانکه می دانیم پاپیروس کالایی گران قیمت بود ؛ بویژه اگر به صورت کلی صادر می شد . مع ذلک پاپیروس تنها ماده ای نبود که مصریان برای نوشتن به کار می بردند ؛ آنان از لوحه های چوبی که پوشیده از گچ بود نیز برای نوشته های مختصر استفاده می کردند ، حتّی الواح چهارگوشی از سنگ آهک و گل و پوست نیز برای نوشتن مورد استفاده قرار می گرفت .

کتابخانه های مصر فرعونى

از کتابخانه های مصریان دوران باستان اطلاعی در دست نیست . در مصر یا جاهای دیگر مجموعه های کتاب و آرشیوها از یکدیگر جدا نبودند ؛ و عجب نیست که کتابها و اسناد در شکل خارجی مشترك بودند و با روشهای مشابهی نگهداری می شدند . کتابخانه های دوران قدیم در مصر ، مانند جاهای دیگر وابسته به مراکز دینی یعنی معبد ها و پرستشگاهها بودند . در حوالی تبس^۷ دو قبر وجود دارد که بر اساس نوشته های روی آنها صاحبان آن دو قبر لقب کتابدار داشته اند و پدر و پسری در آن دو مدفونند . بدون شک آنان به بزرگترین دسته از دانشمندان که طبقه دینی یا کاهنان بوده اند منسوبند .

کتابهای چین باستان

در همان زمانی که برگه های پاپیروس ماده اصلی برای نوشتن بود ، و با این ماده شکل خارجی کتاب مصری مشخص می شد . همان شکل نوارهای پاپیروس - در ناحیه ای دوردست یعنی چین ، تمدن دیگری شکوفا شد و به حد اعلای کمال رسید ، و آثارش در صنعت کتاب نمایان شد .

گفته می شود در طی هزاره سوم پیش از میلاد در این سرزمین ادبیات رونق زیادی داشته است هر چند نمی توان درباره کتابهای آن ایام سخن گفت اما معروف است که این رونق ادبی در هزاره دوم قبل از میلاد بوده است . در این کشور مورخان امپراطوری زندگی می کرده اند که از مشهورترین آنها لائوتسه^۸ است . وی در حدود سال ۵۰۰ قبل از میلاد می زیسته است .

کتابهای چوبی

موادی که در آن زمان برای کندن کاری به کار می رفت ، بویژه شامل لوحه های

۷- Thebes ، شهری قدیمی در مصر در کنار نیل .

8- Laotzu (Laotse).

چوبی بود که با ابزاری تیز ، کنده کاری شده سپس بوسیله قلم نی بلندی با مرکب بر روی آن نوشته می شد . از این نوع نوشته های چوبی چیزی که قابل ذکر باشد باقی نمانده و علت اصلی آن صدور فرمان امپراتور چین تسن شی هوانگ تی^۹ در سال ۲۱۳ پیش از میلاد بود که دستور داد تمامی کتابها را برای کیفر نویسندگان آن که از فعالیت سیاسی او انتقاد کرده بودند از بین ببرند ، که جز چند کتاب از سوختن در آن آتش نجات نیافت . اما بیشتر کتابهای چوبی که پس از آن نوشته شد ، در زیر زمین مدفون و نابود شد .

کتابهای ابریشمی

فرمان امپراتوری سابق به ظهور فعالیت ادبی بزرگی منجر شد ، زیرا تلاشهایی برای جبران خسارات وارده بر کتابهای چوبی به عمل آمد و به برکت آن تحقیقی در آداب قدیمی باقی مانده از دوران کنفوسیوس^{۱۰} و باز نویسی آن آغاز شد . در این زمان مردم به الواح چوبی قانع نشدند ، و ابریشم را به کار گرفتند ، و بوسیله قلمهای نی و فرش ای از موی شتر بر آن می نوشتند . ابریشم به علت دارا بودن چندین ویژگی بر پاپیروس امتیاز داشت ، بویژه از حیث نرمی و درخشندگی آن ، گرچه قیمت آن از پاپیروس گرانتر بود .

الواح گلی آشوری بابلی

در آن زمان - به غیر از مصر و چین ، مرکز تمدن بزرگ دیگری وجود داشت و آن آشور و کلد - بود که تاریخ کتاب در آن به هزاره سوم پیش از میلاد می رسد .

الواح نیپور^{۱۱} ، نینوا^{۱۲}

کاوشهایی که در اطراف شهر نیپور بابل بین سالهای ۱۸۹۰ و ۱۹۰۰ توسط باستانشناسان آمریکایی انجام شد ، منجر به کشف معبدی گردید که دارای اطاقهای

9- Tsin shihuang Ti.

10- Confucius.

11- Nippur.

12- Nineveh.

بسیار و پر از الواح گلی بود، و دلالت بر این داشت که این معبد در اصل جزئی از کتابخانه ای غنی، و مخزن اسنادی بوده که مربوط به نیمهٔ دوم از هزارهٔ سوم (یعنی بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ پیش از میلاد) است. دو دانشمند بریتانیایی لایارد^{۱۳} و راسام^{۱۴} حدود سال ۱۸۵۰، آرشیو و الواح کتابخانهٔ پادشاه آشور بانیپال^{۱۵}، پادشاه آشور و نینوا را کشف کردند. این اسناد مربوط به قرن هفتم پیش از میلاد و شامل ۲۲۰۰ لوح بود.

کتاب آشوری بابلی

در این کتابت حروف بر الواحی از گل کنده کاری می شد، و این کار هنگام نرمی و تری آن، با وسیله ای مثلثی شکل که تیز نبود و از سنگ یا عاج و یا چوب ساخته شده بود انجام می گرفت. خط بابلیها و آشوریهها که زاویه دار است^{۱۶}، مربوط به ماده و آلتی است که در این نوشته ها به کار می بردند، و پس از پایان نوشتن، الواح را مانند خشت خشک شده در کوره می گذاشتند تا پخته و محکم شود.

بر روی برخی الواح بزرگ سوراخهای کوچکی وجود داشت که ضمن پختن الواح، از آن جا بخار ملایمی خارج می شد. اندازه های این الواح با هم تفاوتهای بسیار داشت، گرچه بیشتر آن در اندازه نصف ورقه در قطع $\frac{1}{8}$ معمولی بود و بطور عموم بر روی این الواح - که گود یا نوک تیز بود - نوشته می شد.

کتابخانه های بزرگ بابل و آشور

بابلیها ملتی علاقه مند به خط بودند. از این رو طبعاً مجموعه های بزرگی از الواح

13- Layard.

14- Rassam.

15- Ashurbanipal.

۱۶ - Cuneforme به کلمه لاتین Cunemus باز میگردد که به معنی میخ یا چوب شکاف است به همین جهت این خط را خط میخی یا اسفینی میگویند چون حروف آن به شکل همان شکاف است مانند این اشکال:  ... و کلمه Cuneus لاتین به Coins در زبان فرانسه قدیم قرون وسطا باز میگردد و معنای آن حق زدن سکه تقلبی است.

کنده کاری شده داشتند ، و این امر منحصر به شهر نیپور نبود ، بلکه شامل شهرهای دیگر بابل نیز می شد ، از قبیل : اروک^{۱۷} ، بورسیپا^{۱۸} ، کوتا^{۱۹} و غیره و شهرهایی که مراکز کتابخانه های بزرگ بودند بنا به گفته جغرافی دان و مورخ یونانی سترابون (امازی) دو شهر اروک و بورسیپا در عصر یونانیها وجود داشته اند .

اما در آشور ، مشهورترین کتابخانه های آن جا کتابخانه های معبد های شهرهای آشور و کالح^{۲۰} و اربیل^{۲۱} و نینوا بودند . اندکی پیش از سقوط امپراتوری آشور ، کتابخانه بزرگ و آرشو مخصوص پادشاه آشور بانیپال که اکنون یاد کردیم به مجموعه های نینوا افزوده شد .

پیدا است که این کتابخانه را جد بزرگ پادشاه آشور بانیپال ، سارگن^{۲۲} دوم تأسیس کرده بود ، اما در زمان حکومت آشور بانیپال شهرت یافت ؛ زیرا وی دستور داده بود که نسخه ای مبوب را که از نوشته های آرشیوهای شهرها و معابد گرد آوری شده بود در آن کتابخانه نگهداری کنند و بدین جهت پایتختش مرکز علوم آشوری شد .

بسیاری از این نوشته ها به زبان سومری بودند ، همان زبانی که اقوام فرات پیش از عصر آشوری به آن تکلم می کردند و نام پادشاه به این الواح نوشته شده بود . بر بسیاری از آنها نوشته شده بود که پادشاه آنها را در قصرش بررسی و مرتب کرده است . و غالباً متن بر سلسله ای کامل از الواح که گاهی به صدها لوح می رسید ، نوشته می شد ، و آخرین لوحه تعداد الواح همه کتاب را نشان می داد .

نهایتاً این کتابخانه سلطنتی را پس از اندک زمانی مادها^{۲۳} و کلدانیها^{۲۴} بر اثر جنگ بانیپال و سوختن کتابخانه ها در سال ۶۷۰ پیش از میلاد ویران ساختند . خوشبختانه آتش الواح گلی را از بین نبرده ، اگر چه برخی از آنها به گونه ای از شکل افتاده اند که خواندن خطوط آنها دشوار است . الواح به دست آمده از نینوا در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می شوند و از مهمترین گنجینه های گرانقیمت آن موزه بشمار می روند ؛ و به واسطه وجود این الواح است که از تمدن آشوریهای باستان ، بویژه زندگی دینیشان آگاه

17- Uruk.

18- Borsippa.

19- Kuta.

20- Calah

21- Arbela.

22- Sargon.

23- Medes

24- Chaldeans.

مواد دیگری که برای نوشتن در دوران باستان به کار رفته اند

پوست درخت

دیدیم که مواد مورد استفاده برای کتابت ، در طی قرنهای اولیه تاریخ و دورانهای مختلف چقدر با هم متفاوت بوده اند . با همه اینها به احتمال قوی نخستین ماده ای که برای نوشتن به کار رفته پوست درخت بوده است . شایان ذکر است که در این مورد کلمه یونانی بیبلوس^{۲۵} و کلمه لاتین لیبر^{۲۶} که هر دو به معنی کتاب اند به پوست درخت اطلاق شده است . وقتی دانستیم که شاخه و برگ درخت خرما پس از خشکاندن و روغن زیتون زدن در دورانهای گذشته برای نوشتن به کار می رفته ، و هنوز هم در هند برخی از آن استفاده می کنند . نباید تعجب کنیم که پیشینیان ماده ای از همین نوع برای این منظور انتخاب کرده اند . یعنی انتخاب پوست درختان برای نوشتن . نوشتن بر پوست درختان مانند نوشتن بر شاخه و برگ درختان خرما بوسیله سوزن امکان پذیر بود .

پارچه

پارچه نیز در صنعت کتاب مورد استفاده قرار گرفت . تیتوس لیووس^{۲۷} و سایر نویسندگان پیشین از نوارهای پارچه سخن گفته اند .

کتاب در دوران یونانی و رومی

نوارهای پاپیروس در یونان

25- Byblos.

26- Liber.

27- Titus Livus.

تطور آن

می توان گفت نوارهای پاپیروس نخست در قرن هفتم پیش از میلاد و در سرزمینهای یونان پیدا شد . با این حال پاپیروس دائماً به مقدار زیادی از مصر به سرزمینهای یونان صادر می شد ، تا آن که در قرن پنجم کار برد آن همگانی شد . هرودوت مورخ یونانی در توصیفش از مصر نامی از نوارهای پاپیروس نمی برد . این امر بر این دلالت دارد که استفاده از پاپیروس در سرزمینهای مصر امری عادی بوده است . یونانیها به برگه پاپیروس خام که از آن برای نوشتن استفاده می شد نام خارطیس که همان قرطاس عربی است اطلاق می کردند . سپس رومیها این کلمه را از آنان گرفته و چارتا^{۲۸} نامیدند و کلمه کارت^{۲۹} (فرانسه) به معنای نقشه از آن گرفته شده است . اما یونانیها نوارهای پاپیروس را کی لند روس^{۳۰} ، یعنی استوانه و رومیها آن را ولومن^{۳۱} می نامیدند که در عصر ما به معنی هر جلد از کتابهای چند جلدی است . همچنین یونانیها کلمه دیگری به کار برده اند که توموس است . رومیها کلمه توموس^{۳۲} را به معنای نوار پاپیروس به کار می بردند که از قطعات چسبیده شده به هم درست می شد .

کتاب یونانی در قرن سوم و چهارم پیش از میلاد

کهن ترین برگه های پاپیروسی که می شناسیم مربوط به قرن چهارم پیش از میلاد است ، و هنوز خط آن به همان شکلی که در گذشته بوده باقی مانده است همان طور که در بحث از سنگ نوشته ها آن را دانستیم . از نوارهای این دوره جز اندکی باقی نمانده است ، تا آن جا که رسیدن به یک نتیجه کلی دشوار می باشد . در این باره جز از آغاز قرن سوم پیش از میلاد آگاهی نداریم و این هم با تکیه بر کاوشهای بسیار در مورد پاپیروسها یونانی است که در مصر و آسیای صغیر با ویژگیهای خاص خودشان در خلال قرن نوزدهم به دست آمده اند .

28- Charta.

29- Carte.

30- Kyliindros.

31- Volumen.

32- Tomus.

عصر اسکندر و دوره هلنی

از آن جا که بسیاری از برگه های پاپیروس به دست آمده مربوط به قرن سوم پیش از میلاد است ، به احتمال زیاد علت اصلی آن ظهور تمدن و حیات عقلی یونانیان ساکن مصر بوده است . این تمدن و حیات عقلی از زمانی آشکار شد که اسکندر کبیر سرزمین مصر را به امپراطوری وسیع خود ضمیمه کرد . از آن زمان پاپیروس بیش از پیش نشانه حیات معنوی یونانیان شد . به دنبال تقسیم امپراتوری اسکندر و تأسیس کشوری نیرومند به دست بطلمیوس اوگ در وادی نیل ، روابط میان دو تمدن یونان و مصر فزونی یافت . وی تمامی نیروهای خود را وقف این کرد که اسکندریه ، پایتخت جدیدش را نه تنها از جنبه سیاسی و اقتصادی بلکه از جنبه تمدن نیز به مرکزی بزرگ تبدیل کند . سپس پسرش بطلمیوس دوم دانشمندان یونانی را فرا خواند و زندگی توأم با آسایش را برای آنان تضمین کرد ، تا همچون برادران دینی یا اعضای نوعی آکادمی گرد هم آیند . محل این گرد هم آیی معبد خدایان هنرهای جدید به نام موزیون^{۳۳} بود . این مدرسه به روش مدرسه مشهور مشائیان در آتن ایجاد شده بود . بعلاوه مهمترین چیزی که دانشمندان را جذب کرد کتابخانه بزرگی بود که بطلمیوس اول به فکر تأسیس آن بود و سرانجام توسط پسرش افتتاح شد .

کتابخانه بزرگ اسکندریه

این کتابخانه یکی از مشهورترین و بزرگترین کتابخانه های دوران باستان است که در حقیقت شامل دو مجموعه بود : بزرگتر آن در قصر پادشاه و مجموعه کوچکتر در معبد سیراپیس^{۳۴} یا سیراپیون^{۳۵} قرار داشت . هدف از ایجاد این کتابخانه گردآوری تمامی ادبیات یونانی از بهترین نوع نسخه ها در یک مجموعه و منظم کردن و حاشیه نوشتن بر آن بود و برای رسیدن به این هدف تلاش بسیار شده بود . به این ترتیب شاهد نخستین تجلی بررسیهای زبانشناسی بوده ایم .

33- Mouseion.

34- Serapis.

35- Serapeion.

کالیماخوس^{۳۶} شاعر ، از جمله دانشمندان ناظر بر این کتابخانه بوده که برای کتابهای آن فهرستی موضوعی به نام پیناکس^{۳۷} تهیه کرد و به رغم نابودی نسخه اصلی فهرست ، نسخه های گزیده ای از آن به دست ما رسیده که مدرکی است دال بر آن که این یونانی برجسته به صفاتی که لازمه یک کتابدار می باشد آراسته بوده است .

برای پی بردن به اهمیت کتابخانه اسکندریه سندی که قابل اطمینان باشد در دست نیست . می گویند کتابخانه اصلی تقریباً شامل ۴۹۰۰۰ ، و کتابخانه وابسته به آن شامل ۴۳۰۰۰ نوار پاپیروس بوده است . فرضاً که این ارقام درست باشد ، بدون شک نسخه های متعددی از یک کتاب وجود داشته است . این کتابخانه بودجه زیادی برای خرید کتاب داشته ، و در نسخه برداری از نسخه هایی که فرسوده می شد ، یا نوشتن نقد بر آثاری که تحریف شده بود تلاشی مستمر صورت می گرفته است . نوشته های مهم و طولانی ، به چند طومار که تقریباً به لحاظ طول به یک اندازه بودند و آغاز و انجام فصلها رعایت شده بود تقسیم می شد ؛ نوشته های کوتاه در یک طومار گرد می آمد و این امر گرایش کتابداران را در به کار گرفتن اندازه ای معین برای طومارهای موجود در کتابخانه نشان می دهد .

شکل کتاب یونانی

هر چند یک طومار کامل پاپیروس به دست ما نرسیده است ، ولی احتمال می رود به طور کلی طول طومارهایی که به کار گرفته شده شش تا هفت متر بوده است . وقتی نسخه خطی پیچیده می شد به شکل استوانه ای در می آمد که قطر آن به پنج تا شش سانتیمتر می رسید و در دست گرفتن آن آسان بود . طول طومارها بندرت از ده متر بیشتر می شد . پهنای آن نیز متفاوت بود گرچه برای ثابت نگاهداشتن پهنای طومارها در یک اندازه معین کوشش صورت می گرفت در میان طومارهای پاپیروسی که در دست داریم ، طوماری که پهنای آن بیش از سی سانتیمتر باشد بندرت می توان یافت ، و پهنای آن

غالباً بین ۲۰ و ۳۰ سانتیمتر یا ۱۲ تا ۱۵ سانتیمتر در نوسان بود. قسمتی از برگه پاپیروس که بر آن نوشته می شد نیز از حیث مساحت فرق می کرد. در نوشته های ارزشمند، حاشیه ها بیشتر از نظایر آن در نوشته های عادی بود. طول ستون نوشته $\frac{2}{3}$ یا $\frac{5}{6}$ ارتفاع پاپیروس و فاصله بین ستونها نسبی و متفاوت بود، و نه تنها فاصله بین خطها حد خاصی نداشت، بلکه گاه در یک نسخه متفاوت هم بود؛ حتی برخی ستونها دارای خطوط بیشتر از ستونهای دیگر بودند و بطور کلی طول یک ستون بیشتر از پهنای آن بود.

خط

با توجه به این که حروف کوچک یونانی در قرون وسطا، ابداع گردید، حروف بزرگ فقط در نوشته های ادبی بکار می رفت. بین کلمات فاصله وجود نداشت که این امر به طور طبیعی خواندن نوشته را دشوار می ساخت. از سوی دیگر رسم بر این بود که انتهای جمله با نشانه های مخصوصی به نام پاراگراف^{۳۸} مشخص شود. این نشانه عبارت از خط تیره ای بود که زیر سطر آخر کشیده می شد و همیشه این نشانه برای تعیین اجزای متن به کار می رفت.

خط نسخه های خطی زیبا و از نوعی معین بود که خطاط یا نسخه بردار آن را می آموخت، و ضرورتاً این نوع نوشتن در مورد هر خطاط، طبیعتی خاص و مختلف با خطاط دیگر داشت. هر حرفی جدا از حروف دیگر نوشته می شد، اما خط متداول که در مکاتبات روز مره به کار می رفت، دارای حروف عادی و معمولی بود و به صورت مایل و ناموزون نوشته می شد.

خطاطان طبقه ای مورد احترام و با فرهنگ بودند و بر حسب تعداد خطهایی که می نوشتند مزد دریافت می کردند. احتمال می رود که طول خط بر اساس اندازه عادی آن محاسبه می شد. بعلاوه زیبایی خطشان بر ارزش کارشان می افزود. وقتی خطاط

کارش به پایان می رسید ، بار دیگر نوشته را شخصاً برای تصحیح می خواند ، یا نوشته به مصححی داده می شد تا اشتباهات خطاط را تصحیح کند . گاهی در حواشی برای شرح متن برخی ملاحظات و توصیفات انتقادی که در یونان به نام اسکولیا^{۳۹} معروف بود نوشته می شد ؛ با رمزهای ویژه ای (مانند ستاره و غیره) برای جلب توجه به جنبه های شیوه بحث به کار می رفتند .

عنوان

معمولاً در صورت لزوم ، عنوان کتاب در پایان نوشته ذکر می شد و شاید علت آن محفوظ ماندن نوشته بود ؛ زیرا وقتی طومار پیچیده می شد عنوان در وسط آن قرار می گرفت .

طومارهای پاپیروس یونانی اولیه فاقد عنوان بودند ، هر چند تشخیص آن از طریق نام نویسنده یا نخستین کلمات از نوشته ، امکان پذیر بود ؛ چنان که کالیماخوس در فهرستش این روش را به کار برده است .

در این نسخه های خطی پس از پیچیدن و کنار هم یا در جای خود قرار دادن ، در تشخیص بعضی از بعض دیگر مشکلاتی وجود داشت و این به سبب نبودن عنوانی واحد بر این طومارها بود و کتابداران ناچار بودند که درباره آن فکر کنند و تدریجاً برچسبهایی به کناره بالایی آنها بزنند . رومیها به این برچسب نام تیتولوس^{۴۰} یا اندکس^{۴۱} نهاده بودند . یونانیها آنرا سیلیبوس^{۴۲} می نامیدند . محفظه هایی که این طومارها در آنها نگهداری می شد از چوب یا سنگ ساخته شده بودند که یونانیها آنها را بیبلیوتیکی^{۴۳} می نامیدند و این کلمه در اندک زمانی معنی گسترده تری پیدا کرد ، تا آن جا که به معنی مجموعه ای از کتاب به کار رفت . اما در لاتین بر این محفظه ها نام کاپسا^{۴۴} اطلاق می شد که کلمه کیس^{۴۵} انگلیسی و کازیه^{۴۶} فرانسوی یا اسکری نیوم^{۴۷} به معنی جعبه یا صندوق (و کلمه اکرن^{۴۸} فرانسوی که به معنی جعبه می باشد) از آن ریشه است .

39- Scholia.

40- Titulus.

41- Index.

42- Sillybus.

43- Bibliothekke.

44- capsas.

45- case.

46- casier.

47- scrinium.

48- ecrin.

اشکال توضیحی

چنین به نظر می رسد که در طومارهای پاپيروس ، اشکال توضیحی کم نبوده است ، گرچه جز اندکی از آنها که عموماً درباره توصیف ریاضیات یا موضوعات مشابه آن است چیزی در دست نداریم ، بدون شک در بیشتر موارد تصویر مؤلف رسم می شد . همچنان که برخی گفته اند نقشهای برجسته و موجود بر ستون تراژان^{۴۹} و ستون مارکوس اوریلیوس^{۵۰} به مقیاسی بیشتر از تصاویر موجود در پاپيروس نقل شده اند .

رواج پاپيروس در یونان باستان

یونانیها از پاپيروس به مقدار زیادی استفاده می کردند ، و رومیها در استفاده از پاپيروس رتبه دوم را داشتند . اینان بدون شک استفاده از طومارهای پاپيروس را در ضمن فراگرفتن اموری دیگر از تمدن یونانیان ، از آنان آموختند . کم کم انواع بسیاری از پاپيروس به بازار آمد که برخی از آن به نام اباطره رومی معروف بود ، و بعضی دیگر طومارهای اوکتاویوس^{۵۱} و طومارهای کلودیوس^{۵۲} و غیره نامیده می شدند .

در پایان دوران امپراتوری ، در روم کارخانه هایی تأسیس شد که از مصر گیاه خام پاپيروس را وارد می کردند و از آن بسته هایی از کاغذ می ساختند . احتمال می رود بطالسه^{۵۳} مالیاتی برای صدور آن وضع کردند ، سپس تجارت آن را انحصاری کردند . نخستین کاغذ از بسته های پاپيروس به نام پروتوکل^{۵۴} نامیده می شد و به نوعی از مهرهای رسمی مهور شده بود . انحصار پاپيروس تا فتح مصر به دست مسلمانان عرب ادامه داشت .

از کهن ترین مجموعه های پاپيروس مجموعه شکل گرفته مربوط به ۱۷۵۲ قبل از میلاد است که بر اثر کاوشهای شهر هرکولانیوم^{۵۵} به دست آمده است . در این کاوش ۱۸۰۰ طومار پاپيروس ، که برخی از آنها فرسوده شده بود کشف شد ، و هم اکنون در

49- Trajan.

50- Marcus Aurelius.

51- Chart a Augusta.

52- Charta Claudia.

53- Ptolemies.

54- Protocol.

55- Herculanium.

کتابخانه ملی ناپل نگهداری می شود . در آن جا - سوای این مجموعه - مجموعه های مشهور دیگری از طومارهای پاپیروس وجود داشت که در حال حاضر در کتابخانه ملی وین (جزو مجموعه دوک رینر^{۵۶} که حدود ۸۰۰۰۰ طومار پاپیروس است) نگهداری می شود . پاپیروسهای دیگری در موزه های دولتی برلین و موزه بریتانیا در لندن و کتابخانه بادلیان^{۵۷} در آکسفورد و موزه مصری در قاهره موجود است .

پیشرفت کتابخانه اسکندریه

اکنون به کتابخانه اسکندریه باز می گردیم . بدیهی است که این مرکز ادبی بزرگ نقش مهمی در پیشرفت تجارت کتاب داشته است .

در این جا باید اشاره کرد که در قرن پنجم پیش از میلاد در آتن انبارهایی برای تجارت کتاب وجود داشته است ، و از آنچه گزنفن^{۵۸} در کتابش اناباس^{۵۹} یاد کرده در می یابیم که بین آتن و مستعمرات یونانی آن در خارج ، تجارت کتاب وجود داشته است .

با همه اینها کتابخانه اسکندریه در گسترش تجارت کتاب در درجه اول قرار داشت زیرا برای این کتابخانه تعداد زیادی کتاب خریده می شد و دارای نسخه های خطی برگزیده و ممتازی بود که از روی آن نسخه های متعددی نوشته می شد و سپس به فروش می رسید . حتی می گویند برخی از کتابهای کتابخانه خصوصی ارسطو در میان کتابهای کتابخانه اسکندریه وجود داشته است . ارسطو این کتابخانه را به یکی از شاگردانش سپرده بود ولی کم کم کتابها پراکنده و نابود شدند . و نیز می گویند پس از این که بسیاری از کتابها نابود شدند ، برخی از آنها را سولا^{۶۰} رهبر رومی ، به روم منتقل کرد . از تعداد و چگونگی کتابخانه های خصوصی در سرزمین یونان اطلاعی نداریم ، اما بدون شک کتابخانه ارسطو از همه کتابخانه های خصوصی یونان مهمتر بوده است . هنگامی که ژولیوس قیصر در سال ۴۷ پیش از میلاد شهر اسکندریه را غارت کرد بخش مهمی از کتابخانه اسکندریه سوخت هر چند در عوض زیانی که وارد شده بود ، هدیه

مهمی که آنتونی به کلتوپاترا تقدیم کرد و دارای ۲۰۰۰۰۰ طومار پاپیروس بود و از کتابخانه شهر پرگاموس به دست آورده بود ، اهمیت زیادی داشت ، اما با همه اینها کتابخانه اسکندریه عظمت گذشته خود را باز نیافت ؛ بلکه به نظر می رسد کتابخانه اسکندریه در سال ۳۹۱ میلادی ویران شده است . یعنی همان سالی که مسیحیان نخستین ، در زمان بزرگترین رهبری دینیشان ، ثئوفیل ، اسقف معبد انطاکیه^{۶۱} ، سیراپس را ویران کردند .

پرگاموس و کتابهای ساخته شده از پوست

کتابخانه پادشاهان پرگاموس^{۶۲}

کتابخانه ای که درباره آن بحث می کنیم ، موسس آن پادشاه آتالوس^{۶۳} اول است ؛ گرچه در حقیقت تنها در زمان پادشاه اومی نیز^{۶۴} دوم رونق یافت . می گویند اومی نیز تلاش کرد مدیر کتابخانه بطلمیوس پادشاه مصر آن زمان را بر باید اما موفق نشد ؛ زیرا از بدشناسی وی ، پادشاه برای حفاظت مدیر کتابخانه او را زندانی کرده بود . این قضیه اگر درست نباشد لا اقل افسانه ای است که ثابت می کند که درخشش و رونق این کتابخانه جدید بر اهمیت کتابخانه قدیم اسکندریه تأثیر منفی داشته است ، و نیز داستان معروف دیگری که باید با احتیاط آن را پذیرفت همین موضوع را ثابت می کند . داستان این است که در ابتدای قرن دوم پیش از میلاد ، پادشاه مصر برای جلوگیری از رشد کتابخانه پرگاموس صدور پاپیروس را تحریم کرد ، تا این کتابخانه نتواند با کتابخانه اسکندریه رقابت کند .

کاوشهایی که باستان شناسان آلمانی از سال ۱۸۷۸ تا ۱۸۸۶ انجام دادند به اطلاعات ما در خصوص تنظیم کتابخانه پرگاموس می افزاید . در ضمن کاوشهای معبد الهه آتنا در پرگاموس چهار غرفه کشف شد که غرفه بزرگتر آن به تمثال بزرگی از الهه آتنا زینت یافته بود و احتمال می رود که آن جا سالن اجتماعات یا مطالعه بوده و وراقی به آن

61- Theophilus of Antioch.

63- Attalus.

62- Pergamus = Pergamon.

64- Eumenes..

متصل بوده است. اما سه غرفه کوچک نزدیک آن، مخزن کتاب بوده است. این مطلب درباره همه کتابخانه های دیگر دوران باستان که قبلاً آنها را شناختیم صدق می کند؛ تالار بزرگ در همه آن کتابخانه ها همیشه متصل به رواق مجاور بود. کتابخانه پرگاموس به لحاظ مرکزیت علمی به پایه آوازه کتابخانه اسکندریه نرسید. و چنان که ذکر کردیم - پیداست که انترونی تمامی کتابخانه پرگاموس را به کلتوپاترا اهداء کرد تا به کتابخانه بزرگ مصر ضمیمه کند. با همه اینها کتابخانه مذکور تأثیر آشکاری بر تاریخ کتاب گذاشت. اگر آنچه درباره این کتابخانه گفته شده درست باشد طبعاً در انتشار پوست برای نوشتن پیشرو بوده است.

پیدایش پوست

از کهنترین دوران در بسیاری از سرزمینها پوست برای کتابت به کار رفته است. مصریان قدیم، بنی اسرائیل، آشوریان و ایرانیان آن را به کار می بردند. ایشان از پوست چهارپایان استفاده می کردند. این کار در میان یونانیها ناشناخته نبود و به لغت یونانی آن را دیفتر^{۶۵} می نامیدند، و این نام را پس از اندک زمانی بر مواد دیگری که برای نوشتن به کار می رفت نیز اطلاق کردند. تنها از قرن سوم پیش از میلاد آماده سازی پوست به طوری که برای نوشتن خوب باشد معمول شد، و در این مورد برتری با شهر پرگاموس بود. در آن جا این صنعت بسیار رواج زیادی داشت به طوری که از اسم شهر پرگامون کلمه پرگامینیوم^{۶۶} یا پارشمن^{۶۷} برای دلالت بر پوست مشتق شد.

تهیه پوست و مزایای آن

معمولاً از پوست گوسفند و گوساله و بز استفاده می شد. تمامی این پوستها پس از پاک شدن، در آب آهک قرار داده می شد تا مواد روغنی آن از بین برود پس از خشک شدن، بدون انجام دباغی مجدداً، بر رویش گچ زنده نرم پاشیده می شد؛ و با سنگ

۶۵- Diphthera به فارسی همان دفتر است و اعراب آن را از فارسی زبانان گرفته اند.

66- Pergamineum.

67- Parchemin.

طلا یا مانند آن صیقل می خورد . پس از این مراحل ، پوست برای نوشتن آماده بود ، و چون سطحش صاف و محکم بود نوشتن بر پشت و روی آن امکان پذیر بود . علاوه بر این از پاپیروس بادوام تر بود و نیاز به وسیله ای برای جلوگیری از آفت نداشت .

از چیزهایی که مخصوصاً به رواج پوست کمک می کرد ، امکان تراشیدن آن بود ، زیرا چنین خاصیتی در پاپیروس نبود . از این نظر نسخه های خطی تراشیده شده بسیاری معروف به پالیم سست^{۶۸} به دست آمده است . اینها دست نوشته هایی بودند که نوشته اولیه آن تراشیده شده ، سپس متونی دیگر بر آن نوشته می شد ، زیرا معنای پالیم سست بازنویسی است . این کار بویژه در قرون وسطا ، وقتی که قیمت این پوستها افزایش یافته بود رایج شد . بعلاوه صنعت پوست مانند پاپیروس مربوط به دولت خاصی نبود ، و چنین نتیجه گرفته می شود که احتمالاً این رواج زیاد به علت ارزانی بهای پوست بوده ، گرچه در ابتدای امر لاقلاً نسبت به پاپیروس کم کم نرخ آن ترقی کرد .

گزینش پوست به جای پاپیروس

در ابتدا استفاده از پوست ، منحصر به نامه ها و اسناد و یادداشتهای مختصر و غیره بود . با گذشت زمان ، کاربرد پوست که رومیها آن را ممبرانا^{۶۹} نامیدند گام تازه ای به جلو برداشت و در صنعت کتاب به کار گرفته شد . لکن کاربرد آن ، بکندی شکل همگانی به خود گرفت ، پیش از آن که پوست کاملاً بر پاپیروس پیشی گیرد مدت سه قرن در این راه تلاش شد .

پس از قرن چهارم میلادی کم کم کاربرد پاپیروس رو به زوال گذاشت . با این که می دانیم ، بدون شک در قرن یازدهم در طومارها و اوراق ویژه دیوان پاپها از پاپیروس استفاده می شد ، ولی استفاده از آن دیگر جنبه عمومی نداشت . زیرا به علت گرانی زیاد بشدت نایاب شده بود .

کتابهای پوستی ابتدایی و ساختن آن به شکل طومار

بدیهی است که تا کردن کاغذ پوستی درست مانند پاپیروس آسان است ، هر چند نرمی پوست کمتر است . بدون شک کتابهای اولیه به شکل طومار ، مانند کتابهای پاپیروسی نگهداری می شدند . احتمال می رود که علت این امر صرف تقلید یا از روی عادت بوده است . به رغم عدم دستیابی ما به یک طومار پوستی یونانی یا رومی ، دلایل کافی داریم که طومار پوستی هم اکنون موجود است .

همچنین بنی اسرائیل کتابهایی پوستی به شکل طومار داشتند ، و هنوز امروزه برای کتاب مقدسشان (تورات) به کار می برند . درازای طومار پوستی طبعاً برابر درازای پوست حیوان بود ، هر چند اتصال یا دوختن چند جزء پوست به همدیگر بطوری که بتوان از آن طومارهای پوستی درازتر ساخت ممکن بود . در جلد کردن طومارهای پاپیروس نیز ، از پوست استفاده می شد ، و بسا این نخستین تاریخ پیدایش جلد برای کتاب در جهان باشد .

پیدایش کتاب تاشدنی

به رغم عادت پیشینیان به استفاده از کتابهای تاشونده ، شکی در معایب این نوع کتابها نیست ، بویژه اگر روزانه و بطور عادی از آن استفاده می شد . یکی از عیوب اساسی آن این بود که پس از یک بار خواندن کتاب ، برای دوباره خواندن آن باید نوشته در جهت عکس پیچیده می شد و این کار دشوار بود ، حتی با استفاده از چوبی به نام امبیلیکوس^{۷۰} که برای کمک به تا کردن و پهن کردن کتاب به اول طومار متصل می شد . در هر صورت این کار به سایدگی و ناپودی طومارهایی منجر می شد که بسیار آن ها را می خواندند زمانی که پاپیروس بیشتر مورد استفاده واقع شد ، شکل طومار هم تغییر کرد ، اما نسبت به پوست موضوع برعکس بود .

70- Umbilicus.

انتقال از طومارهای تاشده به جزوه ها

معروف است که یونانیان از قدیمترین دوران الواح کوچک چوبی را که بعضی از آنها با موم پوشیده می شد مورد استفاده قرار می دادند ، و برای نوشته های مختصر از قلمی سنگی که استیلوس^{۷۱} نامیده می شد استفاده می کردند ؛ یا شاگردان برای آموختن خط آن را به کار می بردند .

غالباً دو لوح یا بیشتر ، از این الواح ، در یک مجموعه قرار می گرفت که جزوه های کوچکی را تشکیل می داد به نام دیپتیکا^{۷۲} این جزوه ها عموماً برای نوشتن یادداشتهای موقت مورد استفاده تجّار و نویسندگان قرار می گرفت .

پس از رواج کاربرد پوست در صنعت کتاب ، طبعاً مردم به این فکر افتادند که پوست را هم به شکل الواح درآورند . این کار در اوایل عهد امپراطوری روم صورت گرفت . سپس به این شکل جدید کتاب پوستی مسطح ، به لاتین نام کدکس^{۷۳} ، (کُرّاس = جزوه) اطلاق شد ، و پس از این که بطور غالب بر اشکال دیگر کتاب هم اطلاق گردید ، بدون تغییر تا دوران ما باقی ماند .

تطوّر ساخته شدن کتاب به شکل جزوه

چند صفحه از این جزوات را در دست داریم که مربوط به پایان قرن اوّل و آغاز قرن دوّم میلادی است . شکی نیست که نوشته های پوستی در این دوران معروف بوده ، گرچه مقدارش در آن زمان از طومارهای پاپیروس کمتر بود و علتش این بود که پاپیروس در صنعت کتاب و نوشته های پوستی در ساخت کتابهای کوچک و ارزان قیمت به کار می رفت ؛ زیرا نوشتن بر دو روی پوست امکان پذیر بود ، و ممکن بود یک نوشته نسبتاً کوچک پوستی در بر گیرنده متنی باشد که برای نوشتن آن طوماری دراز یا چندین طومار لازم می شد .

در سالهای اخیر ضمن کاوشهای پی در پی در مصر به نسخه هایی خطی دست یافته اند که به قرنهای دوّم و سوّم و چهارم میلادی مربوط می شود و نشان می دهد که

71- Stylus

72- Diptycha.

73- codex.

شکل جزوه حتی در مورد طومارهای پاپيروس هم معمول شده است . در مصر کوششهایی صورت گرفت که کتابهای پاپيروس را به شکل جزوه درآورند . تعداد بسیاری از نسخه های پاپيروس که بین قرن سوم و پنجم پس از میلاد نوشته شده با همین شکل به دست آمده است ، لکن این شکل جدید در حقیقت یک شکل فراگیر برای پاپيروس نبود ؛ از این رو ، استفاده از طومارهای پاپيروس همچنان دوشادوش شکل جزوه ای آن به پیش می رفت ، تا این که شکل و ماده هر دو باهم از بین رفتند . در کشفیاتی که مربوط به قرن چهارم میلادی است می بینیم که غالب نوشته ها ، پوستی بوده است ، و از آغاز قرن پنجم میلادی تقریباً تنها مخطوطات باقی مانده ، مخطوطات پوستی است .

شایان ذکر است که قدیمترین نوشته های مخصوص کلیسای مسیحی را تقریباً به شکل جزوه می بینیم در حالی که به شکل طومار فقط تعداد اندکی به دست آمده است . این پدیده به این گونه تفسیر شده که مسیحیان نخستین ، قدرت خرید پاپيروس را که برایشان گران تمام می شد نداشته اند ؛ از این رو به استفاده از کتابهایی که بر پوست نوشته شده و قیمت آن ناچیز بود ، قانع بودند .

طومارهای پاپيروس که تا کنون باقی مانده اند

از پوست ، با همان شکل اولیه که به صورت طومار است تا به امروز ، در اندازه های خاص برای جاهای معینی استفاده می شود . از دلایلی که این مطلب را ثابت می کند کاربرد شکل طوماری در اسنادی غیر رسمی مانند دعوتنامه ها به مناسبت الیوبیلات^{۷۴} و گواهینامه ها و غیره است . همچنان که تعبيرات به کار رفته در زبان های اروپایی مانند لفظ رول^{۷۵} و رولت^{۷۶} و غیره ، دورانی را به خاطرمان می آورد که این الفاظ بر طومارها اطلاق می شد ، و در آن جا نیز لفظ کنترل^{۷۷} که از دو قسمت کنتر^{۷۸} و

۷۴ - Jubilees = یوبیل : جشنی بزرگ که بنی اسرائیل هر پنجاه سال یک بار آن را برگزار می کنند . در مذهب

کاتولیک جشنی است که هر ۲۵ سال یک بار برگزار می شود و آن سال را سال مقلّس می نامند .

75- Roll.

76- Rolet.

77- Control.

78- Contra.

رول تشکیل شده به معنی طوماری است که اداره مالیات - برای احتیاط بیشتر - با طومارهای حقیقی مالیات تدوین می کرد .

شکل جزوه ها

بسیاری از این جزوه ها از چندین بخش که هریک از آنها مقدار معینی برگه داشت تشکیل شده بود و به طور کلی هر بخش دو یاسه یا چهار برگ داشت . با این حال تعدادی جزوه قدیمی به دست آمده که هر یک درین دو جلدش تمامی برگه ها را دربرداشت ؛ یعنی مجموعه ای بود در یک جزوه ، طبعاً این ترتیب باعث زشتی شکل ظاهری کتاب می شد ، و صنعتگران کتاب ناگزیر بودند که پهنای برگهای داخلی را از برگه های خارجی کمتر کنند .

قطع این جزوه ها در قرن اوّل کوچک بود ، زیرا پهنای کتاب غالباً به $\frac{2}{3}$ طول آن می رسید . بدیهی است که در آن دوران - مانند زمان ما - اندازه ها و معیارهای معینی برای تولید کتابها در نظر گرفته شده بود که از طریق تا کردن ورقه یک یا دوبار انجام می شد .

بعد از این معیارهایی بزرگتر معمول شد و نخست از قرن پنجم میلادی رایج گردید . همانند طومارهای پاپیروس و کتابهای جدید ، می بینیم که نسخه های خطی نفیس حاشیه های بزرگ دارند و صفحات نوشته های معمولی تا پایان پر است . با همه اینها غالباً برای این که ممکن است به نسخه خطی آسیبی برسد در دو طرف صفحات حاشیه های بزرگتری از حاشیه های بالا و پایین می گذاشتند .

عنوان و شماره گذاری صفحه ها

تنظیم جزوه ها مانند طومارها بود ، حتی نوشتن عنوان در پایان متن ، در دورانهای اولیه از طومارها به جزوه ها منتقل شد ، با این که این عمل هیچ توجیهی نداشت . به کار بردن عنوان در آغاز کتاب از قرن پنجم عمومی شد .

با این حال شماره گذاری صفحات رویدادی جدید بود که کتابهای جزوه ای شکل آن را آورده بودند . چون ستونها در طومارها بر حسب محلشان مرتب بودند ، شماره گذاری بی فایده بود ؛ اما در جزوه ها ، شماره گذاری اهمیت خاصی پیدا کرد . در آغاز امر ، شماره گذاری منحصر به چند برگ از کتاب یا کمتر از آن بود ، و به شماره گذاری روی این اوراق اکتفا می شد ، به طوری که نمی توان آن را شماره گذاری^{۷۹} صفحات نامید و بهتر است آن را شماره گذاری برگه ها بنامیم . foliation . ریشه pagina لاتین به معنی page (صفحه) و folium لاتین نیز به معنی sheet (برگ) است .

مصور سازی جزوه ها

هر چند از طومارهای نقاشی شده - چنانکه قبلاً گفتیم - جز اندکی را نمی شناسیم ، اما تعداد قابل ملاحظه ای کتاب جزوه ای قدیمی داریم که از حیث اشکال مختلفند و شامل نقاشیهایی از مناظر حقیقی هستند و مکانهای نام برده شده در متن را نشان می دهند علاوه بر این به تزئیناتی هم آراسته شده اند .

این اشکال بدون سایه اند ؛ از این رو مانند تصاویر اشخاص و اشکال و عکسهایی هستند که بر روی سکه ها ، نقاشیهای دیواری و ساختمانها دیده می شدند . در نسخه های خطی یونانی و قبطی ، که مربوط به قرن چهارم است حرف اوّل از هر جمله کتاب بزرگ و رنگی ، و غالباً به رنگ قرمز است و با قوسهایی عمودی تزئین شده است . چنین به نظر می رسد که این آغاز مدخل قرار گرفتن حرف بزرگ اول اینیشل^{۸۰} می باشد که از کلمه اینیتیوم^{۸۱} گرفته شده و به معنای آغاز است .

خط و ابزار آن

کاتبان در نوشتن قدیمترین کتابهای جزوه ای ، همان خطی را که پیش از آن در طومارها می نوشتند به کار بردند که خطی مخصوص و خوش بود و شکل آن کم کم بر

79- pagination.

80- initial.

81- initium.

ثباتش می افزود .

مجموعه ای از نسخه های خطی یونانی و قبطی وجود دارد که مربوط به قرن چهارم و پنجم است . این نسخه ها به رغم اختلاف موضوعاتشان ، با خطی خوش و تقریباً یکسان و نیز با حروفی درشت نوشته شده اند . این امر گرایش نویسندگان را به نظامدهی نگارش و انعطاف پذیر کردن آن در برابر قواعدی ثابت نشان می دهد .

برای نوشتن بر پوست ، از ساقه میان تهی پرندگان بزرگ ، مانند عقاب و کلاغ و قو استفاده می کردند ؛ و از میان پرهایی که پیشینیان به کار می بردند ، در عصر جدید از قلم پر قو و پس از آن از قلم فلزی استفاده شده است .

اما مرکب ، ترکیبش با مرکبی که در پاپیروس به کار می رفت فرقی نداشت ، و از قرن چهارم میلادی در کنار آن نوع دیگری از مرکب معدنی قرمز ، که متمایل به قهوه ای بود به کار برده می شد .

مرکب کنونی ، بعد از قرن دوازدهم میلادی به کار گرفته شد و این مرکب از اسید تاینک و زاج سبز ساخته شده است .

جلد کردن

درباره روش جلد کردن کتابهای جزوه ای قدیمی چیزی نمی دانیم ولی بدون شک آنها غالباً به پوشش کردن کتاب با پوستی نازک قانع بودند . با همه اینها از قبرستانهای قدیمی مصری جلد هایی قبطی به دست آمده که در آنها پوست به کار رفته و مربوط به قرن ششم میلادی است و ظاهراً به تصاویر حکاکی شده زیبا مزین بوده است .

کتاب در روم

پس از این که رومیان پیشوایی خود را بر جهان گسترش دادند و از تمدن یونان بهره برداری کردند ، در زمینه کتاب نیز از یونانیها تقلید کردند . رهبران رومی در غنایم

جنگی مجموعه های کاملی از کتابهای یونانی را به روم منتقل کردند ؛ و این امر نشان می دهد که در آن دوران برای این کتابها ارزش بسیاری قائل بوده اند .

تاجران و ناشران کتاب در روم

چیزی نگذشت که در روم ، در نتیجه به دست آوردن کتب یونانیان و تقلید از آن ، تجارتی فعال در دنیای کتاب پدید آمد و بناچار بار آن بر دوش مهاجران یونانی بود . همچنین استنساخ کتابهای نویسندگان یونانی رونق گرفت .

فروشندهگان کتاب که ببلیوپولا^{۸۲} نامیده می شدند برای بازنویسی کتابها از بردگانی^{۸۳} که آموزشهای مخصوصی می دیدند استفاده می کردند . اضافه می کنم که تلاش برای انتشار کتاب آغاز شد و مؤلفان توانایی آن را نداشتند که در هنگام ضرورت به طور مستقیم با مردم تماس بگیرند ؛ مردمی که تعدادشان زیاد ، و محل سکونتشان از یکدیگر دور بود . حتی هراس شاعر رومی حق داشت که به اشعار خود که بر کناره های دریای سیاه و همچنین کناره های رن و ابرو^{۸۴} خوانده می شد افتخار کند .

پومپونیوس آتیکوس^{۸۵} ، دوست سیسرون^{۸۶} ، نخستین ناشری است که نامش را شنیده ایم ؛ وی هزینه انتشار نوشته های سیسرون را بعهده گرفته ، ولی به نویسنده دستمزدی نپرداخت ، زیرا از او حقوق تألیف را نخریده بود و تنها نوشتن چند نسخه محدود را به عهده گرفته بود .

مؤلف برای تولید و نشر نسخه های دیگری از کتابش در بستن قرار داد با ناشرین دیگر آزاد بود . علاوه بر این مردم آزاد بودند که نسخه ای را بخرند و از روی آن بنویسند ، زیرا هیچ قانونی نبود که از مالکیت ادبی حمایت کند ، و مؤلفان در قبال کارهای ادبیشان سودی مادی نمی بردند ، مگر این که کتابشان را به یکی از ثروتمندان

82- Bibliopola.

83- Servi Litterati.

۸۴- Ebro ، رودخانه ای در اسپانیا .

85- Pomponius Atticus.

86- Cicero, Marcus Tullius.

ادب دوست اهدا می کردند .

خواندن علنی کتاب

در آن زمان مؤلف جمعی از دوستان را دور خود گرد می آورد و بخشهایی از کتاب جدید خود را برای آنان می خواند ، تا اهمیت آن را آشکار سازد . اگر ما هم بخواهیم آنچه را پلی نی صغیر^{۸۷} و هراس و مارشال^{۸۸} گفته اند بازگو کنیم ، باید گفت : این رسم کم کم به صورت سنت ناپسندی در آمد و به مصیبتی حقیقی تبدیل شد ؛ بویژه پس از آن که مؤلفان کم مایه نیز در استفاده از هر فرصتی برای خواندن کتابهایشان زیاده روی می کردند .

احتمال می رود که ناشران نیز دعوتنامه هایی برای قرائتهای علنی به مناسبت انتشار کتابهای جدید و تبلیغ آنها به اطراف و اکناف می فرستادند و این روشی است که همچنان تا امروز موفق و سرمشق دیگران بوده است .

ناشران

ناشران نیز در آن زمان ، برای توفیق در کارشان حتماً می بایست با فرهنگ و ادب زمان آشنایی می داشتند . و چنین است که می بینیم اتيکوس - علاوه بر کتابهای سیسرون - کتابهای افلاطون و دموستن^{۸۹} را منتشر می کرد . بدون شک کارهایی از این قبیل ، فرهنگ گسترده ای را می طلبید که سطح سواد و فرهنگ بردگان تحصیل کرده نمی توانست برای انجام آنها کافی باشد ، بلکه خود ناشر هم باید آن قدر با فرهنگ و ادب آشنایی می داشت که توانایی لازم را برای نظارت در کارهای مؤلف و مصحح داشته باشد و این تضمینی برای تهیه و ارائه نسخه ای شایسته از کتاب ، بود زیرا رونویسی کتاب آن را در معرض تحریف قرار می داد بویژه که این رونویسی ها - برای سرعت کار - به کار گروهی از بردگان نیاز داشت ؛ بردگانی که یک کتاب برایشان دیکته می شد و آنها به همان ترتیب می نوشتند . به رغم آن که اسامی گروهی از ناشران ادبیات

87- Pliny (plinius / the younger).

88- Martial.

89- Demosthenes.

لاتین را در آن دوران می دانیم ، از آن جمله : برادران سوسیوس^{۹۰} ، که کتابهای هراس^{۹۱} ، شاعر لاتینی را منتشر ساختند و نیز ناشر لاتینی تریفون^{۹۲} که کتابهای کوین تی لیان^{۹۳} و مارشال را منتشر کرد ، در عین حال تقریباً از مقدار فعالیت این ناشران و اهمیت آنچه منتشر ساخته اند بی اطلاعیم .

قیمت کتابها

اطلاعات دقیقی از قیمت کتابها نداریم ، هر چند معروف است که قیمت یک کتاب به طور طبیعی متناسب با اندازه و نمای بیرونی آن بوده است . ثروتمندان رومی ، آن دسته که به ادبیات اهمیت می دادند ، بردگانی داشتند که کتابهایی را که می خواستند نگهداری کنند برایشان رونویسی می کردند ، برای این کارشان نباید ارزشی بیش از آن تصور کرد که با این کار قیمت کتابها برایشان ارزانتر تمام می شد تا کتابهایشان را مستقیماً از بازار آزاد تهیه کنند . بحثی نیست که از این دوران نسخه های نفیس و طومارهای ارزشمند و گرانبه دست آمده است . بویژه برخی از آنها نسخه هایی هستند که دستخط مشهورترین مؤلفان است ، نسخه هایی که برای دستیابی به آن ، کتابدوستان رومی با یکدیگر به رقابت می پرداختند .

کتابخانه های روم

کتابخانه های اختصاصی

شمار علاقمندان به مجموعه های اختصاصی در روم در سالهای آخر ، دوران جمهوریت و نیز در عهد امپراتوری رو به فزونی گذاشت ، تا آن جا که کتابدوستی در روم به یک خواسته همگانی تبدیل شد .

از میان این شیفتگان کتاب ، بویژه در عهد جمهوری ، می توان از لوکولوس^{۹۴} نام

90- Sosius.

91- Horace.

92- Tryphon.

93- Quintilian.

94- Lucullus.

برد که به تجمل گرایی در زندگی نیز مشهور بود. هر چه در عهد امپراتوری پیش می‌رویم رواج تجمل پرستی را در زمینه کتاب چون دیگر زمینه های زندگی پیوسته مشاهده می‌کنیم. این امر شگفت‌آور نیست، چرا که داشتن یک کتابخانه بزرگ جزء ضروریات قشر مرفه و پیشرفته جامعه رومی به شمار می‌رفت و کتابخانه موجب معروفیت و شهرت صاحب خود می‌شد. حتی می‌گویند چندین مجموعه وجود داشت که از هزاران طومار تشکیل می‌شد، طومارهایی که غالباً به دو بخش یونانی و لاتینی تقسیم شده بود.

ثروتمندان رومی در خانه های ییلاقی خود نیز، کتابخانه های اختصاصی داشتند که از میان آنها می‌توان از کتابخانه ای نام برد که به هنگام استخراج ذغال سنگ در شهر هرکولانیوم^{۹۵} کشف شد و پیشتر از آن یاد کردیم؛ کتابخانه ای که در هنگام زدودن خاکهای سوخته شده از این شهر که در زیر خاکسترها مدفون شده بود به دست آمد. همچنین در خانه ییلاقی ویژه اولاد پسونیوس^{۹۶} در روم، کتابخانه ای کشف شد که تنها حاوی کتابهای فلاسفه اپیکوریان می‌باشد، و این بدون شک نشان می‌دهد که صاحب کتابخانه گرایشهای فلسفی داشته است.

در عین حال صاحبان کتابخانه ها به محتویات کتابها کمتر توجه داشتند و به همین دلیل باید به شکایت فیلسوف رومی سنکا^{۹۷} حق بدهیم که می‌گفت: سطح فرهنگی بعضی از کسانی که کتابخانه داشتند به پایه بردگان نمی‌رسید.

با توصیف زیر، می‌توانیم تصویری دقیق از این کتابخانه های غنی داشته باشیم: این کتابخانه ها از یک سالن کوچک با سنگ فرشی از مرمر سبز ساخته می‌شدند و طومارها روی قفسه ها داخل اشکافها یا چرخهای روباز که در امتداد سالن قرار گرفته بود نهاده می‌شد، به طوری که طومارها و کتابها در کنار هم قرار می‌گرفت و هر یک از کتابها بر گه عنوانی داشت. این برگه عنوان پوششی ارغوانی داشت یا داخل محفظه هایی آراسته به زینتهای شگفت انگیز، چنان که نام بردیم، قرار گرفته بود.

۹۵ - *Herculaneum*، شهری قدیمی در ایتالیا.

96- Psonius.

97- Seneca.

در اطراف کتابخانه نیز تمثالهای نیم تنه نصب شده بود ؛ همچنین عکسهایی از نویسندگان مشهور آویزان بود . - و چنان که پلی نی^{۹۸} می گوید - این رسم را آسی نیوس پولیون^{۹۹} که نخستین کتابخانه عمومی را در روم مرتب کرد ، آورده است .

کتابخانه های عمومی روم

در امپراتوری روم باستان کتابخانه های عمومی نیز وجود داشت . شکی نیست که ژولیوس سزار به پیروی از اسکندر ، تأسیس این گونه کتابخانه را در پایتخت امپراتوری خود تصویب کرده بود ، گرچه خود او پیش از آن که این طرح اجرا شود در گذشت ، اما نخستین کتابخانه رومی بر اساس همان طرح ایجاد شد . چنان که یاد کردیم در سال ۳۹ قبل از میلاد نخستین کتابخانه توسط آسی نیوس پولیون در معبد حریه ساخته شد . در عهد امپراتور اگوستوس در روم دو کتابخانه بزرگ دیگر ایجاد شد : کتابخانه پالاتین^{۱۰۰} که به یاد بود جنگ اکتیوم^{۱۰۱} در کنار معبد آپولون^{۱۰۲} بالای تپه پالاتین در سال ۲۸ قبل از میلاد تأسیس شد ، و کتابخانه اکتاوین^{۱۰۳} منسوب به اکتاوی خواهر امپراطور که در میدان الهه مارس^{۱۰۴} ساخته شد .

برای هر کتابخانه کتابداری تعیین شد که چند معاون داشت و کارکنان این کتابخانه ها به لاتین لیبراری^{۱۰۵} جمع لیبراریوس^{۱۰۶} نامیده می شدند ، و غالباً منسوب به طبقه بردگان بودند . مدیر کتابخانه^{۱۰۷} غالباً منسوب به طبقه شجاعان و سوارکاران و گاهی هم از طبقه بردگانی بود که امپراتور آنها را آزاد کرده بود . گفته هایی بر گرفته از متون قرن اول میلادی در دست داریم که در آن حقوق سالیانه ای که برای این شغل اختصاص داشته نوشته شده است و تقریباً شصت هزار فرانگ به پول رایج فعلی ما می شود .

دو کتابخانه مذکور که اگوستوس آنها را تأسیس کرد ، بر اثر آتش سوزیهای آن

98- Plinius.

102- Apollon.

106- librarius.

99- Asinius Pollion.

103- Octavian.

107- procurator bibliothecae.

100- Palatin.

104- Mars.

101- Actium.

105- librarii.

زمان، ویران شدند. کتابخانه پالاتین در حدود ۱۹۰ بعد از میلاد و کتابخانه اکتاوی در حدود سنه ۸۰ بعد از میلاد به کار خود پایان دادند. امپراتور دومیسین^{۱۰۸} بنای کتابخانه پالاتین را تجدید کرد و کتابخانه دیگری بر معبد کاپیتول^{۱۰۹} افزود.

پس از چندی کتابخانه ای که امپراتور تراژان^{۱۱۰} (طریانوس) حدود سال ۱۰۰ میلادی به نام کتابخانه اولپیا^{۱۱۱} تأسیس کرد و علاوه بر مجموعه هایش، شامل آرشیو امپراتوری نیز بود، بر تمامی این مجموعه ها برتری یافت.

می گویند تعداد کتابخانه های عمومی روم در حدود سال ۳۷۰ میلادی کمتر از ۲۸ کتابخانه نبود و کم کم تعداد کتابخانه های مشابه در سرزمینهای دیگر فراوان شد. از میان کتابخانه هایی که از طریق متون ادبی و کاوشها آنها را شناخته ایم کتابخانه بزرگی است که امپراتور آدریان^{۱۱۲} در آتن تأسیس کرد.

بطور کلی احتمال می رود که کتابخانه های عمومی برای مطالعه داخلی مورد استفاده واقع می شد و سالنهای طویلی که جزء متمم هر کتابخانه عمومی بود، جایی اضافی برای دانشجویانی بود که می خواستند ساعتهایی را برای مطالعه یا مباحثه در موضوعات علمی در آنجا سپری کنند. با همه اینها می دانیم که امانت دادن کتاب به خارج از کتابخانه نیز ممکن بوده است؛ و لازم است اشاره کنیم که برخی از کتابخانه های عمومی به مجموعه هایی از ساختمانها وابسته بوده است که علاوه بر مکانهای مخصوص مطالعه، حمامهای داغ نیز داشته اند. ساختمان این بناهای با شکوه دارای جاهای اضافی برای دیدار طبقات مرفه رومی بوده است.

تحول خط

ادبیات لاتینی در قرن دوم واقعاً شکوفا شد و نوعی خط جدید که ویژه نسخه های خطی بود به وجود آمد. این خط با خط پیوسته عادی فرق داشت و چنان که قبلاً ذکر کردیم این پدیده ای بود که در سرزمینهای یونان آشکار شد.

108- Domitian. 109- Capitol. 110-Trajan. 111- Ulpia. 112- Hadrian = Adrian.

خط لاتینی در دوران اولیه اش به عدم قابلیت تمرین توصیف شده ، و پیش از آن هم چنین خطی در یونان وجود داشته که آن نیز دارای حروف بزرگ بوده است . قدیمیترین شکل این خط ، همان خط بزرگی^{۱۱۳} است که حروف آن در پاپیروسی که در هرکولانیوم کشف شده است ، دیده می شود و قدیمیترین نمونه موجود از آن به شمار می آید . این خط دارای لبه های تند و زاویه های قائمه متعدد است ، در حالی که مخطوطات پس از آن ، که به حروف دایره ای^{۱۱۴} معروفند ویژگی شان پهنای بیشتر و دایره ای بودن است . خط لاتین در آغاز قرن چهارم میلادی به آخرین مرحله پیشرفت خود رسید ، زیرا به همان شکل - همچون یک خط ویژه برای نسخه های خطی - تا پایان قرن هشتم باقی ماند . در این دو نوع خط ، مانند خط یونانی برخی علایم اختصاری وجود دارد .

اختراع کاغذ در چین

در همان هنگامی که طومارهای پاپیروس و جزوه های پوستی در کنار هم در کتابخانه های امپراتوری روم به طور گسترده مورد استفاده قرار می گرفت ، چین کشف جدیدی کرد که پس از آن ، در تاریخ کتاب در غرب اهمیت غیر قابل تردیدی به دست آورد .

کاغذ ابریشمی

قبلاً گفتیم که چینها پس از صدور فرمان امپراتوری در سال ۲۱۳ قبل از میلاد ، ابریشم را نیز در صنعت کتابهایشان به کار بردند . اما از آن جا که ابریشم طبعاً ماده ای گران قیمت بود ، آنها به استفاده از ماده جدیدی توفیق یافتند که از قطعات کهنه و بی مصرف پارچه ابریشمی ساخته می شد ، به این طریق که قطعات پارچه ابریشمی را در آب خیس می کردند ، و پس از ریز کردن آن به قطعات کوچکتر ، آن را می جوشاندند تا

113- capital.

114- uncial.

نوعی ماده چسبنده و خمیری برای تهیه کاغذ نرم به دست آید .

کاغذ حقیقی

ولی این شیوه نیز مانند کاربرد اولیه ابریشم برای ساخت کاغذ جداً گران تمام می شد ، به طوری که استفاده همگانی از آن مقدور نبود ، تا این که در سال ۱۰۵ میلادی تسای لون^{۱۱۵} موفق به اختراع کاغذ شد ، به این طریق که در تولیدش موادی کم به‌تر از ابریشم به‌کاربرد ؛ از قبیل پوست گیاهان و زواید خشک پنبه و تورهای ماهیگیری فرسوده و غیره و پس از اندک زمانی کشفش موفقیت بزرگی به دست آورد به طوری که نوشتن تعداد زیادی از نسخه های خطی بر روی کاغذ در طول قرنهای بعد امکان پذیر شد .

باید متذکر شد که در حقیقت از آن نسخه های خطی که مربوط به این قرنهای اولیه است چیزی بر جای نمانده است . اما دانشمند دانمارکی ، سون هدین^{۱۱۶} ، در بیابان کوچکی نزدیک دریاچه لوب نور^{۱۱۷} واقع در صحرای تبت^{۱۱۸} مقدار کمی از قطعات کاغذ کشف کرد . این کاغذها قدیمترین کاغذهایی است که تاکنون کشف شده است . و نیز در یکی از صحن های معبد تون هوانگ^{۱۱۹} در سرزمین ترکستان ، تعدادی نسخه خطی که بر کاغذ تدوین شده بود به دست آمده ، و هم اکنون برخی در موزه بریتانیا در لندن ، و برخی دیگر در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود و به شکل طومار و مانند نوشته های پاپروس است .

پس از گذشت زمانی دراز از اختراع کاغذ در چین ، کاغذ به اروپا راه یافت . پیش از ظهور کاغذ در اروپا ، این ناحیه دچار اضطرابات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی زیادی بود . به این طریق دوران مهمی از تاریخ کتاب سپری شد .

برای مطالعه بیشتر - مترجم

کتاب

- آموزگار، سیروس، کتاب و کتابخانه، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵.
- ابراهیم، عبداللطیف، در اسات فی الکتب و المكتبات الاسلامیه، قاهره، دارو مطابع الشعب، ۱۹۶۲، ج ۱، (صفحه شماری گوناگون).
- احمدی، «تاریخچه کتاب و کتابخانه»، کابل، ج ۱، شماره ۷، ص ۴۲-۴۷.
- افشار، ایرج، سیر کتاب در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۴، ص ۷۳.
- «کتاب و کتابسازی و چاپ» در فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی، ج ۴، ۱۳۵۱-۱۳۶۰، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۱۱-۱۳.
- «کتاب و کتابخانه در ایران» در کتاب ایرانشهر، تهران، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۷۴۵-۷۵۶.
- ایران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز خدمات کتابداری، مقاله نامه.
- کتاب، کتابخانه، کتابداری. تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۹۰.
- «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران»، تلاش، شماره ۴۰ (فروردین-اردی بهشت ۱۳۵۲).
- «تاریخ کتاب، قیمت کتاب»، راهنمای کتاب، دوره سوم، ۴۲۳ ص.
- تربیت، محمدعلی، «کتاب و کتابخانه های معروف قدیم»، آموزش و پرورش، ج ۱۰، شماره ۶ و ۷، ۲۶ و ۳۲.
- تسبیحی، محمدحسین، «برگی از تاریخچه سیر کتاب در ایران»، آشنایی با کتاب، شماره ۳ (آذر ۱۳۵۲)، ص ۲۹-۳۱.
- تعاونی، شیرین (خالقی)، کتابنامه کتابداری، ویرایش ۲، تهران، مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی، مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۶۰، سه، ۲۷۰ ص.
- تیتلی، ن، م، «کتاب و کتابت در جهان اسلام»، موزه ها، ج ۱ (۱۳۶۰)، شماره ۸۲-۲۳.

۷۰ / تاریخ کتاب

و ۳/۴: ۴۴-۵۷.

جهانیان، اردشیر، «تاریخ کتاب و اهمیت آن»، هوخ، ج ۱۷، شماره ۳ (۱۳۴۵)، ص ۱۰-۱۳، ۵۵.

حبیبی، عبدالحی، «سنت کتاب نویسی از قبل از اسلام در ایران وجود داشته است»، کتابهای ایرانی در تهاجم اسکندر از میان رفت»، رستاخیز، شماره ۸۳۳ (۱۳۵۶/۱۱/۱۳)، حلبی، علی اصغر، «تاریخچه کتاب در ایران»، کتاب و کتابخانه، تهران، ۱۳۵۵، ص ۶۵-۹۳، دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، کتابداری، نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، زیر نظر ایرج افشار، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ج .

دژم پناه، عذرا، «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران»، تلاش شماره ۴۰ (اردی بهشت ۱۳۵۲)، ص ۷۴-۷۷.

دهگان، ابراهیم، «اجرت کاتب و، صله کتاب»، راهنمای کتاب، دوره دهم (۱۳۴۶)، ص ۱۸۴-۱۸۵.

«سیر کتاب در ایران». فردا، شماره ۱۴۱۲ (۱۳۵۲/۵/۳)

شاملوئی، حبیب الله، «کتابخانه های مهم»، کتاب و کتابخانه، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۵۵-۱۷۹.

شی پرا، ادوارد، الواح بابل، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ابن سینا، فرانکلین، کب، ۳۴۸ص، مصور، عکس، نقشه.

عزتی، ابوالفضل، «کتاب و کتابخانه در فرهنگ اسلامی»، نگین، شماره ۱۱۵ (۱۳۵۳/۱۰/۱)

«عشاق کتاب»، راهنمای کتاب، شماره ۲ (۱۳۳۶)، ص ۷۷.

عصاره، فریده، کتابشناسی کتابهای کتابداری، اهواز، دانشگاه شهید چمران، کتابخانه مرکزی، ۱۳۶۶، ۳۰ص (انتشارات کتابخانه مرکزی، ۱۳).

عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم، کتاب و کتابخانه ها: زیر بنای تمدن و علوم اسلامی، قم،

حقیقت ، ۱۳۵۳ ، ۱۷۲ ص .

علومی ، طاهره « کتاب و کتابداری بعد از اسلام و مقایسه آن با شرایط کنونی » در نشریه سیمینار کتاب و کتابداری (دوم تا چهارم خرداد ۱۳۶۰) ، مشهد ، دانشگاه مشهد ، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد ، ۱۳۶۱ . ص ۷۰-۸۳ .

« قدیمترین کتاب ایران در تهران است » ، اطلاعات ، (۱۳۵۰/۸/۲۷)

« کتاب و کتابخانه در ایران » ، آژنگ ، شماره ۳۷۲۹ (۱۳۵۳/۵/۱) و شماره ۳۸۳-۳۸۵۱ (۱۳۵۳/۶/۲-۱۳۵۳/۵/۶)

« کتاب و کتابخانه در ایران از اسلام تا کنون » ، ندای ناسیولیت ، شماره ۱۴۵ (۱۳۵۶/۸/۲۵)

کریمر ، سامایریل نوآ ، الواح سومری ، ترجمه داودرسانی ، تهران ، ابن سینا ، فرانکلین ، ۱۳۴۰ ، ۳۵۶ ص . مصور ، نقشه ، عکس .

کریمی ، خسرو ، « تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران » ، نوای ملت (۱۳۴۹/۴/۲)

کیا ، صادق ، « فایده کتاب و نقش آن در زندگی بشر » هنر و مردم ، دوره ۴ ، شماره ۳۹ و ۴۰ (دی و بهمن ۴۴) ، ص ۷ ، ۹ ، ۷ .

لارنس ، تامسن ، « جنون کتاب » ، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی ، نامه انجمن کتابداران ایران ، دوره هشتم ، شماره ۲ (تابستان ۱۳۵۴) ، ص ۲۳۶-۲۴۶ .

لارنس . دی . ۱ . « کتاب » ، ترجمه نازی عظیمیا ، نامه انجمن کتابداران ، دوره هشتم ، شماره ۴ (زمستان ۱۳۵۴) ، ص ۲ .

« لوح گلی : اولین کتاب جهان » ، رستاخیز ، شماره ۱۵۴ (۱۳۵۷/۵/۱۹) .

مرکز آمار ایران ، کتاب و مطبوعات در ایران . تهران ، ۱۳۵۲ ، ۱۱۱ ص ، مصور ، نقشه ، جدول ، نمونه ، عکس .

محیط طباطبائی ، محمد ، « کتاب سوزانی در صدر اسلام » ، وحید ، شماره ۱۰ (۱۳۵۱) ، ص ۱۱۰۳-۱۱۱۰ .

مصاحب ، غلامحسین ، « کتاب میراث معنوی بشریت » ، تلاش ، شماره ۳ ، ص ۸۲-۹۱ .

- مصاحب ، محمود ، « کتاب در ایران » ، تهران ، مجله راهنمای کتاب ، ۱۳۴۲ ، ۵۵ ص ،
مجموعه انتشارات شورای خواندنیهای نوسوادان .
- معصومی همدانی ، حسین ، « کتاب در هشتاد سال پیش » ، نشر دانش ، سال چهارم ،
شماره ۴ (خرداد و تیر ۱۳۶۳) .
- مک لوهان ، مارشال ، « گذشته و آینده کتاب » ، پیام یونسکو ، دوره سوم ، شماره ۳۰
(بهمن ۱۳۵۰) ، ص ۴-۵ .
- ممتحن ، حسینعلی ، « پژوهشی درباره سوختن کتابهای اسکندریه و ایران » ، ارمغان بهاری ،
تهران ۱۳۵۶ ، ص ۴۵-۵۲ .
- مهران ، فاطمه ، « تاریخ پیدایش کتاب و تکامل آن » ، راهنمای کتاب ، دوره دهم ،
ص ۷۷-۷۸ .
- مهرگان ، آرش ، « کتابخانه های ایران از آغاز تا امروز » ، تلاش ، شماره ۵۱ (مهر ۱۳۵۴) ،
ص ۳۸-۴۱ (مصاحبه) .
- نامه انجمن کتابداران ایران ، شماره ۱- ۱۳۴۶ - ، تهران ، انجمن کتابداران ایران ، ج .
فصلنامه . قبلاً با عنوان خبرنامه انجمن کتابداران ایران منتشر شده است .
- یوسفی ، غلامحسین ، « کتاب » ، کتابهای ماه ، سال دوم ، شماره ۱۰ ، (۱۳۳۷) .

بخش دوم

قرون وسطا

دورهٔ میانهٔ اوّل مسیحی

نخستین کتابخانه های دیر و کلیسا

روزگار شوم کتابخانه های رومی از هنگامی آغاز گردید که ارکان امپراتوری متزلزل شد ، و قبایل ژرمن ایتالیا را ویران ساختند . در حالی که امپراتوری برای بقای خود تلاش می کرد ، به طور حتم کتابخانه های رومی در قرن پنجم و آغاز قرن ششم میلادی بخش مهمی از گنجینه های خود را از دست دادند .

مجموعه های کتب مسیحی پیش از جنگهای ژرمنی

تأثیر دیانت مسیح پیش از جنگهای ژرمنی آشکار شده بود ، زیرا ظهور ادبیات مسیحی و ادبیات یونانی و لاتینی در کنار هم آغاز گردید . در کنار کلیساها کتابخانه هایی ایجاد شد که به کتابخانه های مقدّس^۱ یا کتابخانه های مسیحی^۲ معروف بودند . این کتابخانه ها از متون کتاب مقدّس تشکیل شده بودند ، سپس کتابهای پدران روحانی کلیسا ، و کتابهایی که شامل قوانین و مراسم کلیسا بود به آن افزوده شد . در قیصریه فلسطین کتابخانه مسیحی مشهوری ایجاد شد که متعلّق به یکی از پدران روحانی به نام پامفیلوس^۳ بود . وی که متوفای سال ۳۰۹ بود از شاگردان اوری حن^۴

1- Bibiliothecae Sacre.

2- Bibiliothecae Christianae.

3- Pamphilus.

4- Origen.

است، و پس از یک قرن هیرونیмос^۵ او را ستوده است. همچنین مجموعه های دیگری از کتب پدران کلیسا را شناخته ایم. و نیز در دیرهای مصر که در آن جا گروههایی از راهبان نخستین از آغاز قرن دوم بعد از میلاد اجتماع کرده بودند، کتابهایی گردآوری شده بود. انگلیس از این دیرها، بویژه در صحرای نوبه، تعداد بسیاری از نسخه های خطی قبطی و یونانی را که راهبان به اهمیت آن آگاه نبودند به دست آورد. پس از بررسی این نسخه های خطی، آگاهی از متون مسیحی و غیره مربوط به قرن پنجم میلادی امکان پذیر شد.

احتمال می رود که دیوارهای ساختمان کتابخانه های قدیمی تعداد معینی اشکاف داشته که از چوب پوشیده شده بود؛ بعلاوه طبقه ها و درهای آن نیز چوبی بود. سپس کتابها در جاکتابی هایی که دارای قفل بود و آرماریا^۶ نامیده می شد قرار می گرفت. اما کتابهایی که در مراسم و اعیاد پاک مورد استفاده واقع می شد، و کتابهای دعا و غیره که بخش اعظم کتابهای کلیساها و صومعه را تشکیل می داد، غالباً به طور جداگانه، همراه ظرفهای مقدس و چیزهای گرانبهاتر دیگر، در جایی به نام خزانه مقدس^۷ نگهداری می شدند.

بعد از دگرگونیهایی که بر اثر غارتهای وحشیانه ژرمنها پدید آمد، تأثیر کلیساهای مسیحی، بویژه کلیسای رم، بر عالم کتاب رو به افزایش و گسترش گذاشت، تا آن جا که کلیسا، همان طور که بعداً خواهیم دید، علاوه بر نقش اساسی و جایگاه بلند آن در حفظ بخشی از ادبیات قدیم، که از نابود شدن در آشوبها و دگرگونیهای سیاسی نجات یافته بود، در طول قرون وسطا بر دنیای کتاب حکومت می کرد.

کتابخانه های بیزانس

تمدن یونان باستان که بر اثر جنگ با بربرها در معرض نابودی قرار گرفته بود، امپراتوری بیزانس را برای خود پناهگاهی یافت که به وسیله آن از ویرانی محفوظ بماند.

5- Hieronymus.

6- Armaria.

7- Sacristia.

کتابخانه های امپراتوری

امپراتور کنستانتین^۸ بزرگ در قرن چهارم ، مانند بطالسه پیش از خود در اسکندریه، تلاش کرد که بیزانس ، پایتخت امپراتوری روم شرقی ، را مرکز تمدن در عصر خویش قرار دهد . حتی امکان یافت که به کمک دانشمندان یونانی ، و پیش از آن که مسیحیان بعد از مدتی کتابخانه اسکندریه را بسوزانند ، کتابخانه ای تأسیس کند که ادبیات مسیحی به شکلی منظم در آن جا گرد آمده بود ؛ هر چند این امر مانع از آن نشد که تعداد بسیاری از کتب غیر دینی هم در آن کتابخانه وجود داشته باشد .

پس از آن دیری نگذشت که کتابخانه ای برای ادبیات غیر مسیحی در روزگار جولیانوس مرتد^۹ تأسیس شد و کتابخانه امپراتور کنستانتین در سال ۴۷۶ میلادی سوخت لکن پس از اندک زمانی ساختمان آن دوباره بازسازی شد ، اما بعد از آن از سرنوشت این کتابخانه اطلاعی در دست نیست . با همه اینها به نظر می رسد که تا زمان جنگهای صلیبی وجود داشته است ، و بخشی از آن تا هنگام استیلای ترکها بر قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ باقی مانده بود ، که احتمال می رود ضمیمه کتابخانه پادشاه اول عثمانی شده باشد .

کتابخانه های کلیساها

در آکادمی که کنستانتین در بیزانس تأسیس کرد ، دانشمندان سرگرم تحقیق شدند ، و همزمان به استنساخ ادبیات کهن یونان پرداختند . راهبان بیزانس نیز همین کار را می کردند و در طول قرون وسطا کلیساهایشان تبدیل به دژی برای فرهنگ یونانی شده بود .

مشهورترین این کلیساها ، کلیسای استودیوم^{۱۰} در بیزانس بود که در آن جا راهب بزرگ تتودور^{۱۱} در قرن نهم قواعدی را برای اطاقهای نسخه برداری و کتابخانه تدوین کرد . در عین حال در حدود ۲۰ صومعه در کوههای شبه جزیره کوچک آتوس^{۱۲} در

8- Constantine, the Great.

9- Julian, the Apostate.

10- Studium.

11- Theodore.

12- Athos.

کنار دریای اژه وجود داشتند که قرون ده تا پانزده دوران شکوفایی آنها بود . صومعه ، سنت کاترین در دامنه کوه سینا نیز مانند سایر صومعه های متعدد دارای مجموعه گرانبهایی از نسخه های خطی بود .

کتابخانه های این کلیساهای بیزانسی ، و نیز کتابخانه های خود بیزانس ، برای کاوشهای باستانشناسی که دستداران مجموعه های کتاب در عصر نهضت جدید اروپا انجام دادند ، مواردی بود که نمی توان برای آنچه از آن جا کشف شد قیمتی تعیین کرد . به رغم آن که گذشت زمان بحرانها و مصائبی را برای کلیساهای پیش آورد و به رغم آن که تقریباً چیزی از مجموعه های اصلی قدیمی آن برجای نمانده است ، امروزه ارزش آنچه باقی مانده در حد گنجهای گرانبهایی است که از بقایای قرون اولیه (مربوط به قرون وسطا) بر جای مانده است ؛ هرچند طبعاً دسترسی به این آثار برای کسی که در خارج این کلیساهای بوده دشوار است^{۱۳} .

در میان این کشفیات ، کاری که دانشمند زبان شناس آلمانی تیشندورف^{۱۴} در کلیسای سنت کاترین در سال ۱۸۴۴ انجام داد خیلی جالب است . او چهل و سه برگ از نسخه ای که مربوط به عهد قدیم یونانی بود از راهبان کلیسا ، پس از این که تصمیم سوختن آن را داشتند گرفت ، که امروز در دانشگاه لایپزیک نگهداری می شود . همچنین چند سال بعد این دانشمند به بخشی دیگر از این نوشته ها دست یافت ، و نیز نسخه کاملی از عهد جدید به دست آورد و آن را به قیصر روس در شهر سن پترزبورگ^{۱۵} (لنینگراد کنونی) هدیه کرد ؛ و آن نسخه مشهوری است از انجیل معروف به نوشته سینا^{۱۶} و نیز کهن ترین دستنوشته یونانی از قرن چهارم میلادی است . بعلاوه چون شامل تمامی عهد جدید می باشد نسخه ای ارزشمند و نادر است .

۱۳- این مطلب پیش از آنکه هیأت آمریکایی با همکاری دانشگاه اسکندریه برای عکس برداری از نسخه های خطی دیر سینا اقدام کنند نوشته شده . دکتر مراد کامل استاد زبانهای شرقی دانشگاه قاهره برای آنها فهرستی تهیه کرده که منتشر شده است - م .

14- Tischendorf.

15- Saint-Petersbourg.

16- (Codex) Sinaiticus.

کتابخانه های شخصی

از میان دانشمندان بیزانسی که می شناسیم ، یکی دانشمند فوتیوس^{۱۷} است که در قرن نهم می زیست . وی در فهرست کتابهایش به نام میریوبایبلون^{۱۸} ، محتویات مجموعه ای را که شامل ۲۸۰ کتاب قدیمی و متعلق به خود او بوده معرفی کرده و از این طریق ، خلاصه ای ارزنده از ادبیات قدیم برای ما بر جای گذاشته است .

تمدن عرب (اسلام) و تأثیر آن بر غرب

احیای ادبیات یونانی

توجه و علاقه به ادب یونان در میان قومی شکوفا شد که بگلی با جهان مسیحیت بیگانه بودند ، پس از این که اعراب مسلمان امپراتوری بزرگشان را تأسیس کردند و دامنه قدرتشان به اسپانیا رسید ، بین دانش یونانی و دانش عربی پیوندی برقرار شد که آثاری ثمر بخش به وجود آورد .

کتابخانه های عربی (اسلامی) در شرق و اسپانیا

در کتابخانه مشهوری که هارون الرشید و پسرش مأمون در بغداد تأسیس کرده بودند و نیز در کتابخانه فاطمیه در قاهره ، کتابهای یونانی گردآوری شده بود . می گویند کتابخانه فاطمیه پیش از آن که ترکها در سال ۱۰۶۸ آن را ویران کنند ، صد هزار جلد کتاب داشته است . لکن تعداد زیادی از نسخه های خطی یونانی در کتابخانه ای که امویان در قرطبه تأسیس کرده بودند جمع آوری شده بود ، و پیش از آن که منصور در سال ۹۷۸ آن را ویران کند تعداد آنها به ششصد هزار جلد می رسید . در آن کتابخانه برای ترجمه کتابهای یونانی به عربی و بار دیگر از عربی به لاتین تلاش بسیاری صورت می گرفت ، و تنها از این طریق پیچیده بود که دانشمندان قرون وسطا بسیاری از مؤلفان مشهور دوران قدیم از قبیل ارسطو و سقراط و جالینوس را شناختند و مخصوصاً

17- Photius.

18- Myriobiblon.

طلیطله ، مرکز این ترجمه ها بود .

اعراب کاغذ را وارد غرب کردند

جهان اسلام بدان علت آغازگر تمام این فعالیتهای فرهنگی و ادبی بود که نسبت به غرب برتری داشت ؛ زیرا توانست بر روی ماده ای بنویسد که تا آن زمان اروپا آن را نمی شناخت .

علتش آن بود که در اواسط قرن هفتم میلادی اعراب با ایران به جنگ پرداختند ، و تا ترکستان پیش رفتند ، تا این که در سمرقند کاغذ را یافتند که تا آن زمان از آن بی اطلاع بودند .

سمرقند راه تجارتهای قدیم را به سرزمینهای چین پیوند می داد ، و از این طریق اختراع کاغذ چینی به ایران راه یافت ، و دیری نگذشت که صنعت کاغذ در امپراتوری اسلامی انتشار یافت ؛ تا آن جا که در قرن هشتم در زمان هارون الرشید کارخانه های کاغذ سازی در بغداد و سرزمینهای عربی ایجاد شدند . در قرن دهم صنعت کاغذ به مصر رسید ، و می گویند اعراب کفنهاى مومیایی شده فرعونها را در ساختن کاغذ به کار بردند .

پس از اینکه عربها صنعت کاغذ سازی را با خود به اسپانیا بردند ، در قرن دوازدهم صنعت مذکور به اروپا راه پیدا کرد ، و طلیطله بزرگترین مرکز ادبی اروپا ، از نخستین شهرهای اروپایی بود که کاغذ را ساخت .

اروپای کاتولیکی در دوران ویرانیهای بربرها

کتابخانه های کلیسا های کاتولیکی

پس از سقوط امپراتوری روم و پیروزی مسیحیت ، کلیساهای کاتولیکی با گروههای دینی و مؤسسه های کلیسایی به کارهای مربوط به کتاب ادامه دادند .

ایتالیا

از مهمترین چهره های کتابدوست ایتالیا در این زمان کاسیودور^{۱۹} بود ، وی شخصیت ممتاز این دوران تحول محسوب می شود . او از یک خاندان بزرگ رومی است و در اواخر قرن پنجم و آغاز قرن ششم می زیست و در دستگاه تتودوریک^{۲۰} پادشاه گوتای^{۲۱} شرقی خدمت می کرد و در دوران پیری از کارکناره گرفت . او در جنوب ایتالیا کلیسایی به نام ویواریوم^{۲۲} تأسیس کرد که به منزله یک آکادمی مسیحی بود . راهبان در آنجا به عبادت خداوند می پرداختند . آنها متون دینی را برای تحقیق می خواندند ، یا از روی آنها استنساخ می کردند . البته متون دینی به کتابهای مقدس منحصر نمی شد بلکه سایر کتابهای عمومی یونانی و لاتین نیز مطالعه می شد .

همچنین از قرن پنجم میلادی در کتابخانه پاپ در رم کتابهایی که مخصوص آرشیو پاپ در قصر لاتران^{۲۳} بود گرد آوری شده بود ، گرچه از این کتابها اطلاعی نداریم .

سرزمین گل^{۲۴}

فعالیت کتابخانه ای در قرون وسطا منحصر به ایتالیا نبود ، بلکه به خارج نیز سرایت کرد . شواهدی به دست آمده که نشان می دهد مردم آن زمان حتی در همین دورانهای آشفته به ادبیات اهمیت می دادند ، بویژه مردان بزرگ کلیسا و مقامهای غیر مذهبی به این امر توجه خاصی داشتند . سیدوان آپولینر^{۲۵} اطلاعاتی عمومی از چند کتابخانه در دوران غارت آتिला^{۲۶} در جنوب گل وجود داشته در رساله های خود برای ما بر جای گذاشته است ، و مخصوصاً در کتابش به مجموعه ای زیبا اشاره می کند که حاکم رومی تونانتیوس فریولوس^{۲۷} در اقامتگاه ییلاقی خود به نام ویلاپروسینا^{۲۸} در اطراف شهر نیم^{۲۹} در اختیار داشت . به نظر این مورخ در میان کتابخانه های رومی کتابخانه ای برتر از آن مجموعه وجود نداشت . با همه اینها با اشغال سرزمینهای گل

19- Cassiodore.

20- Theodoric.

21- Gotha.

22- Vivarium.

23- Latran.

24- Gaul.

25- Sidoine Apollinaire.

26- Attila.

27- Tonantius Ferreolus.

28- Villa Prusiana.

29- Nimes.

توسط فرانکها ، سقوط تمدن آنان آغاز شد . این سقوط تا پایان قرن ششم ادامه داشت ؛ یعنی تقریباً در همان زمانی که ایزیدور^{۳۰} کشیش دانشمند اشیلیه کتابخانه گرانهایش را در آن جا گرد آورد .

فعالیت راهبان در زمینه کتاب

احیای میراث کلاسیکی توسط راهبان بندیکتیان^{۳۱}

فعالیت راهبان بندیکتی در زمینه کتاب بر فعالیت هر هیأت رهبانی دیگر برتری یافت ، تاجایی که راهب سن بندیکت شخصاً در سال ۵۲۸ م . در ایتالیا کلیسای مونت کاسینو^{۳۲} را که آوازه آن همه جا را فرا گرفته بود تأسیس کرد . او برای راهبان آن جا قانونی وضع کرد که در آن بر خواندن کتابها و متون تأکید زیادی شده بوده و آنان می بایست تمامی اوقات فراغتشان را به خواندن اختصاص دهند . وی حتی برخی از راهبان پیر را مسؤول اجرای این قانون کرد .

سن بندیکت شخصاً به ادبیات دینی توجهی خاص داشت . هنگامی که موریس^{۳۳} - شاگرد اسقف سن بندیکت^{۳۴} - کلیسایی در شهر سن مور سور لوآر^{۳۵} در سرزمین گال تأسیس کرد ، بندیکت ادبیات کلاسیکی لاتین را آموخت ، و همزمان کتابهای دینی را که در کلیسای متعدد بندیکتی بود و کم کم تعداد آن در تمامی اروپا در نیمه دوم قرن ششم افزایش می یافت ، استنساخ کرد .

روی آوردن راهبان به ادبیات قدیم و استنساخ آن متون ، دلیل بر علاقه ایشان به ادبیات نبود ؛ بلکه به ضرورت آموزش زبان لاتین مربوط می شد ، زیرا آنان برای آن که ادبیات کلاسیک را بخوانند و زبان لاتین را فرا گیرند به فرهنگ و ادبیات قدیم روی آوردند که فقط وسیله ای برای رسیدنشان به هدفهای خاص بود . بدین طریق ، فرهنگی دولتی رشد یافت که می توانست علاوه بر جنبه های دینی قوی خود ، پیوندش را با

30- Isidore.

31- Benedictines.

32- Monte Cassino.

33- Maurus.

34- Benedict.

35- Saint Maur Sur loire.

حیات روحی عصر قدیم نیز حفظ کند . اگر تأثیر این تمدن قدیم تا امروز پایدار مانده است ، در درجه اول این برتری از آن کلیسای کاتولیکی است .

انتشار هیأت‌های تبلیغ سلتی

فعالیت راهبان ایرلندی قابل توجه بود و به رغم وجود مراکز متعدد تمدن قدیم ، از آن جا که ایرلند در اوایل قرون وسطا بیش از هر جای دیگر پناهگاه مناسبی برای تمدن کلاسیک بود ، این منطقه درخششی خاص داشت .

در قرن پنجم ایرلند به وسیله سن پاتریک^{۳۶} به سوی مسیحیت تحوّل یافت و چیزی نگذشت که راهبان ایرلندی با شور و شوق به بررسی نسخه های خطی قدیمی بویژه ادبیات یونان پرداختند . آنها روشی معین برای خط ملّی که ویژه خودشان بود و بزودی بیان خواهیم کرد کشف کردند . از این بالاتر راهبان ایرلندی به شور و شوق مبشران و مبلغان مشهور بودند . آنها در اندک زمانی (در سال ۵۸۰) ، اسقف مشهور ایرلندی ، قدیس کولومبان^{۳۷} ، را به انگلستان و قاره اروپا فرستادند . او و دوازده راهب دیگر در تأسیس نخستین کلیسا در زمین گل به نام کلیسای لوکسوی^{۳۸} شرکت کردند و چندین نسخه خطی را که هسته اولیه کتابخانه کلیسایی بود ، گرد آوردند . به طوری که این شهر بیش از یک قرن از مهمترین مراکز حیات روحی فرانسه بود .

سپس همین کولومبان در ایتالیا کلیسایی به نام بوبیو^{۳۹} تأسیس کرد که شهرت آن از کلیسای قبلی کمتر نبود . همچنین روش ویژه خط ایرلندی از مراکز مقابل و بیرون کلیسا به داخل آن انتقال یافت .

همچنین راهبان دیگر بندیکتی و از جمله آنان گالوس^{۴۰} ، درسویس ، کلیسای سن گال^{۴۱} را ، که تا به امروز بر جای مانده و پس از اندکی آوازه کتابخانه اش به همه جا رسید ، تأسیس کردند .

36- Saint Patrick.

37- Saint Coloman.

38- Luxeuil.

39- Bobbio

40- Gallus.

41- Saint-Gall.

مبلغان بزرگ انگلیسی

راهبان ایرلندی ، همزمان با فعالیت اولین فرستادگان پاپ به انگلستان ، تأثیر زیادی در آن محیط بر جای گذاشتند . اما بر اثر آشفته‌گی‌های ناشی از حملات وایکینگها^{۴۲} ، جز اندکی از کتابخانه های دیری باقی نماند .

مشهورترین مردان کلیسای انگلیسی در این زمان بید^{۴۳} است که تاریخ کلیسا را نوشت و نیز قدیس بندیکت که بارها برای جمع آوری کتاب به دوماست مسافرت کرد .

همچنین قدیس بونیفاس^{۴۴} به آلمان رفت و به تبلیغ مسیحیت پرداخت . پس از گذشت مدتی ، از میان کلیساهایی که در این سرزمینها تأسیس شد به کلیسای فولدا^{۴۵} کتابخانه مشهوری اضافه شد . یکی از شاگردان بید به نام اجبرت^{۴۶} اسقف اعظم کلیسای یورک^{۴۷} شد ، و در آن جا کتابخانه ای تأسیس کرد که بعدها آلکوکین^{۴۸} پیش از آن که از آن جا به اروپا کوچ کند ، مدیر آن کتابخانه شد . این مطلب در مباحث بعدی ، مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

گسترش کلیساها و کتابخانه ها

ایجاد کلیسای لوکسوی به ایجاد کلیسای دیگری در شهر کوربی^{۴۹} واقع در استان بیکاردی منجر شد ، و نیز تأسیس دیر (صومعه) سکسونی را در شهر کروی^{۵۰} در پی داشت که به کتابخانه ویژه ای مجهز بود . مورخ آلمانی ویدوکینت^{۵۱} تاریخ آن را قرن دهم میلادی نوشته است .

به همین طریق می توان نمونه های دیگری ذکر کرد که افزایش کلیساها را یکی پس از دیگری در این دوره نشان می دهد . به طوری که می توان با انتساب کلیساها به طوایف گوناگون راهبان ، نقشه هایی را ترسیم کرد . هریک از این کلیساهای فرعی ، از موسسه مادر ، مجموعه ای از نسخه های خطی را به عنوان هسته اولیه برای

42- Vikings.

43- Bede.

44- Saint Boniface.

45- Fulda.

46- Egbert.

47- York.

48- Alcuin.

49- Corbie.

50- Korvey.

51- Widukind.

کتابخانه های آینده اش دریافت می کرد .

نسخه های خطی پیش از دوره شارلمان - پیشرفت خط

بتدریج در اثر پیشرفت فرهنگی و علمی در کلیساها خط (لاتین) نیز متحول شد . این فرهنگ به سبب آن که لاتین را به عنوان وسیله ای ارزشمند و ادبیات لاتین را به عنوان زمینه خاصی برای تحقیق برگزیده بود رشد چشمگیری یافت .

خط ایتالیک یا مایل لاتین و اشکال آن

نخست خط مایلی را می بینیم که در قرون اولیه میلادی دوشادوش خطی که دارای حروف بزرگ و حروف دایره ای بود و قبلاً ذکر آن به میان آمد رواج داشت . استفاده از این خط مایل در روم قدیم معمول بود و می توان گفت که فقط شامل حروف کوچک می شد و این برعکس آن اشکال سه گانه دیگری برای نوشتن است که در سابق بیان شد و تنها شامل حروف بزرگ بود .

چندین نسخه خطی از قدیمترین مدرسه خطاطان فرانسه در دست داریم . این مدرسه که در آن نسخه برداری انجام می شده وابسته به کلیسای کاتدرال لیون^{۵۲} بوده است . نسخه های خطی مربوط به دورانی طولانی از قرن پنجم تا هشتم میلادی است ، و بیشتر آن به خط دایره ای است . از آغاز قرن ششم این خط مایل ، با حروف کوچک آن ، در زمانها و مکانهای مختلف و به طور پراکنده به چشم می خورد . بعضی اوقات ، دو یا سه شکل خط را در یک نوشته و در کنار هم می بینیم . دیری نگذشت که این نوع خط کم کم به میدان کتابهای خطی در آغاز قرون وسطا راه یافت ؛ تا آن جا که در صومعه های گوناگون ، به عنوان اشکالی که معرف ملیتها و قومیتهای مختلف بود ، به کار رفت . از آن جمله است خط ایتالیایی که چون نوشته های آن به طور فراوان از کلیسای بویو^{۵۳} صادر می شد بر دیگر خطوط امتیاز داشت ، و در قرن دهم و یازدهم

52- Lyon.

53- Bobbio.

به خط بنونتان^{۵۴} معروف شد. همچنین خط گوتی غربی که استفاده از آن تا قرن دوازدهم در اسپانیا رایج بود، و نیز خط مروونژی^{۵۵} که به سبب کار برد آن در نامه های پادشاهان مروونژی به این نام معروف شد، و این خطی است که بویژه در نسخه های خطی لوکسوی و کوربی به چشم می خورد.

خط ایرلندی

به این اشکال سه گانه خط، نوع خط دیگری افزوده می شود که جنبه ملی داشت و قبلاً از آن یاد کردیم. این خط، خط ایرلندی سکسونی یا جزری است که چون در اصل از جزایر ایرلند به انگلیس آمده به این نام مشهور شده است. خط ایرلندی، بر خلاف خطوط دیگر، از خط سریع لاتین مشتق نمی شود بلکه از خط لاتین دیگری مشتق شده است. منظور خط شبه دایره است که دارای حروف پهن و دایره ای است و دیری نگذشت که راهبان ایرلندی آن را به خطی که شامل حروف کوچک نزدیک به هم و دارای زاویه بود اصلاح کردند، و در آن زمان برخی عناصر (حروف رونی)^{۵۶} را که تا این زمان رایج است به کار بردند، و این نوع خط را ضمن سفرهای تبلیغی خود انتقال دادند تا این که در تمامی کلیساهایی که راهبان ایرلندی به نام بویو و لوکسوی و سنت گال و غیره تأسیس کرده بودند رواج یافت.

حروف اختصاری در خط

استفاده از حروف اختصاری در تمامی اشکال خط یکی از ویژگیهایی بود که به طور عام رواج یافت و در دوران قدیم کاربرد آن در برخی کلمات و مقاطعی که زیاد تکرار می شد پیوسته به چشم می خورد. اما در نوشته های قرون وسطا استفاده از حروف اختصاری نخست در کتابهای مقدس گسترش یافت و پس از آن در کتابهای غیر

54- Beneventan.

55- Merovingian.

۵۶- حروف رونی (Rhône) نام الفبایی که اقوام ژرمن از نوعی خط تحریری یونانی اقتباس کردند و برای کنده کاری روی چوب به کار می رفت - م.

دینی نیز مورد استفاده قرار گرفت . در خلال قرنهای دوازدهم تا چهاردهم استفاده از حروف اختصاری جنبه عمومی یافت و بعد از آن کاربرد حروف اختصاری روشی معمول شد .

در بدو امر اشکال حروف اختصاری مختلف بود - چنان که به طور مثال از خطّ جزری که دارای مختصر نویسی ویژه ای بود گرفته می شد - اما روشهای مختصر نویسی بعداً ثابت و یکسان شد . بناچار در ابتدا شناخت اصطلاحات و تشخیص بعضی از بعض دیگر نیاز به آموزش طولانی داشت و نویسندگان فرهنگهای کاملی برای معرفی این مختصر نویسیها و معانی آنها تألیف کردند .

اما مختصر نویسی در نخستین دورانهاش با حذف برخی حروف کلمه آغاز شد . و تنها بعضی حروف کلمه به جای کلمه کامل نوشته می شد و اینها نمونه ای از آن است .

ds = deus خدا

dns = dominus آقا

epc = eiscopus کشیش

همچنین در نوشته های کلیسایی برخی از روشهای اختصار به کار گرفته شد که حاکی از کلمات معینی بود ، و تنها برای اختصار و حذف کلمات یا حروف زاید نبود ، چنان که بعداً به این منظور از آن استفاده شد . همچنین در کنار حذف حروف ، پاره ای رمزهای معین برای دلالت بر کلماتی که زیاد تکرار می شد ، به کار می رفت . آن رمزها به رموز اختصاری که هم اکنون وجود دارد شباهت زیادی داشتند . و منشأ آن نوشته های قدیم در قانون رومی است که از آن جمله اینهاست :

Ϸ = ejus از او یا از ملک او

7 = et و

p = pro برای

f = per در طی ، بواسطه

علاوه بر این نوعی اختصار را می شناسیم که به نام (خط فوقانی) معروف است ؛

به این معنی که انتهای کلمه حذف شده و یک حرف بالای جزء اول کلمه نوشته می شد .

کار راهب نسخه بردار

راهب برای استنساخ یکی از نوشته ها ، نخست کاغذ را به وسیله کارد و خط کش می برید ، این کار در لاتین به کوادراتیو^{۵۷} یا چهار گوشه کردن معروف است . سپس سطح کاغذ را جلا می داد ؛ بعد کاغذها را با تعیین اندازه فاصله بین خطوط از طریق ایجاد سوراخهای کوچکی به وسیله پرگار بر کنار کاغذ ، خط کشی می کرد . خط کشی یا به وسیله مته فرنگی یا مرکب قرمز صورت می گرفت ، گرچه پس از اندک زمانی مداد سربی جای آن را گرفت . هنگام نوشتن ، کاتب بر کنده ای می نشست و از دو دوات که یکی برای جوهر قرمز و دیگری برای جوهر سیاه بود ، استفاده می کرد . سپس با کمک پر غاز یا سنگ مخصوص شروع به نوشتن می کرد .

عنوان و سرفصلها

پس از پایان کار استنساخ ، کاتب در پایان ، چند خط باقی می گذاشت ، که شامل عنوان کتاب یا معرفی آن بود^{۵۸} . این خط غالباً با عبارت اکسپلیسییتوس^{۵۹} یا اکسپلیسییت^{۶۰} که به معنی پایان است آغاز می شد . این امر ، ما را به یاد دورانی می اندازد که نوشته ها همیشه به شکل طومار بود ، چون معنی این کلمات تا کردن و گسترش نوشته است . مع ذلک عنوان در اول نوشته نیز جای می گرفت ، که با عبارت هیک اینسی پیت^{۶۱} به معنی از این جا شروع می شود ، آغاز می شد ؛ سپس در پی آن موضوع متن می آمد . غالباً کاتب در پایان نوشته علاوه بر نام شخصی که کتاب برای او استنساخ می شد ، مکان و زمانی را که در آن کارش پایان یافته بود اضافه می کرد . با تمام اینها ، نمی توانست نامش را در آخر ذکر کند تا خود را به نسلهای آینده بشناساند . پس از آن که کاتب کارش تمام می شد خطاط عناوین ، کارش را دنبال می کرد ، تا

57- Quadratio.

58- Colophon.

59- Explicitus.

60- Explicit.

61- Hic incipit.

عنوانهای فصلها را با جوهر قرمز بنویسد و حرف اول از هر جمله با خط قرمز اصلی بود.

تزئین نسخه های خطی

از نسخه های خطی قدیم دانستیم که در آغاز کلمات^{۶۲}، حروف بزرگ^{۶۳} به کار می رفته اما در نوشته های کلیساها این حروف نقش بسیار مهمی بازی کرده است.

مینیاتورها^{۶۴}

این حروف در عنوان جمله ها (یا فصلها) با رنگ قرمزی که از ماده مینیوم و شنگرف به دست آمده بود، ترسیم می شد. سپس بتدریج پیشرفت کرد تا این که با قوسهای عمودی تزئین شد، و نهایتاً بازیتتهای هنری ویژه زینت می یافت که چون کاربرد آن رایج گشت مینیاتور نامیده شد. این کلمه از کلمه مینیوم^{۶۵} لاتین مشتق شد. که به معنی استعمال رنگ قرمز است.

در کنار رنگ قرمز، کاربرد رنگ کبود باز نیز افزایش یافت، چنان که در نوشته های ارزشمند حروف طلایی و نقره ای به کار گرفته شد. از این رو کسانی که به استنساخ نوشته هایی با حروف طلایی و نقره ای مشغول بودند تذهیب کار^{۶۶} نامیده می شدند. کاربرد طلا از مختصات هنر کتاب آرایی بیزانسی بود، به رغم آن که در مجموع تقریباً نشانی شرقی داشت؛ زیرا دارای رنگهای ارغوانی و مانند آن و رنگهای کدر و تیره بود.

از نمونه های معروف نوشته هایی که رنگهای ارغوانی دارند، و با حروفی طلایی و نقره ای نوشته شده اند، نسخه خطی معروفی است به نام خط نقره ای (کدکس ارچنتوس)^{۶۷} که هم اکنون در کتابخانه دانشگاه آپسال^{۶۸} سوئد نگهداری می شود. این نسخه ترجمه توراتی است که در قرن چهارم میلادی اسقف آلفیلا^{۶۹} نوشته و بعدها در

62- initials.

63- capitals.

64- miniatures.

65- Minium.

66- Chrysographs.

67- Codex argenteus.

68- Upsal.

69- Alfila.

ایتالیا در قرن ششم از آن نسخه برداری شده است .
 با توجه به مطلب سابق الذکر ، کتاب آرای بی‌زانی در قرن نهم و دهم بر کتاب
 آرای اروپایی تأثیر زیادی گذاشت . این تأثیر بویژه در تورات شارل اصلع^{۷۰} و
 مزامیرش ، که هم اکنون در کتابخانه ملی پاریس موجود است آشکار می باشد . اما دیری
 نگذشت که این تأثیر در طی قرن یازدهم افول کرد .

رنگ آمیزی مینیاتورها^{۷۱}

طبیعی است که نسخه های قدیمی قرون وسطا از لحاظ اهمیت هنری و تخصص
 در ساخت آن یکسان نبودند . زیرا تعداد زیادی از آنها زینتهایی کاملاً بی اهمیت
 داشتند . بعلاوه بروشنی پیدا بود که در ساخت آن سهل انگاری شده است . اما هر چه
 در قرون وسطا پیش می رویم ، زینتها پیشرفت بیشتری دارند و پس از اندک زمانی تعداد
 رنگها افزایش می یابد و دو رنگ کبود و زرد به رنگ قرمز افزوده می شود ، و در قرن
 دوازدهم رنگ سبز نیز به کار می رود . اضافه می کنم که زینتها تنها به حروف بزرگ
 منحصر نمی شد و نشانه آن این است که تنها شکل کاملی داخل این حروف رسم نشده
 بود ، بلکه تمامی صفحات را زینتها یا شکل منظره هایی مینیاتوری^{۷۲} جدا از خط
 فراگرفته بود .

آنگاه نهایتاً در کنار رنگها ، برگهای نازکی از طلای صیقل یافته برای چاشنی زینتها
 به کار رفت . اگر متن چنان که در نوشته های بزرگ رایج بود ، بر دو ستون نوشته شده
 بود ، امکان تزئین با شکلهای چهار گوش بیشتر بود .

هنر تزئین کنندگان

به طور خلاصه می توان گفت راهبی که متن را می نوشت ، خودش حروف و
 اشکال دیگر را رسم نمی کرد ، بلکه غالباً جاهای لازم را برای نوشتن این حروف و

۷۰- اصلع ، کسی که جلو سرش مو نداشته باشد - م .

71- illuminate.

72- illumination.

زینتها خالی می گذاشت ، در حالی که در حاشیه با حروفی بلند که پاك کردن آن آسان بود جملاتی را که بر موضوع رسم دلالت داشت می نوشت . پس از آن نقاش کارش را با کمک لوحه و فرش آغاز می کرد . او نخست به وسیلهٔ پر به خط کشی کلی برای نقش دلخواه با خطهای بسیار بلند می پرداخت و این کار پیش از آن که شکل را به طلا یا رنگهای دیگر بیاراید ، صورت می گرفت .

می توان گفت تمامی زینتهای دوران اولیه قرون وسطا به هنر تزئین نزدیکتر بود تا به نقاشی ؛ زیرا در میان آنها چهارچوبهایی را می بینیم که اطراف متون و شکلهای حروف بزرگ را فرا گرفته که مانند دایره های در هم و خیالی است ، به طوری که فضای موجود در قسمتهای خالی را کاغذ پوست فرا گرفته است . غالباً همراه متن شکلهایی وجود داشت که دارای تأثیر زینتی بسیار بود ، و این در هنگامی بود که عکسهای حیوانات وحشی و موهوم سفرهای رویایی^{۷۳} ، پرداخته خیالات خام محض بود .

آنچه گفتیم بویژه بر نوشته های راهبان ایرلندی منطبق است که نه تنها به سبب نوشته هایشان ، بلکه به خاطر ماهیت جالب آن نوشته ها از شهرت خاصی برخوردارند . و نیز بدلیل سبک سلتی^{۷۴} که ایشان در حروف تزئینی بزرگ^{۷۵} ، و در شکلهای چهار گوش حاشیه دار و نقطه دار و صورت حیوانات خیالی به کار برده اند ، نگارششان ممتاز بوده است . اما در جنوب انگلستان در قرن دهم و یازدهم هنر کتاب آرایی به امتیازاتی از قبیل شکلهای چهار گوش هنری برای شکل برگهای درختان متصف گردید . هنر تزئین در میان ملت های دیگر ، با ماهیت خاص خودش جلوه گری می کرد . در کتابهای دستور دینی و دعا و سرود که دارای قطع چهار یا هشت بود ، هنر نقاشی در نهایت زیبایی در نسخه های خطی بسیار مقدس آشکار می شد . آنچه جلب توجه می کند ، بقای رنگها با حالتی زیبا تا روزگار ماست . این رنگها آن چنان خرم ، زیبا و روشن است ، که گویی تازه نقاشی شده اند !

73- Apocalypse.

74- Celtic.

75- initials.

کوشش شارلمان برای متمرکز ساختن حیات عقلی

تحولگی که شارلمان در قرن هشتم به وجود آورد ، و در مقایسه با تمامی جنبه های حیات ادبی ، کاری پر اهمیت بود . وی دانشمندان خارجی را در دربارش گرد آورد ، تا نور دانش و فرهنگ را در میان ملتش انتشار دهند . از جمله آنان پول دیاکر^{۷۷} از ایتالیا و آلکونین شاگرد اجبرت از استان یورك واقع در نورثمبرلند^{۷۸} بودند . شارلمان ساختمانها و یادگارهای جاویدان در کلیسای سن مارتن^{۷۹} در شهر تور^{۸۰} از خود بر جای گذاشت ؛ برای مثال مدرسه ای که در آن جا تأسیس کرد الگویی برای بسیاری از مدارس صومعه ها و کلیساها شد . از میان شاگردان آلکونین شخصی به نام رابان مور^{۸۱} کتابخانه کلیسای فولدا^{۸۲} را تأسیس کرد . همچنین شارلمان در دربارش واقع در اکس لاشاپل^{۸۳} هیأت بزرگی از نسخه برداران را به کار گرفت و در آن جا کتابخانه ای ایجاد کرد . وظیفه دانشمندانی که به دربارش فراخوانده می شدند ، انتشار ادبیات کلاسیک پس از تحقیق و بررسی آن از لحاظ لغوی بود ؛ همچنان که در کتابخانه اسکندریه نیز دقیقاً این کار صورت می گرفت .

هنر رومی میانه در نسخه های خطی

خط کارولنژی

دربار شارلمان مسؤولیت اصلاح خط را طبق خواسته هایی که مناسب حیات عقلی بود ، به عهده گرفت . آنان می خواستند این خط متحد الشكل و جانشین انواع نوشته های ملی شود . سپس به شکل نمونه ای رسیدند که همان خط کارولنژی

76- Charlemagne

77- Paul Diaire.

78- Northumberland.

79- Saint Martin.

80- Tours.

81- Roban Maur.

82- Fulda.

83- Aix Lachapelle.

است . این خط دارای حروف کوچکی است که گمان می رود از خط میرووفنژی با تأثیر از دو خط لاتین دایره ای و شبه دایره ای اقتباس شده باشد . این خط در مدتی نسبتاً کوتاه جایگزین خطهای منطقه ای شد ، و طبعاً در نزدکاتبان تمامی کلیساها کیفیت ویژه ای به خود گرفت . با همه اینها این امر مانع از آن نشد که خط مذکور به طور عموم دارای ویژگی معین و یکسان شود ، و مادامی که روش رومی میانه در این هنر حکومت کند ، آن ویژگی ملازم آن خط باشد . به طوری که می بینیم همواره ارتباطی قوی بین اشکال حروف کوچک کارولنژی و جوهر سبک رومی میانه ، وجود دارد ، تا آن جا که خط کارولنژی در واقع به نام خط رومی میانه نامیده شده است .

از ویژگیهایی که نخستین عصر این کتابت را مشخص می کند ، خطوط بلند ماهی ماندی است که ارتفاع آن بر روی سطر از سایر حروف بیشتر ، و ارزش تزینی آن از تمام حروف طویل و گوناگون بیشتر است . سپس در پایان قرن یازدهم ، و در طی قرن دوازدهم حروف کارولنژی تنگتر و بلندتر و نزدیکتر و زاویه دارتر شد و به همین طریق پایدار ماند تا این که در نهایت امر به شکل جدیدی تغییر یافته و به نام خط گوتیک معروف شد .

پیشرفت در تزین رنگی

تأثیر خط کارولنژی در زمینه تزین رنگی نیز آشکار شد . بعلاوه ، زینت کاران می خواستند عناصر گوناگون ملی را که در دستنوشته های گردآوری شده از نواحی مختلف تجلی یافته بود ، در هم آمیزند ؛ و همزمان توجه به ادبیات کلاسیک باعث بازگشت به زینتهای دوران باستان شد .

می توان از دوران کارولنژی در تاریخ کتاب و کتاب آرایی و نیز در تاریخ هنر سخن گفت . در کنار دایره های به هم پیچیده و حیوانات موهوم که از هنر تزین ایرلندی گرفته شده است موضوعاتی را می بینیم که از دنیای گیاهان گرفته شده از قبیل گلها و

غنچه ها و برگهای درختانی که به سبب مرغوبیت و داشتن بافت محکم ، قابل اقتباس بودند و نیز نقشهایی که حاوی زینتهای یونانی و گیاهان خاردار و چیزهای دیگر بودند .
 عدّه زیادی از جمله داگولف^{۸۴} و اینگوبرت^{۸۵} و گودسکال^{۸۶} و لویتار^{۸۷} و دیگران در کارگاه خطاطان و زینت کاران به ریاست آکوین مشغول کار بودند ، وزیر نظر او تلاشی فوق العاده را آغاز کردند .

تأثیرات کارولنژی در آلمان

کتابخانه های کلیساها

حرکت کارولنژی تنها بر فرانسه تأثیر نگذاشت ، بلکه دیری نگذشت که دامنه این تأثیر به تمامی اروپا کشیده شد ، به طوری که سبک رومی میانه در تمامی کشورهای اروپا گسترش پیدا کرد . همچنین سبک گوتیک بعدها در اروپا انتشار یافت .
 تلاشهای ادبی و هنری در آلمان تنها به کلیساهای معدودی که در همه شهرها به چشم می خورد ، منحصر نمی شد ؛ بلکه پیروزی تلاشهای ادبی در حدّی بود که به ابتکار تیوفانو^{۸۸} ، همسر اتوی دوم پادشاه یونانی ، در طی قرن دهم و یازدهم در دربار پادشاهان خاندان اتو^{۸۹} هیأتی از هنرمندان کارولنژی برگزیده شدند که بشدت از فرهنگ و هنر جانشداری می کردند . تا آن جا که همین امر به تأثیر خطّ بیزانسی بر خطّ آلمانی در آن دوران منجر شد . از مهمترین مراکز این هنر می توان از صومعه های زیر نام برد :

صومعه کروی

از میان صومعه هایی که اشاره کردیم یکی صومعه کروی است که کتابخانه ای هم داشته است مع ذلک ، اطلاع کافی از آن کتابخانه نداریم و تاریخش به اوایل قرون وسطا باز می گردد . چنین پیداست که دوران طلایی آن در نیمه قرن دوم بوده است . از آن

84- Dagulf.

85- Ingobert.

86- Godescale.

87- Luithard.

88- Theophano.

89- Otto.

زمان نسخه خطی بزرگی ، ضمن مجموعه دیگری از نسخه های خطی برای ما بر جای مانده که شامل چندین متن از سیسرون است و در کتابخانه دولتی آلمان در برلن نگهداری می شود . در آن صومعه نسخه خطی مشهور دیگری از پوست وجود داشته که اثر مورخ رومی تاسیتوس^{۹۰} می باشد . این کتاب تنها اثر موجود در جهان از شش کتاب اول تاریخ این مورخ به شمار می آید .

صومعه فولدا

این صومعه مرکز مهمی بوده که در آن چهل راهب تحت سرپرستی اسقف اعظم آن به نسخه برداری کتابها مشغول بوده اند . بر فرض که در این رقم مبالغه شده باشد ، لااقل محل نسخه برداری فولدا از فعالترین کلیساهای عهد کارولنژی به شمار می رود و سبک خط آن جا نمونه ای شد که پاره ای از کلیساهای آلمانی از آن پیروی کردند و به پیروی از آن جا از خط (جزری) اول به حروف کوچک خط کارولنژی تحول یافتند . مکتب نقاشی فولدا نیز اهمیت بسیاری یافت . این مکتب فعالیت را آغاز کرد که نه تنها خطوط زینتی را رواج بیشتری داد ، بلکه از این هم فراتر رفت و نسخه های خطی دیگری را به کلیساهای مختلف فرستاد که تعداد زیادی از کتابهای مقدس و اناجیل و مزامیر و زینتهای شگفت انگیز از جمله آنهاست .

بسیاری از نسخه های خطی فولدا نشان هنری دوران اتویی را به همراه دارد . امتیاز این نقاشیها بویژه در تأثیر شگفت آور و حرکت رو به افزایش آن به سوی بهره برداری کامل از جاهای خالی و آماده برای تزیین می باشد . بهترین نمونه آن کتاب مقدس ارزنده و ویژه شهر گوتینگن^{۹۱} است که مربوط به آخر قرن دهم می باشد ، به اضافه کتاب مقدس دیگری از قرن یازدهم که هم اکنون در واتیکان موجود است .

صومعه رایشنو^{۹۲}

در کنار صومعه فولدا صومعه دیگری به نام رایشنو در استان سوابیه^{۹۳} وجود

داشت. این صومعه به همت قدیس پیرمن^{۹۴} ایرلندی تأسیس شد و به سبب مهارت هنری که تزیین کتابهایش را ممتاز کرده بود شهرت ویژه ای کسب کرد. این صومعه در دوران شارلمان به نهایت پیشرفت خود رسید، و ریگنبرت^{۹۵} با تلاشی پیگیر کتب فراوانی برای تأسیس کتابخانه ای در این صومعه گرد آورد. اما مکتب نقاشی راشینو در قرن دهم رونق یافت، چرا که پاره ای از نسخه های خطی پی در پی تزیین شده و بسیار جالب را برای ما بر جای گذاشته است، و بواسطه همین نسخه های خطی است که این صومعه در تاریخ هنر خط رومی دوره میانه در آلمان اهمیت یافته است.

صومعه راتسبان^{۹۶}

در قرن بعد صومعه سنت امرو^{۹۷} در شهر راتسبان، نخستین مرکز برای هنر تزیین کتاب بود. این صومعه در حدود سال ۷۴۰ بالای قبر قدیس پیرمن بنا شد و راهب باتوریش^{۹۸} شاگرد رابان مور و مؤسس صومعه فولدا که مانند استادش از بزرگترین دستداران کتاب به شمار می رفت، از نخستین رؤسای این صومعه بود. از میان هدایای بیشماری که پی در پی به صومعه سنت امرو می رسید، انجیل مشهوری به نام نسخه طلایی^{۹۹} بود، چون با حروف طلایی نوشته شده بود. احتمال می رود که این انجیل در شهر کوربی برای شارل اصلع (یا اقرع) پادشاه فرانسه ساخته شده و هم اکنون در کتابخانه دولتی مونیخ موجود است.

این کلیسا در پایان قرن دهم به ریاست اسقف رامولد^{۱۰۰} به اوج شهرت رسید. همچنین در اوایل قرن یازدهم به واسطه مدرسه کلیسایی خود شهرت یافت، تا آن جا که آتن دوم به شمار می آمد. فعالیت هنری آن در زمینه کتاب بین راهبان درخشید و در رأس آنان راهب مشهور اوتلو^{۱۰۱} قرار داشت. در عین حال تأثیر هنر بیزانسی بر این مدرسه به چشم می خورد.

94- Pirmin.

95- Reginbert.

96- Ratisbon.

97- Saint-Emmerau.

98- Baturich.

99-Codex Aureus.

100- Ramwold.

101- Othloh.

کتابخانه های دیرهای دیگر

در دیگر صومعه های مختلف بندیکتی آلمانی کتابخانه های بزرگی وجود داشت ، و در زمینه کتاب ، دارای فعالیت چشمگیر بودند . در مورد کتابخانه شهر لورش^{۱۰۲} آلمان در واتیکان ، فهرستی وجود دارد که مربوط به اواسط قرن نهم میلادی است . این فهرست ، به رغم فرسودگی ، پانصد و نود شماره کتاب را نشان می دهد . این رقم در آن دوره جداً رقم بزرگی است . زیرا کتابخانه های کلیساهایی که دویست تا سیصد جلد کتاب داشتند اندک بودند ، در حالی که میانگین تعداد کتابهای بیشتر این کتابخانه ها حداکثر از ده جلد تجاوز نمی کرد ، با توجه به این که این کتابخانه ها غیر از کتابهای آیین کلیسا ، جز اندکی کتابهای دیگر نداشتند . در آن جا بجز کتابخانه های کلیساهای آلمانی که نام بردیم ، کلیساهای مشهور دیگر نیز بسیار وجود داشت که از میان آنها کلیساهای ذیل را واقع در استان تریوز^{۱۰۳} در آلمان می توان نام برد : هرسفلت^{۱۰۴} ، تگرنزی^{۱۰۵} ، بندیکت بوی ارن^{۱۰۶} ، سنت ماکسیمین^{۱۰۷} ؛ و در الزاس کلیساهای مایکلزبرگ^{۱۰۸} ، بامبرگ^{۱۰۹} ، موروباخ^{۱۱۰} . و در اتریش کلیساهای واینگارتن^{۱۱۱} ، ملک^{۱۱۲} ، زوایفالتن^{۱۱۳} و غیره .

نسخه های خطی اسکاندیناوی

کهن ترین انواع خط در سرزمینهای اسکاندیناوی به نورون^{۱۱۴} یا خط شمالی قدیمی و ایسلندی معروف بود . این خط نیز از خط کارولنژی تأثیر پذیرفته بود . همان طور که از خط جزری ایرلندی متأثر بود . تأثیر خط جزری ایرلندی در مخطوطات نروژی که قدم به قدم روش خط جزری ایرلندی را دنبال کرده است ، مشاهده می شود . اما خط سوئدی در قرون وسطا از خط انگلیسی ساکسونی از طریق مخطوطات نروژی تأثیر پذیرفت و این هنگامی بود که خط دانمارکی نشان کارولنژی را به همراه داشت .

102- lorsch.

103- Treves.

104- Hersfeld.

105- Tegernsee.

106- Benediktbeuren.

107- Saint Maximin.

108- Micklelesberg.

109- Bamberg.

110- Murbach.

111- Weingarten.

112- Melk.

113- Zwiefalten.

114- Norrone.

کهن ترین نسخه خطی که در دست داریم و قطعاً می توان آن را اسکاندیناوی دانست ، به قرن یازدهم باز می گردد .

کتابخانه های کشورهای اسکاندیناوی

در کشورهای اسکاندیناوی نیز کلیساها مرکز نشر فرهنگ و توسعه کتابخانه ها بوده است . از میان کلیساهای دانمارکی که این نقش را به عهده داشتند ، کلیسای سُر^{۱۱۵} بود که دارای یک مجموعه خطی ژوستی نین^{۱۱۶} بود و نام اسقف آپسالون^{۱۱۷} را به همراه داشت این مجموعه هم اکنون در کتابخانه سلطنتی کوپنهاگ موجود است . و نیز می توان از کلیسای مونکلیو^{۱۱۸} در شهر برگن^{۱۱۹} در نروژ و کلیسای وادستینا^{۱۲۰} در سوئد نام برد . کتابخانه اخیر نزدیک به ۱۵۰۰ جلد کتاب داشت ، تاجایی که در قرون وسطا بزرگترین کتابخانه اسکاندیناوی محسوب می شد .

امتیازات نسخه های خطی اسکاندیناوی

اگر بین نسخه های خطی اسکاندیناوی و نسخه های خطی معاصر آن در کشورهای دیگر در این عصر ، مقایسه ای انجام دهیم ، از عدم هماهنگی بین حروف اولیه و اشکال آن و بین نظایر آن که در دورانه های دیگر ثبت شده ، تعجب خواهیم کرد . نسخه های خطی ، بویژه ایسلندی آن که به دست ما رسیده تا حدی نا مطلوب است و پوستی که بر آن نوشته شده خشن و تیره رنگ است و بر اثر دود سیاه شده و یا به لکه های روغن و کثافات و غیره آلوده گردیده به طوری که در برخی از قسمتها ، نوشته ها محو شده اند . اگر به طور مثال دو نسخه مشهور ادا^{۱۲۱} را که هم اکنون در کتابخانه سلطنتی کوپنهاگ نگهداری می شوند ، و دو نسخه خطی را که مربوط به قرن سیزدهم و چهاردهم اند بررسی کنیم ، چنین قضاوت خواهیم کرد که این نسخه ها در

115- Soroe.

116- Justinian.

117- Absalon.

118- Munkeliv.

119- Bergen.

120- Vadstena.

121- Edda.

میان گروهی پدید آمده و نگهداری شده است که آگاهی آنها نسبت به زیبایی ، در سطحی ابتدایی بوده است .

زندگی در کتابخانه های کلیسایی

زندگی در جوار کتاب در این دوران به عنوان پدیده ای عمومی و مشترک میان کشورهای متمدنی ، مانند فرانسه و آلمان و کشورهای غیر پیشرفته مانند اسکاندیناوی آغاز شد .

نسخه برداران

مردان و زنان راهب ، در غرفه ای آرام ، که ویژه نسخه برداران بود ، و محل نسخه برداری^{۱۲۲} نامیده می شد می نشستند ؛ جایی که هیا هوای دنیای خارج به آن نمی رسید . زندگی در آنجا بستگی به قوانین طائفه راهبان داشت . آنان تمامی فعالیت خود را در راه بزرگداشت نام خداوند و بسیاری از نوشته های قدیمی که محصول تلاشهای چندین ساله بود صرف کرده بودند ، به طوری که ساختن آن فقط در کلیساها ، مکانهایی که راهبان زیر سایه ابدیت می زیستند امکان پذیر بود .

می گویند اوتلو ، یکی از راهبان سنت امرو که قبلاً از او نام بردیم ، بیست و سه کتاب از کتابهای مقدس و یک کتاب از مزامیر و سه انجیل و دو کتاب از اوراد و دو کتاب از قدیس اوگوستین و هفت کتاب از تنظیمات روحی را استنساخ کرده بود .

رسم بر این بود که راهبان جوان به نسخه برداری می پرداختند ، گرچه می دانیم عده بسیاری از اسقفها و بزرگان کلیسا نیز اشتیاق به استنساخ داشتند . غالباً گروهی از راهبان در تمام کردن یک نوشته با هم شرکت کرده و فصلهای آن را بین خودشان تقسیم می کردند .

منابع کتابخانه

منابع اولیه کتابخانه های کلیسایی همان کتابهایی بود که راهبان شخصاً نسخه برداری کرده بودند به اضافه کتبی که از ناحیه دانشمندان و ثروتمندان و امپراتوران و پادشاهان و کشیشان به عنوان هدیه می رسید ، و به این جهت استحقاق آن را داشتند که نامشان در دفتر اهدا کنندگان به این کتابخانه ها جاودان بماند . کما این که در مراسم نیایش رهبانان حتماً برای آنان دعا می شد . علاوه بر این می دانیم که مبادله کتاب و خرید و فروش آن نیز در آن زمان بین کلیساها و دیرها وجود داشته است . از این قبیل است نوشته ریگنبرگ که در فهرست خود برای کتابخانه رایشنو آلمان از خرید کتابهای مقدس توسط برخی از شخصیت های کلیساها یاد کرده و نیز متذکر شده است که کلیساهای میکلزبرگ و بامبرگ در قرن دوازدهم به بازنویسی نسخه های خطی پرداختند . احتمال می رود که این کار به منظور مبادله یا فروش صورت گرفته است .

کتابدار

راهبی که رئیس بخش نسخه برداری^{۱۲۳} بود بر سالن نسخه برداران نظارت داشت ، همزمان مدیر کتابخانه^{۱۲۴} یا کتابدار^{۱۲۵} نیز بود . البته گاهی این شغل ، بخاطر اهمیت بیشترش به راهب دیگری واگذار می شد .

غالباً کتابدار همزمان ، سرودخوان و خادم و نگهبان جواهرات کلیسا هم بود . کارش منحصر به نگهداری کتابها نبود . بلکه نگهداری اشیای قیمتی دیگر و مسؤولیت دفتر مردگان را نیز به عهده داشت که صورت اسامی مردگان کلیسا و همسایگان آن جا را در آن ثبت می کرد . علاوه بر این کارها مراقبت از نظم و ترتیب کتابها و نظافت و تهیه فهرست برای کتابها که جزء وظایف یک کتابدار است بر عهده او بود . بسیاری از این فهرستها را در دست داریم ؛ برخی از آنها بدقت مرتب شده اند و برخی دیگر نامرتب و بعضی بر حسب موضوع در مجموعه هایی مرتب شده اند . ولی پاره ای دیگر هیچ گونه

ترتیبی ندارند یا فقط ترتیب ورود کتاب به کتابخانه را نشان می دهند ، گر چه بیشتر این فهرستها صرفاً به منظور استفاده از آن در این کتابخانه ها و ثبت موجودی منابع کتابخانه تهیه می شد . هر کتاب دارای مهری بود که نشان تعلق آن به کتابخانه بود و غالباً بر روی این مهرها جمله ای افزوده می شد که در آن به لعنت هر کس که قصد سرقت کتاب را داشته باشد تصریح شده بود .

مسئول کتابخانه موظف بود که بر امانت دادن کتابها نظارت کند . راهبان وظیفه داشتند که در زمانهای تعیین شده کتابهای امانتی را به کتابخانه برگردانند و به جای آنها کتابهای دیگری را به امانت بگیرند . همچنین امانت دادن کتاب به خارج کلیسا جایز بود . چنین معمول بود که به کلیساهای دیگر نیز کتاب امانت داده می شد ؛ هر چند برای برخی از علمای غیر روحانی نیز استفاده از این روش امکان پذیر بود .

در این روش امانت ، برای هر کتابی که به امانت داده می شد ، ودیعه ای^{۱۲۶} اخذ می شد و معمولاً این ودیعه کتابی دیگر بود . صورتهایی از کتب امانت داده شده در دست داریم که به قرن نهم باز می گردد و از کلیسای وایزبرگ^{۱۲۷} به دست آمده است .

هنر تجلید در قرون وسطا

تجلیدهای اولیه

یکی از راهبان که صحاف^{۱۲۸} نامیده می شد وظیفه اش فقط جلد کردن کتابها بود . کهن ترین انواع تجلید با آنچه امروزه ما از این کلمه می فهمیم بسیار فرق دارد ؛ زیرا مفهوم جلد کردن به کار زرگری و تراشیدن عاج نزدیکتر بود تا به جلد کردن عادی . الواح مومی^{۱۲۹} که قبلاً از آن نام بردیم و رومیان در تدوین یادداشتهای کوچک از آن استفاده می کردند ، در عهد امپراتوری روم از عاج ساخته می شدند و از بیرون به زیورهای هنری آراسته بودند . این نوع تجلید به برخی از مناسبات ویژه رسمی مانند



قرون وسطا/ ۱۰۳

مراسم واگذاری حکومت به یکی از کنسولان اختصاص داشت . از برخی نمونه ها چنین می فهمیم که نظیر این الواح برای جلد کردن برخی نسخه های خطی کلیسا در قرون وسطا به کار رفته است .

جلد سازی به روش زرگری

این نوع جلدها از انواع قطعات چوب که با نقوش برجسته و نازکی از عاج یا از نقره و طلا تزین و گاه سنگهای قیمتی و جواهرات و مینای رنگین بر آن نشانده می شد ، ساخته شده بود . این جلدها ویژه کتابهای دینی بود که به هنگام دعا برای گذاشتن روی سفره هیکل مورد استفاده قرار می گرفت . از این رو این جلدها را جلدهای هیکل می نامیدند . غالباً بخش بالای جلد ، چون بیشتر در معرض دید بود ، نقش و نگار بیشتری نسبت به بخش پایین داشت .

اما نقشهای برجسته غالباً از تصویرهای رسم شده در داخل خود نوشته اقتباس شده بود . علاوه بر این نقاشیهای مذکور به طور خاص نمایانگر داستانهای تورات و انجیل بود . مثلاً تمثال مسیح را در حالی که بر صلیب کشیده شده بود در وسط شکل آورده و اطراف آن را با گل و شاخ و برگ تزین می کردند .

اشکال گوناگون جلدها

جلد سازی به روش زرگری و نقاشی ، بر حسب اقتضای زمان و مکانی که در آن ساخته می شد دارای اشکال گوناگون بود . به همین جهت می توان جلدهای بیزانسی را که دارای میناست از جلدهای نقره ای و برنزی ایرلندی که با اشکال حیوانات موهوم نقاشی شده تمیز داد . به همین دلیل به آسانی قابل شناسایی هستند . جلدهایی از عاج داریم که نشان هنر کارولنژی بر روی آن مشهود است ، چون با زیت های پر از اشکال برگهای درخت همراه است . همچنین جلدهایی وجود دارد که به سبک لاتینی ساخته شده اند .

و نیز جلد‌هایی با قابهای سنگی قیمتی به دست آمده و جلد‌های دیگری هم وجود دارد که نقاشیهای کاملاً برجسته در قسمت وسط دارند و نشان دهنده یک تخیل کاملاً هنری و بسیار پر بار و متنوع می باشند . این جلد‌ها در کتابخانه های مختلف این جا و آن جا و حتی در موزه ها نیز نگهداری می شوند ، گرچه با گذشت زمان ، دستهای طمعکاری به آن رسیده و زینتهای گرانبهای آن را که از سنگهای قیمتی بوده ربوده و آن را از شکل انداخته است .

بهترین نمونه از این جلد‌های گرانبها که به سبک زرگری بوده است نسخه طلایی دیرسنت امرو است که قبلاً نام بردیم . این نسخه دارای زینتهای هنری بسیاری از قبیل جواهر و زبرجد و امثال آن می باشد . این نسخه نیز نمایانگر نقشهای برجسته ای است که از طلا ساخته شده و گمان می رود منسوب به مدرسه رنس^{۱۳۰} کارولنژی باشد با همه اینها هیچ کتابخانه ای نمی توانست با کتابخانه ملّی پاریس که دارای مجموعه های ویژه از این نوع جلد‌های طلایی و عاجی بود رقابت کند .

مهمترین امتیاز آن جلد‌ها این است که ضروری نیست یک جلد ارزشمند مربوط به همان زمانی باشد که نوشته داخل آن نوشته شده است ؛ زیرا زمان ساختن برخی جلد‌ها با زمانی که نوشته استنساخ شده است فرق می کند .

جلد‌های ساخته شده از پوست

در جلد کردن نسخه های عادی کلیسا ، از پوست استفاده می شد ، هر چند احياناً معاصران به استفاده از پوششهای کاغذی قانع بودند . در طی قرن چهاردهم ، استفاده از جلد‌هایی که زرگری می شدند کم شد ، تا حدی که بیشتر جلد‌های کتابهای آیین کلیسا از مخمل ابریشمی یا پوست تهیه می شد . از فلز برای تجلید ، جز در زیورهای میخ کوب شده و در گوشه ها استفاده نمی شد . این نوع به صورت همان برجستگی بود که در دوره اخیر سبک گوتیک پدید آمد . منظور از ایجاد این گوشه های برجسته ، نگهداری کتاب از نابودی هنگام باز کردن آن بود . این گل میخها مانع برخورد جلد



کتاب با اجسام سخت از قبیل قفسه و غیره می شد .

جلدهای ساخته شده از پوست ساده

درباره جلد‌های قدیمی ساخته شده از پوست مطالبی ذکر شد ، اما ساختن این جلد‌ها در اروپا تنها در قرون وسطا به اوج خود رسید . جلد غالباً از دو صفحه چوب « راش » یا درخت انجیر تشکیل می شد که با پوست گوساله یا گاو پوشیده شده بود و غالباً رنگ آن تیره و آراسته به زینتها و شکلهای متنوع بود . برای این منظور پوست بز کوهی و بعضی از حیوانات وحشی نیز مورد استفاده واقع می شد .

جلدهای ساخته شده از پوست کنده کاری شده

برخی از جلد‌های مربوط به اوایل قرون وسطا را که دارای شکلهای کنده کاری شده بر پوست بود شناختیم . طریقه ساختن آنها این گونه بود که پوست را به وسیله آب مرطوب می کردند و سپس نمونه را بر روی آن رسم می کردند . پس از آن به وسیله کارد کنده کاری شده و توسعه می یافت ، و یا با ابزاری که تیز نبود تزیین می شد . سپس باقی جلد که اطرافش پر از شکل بود خالی می ماند تا تزیین آن نسبت به بقیه رویه جلد به طور برجسته دیده شود . معلوم می شود که هنر کنده کاری بر روی پوست به طور خاص در آلمان پیشرفت کرد ، چون مهمترین اشکال کنده کاری شده بر روی پوست مربوط به قرن چهاردهم و پانزدهم است . این تزیین ، به طور خاص ، شامل زینتهای رایج و اشکال حیوانات عجیب به سبک پایان دوره گوتیک است . همچنین عکسهایی از ملائکه و قدیسان را همراه عکسهای سوار کارانی که به دنبال شکارند با منظره های عاشقانه می بینیم .

چاپ جلد به روش ساده

با همه اینها ، جلد‌های چاپ شده به روش ساده ، بیشتر از جلد‌هایی که از پوست

کنده کاری ساخته می شد رواج داشت . این نوع جلد مهارتی را که کنده کاری بر پوست لازم داشت نمی طلبید . ابزاری که نمونه بر روی آن کنده کاری شده بود در حالی که داغ بود بر روی جلد قرار می گرفت ، تا این که زینت به طور برجسته ظاهر شود ، و چون این روش شامل هیچ گونه طلا کاری نمی شد ، به نام چاپ ساده (بدون نقش و نگار) شهرت یافت . احتمال می رود که این روش در انگلستان کشف شده باشد . این جلد دارای کادرهایی شبکه دار و ترکیب یافته از شکل های کوچک چهار گوش یا سه گوش یا دایره و یا به شکل قلب بود . به طور کلی کادرهای خارجی با کادرهای داخلی فرق داشت . کادرهای داخلی از اشکال لوزی هایی کوچک ، دارای خطوط راست که خطوط همدیگر را قطع می کردند یا از اشکال لوزی که به طور نامنظم دور از یکدیگر جمع شده بود ، تشکیل می شد ، اما زاویه ها چنان که دیدیم ، برجستگی هایی از مس داشت که میخ کوب شده بود ، و جلد کتاب به وسیله قفل های فلزی بسته می شد .

طبعاً لازم نیست چنین تصوّر کنیم جلدهایی که در دیرها ساخته می شد ، تمام آنها در این سطح هنری که بیان کردیم تزیین می شده است . بسیاری از آنها از ابتدا تا انتها ساده بود و راهبانی که مسؤول جلد کردن بودند در سطحی عالی آموزشی نمی دیدند و این مانع از شگفت آوری روح هنری و قدرت کاردستی در ساخت جلدهای چاپی نمی شود .

انواع دیگر جلدها

در قرون وسطا ، غیر از پوشش های جلدی که نام بردیم ، جلدهای دیگری شناخته شده که در ساخت آنها مواد دیگری به کار رفته است . در کتابخانه ای که متعلق به شاهزاده ژان دو بری^{۱۳۱} و شاهزاده های برگاندی بود جلد بیشتر کتابها از پارچه های گلدوزی شده و بافته و آراسته به زینتها و رنگهای مختلف بود .

کتابخانه های قرن دوازدهم تا چهاردهم

وسایل و تجهیزات کتابخانه

کتاب کتابخانه های صومعه ها چنان که گفتیم ، تقریباً تا قرن سیزدهم ، غالباً در قفسه های متحرک به نام آرماریوم^{۱۳۲} که درهای آن قفل می شد ، قرار می گرفت . در قرن چهاردهم نوع جدیدی از وسایل کتابخانه ای به نام قمطر (= دولابچه)^{۱۳۳} وجود داشت ، که عبارت از نوعی میز مطالعه با سرپوش مایل بود ، که کتابها روی آن قرار می گرفت . اما در کتابخانه ها بیشتر برای زیبایی ، کتابها در غرفه ای خاص چیده می شد که دارای تعداد معینی قفسه یکسان بود ، و نزدیک پنجره به دیوارها تکیه داده شده بود . این قفسه ها صندلیهایی برای نشستن و مطالعه کردن داشت .

در برخی کتابخانه ها کتابها به زنجیرهای آهنی محکم با طولی مناسب بسته شده بود . که بتوان براحتی کتاب را مطالعه کرد . زنجیر از یک طرف به کناره بالایی یا پایین جلد کتاب و از سوی دیگر به میله ای آهنی در بالای قفسه بسته می شد . کتابهایی که به این شکل بسته شده بودند ، به نام لیبری کاتناتی^{۱۳۴} معروف بودند ، و این امر مانع از این نمی شد که با کلیدی مخصوص بتوان آنها را باز کرد .

غیر از اینها در این کتابخانه ها کار دیگری معمول بود به این ترتیب که برای امکان استفاده از کتابها ، آنها را روی چرخهایی می گذاشتند به طوری که امانت دادن آنها به راهبان امکان پذیر باشد و آنها بتوانند در دیرها به آسانی مطالعه کنند . تا قرن شانزدهم و هفدهم گذاشتن کتاب در قفسه در جاهای بسیاری رایج بود ، و غالباً از قفسه هایی استفاده می شد که روی آن رفهایی بود که بتوان کتاب بیشتری روی آن چید . کتابها روی این رفها قرار می گرفت به طوری که پشت آن رو به داخل بود ، زیرا مراجعان به تزئین این قسمت از جلد توجهی نداشتند . اما رسمی که هم اکنون رایج است - که عطف کتاب به طرف بیرون باشد - از قرن هفدهم آغاز شد . عنوان کتاب که با جوهر بر روی برگه کاغذی کوچک نوشته شده بود بر ظاهر جلد خارجی یا به کناره بالایی کتاب زده

132- Amarium.

133- Lectrinum.

134- Libri catenati.

می شد به طوری که اگر کتاب ایستاده در قفسه قرار گیرد خواندن نام کتاب آسان باشد . همچنین عنوان کتاب بر کناره پایین کتاب نوشته می شد تا نام کتاب بسهولة خواننده شود .

میزهای مخصوص مطالعه نیز وجود داشت ، که با گذشت زمان به اشکال مختلفی ساخته می شد . برخی از آنها دایره ای شکل بود که چندین کتاب به صورت باز روی آن قرار می گرفت ، و مطالعه یکی پس از دیگری از طریق دور زدن میز امکان پذیر بود . این نظام شبیه کتابخانه های جدید و دایر آمریکایی بود .

کتابخانه های کلیسایی

کتابخانه های دیرها

بندیکتیان^{۱۳۵} بویژه کسانی بودند که فعالیت ادبی در این زمینه آغاز کردند و قدیمترین کتابخانه های دیری ایشان در قرن دوازدهم ، کتابخانه مونت کاسینو^{۱۳۶} بود که از غنی ترین کتابخانه های عصر خود به شمار می رفت .

کتابخانه فلوری^{۱۳۷}

از مهمترین دیرهای طایفه رهبانان بندیکتیان فرانسه که فرمانبردار سران طائفه کلونی^{۱۳۸} واقع در کناره نهر لوآر بودند دیر قدیس بندیکت است که تأسیس آن به قرن هفتم باز می گردد و آوازه اش بویژه به سبب هدیه ها و امتیازاتی بود که از جانب مقامات غیر روحانی و نیز کلیساهای معاصر به آن داده می شد . این دیر چندین مرتبه در خلال جنگهای نرمنها در قرن نهم ویران شد ، اما پس از آن به کارش ادامه داد و شاگردان بسیاری نه تنها از فرانسه ، بلکه از کشورهای دیگر در مدرسه این دیر به تحصیل مشغول بودند . این مدرسه در قرن دهم هنگامی که ریاست آن با آبون^{۱۳۹} بود بیش از پنجهزار

135- Benedictines. 136- Monte cassino. 137- Fleury. 138- Cluny. 139- Abbon.

دانشجو داشت .

در همین عصر بود که کتابخانه فلیری درخششی خاص داشت . هم اکنون سندی خطی در دست داریم که در آن تصریح شده رئیس دیر ماسکاریوس^{۱۴۰} در سال ۱۱۴۶ مالیات سالیانه ای وضع کرد که مقدار آن دویست و هشتاد « سولدی » طلا بود و اعضای دیر و قسمت‌های وابسته ، آن را پرداخت می کردند . این مالیات که برای نگهداری کتابخانه و توسعه آن اختصاص یافته بود تا سال ۱۵۶۲ به قوت خود باقی ماند . در آن جا اموری جاری بود که از کتابخانه های دیری دیگر آن زمان گرفته شده بود ؛ از جمله دیر سن پر^{۱۴۱} در شهر شارتر^{۱۴۲} و دیر سن تری نیت^{۱۴۳} در شهر واندوم^{۱۴۴} .

کتابخانه فلوری و محل نسخه برداری آن در قرن دوازدهم و سیزدهم به اوج عظمت خود رسید گرچه اکنون از گنجینه های آن جز اندکی نسخه های خطی که از غارت پیروان مذهب کالون^{۱۴۵} نجات یافته چیز دیگری بر جای نمانده است .

کلونی

دیر اصلی طایفه کلونی همان دیر کلونی است که کتابخانه آن از لحاظ شهرت کمتر از دیر های پیش از آن نبوده است .

از زمان نخستین رئیس آن ، برنون^{۱۴۶} در آغاز قرن دهم کتابخانه ای به این دیر ملحق شد چنان که می گویند اُدُن^{۱۴۷} مدیر مدرسه و رئیس کلیسا ، بعدها این کتابخانه را تقریباً به صد نسخه مجهز کرد و یکی از جانشینان آن - به نام مازولوس^{۱۴۸} - فعالیت بخش نسخه برداری آن جا را بریژه در آنچه متعلق به نوشته های پدران روحانی کلیسا بود گسترش داد که همیشه مهمترین موضوع برای آموزش کلونی ها بود .

در قرن دوازدهم ، دوران راهب دانشمند پطرس شماس اعظم^{۱۴۹} تمامی اسناد بر فعالیت چشمگیر مکتب خط کلونی گواهی می دهد . خود این راهب به ترجمه قرآن

140- Mascarius.

141- Saint Père.

142- Chartres.

143- Saint Trinité.

144- Vendôme.

145- Calvin.

146- Bernon.

147- Odon.

148- Majolus.

149- Pierre le Vénérable.

پرداخت ، همچنین مبادله نسخه های خطی بین کلیساهای متعدد افزایش یافت .
 نباید از یاد ببریم که چگونه گروهی از روشنفکران این دوران ، که از میانشان بویژه
 از راهب فیلسوف آب لار^{۱۵۰} باید نام برد ، نیز وابستگی پایداری با کلونی داشتند .
 از تحولاتی که بعداً در این کتابخانه رخ داده اطلاعات زیادی نداریم . اما به طور
 کلی باید معتقد بود که تا هنگام ویرانی آن توسط پیروان کالون در سال ۱۵۶۲ بی نهایت
 غنی بوده است و برای کتابخانه فلوری نیز عیناً چنین حوادثی رخ داد .

کتابخانه های کلونی دیگر

از مشهورترین کتابخانه های کلونی دیگر ، کتابخانه سن مارتن دشان^{۱۵۱} در
 پاریس و کتابخانه سن مارسیال^{۱۵۲} در شهر لیموز^{۱۵۳} است .
 اما در انگلستان این طایفه کتابخانه های مهمی در کانتربری^{۱۵۴} و در کلیسای
 آلبنز^{۱۵۵} داشتند .

کتابخانه کوربی

به کتابخانه های متعدد کلیسایی فرانسه که دارای اهمیتی چشمگیر در فاصله
 زمانهای بلند و کوتاه بوده اند کتابخانه سن مارتن دو تور^{۱۵۶} اضافه می شود که در
 کلیسای آلکون^{۱۵۷} که قبلاً از آن سخن گفتیم قرار دارد .
 و نیز از کتابخانه کلیسای کوربی که توسط کلیسای لوکسوی^{۱۵۸} تأسیس شده بود
 نام می ببریم که دارای محلی برای نسخه برداری بود و از لحاظ تولید ، از بزرگترین
 محلهای نسخه برداری در دوران کارولنژی به شمار رفته است .
 در قرن دوازدهم ، پاپ برای آن جا بودجه ای تعیین کرد که مقداری از آن متعلق
 به کتابدار و مقداری به صحافی کتاب اختصاص یافته بود . فهرستی از این دوره داریم که

150- Abélard.

151- Saint Martin des Champs.

152- Saint Martial.

153- Limoges.

154- Canterbury.

155- Saint-Albans.

156- Saint Martin de Tours.

157- Alcuin.

158- Luxeuil.

چگونگی غنای این کتابخانه را نشان می دهد به درجه ای که مثلاً کتابهای قدیس اوگوستین به تنهایی سی و نه شماره از شماره های کتابخانه را در بر می گرفت .

کتابخانه کلیسای سن ژرمن دپره^{۱۵۹}

اندکی پس از انتشار گنجینه های کوربی در روزگار جنگهای دینی ، قسمتی از آن در قرن هفدهم ، ضمیمه کتابخانه کلیسای سن ژرمن دپره شد که از مشهورترین کلیساهای پاریس است . و پس از آن با مدیریت راهبان بندیکتی سن مور^{۱۶۰} رونق یافت . مجموعه های سن ژرمن ، هم اکنون در کتابخانه ملی پاریس موجود است . آن جا نسخه های خطی دیگری هم هست که از کوربی یا به شهر آمیان^{۱۶۱} ، یا به کتابخانه امپراتوری که اکنون کتابخانه عمومی نامیده می شود یعنی به شهر لنینگراد روسیه منتقل شده است .

کتابخانه های فرعی

از مشهورترین کتابخانه های آگوستینی می توان به کتابخانه سن ژنه وی یو^{۱۶۲} اشاره کرد که کتابخانه فعلی در پاریس ، با همین نام از آن منشعب شده است ؛ همچنین کتابخانه سن ویکتور^{۱۶۳} که شهرت آن در عصر پادشاه فرانسوای اوّل آشکار گردید ، کتابخانه ای که به سبب برگزیده های گرانبهایش از مهمترین کتابخانه های پاریس در قرن سیزدهم و چهاردهم به شمار می رود .

طوایف دینی که بعداً به وجود آمدند ، بویژه طایفه راهبان فرانسیسکن و دومینیکن ، نیز چندین کتابخانه مهم در پاریس و جاهای دیگر تأسیس کردند . اما در ایتالیا می توان به کتابخانه های کلیسای سن ژان^{۱۶۴} و سن پل^{۱۶۵} در ونیز اشاره کرد . در آلمان از این قبیل کتابخانه ها باید از کتابخانه آنابرگ^{۱۶۶} در ساکسونی نام برد . اما در

159- Saint Germain des Près.

160- Benedictines de Saint-Maur.

161- Amiens.

162- Saint Geneviève.

163- Saint Victor.

164- Saint Jean.

165- Saint Paul.

166- Annaberg.

انگلستان که راهبان پژوهشگر در سال ۱۲۲۴ به آن جا رفتند کتابخانه هایی در لندن و آکسفورد ایجاد کردند .

روابط بین کتابخانه ها

ایجاد نخستین فهرست عمومی برای کتابخانه ها

لازم است به فکری جدید که توسط راهبان فرانسیسکن درباره تهیه فهرست عمومی در این دوره از قرون وسطا مطرح شد اشاره شود .

در پایان قرن چهاردهم ، برای شصت کلیسای انگلیسی پرسشنامه هایی همزمان فرستاده شد که در آن فهرست کتابهایشان خواسته شده بود . از طریق دریافت این پاسخها ایجاد فهرستی از کتابهای انگلیسی^{۱۶۷} امکان پذیر شد که هم اکنون در کتابخانه بادلیان^{۱۶۸} در آکسفورد موجود است . این کار قدیمی ترین تحول معروف در ایجاد فهرستی عمومی برای چندین کتابخانه بود . در این فهرست اطلاعات ویژه ای بود که محل نگهداری هر کتاب را تعیین می کرد . در آلمان نیز بعضی از کلیساها را می بینیم که فهرست کتابخانه های خود را با یکدیگر مبادله می کردند .

کتابخانه های محافل کلیسایی

تا کنون سخن ما منحصرأ در زمینه کتابخانه های صومعه ها بود و چون در قرن نهم و دهم محافلی در کلیساهای جامع (کاتدرال) وجود داشت ، هر محفلی مدرسه ای داشت که کتابخانه ای ضمیمه آن بود . بعدأ مجموعه های گرانقیمتی به کاتدرال شارتر ضمیمه شد کتابخانه شارتر تا به امروز باقی است . از کتابخانه کلیسای جامع لیون نیز نام می بریم که قبلاً از محل نسخه برداری آن یاد کردیم . علاوه بر آن از کتابخانه های رنس و کان بره^{۱۶۹} و روان^{۱۷۰} و کلرمون^{۱۷۱} باید یاد کرد . حتی برخی از این کتابخانه ها از

167- Registrum Librorum Angliae.

168- Bodleian.

169- Cambrai.

170- Rouen.

171- Clermont.

لحاظ مقررات داخلی و ارزش محتویات گرانبهای آن از مجموعه های صومعه ای برتر است .

کتابخانه های پاپها در آوینیون^{۱۷۲}

مجموعه کلیسایی مهم دیگری در فرانسه در قرون وسطا وجود داشت که پاپها از وقتی شهر آوینیون را مقر خود ساختند در آن جا ایجاد کردند . اما پشتوانه آن در اصل هدایای تقدیم شده به آن ، و یا دستیابی به کتابخانه های رجال بزرگ فوت شده کلیسا بود . البته فعالیت ادبی دربار پاپها نیز ، به غنای آن کمک کرد . ما اکنون فهرست کتابخانه آن جا را در دست داریم . این فهرست مربوط به سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۵ است . از این فهرست می فهمیم که این کتابخانه بیش از دو هزار جلد کتاب داشته است و سوای مجموعه اساسی مخصوص فقه و آداب دینی ، شامل تعداد زیادی نسخه های خطی پیشینیان کلاسیکی و یونانی بوده است که اکثر آنها به زبان لاتین نیز ترجمه شده است .

لازم است اشاره کنیم که پاپها هنگام ترك شهر آوینیون و بازگشت به جایگاه اصلی خود در رم فقط تعداد اندکی از کتب این کتابخانه ها را با خود بردند و باقیمانده آن ، بخشی ضمیمه کتابخانه ملی پاریس و بخشی دیگر به خاندان بورگز^{۱۷۳} تعلق گرفت . سپس در سال ۱۸۹۹ واتیکان آنها را از ایشان خرید .

کتابخانه های دانشگاهها

راهبان فرانسیسکن و دومینیکن که قبلا از آنان نام بردیم ، برای نقشی که در ایجاد دانشگاهها در قرن سیزدهم ایفا کردند ، از اهمیت ویژه ای برخوردار شدند . این دانشگاهها پیوندی محکم با کلیسا داشتند از مشهورترین دانشگاههای قدیم ، دانشگاه پاریس است که اوکین دانشکده های آن را راهبی به نام روبر دو سوربن^{۱۷۴} تأسیس کرد که نام دانشگاه سوربن از نامش گرفته شده است ؛ و همچنین دانشگاههای پادوا^{۱۷۵} و

172- Avignon.

173- Borghese.

174- Robert de Sorbon.

175- Padova.

بولونیا^{۱۷۶} که دانشگاه اخیر مرکزی مشهور برای آموزش قانون رومی بود که در آن زمان رواج داشت. هر یک از این دانشگاهها دارای کتابخانه هایی بودند که از لحاظ اهمیت با هم تفاوت داشتند؛ و شاید بزرگترین آنها وابسته به دانشکده های مختلف پاریس بود. بعلاوه هر دانشکده کتابخانه ای اختصاصی داشت. روبر دو سوربن کتابهایش را به دانشکده ای که خود تأسیس کرده بود اهدا کرد. در آن جا کتابخانه مهم دیگری وجود داشت که وابسته به دانشکده ناوار^{۱۷۷} بود. هر فارغ التحصیلی^{۱۷۸} که بعدها به بالاترین منصب غیر روحانی یا کلیسایی می رسید بندرت در پرداخت مبلغی یا اهدای مجموعه ای کتاب به این کتابخانه اهمال می کرد.

کتابخانه سوربن دارای دو بخش بود: کتابخانه بزرگ، که شامل کتابهایی متداول و بسته به زنجیر بود و کتابخانه کوچک که شامل کتابهایی با نسخه های متعدد بود یا کتابهایی که کمتر مورد استفاده واقع می شد. این کتابها در برابر گرو، به امانت داده می شد. ارزش این ودیعه به اندازه قیمت کتاب بود که در فهرست کتب ثبت شده بود. ساختمان کتابخانه قدیمی ناوار تا سال ۱۸۶۷ پایدار بود. کتابخانه دیگری وجود دارد که تقریباً در این مدت محکم و پایدار مانده است. منظور ما کتابخانه محفل کاتدرال نوآیون^{۱۷۹} است که بنایی عجیب دارد و تمامی آن از چوب است. این کتابخانه تنها بنایی است که از قرون وسطا در فرانسه باقی مانده و شعبه ای هم دارد. با همه اینها بخش داخلی آن با سبک معماری جدید ساخته شده است. دیری نگذشت که رفته رفته دانشگاههای جدیدی در خلال قرن چهاردهم در وین و پراگ تأسیس شد. سپس در کمبریج و آکسفورد و غیره دانشگاههایی تأسیس شد که از همان امکانات دانشگاههای دیگر به ترتیبی که قبلاً یاد کردیم برخوردار بود. از قبیل داشتن کتابخانه اختصاصی.

پیشرفت تجارت کتاب

ایجاد دانشگاهها فرصتی برای فعالیت و حرکت در تجارت کتاب به دست داد که در قرون وسطا پیش از تأسیس دانشگاهها سابقه نداشت.

176- Bologna.

177- Navarre.

178- Alina Matter.

179- Noyon.

در حقیقت تمامی اتحادیه ها و صاحبان امتیاز و دست اندرکاران صنعت کتاب با دانشگاهها ارتباط داشتند . از میانشان طبقه کتابشناسان^{۱۸۰} و زینت کاران^{۱۸۱} و دبّان^{۱۸۲} و جلد سازان^{۱۸۳} سپس خود کتابفروشان^{۱۸۴} را نام می بریم و کلمه استی^{۱۸۵} شتر تا به امروز در زبان انگلیسی به کار می رود و دلالت بر کتابفروش یا کتابدار دارد . تمامی این صنعت کاران و کتابفروشان قوانین دقیقی را که برای نظارت دانشگاه وضع شده بود پذیرفته بودند . مثلاً کتابفروشان متعهد بودند چاپهای بدون غلط از کتابهای آموزشی وارد کنند و طبق آیین نامه به دانشجویان امانت دهند ، تا از روی آن نسخه برداری کنند .

همچنین کتابها را جز با کارمزد نمی توانستند بفروشد و سودشان نمی بایست از مقدار معینی تجاوز می کرد . اما به رغم آن که در این وقت فعالیت این تجارت محدود و مقید بود ، سود آور نیز بود . چون بسیاری از فروشگاهها در کنار دانشگاههای جدید بویژه دانشگاه پاریس ایجاد گردید .

با همه اینها یک شخص برای این که درآمدش را بیشتر کند ، همزمان ، خطاطی و کتابفروشی می کرد یا این که صحاف و کتابفروش نیز بود .

قوانین بخصوصی از تجارت کتاب در دست داریم که مربوط به سال ۱۲۵۹ در شهر پاولونا می باشد ، همان طوری که نسبت به پاریس مربوط به سالهای ۱۲۷۵ و ۱۳۲۳ است که پس از آن قانونی صریح در سال ۱۳۴۲ در تحکیم آن پدید آمد ، و بنابر ارزیابی کتابفروشان پاریس ، چنین به دست آمد که آنان با اطلاع واسطه شان سن ژان پورت - لاتن^{۱۸۶} در حرکت دسته جمعی با دیگر گروههای هیأت دانشگاهی مشارکت داشتند .

قوانین دانشگاههای آلمان نیز شامل تصریحاتی ویژه کتابفروشیها بود گرچه این قانون اخیر مدت زمان زیادی پایدار نماند . ایتالیا و فرانسه نیز دوره هایی نظیر آن را سپری کردند . تا اندازه ای به این مربوط می شود که دانشجویان آن جا غالباً کتابهای

180- Bibliographarii.

181- Rubricators.

182- Pergolami.

183- Bibliotheques.

184- Stationarii.

185- Stationer.

186- Saint Jean-porte-latin.

درسی خود را شخصاً با املای اساتید می نوشتند و کارشان در این زمینه مانند دانشگاه‌های وین و پراگ بود .

سبک گوتیک در هنر کتاب آرایی

تقریباً در اواسط قرن دوازدهم ، سبک گوتیک در فرانسه پدید آمد ، و پس از آن در سرزمینهای دیگر و به ویژه در آلمان رواج یافت و سپس تأثیرش در هنر کتاب آرایی نیز آشکار گردید .

خط گوتیک

دانستیم که چگونه حروف کوچک کارولنزی تا حدی اشکال دایره ای خود را از دست داد و به خطی که دارای حروفی باریکتر و پیوسته تر و نیز زاویه های تنگ تر به نام خط گوتیک بود تحول یافت و از سبک قوسهای رومی میانه که به شکل نیم دایره بود به قوس نوک تیز گوتیک تبدیل و حروف به همدیگر نزدیک شد ، تا حدی که اگر دو حرف یکی به دیگری می چسبید ، آن دو حرف به یک حرف تبدیل می شدند . اما در خطهای درشت آیین دینی ، خط گوتیک نسبت به خطوط درشت که دارای زینت بود غالباً بزرگتر بود . این همان خطی است که از آن به سبک کتابهای مقدس تعبیر می شود .

تزئین گوتیک

این سبک جدید در هنر مینیاتوری نیز پدید آمد . به طوری که می بینیم حروف بزرگ مصور که در گذشته صرفاً به زینت تغییر یافته و تقریباً پیوند خود را با شکل اصلی حرف از دست داده بودند به شکل حرف بازگشته اند . در همان وقت پیکره حرف اول دراز شده است . این تحول از طریق رسم خطوط بلند و در هم یا خطهای پیچ در پیچ یا شاخه های زینت یافته است که تمامی کناره ها را پوشیده و به اشکال گیاه خشک

گندم گون طلایی زینت یافته است .

سبک گوتیک در خود مینیاتورها نیز نه تنها در کادرهای مارپیچی شکل که غالباً زینتهای معماری گوتیک را نشان می داد پدیدار شد ، بلکه این سبک در لاغر نشان دادن اشخاص از طریق ترسیم تصاویر آنها با شانه های کم عرض و دستها و پاهاى دراز ، خود نمایی می کرد . اما اساساً اشکالی که خود از زینتهایی طلایی یا مربّعهای پوشیده شده بود ، در این زینتها دیده نمی شد ؛ به عبارت دیگر تمایلی به اظهار ابعاد شکل مشهود نبود . ویژگی دیگری وجود داشت که لازم است به مطالعه عصری که اشکال رنگی به آن مربوط می شود پردازیم . آن ویژگی عبارت است از رسم مناظر طبیعی در پایان منظره های ترسیم شده . این رویداد بزرگ در تاریخ مصوّر سازی نسخه های خطی در قرن بعد واقع شد . در مینیاتورها آن حرکت هنرمندان پیش ، از زمانهای دور به چشم نمی آمد و جای آن را اوضاع و احوال عصر گرفت . منظره هایی که در کتاب مقدّس بود در قرن چهاردهم و پانزدهم از سرزمین مقدّس به اروپا منتقل شد ، به طوری که بسیاری از این اشکال به افزایش اطلاعات ویژه ما از عادات و اخلاق و مراسم قرون وسطا کمک کرده است .

از اواسط قرن پانزدهم پدیده ای عمومی ظاهر شد ، و آن این که زینتهای جنبی از حروف بزرگ اصلی جدا نمی شد جز این که آن زینتها ، مستقل شد و به شکل برگ درختان و گلهایی که بدقّت مانند برگ و گل طبیعی ترسیم شده بود در آمد در حالی که در میان آنها پرندگان در پرواز بودند . حشرات روی پایه طلایی تیره قرار گرفته بودند و تا حدّی جای طلای درخشانی را که تزئین نسخه خطی در گذشته منحصراً به آن بود می گرفت .

کتابدوستی و کتاب آرایی در فرانسه در قرن چهاردهم و پانزدهم

دوستان کتاب از میان پادشاهان و فرمانروایان

تقریباً از زمان آگوستوس تا شارل پنجم ، اسامی تمام پادشاهان فرانسه با نسخه های

خطی که دارای زینتها و نقوش و اشکال کمیاب می باشد همراه است . از جمله آنها کتابهای مقدس و مزامیر و کتابهای دعا و غیره است . نمونه آن نوشته هایی است که سن لویی^{۱۸۷} (لویی نهم) و فیلیپ سوم از کتابهای هنری متعددی از این نوع انتخاب کرده اند . آنچه ژان نیک^{۱۸۸} در طول حکومتش به سبب میل شدیدش به ادبیات پدید آورده بود، پسرش شارل پنجم یا شارل حکیم و شاهزاده های آنزو^{۱۸۹} و برگاندی از او به ارث بردند .

از این رو می توان شارل پنجم را مؤسس واقعی کتابخانه سلطنتی دانست ؛ کتابخانه ای که به هنگام مرگش بیش از هزار نسخه خطی داشت . و بیشتر آن را به قصر لوفر سپرده بود . در سال ۱۳۷۳ مدیر آن کتابخانه به نام ژیل ماله^{۱۹۰} ، فهرستی برای آن تهیه کرد که تا به امروز موجود است و از آن اطلاعات بسیاری به دست آورده ایم که از آن جمله توجه پادشاه به علوم غریبه است .

اما ژان دو بری در کتابدوستی و ذوق زیبا پرستی بر دوستش شارل پنجم پیشی گرفت . او حتی برای ایجاد یک مجموعه خرجهای فراوانی کرد که باعث تعجب معاصرانش شد و آن جا را زیباترین کتابخانه آن عصر در مملکت فرانسه می دانستند . تنها برتری آن کتابخانه از لحاظ توجه امیر به کتاب نبود ، بلکه در تکاملی هنری نهفته بود که ابتکارات نقاشی در این عصر موجبات این تکامل را فراهم کرده بود .

نقاشان غیر مذهبی

هنر مینیاتور هنوز از حوزه کلیساها بیرون نرفته بود که رفته رفته ارتباطش با زندگی غیر روحانیها زیاد شد ، به طوری که شمار نسخه برداران و نقاشان غیر روحانی در طی قرن سیزدهم و در اوج نظام فئودالیه در میان رجال دربار و بردگان و اشراف افزایش یافت و تنها به تولید کتب دینی منحصر نشد ، بلکه کتابهای غیر روحانی نیز اعم از تاریخ ، رمان یا داستانهای تمثیلی با نقاشی همراه شد .

ژان پوسل^{۱۹۱}

مشهورترین نقاشان غیر روحانی در قرن چهاردهم ژان پوسل است . مهمترین کتابی که او مصوّر سازی کرد *دعای بلویل*^{۱۹۲} می باشد که هم اکنون در کتابخانه ملی پاریس موجود است . این کتاب کتابی است دلپذیر ، زیرا از انسجام و هماهنگی بین خط و تصویر و نیز از ترکیب زیبا بین اشکال حیوانات و گلها و نقاشیهایی که واقعاً نشانگر طبیعت صرف می باشند برخوردار است ، بعلاوه کادرها و زیورهای خوش آیندی در آن دیده می شود . کتابهایی که از نگارستان ژان پوسل خارج می شد ، در هنر فرانسه برای رنگ آمیزی نسخه های خطی تأثیر زیادی داشت ، تا آن جا که بیشتر شاگردانش در قصر پادشاهی و دربار به خدمت این هنر می پرداختند .

مکتب فلامنکی فرانسوی

گروهی از هنرمندان فلامنکی در عصر ژان پوسل طی نیمه اوّل قرن چهاردهم برای اقامت ، وارد پاریس شدند در حقیقت هنر رنگ آمیزی نسخه های خطی در سرزمینهای سفلی ، دواستداران و هوا خواهانی پیدا کرد که از نظر شور و شوق کمتر از امثالشان در فرانسه نبودند . علت آن بود که این شهرها خیلی کرچکتر از آن بودند که بتوانند همه تولیداتشان را در خود جای دهند . همین امر ، بسیاری از هنرمندان را ناگزیر بر جلای وطن کرد . هنرمندان فلامنکی مستقر در پاریس تأثیر بسزایی بر هنر فرانسوی گذاشتند و نیز در عالم هنر ، مدرسه فرانسوی فلامنکی ایجاد شد .

در حقیقت هنرمندانی که در مکتب ژان دو بری کار کرده بودند بویژه از این مدرسه بودند . چون وی آنان را مکلف ساخته بود که بیش از سیصد نسخه خطی را تزیین کنند و آنها را به منظره های دلربا از زندگی مردم فلاندرز زینت دهند و از آن جا که در زمینه تاریخ دقت و عنایت اندکی داشتند ، می بینیم همیشه به اشخاص و مناظر تورات ، لباسها و زینتهایی می دادند که ویژه اوضاع و احوال اصلی خودشان بود و از این راه ما را به نکاتی از زندگی و عادات رایج در فلاندرز در قرن چهاردهم و پانزدهم آشنا ساختند .

از میان هنرمندانی که ژان دو بری استخدام کرده بود باید از ژاکمار دو هسدن^{۱۹۳} و پول دو لن بور^{۱۹۴} نام ببریم که اوکی در ظرافت نقاشی و مهارت در رنگ آمیزی به ژان پوسل شباهت داشت ؛ اما دوومی نخستین کسی بود که عنصر مناظر طبیعی را در رنگ آمیزی نسخه های خطی وارد کرد . او با برادرش در نقاشی کتاب مشهور *ساعات دعا*^{۱۹۵} ، اثر شاهزاده ژان دو بری ، شرکت داشت . این کتاب هم اکنون در موزه کنده^{۱۹۶} در شانتیلی^{۱۹۷} موجود است ، و اشکال آن از شگفتیهای هنر واقعی به شمار می آید . در پایان اشکال این کتاب نقشه های بسیاری از قصرهای شاهی یا قصرهای فرمانروایان را می بینیم ؛ مانند قصر لوفر و قصر ون سن^{۱۹۸} و قصرهای دیگر که برآستی بسیار شبیه آنهاست . کتاب ساعات دعا عبارت از مجموعه های کوچک از دعا بود که در ساعات معینی از روز خوانده می شد . این کتابها در قرن چهاردهم و پانزدهم مورد احترام بود . پس از مرگ ژان دو بری در سال ۱۴۱۶ مکتب فرانسوی فلامنکی پناهگاهی شد برای فیلیپ طبیب شاهزاده برگاندی که دربارش از نظر تجمل بر دربار پادشاهان فرانسه برتری داشت . او برای تأسیس کتابخانه با شکوهی از هیچ گونه تلاشی خود داری نکرد تا این که شهرت فراوانی یافت و از بزرگترین شیفتگان کتاب به شمار آمد ، به طوری که خطاطان و نقاشان در خدمتش به هنر آموزی پرداختند ، هرچند برخی کتابهایش با شتاب نوشته شد ، و استحکام چشمگیری نداشت ، در حالی که برخی کتابهای دیگرش با کتابهای ژان دو بری رقابت می کند و به طور خلاصه از کتابخانه های شاهزاده های برگاندی نه فهرست در دست داریم که تمامی آنها جایگاهی را که این مجموعه نسبت به فهرستهای کتب قرون وسطا به دست آورده ، تأیید می کنند .

ژان فوکه^{۱۹۹}

در زمانی که این مدرسه طبیعی فرانسوی فلامنکی فعالیت داشت ، در شهر تور^{۲۰۰} هنرمند بزرگ ژان فوکه ، بزرگترین نقاش نسخه های خطی فرانسه که از هنر

193- Jacquemart de Hesdin.

194- Pol de Limourg.

195- Très riches heures.

196- Condé. 197-Chantilly.

198- Vincenne.

199- Jean Foucquet.

200- Tours.

فلامنکی و هنر ایتالیایی متأثر بود به این کار اشتغال داشت ، و برای ریختن این تأثیرات در قالبی اصیل و ابتکاری آن چنان نبوغی از خود نشان داد که مؤسس مدرسه ای مخصوص در فرانسه شد . حتی بر بسیاری از بزرگترین هنرمندان پیش از خود نه تنها از حیث لطافت رنگها و صفای اشکال بلکه در معانی عمیق و طبیعت اشکال برتری یافت . در نظر او تصویر ، توضیحی حقیقی از متن همراه آن بود و مانند زمان هنرمندان پیش از او ، تنها زینت به حساب نمی آمد . همچنین مناظر طبیعی او دارای افسون حقیقی هنر فرانسوی است .

ژان فوکه در عهد شارل هفتم و لویی یازدهم در دربار فرانسه خدمات بسیاری کرد . همچنین برای بسیاری از دوستان کتاب و مشهور در عصر خود از قبیل ژان دار میاک^{۲۰۱} و دوک^{۲۰۲} نور و اتین شوالیه^{۲۰۳} وزیر دارایی فرانسه کار کرد . اشکالی که او در کتاب ساعات دعا برای اتین شوالیه ترسیم کرده و اکنون در موزه کوندیه نگهداری می شود از جالبترین اشکال است .

مجموعه های کتاب ویژه طبقه متوسط

اگر دربار فرمانروایان و خاندان اشراف و کلیساها و دیرها و دانشگاهها را استثنا کنیم در قرون وسطا انتشار کتاب اندک بود .

گرانی کتاب

کتابخوانی در روم قدیم غالباً منحصر به طبقات بالای جامعه بود و گرانی کتاب در این زمان ، به دشواری کتابخوانی کمک می کرد ؛ زیرا بهای پوست همچنان رو به افزایش بود و از میان ادله ای که این مطلب را ثابت می کند ، پر کردن اوراق هر نوشته تا پایان آن است . اگر متن موجود برای پر کردن تمامی صفحات کافی نبود ، رسم بر این بود که نسخه خطی را با نوشته های دیگر پر می کردند ؛ چون کار گرانی که به دستمزد

201- Jean d'Armagnac.

202- Nemours.

203- Etienne Chevalier.

کم قانع بودند و در میان طبقه بردگان رومی یافت می شدند از میان رفته بودند . مثلاً می گویند کتس آنژو در قرن دهم برای رونویسی یک نسخه از کتاب موعظه دویست رأس برّه و سه کیل گندم و تعدادی پوست سمور پرداخت کرد . و نیز کتاب دعایی در دو جلد وجود داشت که در آخر قرن چهاردهم به حدود دویست فرانک طلا خریده شد . بدون شک ، این نمونه ها اندکی از بسیار است که دلالت بر گرانی کتاب در این عصر دارد .

تأثیر طبقه متوسط

برای طبقه متوسط رسیدن به آن درجه از فرهنگ و اقتصاد که لازمه عطف توجه به جمع آوری کتاب است جز در قرن چهاردهم و پانزدهم میسر نشد . کتابخانه های ویژه طبقه متوسط طبعاً به فرهنگ لاتین توجهی نداشت . کما این که کتابخانه های کلیسا و دیرها و دانشکده ها نیز چنین وضعی داشتند . بدون شک کتابخانه های اخیر نوشته هایی را که به زبان ملی بود معرفی می کردند ؛ چنان که کتابهای قانون و پزشکی و گیاه شناسی و ادبیات و شعر ملی را که در آن هنگام پدید آمده بود معرفی کردند . بدون شک کتابخانه های طبقه متوسط به این موضوعات بیشتر توجه داشتند . حرکت طبقه متوسط با تحوّل در حرفه جلد سازی و استقلال و عدم پیروی از کلیسا همراه بود . در صنعت پوست نیز چنین تحوّل روی داد و صنعتکاران پوست با دباغان اتحادیه ای تشکیل دادند و بعداً اتحادیه ای ویژه خودشان داشتند .

فراوانی کاغذ و انتشار کتاب در قرن پانزدهم

تولید کاغذ در اروپا

استفاده از کاغذ ، که رفته رفته جایگزین پوست می شد ، نیز از بزرگترین عواملی بود که به نشر کتاب در میان طبقه متوسط کمک کرد .

اعراب چنان که قبلاً گفتیم ، صنعت کاغذ را در قرن دوازدهم به اسپانیا وارد کردند در سال ۱۲۷۶ در ایتالیا ، نخستین آسیاب کاغذ ایجاد شد .

صنعت کاغذ

این آسیابها با نیروی آب به حرکت در می آمد ، چرخي که با نیروی آب بسرعت می چرخید ، چند چوب پنبه زنی سنگین را به حرکت در می آورد و مواد اولیه از قبیل پارچه های کهنه و تکه های پنبه و غیره را خرد می کرد تا به محلولی رقیق که همان خمیر کاغذ بود تبدیل می شدند . بعد از آن خمیر در ظرفی قرار می گرفت ، سپس توری که به شکل کادر چوبی بود و با سیمهایی از مس زرد محکم بسته شده بود در آن فرو می بردند ، سپس آن تور را در حالی که مقداری خمیر به آن بسته شده بود بر می داشتند که پس از خشک شدن به یک برگه تبدیل می گردید سپس آن برگه را خشک می کردند . به این طریق که این اوراق بین طبقاتی از پارچه پرس می شد . بعد از این به لایه ای از چسب نازک آغشته می شد تا کاغذ به اندازه کافی سخت شود به طوری که بتوان بر روی آن نوشت .

نشان آبی ۲۰۴

سیمهای مسی زردی که به تور نامبرده بسته شده بود بر روی کاغذ ، خطوطی ایجاد می کرد که هر گاه در برابر نور قرار می گرفت بخوبی دیده می شد . چیزی نگذشت که ناگهان به فکر انحناي برخی سیمها افتادند ، به طوری که شکلی به وجود آمد که همان علامت آبی بود که گاهی شامل حروف اول یا نام سازنده کاغذ بود . کهن ترین علامت آبی معروف از این نوع ، مربوط به سال ۱۲۸۲ است . اما این علامات تا قرن بعدی همچنان نامرغوب بود . سپس شکل آن نیکو و آراسته شد . در احداث این اشکال صورت گلها و حیوانات از قبیل پرندگان و ماهیها مورد استفاده واقع

شده است و بیشتر شکل‌های سر گاو را می بینیم که رمز کاغذ سازان بوده است . اما در هلند عده ای از علامات به کار گرفته شد که از آن جمله کندوی زنبور عسل است و در انگلستان کلاه مجنون شعاری برای علامتهای ایشان بود که اصطلاح معروف کنونی به نام فولسکاپ^{۲۰۵} مثلاً از آن گرفته شده و بسیاری از این علامات تا زمان ما باقی مانده است . این علامات برای دلالت بر اندازه های معینی از کاغذ ، مثلاً قطع فولسکاپ به کار می رفت . استفاده از علامتهای آبی از اروپا به شرق که صنعت کاغذ سازی را اروپا از آن جا گرفته بود سرایت کرد .

گسترش آسیابهای کاغذ سازی

در قرن چهاردهم و پانزدهم ایتالیا مرکز اصلی صنعت کاغذ بود . در عین حال از قرن دوازدهم اسپانیاییها در وارد کردن این صنعت به فرانسه پیشقدم بوده اند ، این صنعت از فرانسه به انگلستان منتقل شد و در آخر به هلند رسید و اهمیت زیادی یافت . در قرن چهاردهم آسیابهای کاغذ در فرانسه شهرت زیادی داشتند . این آسیابها در شهر اسون^{۲۰۶} و تروا^{۲۰۷} بودند . در قرن سیزدهم امثال این آسیابها در آلمان هم وجود داشته است . از میان کاغذ سازان مشهور قرن بعدی در این کشورها ، خاندان هولباين^{۲۰۸} در شهر راونسبورگ^{۲۰۹} بودند که اختراع تورهای سیمی از مس زرد منسوب به آنهاست . با وجود این ، پس از آن آلمان تا مدت زیادی کاغذ را از ایتالیا وارد می کرد . در قرن شانزدهم این صنعت به کشورهای اسکاندیناوی نیز راه یافت و نخستین کارخانه در شهر استکهلم ایجاد شد . در این جا یاد آور می شویم که منجم مشهور دانمارکی تیکو براهه^{۲۱۰} آسیابی را که ویژه کاغذ سازی بود در جزیره وین^{۲۱۱} راه اندازی کرد و در همان زمان رصدخانه فلکی او نیز به کار خود ادامه می داد .

205- Foolsacp.

206- Essone

207- Trpyes.

208- Holbein.

209- Ravensbourg.

210- Tycho Brahé.

211- Hven (ven).

نسخه های خطی کاغذی

انتشار نسخه های خطی نوشته شده بر کاغذ ، طی قرن چهاردهم آغاز و بتدریج استعمال کاغذ در قرن پانزدهم همگانی شد . شکی نیست که کاغذ از پوست ارزانتر بود ، از این گذشته کاغذی که با دست ساخته شده بود در این زمان ساختنش بهتر بود و کاغذ ظرف نامیده می شد ؛ چون در ظروفی مخصوص ساخته می شد . و به رغم آن که سفید روشن نبود و تا اندازه ای سطحش خشن بود به حالت خوبی در کتابهای قدیمی باقی مانده البته آن جا که از حشرات بدور بوده است .

گسترش نسخه های خطی

کتابهای عبادت

کتابهای معروف به کتابهای کوچک دعا - چنان که دیدیم - در قرون وسطا در میان کتابهای ادبیات دینی ، دارای فضیلت بیشتری بود و به همین جهت در سرزمینهای سفلی به تعداد زیادی تولید می شد ، به طوری که کارخانه های حقیقی برای ساختن کتابهای دعا به وجود آمده و از دیدگاه فنی می بینیم این کتابها غالباً در سطحی پایین بود ، هر چند این امر مانع این نمی شود که برخی شاهکارهای فنی کوچک نیز در آن پیدا شود . بدیهی است که قیمت این کتابهای کوچک نسبت به گروههای مختلفی که کتاب برای آنها ساخته می شد ، فرق می کرد . کتابهای معمولی توسط راهبان اهل قلم به مردم عامه فروخته می شد .

تجارت نسخه های خطی

در قرن پانزدهم صنعت و تجارت نسخه های خطی در شهرهای بزرگ مانند پاریس ، بروژ ، گان^{۲۱۲} ، انورس ، اوکسبورگ ، کولونیا ، استراسبورگ ، وین و

جاهای دیگر به میزان زیادی رواج یافت و نسخه برداران مزد بگیر کارهای خود را در بازارهای محلی و عمومی به نمایش می گذاشتند .

آنها غالباً فروشگاههای خود را کنار کلیسا و حتی در داخل آن می ساختند - گرچه این امر در حال حاضر برای ما عجیب به نظر می آید - و کتابهای عبادت و نماز مصور می فروختند . حتی شخصی به نام دیبولد لوبر^{۲۱۳} موفق شد به تجارت بزرگ کتابهای دینی و غیر دینی در شهرهایی مانند آگنو^{۲۱۴} که چندان اهمیتی نداشت دست بزنند .

نگهدارنده های کتاب

کتابهای دعا غالباً - بویژه در آلمان - با یک جلد پوشیده شده بود این جلد طوری ساخته شده بود که از کناره پایین کتاب درازتر بود و گرهی داشت که حمل کتاب را به حالت آویخته از بند آسان می کرد . بی شک استفاده از این نوع نگهدارنده ها خیلی رایج بود ، گرچه جز اندکی از آنها را در دست نداریم ، چنان که بیشتر اشیایی که از این نوع است همین سرنوشت دارد .

انحطاط فرهنگی کلیساها

پیدایش نگهدارنده های کتاب را می توان چنین تفسیر کرد که راهبان می خواستند تا جایی که ممکن است تسهیلی در روش کارشان به وجود آورند ، همان گونه که تکیه گاههای کوچک معروف به رحمت که در قسمت پایین صندلیهای کلیسا قرار داشت تا هنگام ایستادن طولانی برای نماز بتوانند بر آنها تکیه کنند به سبب راحت طلبی راهبان درست می شد . همچنین ممکن است وجود این جلد در نتیجه خواست راهبانی باشد که بسیار خسته می شدند و سعی داشتند وسایل راحتی خود را افزایش دهند و بعلاوه کاربرد این جلدها به سبب انحطاط رهبانیت در همه جا و دوری راهبان از آن الگوی عالی نخستین شان در پایان قرون وسطا بوده است .

سهل انگاری کتابخانه های کلیساها

روند از هم پاشیده شدن فعالیت کلیساها در زمینه کتاب ، ادامه یافت تا آن جا که پژوهشهای راهبان را نیز در بر گرفت . حتی کلیسای سنت امرو در شهر راتیسبون ، که همواره جایگاهی مورد توجه در صنعت کتاب بود ، در نیمه قرن چهاردهم تعداد کتابهای آن در مقایسه با قرن دهم به نصف تقلیل یافته بود . کلیسای موریباخ^{۲۱۵} نیز مانند آن در قرن سیزدهم به کلی سقوط کرد ، تا آن جا که راهبان آن نوشتن را نمی دانستند . در آن زمان جاهای بسیار دیگری وجود داشت که به طور قطع انحطاط فرهنگی راهبان و سهل انگاری و بی توجهی کامل آنان را نسبت به مجموعه کتابخانه های کلیسایی نشان می داد ؛ گرد و غبار روی کتابها را فرا گرفته بود و در گوشه ای دور دست افکنده شده بودند . و ژ . آ . دو تو^{۲۱۶} سیاستمدار و کتابدوست فرانسوی دیر شهر کوربی را به این حال دیده که نشان سهل انگاری آشکار مسؤولان آن دیر در قرن شانزدهم است .

گروه دیگری از گرد آورندگان کتاب عصر نهضت جدید اروپا را می بینیم که از رنج و اندوه خود برای بی توجهی رجال دینی نسبت به نقایسی که در اختیار داشتند و در کتابخانه هایشان موجود بود به ما شکایت می کنند ؛ از جمله این گواهان ، فیلسوف ایتالیایی بوکاچو^{۲۱۷} است که نه تنها آسوده و بهره مند از زندگی بود بلکه نویسنده و کتابدوست بزرگی نیز بود و در قرن چهاردهم هنگامی که برای دیدن کتابخانه کلیسای مونت کاسینو رفته بود با دو چشم خود در حالی که اشکش جاری بود منظره دردناک آن کتابخانه را دیده بود .

اصلاح

ریچارد دی بری^{۲۱۸}

تحولی که کشیش انگلیسی ، ریچارد دی بری ، در زمینه مبارزه با عدم توجه و

215- Murbach.

216- J.A. de Thou.

217- Boccaccio.

218- Richard de Bury.

بی احترامی نسبت به کتاب به وجود آورد در حد یک انقلاب بزرگ بود. این کشیش که از سال ۱۲۸۷ تا سال ۱۳۴۵ زندگی کرد بسیار مورد توجه پادشاه ادوارد سوم بود تا آن جا که معلم ویژه او شد و به بالاترین درجات در کلیسا، بلکه در دولت رسید و رئیس دیوان و کشیش شهر دورم^{۲۱۹} شد. این کشیش از ابتدای جوانی نسبت به کتاب حرص و ولع خاصی داشت. سفرهای دیپلوماسی به اروپا، فرصت خوبی را برای ارضای میلش به جمع آوری کتاب برایش فراهم آورد. اما پاریس در نظرش از لحاظ فراوانی کتاب، بهشت روی زمین بود. او به عنوان رئیس دیوان از کلیساهای انگلیسی کتابهایی جمع آوری کرد و کتابخانه اش را توسعه داد. خود او از عشقش به کتاب برای ما حکایت می کند، عشقی که به حد دلخواهی رسیده بود او معتقد بود که ارزش نسخه های خطی قدیمی مهم، از هر مقدار مال، بیشتر است. او چنین می گوید: «بدین جهت نسخه های خطی در قطع نصف به دست می آورم که برای قدمت آن به هم نمی چسبید. نسخه های خطی به قطع $\frac{1}{4}$ که مانند آجر یا هدایای اوّل سال، برخی روی برخی دیگر چسبیده شده بود».

کتابدوست^{۲۲۰}

ریچارد کشیش، هنگامی که به سن کمال رسید، نامش را با نوشتن کتابی به نام *فیلوبیبلون* یا کتابدوست جاودان ساخت. این کتاب که نخستین بار در سال ۱۳۴۷ چاپ و سپس چندین بار منتشر شد و در سال ۱۹۱۲ به زبان آلمانی ترجمه شد، فعالیت و شادابی این نویسنده قدیمی را ثابت می کند. این کشیش کتابدوستی خود را با قلمی نیرومند و مطلوب تشریح می کند. از این رو کتابش قبل از هر چیز سرودی در ستایش کتاب است. همچنین آنچه این نویسنده از چگونگی گرد آوری کتابهایش نقل می کند علاوه بر لحن تمسخر آمیزش نسبت به کسانی که برای کتاب احترامی قائل نیستند بینشی از کتابدوستی را به ما می بخشد، و در برخی از فصلهای کتاب، مثالهایی برای احترام طایفه متلاشی شده راهبان می آورد، هر چند شاگردان مدارس کلیساها را مورد سرزنش

قرار داده و می گوید : «گاهی پیش می آید که یکی از آن جوانان را - که سخت به خود اعتماد دارند - می بینیم روی کتابی که می خواند خم شده و سرمای سخت زمستان آب بینش را روان ساخته ، بدون این که پیش از مرطوب شدن کتابی که جلوش نهاده به فکر چاره آب بینی خود باشد ؛ بهتر این بود که به جای کتاب میز کفشدوزی را برای این کار جلوش می گذاشت . ناخنهایشان چون قیر سیاه و پر از کثافت و متعفن بود . با این ناخنها شاگرد راهب بر روی جملاتی که در کتاب جلب توجهش می کرد نشانه می گذاشت . حتی می بینیم که در کتابش برخی چوبهای خرما می کاشت که اگر مطلبی را فراموش کرد به یادش آورد . با توجه به این که کتاب معده ای نداشت که اینها را هضم کند ، کسی هم نبود که آنها را از بین ببرد ، کتاب ورم می کرد تا حدی که با بودن آنها بستن کتاب محال بود ؛ تا این حد که آخر الامر فراموش و گندیده می شد .

برایشان مهم نبود که بر روی کتاب باز ، پنیر یا سیب بخورند یا روی آن با لیوان آب بیاشامند . چون زیر دستشان سفره ای نبود و باقیمانده غذا روی کتاب می ریخت . احتمال می رود که تعصب این کشیش در کتاب دوستی ، او را در این باره به حد مبالغه کشانده است . بدون شک کلیساها در قرن پانزدهم سعی کردند در پی مجمع بازل بخشی از زندگی ادبی گذشته را دوباره احیا کنند . اما کلیساها هرگز رونق گذشته خود را باز نیافتند ، و به رغم برخی موارد نادر ، به طور کلی می دانیم که عقب نشینی در پایان قرون وسطا مسلم شد .

پایان دوران نسخه های خطی و آغاز دوران رنسانس

رنسانس در ایتالیا

روحیه اهمیت دادن به کتاب در دوره نهضت بر پایه ای کاملاً جدید در این دوره در ایتالیا آشکار می شود . ما خود را در آغاز این دوره می یابیم ؛ دوره ای از تاریخ تمدن که دوران نهضت ، یعنی تجلی ادبیات کلاسیک به صورت جدید ، نام گرفته است .

بازگشت به کتابهای دوران قدیم

این جنبش به تمامی جنبه های حیات عقلی ، خواه در زمینه هنر یا ادبیات و علوم ، راه یافت و در حالی که تحقیقات نویسندگان قدیم معابد ، صرفاً وسیله ای برای آموزش محسوب می شد ، یعنی عاملی ثانوی که به یادگیری آنان کمک می کرد ، اما دانشمندان انسانگرای ایتالیایی و جانشینان آنان نوشته های کلاسیک را به عنوان یک هدف مستقل می آموختند تا از فنّ و فلسفه مهمّ آن برای زندگی بهره گیرند . طبیعی بود که این حرکت ، چنین اهمیتّ و علاقه ، بلکه تعصّب را - اگر این تعبیر مناسب باشد - نسبت به نویسندگان پیشین برانگیزد و نیز موجب شود که علاقه به آگاهی و تحقیق درباره آنچه از آن دوران باقی مانده ، علاوه بر رجوع - به قدر توانایی - به دورترین منابع و قدیمی ترین آنها ، شدّت یابد و این همان علّت اعتراف ما به برتری دانشمندان انسانگرای ایتالیایی و جانشینان آنان در پایان قرون وسطاست و آنها به همین سبب از ادبیات یونانی لاتینی محافظت کردند ، همچنان که به برتری کلیسا در آغاز قرون وسطا اعتراف کردیم .

هنر تزئین نسخه های خطی

دست اندرکاران تزئین نسخه های خطی در آن زمان ، تمامی توجّه خویش را به خود متون معطوف داشته اند ؛ گرچه این کار بدین معنا نیست که آنان نسبت به قسمت خارجی کتاب سهل انگاری کرده اند ، چرا که تعداد بسیاری از غنی ترین نسخه های خطی تزئین شده در عصر رنسانس وجود دارد که تاریخ پیدایش آن به قرن پانزدهم باز می گردد و ما را به یاد جلد های ارزشمند دوران رنسانس می اندازد . با این حال ، اشکال نسخه های خطی دوران نهضت به سبب زینتهایی که از دوران قدیم دارد ممتاز است ؛ از قبیل مناظر خدایان عشق و ستونهای سربی و سنگهای قیمتی و مانند آن در نقشهایی که در تزئین کناره ها و حروف بزرگ به کار می رود . اما خط ، تقلیدی از خط کارولنژی بود که حروف کوچک داشت .

تأثیر پترارک^{۲۲۱}

فرانسوا پترارک شاعر ایتالیایی ، به پدر نهضت انسان گرایی یا نخستین مرد جدید ملقب بود و نیز بدلالی چند پدر کتابدوستی جدید نام گرفت . وی از جوانی شیفته و مشتاق کتاب بود و به حدی که ضمن سفرهای متعدد ، هر کتابی که به دستش می رسید خریداری و نسخه برداری می کرد ، و هدفش از سفرهای بلژیک و سرزمینهای سفلی در سال ۱۳۲۹ ، تحقیق در زمینه نسخه های خطی بود تا این که بارها به متونی که تا آن زمان ناشناخته مانده بود دست یافت ، که از آن جمله نامه های سیسرون رومی به آتیکوس^{۲۲۲} بود . دوستانش از فرانسه و آلمان و انگلستان نیز کتابهای بسیاری برایش فرستادند . پترارک به کتاب عصر زرین در ادبیات رومی عشق می ورزید ، حتی با شیفتگی تمام به تصحیح کتابهایشان از اشتباهات و تحریفات که با گذشت زمان و به دلیل نسخه های متعدد در آن جمع شده بود پرداخت . اما به علت ندانستن زبان یونانی خواندن ادبیات یونانی جز آنچه به زبان لاتین ترجمه شده بود برایش ممکن نبود . به این جهت دستور داد کتاب «هومر» ترجمه شود . در کتابخانه ملی پاریس هنوز نسخه هایی از ایلپاد و ادیسه موجود است که متعلق به اوست و در حواشی آن یادداشتهایی که با دست خود نوشته است دیده می شود .

نباید تصور کرد که پترارک به ادبیات دینی توجهی نداشته است ، زیرا نهضت انسانگرایی ، به رغم توجه عمیق آن به ادبیات قدیمی ، به طور مطلق حرکتی ضد مسیحی نبوده است ، تا جایی که بسیاری از بزرگان دینی خود از هواداران حرکت جدید بودند . شایان ذکر است که از میان نویسندگان دینی که در محضر پترارک بوده اند ، می توان از قدیس اوگوستین^{۲۲۳} نام برد که پترارک را در اهمیت ، همردیف سیسرون می دانست .

نیت پترارک آن بود که کتابخانه اش را در اختیار شهر و نیز قرار دهد ، مشروط بر این که تمامی مردم از آن استفاده کنند و همین امر موجب شد که ما او را پدر کتابخانه های عمومی بدانیم و اگر فکرش محقق نشد و کتابهایش پراکنده شد ، او

221- Petrarch.

222- Atticus.

223- Saint- Augustin.

مسئول نیست .

خاندان مدیسی^{۲۲۴} و دربارشان

حیات ادبی در عصر رنسانس ، در دو شهر تجارتی بزرگ ونیز و فلورانس متمرکز شده بود ، و بویژه شهر فلورانس در پیروزی حرکت و نهضت جدید ، سهم زیادی داشت ، زیرا دربار کوزیمو دو مدیسی^{۲۲۵} و جانشینان او و روح این حرکت ، نیکلودی نیکولی^{۲۲۶} در این شهر قرار داشت . نیکلودی نیکولی انسانی خستگی ناپذیر بود ، و علاقه او به جمع آوری کتاب به حدی رسید که به کوزیمو دو مدیسی بدهکار شد و بعد از آن به خدمت او در آمد ، و همچنین دارایی این خاندان بزرگ به تشکیل مجموعه بزرگی از نسخه های خطی در شهر فلورانس کمک کرد .

کشف گنجینه های کلیساها

انجمنهای مقدسی که در شهر کنستانس و بازل وجود داشت ، برای شرکت کنندگان فرصت دیدار کتابخانه های کلیسایی را فراهم ساخت . در میان آنان مشتاقتر از همه کاتب پاپ پوجوبرات چولینی^{۲۲۷} بود که کتابهای مورخین را تا آن جا که برایش ممکن بود کشف کرد ، بویژه در کلیسای سنت گال^{۲۲۸} و در کلیساهای آلمان جنوبی به کتابهایی دست یافت که تا آن زمان ناشناخته مانده بودند .

کاردینال ایناسیلویو پیکولومینی^{۲۲۹} که بعدها به نام پاپ پیوس دوم^{۲۳۰} معروف شد نیز به سبب گرد آوری نسخه های خطی شهرت زیادی پیدا کرد . وی در تحقیقات خود تنها به نویسندگان پیشین اکتفا نکرد ، بلکه به جستجوی منابع تاریخی آلمانی نیز پرداخت که نتیجه آن دستیابی به کتاب **تاریخ گتها**^{۲۳۱} اثر ژرناندز^{۲۳۲} بود او تاریخ مورخ آلمانی اوتوندی فرایزنگ^{۲۳۳} را نیز به دست آورد . بهتر است که یوهانس تریث همینوس^{۲۳۴} را

224- Medicis.

225- Cosimo de Medicis.

226- Miccolo dei Niccoli.

227- Poggio Bracciolini.

228- Saint Gall.

229- Enea Sylvio Piccolomini.

230- Pius II.

231- Goths.

232- Jormandès.

233- Othon de Freising.

234- Trithemius.

نیز که در کتابخانه کلیسای اسپانهایم^{۲۳۵} به فعالیت پرداخت و اعتبار آن را در پایان قرن نوزدهم بالا برد. هرچند برای مدت کمی دوام یافت. به این عده اضافه کنیم؛ تاریخ ساکسونی اثر ویدوکیند^{۲۳۶} از آن جمله است. این انجمنها نمایندگان ویژه ای به کشورهای یونان و قسطنطنیه و آسیای صغیر فرستادند، چرا که کلیساهای بیزانسی مقدار زیادی از نسخه های خطی یونانی را به آن کشورها تقدیم کرده بودند، و هدفشان از این کار دوری از خطر افتادن کتابها به دست ترکهایی بود که در آن زمان در مسیر پیشرفتهای جنگی شان به جانب قسطنطنیه در حرکت بودند؛ همچنین جنگ ترکیه به فرار علمای بیزانس که از آموزش یونانی حمایت و نیز در جستجوی کتابها شرکت کرده بودند کمک کرد. یوهانس لاسکاریس از سفرهایش در سال ۱۴۹۰ با دویست نسخه خطی یونانی بازگشت که اکثر آنها متونی بودند که تا آن زمان ناشناخته مانده بودند.

همچنین نمایندگان مدیسی در سفرهای متعددشان کتابهایی را خریدند. در فلورانس گروه بسیاری از نسخه برداران و نقاشان که در خدمت فرمانروایان بودند زندگی می کردند و تجار بزرگ نسخه های خطی در آن شهر بودند. بزرگترین آنها و اسپاسیانودابستیسی^{۲۳۷} بود که او نیز در نشر متون تصحیح شده فعالیت می کرد. بعلاوه او به زیبایی جلدهای آن توجه داشت، به درجه ای که فقط در طی دو سال مجموعه ای دارای دویست جلد را که چهل و پنج نسخه بردار آن را تهیه کرده بودند برای کوزیمو دومدیسی فرستاد.

کتابخانه های عمومی

خاندان مدیسی از مزیت تحقق اندیشه پترارک مبنی بر ایجاد کتابخانه عمومی نیز برخوردار بودند، و پیداست که این اندیشه در آن زمان، در مخیله مردم جدی نبود. حتی فلورانسی دیگری به نام پیلادلی استروزی^{۲۳۸} از همین اندیشه پیروی کرد، هر چند بعد از این بر اثر فشار کوزیمو دومدیسی ناچار شد آن کشور را ترک کند.

235- Spanheim.

236- Widukind.

237- Vespasiano da Bisticci.

238- Paila Degli Strozzi.

بنابر این کوزیمودومدسی بود که در سال ۱۴۴۱ کتابخانه مرقصیه^{۲۳۹} وابسته به کلیسای سن مارك را تأسیس کرد و کتابهای آن را از مجموعه ای که نیکولودی نیکولی برجای گذاشته بود فراهم آورد .

در آنجا کتابخانه دیگری از مدیسی وجود دارد که پیشرفت آن به دوران بزرگ^{۲۴۰} و مشهور نسبت داده می شود و کتابخانه لورن زیانا^{۲۴۱} نامیده می شد . مایکل انجلو^{۲۴۲} برای این کتابخانه سالنی با شکوه ساخت که تا امروز برجای مانده است .

این کتابخانه در سال ۱۸۰۸ به کتابخانه مارسیانا که قبلاً ذکر کردیم ضمیمه شد و پس از ضمیمه شدن نام کتابخانه مدیسی لورنسی بر آن اطلاق شد و از آثار مهم در فلورانس به حساب می آید .

کتابخانه پاپها

کوزیمودومدسی در کارهای ویژه کتابخانه مارسیانا از بزرگترین دانشمندان زمانش به نام توماسوپارنتوشلی^{۲۴۳} کمک گرفت ، کسی که ، به همین مناسبت ، فهرست نمونه ای از تمامی کتابهایی که لازم است هر کتابخانه دارا باشد تهیه کرد . وی بعدها به نام پاپ نیکلای پنجم معروف شد و کتابخانه پاپی جدیدی را در رم تأسیس کرد ، چون کتابخانه پاپی قدیم ، در شهر آوینیون متروک مانده بود . این پاپ موفق به جمع آوری مجموعه ای گردید که از ۱۱۰۰ نسخه خطی تشکیل می شد . و این رقم ، هرچند در حال حاضر به نظر ما اندک می آید احتمال می رود بزرگترین رقمی باشد که آن کتابخانه در آن روزگار به آن رسیده است .

اما نیکلای پنجم مبلغ زیادی را که به مناسبت انجمن بالیوبیل در سال ۱۴۵۰ جهت کرسی مقدس جمع شده بود به خریدهای مهم کتاب اختصاص داد .

ولی نیکلا آن قدر زندگی نکرد که اجرای کامل نقشه های گسترده خود را که برای کتابخانه اش در نظر داشت ببیند و در زمان یکی از جانشینانش پاپ سکتوس^{۲۴۴} چهارم

239- Biblioteca Marciana.

240- Laurent le Magnifique.

241- Biblioteca Laurenziana.

242- Michel angelo.

243- Tommaso-Parentucelli.

244- Sixtus.

شمار کتابها به سه هزار و پانصد جلد رسید ، و برای همگان ، اطلاع از برخی کتابها ممکن شد . این کتابخانه در واتیکان و در غرفه های باشکوه و شگفت آور قرار داشت .

دوستاناران کتاب از میان رجال بزرگ کلیسا

از میان کاردینالها ، افراد زیادی به شیفتگی در جمع آوری کتاب مشهورند ، هرچند کاردینال پیساریون همه آنان را از دوستاناران کتاب می داند . وی سه هزار فلور خرج کتابخانه اختصاصیش کرد و بنا به وصیتش آن را به شهر ونیز واگذار کرد و نمونه اعلای انسانی را به ثبوت رسانید . این کتابخانه هسته مرکزی کتابخانه مشهور و بزرگ ونیز تلقی می شود .

از میان دانشمندان انسانگرای ایتالیایی ، تنها پیساریون نبود که آنچه داشت در قربانگاه کتابدوستی قربانی کرد بلکه بسیار دیگر از جمله پوجو^{۲۴۵} - که قبلاً از او سخن رفت - و نیکلای پنجم ، کسی که بواسطه خرید کتابهای بسیار ، پیش از آن که پاپ شود ، غرق در بدهکاری شد نیز چنین کردند . اینک نمونه های بسیاری از نسخه های خطی این عصر وجود دارد که بهای هر یک از آنها به تنهایی یک ثروت بزرگ محسوب می شود .

هنر جلد سازی در آغاز دوران رنسانس

همان طور که گفتیم در دوران رنسانس ، مبالغ هنگفتی به جلد کردن کتابها اختصاص یافت . از نتایج این حرکت یکی آن که تقریباً تمامی کتابهای پاپ نیکلای پنجم در واتیکان با مخمل قرمز که بوسیله نقره زینت یافته جلد شده است . و ما را به جلد های ویژه دوران رنسانس باز می گرداند . از این رو در این جا تنها این مطلب را متذکر می شویم که از جلد های بسیار قرن پانزدهم جز جلد های اواخر دوران سبک گوتیک که دارای تزیینات چاپ شده به طریقه سرد بود و قبلاً از آن یاد کردیم چیزی به دست نیامده است . در این جلد پوستهای گوساله و بز کوهی و خوک به کار می رفت . اما

قرون وسطا/۱۳۷

علاقه مندانی که دارای ذوقی لطیف بودند ، پوست بز را که از شهر قرطبه وارد می شد به کار می بردند .

اما ابزاری که در چاپ این زیتها به کار می رفت ، تنوع بسیاری از اشکال زیتی را نشان می داد و انتشار برخی از آنها رواج داشت . نقش گل گوتیک و گل زنبق و شیر و عقاب و بز کوهی نیز همین حال را داشت .

اما زیورهای بزرگی که از مسّ کنده کاری شده تهیه شده بود و در گوشه ها و وسط جلدها به اضافه قفلهای ثابت در کتابها ، دیده می شد ، همگی گواه بر توانایی شگفت انگیز هنرمندان آن است . اما کناره های کتابها غالباً برنگ سبز یا زرد رنگ آمیزی می شد و بندرت به رنگ قرمز رنگ می شد . بسیاری از این نوع جلدها در کتابخانه های متعدد هنوز وجود دارند . این جلدها با زیتهای ثابت و غلافهای چوبین سنگین خود که مورد حمله موربانه و حشرات واقع شده اند ، بر مهارت سازندگان در این دوران گواهی می دهند و مانند دیگر جلد های قرون وسطا دارای سنگینی و صلابت می باشند ، و اینها از صفات کاغذ های پوستی سنگینی است که در آن به کار رفته است که به طور کلی در تمامی جلد سازی های قرون وسطا رواج داشته است . در حقیقت این نیز از ویژگیهای برگه های پوستی است که بر وزن و حجم کتابها می افزاید و طبعاً این خود موجب می شود تا برای این کتابها جلد های محکم ساخته شود . شایان ذکر است که این نوع جلد سازی در طول قرن پانزدهم در فرانسه و انگلیس و دولتهای شمالی معمول بوده است .

رنسانس کتاب در فرانسه

تأثیر رنسانس در این کشور بکندی آشکار شد . علت آن بود که روشنفکران در دوران پترارک غالباً تحت تأثیر فلسفه اسکولاستیک (مدرسه ای) بودند و کتابخانه ها هم با این روحیه به وجود آمده بود . بدون شک غیر ممکن است مردی مانند ریچارد دی بری را که وابسته به انسانگرایان ایتالیایی بود به معنی کلمه انسان گرا نامیده و علتش این

است که وی جز به نوشته های تاریخی ویژه معروف نیست .

لویی دوازدهم و همسرش

در میان فرانسویها ، طرفداران گرد آوری کتاب که از عصر رنسانس متأثر شده بودند ، تنها از فرمان لویی دوازدهم پیروی می کردند . وی در سال ۱۵۰۰ از شهر پادوای^{۲۴۶} ایتالیا - پس از فتح آن - کتابخانه خاندان اسفورزا^{۲۴۷} و نیز کتابخانه خاندان ویسکونت^{۲۴۸} را به غنیمت گرفت و به همین جهت مجموعه اش در شهر بلوا^{۲۴۹} نزدیک به سه هزار نسخه خطی داشت و بخشی از کتابخانه پترارک را که بر اثر حمله اش به دست آورده بود بر آن افزود .

کاردینال ژرژ دان بواز^{۲۵۰} ، وزیر دوراندیش و دوست صمیمی پادشاه لویی شانزدهم نیز محل نسخه برداری کاملی برای نسخه برداران و نقاشان به تقلید از دوره رنسانس جدید بنیان نهاد . اما همسر لویی دوازدهم آن دو بریتانی^{۲۵۱} ، می گویند وی موفق به تأسیس کتابخانه ای شد که بیش از هزار و پانصد جلد کتاب داشت . از جمله کسانی که وی از میان نقاشان استخدام کرده بود نقاش مشهور به نام ژان بوردیشون^{۲۵۲} است که با همکاری دوست نقاشش ژان فوکه مقدمات تأثیر رنسانس را در هنر کتاب آرایی فرانسوی فراهم کرد و کارهای مشهورش که از احساسات رقیق و نبوغ قوی وی در نقاشی حکایت می کردند مناظری بود که با زندگی ارتباط داشت . با همه اینها نبوغش از ژان فوکه خیلی کمتر بود .

فرانسوای اوّل

رنسانس در فرانسه تنها در دوران حکومت فرانسوای اوّل به اوج شکوفایی رسید . فرانسوا حدود سال ۱۵۲۰ کتابخانه ای سلطنتی در شهر فونتن بلو^{۲۵۳} تأسیس کرد . سپس مدیریت آن را در سال ۱۵۲۲ به عهده دانشمند یونانی مشهور گیوم بوده^{۲۵۴}

246- Padova.

247- Sforza.

248- Visconti.

249- Blois.

250- George d'Amboise.

251- Ann de Bretagne.

252- Jean Bourdichon.

253- Fontainebleau.

254- Guillaume Budé.

گذاشت و لقب رئیس کتابخانه سلطنتی را به او اعطا کرد .
فرانسوای اوّل از سال ۱۵۱۸ انتشار آثار دانشمند یونانی لاسکاریس^{۲۵۵} را که قبلاً ذکر شد تضمین کرد او پس از مدّتی اقامت در دربار بارلوران دو مدیسی^{۲۵۶} به پاریس رفته بود تا زبان یونانی را در آنجا فرا گیرد . و به طور کلی پیداست که فرانسوای اوّل در کتابدوستی از خاندان مدیسی تقلید کرده است .

کتابخانه پادشاهان ماتیاس کُروین^{۲۵۷}

تردیدی نیست که لورنس دو مدیسی به پادشاه ماتیاس کُروین ، پادشاه مجارستان توصیه کرد که به فکر تأسیس کتابخانه اش باشد . این پادشاه از سال ۱۴۵۸ تا سال ۱۴۹۰ حکومت کرد و در زمانی دشوار و پر آشوب ، کتابخانه ای آماده ساخت که گمان می رود دارای پنجاه هزار جلد کتاب بود . این رقمی است که احتمالاً در آن مبالغه شده است .

این پادشاه بزرگ ، تنها به کمک رسانی به نسخه برداران - مانند خاندان دو مدیسی - در دربارش در شهر اون قانع نشد ، بلکه در فلورانس نیز آنان را به این کار تشویق کرد . او نمایندگان برای خرید کتابهای مناسب در کشورهای خاور نزدیک داشت و نیز نسخه های خطی را از بیستیچی^{۲۵۸} که بزرگترین وارد کننده آنها بود خریداری کرد . عجیب است که در کشور مجارستان به رغم متزلزل بودن و مورد تهدید قرار گرفتن آن کشور توسط دشمنان ، شخصیت نادری از یاران دوره رنسانس را سراغ داریم .

بزرگترین کتابخانه کُروین که همین کتابخانه بود ، متأسفانه وقتی ترکها به شهر اون دست یافتند ویران شد ، به طوری که جز صد و بیست و پنج نسخه خطی به دست ما نرسیده ، نسخه هایی که به عنوان تحفه ای نایاب در بسیاری از کتابخانه های عمومی نگهداری می شود . ارزش این نسخه های خطی تنها به اهمیت اشکال آن نیست ، بلکه به صحافی و جلدهای عالی آن است که به کتابخانه پادشاه کُروین جایگاهی ویژه در

تاریخ هنر بخشیده است ؛ چنان که به بررسی آن خواهیم پرداخت .

حامیان کتاب در ایتالیا

ایتالیا ، گهوارهٔ خاندان دو مدیسی ، نخستین کشوری بود که در این زمینه به اوج کمال رسید حتی فرمانروایان در نقاط مختلف و با رتبه های گوناگون از فرمانروایان ایتالیا تقلید کردند . داناترین و برجسته ترین آنان از حیث شغل و موقعیت شاهزاده فدریگو دامونتفلترو^{۲۵۹} و شاهزاده اوربن^{۲۶۰} بودند . شاهزاده اخیر الذکر غرفه های با شکوهی از قصرش را به مجموعه های کتابخانه خود اختصاص داد ، و بیست نسخه بردار و رابط دایم برای کتابهایش استخدام کرده بود . فهرست آن کتابخانه هم اکنون در واتیکان موجود و حاکی از عظمت این کتابخانه در دوران رنسانس است . اما این که می گویند حامیان کتاب در عصر رنسانس جز مطیع عوامل خیالی صرف نبودند ، اکنون این گفتار قطعی نیست ، زیرا حمایتشان از کتاب ، مانند حمایت از هنرهای زیبای دیگر ، تا حد زیادی متأثر از بزرگ منشی و توجهشان به کسب عظمت و افتخار بوده است .

این امر علاوه بر اهمیت دادن به ادبیات و هنر ، از یک انگیزهٔ سیاسی نیز بی بهره نیست . بنابراین انگیزه ها هرچه باشد ، لازم است ، تاحدی ، استعداد ایتالیا را به سبب پذیرش جدید کتاب ، پس از ورود چاپ ، نسبت به جاهای دیگر بیشتر بدانیم هرچند مرکز اختراع جدید ، آلمان بود ، و در آنجاست که مراحل نخستین تحول کتاب را می بینیم .

برای مطالعه بیشتر - مترجم

کاغذ

- اعوانی ، احمد ، «کاغذ چگونه ساخته می شود» ، کیمیا . سال اول ، شماره ۵
ایران ، کمیسیون ملی یونسکو در ایران ، «کاغذ» ، ایرانشهر ، تهران ، کمیسیون ملی یونسکو
در ایران ، ۱۳۴۲ ، ج ۱ ، ص ۷۴۵-۷۵۱ .
- الجمهورية العربية المتحدة ، «صناعة الورق و الكرتون بالجمهورية العربية المتحدة» ، القاهرة ،
رئاسة الجمهورية ، الجهاز المركزي للتعبئة العامة و الاحصاء ، الادارة المركزية للتعبئة
العامة ، ۱۹۶۴ ، ۳۷ ص .
- «حجم تولید کاغذ در جهان» ، صنعت چاپ ، شماره ۲۴ (۱۳۴۷) ، ص ۸-۹ .
- دهخدا ، علی اکبر ، «کاغذ» ، لغتنامه دهخدا ، زیر نظر محمد معین ، تهران ، دانشگاه تهران ،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سازمان لغتنامه ، ۱۳۳۷ ، ج ۳۰ ، ص ۲۰۸-۲۱۹ .
- راسل ، ویتا کرجی ، «صنعت کاغذ سازی» ، ترجمه فتح الله حکیمی ، کتابهای ماه ، ج ۴
(۳۹) ، ص ۱۶۸-۱۶۹ .
- سامی ، علی ، «اختراع کاغذ و تاریخ خشت نبشته ها در کشورهای باستانی آسیای غربی» ،
هنر و مردم ، دوره دهم ، شماره ۱۱۵ (اردی بهشت ۵۱) ، ص ۱۹-۲۶ .
- سمینار جنگل و صنعت (اولین) ، مجموعه مقالات اولین سمینار جنگل و صنعت ، تهران ،
وزارت صنایع ، ۱۳۶۸ ، ۲۳۱ ص .
- «صنعتی نمودن توزیع کاغذ» ، صنعت چاپ ، شماره ۱۶ (۱۳۴۷) ، ص ۹ و ۱۰ .
- عبدالواحد ، انور محمود ، قصّة الورق ، القاهرة ، دار الکاتب العربی ، ۱۹۶۸ ، ۱۱۱ ص .
- عواد ، سرکیس ، «ساخت کاغذ در دوره تمدن اسلامی» ، ترجمه عباس اقبال ، یادگار ، ج ۴ ،
شماره ۹-۱۰ ، ص ۱۲۸-۹۵ .
- «کارخانه کاغذ» ، کتابهای ماه ، ج ۲ ، (۱۳۳۷) ، ص ۲۰۲-۲۰۳ و ۲۳۱ .
- «کاغذ سازی : زیربنای خوشنویسی» ، اطلاعات هفتگی ، شماره ۲۱۶۹ (۲۳ آذر ۱۳۶۲) ،

ص ۴۰ .

کنعانی ، ایرج (مترجم) «صنایع بسته بندی ، احتیاجات جهانی کاغذ و کارتون» صنعت چاپ ، ش ۲۳ (۱۳۴۷) ۶-۸ .

مرادی ، نورالله «کاغذ و کاغذ سازی» ، نامه انجمن کتابداران ایران ، دوره ۳ ، شماره ویژه (زمستان ۱۳۴۹) ۱۹-۳۲ .

مرکز التنمية الصناعة للدول العربیة . صناعة الورق فی الدول العربیة . القاهرة ، ۱۹۷۱ ، ص ۳۰ .

مصاحب ، غلامحسین ، «کاغذ» در دایرة المعارف فارسی . تهران ، فرانکلین ، ۱۳۵۶ ، ۲۱۴۳-۲۱۴۴ .

مصور الممالکی ، «صنایع کاغذ سازی یا مقوای در ایران» نقش و نگار ، شماره ۶ ، ۱۶-۲۰ .

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ، بازار جهانی چوب و کاغذ ، تهران ، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ، ۱۳۶۲ ، چهل و پنج ، سوم ، ۵۲۸ ص ، جدول (بازار جهانی کالا ، ۳) .

نظیری ، یحیی . کاغذ چگونه ساخته می شود . تهران ، سازمان جنگلهای ایران ، ۱۳۴۳ ، ۲۳۰ ، ۱۵ ص ، مصور ، جدول .

نیکنام ، مهرداد ، «اهمیت و نقش کیفیت کاغذ در حفظ و نگهداری کتب و اسناد» کتابداری ، دفتر سیزدهم ، (مهر ۱۳۶۷) ، ص ۶۳-۶۶ .

تذهیب و مینیاتور

آقامیری ، محمدباقر ، پرده هایی از شاهنامه فردوسی ، تابلوهای مینیاتور و تذهیب و تشعیر ، محمدباقر آقامیری ، قلم گیری کلیه تذهیبا و نظارت هنری کریم اصفهانی ، خوشنویسی امیر احمد فلسفی . [تهران] ، شرکت افست ، سروش ، ۱۳۶۹ ، ۲۰ تابلو (رنگی) به مناسبت بزرگداشت هزارمین سال نگارش شاهنامه حکیم ابوالقاسم

فردوسی .

اینانلو ، جهان ، گل و بوته در هنر اسلامی : شیوه نقاشی آبرنگ ، نقاشی روغنی ، نقاشی دیواری و روشهای عملی آن ، تألیف جهان اینانلو و مهران صدر السادات ، مشهد آستان

قدس رضوی ، بنیاد پژوهشهای اسلامی ، ۱۳۶۷ ، ۱۲۶ ص . مصور (رنگی) .

الباشا ، حسن ، التصوير الاسلامی فی المصور الوسطی ، القاهرة ، مكتبة النهضة المصرية ، ۱۹۵۹ ، ۵۱۱ ص ، مصور .

باقری ، عبد الله ، گلزار باقری ، شامل تذهیب های استاد عبد الله باقری و آثارن از اساتید خوشنویس ایران ، تهران ، وحید ، ۱۳۶۶ ، ۱۱۲ ص .

برزین ، پروین ، «نگاهی به تاریخچه تذهیب قرآن» ، هنر و مردم ، دوره جدید ، شماره ۴۹ ، ص ۳۶-۴۰ .

بهار در حصار ، گزیده ای از مجموعه کادرها و حواشی تزیینی جهت امور هنری ، تهران ، فرهنگسرا ، [بی تا] ج ۱ . (بدون صفحه شمار) ، مصور (رنگی) ، پرتو ، ابو «هنر کتاب سازی و مصوری در ایران و اقتباسهای فرهنگی شرق از مغرب زمین» ، مجموعه مقالاتی زیر نظر یان ریشار ، مشهد ، آستان قدس رضوی ، معاونت فرهنگی ، ۱۳۶۹ ، ص ۲۰۱-۲۱۷ .

پروپ ، آرتور ، شاهکارهای هنری ایران ، ترجمه و نگارش پرویز ناتل خانلری ، تهران ، صفی علیشاه ، ۱۳۳۸ ، ه . ه . ، ۲۰۸ ص ، مصور (رنگی) .

تاد ، ویلهلم . «رستم و سهراب و مینیاتورهایی که از این منظومه باقیست» ، نقش و نگارش ۵ (۱۳۳۵-۱۳۳۸) ۳۸-۴۱ .

تجویدی ، علی اصغر ، مینیاتورهای استاد علی اصغر تجویدی ، تهران ، یساولی ، ۱۳۶۹ ، ۱۲ تابلو (رنگی) .

«تذهیب : باز تاب اسلام در هنر ایران» ، اطلاعات هفتگی ، شماره ۲۳۰۶ (۱۹ شهریور ۱۳۶۵) ، ص ۶۰ .

حافظ ، شمس الدین محمد ، غزل نگار حافظ ، خط عباس اخوین ، جلیل رسولی ، تذهیب ،

تذهیب کاران معاصر ایران ، تشعیر عباس جمالپور ، مینیاتور محمد باقر آقا میری ، تهران ، سروش ، ۱۳۶۷ ، ۱۴ تابلو (رنگی) .

خرم‌شاهی ، بهاء الدین ، سیر تذهیب در ایران ، تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۵۲ ، ۴۸ ص ، پایان نامه فوق لیسانس .

خزایی ، محمد ، کیمیای نقش ، مجموعه آثار طراحی اساتید بزرگ نقاشی ایران و بررسی مکاتب نقاشی از مغول تا آخر عصر صفوی ، تهران ، سازمان تبلیغات اسلامی ، حوزه هنری ، ۱۳۶۸ ، ۴۵۴۲ ، ص ، مصور (بخشی رنگی) .

داستانهای قرآن [نقاشی] نقاشی مینیاتور ، تذهیب ، محمد باقر آقا میری ، تهران ، سروش ، ۱۳۶۷ ، ۱۸ تابلو رنگی . این مجموعه شامل تابلوهای انتخابی از کتاب داستانهای قرآن کریم نوشته علی گرمارودی است که قرار است در آینده چاپ شود .

رزمی پور . ی ، «تذهیب ، هنری که با اسلام رشد کرد» ، رستاخیز ، شماره ۸۷۲ (۷ فروردین ماه ۱۳۵۷) ، ص ۱۰-۱۱ .

«سیری در هنرها و صنایع اسلامی ، تذهیب نقطه اوج هنرهای تزیینی» ، اطلاعات هفتگی ، شماره ۲۱۷۰ (۳۰ آذر ۱۳۶۲) ، ص ۴۰ .

«سیری در هنرها و صنایع اسلامی ، تذهیب : هنری که هنرهای دیگر را تکمیل می کند» اطلاعات هفتگی ، شماره ۲۱۷۱ (۷ دی ۱۳۶۲) ، ص ۴۰ .

«سیری در هنرها و صنایع اسلامی ، گامی در راه احیای هنر ظریف : نگاهی به شیوه های تهیه مرکب و رنگ آمیزی کاغذ» ، اطلاعات هفتگی ، شماره ۲۱۷۲ (۱۴ دی ۱۳۶۲) ، ص ۴۰ .

شاهنامه شاه طهماسبی ، نسخه هوتن ، آثاری از آقا میرک و دیگران ، ترجمه کرامت الله افسر ، تهران ، فرهنگسرا ، ۱۳۶۸ ، ۱۲ تابلو (در یک مجلد) ، رنگی ، (آشنایی با شاهکارهای هنر ایران ، ۴) .

«شیوه های رنگ آمیزی کاغذ» ، اطلاعات هفتگی ، شماره ۲۱۷۲ (۲۱ دی ۱۳۶۲) ، ص ۴۰ .
صیدی ، علی ، تحقیقی پیرامون مرقع گلشن ، تهران ، دانشگاه تهران ، دانشکده هنرهای

زیبا ، بی تا ، ۱۴۰ ص .

طاووسی ، محمود ، گنجینه هنر ، خط و تذهیب ، گزیده آثار خوشنویسان و تذهیب کاران پیشین ایران . شیراز ، نوید ، ۱۳۶۶ ، ۲۸۰ ص .

کارل ، فن دیگر «تذهیب و نقاشی کتاب در ایران» ، ترجمه مهدی مهدب ، ماهنامه فرهنگ ، دوره اول (دی ماه ۱۳۴۵) ، ص ۹۷-۱۰۳ .

کریمی ، علی ، «پیدایش مینیاتور در ایران» ، سالنامه ایران باستان (۱۳۳۵) ، ص ۶۶-۵۱ .
«صنایع دستی ایران ، نقاشی ، خطاطی ، تذهیب کاری» سالنامه کشور ایران (۱۳۲۹) ، ص ۷۴ .

کهنال ، ۱ . «مینیاتور در شرق ، بزرگان این صنعت ایران و شرق نزدیک» ، چهره نما ، ۱۸-۲۰ (دی ۱۳۱۴) ، ۳۴ : ۱ ، ۴۰-۴۳ (فروردین ۱۳۱۶) ، ۳۵ : ۱ ، ۴۸-۵۰ (فروردین ۱۳۱۷) .

گلبن ، محمد ، کتابشناسی نگارگری ایران از آغاز تا هزار و سیصد و پنجاه و هفت خورشیدی ، نقاشی مینیاتور ، تذهیب ، شرح احوال هنروران ایران و فهرست نگاره های چاپی در مطبوعات ، تهران ، نشر نقره ، ۱۳۶۳ ، ۲۴۸ ص .

گلچین معانی ، احمد ، «شاهکارهای هنری شگفت انگیز از قرن پنجم هجری و سرگذشت حیرت آور آن» ، هنر و مردم ، دوره چهاردهم ، شماره ۱۵۷ (آبان ۱۳۵۴) ، ص ۴۵ .
لینگر ، مارتین ، «هنر خوشنویسی و تذهیب در قرآن» ، ترجمه حسن معتمدی شاد ، نامه نور ، شماره اول (تیر ۱۳۵۸) ، ص ۳۸ ؛ شماره دوم (مرداد ۱۳۵۸) .

مافی ، عباس ، کتابشناسی هنر ، تهران ، مرکز اسناد فرهنگی آسیا ، ۱۳۵۵ ، دوازده ، ۱۹۹ ص ، (مجموعه کتابشناسیها و مدارك فرهنگی ، ۲) .

مایل هروی ، غلامرضا «مرقع سازی در دوره تیموریان» ، هنر و مردم ، دوره دوازدهم ، شماره ۱۳۴ (شهریور ۱۳۵۳) ، ص ۳۲ .

مراویا ، آلبرتو ، «تصویر و نقشه» ، پیام یونسکو ، دوره سوم شماره ۳۰ (بهمن ۱۳۵۰) ، ص ۲۳ .

مقدم اشرفی، م.، همگامی نقاشی با ادبیات در ایران (از سده ششم تا یازدهم هجری قمری)، ترجمه روین پاکباز تهران، نگاه، ۱۳۶۷، ۲۴۸ ص.

منشی قمی، احمد بن حسین، گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲. شصت و دو، ۲۱۶ ص، مصور (بخشی رنگی)، نمونه عکسی، (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۴۹، زبان و ادبیات فارسی، ۲۷).
«میراث غنی تذهیب کتاب»، فرمان، شماره ۶۱۸۷ (۱۳۵۳/۴/۳۱) و شماره ۶۱۸۸ (۱۳۵۳/۵/۱).

مینیاتورهای دوره صفوی، مکتب اصفهان ۳، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۸، ۱۲ تابلو (رنگی) (آشنایی با شاهکارهای هنر ایران، ۷).

«مینیاتورهای معاصر ایران، سنت و بدعت، کهنه و نو در قابی از چشم اندازهای تازه». در فصلنامه هنر، شماره ۱۱ (تابستان ۱۳۶۵)، ص ۸۸-۱۵۷.

مینیاتورهای هفت اورنگ جامی، مرقع سلطان ابراهیم میرزا، مجموعه آثاری از میرزا علی، مظفر علی، شیخ محمد، سلطان محمد تهران، فرهنگسرا [بی تا] ۱۲ تابلو (۰۱ برگ مقدمه).

نفیسی، نوشین. «شیوه تذهیب عثمان بن وراق»، هنر و مردم، دوره سیزدهم، شماره ۱۵۰ (فروردین ۱۳۵۴) ص ۵۱.

نگارگر حسینی، منصور، منصور نگارگر حسینی، برگزیده آثار مینیاتور، تهران نگار، ۱۳۶۹، ۲ ج (ده تابلو) مصور (رنگی)، (هوای وصال، ۱۰)

«نمایشگاه آثار مینیاتور و خطوط قدیمی ترکیه». هنر و مردم، شماره ۲۷ (۱۳۴۳)، ص ۳۸-۳۹.

کتابخانه

ابراهیم، عبداللطیف. دراسات فی الكتب والمکتبات الاسلامیه، القاهرة، دارو مطابع الشعب، ۱۹۶۲، اج، (صفحه شماری گوناگون).

قرون وسطا/۱۴۷

- احمدی ، «تاریخچه کتاب و کتابخانه» ، کابل ، ج ۱۰ ، شماره ۷ ، ص ۴۲-۴۷ .
- اسدی ، علی ، «کتابخانه های ایران» ، نقش رسانه ها در پشتیبانی توسعه فرهنگی ، تهران ، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران ، ۱۳۵۵ ، ص ۷۶-۷۹ .
- افشار ، ایرج . کتابخانه های ایران و مقدمه ای درباره کتابخانه های قدیم ، تهران ، اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش ، ۱۳۴۴ .
- «کتاب و کتابخانه در ایران» ، ایرانشهر ، ج ۱ ، ص ۷۴۵-۷۵۶ .
- انصاری ، نوشین آفرین ، «کتابخانه ها و قرائتخانه های ایران ، ۱۳۲۷-۱۳۴۴ هـ . ق .» در نامواره دکتر محمود افشار ، تهران ، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار ، ۱۳۶۶ ، ج ۳ ، ص ۱۶۷۱-۱۷۰۵ .
- «کتابخانه های ایران از تأسیس دارالفنون تا انقلاب مشروطیت» ، آینده ، سال دهم ، شماره دهم یازدهم (دی و بهمن ۱۳۶۳) ، ص ۶۶۷-۶۷۹ .
- «وقف نامه ها و تاریخ کتابخانه و کتابداری» ، یادنامه ادیب نیشابوری ، زندگانی استاد و مجموعه مقالات در مباحث علمی و ادبی ، تهران ، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل ، ۱۳۶۵ ، ص ۹۷-۱۲۰
- باستانی پاریزی ، محمد ابراهیم ، «کتابخانه اسکندریه» ، یغما . دوره پنجم ، ص ۵۰۹-۵۱۴ .
- پیام ، سال شانزدهم ، شماره ۲۱۸ (مرداد ۱۳۶۷) ، شامل ۱۷ مقاله در زمینه کتابخانه و آرشیو .
- «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران» ، تلاش ، شماره ۴۰ (فروردین-اردی بهشت ۱۳۵۲) .
- تاریخچه هزار ساله قدیمترین کتابخانه های ایران ، شاه عباس کبیر ، نادرشاه ، شیخ بهائی و سلاطین گورکانی ، کتابهای گرانبهائی که به این کتابخانه ها هدیه کرده اند که به خط و مهر آنان موجود است . اطلاعات شماره ۹۴۸ (۵۶/۹/۱۲) ، ص ۶ .
- تربیت ، محمد علی «کتاب و کتابخانه های معروف قدیم» ، آموزش و پرورش دوره دهم ، شماره دهم ، شماره ۶ و ۷ ، ص ۲۶-۳۲ .

جواهر الکلام، عبد العزیز. کتابخانه های ایران از ماقبل از اسلام تا عصر حاضر در داخله و خارجه و ذکر برخی از نفایس کتب خطی و نسخ تایاب، تهران، بی نا، ۱۳۱۱، ۱۰۷ ص.

حاکمی، اسماعیل، «سهم ایرانیان در تأسیس کتابخانه های اسلامی تا قرن هشتم هجری»، نشریه سمینار کتاب و کتابداری (۴-۲ خرداد ۱۳۶۰)، مشهد، دانشگاه مشهد، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، ۱۳۶۰، ص ۶۱-۶۹.

سلیمان، لطف الله، «کتابخانه اسکندریه: بازسازی نخستین کتابخانه عمومی جهان»، پیام، سال بیستم، شماره ۲۲۲ (آذر ۱۳۶۷)، ص ۹-۱۱.

«سیر کتابخانه در ایران و اسلام»، کتابهای ماه، دوره سوم، ص ۱۵۲-۱۵۹
شبلی نعمانی، محمد. کتابخانه اسکندریه، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، بی نا، ۱۳۱۵، ۶۷ ص.

شکویی، علی، مترجم، «کتابخانه های جهان اسلام»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۳۱، شماره ۱ (بهار ۱۳۶۲) ص ۸۱-۸۹.

شیمیل، آن ماری. خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسد الله آزاد، مشهد مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ۳۴۷ ص.

صفا، ذبیح الله، «کتاب و کتابخانه های ایران باستان»، نشریه انجمن ایران باستان، دوره اول، شماره ۱، ص ۱-۳۰.

عبد الرسول خان، مترجم، «کتابخانه های اسلامی» آئینه هرفان، دوره دوم، ج ۵، شماره ۲ و ۱ (۱۳۱۴).

عزتی، ابوالفضل «کتاب و کتابخانه در فرهنگ اسلامی»، نگین، شماره ۱۱۵ (۱۳۵۳/۱۰/۱).

عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم، کتاب و کتابخانه زیربنای تمدن و علوم اسلامی، قم، کتابفروشی حقیقت، تهران، ۱۳۵۳، ۱۷۲ ص.

فدایی عراقی، غلامرضا، «اوکین کتاب، اولین کتابخانه»، کیهان اندیشه، شماره ۳۱ (مرداد

قرون وسطا/۱۴۹

و شهرپور (۱۳۶۹).

«کتاب، سنگ اول (سرگذشت کتابخانه در ایران)، کودک و زندگی، شماره ۱۳۷ (۵۴/۸/۲۸).

«کتاب و کتابخانه در ایران»، روزنامه آژنگ، شماره ۳۷۲۹ (۱۳۵۳/۵/۱) و شماره ۳۸۳۳-۳۸۵۱ (۱۳۵۳/۶/۲-۱۳۵۵/۵/۶).

«کتاب و کتابخانه در ایران از اسلام تا کنون»، ندای ناسیونالیست، شماره ۱۴۵ (۱۳۵۶/۸/۲۵).

کریمی، خسرو، «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران»، نوای ملت (۱۳۴۹/۴/۲).
کلانیان، میترا، «تاریخچه کتابخانه»، هوخت، دوره ۱۸، شماره ۷ (۱۳۴۶) ص ۴۳-۴۴.

«کوروش بنیانگذار نخستین کتابخانه جهان»، اطلاعات، شماره ۱۵۳۴۰ (۱۳۵۶/۲/۲۹).

متر، آدام، «کتابخانه های اسلامی در قرن سوم و چهارم و پنجم»، آموزش و پرورش، دوره چهارم، شماره ۷ (۱۳۵۰)، ص ۲۰-۲۵.

مجیدی، موسی «تاریخچه مختصر کتابخانه در جهان و ایران»، کتابداری، دفتر پانزدهم (اردی بهشت ۱۳۶۸)، ص ۵-۲۸.

مدیر شانه چی، کاظم «کتابخانه های اسلامی» نامه آستان قدس، دوره ششم، شماره ۴. ص ۶۳-۷۵ و ص ۱۸۷-۱۹۲.

مصاحب، غلامحسین «کتابخانه» در دایرة المعارف فارسی، ج ۲، تهران، فرانکلین، ۱۳۵۶، ص ۲۱۷۶-۲۱۷۷.

مطهری، مرتضی، کتابسوزی ایران و مصر، قم، صدرا، ۱۳۵۷، ۱۰۴ ص.
نقوی، نقیب، «سیری در کتابخانه های اسلامی»، مشکوة شماره ۲۰ (پاییز ۱۳۶۷)، ص ۱۰۴-۱۱۸ و شماره ۲۱ (زمستان ۱۳۶۷)، ص ۱۵۸-۱۷۸.

همایونفرج، رکن الدین، تاریخچه کتابخانه های ایران و کتابخانه های عمومی، تهران، سازمان کتابخانه های عمومی شهرداری تهران، ۱۳۴۰، ج ۴، مصور. عنوان جلد دوم: کتاب و کتابخانه های شاهنشاهی ایران.

«سرگذشت کتابخانه های ایران از زمان هخامنشیان تا حمله عرب»، تلاش، شماره ۱، ص ۷۷-۸۴.

بخش سوم

پایان قرون وسطا

چاپ در قرن شانزدهم

پیدایش چاپ و چاپ با حروف ثابت

چاپ بوسیله الواح چوبی کنده کاری شده^۱ در چین

صنعت تولید چندین نسخه از یک کتاب به وسیله چاپ برای نخستین بار مانند ساخت کاغذ در کشور چین پدید آمد. عقیده بر آن است که در آن جا از قرن دوم بعد از میلاد کتابهایی چاپ می شده است؛ به این طریق که صفحات متن را با حروف برجسته روی یک سنگ صاف کنده کاری می کردند و طبعاً حروف گود بودند؛ اما بعدها صفحات بر روی چوب با حروف برجسته کنده کاری شدند، و این امکان وجود داشت که از هر لوحی نسخه های متعدد و متفاوتی تولید شود. به این طریق که ستونی را که خطوط برجسته داشت رنگین می کردند، سپس کاغذی مرغوب را که برای چاپ مناسب بود بر روی آن می نهادند و محکم فشار می دادند تا قسمتی که برجسته و جوهری بود کاغذ را با رنگ خود رنگین کند.

کهن ترین صفحه چاپ شده از روی چوب در چین، که به دست ما رسیده به سال ۹۳۲ بعد از میلاد باز می گردد. گرچه تأکید داریم که این روش چاپ خیلی پیش تر از آن در چین وجود داشته است. زیرا در ژاپن که تمامی روشهای هنری در صنعت کتاب را

1- Xylography.

از چین گرفته ، اثری از چاپ بر روی چوب مربوط به قرن هشتم به دست آمده است .

چاپ بر الواح در اروپا

اروپا نیز همانند چین ، الواح چوبی یا سنگی را برای صنعت چاپ به کار گرفت . هر چند این امر نمی تواند دلیلی بر کمترین ارتباط بین چاپ بر روی چوب در چین و نظایر آن در اروپا باشد .

چاپ تک برگه ای ها

قدیمی ترین چاپهایی که با استفاده از صفحات چوبی در اروپا انجام و تا به حال شناخته شده ، بر روی پارچه است . و مطلقاً به کتاب ارتباطی ندارد . اما هنگامی که استفاده از کاغذ معمول شد ، کاغذ در چاپ از روی صفحه چوبی نیز به کار رفت و بسیاری از عکسهای قدیسان و ورقهای بازی و تقویمها که در قرن چهاردهم و پانزدهم به طور فراوان انتشار می یافت با استفاده از این روش چاپ شدند در این هنگام مرکب چاپ از گچ و روغن ساخته می شد . همه اینها چاپهای تک برگه ای بود . اکنون بیش از سه هزار عدد از آنها را در دست داریم که به قرن پانزدهم باز می گردد . قدیمی ترین آنها مربوط به سال ۱۴۱۸ میلادی و تصویری است از حضرت مریم (ع) در حالی که ایستاده است و حضرت عیسی (ع) را در آغوشش دارد .

چاپهای خمیری

در اروپا نوعی خاص از این تک برگه های چاپی به وجود آمد که چاپ با استفاده از خمیر بود . این طریقه چاپ که در آلمان اختراع شد ، عبارت بود از فشار دادن لوح چاپی یک صفحه کوچک سنگی کنده کاری شده و آغشته به مرکب ، بر روی یک ورق کاغذ که لایه ای از خمیر آن را پوشانده بود و زود خشک می شد . رنگ آمیزی خمیر بر تأثیر اشکالی که غالباً مناظر دینی را نشان می دادند می افزود . از این نوع تک برگه های چاپ

شده در حدود صد و پنجاه عکس باقی مانده که خیلی کهنه و فرسوده اند .

نخستین کتابهای لوحی

از چاپ « تک برگه ای » تا چاپ کتاب یک قدم بیشتر نمانده بود . در نیمه قرن پانزدهم در اروپا نخستین کتابهای چاپی ، به طریقه الواح چوبی یا سنگی تولید و به « کتابهای لوحی » معروف شد . احتمال می رود که این صنعت اوّل در هلند پدید آمده باشد ، زیرا صنعت نشر کتابهای لوحی در آن جا بیشتر از مناطق دیگر رواج داشت . از کتابهای لوحی جز اندکی باقی نمانده و تمامی آنچه به دست ما رسیده ، فقط سی و سه کتاب است . بدون شک ، کتابهای لوحی بین طبقات مردم به تعداد زیاد وجود داشته ، زیرا این صنعت تمام ادبیّات ملّی را در بر می گرفته است . درست است که بیشتر متون آن به لاتین بود ، ولی تصویرهای آن کتابها از ویژگیهای مهمی بود که در آنها به چشم می خورد و این تصویرها ، بویژه کتابهای آموزشی که مورد استفاده کشیشها بوده اهمیت زیادی داشتند . از جمله نمونه های آن *تورات فقرا*^۲ ، که از رنجهای مسیح گرفته شده ، کتاب *آیینته رهایی انسانی*^۳ ، کتاب *هنر مُردن*^۴ ، و *تاریخ قدّیس یوحنا انجیلی* است . و به همین طریق کتابهای لوحی بسیار دیگر که شامل متون غیر دینی ، تقویمها و کتابهای داستانی و غیره بود نیز چاپ می شد .

از آن نوع کتابها فقط تعدادی اندک به دست ما رسیده و این امر مؤید آن است که در آن زمان آنها ارزان و فراوان بوده اند و این ارزانی و فراوانی از اهمیت آنها کاسته بوده به طوری که نیازی به حفظ و نگهداری آنها احساس نمی شده است . کتابهای مدارس اولیه قرون وسطی هم همین وضعیّت را داشتند . آنها از چند صفحه نازک پوستی تشکیل می شدند و شامل حروف الفبا و دعاها و دعاها و دعاها اصلی مسیحیّت بودند . از آن کتابها گرچه هزاران عدد چاپ می شد ، اما تعداد قابل توجهی باقی نمانده است . از جمله کتابهای لوحی که شایان ذکر است نوعی دیگر از کتابهای مدرسه ای (قواعد نحو لاتین) به نام

2- Biblia Pauperum.

3- Speculum Humanae Salvationis.

4- Ars Moriendi.

دونت^۵ است که به نحوی رومی ، ایلوس دوناتوس^۶ منسوب است .

چاپ با حروف متحرک در چین و اروپا

حروف متحرک در چین

به رغم آن که چینی ها ساختن حروف متحرک را در قرن یازدهم - ابتدا از گل پخته و سپس از مس و سرب - شروع کردند هنوز تا به امروز طریقه چاپ به وسیله الواح چوبی در چین معمول است .

در برابر هر حرف نوشتنی ، حرفی جداگانه از حروف چاپی کنده می شد ، سپس هر صفحه از صفحات کتاب از مجموع این حروف مختلف تشکیل و پس از چاپ تمامی نسخه های مورد نظر ، حروف چاپی برای تهیه صفحات دیگر از هم جدا می شد .

این روش چاپ چندان در چین رواج نیافت و علت آن بود که چینیه ها از تعداد زیادی علامت استفاده می کردند . حتی برای چاپ یک کتاب معمولی حدود چهار تا پنج هزار حرف لازم بود . اما در اروپا قضیه برعکس بود زیرا تعداد حروف الفبایی که به کار می رفت خیلی کم بود . بدین جهت فن چاپ ، با حروف متحرک ، اختراعی بود که تولید کتاب را بکلی دگرگون کرد .

اختراع حروف متحرک در اروپا

بدیهی است که کتابهای لوحی نتوانست نقش مهمی ایفا کند ، زیرا این کتابها در مجلدات کمرچکی چاپ می شد که هر یک از آنها بیست صفحه و حداکثر سی صفحه داشت و به طریقه چاپ با « الواح چوبی » فقط همین تعداد صفحه را می توان چاپ کرد . بعلاوه ، چاپ جز بر یک روی ورقه امکان پذیر نبود ؛ به این جهت که فشار ، اثری قوی از خود باقی می گذاشت به طوری که استفاده از پشت ورقه را دشوار می کرد . اما در مورد کتابهای مهم ، چاپ با استفاده از الواح چوبی بمراتب مشکلتر بود . لذا اختراع حروف متحرک یا به عبارت دیگر تجهیزات ویژه حروف چینی ، منجر

5- Donet.

6- Aelius Donatus.

به گشودن راه پیشرفتی شد که واجد اهمیت زیادی بود و انقلابی جدید در صنعت کتاب به وجود آورد ، هر چند حروف متحرك نتوانست همچون صنعت کاغذ از چین به اروپا منتقل شود . این صنعت حتی به کره که دارای کتابهای چاپ شده با حروف متحرك ، مربوط به دوره های نخست قرن پانزدهم بود ، منتقل نشده بود . در واقع اختراع گوتنبرگ آلمانی کاملاً مستقل و بدون پیروی یا تقلید از هیچ نمونه شرقی صورت گرفته بود .

یوهان گوتنبرگ^۷

از زندگی گوتنبرگ ، اطلاعات اندکی در دست است . وی به خاندان سرشناس گنسفلایش^۸ ، اهل ماینس^۹ منسوب بود . او در حدود سال ۱۴۰۰ م متولد شد ، والدینش در یکی از املاک خانوادگی بنام تسوم گوتنبرگ^{۱۰} زندگی می کردند و گوتنبرگ همین نام را برای خود انتخاب کرد . و نیز معروف است که گوتنبرگ تقریباً در سال ۱۴۳۰ در استراسبورگ ساکن شد و به صنعت زرگری پرداخت . در حدود سال ۱۴۴۰ یا به قولی به سال ۱۴۴۸ دوباره به شهر ماینس باز گشت و در همان جا بود که کتابهایش را چاپ کرد . گویند نخستین کتابهایش در حدود سال ۱۴۴۵ و سالهای بعد از آن به بازار آمد و از جمله آنها کتاب سیبل^{۱۱} زنان کاهن و پیشگو ، کتاب دوناتوس (دستور زبان لاتین) در سه چاپ و تقویم سال ۱۴۴۸ بودند درست است که نام گوتنبرگ بر هیچ یک از این کتابها و کتابهای منتشره بعد از آن نوشته نشد ، ولی آن چنان که پیداست می توان آن کتابها را به او نسبت داد و همچنین خطاب آمرزش از پاپ نیکلای پنجم را در سال ۱۴۵۱ چاپ کرد .

7- Johann Gutenberg. 8- Gensfleisch. 9- Mainz. 10- Zum Gutenberg.

۱۱ - Sibylles ، نامی است که یونانیها و رومیهای قدیم آن را بر زنان مجرد کاهن و پیشگو اطلاق می کردند که (به عقیده آنان) قدرت داشتند از پیشامدهای ناگوار و خشم خدایان جلوگیری کنند . برای توضیح بیشتر به دائرة المعارف بستانی ج ۲ ، صفحه ۲۹۷ مراجعه شود .

لورنس کاستر

در بارهٔ این اختراع همانند بعضی از اختراعات دیگر به جرات می توان گفت ، و عده ای هم بر این باورند که بهتر است آن را به شخص دیگری نسبت دهیم ، مردی هلندی به نام لورنس جانسون کاستر^{۱۲} از هارلم . شکی نیست که کاستر قادر به چاپ کتاب بوده و در تاریخ کولونیا در سال ۱۴۹۹ ، از وجود کتابهایی در دستور زبان لاتینی چاپ شده در هلند ، سخن به میان آمده است . اما احتمالاً او کتابهای لوحی را چاپ می کرده است . به هر حال آنچه کاستر چاپ کرده بدون تاریخ است و نمی دانیم که بر گوتنبرگ سبقت داشته است یا نه . روشی را که وی در حروف چینی به کار گرفته بود شاید دشوار و غیر عملی می نمود . از این رو ، حتی اگر این ادعا را بپذیریم که گوتنبرگ در جشن ذخایر دینی در شهر اکس^{۱۳} در سال ۱۴۴۰ کتابهای چاپ شده کاستر را دید و همین امر موجب شد که او به چاپ کتاب همّت گمارد ، باید بصراحت بگوییم که این هلندی به گوتنبرگ چیز مهمی نیاموخت . اما نمی توان پذیرفت که فکر ساختن حروف متحرک از طریق حروفی تزئینی که برای چاپ روی جلد به کار می رفت به ذهن گوتنبرگ رسیده باشد . زیرا این حروف خود نوعی حروف جدای از هم بودند که چیدن آنها و سپس جدا کردنشان پس از استفاده ، امکان پذیر بود . جلدهایی را که زینتهایی با حروف سنگی از هم جدا دارند و به دهه های نخستین قرن پانزدهم مربوطند به این اضافه کنید ، اینها نیز می توانستند الهام بخش گوتنبرگ باشند .

اختراع وسیله ای برای قالب ریزی حروف

به هر حال گوتنبرگ مخترع چاپ به حساب می آید . زیرا او بود که به فکر وسیله ای برای قالب ریزی حروف و واقعاً ساده کردن چاپ افتاد . اما این که می گویند دیگران به او کمک کردند ، شاید درست باشد . با وجود این معلوم نیست آنان چه نقشی در اختراع چاپ داشته اند . بهمین جهت تنها گوتنبرگ را می شناسیم .

12- Laurens Janzoon Coster.

13- Aix.

نخستین چاپخانه ها

گوتنبرگ نیز با همان مسائلی روبرو بود که بسیاری از مخترعان دیگر با آن روبرو بوده اند. دشواریها در سراسر زندگیش ادامه داشت علاوه بر آن دیگران بیشتر از خود او، از اختراعی استفاده کردند. از جمله مشکلات گوتنبرگ در زندگی یکی آن بود که ناچار شد برای تأمین مخارج چاپ از یکی از ثروتمندان ماینس به نام یوهان فوست^{۱۴} مبلغی قرض کند و این مرد با دادن سرمایه لازم به گوتنبرگ در تهیه ابزار چاپ کمک کرد. گوتنبرگ در همان ایام تورات بزرگ لاتین را (سال ۱۴۴۵) چاپ کرد که بعداً از آن سخن خواهیم گفت. اما پس از مدتی کوتاه در مورد مسائل مالی با فوست اختلاف پیدا کرد و حتی کارشان به دادگاه کشید و گوتنبرگ محکوم به پرداخت خسارت شد و بناچار برای پرداخت نزول به فوست، ابزار چاپخانه اش را به او داد. ظاهراً او بعد از این حادثه چاپخانه دیگری تأسیس کرد. او در سال ۱۴۶۵ با شادمانی به دربار بزرگترین اسقف ماینس رو آورد. پس از جدا شدن از فوست، اطلاع بیشتری از زندگی اش در دست نیست. وی در پایان سال ۱۴۶۷ یا اوایل سال ۱۴۶۸ درگذشت.

گسترش صنعت چاپ

کنده کاری روی چوب

دوره اول چاپ در آلمان

نخستین جانشینان گوتنبرگ

به محض آن که فوست به ابزار گوتنبرگ دست یافت، شخصاً با شرکت یک نفر آلمانی دیگر به نام پیتر شفر^{۱۵} که در ابتدا نقاش و تصویرساز نسخه های خطی در پاریس بود، چاپخانه جدیدی تأسیس کرد. او توانست در سال ۱۴۵۷ کتاب *مزامیر*

14- Johann Fust.

15- Peter Schoffer.

بزرگ^{۱۶} را که بعداً از آن سخن خواهیم گفت ، منتشر سازد . همان زمان سری کتابهای بسیار دیگری هم وجود داشت که بعداً چاپ شد . از آن جمله توراتی ارزشمند بود که هر صفحه آن چهل و هشت سطر داشت و در سال ۱۴۶۲ به چاپ رسید . تمامی آن چاپها ، نه تنها حاکی از مهارت فوق العاده پیتر شفر بود ، بلکه بر فعالیت گذشته او در هنر تزیین و نقاشی گواهی می داد . حتی از او به روح محرکه طرحهای فوست در باره کتاب تعبیر می کنند . پس از درگذشت فوست ، شفر چند سالی چاپخانه را اداره کرد تا آن که در سال ۱۵۰۲ درگذشت . شفر حروفش را خود به قالب می ریخت . این حروف ، فی حد ذاته از لحاظ دقت و محکمی بر حروف گوتنبرگ برتری داشت تا حدی که وی به قسمتی از حروف گوتنبرگ ، که تا سال ۱۴۶۰ نزد آلبرشت فیستر^{۱۷} چاپخانه دار شهر بامبرگ^{۱۸} نگهداری می شد ، قانع نشد .

چاپخانه های جنوب آلمان

دست اندرکاران صنعت چاپ در شهرهای مختلف جنوب آلمان در دهه ۱۴۶۰ پیدا شدند علت آن حملاتی بود که به شهر ماینس صورت می گرفت . آدولف دوناسو^{۱۹} بر آن جا دست یافت و در سال ۱۴۶۲ آن جا را ویران کرد و بسیاری از ساکنانش را آواره ساخت و بناچار چاپخانه داران هم مهاجرت کردند . شفر هم از جمله آنان بود . او در شهر فرانک فورت ساکن شد . گفته می شود ویرانی شهر ماینس بر سرعت گسترش صنعت جدید کمک کرد .

این صنعت در آغاز کار همان راه تجاری و قدیمی رودخانه راین را دنبال کرد و گسترش یافت تا آن جا که شهر استراسبورگ یکی از مراکز اصلی شد و پس از اندکی در شهرهای دیگر مانند کلن و اوگسبرگ و اولم و نورمبرگ چاپخانه های بسیار مهم تأسیس شد و بلحاظ فعالیتی ویژه که توسط آنتون کوبرگر^{۲۰} در نورمبرگ صورت گرفت ، این شهر از این لحاظ بر دیگر شهرها برتری یافت ، می گویند او حدود صد کارگر برای

16- Psalterium

17- Albrecht Pfister.

18- Bamberg.

19- Adolph de Nassau.

20- Anton Koberger.

چاپخانه هایش استخدام کرد و در سال ۱۴۷۰ تقریباً بیست چاپخانه را اداره می کرد . طی نیم قرن پس از آن که گوتنبرگ چاپ را اختراع کرد ، بیست شهر از شهرهای آلمان دارای چاپخانه شدند . اما علت آن که بیشتر این شهرها در جنوب آلمان بودند تنها آن نبود که در مجاورت شهر ماینس مهد صنعت چاپ قرار داشتند ، بلکه به وجود شهرهای تجارتی بزرگ در جنوب آلمان در آن زمان نیز مربوط می شد . این شهرها در سر راه بخش اعظم داد و ستدی واقع می شدند که با دریای مدیترانه و شرق صورت می گرفت . بعلاوه مراکز تجارتی بزرگ ، چاپخانه ها را با امکانات لازم برای کار همیشگی به سوی خود جذب می کردند ، در حالی که شهرهای کم اهمیت جز در دوره ای بسیار کوتاه ، چندان کاری با چاپخانه ها نداشتند .

روشهایی که اولین چاپخانه داران به کار گرفتند

کارگاههای اولیه چاپ - پیش از کاربرد ماشینهای برقی در این صنعت - از لحاظ شکل ظاهری در واقع همان وضعیّت کارگاههایی را داشتند که بعداً برپا شدند . آنچه قبل از هر چیز به چشم می خورد پرسهای بزرگی بودند که از چوب بلوط ساخته شده و در سالن چاپخانه به سقف و زمین بسته شده بودند پس از آن که کاغذ روی حروف چیده شده قرار می گرفت خود پرس فشار می آورد و برای این که فشار کاملی وارد شود پرس با نیروی دست کنترل می شد . پرس مجهز به قلاویزی چوبی و سنگین بود . بناچار برای این که فشار مطلوبی وارد شود نیروی بیشتری مصرف می شد .

اما پرس از لحاظ حجم ، خیلی کوچکتر از صفحه حروف چینی بود . از این رو بطور کلی چاپ ورقه کامل در یک دفعه ممکن نبود و کارگران چاپخانه ناچار بودند کاغذها را به چند قسمت تقسیم کنند ، به طوری که هر قسمت جداگانه چاپ شود ؛ سپس در یک مجلد قرار داده می شد .

اما حروف چینی در آن زمان ، همان طور که امروز هم در چاپخانه های دستی عمل میشود بر دو صفحه « بالشتک مانند چرمی » که مجهز به گیره هایی بود انجام می شد . سپس حروف چیده شده ، مرکب زده می شد . زمان بسیاری برای کسب آگاهی و مهارت لازم بود تا مرکب را به طور یکسان بر تمام صفحه پخش کنند و به

منظور جلوگیری از خرابی سطرها از به هم چسبیدن ستونهای حروف چینی شده پیش گیری کنند . کننده کاری حروف چاپی ، بویژه کار ریخته گری حروف برای دست اندرکاران چاپ در ابتدا دقیقترین کار بود ، اما قسمت اصلی ابزاری که در ساختن حروف سربی به کار می رفت ، یعنی آنچه قالب نام داشت ، از مس یا برنز ساخته می شد ، و این ماده طوری بود که اگر خیلی مورد استفاده واقع می شد از بین می رفت . زیرا در اثر کثرت استعمال اندازه ابعاد و لبه های ظریف آن که در هماهنگی حروف در هنگام چاپ بسیار مؤثر بود یکنواخت باقی نمی ماند .

کهن ترین کتابهای چاپی

به رغم این مشکلات فنی ، قدیمی ترین کتابهای چاپی از زیبایی فوق العاده ای برخوردار بودند . علت آن ، پیروی از روش قدیم نسخه های خطی قرون وسطی بود که در این کار الگو قرار می گرفت .

طبیعی است که قدیمی ترین چاپخانه داران ، نسخه های خطی را الگوی چاپشان قرار می دادند و حروف چاپی را به روش نوشته های نسخه های خطی می ساختند و بطور کلی در شکل صفحه از لحاظ خط و سایر جهات از نسخه های خطی تقلید می کردند . حتی در تمام نکاتی که صنعت چاپ قادر به انجام آن نبود این تقلید انجام می شد ، بویژه هنگامی که تصمیم می گرفتند حرف اول بزرگ و امثال این زینتها را به کار برند ، تا جایی که گاهی مجبور می شدند به روشهای قدیمی مراجعه کنند . مانند جایی که از رنگهای دستی استفاده می کردند . سرانجام شکل ظاهری اوکین چاپ کتاب را به شکل نسخه های خطی قرون وسطی که بر پوست نوشته شده بود در می آوردند و زیبایی های شگفت انگیزی می آفریدند که از لحاظ استحکام کمتر از نسخه های خطی تزئین شده بر پوست نبود .

تورات گوتنبرگ (۱۴۵۵ م)

برای تاکید بر درستی گفتارمان ، به تورات گوتنبرگ که در دو جلد به قطع نصف در سال ۱۴۵۵ چاپ شده و قبلاً نام بردیم ، نظری می افکنیم . چون این کتاب چاپ

شده را از نزدیک ندیده ایم خیال می کنیم خطی است و این کتاب غالباً به **تورات چهل و دو سطری** معروف است . چون در یک ستون چهل و دو سطر دارد و نیز به **تورات مازارینی** معروف می باشد زیرا نخستین نسخه ای که توجه خبرگان کتاب را به خود جلب کرد ، نسخه ای بود که آن را کاردینال مازاران در کتابخانه اختصاصی خود نگهداری می کرد . در این تورات هزار و دویست صفحه ای هر صفحه به دو ستون تقسیم شده و نوع خط آن مطابق اصل خط گوتیک در آخرین مراحل آن است . ما آن را از نسخه های خطی مهم و ارزشمند می دانیم که دارای حروف قوی و پر زاویه و حروف بزرگ آن به قاعده مضاعف^{۲۱} و قاعده بزرگ^{۲۲} معروف است . اما برای نوشتن اول جمله ها و حروف اول و عنوانهای فصلها و نقشهای حاشیه با دست جایی خالی توسط چاپ کننده باقی گذاشته شده ، گرچه در برخی نسخه ها بعضی از آنها با جوهر قرمز چاپ شده است .

تاکنون چهل و یک نسخه از تورات گوتنبرگ به دست آمده که دوازده نسخه از آنها بر روی پوست چاپ شده است . احتمال می رود چاپ مذکور تقریباً از صد نسخه تجاوز نکرده باشد ؛ به طوری که اگر تصادفاً چنین انجیلی در عصر حاضر برای فروش عرضه شود ، به علت کمیاب بودن آن ، قیمتش جداً گران خواهد بود . حتی وقتی که در یکی از مزایده های لندن در سال ۱۸۹۷ برای فروش عرضه شد ، برای آن چهار هزار لیره استرلینگ پرداخت شد . در سال ۱۹۲۷ یک آمریکایی ، نسخه ای از این تورات را به مبلغ صد و پنج هزار دلار از دیری اتریشی به نام ملک^{۲۳} خرید تا به دانشگاه ییل^{۲۴} بخش نیوهاون^{۲۵} هدیه کند .

تورات مشهور دیگری نیز وجود داشت که به **تورات شلهورن**^{۲۶} معروف است هر ستون این تورات سی و شش سطر دارد و منسوب به گوتنبرگ است . گرچه احتمال می رود در شهر بامبورگ با همان حروفی که گوتنبرگ به کار می برده چاپ شده باشد .

21- double canon.

22- gros canon.

23- Melk.

24- Yale.

25- New Haven.

26- Schellhorn.

کتاب مزامیر ماینس (۱۴۵۷ م)

در این شهر کتابی زیباتر از این تورات وجود دارد و آن کتاب مزامیری است که در سال ۱۴۵۷ توسط فوست و شفر چاپ شده و قبلاً از آن نام بردیم . از آن جا که این کتاب بر روی پوست چاپ شده نشان دهنده نقطه اوجی است که چاپ به آن رسیده بود و نیز چنین تصوّر می شود نخستین کتابی است که به زمان چاپ اشاره دارد . اطلاعاتی که چاپ کننده در پایان کتاب ثبت کرده از نظر تان می گذرد : « کتاب



شکل ۱ - نشان چاپخانه های
فوست و شفر .



شکل ۲ - نشان چاپخانه
پلاتنان



شکل ۳ - نشان چاپخانه آلدو
مانو متشی

مزامیر وسیله چاپ و سبک حروف ، بدون آن که در نوشتن آن قلم به کار رود پدید آمده و برای بزرگداشت نام خدا با عنایت و دقت ژان فوست از شهر ماینس با شرکت پتر شفر از شهر گیرنشایم و در سال ۱۴۵۷ شبی که مریم عذرا به آسمان صعود کرد (یعنی ۱۵ اوت) کار آن پایان یافت . «

از این نوشته چنین نتیجه می گیریم که تمامی این کتاب با ابزار چاپ در نهایت زیبایی حروف اولیه به رنگ قرمز یا قرمز و آبی چاپ شده است . ظاهراً حروف آن بر روی سنگ کنده کاری شده است نه چوب . تا آن جا که اطلاع داریم مزامیر ، نخستین نشانه های چاپ کنندگان را داشت و در آن نشان چاپخانه داران (شکل ۱) را که از شاخه ای آویزان است می بینیم . دیری نگذشت که این تقلید نزد چاپخانه داران عمومی شد و به پیروی از آن ، آنها مطبوعات خود را با امضا یا نشانی خاص و ممتاز یا با شکلی کوچک که دارای زینتهای بسیار بود مشخص می کردند (شکل ۲ و ۳) در آن زمان نزدیک بیست نسخه از مزامیر شهر ماینس وجود داشت ، هر چند زیباترین آنها نسخه ای است که

هم اکنون در کتابخانه ملی وین نگهداری می شود.

حروف نخستین کتابهای چاپی^{۲۷}

خلاصه آنچه ذکر کردیم این است که کتابهای چاپی اولیه با ویژگی تقلید از نسخه های خطی و مشابهت با آن ممتازند و دیری نگذشت که این تقلید شامل برخی تفصیل چاپی دیگر نیز شد از قبیل علایم اختصاری که در نسخه های خطی کاربردش معمول بود و چون عنوان نداشت ممتاز بود. مقصودمان از عنوان در این جا معنی کلمه یا معنای مقصود است. چون در اولین صفحه، متن با کلماتی مقدماتی مانند کلمه لاتین (این سپیت)^{۲۸} آغاز می شود یا با دو کلمه هیک این سپیت^{۲۹} (از این جا آغاز می شود) شروع می شد. تنها استثنای این قاعده در کتاب کوچکی به زبان آلمانی با عنوان «فریاد مسیحیت بر ضد ترکها» است که با حروف گوتنبرگ در سال ۱۴۵۴ چاپ شده است. از آن جز یک نسخه در کتابخانه دولتی مونیخ نسخه دیگری باقی نمانده است. اما استثنایی بودن آن، این است که عنوانش در بالای صفحه چاپ شده و این حالت را تقریباً از سال ۱۵۰۰ در کتابها می بینیم. این کتاب - در قالب تقویم - فریادی است به دولتهای مسیحی برای جنگ با ترکهایی که در سال قبل از آن بر قسطنطنیه دست یافته بودند و در تیراژی زیاد برای عامه مردم آماده انتشار بود. در این جهت وضعیش مانند کتابهای متعدد آلمانی دیگر است که به دوران اولیه چاپ باز می گردد.

پیدایش کننده کاری بر روی چوب

کهن ترین کتابهای مصور

پس از اندک مدتی الگو گرفتن از نسخه های خطی متروک شد. چاپخانه داران به جای این که پس از پایان چاپ برخی هنرمندان را مکلف به ترسیم اشکال کتاب با دست کنند، خودشان اشکال را به همراه متن چاپ کردند. این کار در کتابهای لوحی اولیه دوران ظهور چاپ انجام می شد و در آن اشکال چاپی از روی کننده کاری و چاپ آن

27- Incunables.

28- Incipit.

29- Hic Incipit.

همزمان بامتون نوشته شده بر روی الواح چوبی ظاهر می شد. این شکل‌های کنده کاری شده بر روی چوب بعداً به کتابهای چاپی با حروف متحرك انتقال یافت، به طوری که کلیشه های چوبی حاوی اشکالی کنده کاری شده بر آن جزئی مکمل برای ستون بود که همزمان با حروف چیده شده چاپ می شد. وقتی چاپ حروف چیده شده تمام می شد، کلیشه ها روی این قسمت‌ها قرار می گرفت، تا در مرتبه دوم چاپ شود. گرچه ثابت شده که این شکل‌های چاپی در ابتدای امر، صرفاً اشکالی خطی و اساسی است که نقاش در رنگ کردن این اشکال چاپی از آن استفاده می کند.

نقاشیهای آلبرشت فیستر کنده کاری شده بر روی چوب

آثار مورد اعتمادی وجود داشت که مؤکداً اعتبار آلبرشت فیستر از بامبورگ را که قبلاً نام بردیم بالامی برد. وی نخستین چاپ کننده ای بود که شکل‌های کنده کاری شده روی چوب را در چاپ کتابهایش به کار برد، احتمالاً وی کارش را با نقاشی شروع کرد و عکسهای قدیسان را در کتابهای دعا و اوراق بازی و امثال آن از مطبوعات لوحی دیگر، رنگ آمیزی می کرد. به این جهت در شکل‌های کنده کاری شده روی چوب مهارت داشت.

او در سال ۱۴۱۶ کتاب عامه پسند کوچکی چاپ کرد که پر از شکل‌های متعدد کنده شده بر روی چوب بود. این همان کتاب سنگ قیمتی^{۳۰} نوشته اولر یک بونر^{۳۱} است که مجموعه ای از داستانهای اخلاقی بود. بعلاوه این کتاب نخستین کتاب آلمانی چاپی است که تا امروز از آن جز یک نسخه در کتابخانه ملی شهر ولفن بوتل^{۳۲} باقی نمانده و دارای خطوطی قوی است که روی چوب کنده کاری شده و برای چاپ کاملاً مناسب است و جنبه تزئینی آن به حدی است که وصف ناشدنی است.

در عین حال فیستر و معاصرانش در کتابهای خود هیچ گونه تاثیرزینی را هدف قرار نداده بودند. از این رو آنها را صرفاً اشکالی می دانیم که هدفش توضیح متن برای خواننده عادی است که کتاب برایش آماده شده است.

کنده کاران دیگر آلمانی

کتابهای آلمانی و عامه پسند و دینی بسیاری که گوئتر تسایئر^{۳۳} یکی از چاپخانه داران اوگسبرگ^{۳۴} با این اشکال تزئین و منتشر کرد همین حالت را داشت و به سبب همین اشکال تزئینی از آنها استقبال زیادی می شد. در این که تسایئر نخستین کسی بود که استفاده از حروف اوگ و تزئینی شده روی چوب را در مقیاس وسیع رواج داد حرفی نیست. همچنین لازم است آنتون سورگ^{۳۵} را از فعالترین ناشرانی بدانیم که کتابهای مصور آلمانی را منتشر کرد. وی ضمن انتشاراتش کتابی را منتشر ساخت که شامل بیش از ۱۱۰۰ شعر برای دانشمندان بود. به طوری که نخستین مجموعه شعر چاپ شده به حساب می آمد. همچنین یوهان باملر^{۳۶} را نام می بریم که کتابهای عامیانه خود را غالباً عکسهایی بر روی چوب تزئین می کرد که بمنزله مقدمه کتاب بود. او را می توان یکی از نخستین پیشوایان استفاده از عکسها برای عنوان دانست.

ویژگیهای کهن ترین انواع کنده کاریهای روی چوب

در کتابهای گوناگون دوران نخست، می بینیم یک کنده کاری روی چوب برای توضیح چیزهای مختلفی به کار برده می شد. مثلاً می بینیم یک شکل غالباً برای نشان دادن گروهی از شخصیت‌های مختلف مورد استفاده واقع شده است. شاید این کار برای رعایت مسایل اقتصادی بوده و گاهی نیز برای آن بوده که هنرمند توانا برای کندن شکل روی کلیشه چوب وقت زیادی باید صرف می کرد تا بتواند بر روی کلیشه ای از چوب بلوط یا گلابی صورتی را حکاکی کند، و چه بسا این امر به ضعف قوه تخیل شخص نقاش مربوط می شد.

علاوه بر این، شکلهایی که در کتابهای فیستر و دیگران، یعنی همان کتابهای دوره نخستین، برای مصور سازی چاپ شده اند، همه را از حیث ارزش هنری به رغم عیوبی که در آنها دیده می شود نمی توان تحقیر کرد و کوچک شمرد. چه بسا که آنها به علت طبیعت ابتدایی و ساده ای که دارند امروز نیز برای ما جالب باشند.

33- Gunther Zainer.

34- Augsburg.

35- Anton Sorg.

36- Johann Bammler.

از این رو - چنان که گفتیم - نمی توان پیوند آن را با عکسهای قدیسان که روی چوب کنده کاری شده و نیز پیوند آن را با اشکالی که در کتابهای لوحی دیده می شود انکار کرد . در عین حال این اشکال کنده کاری ، هسته اولیه هنرکنده کاری روی چوب را نشان می دهند ، هنری که پس از گذشت دهها سال به دست دو هنرمند به نام دورر^{۳۷} و هولباین^{۳۸} ترقی و پیشرفت شایانی کرده به طوری که در ایتالیا قلمروی جدید کسب کرد .

تورات کنده کاری شده کلونی (۱۴۸۰ م)

این تورات ، پیشرفت جدید کنده کاری روی چوب را از دوران قدیم تا ظهور دورر نشان می دهد . زیرا بدون شک مشهورترین کتاب تورات در میان کتب عدیده تورات ، همین متن مصور است که باگذشت زمان یاد آور مرحله ای خاص در تاریخ کتاب می باشد . اشکال آن را هنرمندی بزرگ نقاشی کرده که نام او و نیز نام حکاک اولیه ای که کلیشه های چوبی را بر حسب اشکال آن کنده کاری کرده است نمی دانیم . برعکس بسیاری از کتابهایی که نام بردیم این تورات ، عکسهایی کنده شده بر چوب را به ما نشان می دهد که تنها تعیین کننده نشانه های نقاشی نیستند . بلکه با خطوط محکمی که دارند توانسته اند نمایی مجسم به شخصیتها بدهند . چنین روشی در عکسهای کتب پیشین دیده نمی شود .

پیشرفت سریع در هنر کنده کاری اولیه

کتابهای بسیار دیگری وجود دارد که در سالهای آخر قرن پانزدهم تولید شده و نشانگر دوران طلایی کنده کاری روی چوب است . از آن جمله باید مخصوصاً در کتاب سفر به سرزمین مقدس^{۳۹} نام برد . این کتاب را یکی از کشیشهای شهر ماینس به نام یوهان برایدن باخ^{۴۰} در سال ۱۴۸۶ تألیف کرده است . در این کتاب ، نه تنها برای نخستین بار نام هنرمندی که شکلی را ترسیم کرده ، ذکر شده است ، بلکه برای اولین

37- Durer.

38- Holbein.

39- Voyage en Terre Sainte.

40- Johann Breyden bach.

مرتبه تصاویری از طبیعت در کتاب آمده اند . آن هنرمند ارهارد روویش^{۴۱} نامیده می شد . در تصاویر آن ممیزات فردی تعدادی از شهرها و مناظر گوناگون به چشم می خورد .

به اینها کتاب مشهوری به نام **تاریخ جهان**^{۴۲} را نیز اضافه می کنیم که هارتمان شدل^{۴۳} در سال ۱۴۹۳ آن را تالیف کرده و شامل دوهزار عکس چاپ شده از روی چوب است . این کتاب از گرانترین کتابهای مصوری است که تاکنون بر جای مانده است . نقاشیهای آن کار هنرمند دورر میکل ولگ موت^{۴۴} و پسر همسرش ویلهلم پلایدنورف^{۴۵} است و چاپ آن توسط آنتوان کوبرگر اهل نورمبرگ که قبلاً از او سخن گفتیم انجام شده است .

در این کتابها ، تصاویر کنده کاری شده روی چوب ، برای رنگ آمیزی آماده شده بود . نسخه هایی وجود دارد که رنگ آمیزی آن کامل شده است . اما باید یاد آور شد که این شیشه رنگ آمیزی تصاویر از زمان دورر در بین پدیده های مشابه نسخه های رنگی ، ناپیدا مانده بود ؛ به طوری که عکسهای چاپ شده ، تنها سیاه و سفید بود . اما قرن هیجدهم ، هنگام ظهور و آشکار شدن چاپ رنگی است .

نخستین چاپخانه در خارج آلمان جنوبی

اندک زمانی پس از سقوط ماینس ، دست اندرکاران صنعت چاپ ، در کشورهای مختلف دیگر نیز پیدا شدند .

چاپ در ایتالیا

طبیعتاً ایتالیا نخستین دولتی بود که بواسطه غنای ادبی خود ، چاپخانه داران را جذب کرد . از جمله آنان بخصوص از دو شاگرد شفر که کنراد سوین هایم^{۴۶} و آرنولد پانارتس^{۴۷} هستند ، نام می بریم . آن دو در سال ۱۴۶۴ در یکی از دیرهای شهر

41- Erhard Reuwich.

42- Weltchronik.

43- Hartmann Schedel.

44- Durer Michel Wohlgemuth.

45- Wilhelm Pleydenworff.

46- Conrard Sweynheim.

47- Arnold Pannartz.

سوبیاکو^{۴۸} نزدیک رُم ، چاپخانه ای تأسیس کردند و در دو سال پس از آن دعوتنامه ای برای رفتن به رُم دریافت کردند . در آن جا کتابهای زیادی را طی هفت سال منتشر ساختند که بنا به روایت خودشان شامل سی و شش کتاب در ۱۲۴۷۵ نسخه بود . اساس این مجموعه دربردارنده متون لاتینی قدیمی بود .

حروف چاپ رومی

شاگردان شفر حروف چاپی جدیدی را به کار بردند که همان حروف رومی است . این حروف برعکس خط گوتیک ، مانند حروف ریخته شده ای بود که در کتابهای انسان گرایان به کار رفته و از حروف کوچک کارولنژی که قبلاً دیدیم اقتباس شده بود . این همان حروفی است که احتمال می رود از خط تندنویسی رومی ، گرفته شده باشد . بنابراین حروف چاپی رومی ، خطی لاتینی است که در بسیاری از جهات مارا به یاد شکلهای رومی قدیم می اندازد . از آن جا که این حروف دایره ای شکل وبدون زاویه وخطوطی مستقیم اند کننده کاری آنها بر روی قالبها آسان است ؛ بعلاوه خواندن آن از خط گوتیک ساده تر است . سبک قدیم آن خیلی واضحتر وزیباتر ، بلکه معتدل تر نیز ساخته شده است ، اما مانند حروف گوتیک ، آن پُری و حیات و ارزشی را که با استحکام در کننده کاری بر روی چوب کاملاً منسجم می شود ، ندارد .

چاپخانه داران آلمان در ونیز

به دنبال سوانهایم و پانارتنس گروه زیادی از آلمان به ایتالیا مهاجرت کردند وبرخی از آنان در رم ساکن شدند . از جمله آنان اولریش هان^{۴۹} است که در سال ۱۴۷۶ نخستین کتاب را که شامل عکسهای کنده کاری شده ووی چوب بود در ایتالیا چاپ کرد . همزمان دیگران نیز در دیگر شهرهای بزرگ ایتالیا مستقر شدند . اما شهر تجارتی بزرگ ونیز بیش از جاهای دیگرآماده فعالیت در زمینه چاپ بود . از این رو ، از سال ۱۴۹۶ گروه زیادی از چاپخانه داران ، فعالیت خود را در آن جا آغاز کردند که بسیاری از آنان مشهورند از قبیل برادران یوهان و وندلن دو اسپیر^{۵۰} که نخستین

48- Subiaco

49- Ulrich Han.

50- Johann & Wendelin de Spire.

کتاب را به زبان ایتالیایی چاپ کردند و همان کتاب اشعار پترارک سوفوتا بود . سپس نیکولا جانسون^{۵۱} ، دانشمند فرانسوی که قالب چکهای کارمندان را در دربار شارل هفتم کنده کاری می کرد ، کار آنان را دنبال کرد . بنابراینچه می گویند ، او در سال ۱۴۵۸ به شهر ماینس رفت تا هنر جدیدی بیاموزد . جانسون نوعی حروف رومی اختراع کرد که تا زمان ما باقی مانده و بسیاری آن را الگو قرار داده اند و از آن تقلید می کنند . بعداً یک آلمانی به نام ارهارد راتدولت^{۵۲} ، اهل اوگسبرگ در کتابهایی که در سال ۱۴۷۰



شکل ۴ - حروف بزرگ اول راتدولت .

منتشر کرد هنر ونیزی خاص را در کنده کاری روی چوب ، به کار برد ، این هنر بعدها به شکل گسترده و وسیعی متحول شد .

تزیین ، راتدولت و تأثیر وی در آراستن حروف

بدون شک حروف بزرگ اول (شکل ۴) وقابهای کنده کاری شده روی چوب که راتدولت ساخته ، نخستین نوعی است که نشانه ای از دوران رنسانس دارد ، زیرا در آن زینتهای قدیمی معروف را از طریق نسخه های خطی دوران رنسانس می بینیم ؛ گرچه مشابه سازی آن بدون تقلید حرفی انجام شده است . این زینتها با پوششی هنری وبا شکوه از سیاهی و سفیدی تشکیل یافته که از کنده کاری روی چوب به دست آمده است و این پوشش همان جلوه ای را دارد که در گذشته رنگهای درخشان در نسخه های خطی بدان ممتاز بود .

حتی پس از این که راتدولت در سال ۱۴۸۶ ایتالیا را ترک کرد ، تأثیرش در آن جا استمرار داشته است ؛ زیرا در سالهای بعد صفحات اول کتاب همچنان به سبک کتابهای

51- Nicolas Jenson.

52- Erhard Ratdolt.

راندولت تزین می شد ، سبکی شامل رشته های پهن به سبک دوران رنسانس و زینتهای متعدد از قبیل ستونها و گلدانها و برگها و شاخه های درختان انگور و برگ غار و حیوانات عجیب و افسانه ای و سر انسان و ماسکها و غیره که در تمامی این زمینه ها به تخیلی ژرف و پربار ممتاز بود .

حروف اول شگفت انگیزی را که با رشته هایی چهار گوش زینت یافته بود به آن باید اضافه کرد . به رغم غنای بسیار این زینتها ، می بینیم که مطلقاً ظاهر عمومی متن را فرا نگرفته بلکه - بر عکس - در تمامی متن منسجم است .

همچنین هنر نخستین آلمانیهای متخصص ، کنده کاری روی چوب بود . این هنر در ایتالیای انسانگرا ، بویژه در ونیز با ادراک زیبایی دوران رنسانس ، اتحادی ثمربخش داشت ، تاجایی که در مدتی بسیار کوتاه ، هنر کتاب آرایی ارزشی را به دست آورد که پیش از این در زمینه چاپ ، به آن دست نیافته بود . به رغم تجربه های قرون بعد بلکه به رغم اصلاحات مهمی که در ابزار مورد استفاده امروزی صورت گرفته است ، ما از تهیه کتابهایی که با کتابهای چاپ شده حدود سال ۱۵۰۰ درونیز برابری کند ، عاجزیم .

تصویر سازی رنگی

اهمیت کتابهای راندولت فقط به تزین و آرایش کتاب است . هنر تصویر سازی پس از اندک زمانی در کتابهای چاپی ایتالیا ، آخرین درجه کمال را پیمود . راندولت شخصاً تعدادی کتاب مصور را چاپ کرد . بعلاوه وی نخستین کسی است که مشکلات چاپ رنگهای متعدد را رفع کرده است ؛ مشروط بر این که حروف اول دو رنگ در کتاب مزامیر ماینس و برخی عکسهای آن را که با چهار رنگ و با کلیشه های جدید برای هر رنگ چاپ شده است ، مستثنا کنیم .

از مشهورترین کتابهای مصور اولیه دوران رنسانس ایتالیا ترجمه توراتی است که نیکولودی مالرمی^{۵۳} چاپ کرد و در سال ۱۴۹۰ منتشر شد . بدون شک عکسهای کوچک و متعدد آن که با دقت زیاد بر روی چوب کنده کاری شده ، متأثر از عکسهای تورات کولونی است . حقیقت آن است که کتاب نیکولو به اضافه کتابهای راندولت فتح بابی

53- Niccolo de Malermis.

برای دوران گسترده کتاب ایتالیایی (دوران خاندان آلدو) به حساب می آید .

چاپ در سرزمینهای سفلی و انگلستان

اما در خارج آلمان و ایتالیا صنعت چاپ طی سالهای بعد از ۱۴۷۰ ، رواج یافت .

یوترکت^{۵۴}

نخستین کتابهای سرزمینهای سفلی در شهر یوترکت چاپ شده ؛ گرچه در آن زمان تاریخ و نام چاپ کننده بر روی کتاب ثبت نمی شد . حروف چاپی رایج در آن جا ، مانند آلمان ، حروف گوتیک است . بعلاوه ، هنر هلندی مختص به تصویر سازی بر اساس کنده کاری روی چوب که پیشرفتش در این سرزمین ، به خاطر تسریع در تولید کتاب بود ، رونق و درخششی کوتاه مدت داشت . از مشهورترین مطبوعات این شهر ، کتابی مصور به نام شوالیه آزاد^{۵۵} است . این کتاب که به زیبایی مشهور بود در سال ۱۴۸۶ در شهر گودا^{۵۶} توسط گوتفرید وان اس^{۵۷} چاپ شد . او همان کسی است که شخصاً کتابهای دیگری را بعدها در شهر کوپنهاگ زیر نام گوتفرید وان گمن^{۵۸} چاپ کرد .

آنورس^{۵۹}

در سال ۱۴۸۰ صنعت چاپ به آنورس راه یافت . این ناحیه ، پس از اندک زمانی مرکز اصلی فرهنگی برای سرزمینهای سفلی شد و این امر کمک کرد تا جایگاهی بلند در زمینه تولید کتاب بیابد . از قدیمی ترین چاپخانه داران این شهر ژرارلی^{۶۰} نخستین کسی است که کتابهای انگلیسی را چاپ کرد و صدور آن به انگلستان ، کمک به پیدایش صنعتی بود که بعدها در آن جا رونق گرفت .

54- Utrecht.

55- le Chevalier Delibéré.

56- Gouda.

57- Gotfried van Os.

58- Gotfried van Ghemen.

59- Anvers.

60- Gerard lee.

بروز^{۶۱}

با وجود این اولین کتاب انگلیسی در آنورس چاپ نشد ، بلکه دربروز به چاپ رسید ، جایی که ویلیام کاکستون^{۶۲} تاجر پارچه انگلیسی در این شهر به اتفاق زینت کاری فرانسوی به نام کولارمانسیون^{۶۳} چاپخانه ای تأسیس کرد که در سال ۱۴۷۴ کتابی به نام ، مجموعه تاریخ شهر تروا^{۶۴} را چاپ کرد .

وست مینستر^{۶۵}

کاکستون پس از چندین سال به انگلستان بازگشت و نخستین چاپخانه را در سال ۱۴۷۷ در وست مینستر تأسیس کرد ، وی یک سری از کتابهای بزرگ را منتشر کرد که از آن جمله کتاب *داستانهای کانتربری*^{۶۶} ، اثر چوسر^{۶۷} است ، وی در چاپ متون دقت لازم را به عمل می آورد ، گرچه به تزئین کتابها چندان توجهی نداشت . کار او در این جهت مانند تمامی چاپخانه داران پیشین است و در زمینه هنر تزئین ، کاری که قابل ذکر باشد انجام نداده است .

چاپخانه در فرانسه

قدیمی ترین کتابی که در فرانسه چاپ شد مربوط به سال ۱۴۷۰ است . این کتاب کار سه نفر آلمانی ، میکِل فرایبورگر^{۶۸} اولریک گرینگ^{۶۹} و مارتین کرانتس^{۷۰} بود . این سه تن را دو نفر از اساتید سوربن گیوم فیشه^{۷۱} و ژان دولاپیر^{۷۲} به پاریس فرا خواندند . کتابی که آنها چاپ کردند *مجموعه نامه های لاتین* بود که گاسپارن دو برگام^{۷۳} نوشته بود . سپس این چاپخانه داران نیز بین سالهای ۱۴۷۰ و ۱۴۷۳ بیست و دو کتاب چاپ کردند که همگی به زبان لاتین بودند .

61-Bruges. 62- William Caxton.

64- Rocueil des Histoires de Troyes.

67- Chaucer. 68- Michel Friburger.

71- Guillaume Fichet.

73- Gasparin de Bergame.

63- Colard Mansion.

65- Westminster

69- Ulrich Gering.

72- Jean de la Pierre.

66- Canterbury.

70- Martin Krantz.

چاپخانه داران پاریس و لیون

اولین کتاب به زبان فرانسه در سال ۱۴۷۶ توسط پاسکی دوبونوم^{۷۴} چاپ شد. این کتاب در سه جلد و شامل کتابهای تاریخ مشهور فرانسه یا تاریخ کلیسای سنت دنیس^{۷۵} بود. البته کتاب دیگری به زبان فرانسه در شهر کلن در سال ۱۴۶۶ چاپ شد که کتاب مجموعه تاریخ شهر تروا از راثول لوفور بود.^{۷۶}

پس از اندک زمانی صنعت چاپ توسط لویی یازدهم تحوّلکی سریع یافت به گونه ای که طیّ سی سال بعد، حدود هفتاد چاپخانه تنها در پاریس تأسیس شد.

در سال ۱۴۷۳ صنعت چاپ به شهر لیون راه یافت که تا پایان قرن شانزدهم، مهمترین شهر تجارتي اروپا بود و نیز جایگاهی مهم و مرکزی برای زندگی فرهنگی محسوب می شد. این شهر تا پایان قرن پانزدهم مرکز تولید کتاب بود. همان گونه که می بینیم نام لاتینی آن به عنوان مرکز چاپ، بر بسیاری از کتابهای این دوره نوشته شده است، می توان از بین چاپخانه داران لیون مارتین هوس^{۷۷} را که در سال ۱۴۷۸، نخستین کتاب فرانسوی مصوّر را به نام آیین نجات بشری^{۷۸} منتشر کرد نام برد، و اتین دوله^{۷۹} نیز از جمله آنان است که دانشمندی برجسته بود و در سال ۱۵۴۶ به خاطر جرات در اظهار عقایدش زنده زنده سوخته شد.

کنده کاری روی چوب در فرانسه

نخستین کتابی که در پاریس چاپ شد و با اشکال کنده کاری شده روی چوب تزئین یافته بود به ژان دوپره^{۸۰} چاپخانه دار بزرگ و هنرمند خوب، منسوب است. وی در سال ۱۴۸۱ کتاب ادعیه را برای کلیسای پاریس چاپ کرد که آراسته به دو تصویر بود. همان گونه که هفت سال پس از آن، کتابی دینی از کتابهای ساعتهای واجبات را منتشر ساخت که دارای نقاشیهای جالبی بود. همچنین لازم است به کتاب شهر خدایی^{۸۱} از قدیس اوگوستین^{۸۲} اشاره کنیم که از جمله کتابهای همین ژان دوپره است. به نظر می رسد که

74- Pasquie de Bonhomme.

75- Saint-Denis.

76- Raoul le Fevre.

77- Martin Husz.

78- Miroir de Rédemption.

79- Etienne Dolet.

80- Jean du Pré.

81- Cité de Dieu.

82- Saint Augustin.

عظمت تخیل در نقاشی و دقت در تهیه اشکال این کتاب، جایگاهی درخشنده در چاپ فرانسوی دوران اول به دست آورده است. و نیز ژان دوپره کسی است که حروف اول بزرگ کنده کاری شده روی چوب را در کتابهای فرانسوی در سال ۱۴۸۶ وارد ساخت. بعلاوه، لازم است از میان چاپخانه داران فرانسوی دیگر که کتابهای ارزشمند ترین یافته باعکسهای کنده کاری شده روی چوب چاپ کرده اند، پیر لوکارون^{۸۳} را نام ببریم. وی در سال ۱۴۹۸ کتاب *خیابانها و کلیساهای پاریس*^{۸۴} را چاپ کرد. این کتاب نوع ابتدایی راهنمای مسافرت است که هم اکنون می شناسیم. همچنین از ژان بونوم^{۸۵} نام می بریم که در سال ۱۴۸۴ چند کتاب چاپ کرد که از بین آنها کتاب *تاریخ ویرانی تروای بزرگ*^{۸۶} اثر ج. میله^{۸۷} آراسته به شکلهای شگفت انگیز بسیاری است. بدون شک دانشمندان به تاریخ شهر تروا علاقمند بودند.

کتابهای ساعات واجبات

هنر تزئین فرانسوی در تاثیر و نشانی که بر کتابهای چاپی گذاشت موفقیت به دست آورد. این هنر جایگاه نخستین را در کتاب آرایی این عصر در زمینه ای خاص که عرصه کتابهای ساعات واجبات بود، کسب کرد. این کتابها چنان که در گذشته گفتیم، بیشترین کتابهای دینی از حیث انتشار بودند. کما این که در قرون وسطا از لحاظ زیبایی چاپ بازیتهای شگفت انگیز، بیشترین کتابهای چاپی کتابهای دینی بودند.

آنتوان ورار^{۸۸}

یکی از موفقترین ناشران فرانسوی که در این زمینه فعالیت داشت، نقاش نسخه های خطی قدیم آنتوان ورار است. وی هر چند خود به چاپ کتابهای اقدام نمی کرد اما تعداد معینی از چاپخانه داران دیگر را استخدام می کرد و بدین ترتیب فعالیتش مدت سی سال ادامه یافت و به صورت تجارت بزرگی در تاریخ داستانهای اسب سواری و کتابهای دینی خود نمایی کرد. تقریباً تمامی این کتابها به زبان فرانسه بود به

83- Pierre le Caron.

84- les Rues et Eglises.

85- Jean Bonhomme.

86- Histoire de destruction de Troyes la Grande.

87- J. Millet.

88- Antoine Verard.

طوری که تجارت کتابهای دستنویس دینی در این دوره از رونق افتاد و کتابهای چاپی ، خیلی سریع گوی سبقت را از کتابهای خطی ربود .
از این رو ، ورار موفق به تاسیس مؤسسه بزرگی شد و کتابهای دینی بسیار ارزنده چاپی و تزئین شده را خریداری کرد . بدون شک آنها برایش سود فراوانی به همراه داشتند . غیر از این مؤسسه که برپل نتردام^{۸۹} بنا شده بود ، او شعبه دیگری از این مؤسسه نزدیک قصر عدالت در پاریس تاسیس کرد . این مؤسسه دوستانه بسیاری داشت .
پادشاه شارل هشتم که ورار برایش چند نسخه ارزشمند بویژه از کتابهای ساعتی اجبات را چاپ کرد از جمله این افراد بود . ورار از سال ۱۴۸۵ اقدام به چاپ این گونه کتابها کرد و سالهای بعد دوسری کتابهای ساعات کوچک^{۹۰} و کتابهای ساعات بزرگ^{۹۱} یا ساعات سلطنتی^{۹۲} را به چاپ رسانید . از مقایسه این چاپها - تا جایی که ممکن است - با نسخه های خطی معاصر که الگوی چاپ بوده است ، در می یابیم که نسخه های ارزشمند غالباً با اشکالی زینتی کنده کاری شده بر روی چوب ، چاپ شده و با دست نقاشی و با رنگهای درخشان تذهیب شده اند و نیز زینتهای بیش از حد آن بر متن غلبه داشته است .

پاریس ، بزرگترین مرکز تولید این نوع کتابها بود و شدیداً به تصویرسازی آن توجه می شد . از این رو این کتابها نه تنها به نواحی داخلی ، بلکه ، به خارج نیز صادر می شدند . برتری این نوع چاپخانه های پاریسی بر دیگر چاپخانه ها در این نوع مطبوعات ، تقریباً تا اواسط قرن شانزدهم به درازا کشید .

از میان دیگر کتابهای مصور ورار که از لحاظ هنری امتیاز زیادی دارد لازم است به چاپ کتابهای شوالیه آزاد در سال ۱۴۸۸ ، *اسطوره طلایی*^{۹۳} اثر ژاک دوفوراگین^{۹۴} در سال ۱۴۹۶ و تاریخ شوالیه ترستان در سال ۱۴۹۹ و *هزلیات ترانس*^{۹۵} در سال ۱۵۰۰ اشاره کنیم . خلاصه آن که ورار ، باذوق هنری و اراده ای قوی که داشت کارهایش نخستین جایگاه را بین ناشران فرانسه در عهد اول چاپ به دست آورد .

89- Notre-Dame.

90- Petites Heures.

91- Grandes Heures. 92- Heures Royales.

93- Légende Dorée.

94- Jacques de Foragine.

95- TERENCE.

دیگر چاپ کنندگان کتابهای ساعات واجبات

ورار تنها مطبعه چى فرانسوى که به چاپ کتابهای ساعت‌های واجبات پرداخت ، نبود ، معاصر وی ، ژان دو پره هم که قبلاً از او یاد شد ، تعدادی از کتابهای ساعات واجبات را با اشکالی که از کنده کارى روی چوب گرفته شده بود ، چاپ کرد . این کتابها بر کلیشه‌هایی از مس کنده کارى شده برجسته بانشرانی بسیار دقیق وزیا چاپ شده بود . احتمال می رود که وی می توانست با استفاده از قالب سنگی ، تصویری را مطابق اصل با زینتها و کادرهای آن چاپ کند ، همچنان که توانست نوعی از چاپ رنگی را در کتاب *ساعات واجبات* برای کاربرد ساعات رومی با عنوان *کتاب ساعات رومی*^{۹۶} در سال ۱۴۹۰ عرضه کند .

در آن زمان چاپخانه دار دیگری به نام فیلیپ پیگوشه^{۹۷} کتابهای ساعات واجبات را چاپ می کرد . او فقط برای ناشر مشهور سیمون فوستر^{۹۸} کار می کرد که در ذوق هنری و فعالیت تجاری دست کمی از ورار نداشت . در میان کتابهای ساعات واجباتی که فوستر منتشر ساخت ، نمونه‌هایی از زیباترین چاپهایی که در فرانسه منتشر شد ، دیده می شود . گرچه این مانع چاپ کتابهای دیگر او نمی شد کتابهایی که متأثر از ذوق آلمانی و سایه آن سنگین تر بود . فوستر در دو سال اول قرن شانزدهم انواع خاصی از کنده کارى روی سنگ ابداع کرد . وی صفحه‌ای را که نقاشی می کرد ، نقطه‌های سفیدی روی آن دیده می شد که آن را زیباتر می ساخت . اما تزئین کتابهای فرانسوی ساعات واجبات تقریباً تا حد کاملی کیفیت گوتیک داشت ، گرچه از لحاظ شکل ودایره زیباتر از کار آلمان بود . بندرت می توان تأثیرات سبک ایتالیایی در دوره رنسانس را در این کتابها دید . همچنان که یکی از کتابهای ساعات واجبات که پیگوشه برای سیمون فوستر ناشر به نام *ساعات کوچک در کاربرد و ردان*^{۹۹} (۱۴۸۸) چاپ کرده بود اشکالش جزئی از سادگی وزیبایی آثار عصر رنسانس را نشان می داد . چون بیشتر کتابهای ساعات واجبات که در آغاز قرن شانزدهم چاپ شده اند نشان گوتیک را به همراه دارند ، به طور طبیعی کتابهایی که دو چاپخانه دار آلمانی تیلمان کرور^{۱۰۰} و پسرش پس از هجرت به

96- Livre d'heures a L'usage de Rome.

97- Philippe Pigouchet.

98- Simon Vostre.

99- Petites heures á l'usage de verdun.

100- Thielmann Kerver.

پاریس انتشار دادند همین حالت را داشتند .

همچنین از میان ناشران مشهوری که ساکن پاریس بودند ، ناشری به نام گویو مارشان^{۱۰۱} کتاب موعظه ای با عنوان *رقص مردگان*^{۱۰۲} منتشر کرد و این اولین کتابی بود که در نوع خود در فرانسه منتشر می شد . این کتاب در میان اقوام کوچک و طبقه متوسط ، موفقیت زیادی کسب کرد . پیر لوروز^{۱۰۳} نقاش و حکاک کتابهای مارشال ناشر و ناشران دیگر مانند ورار و ژان دوپره بود . لوروز کارگاهی برای کنده کاری اشکال^{۱۰۴} به چاپخانه خود اضافه کرد که یک سری از اشکال کنده کاری شده را در سطحی هنری و عالی چاپ می کرد .

بزرگترین کتابش ، کتاب *دریای تاریخ*^{۱۰۵} در قطع نصف بود که در سال ۱۴۸۸ چاپ شد و گواهی بر مهارت کامل او در تزئین و استعداد شگفت او در تصویر سازی تمام این موضوعات بود .

آلمان شمالی و سرزمینهای اسکاندیناوی

صنعت چاپ در آلمان شمالی نیز تقریباً همزمان با سرزمینهای سفلی و فرانسه آغاز شد و آن زمانی بود که شمار بسیاری از چاپخانه داران قدرتمند روی کار آمدند و فعالیت این صنعت در شهر لوبک متمرکز شد . نخستین چاپخانه دار معروفی که در این شهر ساکن شد لوکاس براندیس^{۱۰۶} نام داشت . از جمله مطبوعات وی کتابی بود ارزشمند در تاریخ عمومی به نام *خلاصه اخبار*^{۱۰۷} این کتاب به اشکالی آراسته بود که روی چوب کنده کاری شده بود .

همچنین در لوبک چاپخانه دار دیگری به نام یوهان اسنل^{۱۰۸} می زیسته که گاهی اوقات در سال ۱۴۸۲ برای چاپ کتاب *دعاها* اثر اسقف اودانسه^{۱۰۹} به دانمارک دعوت می شد . او صنعت چاپ را نیز وارد این کشورها کرد و در سالهای بعد آن راه شهرهای

101- Guyot Marchant.

102- Dance of Death.

103- Pierre Le Rouge.

104- Tailleurs d'ymaiges.

105- La Mer des Histoires.

106- Lucas Brandis.

107- Rudimentum Novitiorum.

108- Johann Snell.

109- Odensée.

سوئد برد . اندك زمانی بعد چاپخانه دار دیگری از لوپک به نام بارتولوموس گوتان^{۱۱۰} روی کار آمد . اما بزرگترین چاپخانه ای که نه تنها در لوپک بلکه در تمامی آلمان شمالی بی نظیر بود متعلق به چاپخانه داری به نام استفان آرنس^{۱۱۱} بود که ابتدا کارش را در ماینس شروع کرد ، سپس در شهر پروز^{۱۱۲} ایتالیا به این کار اشتغال داشت . اودراین صنعت جدآ مهارت یافته بود . از مهمترین کتابهایش تورات مصور بزرگی است که به زبان ساکسون جدید در سال ۱۴۹۴ چاپ شده است .

اوضاع اقتصادی ابتدای چاپ

شرح برخی نمونه ها از زندگی دوره گردی را که بناچار بسیاری از چاپخانه داران اولیه داشتند به پایان بردیم و علتش این بود که برخی از کلیساهای اختصاصی و مؤسسات کلیسایی نمی توانستند چاپخانه ای اختصاصی داشته باشند و ناچار بودند یکی از چاپخانه داران را برای مدت محدودی جهت چاپ کتابهای دینی خود فرا خوانند که برای مثال سنل و آرنس از آن جمله بودند .

بزودی در نتیجه این سفرهای بسیار ، رقابتی بزرگ در مرحله اول بین چاپخانه داران و نقاشان نسخه های خطی و پس از اندك زمانی بین خود چاپخانه داران به وجود آمد .

رقابت نسخه های خطی با کتابهای چاپی

دیری نگذشت که رقابت شدیدی بین دلانان نسخ خطی و مطبعه چی ها در گرفت . نسخه برداران ، نقاشان و صحافان حاضر نبودند براحتی تسلیم شوند و با کمک دانشگاهها توانستند تا حدی از موقعیت رقیبان جدیدشان بکاهند . اما سرانجام کوشش آنان در برابر چاپخانه داران رو به سستی نهاد . به عنوان مثال در دوران اولیه نسخه های خطی درپاریس ، همین حال را دیدیم و به رغم این زمان ، نسخه های خطی به همان برتری کاملش نگهداری می شد ، و همیشه دارای ارزش و اعتبار بود ، چنان که

110- Bartholomaeus Ghotan.

111- Stephan Arndes.

112- Perouse.

در دوران باستان در مورد طومارهای پاپیروس ، وقتی کتابهای پوستی اولیه با آن رقابت می کرد ، همین حالت وجود داشت . یامانند دورانهای جدید که کتابهای چاپی به طریقه حروفچینی بادهست ، دربرابر کتابهایی که با ماشین حروف چینی می شوند همین رقابت وجود دارد . مسلماً کتاب چاپی که از آن نسخه های متعددی تهیه می شد از کتاب خطی که جز یک نسخه از آن موجود نبود ، مآلوفتر بود گرچه ممکن بود نسخه های بسیاری از آن تولید شود . حقیقت این است که بسیاری از دوستان کتاب و مجموعه داران این دوران ، با کتاب چاپی دشمنی آشکاری داشتند تا حدی که هیچ گاه برای کتابخانه های اختصاصی خود کتاب چاپی انتخاب نمی کردند . چنان که شاهزاده فردریک دورین^{۱۱۳} که درباره اش قبلاً سخن گفتیم چنین کرد . کوششهای قدیمی ترین چاپخانه داران برای مشابهت کتابهایشان با نسخه های خطی ، از چیزهایی است که درجه ارزش بسیار این کتابهای خطی را تفسیر می کند . با همه اینها گفتنی است که حدود پایان قرن پانزدهم و آغاز قرن شانزدهم هنر نقاشی روبه زوال گذاشت ، گرچه در حقیقت تعداد قابل ملاحظه ای از متخصصین نقاشی هنوز وجود داشتند . اما نقاشی از جنبه هنری آن سطحی را که در روزگار ژان فوکه وجانشینانش داشت حفظ نکرد و جزازپاره ای اشکال که از شگفتیهای عصر طلایی بخوبی منتقل شده بود تجاوز نمی کرد .

به هر حال کتاب چاپی ، در اندک زمانی جای پایش رامحکم کرد ؛ به طوری که بسیاری از خطاطان و نقاشان پیشین را به چاپخانه داران ناشر یا حکاکان روی چوب مبدل کرد . کتاب چاپی کم کم جایش را در کتابخانه ها باز کرد ، ولی در حقیقت دربرخی مجموعه ها ، نسخه های خطی در درجه اول اهمیت قرار داشت : مانند مجموعه گروین^{۱۱۴} در کشور مجارستان و این امر مانع از وجود کتابهای چاپی بسیاری در کنار آن نمی شد .

کلیسا چنان که دیدیم ، چاپخانه داران را برای خدمت دعوت می کرد و دیری نگذشت که حتی کلیساها هم دارای چاپخانه شدند و چاپخانه جای اطاق نسخه برداری را گرفت . همچنین علمای انسانگرای ایتالیایی ، به رغم اهمیتی که به نسخه های خطی می دادند بزودی فایده صنعت چاپ جدید و مزایای بی شمار آن را درک کردند .

113- Frederic d'Urbain.

114- Corvin.

رقابت بین چاپخانه داران

طبیعی است که تحول سریع چاپ ، رقابتی فزاینده در پی داشت ، زیرا ارزانی قیمت ، عاملی بود که به گسترش بازار کتاب ، کمک می کرد ، ظهور نوشته های عامیانه فراوان که حاصل دوران اولیه چاپ بود چیزی نبود که صرفاً تصادفی باشد . از آن جمله کتابهای تاریخ و خرافات و کتابهای موعظه یا ماجراجویانه بود . کتابهای دیگری که چون به زبان ملی بودند و اشکال جالبی داشتند بین طبقات عامه یعنی همان کسانی که تا این زمان از دایره خریداران کتابها دور بودند منتشر و با استقبال مردم روبرو شدند .

با وجود این ، آنان گروهی اندک بودند و بطور کلی توانایی هضم این جریان سیل آسای کتاب را نداشتند . درست است که احتمالاً در ایتالیا اوضاع بهتر بود ، ولی در جاهای دیگر چاپخانه داران سود زیادی نمی بردند ، برخی از آنان غالباً برای دوره گردی ، از شهری به شهر دیگر با ابزارشان دعوت می شدند ، از جمله ابزاری که با خود حمل می کردند ابزار ریختن حروف بود تا آن جا که چاپخانه داران اول ناچار بودند حروفشان را خود بریزند و به کار برند . در صورتی که در هنگام نیاز ، از خرید حروف همکارشان که ورشکست شده یا مرده بود ، عاجز بودند ، معروف است که تا سال ۱۵۰۰ شمار کتابهای چاپی به سه هزار رسید که یک سوم آن تنها در آلمان چاپ شده بود . با این که شمار نسخه های چاپ شده از هر کتاب ، غالباً از صد تا هزار نسخه بیشتر نبود ، نهایتاً خود را در برابر تولید انبوهی کتاب می بینیم .

کتابفروشان دوره گرد

دردورانهای اولیه غالباً چاپخانه دار همزمان کتابفروش هم بود و شخصاً به فروش کتابهایی که چاپ کرده بود اقدام می کرد . پس از اندک زمانی کتابفروشان مهاجر پیدا شدند . اینها نمایندگانی بودند که برای فروش کتابهایی که از چاپخانه داران خریده بودند از شهری به شهر دیگر می رفتند .

نشریه هایی از سال ۱۴۶۹ به دست ما رسیده که این فروشندگان دوره گرد ، برای اعلان ورودشان به شهر آنها را توزیع می کرده اند . بعلاوه کتبی که بر روی عرابه هایشان حمل می کردند نهایتاً موجب می شد که مردم به مسافرخانه ها یا محل اقامت آنها

رفت و آمد و با آنها ملاقات کنند .

ناشران بزرگ

از این چاپخانه داران جز چند نفری که سرمایه زیادی داشتند و می توانستند با هزینه شخصی مغازه هایی در شهرهای تجارتي بزرگ افتتاح کنند از قبیل شفر در پاریس ، بقیه سودی کافی نمی بردند ؛ چون بازار ادبیات لاتین منحصر به حدود یک شهر نبود . فرانکفورت ، کلن و استراسبورگ نیز مبدل به مراکز فعال تجارت کتاب شد . از جمله کسانی که در شهر استراسبورگ با جدیت به این کار اشتغال داشت ، یوهان منتلین^{۱۱۵} بود که نخستین تورات آلمانی را چاپ کرد و دخترش را به ازدواج ادولف راش^{۱۱۶} که کتابهای دیگری چاپ کرده بود درآورد . راش علاوه بر کتابهایی که در چاپخانه خودش چاپ می کرد از چاپخانه داران دیگر نیز می خواست که کتاب برایش چاپ کنند . در برابر کاغذهای چاپ شده ای که به او می دادند دو برابر کاغذ سفید مزد به آنان می داد . بزرگترین این چاپخانه داران آنتون کوبرگر بود که مؤسسه اش در نورمبرگ^{۱۱۷} عظیم ترین مؤسسات آلمانی در زمان خود بود ، تا حدی که شمار کتابهایی که خود منتشر ساخته بود ، نزدیک دویست و بیست کتاب بود که بسیاری از آنان متون قانونی و فقهی در اندازه یک دوّم را شامل می شدند . این چاپخانه شعبه هایی در فرانکفورت ، پاریس و لیون داشت و باتجّار کتاب در ایتالیا ، هلند ، بولند ، اتریش و مجارستان روابط تجارتي داشت . نمایندگان مهاجر و فعالش کتابهای او را نه تنها در آلمان بلکه در کشورهای مجاور نیز منتشر ساختند . اما در ایتالیا نیکلا جانسون که ساکن ونیز بود ، در حدود پایان قرن جایگاه نخستین را کسب کرد .

کارهای تجارتي

غالباً چاپخانه داران و حکاکان و سرمایه داران در تولید کتابهای بزرگ و پر حجم شرکت می کردند . گروه اوّل و دوّم کار ، گروه سوّم سرمایه را برای شرکت اختصاص می دادند . این کار را آنتون کوبرگر در سال ۱۹۴۲ انجام داد . او قراردادی با برخی از

115- Johann Mentelin. 116- Adolphe Rusch. 117- Noremberg.

چاپخانه داران و سرمایه داران به منظور انتشار کتاب **تاریخ جهان** تألیف شدل^{۱۱۸} به دو زبان آلمانی و لاتین منعقد کرد. قرار داد بدین شکل بود که کتاب در دو چاپ منتشر شود؛ یکی با اشکال رنگی کنده کاری شده روی چوب و دیگری با اشکال غیررنگی. بر طبق قرار داد تمام شرکت کنندگان در این کار و نیز مؤلف و مترجم از فروش آن سود می بردند برخی از دست اندرکاران امور چاپ در دوران نخستین از فرهنگ و دانش بسیاری برخوردار بودند. غالباً دانشمندان نیز مانند ناشرین و ویراستاران در خدمت چاپخانه های مهم بودند. تعدادی از این دانشمندان را در ادامه بحث خواهیم شناخت.

فروشگاههای کتاب

در دهه های آخر قرن پانزدهم در کنار کتابفروشان مهاجر، پیشرفت فروش کتابهای متنوعی که ناشران بزرگ به آن پرداخته بودند آغاز شد، زیرا آنان به این وسیله نه تنها می توانستند کتابهایی که خود منتشر ساخته اند بفروشند، بلکه می توانستند آنچه را دیگران نیز منتشر کرده اند به فروش برسانند، همچنین در کنار آنان محلهایی مستقل برای فروش کتابهای گوناگون ایجاد شد و تسهیلاتی هم برای تجارت آن فراهم گردید، بویژه در شهرهای تجارتی و دارای دانشگاههای بزرگ. ناشر همواره به کتابفروش تخفیفی می داد، هر چند بطور کلی از روابطی که بین آنان وجود داشت و از قیمتهای معمول در این دوره قدیمی اطلاعی به دست نیامده است.

تقلید

چنین تصور می شود که کثرت تعداد نسخه های تقلید شده که در دوران اولیه چاپ، بسیار منتشر شد احتمالاً از علل سقوط تدریجی کتاب بوده است. در این زمان هیچ راهی پیش روی چاپخانه داران یا ناشران برای حفظ حقوق مالکیشان نبود و بسیاری کتابها از زمان چاپشان تقلید می شد.

چه بسا پیشرفت سریع نشانه های چاپخانه داران که قبلاً متذکر شدیم به سبب تمایل آنان به اثبات مالکیت بر این کتابها بوده است. بحثی نیست که نخستین نشانه

مالکیت فرانسوی از آن چاپخانه دار پاریسی آنتوان کایو^{۱۱۹} است که کتابهای ساعات واجبات را که ژان دو پره منتشر کرده بود تقلید کرد. باهمه اینها این امر مانع پیدایش مقلدین نشانه های چاپخانه داران نمی شد. این می رساند که نشانه های مالکیت برای جانبداری از حقوق مالکیت ادبی، کافی نبود.

تحقیق در کهن ترین کتابهای چاپی^{۱۲۰}

بر قدیمی ترین کتابهای چاپی نام Incunables اطلاق می شود که از کلمه لاتین Cunabulum به معنای گهواره مشتق شده است، چون به آغاز نخستین دوره صنعت چاپ باز می گردد. و نیز مارا به لفظ «چاپ باستانی»^{۱۲۱} می رساند، وقتی بر تمامی مطبوعات اطلاق می شود، مراد از کلمه Incunable تنها کتابهایی است که تا سال ۱۵۰۰ چاپ شده اند. اما در دولتهای شمالی- که پیشرفت صنعت چاپ جز در ربع اخیر از قرن پانزدهم تکامل نیافت- دوره کتابهای Incunables به سال ۱۵۵۰ می رسد.

فهرستهای کتب چاپی قدیم در قرن هیجدهم و نوزدهم

در قرن هیجدهم، کوشش درباره معرفی نخستین کتابهای چاپی و کیفیت آن آغاز شد. گیور والفانگ پانت سر^{۱۲۲} بین سالهای ۱۷۹۳ و ۱۸۰۳ کتابی در این باره چاپ کرد که هنوز هم مرجعی بزرگ برای پژوهشگران به شمار می آید. در نیمه اول قرن نوزدهم، هنگامی که انحلال صومعه موجب شد که بسیاری از این کتابها به کتابخانه های عمومی ضمیمه شوند، لودویک هان^{۱۲۳} فهرست جدیدی برای این کتابها تهیه کرد که به رغم آسیبهایی که به آن رسیده بود پیوسته مرجعی اصلی به حساب می آمد. تحقیق درباره این نوع کتابها فقط در دوران اخیر صورت گرفت. هولتروپ^{۱۲۴} هلندی و رابرت پروکتور^{۱۲۵} انگلیسی و کنراد هاپلر^{۱۲۶} آلمانی از نخستین

119- Antoine Caillaut. 120- incunalles. 121- Paleotype. 122- Georg Walfgang Panzer.
123- Ludwig Hain. 124- Holtrop. 125- Robert Proctor.
126- Conrad Haebler.

کسانی به شمار می روند که در این زمینه کار کرده اند ، هاپلر با نوشتن کتابی به نام **فهرست حروف چاپخانه**^{۱۲۷} که در قدیمیترین کتابهای چاپی به کاررفته ، به تحقیق درباره چاپخانه های قدیم و معرفی آنها کمک کرده است .

روشهای شناخت کهن ترین کتابهای چاپی

بامقایسه حروف چاپی مختلف ، و برحسب اندازه ارتفاع و اشکال آن ، می توان محل تولید تعداد بسیاری از این کتابها را تعیین کرد . هرچند محل چاپ یا تاریخ نشر آن در کتاب ذکر نشده باشد . وقتی به تحقیق قدیمی ترین حروف چاپی در کتابها می پردازیم غالباً با اختلافات ناچیزی روبرو می شویم . به وسیله این روش نسخه های خطی مخصوص مدارس و نسخه برداران متعدد تمیز داده می شود ؛ اگرچه خودشان روش خط را به کار برده باشند . زیرا حروف چاپخانه ها دارای انحرافات کوچکی هستند که می توان بین برخی از آنها و برخی دیگر فرق گذاشت ، حتی اگر همه این حروف از نوع گوتیک یا رومی باشند ، و موکداً شناخت مطبوعات ، از این ناحیه مشکل خاصی را به وجود می آورد چون چاپ کننده آن می تواند ابزار و قالبهایی را از چاپ کننده دیگری به دست آورد و چنان که دیدیم ممکن نیست مثلاً آنچه با ابزار چاپخانه گوتنبرگ چاپ شده به وی نسبت دهیم و چنین احتیاطی در بسیاری از حالات امری ضروری است .

مطالعات جدید درباره کهن ترین مطبوعات ، به نوشته ای ارزشمند به نام **فهرست عمومی کهن ترین مطبوعات**^{۱۲۸} مربوط می شود که حکومت پروس بخشی از آن را تهیه کرده و در تولید آن انجمنی از دانشمندان به مدت بیست سال شرکت داشته اند . بخشهای اوّل این فهرست به دست آمده و این فهرست نهایی شامل تمامی قدیم ترین مطبوعات موجود در کتابخانه های عمومی است و اهمیت جایگاه آلمان را در این میدان علمی تثبیت می کند .

پیشرفت هنر جلدسازی

با گسترش صنعت چاپ ، - چنان که دیدیم - عصر جدیدی در تجارت کتاب آغاز شد و نیز مرحله ای جدید را در تاریخ جلدسازی مشخص کرد . زیرا جلد کردن کتاب تنها از این زمان به عنوان صنعتی که دارای قوانین خاصی است شناخته شد . در طی قرن اولی که چاپ اختراع شد ، چاپخانه داران در کنار کارهای چاپی خود به جلد کردن کتاب نیز می پرداختند ، بویژه در چاپخانه هایی که در آن کتابها به صورت جلد شده به فروش می رسید . اما بطور کلی برای جلدسازی ناچار به کارگرانی متخصص نیاز بود و معروف است که مؤسسه های راتدولت ، کاکستون ، کوبرگر ، ورار و دیگران جلدسازی را در چاپخانه ها یا در ساختمانی وابسته به چاپخانه استخدام کرده بودند .

جلدهای چاپی به وسیله لوحه های کنده کاری شده همچنان که صنعت چاپ به فراوانی کتاب و ارزانی آن کمک کرد ، روشهای جلدسازی نیز بنابر مقتضیات جدید شکل می گرفت ، زیرا مطبعه چی ها مجبور بودند به نوعی جلد که ارزاتر از جلد های چاپی قدیم و نیز ساده باشد اکتفا کنند چنان که می دانیم تهیه جلد های قدیم مستلزم وجود تعداد زیادی ابزار کوچکی بود که کاربرد آنها دشوار بود و وقت زیادی را می طلبید .

جلدسازی هلندی

در ثلث آخر قرن پانزدهم در هلند روشی برای جلدسازی آغاز شد که در آن تزئین تمام جلد بربیک لوحه فلزی حکاکی شده و به وسیله یک پرس پیچی دفعة واحده روی کتاب فشرده و چاپ می شد .

این تزئین ها ساده و بدون نقش و نگار بود ، و اشکال در لوحه فلزی که برای چاپ جلد به کار می رفت به صورت گود ، کنده کاری شده بود - چنان که همه ابزار کوچک در قدیم همین حالت را داشت - به طوری که بر سطح جلد ، تزئین به صورت برجسته

نمایان می شد .

اما اشکال این زینتهای جدید ، از عکسهای قدیسان و فرشتگان و پرندگان و خطوط درهم آراسته به گلها و شعارهای دانشمندان و مانند آن تشکیل یافته بود و هرگاه سطوح جلدها بزرگتر از آن بود که لوحه فشار دهنده بتواند آن را بپوشاند برای رفع این اشکال ، فشار لوحه مذکور دو ، یا چهار مرتبه تکرار می شد تا جاهای خالی که از این کار بین مربّعاتی مذکور باقی مانده بازینتهای فشرده پر شود .

طبیعی است که کار این نوع جلددهای برجسته ، سریعتر و ارزانتر از آنچه به روش ابزار کوچک انجام می شد صورت می گرفت ، لذا این روش بسرعت در هلند و شهرهای راین رواج یافت .

جلدسازی آلمانی

عجیب است که این روش جدید در بقیّه آلمان تا مدتی مدید عمومی نشد . در آن جا جلدسازان دورانی طولانی عادت داشتند که بخش وسط جلد را با لوزیهایی که بازینتهای کوچکی پر شده بود تزئین کنند و در بسیاری موارد درکناره هادراطراف این بخش مرکزی نقشی چاپ شده که شامل عبارتی پند آمیز دینی یا نام جلدساز است .

امثال این جلدها غالباً در کلیساها ساخته می شد و پاره ای از این جلددهای کلیسایی ضمن زینتهایش مهرهایی داشت که نام شعار کلیسایی که در آن جا ساخته شده بر آن چاپ شده بود و محل تولید آن را تعیین می کرد .

بعد از اختراع چاپ ، صحافی کتابها شغلی نبود که به راهبان یا جلدسازان وابسته به دانشگاهها منحصر شود ، چون از این زمان جلدسازی صنعتی فراگیر و همگانی شد .

از پایان قرن پانزدهم عده ای از جلدسازان آلمانی را از روی اشکالی که جزئی متمم برای تزئینات جلددهایشان بوده است می شناسیم ؛ از جمله : یوهان هاگمایر^{۱۲۹} از شهر اولم^{۱۳۰} که جلدساز شهر لوبک^{۱۳۱} بوده است و نیز هاینریش کوستر^{۱۳۲} که در جلددهایش عبارتی را آورده به این مفهوم : « این جلد ساخت هاینریش کوستر است » و نیز یوهان

129- Johann Hagmayr.

130- Ulm.

131- Lubeck.

132- Heinrich Coster.

فوگل^{۱۳۳} جلدساز شهر ارفورت^{۱۳۴} که از میان جلدهایش دونسخه از تورات چهل و دو سطری است .

جلدسازان انگلیسی و فرانسوی

جلدهایی که زیتهای برجسته داشت از طریق اعضای اتحادیه جلدسازان مهاجر از هلند به فرانسه و انگلستان راه یافت ، زیرا اکثرشان مانند چاپخانه داران ، به صورت دوره گرد کار می کردند . کتابهایی که در چاپخانه کاکستون جلد شده بود هنوز بانقشهای ریز تزئین شده بودند اما جانشینان کاکستون بویژه مطبعه چی های کمبریج در ساخت جلد تا حد زیادی از نقوش حاشیه دار حکاکی شده استفاده می کردند که از جنبه هنری هم پیشرفت زیادی کرده بود .

از میان جلدسازان فرانسوی در این عصر ، که اسامی آنان را از روی امضاهای نوشته شده بر جلدها می شناسیم ، آندره بول^{۱۳۵} ، صاحب کارگاهی بود که یک مجموعه ده جلدی را در نهایت محکمی جلدسازی کرد و نیز ادمون بایو^{۱۳۶} و ژان کومپن^{۱۳۷} و روبرت ماسه^{۱۳۸} و دیگران که بیشترشان در پاریس و لیون به کار مشغول بودند .

جلد سازی در ایتالیا - تأثیرات شرق

تحول جلدسازی در ایتالیا کاملاً متفاوت و دارای اهمیت بیشتری بود ، زیرا ایتالیا از راه و نیز شهرهای دیگر تجارتي ، پیوندی دایمی با شرق داشت و در پایان قرن پانزدهم که صنعت چاپ ، تحت تأثیر رنسانس پیشرفت زیادی کرد جلدسازان شرقی وارد ایتالیا شدند ، چنان که قبلاً تا حدی بیان کردیم .

جلدسازی در شرق اسلامی

جلدسازان شرقی نه تنها ویژگیهای فنی را به همکاران ایتالیایی خود منتقل کردند ،

133- Johann Fogel.

134- Erfurt.

135- André Baule.

136- Edmond Bayeux.

137- Jean Compains.

138- Robert Macé.

بلکه بالاتر از این ، بویژه اشکال زینتی جدید را به آنان آموختند .
در این جا منظورمان از شرق ، کشورهای اسلامی است . اما به عنوان مثال در چین و هند و کشورهای دیگر مانند آنها که با این دو کشور ارتباط داشتند ، هرگز جلدسازی وجود نداشته است ، زیرا کتابهای چینی - همانند امروز - فقط با جلد پوستی رنگین یا ابریشم جلد می شد و برگهای باریک درخت خرما که در هند از آن برای نوشتن استفاده می شد ، به صورت کتاب گردآوری شده و بین دولوحه چوبی تزئین شده جای می گرفت .

برعکس این ، در کشورهای اسلامی مانند اروپا جلدها از پوست ساخته می شد و ایرانیان بیش از دیگران مهارت خود را در جلدسازی و تزئیناتشان نشان داده بودند .

هنر خوشنویسی در ایران

ایرانیان در شرق گوی سبقت را در زمینه خوشنویسی از دیگران ربوده بودند . آنها در قرن چهاردهم در عهد تیمور لنگ و جانشینانش ، خوشنویسی را به عنوان هنری بزرگ تمرین می کردند . نقاشی مینیاتوری ایرانی در قرن پانزدهم به اوج عظمت خود رسید در طی دو قرن بعد ادامه یافت و زیباتر و ظریفتر شد ، به طوری که هنرمندان به نقاشی اشکال اکتفا نکردند ، و صفحه آغازین کتاب با طرحهای زیبایی که بارنگهای برآق رنگ آمیزی شده بود تزئین شد این طرحها عبارت بودند از گل و برگ درختان یا اشکال هندسی عربی که از مشخصات هنر اسلامی به حساب می آید .

هنر جلدسازی در میان ایرانیان با تحول عظیمی که در هنر رنگ آمیزی نسخه های خطی روی داده بود ارتباط محکمی داشت . در جلدسازی ایرانی ، جلد زیرین کتاب از کتاب بزرگتر بود ، به طوری که ممکن بود نصف جلد بالایی را بپوشاند . بعلاوه جزء زینتهای کتاب به حساب می آمد .

اما زینتهای جلد اساساً در قسمتهای مرکزی به شکل لوزی بود که اطراف آن را چهار شکل تزئینی که در زاویه ها همانند یکدیگر بودند ، فراگرفته بود . به طور خلاصه می توان گفت که این منشا زینتهایی است که بخوبی آن را درقالیچه های ایرانی می بینیم ، اما وسط وزاویه ها ، پراز گلهای کوچک و برگهای زینتی یا اشکال هندسی

عربی یا منحنی های درهم پیچیده بود ، همه اینها بر روی جلد انجام شده و به وسیله طلا یا آب طلا و یا خاک آن مطلقاً می گردید . اضافه می کنم که قسمتهای خالی بین زینتهای چاپ شده غالباً با گلها و برگهای درختان طلایی پر شده بود . بهترین صحافیهای اسلامی در قرن چهاردهم و پانزدهم از احساسی عالی در تزئین جلد های آن و از هنری شگفت که بمراتب برتر از سطح صحافیهای اروپایی در آن عصر است پرده بر می داشت .

این نوع صحافی از سرزمینهای ایران به دولتهای غرب بویژه ترکیه راه یافت ، همان گونه که در قرن پانزدهم نیز در کارهای صحافان ایتالیایی تاثیر گذاشت و افق تازه ای را پیش روی صحافان در غرب گشود .

تذهیب

هنر تذهیب نخستین هنری بود که پیش از هر چیز ایتالیاییها آن را از اساتید مسلمانان فرا گرفتند . آنان تا آن وقت ، زینتهای جلد سازی اروپایی را به طور ساده و بی نقش و نگار انجام می دادند و اما پس از آن ایتالیاییها زینتهایشان را با استفاده از تذهیب زیباتر کردند ، به این طریق که آب طلا را با ابزاری نوک تیز به کار بردند . با همه اینها مقصود مان این نیست که به کار گرفتن جلد سازی به طریق ساده به طور کلی با زینت کردن جلد از درجه اعتبار افتاد ، زیرا در ابتدا روش به کار بردن تذهیب و جلد سازی به روش ساده در کنار هم انجام می شد ، همچنان که مثلاً کتابهایی به نام کتابهای کروین که متعلق به شاه کروین پادشاه مجارستان بود چنین حالی را داشتند . بدون شک این جلدها در ایتالیا ساخته شده ، یا به هر حال به دست سازندگانی که متأثر از شرق بوده اند ساخته شده است ، چون زینتهای آن نشانه هایی دارد که در تاثیر شرق بر آن نمی توان شک کرد ، و نیز احتمال می رود که این جلدها نخستین جلد های اروپایی باشد که تمامی آن به روش تذهیب ساخته شده است .

با همه اینها قسمتهای مرکزی جلدها و زاویه های آن تنها تذهیب شده و می بینیم دایره های کناره خارجی آن به طور ساده تزئین شده و در کتابهای کروین طلیعه های جلد سازی ایتالیایی را در عصر رنسانس که بناچار ثمره آمیزش با هنر شرقی بود مشاهده می کنیم و چاپخانه دار و ناشر بزرگ آلدو بیشترین سهم را در این تولید داشت . وی از

مشهورترین چاپخانه داران بزرگ درونیز است .

هنر نویسندگی در دوران رنسانس

دوره آلدو در ایتالیا

کارهای جدید آلدو

آلدو مانوچی^{۱۳۹} یا آلدو پیوس مانوتیوس^{۱۴۰} - چنان که به لاتین خود را ملقب ساخته بود - زبان یونانی را مانند لاتین فراگرفت و به این دوزبان کتابهای کوچکی برای آموزش دستور زبان تألیف کرد و نظر به تخصص زیادی که در فرهنگ انسانی داشت ، حدود سال ۱۴۹۴ چاپخانه و مرکز نشری به منظور چاپ کتابهای نقد بر نویسندگان قدیمی بویژه در عصر قدیم درونیز تأسیس کرد .

حروف ایتالیک یا حروف مایل

آلدو ، نخست حروف رومی را که نیکلا جانسون قبلاً وارد کرده بود به کاربرد و کتابهایش را در قطع نصف و یک چهارم که قطعهای رایج در ایتالیا بود چاپ کرد . پس از اندک زمانی در سال ۱۵۰۱ از این تقلید منصرف شد و ویرژیل^{۱۴۱} را در قطع یک هشتم چاپ کرد و چاپ کتابهای کلاسیکی قدیم را در قطع یک هشتم کوچک شروع کرد و اینها همان کتابهایی هستند که قطع جیبی را می توان تقریباً بر آن اطلاق کرد . برای چاپ این گونه کتابها حروف جدیدی را به کار گرفت که تماماً با اندازه صفحات جدید کوچک شده هماهنگ بود .

در روایتی که در صحت آن تردید است ، چنین آمده که این حروف از خط خود پترارک الهام گرفته شده ، و پیش از هر چیز شکلی مایل به راست از حروف رومی بوده ، که خطی است به نام خط ایتالیک^{۱۴۲} یا مایل و این نام چنان که می بینیم در دنیای چاپ ، معنای دیگری دارد که با معنای آن در تاریخ نسخه های خطی کاملاً متفاوت

139- Aldo Manucci.

140- Aldo Pius Monutius.

141- Virgil.

142- Cursive.

است . دوران طلایی حروف رومی مایل در قرن بعد شروع شد و روشی که به نام سبک باروک^{۱۴۳} بود معمول شد . غالباً در این سبک ، حروف آلمانی و رومی در کنار هم به کار رفت . به کاربردن چندین سبک برای خط و حروف در اندازه های مختلف در یک زمان ، یکی از ویژگیهای هنر کتاب آرایی است که در دوران سبک باروک پیدا شد . حروف رومی شکسته یا ایتالیک همان حروف مایل ایتالیایی است^{۱۴۴} که تا زمان ما باقی مانده است و اکنون بویژه برای نشان دادن برخی کلمات ، یا بعضی خطوط در متن چاپی مورد استفاده قرار می گیرد .

کتابهای کلاسیک چاپ آلدو

هرگاه از کتابهای چاپ آلدو نام ببریم ، بویژه چاپهای کوچک کتابهای کلاسیکی را که آلدو با حروف مایل ، طی سالیان زندگیش به تعداد زیادی منتشر کرده باید یادآور شویم ، که از میان آنها بیست و هشت کتاب چاپ اول است ، که بر مبنای نسخه های خطی قدیمی که منتشر نشده ، چاپ شده است .



شکل ۵- حروف ونیزی بزرگ اول متأثر از سبک آلدویی

آلدو در ابتدای امر ، شخصاً به مباحث لغوی لازم می پرداخت ولی بعداً که مرکزش گسترش یافت ، بناچار همکارانی را استخدام کرد و در اطراف او و مرکزش که آکادمی جدید آلدو^{۱۴۵} نامیده می شد ، گروهی از زبانشناسان گرد آمدند . تا این زمان روابط بازرگانی صرف که بعداً بین ناشران و کتاب به وجود آمد ناشناخته مانده بود به همین دلیل کتابهای کوچک چاپ آلدو عوام پسند و ارزان بودند و انتشار کتابهای کلاسیکی که مطالب آنها از فرهنگ انسانی نشأت می گرفت بیش از پیش آسان شد . اندکی بعد



شکل ۶ - کتیبه زیتی در چاپ کتابهای ارسطو (آلدو ، سال ۱۴۹۷)

کتابهای چاپ آلدو بانسان چاپ زیبایی بر صفحه اول که از یک ماهی یونسی که به دور لنگر کشتی پیچیده تشکیل شده بود ، چاپی ملی شد ؛ به درجه ای که برای آن بویژه در شهر لیون مقلدینی پیدا شدند . تعدادی کتاب به دست آمده که در آنها از آلدو تقلید شده است . بعضی از نسخه ها دقیقاً تقلید شده اند و حتی نشان چاپی تقلبی را هم دارند . دانشجویان جوان از جمله کسانی بودند که از چاپهای آلدو استفاده می کردند . به همین علت تعداد زیادی از آن چاپها بر اثر کثرت استفاده بکلی نابود شده است ، به طوری که امروزه تقریباً نمی توان به آنها دست یافت . شهرت این مطبوعات تنها مربوط به قطع و تازگی حروف مایل و چاپ تمیز و مرغوب بودن کاغذ نیست ، بلکه به توجه به متن و خلاصه به کوشش علمی و هنری که صرف آن شده نیز مربوط می شود . اثر لغوی بسیار مهمی که جزء این مطبوعات بود انتشار کتابهای ارسطوست که آلدو آن را در پنج جلد و در قطع نصف بین سالهای ۱۴۹۵ و ۱۴۹۸ چاپ کرد و نخستین چاپ کامل از لغات یونانی به حساب می آید .

سبک آلدو در تزئین

حرف مایل تنها رویداد تازه ای نبود که آلدو در صنعت کتاب پدید آورد و اگر در تاریخ کتاب زمان او را عصر آلدویی نامیده اند به این جهت است که او موفق شد به حروف آغازین و حواشی ماهیت کلاسیک بدهد و سبکی را به کارگیرد که با سبک راتدولت اختلاف داشت و توانست چنین سبکی را با بینشی دقیق در کتیبه های زیتی (شکل ۵) و حروف بزرگ زیتی (شکل ۶) و دایره هایی که با آن کتابهایش را بدون

اسراف ، تزین می کرد به کاربرد .

پس آن جا که زینتهای راتدولت عموماً سفید و باقاعده ای سیاه جلوه می کند ، در زینتهای آلدوتنها دایره های رسم شده وقاعده شکل از هر اضافه دیگری خالی مانده است که سبکی رفیق وواضح است ، بلکه درحقیقت با حروف رومی و یونانی بیشتر وفق می دهد تاسبک راتدولت ، که سایه آن سنگین تر وتاریکی آن بیشتر است ، گرچه مسأله برتری این تزین درنظر یکی از آن دو یا دیگری مسأله طبع شخصی شمرده می شود ، اما در حقیقت هرشاخه ای از شاخ وبرگ کتیبه های آلدو وحروف تزینی بزرگش فی حد ذاته از تزینات کوچک به حساب می آید ، چه به دایره های گیاهی شبکه ای اکتفا کرده باشد یا پوشش هایی با اشکال عجیب مانند اشکال کلاسیکی قدیم بر آن افزوده شده باشد یا از نوارهای پارچه ونوارهای متأثر از زینتهای شرقی باشد . آلدو با انتشار رمان انقلاب در رویا^{۱۴۶} در سال ۱۴۹۹ که افسانه ای از راهب دومینکن فرانسیسکو کولونا^{۱۴۷} بود به نقطه اوج کارخویش رسید این کتاب افسانه ای مشهوراست که در ترجمه فرانسوی نام رویاهای پولی فیل^{۱۴۸} بر آن نهاده شده ونویسنده در عالم رویا قلمرو هنر کلاسیک را تصویر می کند . این کتاب حدود هفتاد تصویر دارد که غالباً ترسیمی است و سبک واقعی کلاسیک را نشان می دهد این شکلها ما را به یاد برخی اشکال مانتینیا^{۱۴۹} می اندازد گرچه تاثیر آن کاملاً منحصر بفرد و ابتکاری است .

به هر حال از هر شکل بزرگ وکتیبه وهر شکل زینتی کوچک این کتاب ، شعر و افسون آشکار می شود . ولی آنچه ارزش این کتاب را بالا می برد ، تنها ارتباط موجود بین اشکال است ، علاوه برهماهنگی آن با حروف متن ، به حدی که بسیاری از صاحب نظران ، این کتاب را بهترین کتابی می دانند که تاکنون چاپخانه ها تولید کرده اند.

جلدهای آلدویی

در آن جا برای جلدسازی نیز کارگاهی وابسته به چاپخانه آلدو وجود داشت ، به

146- Hypneroto Machia.

147- Francisco Colonna.

148- Songe Poliphile.

149- Mantegna.

طوری که ممکن بود کتابهایی را که آلدو منتشر می کرد ، با جلد نیز خرید . جلد های آلدو غالباً از پوست بز بود ، و از نخستین جلد هایی است که در هنر جلد سازی نمودار آثاری روشن از نفوذ اسلامی است که قبلاً از آن سخن رفت . از این رو انتشار گسترده آن ، بزرگترین کمک به انتشار هنر تذهیب بود .

آلدو در ابتدای امر به زینتهای ساخته شده به طور ساده اکتفا کرد ، پس از مدتی ، اندک جلد هایش در کنار دایره ها و زینتهای چاپ شده به طور ساده به زینتهای دیگر تذهیب آراسته شد . عنوان کتاب غالباً در وسط جلد ، قسمتی که با حروف رومی تذهیب شده بود نوشته می شد . تزئین غلاف ، همیشه معتدل بود مانند کتیبه ها و زینتهای کوچکی که داخل کتاب به کار رفته بود .

استفاده از مقوّا

جلد های آلدو تأثیرات شرقی را در زمینه هنر صرف نیز آشکار کرد و به جای لوحه های چوبی که معمولاً برای محکمی جلد کتاب به کار می رفت ، گرایش به روش شرقیها در به کار بردن مقوّا برای جلد آغاز شد . هر چند طبعاً استحکام مقوّا از لوحه های چوبی کمتر بود ، اما بسیار سبکتر و برای کاربرد در اندازه های کوچک که بویژه مورد توجه آلدو بود مناسبتر بود . جلد های چوبی نهایتاً در قرن هجدهم متروک شدند ، حتی جلد های بسیاری از قرن پانزدهم و شانزدهم وجود داشت که برای رعایت اقتصاد ، لوحه چوبی با مقدار کمی پوست پوشیده شده بود . کم کم کاربرد مقوّا عمومیت یافت ، چون از لحاظ کاربرد ساده تر بود . بعلاوه در جلد های مقوّایی غالباً از ضایعات چاپخانه که به هم چسپیده شده بود ، کاغذ پاره های کتاب ، بریده ها ، دست نوشته ها ، تک برگه های چاپی و بریده های نسخه های خطی که بر پوست و غیره بود استفاده می شد ، به درجه ای که در میان این جلد ها که از این نوع مواد پر بود امکان داشت به بقایای کتابهایی دست یافت که بدون این اتفاق ، ناشناخته مانده بودند .

دوستاناران و مجموعه داران کتاب در عصر آلدو :

گرولیه و معاصرانش

آلدو علاوه بر شهرتش در ساخت جلد‌های عادی به عنوان ناشر، بویژه با ساختن جلد‌های ارزشمندی برای کتابدوستان ثروتمند شهرت زیادی کسب کرد. زیرا آنان به نسخه‌های معمولی قانع نبودند، بلکه خواهان نسخه‌های مخصوص به خود بودند، مانند دوستاناران کتابهای چاپ شده بر پوست، یا کاغذهای بزرگ و پوشیده به جلد‌های ساخته شده با توجهی خاص.

سپس از سال ۱۵۱۲، روابط آلدو با ژان گرولیه مشهورترین مجموعه داران کتاب، آغاز شد و احتمال می‌رود که آلدو بر ساخت جلد‌های گرولیه که امروزه هواداران زیادی دارد و هنر تجلید ایتالیایی و فرانسوی در عصر رنسانس در آن به اوج شکوه رسیده تأثیر قابل توجهی داشته است. در اندک مدتی جلد‌های آلدو که به عنوان ناشر می‌ساخت، پیشرفت کرد و به سبک خاص خودش رونق گرفت در این جلد‌ها تأثیراتی وجود دارد که از هنر و سبک تذهیب و نیز در قرون وسطی الهام گرفته است.

جلد‌های گرولیه

در آن زمان تنها تذهیب رایج بود، و بر روی تمامی جلد کتاب نواری از دورشته بلند و موازی و تزئین شده با گل‌های طلایی در اشکال هندسی یا دایره‌های تودرتو رها شده کشیده شده بود. این نوار مانند دایره، بخش مرکزی جلد را احاطه کرده بود. روی جلد رویی عنوان کتاب با حروف بزرگ طلایی نوشته شده بود و پشت جلد نقش گرولیه را داشت به این عبارت: خدایا زمین زندگان را نصیبم کن. اما در پایین روی جلد معمولاً این عبارت بود: این کتاب از گرولیه و دوستان اوست.

اما دایره‌های دولا به ای که پس از اندک زمانی برای جلد‌های کتابهای منتشر شده به کار رفت و آنچه تزئینات بیشتری داشت، غالباً با رنگهای گوناگون، زیبا می‌شدند تا آن که خطوط به زینتهای عربی آراسته شدند. بین دایره‌های بهم چسبیده زینتهای پیچ در

پیچ و برگهای درخت قرار داشت ، اما پشت جلد کتاب که در گذشته زینت دهندگان به آن اهمیت نمی دادند در اکثر جلدهای گرولیه تزئین می شد . بخش داخلی جلد از پوست پوشیده شده روی آن چند برگ از کاغذ و پوست قرار داده می شد و زینتهایی که به شکل نوار بود و به گونه ای وصف ناپذیر متنوع و همیشه بی نهایت جالب بود در آن به کار می رفت ، چه در این جلدها یا در جلدهایی که بعداً به این سبک ساخته شدند . در جلدهای متعلق به توماس مایولی یا مایو ۱۵۰ یکی از معاصران گرولیه نیز چنین بود .

گرولیه و مجموعه اش

تقریباً از زندگی مایولی هیچ اطلاعی نداریم اما برعکس تمامی زندگی گرولیه برای ما معلوم است . وی در سال ۱۴۷۹ در شهر لیون در یک خانواده ایتالیایی به دنیا آمد . او بین سالهای ۱۵۱۰ و ۱۵۲۹ فقط در ایتالیا زندگی می کرد و سمت امین خزینه جنگ و امین خزینه دوک میلان را داشت . سپس در پاریس وزیر دارایی فرانسه شد و تاهنگام مرگ ، تا سال ۱۵۶۵ در آن جا زندگی کرد .

گرولیه به عنوان یک گرد آورنده کتاب ، نخستین کتابدوست به معنی جدید این کلمه است . وی شیفته کتابهای زیبا با جلدهای دلپسند بود و همین خود صفت ممیزه کتابدوستی در زمان ماست . بعید است که او تمامی کتابهایش را در ایتالیا جلد کرده باشد ، و بناچار باید بخش مهمی از آن را که بخش ارزشمند آن از لحاظ هنری است در فرانسه جلد کرده باشد و نیز ممکن است این کتابها را صحافانی که از ایتالیا به فرانسه آمده بودند یا صحافان فرانسوی که این هنر را نزد صنعتکاران ایتالیایی فراگرفته بودند جلد کرده باشند ، هر چند اسامی آنان را نمی دانیم .

کتابخانه گرولیه که بیش از سه هزار جلد داشت در حدود صد سال در قصر ورثه اش به فراموشی سپرده شد در سال ۱۶۷۶ در مزایده هایی که در شهر لیون برپا شد این کتابهای بیمانند پراکنده شدند ، به طوری که هم اکنون جز حدود چهارصد جلد کتاب با جلدهای گرولیه را نمی شناسیم برخی از اینها با جلدهای زیبایی که از پوست گوساله و گوسفند که دارای نشان مشخصی است جلد شده و این خود به آنها ارزش

واعتبار خاصی داده است . از این لحاظ کار وی مانند صحافیهای مایولی است . حتی امروزه بهای جلد های معمولی گرولیه ، صرف نظر از خود کتاب به چندین هزار فرانک طلاریسیده است .

پژوهشگران ، مدت شصت سال عمیقاً به تحقیق در جلد های گرولیه پرداختند به طوری که بر حسب زمان جلد و سبک تزئین آن ، به شش مجموعه تقسیم شد ، قدیمی ترین مجموعه به رغم این که نامش بر آن نیست منسوب به اوست و قسمت وسط آن به شکلی رنگین چاپ شده . سپس همه جلد هایش که نام او را دارند بعداً از سال ۱۵۳۰ آغاز شد و جای نوارهای رنگین از لحاظ کمی و زیادی متفاوت بود ، همچنین اشکال هندسی پس از اندکی از سال ۱۵۴۰ و اشکال عربی سایه دار و نقشهای مختلف دیگر بر آن افزوده شدند .

جلد سازی به سبک کامیو^{۱۵۱} (سنگ نقاشی شده)

کتابدوست سوّمی وجود داشت که غالباً در ردیف گرولیه و مایولی قرار می گرفت . وی دیمتریو کانواری^{۱۵۲} پزشک مخصوص پاپ اربان هفتم^{۱۵۳} بود . چند جلد چرمی (چرم مراکشی) از نوع آلدویی که در رم در دهه ۱۹۴۰ ساخته شده اشتباهاً به کانواری نسبت داده شده است . سطح جلد روی این کتابها بازئیتهای برجسته سفیدترین شده واسبی بادوبال را بر روی کوه پاراناس^{۱۵۴} یا الهه آپولو را که آرا به خورشید را هدایت می کرد نشان می داد ، این شکل مارا به یاد کامیوهای قدیم می اندازد . می گویند اوکین مالک این کتابهای جلد شده پیرلویی فارنسیا^{۱۵۵} پسر نامشروع اسکندر فارنسیا^{۱۵۶} بود که بعداً پاپ پل سوّم^{۱۵۷} شد ، ونخستین شاهزاده پارما^{۱۵۸} و پیاچنسا^{۱۵۹} است و نیز در بسیاری از جلد های دیگر که گرد آورندگان کتاب ، شیفته آنند می بینیم غالباً تقلید کننده آنها را مشابه سازی کرده به طوری که تمیز آن دشوار است این مجموعه

151- Cameo bindings.

152- Demetrio Canevari.

153- Urban VII.

154- Parnasse.

155- Pierre-Louis Farnese.

156- Alexandre Farnese.

157- Paul III.

158- Parma.

159- Piacenza.

با کتابهای چاپی صحافی شده دیگر ، مجموعه ای ویژه بین صحافیهای ایتالیایی در عصر رنسانس به حساب می آید .

جانشینان آلدو- خاندان جونتا ۱۶۰

آلدو در سال ۱۵۱۵ درگذشت ، و چاپخانه اش برای مدتی همچنان فعال بود ؛ اما بعد از وفات او دوران زیادی پایدار نماند . در عین حال الگویی بود که بعداً گروهی از چاپخانه داران از بسیاری جهات بدقت از آن تقلید کردند و مرادمان از این گروه خاندان جونتا یا ژونت ۱۶۱ است که بعداً در ایتالیا و اسپانیا و فرانسه (بویژه در شهر لیون) در این زمینه اعضای فعالی داشتند .

تنها در کارگاه فیلیپ جونتا ۱۶۲ تعداد زیادی از مطبوعات کلاسیکی کوچک با حروف مایل ، چاپ و منتشر شد . او جلد های ناشر آلدو را نیز تقلید کرد و چه بسا این کار به دست همان هنرمندانی ایجاد شد که با آلدو کار کرده بودند . امروزه بسیاری از جلد های جونتا را در اکثر کتابخانه های اروپا می بینیم که گواه بر موفقیت بزرگی است که این کتابها در آن دوره کسب کرده بودند .

هنر خط در آلمان در دوره رنسانس

اوج ترقی هنر کننده کاری روی چوب

دوران دورر

در آلمان در قرن شانزدهم (عصر زرین) کننده کاری روی چوب آغاز شد ، در همان زمانی که هنر ایتالیایی پیروزیهای بسیاری در هنر کتاب آرایی و نیز ویلورانیسی به دست آورد .

در شهرهای آلمان جنوبی صنعت چاپ موفقیت های اولیه خود را تثبیت کرد ، و کننده کاری روی چوب در اشکال توضیحی برای اولین بار به کار رفت . در سالهای بعد از



عکس‌کننده کاری شده روی چوب کار البرت دورر (قرن شانزدهم)



عکس کنده کاری شده روی چوب از بزرگان اتریش کار دورر

عصر مطبوعات اولیه کننده کاری موفقیت‌های پی در پی داشت به طوری که در برخی کتابها از قبیل کتاب حاجیان^{۱۶۳} اثر بریدنباخ^{۱۶۴} و کتاب تاریخ جهانی^{۱۶۵} تالیف شدل^{۱۶۶} ظهور آن آغاز شد .

دورر وکنده کاری باسیاه وسفید

درشهر نورمبرگ در سال ۱۴۹۸ رویای یوحنا اثر دورر هنرمند ساخته شد ، وتابلوهای بزرگ پانزده گانه آن که روی چوب کنده کاری شده بود یکی از آن کارهای هنری بود که دوره مشخصی را در صنعت چاپ نشان می داد درآن زمان عکسهای چاپی سیاه وسفید بدون این که رنگ آمیزی شده باشد کاملاً پیشرفت کرد ، به گونه ای که با سایه ها ونوری که تنها در نتیجه رسم خطهای سیاه بر کاغذ سفید به دست می آمد تاثیر کامل وشگفت انگیزی بر بینندگان می گذاشت .

دورر دراین جا عواطف عمیق دینی خود را دراین اشکال کنده کاری شده روی چوب نشان می دهد ، همچنان که در جاهای دیگر ازسری عکسهای رنجهای مسیح را نمایان می سازد (بویژه دوازده برگی که در سال ۱۵۱۱ ساخته شد) یا عکسهایی از زندگی مریم عذرا که کنده کاری این عکسها روی چوب توانایی و کاری نظیر هنرمند را نشان می دهد .

معروف است که دورر عکسهایی را روی مس نیز کنده کاری کرد که مشهورترین آن شکل دردهاست که در سال ۱۵۰۹ درشانزده عکس کنده کاری شده روی مس آن را ساخت .

گسترش کنده کاری روی چوب درآلمان

آنچه درایتالیا روی داد ، درآلمان نیز به وقوع پیوست ، ودر مدتی کوتاه موجب شگفتی شد وهنر کنده کاری روی چوب به حد اعلای رشد خود رسید . سپس این هنر به صورت حرکتی رایج به میان مردم راه یافت دورر پس از آن بر اثر بیماری تخمه درگذشت

163- Livre du Pèlerin.

164- Breydenbach.

165- universal chronicle.

166- Schedel.

اما آن گونه که انتظار می رفت مراکز بزرگ این هنر که اثر آن در هزاران کتاب آلمانی برجای مانده است شهرنور مبرگ محل دور نبوده بلکه تنها شهر استراسبورگ بود که در آنجا از جمله کتابهایی که منتشر کرده بود برخی از قسمتهای اول کتابهای گیاهان و نباتات ۱۶۷ است . همچنین دوشهر گزبورگ و خصوصاً بال از مراکز مهم این صنعت بودند .



شکل ۷- لوحه ای آغازین که هولاین برای یکی از کتابهای ارازم کنده کاری کرده است .

بال مرکز تحقیقات انسانی

بال به عنوان شهر کتاب و مرکز ادبی سوئیس آلمانی شهرت ویژه و جدیدی را به دست آورد . در سال ۱۴۹۴ در آن جای یکی از معروفترین کتابها که هجو بود و آن را سباستیان برانت ۱۶۸ با عنوان کشتی دیوانگان ۱۶۹ نوشته بود منتشر شد و بسیاری معتقدند که اشکال آن برچوب کننده کاری شده و از آن جمله عکس عاشق مشهور کتاب است که از کارهای دورر در دوران جوانی است .

شکی نیست که تولید کتاب در بال ، تقریباً به همان مقدار تولید آن در آلمان جنوبی بود بال در آن زمان بدون شک به واسطه انجمن های بزرگی که در آن جا بین سالهای ۱۴۳۱ تا ۱۴۴۹ تشکیل شده بود ، یکی از شهرهایی به حساب آمد که مانند همزه و صلی بین دنیای ژرمن و رنسانس ایتالیایی قرار داشت ، این شهر در عصر شکوفایی هنر کنده کاری روی چوب ،

دژی محسوب می شد که از حرکت انسانگرایی آلمانی حمایت می کرد . ارازم ۱۷۰ اهل

روتردام^{۱۷۱} در آنجا اقامت گزید و چاپهای مشهورش از کتابهای کلاسیکی قدیم و از پدران کلیسا در این شهر انجام و در جهان منتشر شد. این چاپها از جنبه علوم زبانشناسی بر چاپهای آلدویی برتری داشت.

هولباین و لوتزل برگر^{۱۷۲}

در بال شرایط ویژه ای فراهم آمد که حرکت این عصر را در آنچه مخصوص به صنعت کتاب بود تندتر کرد؛ چنان که در آن جایکی از نمایندگان بزرگ این هنر را می بینیم. منظورمان هولباین صغیر است که با حکاک مشهور چوب هانزلوتزل برگر و چاپخانه داری که شهرتش از او کمتر نبود به نام یوهان فروبن یا فروبنیوس شریک شد. فروبن، ارازم را سالهای دراز در خانه اش به عنوان همکاری فعال در بحثهای علمی نگهداشته بود، و چون هر کدام از بهترین مردان زمان خود به حساب می آمدند، باهم موفق به چاپ کتابهایی شدند که در تمامی اروپا شهرت یافت و شرکت

هولباین و لوتزل برگر در این کتابها به

تزیین عنوانهای زیبا و حروف اول

آن منحصر می شد. در این تزیین ها

گروهی از کودکان خردسال

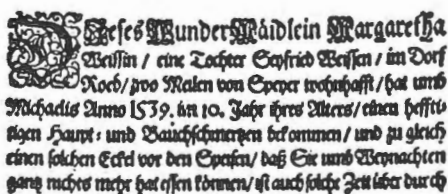
و بانشاط در یک طرح زیبا در میان

ستونها و قوسهای قدیمی و سایر

زینتهای دوران رنسانس به رقص و

جست و خیز مشغول بودند. (شکل

(۷)



شکل ۸- حروف شکسته قدیم.

از زیباترین نقاشیهای هولباین عکسهایی از عهد قدیم (تورات) بود که برای نخستین بار به سال ۱۵۴۷ برای کتابی در شهر لیون چاپ شد.

از خطوط پهن و واضحی که اشکال هولباین را تشکیل می دهند، چنین پیداست که اختصاصاً ساخته شده، چون با حروف رومی نازک و یا مایل کاملاً هماهنگ است و

همین هماهنگی بین صفحه متن و تصاویر نیز برقرار شده، همچنان در اشکال کتاب *رؤیاهای پولی فیل*، هر چند سبک این نوع کتابها مختلف است این وضعیت به چشم می خورد.

هنر کتاب آرایی دراوگزبرگ

اوغزبرگ دومین مرکز اصلی برای صنعت کتاب در عصر رنسانس آلمان بود و جای تعجب نیست که امواج رنسانس از جنوب آلپ دراوگزبرگ دوران به واسطه روابط بازرگانی دایم اوگزبرگ با ایتالیا و ونیز به آن جا رسیده بود، به طوری که صرفاً تصادفی نبود که

*mei pignora laboris in christi dñi gazophilatiū transmissa
ubi siquid. vel rectū. placitūq; aspicias. deo bonorum om
niū datōri largissimō meū gratias agito. Et siquid forsitā
minus emunctū elaboratūq; offendēris; p mutuo charitatē
officio. largiorī sapientie radio illustrare velis obsecro.*

شکل ۹ - حروف شواباخ قدیم.

یکی از چاپخانه داران در سال ۱۵۳۲ دراوگزبرگ کتاب پترارک به نام سعادت در پزشکی^{۱۷۳} را منتشر کرد این کتاب با دویست و پنجاه عکس کنده کاری شده روی چوب، توسط هانس وایدتس^{۱۷۴} تهیه شده و تزئین یافته بود و گواهی بر تخصص و درک هنری عمیق وی بود.

کتابهای امپراتور ماکس میلیان ۱۷۵

کوششهای امپراتور ماکس میلیان اول، اهمیت زیادی و تاثیر فراوانی بر خط گوتیک گذاشت، خطی که تا آن زمان حاکم بر کتابها بود. از آن جا که او می خواست در حماسه اش عظمت حکومت خود را آشکار سازد و خاطره ملی رادرمیان ملتش تقویت کند. انتشار سری کتابهای تاریخی رابه عهده گرفت که مشهورترین آنها کتاب *شکر جزیل*^{۱۷۶} بود. او در این کتاب ماجراجوییهای خود را طی ازدواجش در برگاندی فرانسه

173- Von der Arznei beiden gluckes.

174-Hans Weiditz.

175- Maximilien.

176- Teuerdank.

به گونه ای رمزی توصیف می کند .

حروف جدید آلمانی - حروف شکسته و حروف شواباخ^{۱۷۷}

پیش از هر چیز ، شهرت کتاب *تویردانک*^{۱۷۸} که در قطع نصف منتشر شد به حروف زیبای سنگین آن باز می گردد که تمامی خطوط راست و قوسهای موجود در خط رایج را به حروف گوتیک افزوده است . سپس حروف تویردانک که شکلهای بسیار جدید و بسیط دارد و به نوعی حروف جدید معروف به شکسته که کلمه ای مشتق از کلمه لاتین *فراکتوم*^{۱۷۹} به معنی شکستن است (شکل ۸) تحوّل یافته . این حروف تا امروز به عنوان حروف چاپی اصلی در آلمان و کشورهای متأثر از آن مورد استفاده واقع می شود . همچنین حروف گوتیک شکسته ، زائیده حروف گوتیک بود که در اوایل چاپ به کار می رفت ، سپس با گذشت زمان کم کم به کلی جای آن را گرفت و نمونه ای ممتاز از نوع معروف به سبک باروک شد .

اندکی پیش از این شکل دیگری از حروف به نام حروف شواباخ پیداشد . این نام گرچه در اصل ناشناخته است ولی مربوط به شهر شواباخ نزدیک نورمبرگ است . با توجه به حروفی که در چاپ یک کتاب نحو به نام *کاتولیکون*^{۱۸۰} به کار رفته ممکن است حروف شواباخ در این زمان به نهایت پیشرفت خود رسیده باشد . گوتنبرگ این کتاب را در سال ۱۴۶۰ در شهر ماینس چاپ کرد ، و چه بسا این کتاب مرجعاً انحرافی از الگوی گوتیک به الگوی رومی رانشان می دهد ، و این کار با جایگزین کردن اشکالی پهن تر و مدورتر بجای اشکال زاویه دار مکعب صورت می گیرد که سبک گوتیک پوسیله آن ممتاز می شود و پدیده ای مشخص از دوران رنسانس را ترسیم می کند .

بعلاوه گستردگی انتشار حروف شواباخ (شکل ۹) مانند حروف شکسته نبود ، زیرا در خطوط ماهی مانند آن برخی کلمات ، خارج از متن نشان داده می شد ، و به همین سبب در زمان ماباویژگی به کار می رود .

177- Schwabach.

178- Teuerdank.

179- Fractum.

180- Catholicon.

مصور سازی و تزئین

کتاب *تویرد/انک* که برای نخستین بار در سال ۱۵۱۷ منتشر شد و آن را هانس شونسپرگر^{۱۸۱} چاپخانه دار مخصوص امپراتوری ماکس میلیان چاپ کرد شهرت زیادی یافت، این کتاب مانند کتابهای دیگری که امپراتور آنها را تاحدی کامل کرد به خاطر تصاویر بزرگ و کثرت نسخه های آن شهرت زیادی دارد در این کتاب بیشترین متن باصورت های واقعی، مصور سازی شده است.

از میان هنرمندانی که برای ماکس میلیان کار کردند: دورر و لوکاس کراناخ^{۱۸۲}، هانس بورکمایر^{۱۸۳} و هنرمندان بزرگ دیگر مشهور بودند، مثلاً دورر در مصور سازی کتاب دعا برای طایفه قدیس جورج شرکت کرد. وی کسی بود که ابزاری را برای جنگ باترکها ساخت و به کار گرفت، گرچه بامرگ امپراتور، این کار ناتمام ماند. دانیل هاپفر^{۱۸۴} نیز که توانست یک سری لوحه های آغازین کتاب را با خیالی شگفت انگیز و تأثیری عظیم بسازد، شهرت خاصی به دست آورد.

کتابهای عبادات

با وجود این سزاوار نیست که این کتابهای ارزشمند و دیگر کتابهایی که در این عصر تولید شدند، مطبوعات معمولی را از یادمان ببرند. زیرا همچنان که جلدهای گرویه و همکارانش در تاریخ هنر، کارهایی پر اهمیت به حساب می آید، جز آن که استفاده از آن منحصر به طبقه ثروتمند بود، کارهای جالب کنده کاران روی چوب که نام بردیم دارای اهمیت اند گرچه پدیده ای کمیاب نیست لکن لازم است آنها را مانند درختان بلوطی قطع شده به حساب بیاوریم که قسمتهای خشک و بلند آن از سایر درختان جنگل بالاتر رفته است.

بدون شک لازم است در این مجموعه انبوه، برخی کتابهای دعا و سرود و کتابهای واجبات دینی و مزامیر و مانند آن را که مخصوص آیین عبادت بودند و قبلاً نمونه هایی از آن را آوردیم و نیز آنچه را کلیسا دستور انتشار تعداد زیادی را داده بود بشناسیم.

181- Hans schonsperger.

182- Lucas Cranach.

183- Hans Burgkmair.

184- Daniel Hapfer.

می‌گیرند آلمان به تنهایی بین ۵۵۰ تا ۶۰۰ نسخه امثال این کتابها را در فاصله بین سالهای ۱۴۵۷ تا ۱۵۲۵ تولید کرده است. این کتابهای فراوان که در قطع نصف چاپ شدند، به واسطه حروف بزرگ و کوچک آن که فصلهای متعدد را مشخص می‌کرد و نیز به سبب چاپ پی در پی رنگ قرمز و سیاه مثل کتابهای دعایی که آن را یوهان سنسن اشمیت^{۱۸۵} برای اسقف شهر راتیسبون چاپ کرد تأثیر زینتی عظیمی از خود بر جای گذاشتند و بسیاری از چاپخانه‌ها به چاپ این نوع کتابها اختصاص یافت، به طوری که در این شاخه فعالیت زیادی در بیشتر شهرها مانند ماینس و لایپزیک^{۱۸۶}، سپایرز^{۱۸۷}، کُلن، ماگدبورگ^{۱۸۸}، بال^{۱۸۹}، ژنو، پاریس، لیون، آلمان، صورت گرفت و هنرمندان برجسته‌ای در آن شرکت داشتند. کتابهای ساعات واجبات کوچک فرانسوی که قبلاً از آن صحبت شد و کتابهای عبادات آلمانی مشابه آن مانند سری بستان روح صغیر^{۱۹۰} که مشهورترین آنها را ناشری از نورمبرگ به نام آنتون کوبرگر منتشر کرده بود و در مصورسازی آن هانس اسپرینگ اینکای^{۱۹۱} یکی از شاگردان دورر شرکت داشت تقریباً همین حالت را داشتند.

کتابهای مزارات دینی را به اینها اضافه می‌کنیم که نوعی از کتابهای مورد استفاده بود از قبیل *راهنمای حجّاج* و کتابهایی که در آن مناظر مزارات دینی و کلیساها و آثار دیگر توصیف شده بود. از بهترین این کتابها *راهنمای ویتنبرگ*^{۱۹۲} است که کارگاه لوکاس کراناخ بر آن اشکالی افزوده است. باوجود این بسیاری از این کتابهای دینی کوچک، آغاز گرایش به پرکاری است که در نیمه دوم قرن منجر به انحطاط هنرکنده کاری روی چوب در آلمان و ایتالیا و فرانسه شد.

185- Johan Sensenschmidt.

186- Leipzig.

187-Spires.

188- Magdeburg.

189- Bale.

190- Hortulus Animae.

191- Hans Springinklee.

192- Wittenberg.

چاپخانه ها و کتابخانه ها در عصر اصلاح دینی

تأثیر اصلاح دینی بر کتاب

انحطاط جنبه هنری

در این که بیشترین بخش ادبیات منسوب به اصلاح دینی ، متعلق به رویدادهای جاری بود بحثی نیست . از این رو ستیزی که لوثر در سال ۱۵۱۷ ، بر ضد کلیسای کاتولیک شروع کرد هشدار برای انقلابی بزرگ بود که اثرش را بر تاریخ کتاب به جای گذاشت جنبش جدید در سالهای بعد سیل مطبوعات را به آلمان و کشورهای همسایه آن سرازیر کرد . به واسطه این حرکت سیل آسا ، جنبش دینی جدید ، اسلحه ای برنده تر از دیگر سلاحها را به دست آورد . حتی شایان ذکر است که پیروزی سریعی که نصیب اصلاح دینی شد به واسطه اختراع چاپ بود .

بدیهی است که موضوع فقط تزیینات لازم برای این نشریات آلمانی بی شمار که غالباً عنوانهای مهیج داشت نبود ؛ زیرا مطبوعات رایج و ویژه مناسبات برای اثبات رسالت انقلابی آن به بهای اندکی فروخته می شد ، به این جهت نوع کاغذ سقوط کرد و حروف شواباخ و حروف شکسته با اشکال دینیش پیدا شد و به حروف گوتیک قدیم زیان وارد کرد . همچنین سرانجام کلیشه های خراب حاوی زینتهای کوچک کنده کاری شده روی چوب ، به کار گرفته شد و کم کم چاپ ماشینی ، کاری ناخوش آیند شد .

انحطاط سطح کتاب و انتشار آن بین عامه مردم

وضع کلی چاپ در اغلب مطبوعات عصر اصلاح دینی این چنین بود ؛ جز در برخی موارد اندک ، با وجود این سزاوار نیست از یاد ببریم که از سوی دیگر ، اصلاح دینی باعث انتشار کتاب بین عامه شد که تا آن زمان برای آنها ناشناخته بود و تأثیر آن به حدی بود که می توان آن را بحق باتوجه به تلاشی که امروز برای آموزش عامه می شود ، حاصل توجه خاص لوثر به حیات عقلی فرزندان ملت دانست .

انتشار کتابهای دینی پروتستان

انحطاط صنعت چاپ ، در عصر اصلاح دینی شامل مطبوعات دینی پروتستانی و کتابهای تورات مصوّر نیز می شد ، گرچه این مطبوعات ، وابسته به کتابهای کاتولیکی نبودند ؛ تاحدی که نمی توان چهارمین کتاب مانند *قدیسین اوگزبرگ* را که در سال ۱۵۵۵ منتشر شد و نسخه ای از آن در کتابخانه ملی مونیخ موجود است ، بازیاترین کتابهای مقدّس کاتولیکی مقایسه کرد ، تقریباً در پایان قرن دوران طلایی کتابهای دینی بزرگ حتی در کشورهای کاتولیکی به انتها رسید ؛ همان گونه که مطبوعات خاص و متعدّدی که اسقفها آن را منتشر می کردند نایاب شد و جایش را به کتابهای مقدّسی داد که انجمن ترانت^{۱۹۳} منتشر می کرد و بجز رم تنها مرکز دیگر تولید کتاب ، شهر آنورس^{۱۹۴} بود .

چاپخانه داران شهر ویتنبرگ

هرچند که تعاون بین چاپخانه داران و حکاکان روی چوب در آلمان شمالی منحل شد اما طولی نکشید که آلمان شمالی دوباره جایگاه اولیه خود را به دست آورد ؛ و مانند آلمان جنوبی به همان حال پایدار نماند . شهر ویتنبرگ ناگهان بآدانشگاهی جدید به مرکزی مهم در عالم کتاب تبدیل شد . تولیدات لوتر در موعظه و نوشته های جدلی و اخلاقی او از سوی چاپخانه داران به چاپ رسید و با وجود مخالفت خودش آثار او به وسیله چاپخانه داران محترم شهرهای زیادی به طور فراوان تقلید شد . از قبیل : بال ، اوگزبرگ ، نورمبرگ ، استراسبورگ و به رغم احتجاجات شدید لوتر ، تاجران دوره گرد با افزایش انتشار تورات و مزامیر به زبان آلمانی ، برای فروش این کتابها فعالیتهای زیادی از خود نشان دادند .

در طی سه ماه ، چاپ اوّل از ترجمه عهد جدید (*انجیل*) ، چاپ لوتر و چاپی که در سال ۱۵۲۲ در پنج هزار نسخه توسط ملکپور لوتر^{۱۹۵} در ویتنبرگ انجام شده بود نایاب شد . و این کار به رغم گرانی قیمت نسبی آن بود . قیمت آن یک و نیم فلورین

193- Concile de Trente.

194- Anvers.

195- Melchior Lotter.

یامعادل صدویست فرانک بود. به دنبال آن، چنان که می گویند هانس لوفت^{۱۹۶} چاپ کننده رسمی *انجیل لوتر*، صدهزار نسخه از این کتاب را چاپ کرد. چاپ کتابهای لوتر که مخصوص تعلیمات دینی بود نیز موفقیت آمیز بود.

بازارهای کتاب

تمامی تاجران کتاب، ناشران و واسطه ها، چنین عادت داشتند که هر سال، دوبار در بهار و پاییز در بازار شهر فرانکفورت جمع شوند تا تجارت کتاب را از طریق مبادله ورق به ورق انجام دهند. به طوری که محله های تجارت سرشار از حرکت و فعالیت می شد. در نتیجه به واسطه موقعیت شهری که یکی از مراکز مهم اروپای متمدن در آن عصر بود، تمامی کتابفروشان از ایتالیا و فرانسه و سرزمینهای دیگر برای شرکت در این بازار به آن جاسفر می کردند. اما محل اقامت کتابفروشان در بخش جنوبی این شهر بود و معمولاً در آن جا تعداد زیادی صندوق که در آن زمان برای حمل کتاب از آن استفاده می کردند، دیده می شد.

بعدها بازار لایپزیک از لحاظ اهمیت، بر بازار فرانکفورت برتری یافت. به طوری که تاهمین اواخر مرکز کتابخانه های آلمان باقی ماند در سال ۱۵۶۴ چاپ فهرست کتابهایی که در بازار به فروش می رسید، آغاز شد. از جمله فهرستهای این بازار، فهرستهای جالب ششماهه ای بود که برای کتابهای آلمانی چاپ می شد.

کتابفروشان نیز در حالی که در میدان کارزار حرکت اصلاح دینی بودند، خود را از ترتیب دهندگان رقابت بین آرای قدیم و آرای جدید می یافتند. ایشان، خود را ناچار می دیدند که به یکی از این دودسته، وابسته باشند بیشتر چاپخانه های بزرگ آلمان در دست پروتستانها بود. در حالی که بقیه چاپخانه های کولونی و ماینس فقط مدت کمی در خدمت کاتولیکها بود. به طوری که ناشران و چاپخانه داران آلمان جنوبی، جز هنگام حرکت اصلاح کاتولیکی و بعد از آن، فعالیت از خود نشان ندادند.

اصلاح دینی و کتابخانه های صومعه ها

به این طریق ، اصلاح دینی موجب فعالیت ادبی زیادی شد . و در عین حال به عنوان مراقب ، حاکم بر بسیاری از کتابهای موجود بود ، زیرا در کشمکش که با کلیسای کاتولیک داشت ناچار بود مطبوعات پایها را مورد حمله قرار دهد ، چیزی که تاکید بر آن ضرورت دارد ، آن است که بسیاری از نسخه های خطی قدیم صومعه ها و مطبوعات اولیه در این دوران آشفته ، بدون استفاده ماندند و به سرنوشت غم انگیزی دچار شدند .

غارت و ویرانی در آلمان

بر اثر جنگ کشاورزان که در سال ۱۲۵۲ به وقوع پیوست ، تعدادی از کتابخانه های صومعه های آلمان نابود شد . حتی شمار دیرهایی که کتابخانه های آن تنها در استان تورنجیای آلمان ویران شده بود به هفتاد رسید . اسنادی که دال بر سرنوشت دردناک کتابخانه هادر شهرهای آشوب زده است ، در دست داریم . دورانی که کتابها سوخته یا پاره یا در آب ریخته شد و یا کیلویی به فروش رفت و بعداً در بسیاری از کتابخانه های دیرهای فرانسه مانند فلوری - سور - لوار ۱۹۷ و کلونی ۱۹۸ در عصر جنگهای دینی نیز چنین واقعه ای رخ داد .

ظالمانه است اگر رهبران اصلاح دینی را مسؤول کمبود کتابهایی بدانیم که از کتابخانه های غنی قرون وسطی به دستمان رسیده است ؛ زیرا اولاً لازم است تعداد زیادی از این گنجینه های فعلی را که پیش از این بر اثر آتش سوزیهای متعددی که کلیساها و دیرها رابه نابودی کشید و یا بر اثر بی توجهی خود راهبان در اواخر قرون وسطی از میان رفت در محاسبه خود از یاد ببریم . همان گونه که بسیاری از آنها نیز پس از آن بر اثر آتش سوزی ها و جنگهای دوران جدید نابود شد .

ثانیاً لازم است فراموش نکنیم که کلیسای لوتر از ارزش نسخه های خطی قرون وسطی به دنبال افزایش رقابت آن ، غافل نبوده است . از جمله دلایل آن فرمانی است که مجمع اودانسه در دانمارک به سال ۱۵۷۷ صادر کرد و آنچه بر آن تصریح دارد این است که کتابهای قدیمی کلیسا مانند کتابهای مقدس و مزامیر و تورات های نوشته شده بر پوست یا

کاغذ، نباید از کلیسا خارج شود یا برای صحافی مورد استفاده قرار گیرد .
در پایان لازم است یادآور شویم که لوتر در سال ۱۵۲۴ در نامه اش به رایزنی تمامی
شهرهای آلمان جداً اعلام می کند که کمترین تلاش یا سرمایه برای تأسیس کتابفروشی یا
کتابخانه های مهم بویژه در شهرهای بزرگ نباید به کار گرفته شود .

تشکیل دوباره کتابخانه های عمومی

این وضع ، به ایجاد تعداد زیادی کتابخانه های شهری جدید منجر شد . تشکیل
بسیاری از آنها بر اساس مجموعه هایی بود که از عهد کاتولیک برجای مانده بود به این
طریق کتابخانه های شهری در اوگسبرگ ، فرانکفورت ، لوبک ، هامبورگ ،
مجدبورگ ، نورمبرگ و غیره بواسطه مجموعه های دیرهای نابود شده تشکیل شدند .
در جاهای دیگر نسخه های خطی دیری قدیم در کتابخانه های جدیدی که وابسته به
کلیساها و خانه های کشیشان و مدارس بود، ملجا و مرجع واقع شده بودند اما در ابتدای
امرنقش این مؤسسات اندک بود به طوری که به هیچ وجه بانقش کتابخانه های کلیساها
در اوج ترقی آنان قابل قیاس نبود .

کتابخانه های فرمانروایان

فرمانروایان کشورهای مختلف نیز در تأسیس و گسترش کتابخانه های کشورها و
دانشگاهها یشان از بقایای کتابهای صومعه ها هر چه توانستند ، استفاده بردند .
از جمله ، کاری بود که اوتون هنری^{۱۹۹} نماینده منتخب امپراتوری ازماترت
پالاتینات^{۲۰۰} انجام داد و کتابخانه دیر لورش^{۲۰۱} را به دربارش در شهر هایدلبرگ منتقل
کرد که بعداً به کتابخانه دانشگاه این شهر ضمیمه شد .
همچنین کتابخانه سلطنتی در اشتوتگارت از کتابهای صومعه های وورتمبرگ که
در رشد کتابخانه دانشگاه توینگن^{۲۰۲} نیز سهمی داشت بهره مند شد . بخش زیادی از
مجموعه های دیرهای ساکس سفلی به کتابخانه شاهزاده ولفن بوتل^{۲۰۳} انتقال یافت .
سپس این دو مجموعه به دانشگاه هلمستات^{۲۰۴} منتقل شد و در سال ۱۵۴۳

199- Otton Henri.

200- Palatinate.

201- Lorsch.

202- Tubingen.

203- Wolfenbuttel.

204- Helmstadt.

مجموعه ای از کتابخانه های ساکسونی در تاسیس کتابخانه دانشگاه لایپزیک سهیم شدند .

دردولتهای شمالی اوضاع به همین منوال جریان داشت . مثلاً کرسیتیان سوّم پادشاه دانمارك یکی از دانشمندان آلمان را برای گردش در شهرها به منظور تحقیق درباره کتابهای کلیساها و دیرها فراخواند تا بدین وسیله کتابخانه دانشگاه کوپنهاك را غنی تر سازد .

نابود کردن کتابها برای استفاده از آن در کارهای دیگر

با وجود این بسیاری از نسخه های خطی قرون وسطی بعدها نابود شدند . چون پیمانکاران شمالی برای ساختن جلد دفترهای حساب خود آنها را برش می زدند . در سال ۱۶۳۴ تعداد زیادی از نسخه های خطی پوستی برای ساختن جلد فشنگهای آتش بازی که برای شادمانی در مجالس عروسی فرمانروایان کوپنهاك رها می شد مورد استفاده قرار گرفت . سپس در آن جا مانند دولتهای دیگر ، صحافان غالباً در صحافی های خود نسخه های خطی صومعه ها را به کار می بردند . چون در کتابخانه های عمومی امروز ، کتابهایی را می بینیم که بانسخه های خطی دینی و غیر دینی که به دو نیمه پاره شده ، جلد شده اند . برای محکمی پشت جلد کتاب جلد شده یا برای غلاف آن و غیره نیز از نسخه خطی استفاده شده است .

مصادره کتاب توسط غیر روحانیان در انگلستان

در انگلستان ، وضع بدتر از این بود ، زیرا اندك زمانی پس از پیروزی حرکت اصلاح دینی ، دست حکومت در مصادره املاك کلیساها و دیرها در لحظه ای که انقلاب به نهایت تخریب رسیده و نمایندگان قدرت دست به کار شدند ، باز شد و کتابخانه های بزرگ دینی و دیری شهرها طی دهه های نخستین پس از سقوط کلیسای کاتولیکی به کتابخانه های غیر دینی تحویل داده شد و بدین وسیله تقریباً از زیان بسیاری از مجموعه های آن جلوگیری به عمل آمد .

چنین انتظار می رفت که در انگلستان تغییری برای نگهداری ، صورت بگیرد

چون احترام به اشیای باستانی از سنت های آن جا بود ؛ اما درحقیقت این موضوع تنها گاهی اوقات انجام می شد . بدون شک جان لیلاند^{۲۰۵} مدیر کتابخانه سلطنتی هنری هشتم طی سفرش بین سالهای ۱۵۳۶ و ۱۵۴۲ به سراسر انگلستان ، موفق شد برخی مجموعه های گرانبیشت را از نابودی نجات دهد و آنها را به کتابخانه سلطنتی ضمیمه کند . برعکس این ، کتابخانه مشهور دانشگاه آکسفورد که به قرن چهارم باز می گردد در سال ۱۵۵۰ به دست هیات اعزامی پادشاه ادوارد ششم غارت و کتابهایش یاد آتش سوخت ، یا به فروش رسید . پس از شش سال قفسه های خالی آن هم به فروش رفت . پس از نیم قرن در سال ۱۶۰۲ بر اثر تلاش توماس بادللی یکی از شخصیت های دولتی در عهد ملکه الیزابت این کتابخانه دوباره دایر شد . این کتابخانه تا امروز به نام کتابخانه بادللیان پایدار مانده است و در حال حاضر دومین کتابخانه انگلستان به شمار می رود .

کتابخانه های کشورهای که از اصلاح پروتستانی متأثر نشده بودند

اما در کشورهای که تحت نفوذ کلیسای کاتولیک بودند ، کتابخانه های کاتولیکی قدیم در پی نخستین آشفستگی ها و بویژه در کشورهای که رهبری آنها بر عهده یسوعیون بود به همان حال خود باقی بودند . در این کشورها نظیر آلمان جنوبی و اتریش و ایتالیا و فرانسه ، بسیاری از کتابخانه ها وقتی به کتابخانه های غیر روحانی در پایان قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم تحول یافتند پیشرفت و رونق کاملی داشتند . اما در ایتالیا این تحول غیر روحانی بعداً صورت گرفت .

در سال ۱۷۷۳ کتابخانه یسوعی در آلمان تعطیل شد . سپس در سال ۱۸۰۳ دولت املاک کلیساها و دیرها را در دست گرفت . از این زمان انتقال کتابهای دیرهای آلمانی که تعطیل شده بود ، به طور گسترده به کتابخانه های دربار فرمانروایان و دانشگاهها و مدارس آغاز شد . تحول غیر روحانی بدون توجه و کنترل سریعاً صورت گرفت به طوری که تعداد زیادی از کتابهای گران بها به دست افراد نااهل افتاد و یا به بهای ناچیز فروخته شد .

بطور کلی تبدیل این کتابخانه ها به کتابخانه های غیر روحانی منجر به تمرکز شد

که دستیابی دانشمندان را به نسخه های خطی قرون وسطی که از نابودی بر اثر آشوبها نجات یافته بود آسان کرد .

هنر جلدسازی در قرن شانزدهم در آلمان

جلد چاپ شده به وسیله چرخ

جلدهای برجسته بوسیله فشار لوحه های سنگی که کم کم به طور گسترده تولید می شد ، در طول قرن شانزدهم ادامه داشت اما زینتها تنها به وسیله فشار لوحه سنگی ساخته نمی شد ؛ زیرا پیش از پایان قرن ، درکارگاههای صحافی آلمانی وسیله جدیدی به نام چرخ کوچک پیدا شد و زینت برکناره ابزار فشار که دایره ای بود و با فشار زیاد بر روی جلد مرطوب می چرخید ، کنده کاری شده بود .

روش جدید و کاربرد آن در قابها

همچنین به وسیله این ابزار ، قاب یا کناره همواره با همان نمونه کنده کاری شده خط کشی می شد . این وسیله جدید به طور وصف ناپذیری کارسازنده جلد را آسان می کرد زیرا وقت زیادی نمی گرفت . حتی بیشتر از این ، چرخ بود که در همه کتابها با حجم مختلف به کار برده می شد ، برعکس لوحه های سنگی وسیله فشار که برای قطعه های یک چهارم و نصف بزرگ مناسب نبود . این امتیازات باعث شد که استفاده از چرخ تا زمان ماباقی بماند . بر روی چرخ اشکال کوچکی که جنبه دینی داشتند ، مانند عکس مسیح و مشاهده تورات و مناظر رمزی که نشان دهنده فضایل مسیحیت بودند یا عکسهای فرمانروایان و شخصیتهای دیگر ، بدون رعایت قرار دادن این عکسها بر قسمت افقی قاب یا حفظ توازن آن ، کنده کاری شده بودند .

ادامه چاپ تزئینی توسط لوحه سنگی در وسط جلد

استفاده از لوحه سنگی برای تزئین قسمت وسط جلد به همراه موضوعات آن که از

تورات و اشکال رمزی آن بویژه عکسهای اشخاص نشات گرفته بود، استمرار یافت . صحافان در زمان اصلاح طلبی پروتستان ، چاپ عکسهای نیمه یا کامل از لوتر و ملانکتون^{۲۰۶} را به تناوب بر جلدروبی و زیری کتاب بر سایر عکسها ترجیح می دادند . جلدهایی با عکسهای رهبران اصلاح که ساخت لوکاس کراناخ می باشد به دست آمده است . باین وجود ، عکسهای فرمانروایان برجسته و شخصیتهای بزرگ و نویسندگان کلاسیک را به طور فراوان می بینیم . همچنین بیشترین عکسهایی که جلدسازان مورد استفاده قرار داده اند گواه آن است که هنرکنده کاری روی چوب و مهرهای تزینی در این کشورها در سطحی عالی بوده است . در میان جلدهای بسیاری که جلدسازان ویتنبرگ برای فرمانروایان خاندان آنهالت^{۲۰۷} ساخته اند نمونه هایی دلپذیر از این نوع جلد می بینیم .

بزرگی قاب جلد نسبت به مرکز

روش جدید جلدسازی رایج در آلمان و دولتهای شمال در عصر اصلاح دینی که پس از آن نیز مدّت زیادی مورد استفاده قرار گرفت روش جلدسازی با پوست گوساله های کوچک یا پوست خوک پس از سفید کردن آن بود، که متشکل از دو یا سه قاب بود و پهلوی هم توسط چرخ چاپ شده بود و تاحدی قسمت تنگ مرکزی را فرا گرفته و بالوحه سنگی چاپ شده و به طور اریب تقسیم بندی شده بود . در قسمت بالای آن فضایی خالی برای حروف اول نام صاحب کتاب و در پایین آن محلی خالی برای تاریخ صحافی باز گذاشته شده بود . اما وسط بانقاشیها و شعارهای صاحب کتاب پر شده و همه آنها به طور ساده ، بدون نقش و نگار چاپ شده بود .

اما پشت جلد کتاب در این صحافیها از تزیینات خالی و از ساقه های بزرگی که برگ یا کاسه گل برجسته داشت ، برخوردار بود، به طوری که در پایین جلد برجستگی های دایره ای وجود داشت . به این طریق پشت جلد کتاب به بخشهایی تقسیم می شد . با وجود این در برخی کتابهای قرن شانزدهم پشت جلد کتاب مسطح بود و پس از آن پشت جلد مسطح کتاب محکمتر شده و ساقه های شیارها پشت اوراق بدون این که

برجسته باشد کنده کاری شده بود .

جلدهای تذهیب شده

در نیمه قرن کم کم تذهیب در جلدسازی عمومیت یافت ، تا آن که رفته رفته به کار بردن اشکال هندسی عربی و دایره های تودرتو ، که پیش از این جلدسازی ایتالیایی به آن شهرت یافته بودند رواج گرفت . زیباترین جلد های چاپی تذهیب شده ، جلد هایی است که در شهر هایدلبرگ توسط کنت اتو هنری که قبلاً از او نام بردیم ساخته شده است . این حاکم دستور داد برای کتابخانه قصرش (کتابخانه پالاتینی که بعداً بدان شهرت یافت) که در سال ۱۵۵۳ آن را به کتابخانه دولتی واگذار کرده بود ، جلد هایی بسازند . در این جلد ها زینت جلد روی طلایی و بالوحه سنگی چاپ شده بود و نشان کنت پالاتینات بر جلد زیری رسم شده بود . قاب این جلد ها از زینتهای غیر طلایی و چاپ شده با چرخ ، تشکیل یافته بود که اشکال رمزی یا اشکالی را از تورات نشان می داد . همچنین فردریک سوم جانشین اتو هنری ، علاقه اش را به جلد های زیبانشان داد . برای او جلدی جهت کتاب مقدس ساخته شد که تا حد زیادی به زینتهای جذاب و نوار های زینتی سبک گرو لیه شباهت داشت .

جلدهای جاکوب کراوس ۲۰۸

تاثیر ایتالیایی در آلمان جز اندکی آشکار نشد . این تاثیر در برخی جلد های کارگاه ساکسونی روشن تر به چشم می خورد . ساکسون ، مرکزی از مراکز صحافی هنری آلمانی شد و در آن زمان در ردیف وورتمبرگ و پالاتینات قرار داشت . شاهزادگان ساکسونی روش کنت پالاتینات را در تولید انبوه از جلد های تذهیب شده و از نوعی که اکنون توصیف کردیم پیش گرفتند . در عهد شاهزاده اوگوست که دلباخته و جمع آورنده بزرگ کتاب بود و از سال ۱۵۵۳ تا سال ۱۵۸۶ حکومت کرد پیشرفت هنری ایتالیایی - شرقی کاملاً آشکار بود . وی با همسر دانمارکی اش ، آنا ، در جمع آوری کتابهای فراوان شرکت کرد . کتابهای آنا را جاکوب کراوس بین سالهای ۱۵۶۶ و ۱۵۸۹ جلد

کرد . سپس کاسپار موزر^{۲۰۹} از سال ۱۵۷۴ در جلد سازی با او همکاری کرد . این زوج ، در هنر شان مشهورند .

در جلد های این شاهزاده عناصر مشخص جلد سازی ونیزی را در دوره رنسانس می بینیم ؛ از قبیل : استفاده از مقوّا و تذهیب وزینتهای معروف واشکال هندسی عربی ونوارهای زینتی شبکه دار به سبک گرولیه . زینتهای پشت جلد وتامامی این کارها باتنوعی جالب انجام می شد وبی شک براین دلالت داشت که صحاف ، از نمونه های ایشالیایی الهام گرفته است ونیز می بینیم که باگل و برگهای پیچیده گل افشانی شده است . اما کناره های کتاب تذهیب شده وغالباً نقاشی ویارنگ آمیزی شده بود . تاجایی که حتی اگر چه بر جلد های کراوس ممکن بود خرده بگیرند که در اساسش تقلیدی ونامناسب است ، ولی با همه اینها براستی جایگاه والایی را در تاریخ هنر کتاب آرایی ، به خود اختصاص داده است . دقت هنری که در ساخت آن به کار رفته برای محکم کردن پایگاه آن کافی است . علاوه براین ، کراوس تنها از نمونه های بیگانه پیروی نکرده ، بلکه به تقلید های شهر هایش نیز احترام گذاشته و جلد هایی از پوست خوک سفید ساخته که با اشکال تزئینی آراسته شده اند وباجر خ ولوحه های فشار دهنده به طور ساده بدون نقش و نگار ساخته شده اند .

کتابخانه شاهزاده اوگوست در قصرش که در آن جابجایخانه ای نیز تاسیس کرده بود قرار داشت . این کتابخانه در سال ۱۷۱۷ به کتابخانه ملی ساکسونیا ضمیمه شد وهمچنان تا به امروز باقی است .

جلدهای نقره کوب

در قرن شانزدهم در آلمان جلد های زرکوب قرون وسطی رواج تازه ای یافت وهمزمان صنعت زرگری رایج بود . بویژه بیست جلد نقره کوب را می شناسیم که از مجموعه شاهزاده البردوپروس^{۲۱۰} به دستمان رسیده و ساخته زرگری از شهر کانیزبرگ^{۲۱۱} است این جلد ها امروزه از جالبترین نفایس کتابخانه دانشگاهی در این شهر محسوب می شود . مع هذا ، بین این جلد ها از لحاظ تزئین ، رابطه ای با جلد های

209- Caspar Meuser.

210- Albert de Prusse.

211- Königsberg.

زرکوبی که به آغاز قرون وسطی باز می گردد دیده نمی شود . هرچند با اساس جلدهای ساخته شده از پوست در این عصر هماهنگی دارد . لوحه نقره ای که برای غلاف جلد به کار رفته ، از زینتهایی با خط بلند و اشکال هندسی عربی تشکیل شده و غالباً در قسمت مرکزی آن عکسهایی از اشخاص یا اشیا، رمزی طلایی به سبکی هنری و جذاب دیده



نشان چاپخانه جوس باد (۱۵۳۵)

می شود .

هنر کتاب آرایی فرانسوی در دورهٔ رنسانس

سبک گرولیه

اگر چه سبک گرولیه ، در آلمان زمان محدودی پایدار ماند ، ولی در فرانسه گسترشی شورانگیز یافت که متوقف نشد .

کتابهای لویی دوازدهم

کتابهایی که برای لویی دوازدهم چاپ شد ، یادآور انتقالی بود که بین هنر گوتیک و هنر نهضت جدید روی داد . پس در ابتدای امر ، تمامی زینتها از اشکالی چاپ شده به طور ساده تشکیل یافته بود ؛ گر چه پس از چاپ ، غالباً تذهیب شده بود . سپس پادشاه بعد از ازدواجش با آن دو بریتانی^{۲۱۲} نشانه های چاپی روی جلد را به شکل خارپشت و همراه آن نشانه های بریتانی را که به شکل سنجاب بود چاپ کرد .

قدیمی ترین جلدهای زرکوب فرانسوی که می شناسیم ، در حقیقت از پوست گرساله ساخته شده است . تا آن زمان این جلدها همواره نشانه هایی از تاثیر جلدهای بادوام و پرکار و بدون نقش و نگار سابق را به همراه داشت ؛ با وجود این به رغم این پرکاری اندک نشانی از هنر جدید نیز در آن به چشم می خورد .

پایداری سبک نهضت جدید ایتالیایی در جلدهایی که مربوط به سالهای آخر حکومت لویی دوازدهم بود افزایش یافت در آن زمان ، ثبات هنری آن فزونی یافت . غالباً می بینیم کناره های کتاب ، طلایی یا نقاشی شده است . از صحافانی که در خدمت لویی دوازدهم کار کردند ، گیوم اُستاس^{۲۱۳} است که صحاف رسمی دانشگاه پاریس بود و نیز برای فرانسوای اول کار کرد بعلاوه او کتابفروش و چاپ کننده ای کاملاً فعال بود .

کتابهای فرانسوای اول

در حقیقت تأثیر جلدسازی ایتالیایی به رغم آنچه گفته شد تنها پس از بازگشت گرولیه در سال ۱۵۳۰ به وطنش فرانسه آغاز شد مثلاً این تأثیر را در لیون که در آن زمان مانند پاریس مرکز تجارت کتاب بود مشاهده می کنیم و نیز آن را در صحافی هایی که مخصوص فرانسوای اول است می بینیم؛ کسی که قبلاً علاقه و تأثیر پذیری اش را از خاندان مدیسی ایتالیایی توصیف کردیم. تعجبی ندارد که وی نخستین کسی بود که قانون واسپاری اجباری را برای کتابها وضع کرد و در سال ۱۵۳۷ برای چاپخانه داران فرانسوی فرمانی صادر کرد که آنان را مجبور می کرد از هر کتاب که چاپ می کنند یک نسخه به کتابخانه سلطنتی تسلیم کنند.

جلدهای فرانسوای اول، دو نوع بودند: نوع اول مخصوص کتابهای معمولی بود و نشانه های ساده فرانسوا و شکل سوسمار داشت که زبانه های آتش آن را احاطه کرده بود و نیز نشانه های پادشاهی مشاهده می شد. در جلد های دیگر این نشانه ها و رموز، با خط های بلند و گل های طلایی همراه بود. جلد های زیبای دیگر، گاهی حاشیه ها و اشکالی داشتند که کاملاً شبیه اشکال موجود در جلد های گرولیه بودند. از آنها چنین نتیجه می گیریم که پادشاه، مانند بسیاری از دستانداران کتاب در عصر خود از هنرمندان گرولی برای ساختن جلد های کتب خود کمک می گرفت؛ از قبیل کاردینال شارل دولورن. اسامی تعدادی از جلد سازان را که برای پادشاه کار کردند در دست داریم؛ از قبیل لویی بلوک از شهر بروژ که برای کتابدوستان مشهور این عصر کار کرد؛ کلود گوفیه و خاندان روفه پدر و پسر که لقب جلد سازان پادشاه را یافتند. غیر ممکن است هر جلد از جلد های فرانسوای اول را به هنرمندی معین نسبت دهیم در حالی که اسامی هنرمندانی را که به ساختن این جلد های گرولی پرداخته اند نمی دانیم.

چاپ هنری ژوفروآتوری^{۲۱۴}

هنرمند بزرگ کتاب ژوفروآتوری معاصر فرانسوای اول و گرولیه بود. کاربرد حروف گوتیک در کتابهای فرانسوی همچنان تا آن زمان رواج داشت، هر چند تأثیر سبک

ایتالیایی نیز در این زمینه به چشم می خورد ، به طوری که حروف رومی که در سال ۱۵۰۳ توسط ژوس بادبلژیکی^{۲۱۵} (به لاتین جادوکوس بادیوس آسنسیوس)^{۲۱۶} وارد پاریس شده بود ، در بسیاری از کتابهای فرانسوی به کار رفت . پیشرفت حروف رومی و به طور کلی ترتیب حروف کتاب در فرانسه زمانی آغاز شد که ژوفرواتوری در سال ۱۵۲۰ میدان علم را برای پیوستن به دنیای هنر ترك کرد ، در حالی که از عطایای برجسته بهره مند بود . او به عنوان نقاش و حکاک (کلیشه های) زینت شده چاپی مشغول به کار شد ، هر چند این درخشش دیر بود ، ولی در عین حال کاربرگری بود .

تأثیر ایتالیایی در هنر توری

توری در سال ۱۴۸۵ به دنیا آمد و زبان و ادبیات را آموخت . سپس استاد دانشکده برگاندی در پاریس شد . دوبار اقامتش در ایتالیا در سالهای ۱۵۰۳ و ۱۵۱۶ احساس هنری و شوق او را در آن جا بیدار کرد و تا سال ۱۵۱۸ به پاریس بازنگشت ، تا آن که وارد کاردر زمینه کتاب شد و در حالی که در این هنر از الگوهای هنر ایتالیایی الهام می گرفت به انتشار و تجارت کتاب پرداخت . چیزی نگذشت که به واسطه موهبتهای زیادی که از آنها بر خوردار بود از قبیل نقاشی ، حکاکی ، ریخته گری حروف و صاحب نظر بودن در چاپ ، بسرعت جایگاه والایی در این زمینه ها به دست آورد . معروف است که احتمالاً در نقاشی جلدها از سبک گرولیه پیروی کرده است .

توری در نخستین کتاب مصوری که شخصاً چاپ و منتشر کرد ، ظاهرأ تحت تأثیر روح رنسانس ایتالیایی قرار گرفته بود . این کتاب از کتابهای ساعات واجبات دینی بود که سیمون دوکولین^{۲۱۷} آن را در سال ۱۵۲۵ چاپ کرده بود . کناره های زیبای این کتاب را اشکالی چهار گوش احاطه کرده و با شاخه ها یا اشکال معماری و کنده کاری تزین شده و حشرات و میوه و گل و غیره رانشان می دهد . این اثر مترجماً از هنر فلامنکی متأثر بود . روح رنسانس بویژه در مشهورترین کتاب توری که در سال ۱۵۲۹ تحت عنوان شان فلوری^{۲۱۸} تألیف کرد قویاً ظاهر شده است در این کتاب خطوط و زاویه های عمودی

215- Joss Bade.

216- Jadocus Badius Ascensius.

217- Simon de Colines.

218- Champ Fleury.

زیبایی شگفت انگیزی دارند و حروف درون یک مربع رسم شده اند که این مربع به مربع های کوچکتری تقسیم می شود و حروف رومی از ۱۳ حرف کمتر نیست. توری در این کتاب تاحدی از روش کتاب زی گیسموند فانتی^{۲۱۹} که آن را از زیت های ریاضی برای حروف تألیف کرده استفاده کرد. چون وجوه مشابهی را بین اشکال کتاب *شان فلوری* و کتاب *رؤیاهای پولی فیل* می بینیم؛ هر چند سهم شخصی توری کاملاً پیداست. به طوری که کتاب *شان فلوری* اوکاری است ابتکاری و عصر تازه ای را در تاریخ هنر کتاب آرایی فرانسوی می گشاید.

خاندان استین^{۲۲۰} و یاران آنها

حروف رومی از این زمان، راه گسترده ای در مطبوعات فرانسه پیمود. چنان که در پاریس مثلاً در نزد روبر استین همین روند صورت گرفت. نام استین به لاتین روبرتوس استفانوس است. او یکی از اعضای خانواده چاپخانه داران مشهور فرانسه بود. رئیس این خانواده

هانری استین است که متوفای سال ۱۵۲۰ می باشد.

Sur quoy vous me permettrés de vous demander en cette occasion, ce que, comme i'ay des-ia remarqué, *S. Augustin demande aux Donatistes en vne semblable occurrence: *Quoy donc? lors que nous lifons, oublions nous comment nous auons*

روبر استین

روبر یکی از سه پسر

شکل ۱۰ - حروف گارامون رومی

هانری بود که مانند آلدو و

فروب^{۲۲۱} و چاپخانه داران بزرگ دیگر، شخصی دانشمند بود. در میان آنچه در سال ۱۵۳۲ منتشر ساخته فرهنگ لاتین بزرگی است به نام *تزاروس زبان لاتین*^{۲۲۲} (گنجینه لغت لاتین) که تألیف خودش می باشد. سپس فرانسوای اوّل در سال ۱۵۳۹ او را به عنوان چاپخانه دار پادشاه تعیین کرد. با وجود این همواره ناچار بود بر ضدّ علمای

219- Sigismund Fanti.

220- Estienne.

221- Froben.

222- Thesaurus Linguae Latinae.

دینی، دردانشگاه پاریس از خود دفاع کند. آنان، وی را به خاطر حمایتی که با چاپهای تورات از حرکت اصلاح دینی کرده بود مورد حمله قرار داده بودند. به رغم حمایت پادشاه از او، نهایتاً در سال ۱۵۵۰ ناچار به عزیمت به شهرها شد و بالاخره به شهر ژنو پناه برد.

گارامون^{۲۲۳}

همچنین روبر استین با حروف عبری و یونانی کتابهایی را چاپ کرد حروف یونانی را یکی از شاگردان توری^{۲۲۴} به نام کلود گارامون، حکاک قالبها که حروف رومی را نیز با اشکالی به نام «شیوه سلطنتی»^{۲۲۵} (شکل ۱۰) کنده کاری کرده بود، کنده کاری کرد. این حروف به حروف جانسون شبیه بود و با گذشت زمان از بهترین حروفی شد که دارای اجزایی متناسب بودند، تاجایی که حروف گرفته شده از حروف گارامون، امروزه از بهترین حروفی است که تماماً در ماشین مونوتایپ^{۲۲۶} از آن استفاده می شود.

هانری استین

روبر استین با دختر ژوس باد ازدواج کرد. سپس یکی از پسرانشان به نام هانری، چاپخانه ای را در ژنو تأسیس کرد. وی مشهورترین افراد خانواده اش بود که از لحاظ دانش، بر پدرش برتری داشت. علاوه بر این فعالیت او کمتر از پدرش نبود. او در طی سی سال، تقریباً صد و هفتاد کتاب چاپ و منتشر کرد که برخی از آنها بسیار قطور بودند، بیشتر کتابها مربوط به علوم فقه بود کتابهای وی از لحاظ دقت چاپ و ارزش علمی ممتاز بودند. هانری در سال ۱۵۷۲ فرهنگی به زبان یونانی تحت عنوان تزاروس زبان یونانی^{۲۲۷} (گنجینه لغت یونانی) چاپ کرد که به منزله برادری برای کتاب فرهنگ پدرش به حساب می آمد.

223- Garamond.

224- Tory.

225- Typi regii.

226- Monotype.

227- Thesaurus graecae Linguae.



عکس‌کنده کاری شده روی چوب مربوط به کتاب «روایات پولی‌فیل»
 (Songe de Polyphile) چاپ ژاک کرور Jacques Kerver پاریس سال ۱۵۴۶
 که نقاشیهای آن منسوب به کوزن Jean Cousin است.



خانواده فوگر^{۲۲۸} در آلمان

از میان چاپخانه داران ، هانری استین کوچک ، برعکس وضعیتی که طبقه متوسط آن زمان در آلمان داشتند ، باخاندان فوگر که خاندانی بزرگ از تجار شهر اوگزبرگ بود و اعضای آن به جمع آوری کتابهای هنری بزرگ مشهور بودند ، ارتباط داشت . چیزی نگذشت که کتابخانه فوگر در نیمه قرن افزایش یافت ؛ چون تعدادی کتاب از مجموعه هارتمان شدل^{۲۲۹} پزشک شهر نورمبرگ که از کتاب مشهورش به نام تاریخ جهان نام بردیم ، به آن اضافه شد . پس از آن آلبرت پنجم شاهزاده بافاریا کتابخانه مستشار امپراتوری ، جاکوب فوگر را که شعبه ای از کتابخانه ملی کنونی شهر مونیخ بوده خرید و در نتیجه کتابهای هارتمان با استقبال و تقدیر بزرگی مواجه شد .

کتابهای هنری در عصر هنری دوم و سوم

زینتهایی را که جلدسازان گرولی به کار می بردند ، در جلدهای کتابهای استین نیز دیده می شود . همچنین در جلد کتابهای پادشاه هنری دوم مورد استفاده واقع شده . اگر فرانسوای اول را برآستی کتابدوست بدانیم ، جانشینش پیش از او به کتاب علاقمند بود .

هنری دوم زمانی حکومت می کرد که در ایتالیا صنعت کتاب کساد شده و زمینه جمع آوری کتاب و تجمل گرایی از بین رفته بود . این دلیلی قطعی بر نابودی بیشتر هنر فرانسوی است که در این عصر آغاز شده بود ، و تأثیرش در کتابهای ساعات و اجبات دینی کوچک ارزشمند نمایان بود ، اما جلدسازی فرانسوی در همین زمان بادلپذیرترین اشکالش رونق داشت .

جلدهای عالی

جلدهایی که هنری دوم دستور داده بود برای او و همسرش کاترین دو مدیسی و دوستش دیانا دوپواتیه^{۲۳۰} بسازند به حدی زیبا بود که رجال دربار و اشراف و سایر کتاب دوستان از آن تقلید می کردند این جلدها در نظر بسیاری ، از زیباترین جلدهایی است که

228- Fugger.

229- Hartman Schedel.

230- Diana de Poitiers.

در فرانسه ساخته شده و می دانیم که تا همین اواخر در زمینه جلد های عالی ، اروپا در رأس قرار داشت .

این جلدها که شامل خط طفرایی ممتاز ، مانند حرف H در هم ریخته بادو حرف C و D بازیتهایی که غالباً به شکل ماه و تیر و کمان و رمز دیانا ، خدای شکار بودند ، بیانگر غنای هنر جلدسازی در فرانسه بودند ، غنای کاملی که دارای روح سبک گرولی بود و دلالت بر قدرت این هنر در حرکت کاملاً مستقل آن داشت . بعلاوه از هنر تذهیب دستی کاملاً برخوردار بود .

در آن جا نوعی جلد دیگری وجود داشت که کتاب جغرافیا^{۲۳۱} را از ف . برلینجیری^{۲۳۲} که حدود سال ۱۴۸۰ در قطع نصف چاپ شده بود در خود جای داده بود . زینتهای آن درنوارهایی از اشکال هندسی به سبک شرق خلاصه می شود که باریک سیاه بر هیأت و نظام کاشی ، روی پوست مات تزیین شده بود و هر دوروی جلد را فرا گرفته بود . عنوان کتاب و نشانه های رمزی مالکیت در مستطیلی خالی که در وسط کادر قرار داشت نوشته شده بود و برای نگهداری جلد ، گل میخهایی بر آن کوبیده بودند . اما کتابخانه زیبایی که متعلق به دیانا دو پواتیه بود و در قصر آنه^{۲۳۳} قرار داشت ، در مزایده سال ۱۷۲۳ به فروش رسید . به این جهت ملکیت آن به دست عده ای مختلف از کتابدوستان افتاد .

همچنین کاترین دو مدیسی کم کم موفق به گردآوری کتابهای کتابخانه اش شد که حدود چهار هزار جلد داشت و به قصر شنونسو^{۲۳۴} سپرده شده بود؛ ولی به دنبال مرگش نزدیک بود که کتابخانه اش به دست طلب کاران ملکه بیفتد ، لکن نجات یافت و ضمیمه کتابخانه سلطنتی شد .

جلدسازی به سبک فانفار

در زمان حکومت پسران کاترین دو مدیسی ، شارل نهم و هنری سوم ، جلدسازی دوران شکوفایی خود را می گذراند هنری سوم ، بویژه دلباخته کتاب بود و نیکولا او^{۲۳۵}

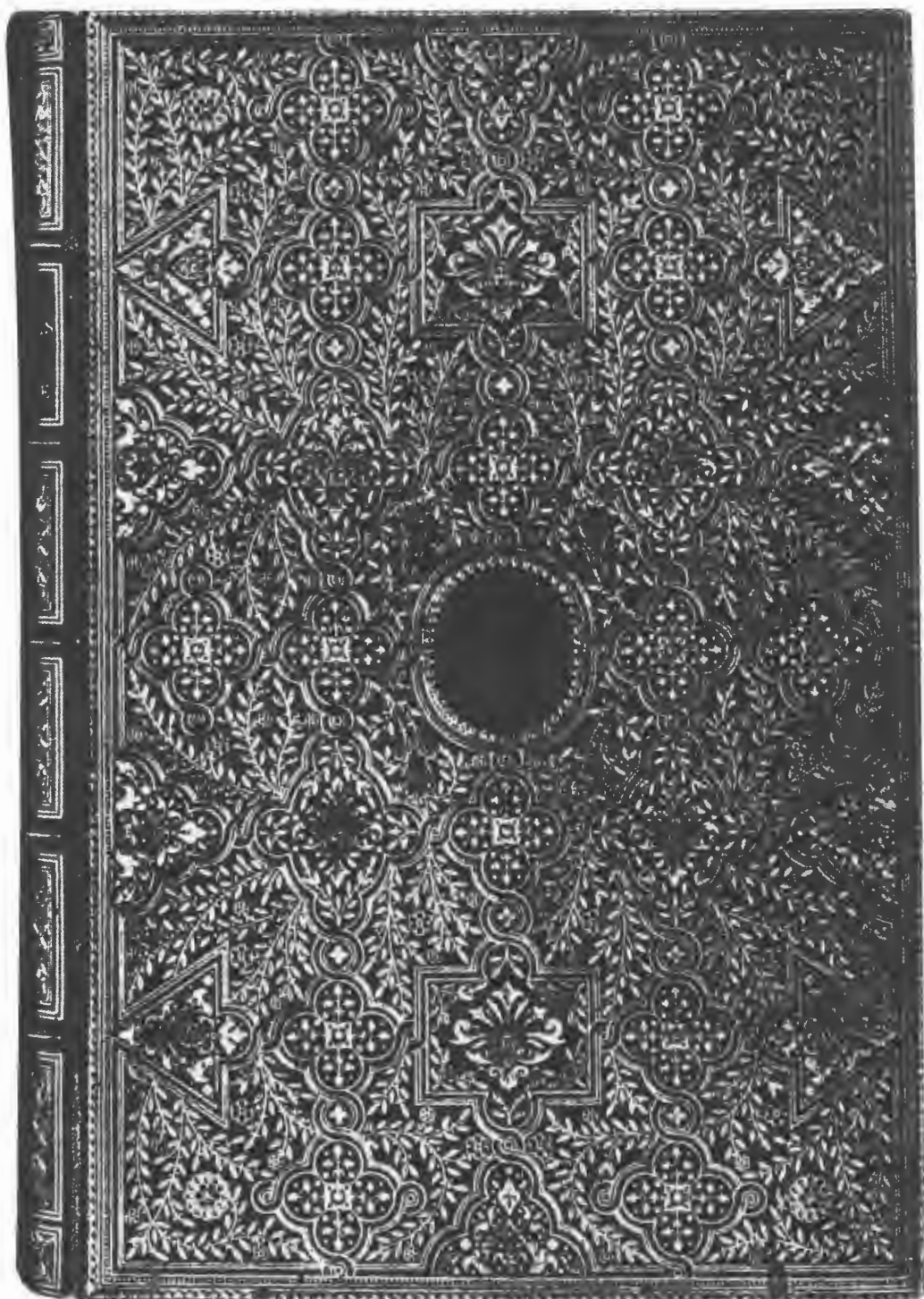
231- Geographia.

232- Berlinghieri.

233- Anet.

234- Chenonceaux.

235- Nicolas Eve.



جلدساز و نقاش دربار بود . او همچنین به کار فروش کتاب و چاپ کتاب درپاریس مشغول بود . و جلدهایی در آن جا وجود داشت که با دست خود اوساخته شده و تمامی آن از گل زنبق فرانسوی پوشیده شده بود . این گونه نقش پس از اندک زمانی در رسم بر روی جلد کتابهایی که برای پادشاهان فرانسه ساخته می شد رواج یافت .

شهرت او بویژه به سبب زینتهای معروف به سبک فانفار است که خود مبتکر آن بود ، هر چند این گفته مستند به دلیلی نیست . در جلدهایی که با این سبک زینت یافته بیشتر سطح جلد با گیاهان گلدار درهم پیچیده و شاخه های درخت خرما و درخت غار پر شده است . در چنین تزینی هنر به حد کمال رسید ؛ زیرا بافته طلایی که فرانسویها در استفاده از آن برای پوشیدن غلافها و پشت جلدها مهارت داشتند ، از تعداد زیادی اشکال کوچک که مهارت فنی بی مانندی را می طلبید تشکیل شده بود .

اما اطلاق کلمه فانفار بر این سبک از تجلید ، تنها در قرن نوزدهم توسط نودیه^{۲۳۶} که مجموعه دار بود ، انتشار یافت . او یکی از کتابهایش به نام ل فانفار و کورو^{۲۳۷} را که کتابی فکاهی بود و در سال ۱۶۱۳ منتشر کرد ، با این سبک جلد کرده بود .

کتابدوستان معاصر با هنری سوم

این سبک از هنر تجلید ، پس از مرگ هنری سوم و نیکلا او ، همچنان خواستاران زیادی داشت ، به طوری که نمونه های فراوانی از آن را در میان کتابهای بزرگترین کتابدوستان از طبقه اشراف می بینیم . از نمونه های آن ، کتابهای ژاک اوگوست دوتو^{۲۳۸} سیاستمدار و مورخ مشهور است که پدرش از دوستان گرولیه بود و هنگام مرگش در سال ۱۶۱۷ کتابخانه او حدود هشت هزار جلد کتاب چاپی و هزار جلد نسخه خطی داشت . جلدهای دوتو را بسادگی می توان از جلدهای دیگر تشخیص داد ، زیرا دارای نشانه هایی است که از سه برآمدگی و حروف اول اسمش که : IADT است تشکیل شده است . وقتی در سال ۱۷۷۸ این تجلیدات فروخته و پراکنده شد ، پس از اندک زمانی در بسیاری از کتابخانه های عمومی برای خود پناهگاهی یافت و مارگریت دو والوا^{۲۳۹} ملکه

236- Nodier.

237- Les Fanfares et Courvées.

238- Jacques Auguste de Thou.

239- Marguerite de Valois.

نافار ، از بزرگترین رقیبان ژاک اوگست دوتو در اشتیاق به کتاب بود . وی نه تنها در این زمینه دانش و اطلاعاتی وسیع داشت ، بلکه در علاقه شدید به جلد های زیبا ، نیز معروف بود . لذا کلوویس او دوست نیکلا او از جمله جلد سازان کتابهایش بود .

جلدهای معمولی

در آن جاکمترین شباهتی بین جلد های فرانسوی معمول در بازار قرن شانزدهم و جلد های کتابدوستانی که نام بردیم وجود نداشت . تزئین به وسیله پرس به طور ساده یا طلایی رواج داشت . یا این که بیشتر تزئینات از اشکال چاپ شده به طور ساده تشکیل شده و بوسیله چرخ ساخته می شد .

هنر جلد سازی در انگلستان در قرن شانزدهم

جلدهای چاپ شده بوسیله چرخ

به نظر می رسد گرچه کاربرد چرخ در فرانسه پایدار شد ، اما در انگلستان رواج آن بیشتر بود . بویژه صنعتکاران کمبریج که مهارتشان را در جلد های چاپ شده به وسیله پرس یاد آور شدیم ، کم کم از چرخ ، بیش از پرس استفاده کردند و بیشتر جلد هایشان با استفاده از چرخ ساخته می شد . قسمت وسط جلد نیز پراز نوارهایی بود که با چرخ چاپ شده و نسبت به نوارهای دیگر عمودی قرار گرفته بود .



تزئینات چرخهای انگلیسی بانظایر آلمانی‌ش اختلافی محسوس داشت . اشکال اشخاص رادر حال رقص و حیوانات افسانه ای یا شاخه های غنچه دار و مجموعه ای از برگهای درهم پیچیده را نشان می داد .

شکل ۱۱ - کریستف پلاتن .

تأثیرات فرانسوی و ایتالیایی

در حدود اواسط قرن ، جلدهایی به سبک ایتالیایی در دورهٔ رنسانس وارد انگلستان شد . همزمان سبکهای تذهیب نیز به آن جا راه یافت . در انگلستان رجال دربار و اشراف ، مانند فرانسه به کتابها اهمیت می دادند گرچه از لحاظ گسترش مجموعه و علاقه به تزئین کتاب ، به پایۀ فرمانروایان فرانسه نرسیدند . لازم است از جمله کسانی که به گردآوری کتاب اهمیت می دادند ، بویژه از هنری هفتم ، هنری هشتم ، ادوارد ششم و بخصوص از ملکه الیزابت نام ببریم . اینان به جلد کتاب از نوع ارزشمند آن ، به سبک فرانسوی و ایتالیایی علاقمند بودند . صحاف هنری هشتم و ادوارد ششم اهل فرانسه بود که در تقلید سبک آلدو و گرولیه مهارت داشت . توماس واتون یکی از اشراف بی شماری بود که دوستدار کتاب بودند . تا آن جا که لقب گرولیه انگلیسی را به او دادند چون در تقلید از این عاشق بزرگ کتاب فرانسوی به حدی رسید که بالای جلدهایش عبارت (از توماس واتون و دوستانش) را می آورد .

جلد های گلدوزی شده

ملکه الیزابت ، به نوعی خاص از جلدهایی که از مخمل و ابریشم ساخته شده و تزئینات آن بانخهای طلا و نقره یا ابریشم رنگین و گاهی با جواهر گلدوزی شده بود علاقه داشت . این سبک یکی از سبکهای جلدسازی بود که در طول قرن شانزدهم و هفدهم در خاندان سلطنتی انگلستان از آن استفاده می شد . این جلد ها از بافته هایی ساخته شده که در تاریخ جلد های هنری ، بسیار ارزشمند است و از این رودر ردیف جلد های زرکوب قرار می گیرد.

کریستف پلانتن صحاف و ناشر

پیش از این اشاره کردیم که نیکلا او ، صحاف رسمی دربار پادشاه فرانسه ، چاپخانه دار نیز بود . از این رو لازم است اشاره کنیم که در آن عصر بسیار اتفاق می افتاد

که یک شخص، همزمان کارگاه صحافی و چاپخانه را با هم اداره می کرد همچنین بسا دو پیشه را فرا می گرفت، هر چند اشتغال به یک حرفه را بردیگری ترجیح می داد. مثلاً کریستف پلانتن به عنوان صنعتکار بزرگ کتاب فلامنکی چنین وضعی داشت. وی فرانسوی و در ابتدای امر صحاف بود ولی به عنوان چاپخانه دار و ناشر شهرت یافت.

انتشارات پلانتن

پلانتن در کارگاهش در شهر تجارتی مشهور انورس، طی چهل سال که به کار مشغول بود بیش از هزار و ششصد کتاب منتشر کرد که برخی از آنها کاملاً کتابهای بزرگی بودند. وی در آن زمان توانست کتابهایی را به همه زبانهای معروف در اروپا چاپ کند و در حوزه کارش حروف بسیاری در اختیار داشت که توانست تورات بزرگی را در هشت جلد به پنج زبان مختلف چاپ کند. همان توراتی که به چند زبان بین سالهای ۱۵۶۹ تا ۱۵۷۳ منتشر شده است. او در سال ۱۵۸۹ درگذشت.

ناشران دیگر، کمتر بازاری به گستردگی بازار پلانتن داشتند. جای تعجب نیست زیرا کتابهای او بازار آلمان و اسکاندیناوی و فرانسه و اسپانیا و انگلستان را فرا گرفته بود و شعبه هایی هم در لیدن و پاریس داشت. او کتابهای علمی و لغوی و قانونی و ریاضی را چاپ کرد. علاوه بر اینها در آن جا تعداد زیادی کتابهای دینی بود که نشان چاپخانه پلانتن بشکلی خاص رانیز داشت. این نشان عبارت از دست و پرگار بود و شمار مخصوص به خودش را که کار و استقامت است، به همراه داشت.

همکاران پلانتن

حروف رومی پلانتن که توسط صنعتکاران فرانسوی از جمله حکاک مشهور گیوم لوبله^{۲۴۰} محکم و پهن کنده کاری شده بود، به هیچ وجه دست کمی از حروف استین نداشت بلکه حروف مایل او، برتر از حروف آلدو بود.

دانشمندی در خدمت پلانتن بودند. بزرگانی که پیش از او بودند نیز، چنین وضعی داشتند. یکی از دامادهايش به نام فرانس رافلنگیوس^{۲۴۱} که وارث چاپخانه اش

240-Guillaume le Blé.

241- Frans Raphelengius.

در انورس در بلژیک شد ، مردی دانشمند بود . اما دوداماد دیگرش به طور یکسان در شعبه های مؤسسه اش کار می کردند ، سپس پسریکی از آنان به نام بالتازار مورتوس^{۲۴۲} شهرتی به دست آورد ، که بعداً معاون هنرمند مشهور روبنز^{۲۴۳} شد . کارگاههای پلانتن مجموعه عظیمی را تشکیل می دادند که در آن چاپ کنندگان ، ریخته گران حروف ، حکاکان قالب ، نقاشان و صحافان به کار مشغول بودند . این کارگاهها تا سال ۱۸۷۶ که پایدار ماند ، همچنان فعال و پویا بود . تا این که حکومت بلژیک خانه بزرگی را که مؤسسه پلانتن در انورس در آن جا قرار داشت ، خرید و موزه ای به نام موزه پلانتن - مورتوس تأسیس کرد که امروز در تمام دنیا معروف است و صنایع قدیمی تاکنون در آن نگهداری می شود و از لحاظ مادی اوضاع و احوال روشهای چاپ را عرضه می کند .

رونق دوباره کنده کاری روی چوب در آلمان

پلانتن بسیاری از کتابهایش را با اشکالی که روی چوب کنده کاری شده بود ، تزئین می کرد . با این که کنده کاری روی چوب در آن زمان چنان که گفتیم ، بسیاری از ویژگیهای خود را در همه جا از دست داده بود ، در عین حال بار دیگر در اواسط قرن شانزدهم رونق یافت .

کنده کاران روی چوب در فرانکفورت

گروهی از هنرمندان به نام ورجیل سولیس^{۲۴۴} ، هانز زابالت بیهم^{۲۴۵} ، یوست آمان^{۲۴۶} ، توبیاس استیمر^{۲۴۷} که از بقیه با استعدادتر بودند ، پیرامون ناشر بزرگ زی گیسموند فوی ثرابند^{۲۴۸} در فرانکفورت گرد آمدند .

در آن جا بسیاری از چاپهای تورات و نوشته های پیشینیان در قطع نصف انجام شد . از این کتابها آن که بیشتر رایج بود ، کتابی مصور به اشکال کنده کاری شده روی

242- Balthasr Moretus.

243- Rubens.

244- Virgil Solis.

245- Hans Sebald Beham.

246- Jost Amman.

247- Tobias Stinner.

248- Sigismund Feuerabend.

چوب است که در سال ۱۵۶۴ یوست آمان آن را تحت عنوان **وصف تمامی حرفه های روی زمین**^{۲۴۹} منتشر کرد. بعد از آن، این کتاب به عنوان کتابی که دارای قدیمی ترین و واقعی ترین اشکالی است که کارگاههای قدیم چاپ کرده اند، مورد استفاده واقع می شد. مثلاً در این کتاب قدیمی ترین عکسها را از چاپخانه و کارگاه صحافی و کاغذ سازی می بینیم. همچنین یوست آمان تصویر زنده ای از یکی از جلسات دادگاه رانقاشی کرد که برای تزئین تعدادی از کتابهای قانون که فوی ثرابند منتشر کرد، به کار گرفت. هنوز تعدادی نقاشی در دست داریم که به دست ورجیل سولیس برای **تورات لوتر و افسانه های ازوپ**^{۲۵۰} تهیه شده و در سال ۱۵۶۴ انتشار یافت. تویاس استیمر از کسانی بود که در تولید برخی کتابها که دارای تصاویری از بعضی افراد بود و در آن زمان زیاد منتشر می شد، شرکت داشت. از جمله آن کتابها، کتابی است که تالیف کشیش ایتالیائی پل جوویا پائولو جیوویو^{۲۵۱} است و ناشر پتر وپرنا^{۲۵۲} اهل بال آن را منتشر کرده و شامل شرح حال و عکس شخصیتهای ادبی مشهور می باشد.

از این زمان کتاب مشهور و مصور دیگری از جاکوب استرادا^{۲۵۳} وجود دارد که در زوریخ چاپ شده و شامل مجموعه عکسهای کشیشان مسیحی است.

و نیز می توان به کتابهای مصور عامه این زمان، سری امبل ماتا^{۲۵۴}، یعنی کتابهای مصور را ملحق کرد که مجموعه های کوچکی از امثال و حکم فلسفی است و اشکال غریبه آن به صورت رمز و معماست. صنعتکاران، این اشکال را به عنوان نمونه در نقاشیهای زینتی خود به کار می بردند.

نابودی هنرکنده کاری روی چوب

چیزی نگذشت که کنده کاری روی چوب به طور کلی از نیمه دوم قرن شانزدهم از بین رفت در حالی که قبلاً در کاربرد آن به حدی افراط می شد که تولید آن به صورت فراگیر درآمده بود چنان که در پایان دوره رنسانس گرایش به پربار کردن روی عکسها

249- Description de Tous Métiers de la terre.

251- Paul Jove or Paolo Jiovio.

254- Emblemata.

252- Pietro Perna.

250- Fables d'Esop.

253- Jacob Strada.

از اشکال بسیار، منجر به از بین رفتن تمامی تناسب آن و نتیجتاً باعث کسادی هنر شد. در این زمان که کم کم نابودی آشکار می شد، کنده کاری روی مس که تا این هنگام در کتابها جز به عنوان نشان ظاهر نشده بود با کشمکشی سخت وارد کتاب شد، نخست به صورت لوحه آغازین کتاب آغاز و سپس تنه‌اروشی برای نقاشی شد و کریستف پلاتن کنده کاری بر روی مس را در بسیاری از چاپهای زیبایش به طور گسترده به کار برد. در نتیجه این نوع کنده کاری در فرانسه نیز به طور کامل مطلوب واقع شد. هنر کنده کاری روی چوب که جای خود را در تزئین کتابها از دست داده بود. جز در قرن نوزدهم و در دوران تذهیب رومانتیکی رونقی کسب نکرد. قرن هفدهم و هیجدهم عصر کنده کاری روی مس بود و چون کنده کاری روی مس به پایان رسید، چاپ سنگی و روشهای معاصر آن که اغلب نشان چاپ صنعتی داشت، رواج خود را آغاز کرد.

برای مطالعه بیشتر - مترجم

چاپ

آرین پور، یحی «چاپ و چاپخانه»، در از صباتانیم، تهران، جیبی، ۱۳۵۰، ص ۲۲۸-۲۳۴.

اسعدی، اسماعیل، «پیدایش چاپ»، سخن، سال ششم، ص ۴۴۲-۴۴۹.
افشار، ایرج. «کتابهای چاپ قدیم در ایران و چاپ کتابهای فارسی در جهان»، هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۴۹، ص ۲۶-۳۳.

امین نظر، احمد. چاپ سنگی، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۶۵، پایان نامه تحصیلی.

«اولین کتابهایی که در ایران چاپ شد»، اطلاعات، شماره ۱۴۹۲۶ (۱۳۵۴/۱۱/۱۴).
ایران، وزارت اطلاعات، اداره کل مطبوعات، سیر تکامل چاپخانه و مطبوعات در ایران، تهران، وزارت اطلاعات، اداره کل مطبوعات، بی تا، ۱۹ ص.

پایان قرون وسطا / ۲۳۹

براون ، ادوارد گرانویل ، « کتابهایی که در اوایل بطبع رسیده » ، در تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت ، ترجمه محمد عباسی ، تهران ، معرفت ، ۱۳۳۷ ، ج ۲ ، ص ۱۲۹-۱۳۰ .

بهمن زاده ، اصغر ، تکنیک چاپ های دستی ، تهران ، دانشگاه تهران ، دانشکده هنرهای زیبا ، بی تا ، پایان نامه تحصیلی .

پسیان ، منوچهر ، چاپ و چاپخانه ، تهران ، دانشگاه تهران ، دانشکده هنرهای زیبا .
پیام ، سال نوزدهم ، شماره ۲۱۸ (مرداد ۱۳۶۷) ، شامل ۱۰ مقاله در زمینه تحوّل چاپ .
تربیت ، محمد علی ، « تاریخ مطبعه و مطبوعات در ایران » ، تعلیم و تربیت ، دوره چهارم ، ص ۶۵۷-۶۶۴ و ۷۲۱-۷۲۴ .

« چاپ قدیمی ترین کتاب چاپی فارسی » راهنمای کتاب ، دوره چهارم ، ص ۷۰۷ . حسینی لاهیجی ، جلال ، کتاب آموزش چاپ (بی تا) ، ۱۳۶۲ .

خوشخوی زهتاب ، ابوالقاسم ، کتابشناسی کتاب و کتابداری در ایران ، به زبان انگلیسی .
دانشور ، هوشنگ ، صنعت چاپ ، تهران ، سازمان جغرافیائی کشور ، ۱۳۵ ، ص ۳۹۴ ، مصور ، جدول .

رائین ، اسماعیل ، « اوّلین چاپخانه ایران » ، آلیک ، تهران ، ۱۳۴۷ ، ص ، نمونه ، عکس .
رضوانی ، احمد ، « اوّلین کتابهای چاپی آثار مذهبی بود » ، اطلاعات ، شماره ۱۴۹۰۷ (۱۳۵۴/۱۰/۲۱) .

روضائی ، محمد علی ، « کتابهای چاپی و خوشنویسان تبریز » ، آینده ، دوره ششم ، شماره ۱ و ۲ (فروردین و اردی بهشت ۱۳۵۹) ، ص ۹۵-۱۱۰ .

زیدان ، جرجی ، « ظهور چاپ در شرق میانه » ، نامه انجمن کتابداران ایران ، دوره پنجم ، شماره ۱ ، ص ۳۱-۳۵ .

« سیر تکامل چاپ در قرون گذشته و امروز » ، زمین و زمان ، شماره ۲۶ (آذر و دی ۱۳۵۱) ، ص ۱۴-۱۵ ، ۹-۱۲ ، ۷۵۳-۷۶۲ .

صافی ، قاسم . از چاپخانه تا کتابخانه ، بررسی روشهای چاپ و آماده سازی کتاب و مطبوعات ، ویرایش ۲ ، با تجدید نظر کامل ، تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۶۱ ، ۲۵۴ ، ۷۲ ، ص ، مصور (انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۸۶۶) .

صافی ، قاسم ، از چاپ سپاری تا کتابخوانی ، آشنایی با شیوه های چاپ و مراحل آماده سازی کتاب ، مطبوعات ، تهران دانشگاه تهران ، ۱۳۶۴ ، ۳۰۳ ص ، مصور (انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۸۶۶) .

صافی ، قاسم ، دائرة المعارفی پیرامون چاپ و نشر مطبوعات ، کتاب ، روزنامه ، مجله و آموزش کتابداری ، تهران (بی نا) ، ۱۳۶۰ - ج ، مصور ، جدول ، نمونه . صنایع الدوله (اعتماد السلطنة) ، محمد . «تاریخ چاپ و روزنامه در ایران» در المآثر والآثار ، کتابهای ماه ، دوره دوم ، ص ۱۸۵ - ۱۸۷ .

فلّاحی ، محمد «چاپ افست» ، تحقیقات روزنامه نگاری ، دوره ششم ، شماره ۲۲ (دی ماه ۱۳۴۹) ، ص ۴۶ - ۴۸ و شماره ۲۳ (خرداد ماه ۱۳۵۰) .

محیط طباطبائی ، محمد (ودیکران) «چاپ سربی و سنگی» ، راهنمای کتاب ، سال نوزدهم ، شماره ۱ - ۳ ، ص ۲۰۸ - ۲۱۶ .

«قدیمیترین کتاب چاپ فارسی» ، راهنمای کتاب ، ج ۴ (۱۳۴۰) ، ص ۷ .

مرادی ، نورالله ، «صنعت چاپ» ، خبرنامه انجمن کتابداران ایران ، دوره چهارم ، شماره ۲ (تابستان ۱۳۵۰) ، ص ۱۰ - ۳۴ .

مصاحب ، غلامحسین ، «چاپ» در دائرة المعارف فارسی ، تهران ، فرانکلین ، ۱۳۴۵ ج ۱ ، ص ۷۸۵ - ۷۸۶ .

معصومی همدانی ، حسین ، «حروف چینی دستی» ، نشر دانش ، شماره ۱ (آذر دی ۱۳۵۹) ص ۱۳ - ۱۵ .

«حروف چینی ماشینی» . نشر دانش ، شماره ۲ ، (بهمن و اسفند ۱۳۵۹) ، ص ۵۲ - ۵۴ .

میناسیان ، لئون ، «نخستین کتاب چاپ شده در ایران» راهنمای کتاب ، دوره دهم ، ص ۲۹۴ - ۲۹۵ .

نفیسی ، سعید ، «تاریخ چاپ : نخستین چاپهای مصور در ایران» ، راهنمای کتاب ، دوره اول ، ص ۲۳۲ - ۲۴۰ .

«صنعت چاپ مصور در ایران» ، پیام نو ، دوره دوم ، شماره ۵ ، ص ۲۲ - ۳۵ .

نمایشگاه چاپ سنگی در ایران ، راهنمای کتاب ، شماره ۱۷ (۱۳۵۳) ، ص ۸۴۸ - ۸۵۴ .

هاشمی دهکردی ، حسن ، «چاپ سنگی ، حیات تازه ای در کتابت» ، فصلنامه هنر ، شماره

۷ (زمستان ۱۳۶۳)، ص ۹۰.

همایونفر، رکن الدین، «سیر تکامل و ترقی چاپ و نشر کتاب در ایران در ۲۵ سال اخیر»، هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۶۳ (دی ماه ۱۳۴۶)، ص ۱۲-۱۵.

خوشنویسی

آثار خوشنویسان ایران، ۱۲ قطعه عکس رنگی از اساتید و قدمای خوشنویس ایران به همراه برشوری از تاریخ خوشنویسی به دوزبان انگلیسی و فارسی.

آثار خوشنویسان ایران، تهران، فرهنگسرا، ۱۲ تابلو، (دریک مجلد)، رنگی (آشنایی با شاهکارهای ایران، ۵)

آهنگران، حسن، قطعات منتخب نستعلیق، موضوعات آزمون انجمن خوشنویسان ایران، سال ۵۶ تا سال ۶۲، قم (بی نا)، ۱۳۶۳، ۹۶ ص.

ابراهیم، کرامت الخط العربی: نماذج من الخط الثلث والنسخ والفارسی کتبها سید ابراهیم، الطبعة الثانية مزیدة، قم، الرضی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ۸۸ ص

اصفهانى، حبیب، تذکره خطاطان، شامل خطاطان، نقاشان، مذهبیان و قاطعان و جلدسازان ایرانی و عثمانی به انضمام کلام الملوك، تألیف میرزا حبیب اصفهانى، ترجمه رحیم چاوش اکبری، تهران، کتابخانه مستوفی، ۱۳۶۹، ۳۰۰ ص، مصور (بخشی رنگی).

امیرخانی، غلامحسین، مشق ثمنی، بخط غلامحسین امیرخانی، تذهیب از محمد طریقتی تهران، شرکت پاینده، ۱۳۶۷، ۱۲ برگ.

ابن بادیس، معزتمیمی، حمدة الكتاب وعدة ذوی الالباب، فيه صفت الخط والاقلام والمداد واللیق والحبر والاصباغ وآلة التجلید، تألیف المعزین بادیس التمیمی الصنهاجی، حققه وقدم له نجیب مایل الهروی، عصام مکّی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۹ هـ. ق، ۱۴۶ ص، مصور (بخشی رنگی).

افشار، ایرج، «خط و خوشنویسی» و فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی، ج ۴، ۱۳۵۱-۱۳۶۰، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹، ص.

ایران ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، کمیته هنری ستاد امور جنگ قلمروایشان ، جنگ
تحمیلی و کلک خوشنویسان ، تهران ، ۱۳۶۷ ، ۱ ج ، (بدون صفحه شمار) .

ایرانی ، عبدالمحمد ، پیدایش خط و خطاطان ، به انضمام تذکره خوشنویسان معاصر ، تألیف
ونگارش علی راهجیری ، تهران ، ابن سینا ، ۱۳۴۴ . ۱۸۲ ، ۲۲۳ ص .

اسماعیلی قوچانی ، علی اکبر ، کلک خوشنویسی در مقام معلم ، بخط علی اکبر اسماعیلی
قوچانی ، مشهد ، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ، ۱۳۶۵ ، ۴۰ ص .

کلک خوشنویسی ، چهل حدیث رضوی به نظم و نثر ، مشهد ، بهمنش و انتشارات آستان قدس
رضوی (۱۳۶۸ ، ۴۴ ص .

اخوین ، عباس ، بحر عشق ، « مرقع مشهد » حاوی چلیپاهایی چند ، یادگار سفر عباس
اخوین ، تهران ، محمد روزبهی ؛ مشهد انجمن خوشنویسان ، ۱۳۶۸ . ۱ ج (بدون
صفحه شمار) ، نمونه (رنگی) .

اسماعیلی قوچانی ، علی اکبر ، خود آموز خوشنویسی ، خطوط نستعلیق ، نسخ ، ثلث ،
مشهد ، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ، ۱۳۶۵ ، ۱۳۶ ص .

ایرانی ، عبدالمحمد ، پیدایش خط و خطاطان ، به انضمام تذکره خوشنویسان معاصر ، تألیف
ونگارش علی راهجیری ، تهران ، ابن سینا ، ۱۳۶۴ ، ۱۸۲ ، ۲۲۳ ص .

بابهاران ، آثاری از اساتید و هنرمندان انجمن خوشنویسان ایران ، تهران ، انجمن خوشنویسان
ایران ، دفتر مرکزی ، ۱۳۶۱ ، ۱۶ کارت پستال .

بختیاری ، جواد ، سخن عشق ، قطعات نستعلیق از منتخب غزلیات حافظ ، مولانا و سعدی ،
خط جواد بختیاری ، تهران ، انجمن خوشنویسان ایران ، وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی ، ۱۳۶۶ ، ۱ ج ، (بدون صفحه شمار) .

بهارستان ، مجموعه مرقعات کتابخانه ملی و مرکز اسناد دانشگاه تهران ، خطوط مختلفه ،
نستعلیق ، ثلث ، نسخ ، شکسته نستعلیق به کوشش جواد یساولی مانی ، تهران ،
یساولی (فرهنگسرا) ۱۳۶۱ ، ۱۲۶ ص .

بیانی ، مهدی ، مجموعه دکتر مهدی بیانی ، تهران ، فرهنگسرا ، امین ، ۱۳۶۳ ، ۲۰۸ ص .

مرقع گلشن ، سه رساله و چهار شرح احوال ، سراط السطور ، سلطان علی مشهدی ، مداد
الخطوط میر علی هروی ، آداب المشق میر عماد الحسینی با آثار از خوشنویسان بزرگ ،

مجموعه مقالات انتخابی از مهدی بیانی ، محمد علی سنگلاخ ، تهران ، فرهنگسرا ، ۱۳۶۸، ۱۱۹ ص .

احوال و آثار خوشنویسان ، نمونه هایی از خطوط خوش ، به کوشش حسین محبوبی اردکانی تهران ، دانشگاه تهران ، ۴ ج ، (انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۰۵۸ / ۴-۱ ، گنجینه های تحقیقات ایرانی) نیز در سال ۱۳۶۳ ، چهار جلد در دو مجلد توسط انتشارات علمی .

پیدایش خط ، ترجمه فرج الله خداپرستی ، تهران ، پدیده (بی تا) ۲۸ ص ، مصور (رنگی) .
ثلث نویسی . حامد الامدی (و دیگران) . تهران ، یساولی (فرهنگسرا) (بی تا) .
۸۸ ص . مصور .

حافظ ، شمس الدین محمد . دیوان حافظ به تصحیح حسین الهی قمشه ای ، خط غلامحسین امیرخانی ، تذهیب و مینیاتور از محمد باقر آقامیری ، تهران ، انجمن خوشنویسان ایران ؛ سروش ، ۱۳۶۸ ، ۵۳۶ ص .

دیوان حافظ . بخط میرعماد ، مقدمه عبدالعلی برومند ، تهران ، نگار ، ۱۳۶۹ ، ۵۱۲ تابلو (رنگی) .

رقم مهر ، گزیده غزلیات خواجه عرفان شمس الدین محمد حافظ شیرازی بخط خوشنویسان معاصر ایران ، تذهیب از محمد طریقتی ، تهران ، انجمن خوشنویسان ایران ، ۱۳۶۷ ، ۳۲ تابلو (داخل پاکت) به مناسبت برگزاری کنگره جهانی بزرگداشت حافظ .

طریقه عشق ، شانزده تابلو از منتخب غزلیات حافظ ، خط جواد بختیاری ، تذهیب از محد طریقتی ، تهران ، شرکت افست ، ۱۳۶۷ . ۱۵ برگ .

غزل نگار حافظ ، خط عباس اخوین ، خلیل رسولی ، تذهیب تذهیب نگاران معاصر ایران ، تشعیر عباس جمالپور ، مینیاتور ، محمد باقر آقامیری ، تهران ، سروش ، ۱۳۶۷ ، ۱۴ تابلو رنگی .

حافظ و کلک نقاشان ، برگزیده آثار نقاشی ، نقاشیها از میرزا آقا امامی و دیگران ، تهران ، نگار ، ۱۳۶۹ . ۱ ج (ده تابلو) ، مصور (رنگی) ، (هوای وصال ، ۲) .

حمیدی ، سروناز ، مجموعه قطعات خوشنویسی رباعیات استاد حمیدی (بی جا ، بی نا ، بی تا) ۱۵۲ ص .

خروش ، کیخسرو ، سطر نویسی تاکتاب ، مجموعه ای از خطوط نستعلیق در اقلام مختلف ، راهنمای هنر جویان خط ، شیوه کیخسرو خروش (بی جا) یوش ، ۱۳۶۳ ، ۷۹ ص .
الخطاط ، هاشم محمد ، قواعد الخط العربی ، مجموعه خطی انواع الخطوط العربیه . بغداد ، مجله وزارة المعارف العراقیة (بی تا) ، ۶۴ ص .

داماس ، ژاک ، هنر خطاطی در ترکیه از قرن دوازدهم ، مترجمین گروه صادقی وند ، بهروز گلپایگانی ، تهران ، یساولی (فرهنگسرا) (بی تا) ، ۱۲۱ ص .

درخت دوستی . خط ونشر امیراحمد فلسفی ، تذهیب و مینیاتور ، تهران ، فلسفی ۱۳۶۹ ، ۱۲ برگ (رنگی) .

راهگیری ، علی ، تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران ، تهران ، کتابخانه مرکزی ۱۳۵۱ ، ۳۱۶ ص .

تذکره خوشنویسان معاصر ، ویرایش ۲ ، تهران ، امیرکبیر ، ۱۳۶۴ ، ج .
زندگانی وآثار حماد الکتاب ، میرزا حسین خان سیفی قزوینی خوشنویس مشهور قرن اخیر ، تهران ، کتابخانه مرکزی ، ۱۳۶۲ ، ۲۸۴ ص مصور . نیز در ۱۳۵۹ در ۲۶۴ صفحه منتشر شده است .

رفیعی مهرآبادی ، ابوالقاسم ، تاریخ خط و خطاطان ، تهران ، امیرکبیر ، ۱۳۴۵ ، ۲۶۰ ص .
نمونه (کتابهای سیمرخ ، ۴۷) .

زین الدین ، ناجی ، بدائع الخط العربی ، تألیف ناجی زین الدین المصرف ، راجعه وحقق لغته عبدالرزاق عبدالواحد ، بغداد ، وزارة الاعلام مديرية الثقافة العامة ، تاریخ المقدمه ، ۱۹۷۱ ، ۵۰۰ ص .

مصور الخط العربی ، ویرایش ۲ ، بیروت ، مكتبة النهضة ، ۱۳۹۴ هـ . ق . سخن عشق : قطعات نستعلیق از منتخب غزلیات حافظ ، مولانا وسعدی به خط جواد بختیاری ، تهران ، انجمن خوشنویسان ایران ، وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی ، ۱۳۶۶ ، ۱ ج .
(بدون صفحه شمار) مصور (رنگی) .

سعدی ، مصلح بن عبد الله ، تضمین گلچین سعدی ، تضمین ۱۱۰ غزل مصلح الدین سعدی شیرازی ، اثر طبع حیدر تهرانی ، متخلص به معجزه ، خط غلامحسین امیرخانی ، تذهیب محمد طریقتی ، تهران ، انجمن خوشنویسان ایران ، ۱۳۶۸ ، ۲۴۸ ص .

- شاغل عثمانی ، احترام الدین احمد . صحیفه خوشنویسان ، علی گره ، انجمن ترقی اردو ، ۱۹۶۳ ، ۱۹ ، ۲۶۶ ص .
- شکری الجبور ، محمود ، نشأة الخط الغربي وتطوره ، بغداد ، مكتبة الشرق الجديد ، ۱۹۷۴ ، ج ۱ . (بدون صفحه شمار) مصور نمونه .
- عبدالرسولی ، مرتضی ، نمونه ای از خطوط هفتگانه ، تهران . (بی نا) ، ۱۳۶۳ ، ج ۱ ، (بدون صفحه شمار) .
- عطار ، محمد بن ابراهیم ، هفت شهر عشق ، منتخب منطق الطیر فرید الدین محمد عطارنیشابوری ، مقدمه وتلخیص حسین الهی قمشه ای ، خط محمد علی گرجستانی ، تهران ، انجمن خوشنویسان ایران ، ۱۳۶۶ ، ۱۴۹ ص .
- عطار ، محمد علی . نمونه خطوط محمد علی عطار موسوم به گنجینه خطوط درافغانستان ، دیپاچه وشرح حال از مایل هروی ، کابل ، مطبعة دولتی ، ۱۹۶۷ ، ۹ ، ۴۴ ص .
- عفیفی ، فوزی سالم . مجموعة من الخطوط العربية ، طنطا ، المكتبة القومية الحديثة ، ۱۹۷۵ ، ۸۰ ص .
- فریدریش ، یوهانس ، تاریخ خطهای جهان وسیر تحولات آن از آغاز تا امروز ، ترجمه فیروز رفاهی . تهران ، دنیا ، ۱۳۶۸ ، ۴۷۷ ص .
- فضائی ، حبیب الله ، اطلس خط ، اصفهان ، انجمن آثار ملی اصفهان ، ۱۳۵۰ - ج . بوستان هنرخط ، تهران ، سروش ، ۱۳۶۵ ، ج ۱ . (بدون صفحه شمار) .
- فن الخط ، تاریخ و نماذج من روائعه علی مرّ العصور ، کتاب مرجعی جدید وتحفة فنية رائعة ، مرکز الابحاث للتاریخ والفنون والثقافة الاسلامیه . استانبول (ارسیکا) ، مرکز الابحاث والفنون والثقافة .
- قنبری ، محمد . منتخب الآثار ، گزیده ای از آثار واحوال ثلث نویسان ممالک اسلامی ، تهران ، فرهنگسرا ، ۱۳۶۸ ، ۲۲۳ ص .
- قورچانی ، عبدالله ، خط کوفی معقلی درمساجد باستانی اصفهان ، تهران ، بنیاد اندیشه اسلامی ۱۳۶۴ ، ج ، مصور (بخشی رنگی) .
- کابلی خوانساری ، یدالله ، سماع قلم ، خط شکسته ، سرمشقه های خط ، تهران (بی نا) ، ۱۳۶۸ ، ۲۱۴ ص .

- شکسته نویسی و شکسته خوانی ، مجمرعه ای از آثار استادان خط شکسته ، تهران ، یساولی (فرهنگسرا) ، ۱۳۶۲ ، نه ، ۲۳۲ ص .
- کاور ، آلبرتن ، تاریخ خط ، برگردان عباس مخبر و کورش صفوی ، تهران ، نشر مرکز ، ۱۳۶۷ ، ۲۷۸ ص . مصور ، نمونه .
- کتابخانه ملی ، فهرست نمایشگاه خط خوش نستعلیق کتابخانه ملی ، نگاشته مهدی بیانی ، تهران ، کتابفروشی علی اکبر علمی و شرکاء ، ۱۳۲۸ ، ۶۷ ص .
- کی منش ، عباس ، صلاهی خم ، تضمین دوازده بند محتشم کاشانی ، اثر طبع مشفق کاشانی ، خط قربانعلی اجللی ، تهران ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، مرکز هنرهای تجسمی ، ۱۳۶۶ ، ۱۳۳ ص .
- گلچینی از آثار خوشنویسان ایران (بی جا ، بی نا ، بی تا) ۴۸ تابلو (رنگی) .
- گنج نور (تهران) سروش ، ۱۳۶۶ ، ۱۳ تابلو (رنگی) .
- لسان الملك ، هداية الله ، تذکرة خوشنویسان ، تهران ، یساولی (فرهنگسرا) (بی تا) ، ۱۹۰ ص .
- لینگر ، مارتین ، «هنر خوشنویسی و تذهیب در قرآن» ، نامه نور ، شماره ۱ (دهم تیرماه ۱۳۵۸) ، ص ۳۸-۴۵ .
- مجموعه خطوط ، محمد ابراهیم خلیل احمد الجامی و برخی از مشاهیر ، کابل ، بیهقی ۱۹۷۶ ، ۱۱۳ ص .
- محتشم ، علی بن احمد ، ترکیب بند مولانا محتشم کاشانی در رثاء و شهادت سید الشهداء حضرت حسین بن علی . بخط شکسته منسوب به عبد الحمید طالقانی ، خط نستعلیق غلامحسین امیرخانی ، تهران ، انجمن خوشنویسان ایران ، ۱۳۶۵ .
- مخصوص ، مسعود ، احوال و آثار مخصوص کاتب السلطان و کاتب الخاقان و آثاری از میرعماد ، وصال شیرازی ، میرزا غلامرضا ، محمد رضا کلهر و میرزا کوچک ، درویش عبد المجید طالقانی ، محمد حسین تهرانی ، معتمد الدوله نشاط ، محمد الحسینی ، علی اکبر گلستانه ، احمد بن علیرضا کلاتی ، احمد تبریزی آقامیرزا حسین ، تهران ، سروش ، ۱۳۶۸ ، ۱۰۰۰ ص .
- مرادی ، رسول ، یکصد سرمشق نستعلیق بخط رسول مرادی ، مشهد ، هنر سرای

- کلهر، ۱۳۶۱، ۵۶ ص. سرای کلهر، ۱۳۶۱، ۵۶ ص.
- مرقع آسمانی. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات، ۱۳۶۸، ۱۲ برگ، موجود در موزه رضا عباسی تهران.
- مرقعات خط، میرعماد الله الحسنی، عبدالمجید درویش، محمد رضا کلهر، میرزا غلامرضا اصفهانی، علی اکبر گلستانه، عماد الکتاب السیفی، خطوط مختلفه نستعلیق، ثلث، نسخ، شکسته نستعلیق، تهران، یساولی، ۱۳۵۹، ۲۰۴ ص، بالای عنوان: تذکره خوشنویسان.
- انجمن خوشنویسان ایران. مرقع رنگین، متخبی از آثار نفیس خوشنویسان بزرگ ایران تا نیمه قرن چهاردهم، تهران، انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۶۴، ۱ ج (بدون صفحه شمار).
- مشیری، محمد، راهنمای خواندن خطوط کوفی.
- منصوری، فیروز، فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم قمری و نقد و بررسی گلستان هنر، ویراستار عبد الله فقیهی، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۶، ۲۶۸ ص، نمونه (نشر گستره، ۴۱، مجموعه هنر، ۱) متخبی از مرقعات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، به اهتمام مصطفی مهدی زاده، حسین رزاقی، مشهد، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ۱۴۴ ص.
- نامجو، آموزش نستعلیق، خط محمود نامجو، مشهد، هنر سرای کلهر، ۱۳۶۷، ۱ ج (بدون صفحه شمار).
- نجفی زنجان، احمد. آثار جاویدان خط، بقلم و تالیف احمد نجفی زنجان، تهران (بی نا)، ۱۳۵۶، ۳۰۰ ص.
- نعیمی، علی احمد، صورتگران و خوشنویسان هرات در عصر تیموریان، کابل، مطبعة عمومی، ۱۹۴۹، ۵، ۱۲۴ ص (نشرات انجمن تاریخ، ۱۹).
- نمایشگاه مکتب اسلامی خوشنویسان (اولین: ۱۳۶۵)، اوکین نمایشگاه مکتب اسلامی خوشنویسان به همت جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی امیر کبیر؛ مکتب اسلامی خوشنویسان ۱۳۶۵، ۱ ج (بدون صفحه شمار)، مصور (رنگی).
- نیرومند، کریم، سخنوران و خطاطان زنجان، از قرن چهارم تا عصر حاضر، تالیف کریم

نیرومند با همکاری کریم زعفری ، زنجان ، مؤسسه مطبوعاتی زعفری ، ۱۹۶۸ ، ۴۴۸ ص .

واشقانی فراهانی ، فتحعلی ، کلک مشکین ، مجموعه خطوط نستعلیق استاد تحمّلی واشقانی فراهانی ، تهران ، انجمن خوشنویسان ایران ، ۱۳۶۵ ، ۱۲۸ ص . وفسی اویس ، مرقع زرین : اوراقی زرین از اساتید خوشنویس مجموعه خصوصی اویس وفسی ، تهران ، اطلاعات ، ۱۳۶۵

وفسی ، اویس ، تجلیگاه خط ، مجموعه خط نستعلیق ، تهران ، یساولی (فرهنگسرا) ، ۱۳۶۳ ، ۱ ج (بدون صفحه شمار) .

وکیلی ، عزیزالدین ، خزانه الاشراف ، مجموعه ای از خطاطی امروز افغانستان ، کابل ، بیهقی ، ۱۳۵۶ ، د . ۳۱۰ ص .

هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر ، کابل ، انجمن تاریخ ، ۱۳۴۲ ، ۲۱۹ ، ۱۲ ، ص (انتشارات انجمن تاریخ ، ۷۷) .

هاتف اصفهانی ، احمد ، ترجیع بند ، ترجمه بزبان انگلیسی از ادوارد براون ، خط غلام حسین امیرخانی ، مینیاتور و شمه از حمید مهرگان ، تذهیب و تشعیر از محمد باقر آقامیری ، تهران ، انجمن خوشنویسان ایران ؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۶۹ ، ۱ ج (بدون صفحه شمار) .

هراتی ، محمد مهدی ، تجلی هنر در کتابت بسم الله : وضوح الفن فی کتابة البسملة ، فارسی و عربی ، انگلیسی ، ترجمه و ویراستاری ، با همکاری گروه های تخصصی بنیاد پژوهش های اسلامی ، مشهد ، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ، ۱۳۶۷ ، ۵۰۰ ص .

یزدانی ، سیف الله ، شمع جمع یا منتخبات الخطوط یزدانی ، برای علاقمندان به هنر خوشنویسی و غیره ، تهران ، یزدانی ، ۱۳۶۲ . ۱ ج (بدون صفحه شمار) .

صحافی و تجلید

آتابای ، بدری ، «اسامی جلدسازان» در دیوانهای خطی کتابخانه سلطنتی . تهران : کتابخانه

سلطنتی ۱۳۵۳، ج ۲، ۱۳۷۳.

فهرست آلبومهای کتابخانه سلطنتی، تهران، کتابخانه سلطنتی، ۱۳۵۷، ۲۳۸ ص مصور، نمونه عکس.

آسلانایا، اوکتای، «جلدهای هراتی» مجموعه مقالات چهارمین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستانشناسی ایران ۱۲-۱۷ آبان.

«آشنایی با چند اثر بدیع از هنرمندان جلدساز ایرانی در قرن هشتم و نهم هجری». هنر و مردم، دوره پنجم، شماره ۴۹ (آبان ۱۳۴۵)، ص ۶۵-۶۸.

«آشنایی با هنرهای تزئینی ایران، جلد روغنی چیست و چگونه تهیه می شود؟»، اطلاعات هفتگی، شماره ۲۰۸۱، (۱۹ اسفند ۱۳۶۰)، ۱۶ ص.

ابن الصائغ، عبدالرحمن یوسف، تحفة اولی الالباب فی صناعة الخط والکتاب، تحقیق هلال ناجی، تونس، داربوسلامه، ۱۲۱ ص.

ابن بادیس، معزتمیمی، حمدة الکتاب وحمدة ذوی الالباب، چاپ عکسی توسط ایرج افشار، در فرهنگ ایران زمین ۲۱-۱۳۵۴، ص ۹۷ و صفحات بعد. این کتاب به تصحیح و مقدمه نجیب مایل هروی و عصام مکّی در سال ۱۴۰۹ ه. ق. توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی چاپ شده است.

احسانی، محمد تقی، جلدها و قلمدانهای ایرانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ۱۷۴ و ص، مصور (رنگی).

احمدی، میترا، صحافی سنتی و نقوش مورد استفاده آن برای روی جلدهای کتاب، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای، ۱۳۶۵، ۱۱۸ ص، مصور، عکس، طرح.

افشار، ایرج، «اسنادی درباره اجرت کتابت و صحافی در قرن سیزدهم» هنر و مردم، شماره ۱۸۲ (آذر ۱۳۵۶)، ص ۱۷-۲۵.

«صحافی سنتی» در فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی، جلد چهارم، ۱۳۵۱-۱۳۶۰، تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۱۳.

صحافی سنتی، مجموعه پانزده گفتار و کتابشناسی درباره وراقی، صحافی، وصالی، مجلدگری از یادگارهای هنر ایرانی و اسلامی، تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، ۱۴۹ ص، مصور (بخشی رنگی) (انتشارات کتابخانه مرکزی

- و مرکز اسناد، ۲۴).
«کتابشناسی صحافی سستی» صحافی سستی، تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۰۰-۱۰۲.
افشار، صادقی بیک، قانون الصُّور، بامقدمه عادل قاضی اف.، باکو، ۱۹۶۳.
بدیع، محمد، «کتابسازی در ایران»، تلاش، شماره ۶۹ (اردی بهشت ۱۳۵۶) ص ۴۲-۴۶.
براینتون، و. «جلدسازی و مینیاتور ایران».
برزین، پروین، «نگاهی به سابقه تاریخی کتابت قرآن، هنر و آشنائی با چند اثر بدیع از هنرمندان جلدساز ایرانی قرن هشتم و نهم هجری»، هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۴۹، ص ۶۵-۶۸.
بنووال، محمدافضل، «صنعت جلدسازی و تذهیب». ادب، ج ۲۱، شماره ۱، (۱۳۵۲)، ص ۵۷-۶۳.
بهنام، عیسی، «جلد کتاب در دوران اسلامی» هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۶۰۵ (اسفند ۱۳۴۱)، فروردین ۱۳۴۲، ۱۲ ص.
پوپ، آرتور، «جلدسازی در ایران»، ترجمه پرویز ناتل خانلری، کتابهای ماه، دوره ۳، ص ۱۲۷-۱۳۰.
«جلدزری» سخن، ج ۲۶، (۱۳۵۷)، ص ۱۱۰۶-۱۱۰۷.
دبیر سیاقی، محمد، «کتابساز»، سخن، ج ۱۶ (۱۳۴۵)، ص ۲۷۲-۲۷۶.
دیماند، موریس اسون، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، ویرایش ۲، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ۳۹۷ ص، مصور، نقشه.
راینسون، ب. و. «جلدی شاهانه، ترجمه عبدالحسین وجدانی، راهنمای کتاب، ج ۱ (۱۳۴۶)، ص ۵۳۱-۵۲۰.
«رساله جلدسازی» به کوشش ایرج افشار، چاپ شده در فرهنگ ایران زمین، ج ۱، ص ۱۶-۱۷.
رسام ارژنگی، «جلدسازی و صحافی»، طوفان هفتگی، دوره جدید شماره ۱۱، ۲.
رعنا حسینی، کرامت، «جلد روغنی»، آینده، ۷، شماره ۶ (۱۳۶۰) ص ۴۸۶-۴۸۹.

- «جلد رسمی» آینده، ۵ (۱۳۵۸)، ص ۷۵۰-۷۵۳.
- «جلدهای شاهنامه»، راهنمای کتاب، شماره ۱۲ (۱۳۴۸)، ص ۷۳۸.
- زکی، محمد حسن، «صحافی و جلدسازی» در صنایع ایران پس از اسلام، ترجمه محمد علی خلیلی، تهران، اقبال، ۱۳۲۰، ص ۱۴۳-۱۴۹.
- سفیانی، احمد بن محمد، *صناعة تفسیر الكتب والذهب*، با مقدمه پ. ریکارد، پاریس، ۱۹۵۲.
- صبا، محسن، «جلدهای ایرانی»، هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۴۹، ص ۳۴-۳۵.
- طاهری شهاب، «آثار هنردست استادان ایرانی» سالنامه دنیا، ۶ (۱۳۲۹)، ص ۲۰۲-۲۰۵.
- طاهری عراقی، احمد، «هنر جلدسازی»، نامه انجمن کتابداران، دوره هفتم (پائیز ۱۳۵۳)، ص ۳۴۳-۳۷۴.

creswell keppel archibald camron.

A Bibliography of the Architecture Arts and Crafts of islam to IST jon
1960 (Cairo)

American University at Cairo Press ,

1961, 1330, xxvp

- گاردنر، ک؛ ب.، «نمایش جلد کتابهای شرقی در موزه بریتانیا مربوط به خاور میانه و نزدیک، هند مسلمان»، راهنمای کتاب، دوره دهم (۱۳۴۶)، ص ۱۲۳-۱۳۰.
- «گرنام ماندانند، بگذار تا ندانند: گفتگو با استاد محمد حسین عقیقی، صحاف سستی»، فصلنامه هنر، شماره ۱۱ (تابستان ۱۳۶۵)، ص ۱۳۸.
- لخمی اشیلی، بکرین ابراهیم، «التیسیر فی صناعة التفسیر»، در صحیفه معهد الدراسات الاسلامیه فی مدرید، سال ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ج ۷ و ۸.
- مایل هروی، غلامرضا، رساله های خط مجنون رفیقی هروی (ورساله در حل رنگها)، کابل (بی تا).
- مایل هروی، غلامرضا، لغات واصطلاحات فن کتابسازی، همراه با اصطلاحات جلدسازی، تذهیب، نقاشی، به کوشش مایل هروی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.

شانزده ، ۲۲۰ ص ، نمونه (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۸۰ ، زیان و ادبیات فارسی ، ۳۶) .

مایل هروی ، غلامرضا ، « جلدسازی در دوره تیموریان هرات » ، آریانا ، ج ۲۸ ، شماره ۱ (۱۳۴۸-۹) ص ۱۵-۲۰ .

مصاحب ، غلامحسین ، « صحافی » ، در دائرة المعارف فارسی ، ج ۲ ، تهران ، فرانکلین ، ۱۳۵۶ ، ص ۱۵۵۴-۱۵۵۵ .

ویکا ، میشل ، « هنر کتاب سازی : تجلید ، تحوّل تجلید هنری از عصر قاجار تا امروز در ایران و اقتباسهای فرهنگی شرق از مغرب زمین » مجموعه مقالاتی زیر نظر یانریشار . مشهد ، آستان قدس رضوی ، معاونت فرهنگی ، ۱۳۶۹ . ص ۲۱۹-۲۳۵ .

هارون ، عبدالسلام « سیر صنعت صحافی در سده های نخستین اسلامی » ترجمه علی رضوی ، آریانا ، دوره بیست و چهارم ، ص ۱۰۲-۱۱۱ .

هروی ، دوست محمد ، حالات هنروران ، بسعی محمد عبدالله جغتائی ، لاهور ، ۱۹۳۶ .
هالدین ، دانکن ، صحافی و جلدهای اسلامی ، ترجمه هوش آذر آذرنوش ، تهران ، سروش ، ۱۳۶۶ ، ۲۱۵ ص ، مصور (بخشی رنگی) (مجموعه هنر اسلامی ، ۳) .

بخش چهارم

قرن هفدهم

پیشرفت هنر مصورسازی کتاب

انتقال از کنده کاری روی چوب به کنده کاری روی مس نخستین کتاب مصور به عکسهای کنده کاری شده روی مس در سال ۱۴۷۷ در فلورانس چاپ شد. سپس دو چاپخانه دار از لیون برای چاپ کتاب *سفرها*^۱ تألیف براینباخ^۲، این روش را در سال ۱۴۸۸ وارد فرانسه کردند. اما در قرن شانزدهم، کنده کاری روی مس در نقاشی، فقط برای علایم به کار می رفت، غالباً چنین اتفاق می افتاد که کتاب، با این سبک نقاشی می شد و با تصویرهایی کنده کاری شده روی چوب، تزئین می یافت و سپس به چاپ می رسید. کنده کاری روی مس، ابتدا با مقاومت دست اندرکاران چاپ روبرو شد زیرا چاپ کنده کاری شده روی مس، مانند چاپ کنده کاری روی چوب، همزمان با چاپ متن امکان پذیر نبود.

روش کنده کاری روی مس

در کنده کاری روی چوب، شکل بر روی لوحه چوبی به گونه ای برجسته کنده کاری می شود و قسمتها و ترسیمهای برجسته مرکب را به خود می گیرند و چاپ

1- Pérégrinations.

2- Breydenbach.

صورت می گیرد که همان چاپ برجسته است. اما در کنده کاری روی مس، برعکس، خطوط ترسیم، بر روی لوحه مسی به صورت گود کنده کاری می شود و کنده کاریهای گود پس از سیاه شدن به مرکب چاپ، در نتیجه فشار محکم کاغذ بر روی لوحه، شکل چاپ شده به دست می آمد. به عبارت دیگر چاپ عکسها به وسیله این کنده کاری های گود انجام می گیرد. لذا نتیجه می گیریم که چاپ عکسها همزمان با چاپ حروف غیر ممکن است و با چاپ شکلها به این روش، اثر حروف لوحه روی کاغذ بر جای می ماند. وجود این اثر، وسیله ای برای تشخیص عکسهای چاپ شده در این دوران است و معلوم می کند که چاپ آن به روش کنده کاری روی چوب، یا کنده کاری روی مس انجام گرفته است.

بنابر این وقتی در کتاب از عکس کنده کاری شده روی مس استفاده می کردند، چاپ در دفعه دوم انجام می شد؛ اول عکسها و پس از آن متن یا برعکس. پیداست که کنده کاری روی مس اساساً برای کاربرد نقاشی در کتاب مناسب نیست. در حقیقت کاملاً نمی فهمیم چرا این روش، نزدیک به دو قرن در تزیین کتاب کاملاً رواج داشته است.

کاربرد کنده کاری روی مس

استفاده بجا از حکاکی روی مس در لوحه هایی بود که مستقلاً چاپ می شد، تا در کتابها مانند عکسهای جدا از متن^۳، چاپ شود در واقع کنده کاری روی مس برای اولین بار به این روش به کار می رفت. این کار برای نقاشی صفحه آغازین^۴ کتاب با زمینه اشکال یا تمثیل رمزی از موضوع کتاب، یا جای دادن عکس نویسنده در سر صفحه پیش از عنوان بود. سپس لوحه های کنده کاری شده بر روی مس در کتابهای بزرگ مصور هم که کم انتشار آن فزونی یافت، آشکار شد و در کتابهای علمی که عکسها در آن نقش ویژه ای دارد نیز به کار رفت. همچنین در چاپ کتابهای جغرافی، تاریخ طبیعی و تاریخ هنر و باستانشناسی در پایان قرن شانزدهم و طی قرن هفدهم و در بسیاری از کتابهای قطور که شامل تابلوها و نمونه های هنر معماری و کنده کاری، یا

3- Hors-Texte.

4- Frontispiece.

چیزهایی که در کاوشهای باستانشناسی به دست آمده بود ، می شد ، از این لوحه های مسی استفاده شد . همچنین به همین طریق تعداد زیادی سفرنامه و متون جغرافی که آراسته به نقشه ها و منظره های طبیعی و مناظر شهرها و آثار باستانی بود انتشار یافت . از مشهورترین نمونه های این نوع ، کتاب تئودر دوبری^۵ از هند (۱۵۹۰ - ۱۶۲۵) بود که در چندین جلد منتشر شد . کتاب **وصف شهرها**^۶ . تالیف گیورگ پرون^۷ (۱۵۷۲) و کتاب **جغرافیای بزرگ** از مارتین زیلر^۸ نیز چنین است . کتاب اخیر آراسته به بیش از دوهزار نقشه و منظره بود ، به اضافه کتاب مصور دوره ای و کتاب قطوری دیگر که حوادث آن دوران تاریخی را تحت عنوان نمایشنامه اروپایی توصیف کرده اند .

و نیز از کتابهای مشهور این دوره ، تعداد زیادی کتابهای هنر معماری است که بدون شک عکسهای کنده کاری آن الگویی برای هنرمندان حرفه ای بود . در این جا لازم است از میان کتابها و آثار ارزشمند این عصر ، کتابهای نقاشی و کنده کاری شده پیتروسانتو بارتولی^۹ ایتالیایی از آثار رومی را به حساب بیاوریم و از میان کتابهای خاص تاریخ هنر ، باید از کتابهای مصور پیترو آگیلا^{۱۰} منقول از تابلوهای مشهور این زمان یاد کنیم .

ارزش هنری کنده کاری روی مس

کنده کاری روی مس ، به طور خاص برای چاپ تابلوهای هنری مصور مناسب بود ، زیرا حکاک می توانست فرق بین رنگها و تاثیر هنری مناظر طبیعی را دقیقاً تقلید کند . از این رو سرعت انتشار کنده کاری روی مس در عصر زرین نقاشی صرف تصادف و اتفاق نبود . اما در آنچه به جنبه هنری و ابتکاری حکاک مربوط می شود ، می بینیم که سهم حکاک روی مس نسبت به حکاک روی چوب بمراتب کمتر است . مهمترین چیزی که در نقشهای بزرگ کنده کاری شده روی مس به چشم می خورد انتقال اصل تا سر حد امکان به طور دقیق است ؛ خواه این کار به وارد کردن رنگ سیاه و سفید بجای رنگهای مختلف ، یا کنده کاری لوحه ای برای ساختمان یا بنایا پیکره ای تراشیده شده و یا حیوان

5- Théodore de Bry.

6- Theatrum urbium.

7- Georg Braun.

8- Martin Zeiller.

9- Pietre santo Bartoli.

10-Pietro Aguilu.

ویاگیاه مربوط باشد. اما در آثار تاریخی و تاریخ هنر و تاریخ طبیعی، کنده کاری روی مس، عامل کمک کننده بسیار مهمی بوده است؛ چون دقیقاً اشکال را منتقل می‌سازد. این کار ادامه داشت تا این که روشهای فوتوگرافی در قرن نوزدهم پدید آمده، و بخاطر عکسهای خوبی که به این روش تولید می‌شد بر روشهای قدیمی برتری یافت.

طبعاً مراد ما این نیست که کنده کاران روی مس به رغم مهارت بسیارشان فاقد موهبتهای هنری بوده‌اند. ماتائوس ماریان^{۱۱} سوئسی که پسران و دخترش ماریا سیبلا^{۱۲} در تولید برخی از کتابهایی که قبلاً ذکر کردیم با او همکاری داشتند باشایستگی موفق شد شهرتی فراوان به عنوان کنده کار روی مس به دست آورد.

سبک باروک^{۱۳} در هنر کتاب آرایی

اشکال رمزی لوحه آغازین کتاب

در اوایل قرن هفدهم سبک باروک برای تزئین کتابها رواج یافت و جای تعجب نیست، که اشتیاق شدید به ایجاد تاثیرات عمیق و باشکوه به طور آشکار در کتابهای در قطع نصف و قطور و در حروف بزرگ پدید آمد. هر چند روشنترین مظاهرش بویژه در شکل لوحه های آغازین کتابهای تصویری معمولی آشکار شد. این لوحه های آغازین مناظر عجیبی را نشان می‌دادند که شامل تمامی انواع موجودات عجیب و حیوانات مختلف می‌شد که درهم ترکیب شده بودند. در کتابهای آثار تاریخی، لوحه آغازین کتاب شامل تصویر شخصیتهای (کلاسیکی) قدیم بود و در وسط مناظر خرابه ها، عکس یک دانشمند و یا تصویری دیگر جای داشت. در تمامی کتابها شکلهای صرفاً رمزی و عکسهای شخصیتهای، نشان حکمت، دوستی، عدالت، دولت و دین بودند.

بسیاری از اشکال یا به عبارت دقیق تر بزرگترین اشکال لوحه آغازین کتاب که بندرت جای خالی کافی برای عنوان داشتند از حیث هنر تزئینی با تولیدات بهتر قرن شانزدهم در زمینه کتاب آرایی قابل مقایسه نیستند. با وجود این، تعداد کمی از آنها در

11- Matthaus Merian.

12- Maria Sibylla.

13- Baroque style.

سطحی عالی قرار داشتند .

اشکالی را که نقاش مشهور روبنز برای لوحه آغازین کتاب تهیه کرده بود ، همین حالت را داشت . وی بعضی اوقات با خاندان گال نزد بالتازار موراتوس^{۱۴} که عضو مرکز انتشارات پلاتنن بود ، کار می کرد .

از اشکال کننده کاری شده روبنز و شاگردانش پیداست که در این عصر ذوق هنری بیشتر معطوف به اشکال و تصاویر رمزی بوده ، در عین حال نبوغ نقاش در آنها جلوه گر بوده است به طوری که در این صفحات به رغم افراط کاریها و سایر نارساییها ، مهارتی هنری را می بینیم که بندرت در تزیین کتابهای این دوران می توان یافت . در موارد متعددی روبنز فقط طرح اولیه را ترسیم می کرد ، (که تفسیر لاتینی آن این است که روبنز آن را ابداع کرد)^{۱۵} و هنرمند دیگری نقاشی را تکمیل (نقاشی کرد)^{۱۶} و هنرمند سومی شکل را روی مس کنده کاری می کرد (این شکل را کنده کاری کرد)^{۱۷} .

هنر کتاب آرایی فرانسوی در قرن هفدهم

کننده کاران در نیمه اول قرن هفدهم

از مشهورترین حکاکان روی مس در فرانسه در نیمه اول قرن هفدهم لئونارد گولتیه^{۱۸} و توماس دولو^{۱۹} هستند . اوکی به عنوان کنده کار مخصوص اشکال شهرت یافت . روبر نانتوی^{۲۰} و شاگردش ژرار آیدلینگ^{۲۱} در هنر کنده کاری عکس اشخاص که کم کم از لحاظ تولید بیشترین زمینه فعالیت هنری را به خود اختصاص می داد شهرت یافتند . این دو هنرمند در تصویر کنده کاری شده اشخاص متخصص بودند ، و تعداد زیادی از اشکال لوحه آغازین کتاب را پدید آوردند که عکسهای مؤلفین یا عکس شخصیت ها و مردان بزرگ را نشان می داد و اینها کسانی بودند که کتاب به آنها هدیه شده بود . نانتوی حدود دویست و پنجاه عکس از این نوع را ساخت ، اما نام آیدلینگ بویژه

14- Balthasar Moretus.

17- Sculpsit.

20- Robert Nanteuil.

15- Rubens invenit.

18- Leonard Gaultier.

21- Gérard Edelinck.

16- delineavit.

19- Thomas de Leu.

با کتاب بزرگی از شارل پرو^{۲۲} با عنوان *رجال مشهور فرانسه*^{۲۳} همراه بود. ایدلینگ اهل آنورس بود، سپس در فرانسه کار کرد و تحت تأثیر مکتب روبنز قرار گرفت.

ژاک کالو^{۲۴}

به طور کلی تصویر سازی کتاب در فرانسه در نیمه اول قرن هفدهم به مقدار زیادی از هنر فلامنکی متأثر شد. ایتالیا نیز بر فرانسه و بویژه بر ژاک کالو، مشهورترین حکاک این عصر تأثیر گذاشت. ژاک کالو در سال ۱۵۹۲ از مادری دانمارکی در نانسی به دنیا آمد سپس در جوانی خانه پدرش را ترک کرد و به ایتالیا مهاجرت کرد و با دیگران در دربار امارت تسکانیا مشغول به کار شد. سپس دربار لورین او را به نانسی فرا خواند و سرانجام پادشاه لویی سیزدهم او را به پاریس دعوت کرد.

در میان کارهای کالو نقاشی هایی دیده می شود که در سال ۱۶۴۶، خود برای کتاب *نوردیر*^{۲۵} ترسیم و کنده کاری کرده است. کالو باروش تیزآب حکاکی می کرد، برعکس نانتی که حکاکی وی به وسیله قلم سنگ تراش انجام می گرفت. به این معنا که بجای کنده کاری روی مس کالو بدون واسطه، شکل را بر لوحه ای که باروکشی از موم پوشیده بود ترسیم می کرد و این کار بوسیله فلزی نوک تیز که حکاکان در رسم خطوط بر روکش مومی به کار می برند انجام می شد. سپس خطوط ترسیم شده را که از موم خالی و گود شده بود با تیزآب پر می کرد در حالی که بقیه لوحه از روکش مومی پوشیده شده و بدون تغییر باقی می ماند.

کالو تنها نقاش ماهر و دقیقی که دارای شوقی بسیار آمیخته با روح فکاهی باشد نبود؛ بلکه علاوه بر این، سازنده ای بود که به قله صنعت رسید. او روشی خاص برای پوشش لوحه مسی اختراع کرد و چندین مرتبه پی در پی بوسیله تیزآب حکاکی می کرد بطوری که به عکس حکاکی شده از لحاظ سایه و ابعاد جلوه ای مبتکرانه می بخشید. (شکل ۱۲ و ۱۳).

نبوغ کالو بر بسیاری از معاصران و جانشینان بدون واسطه اش تأثیر زیادی

22- Charles Perrault. 23- Les hommes illustres qui ont paru en France.

24- Jacques Callot. 25- Lux Claustri.



شکل ۱۲ - تصویری از لورین که با تیزآب توسط ژاک کالو در قرن هفدهم
بر روی مس نقاشی و کنده کاری شده است.



Callot

شکل ۱۳ - تصویری از لورین که با تیزاب توسط ژاک کالو در قرن هفدهم
بر روی مس نقاشی و کنده کاری شده است.

گذاشت. از قبیل استفانو دلابلای فلورانسی^{۲۶} که چندین سال رادر پاریس گذراند واز میان نقاشیهایش در پاریس شکلی فکاهی در لوحه آغازین کتاب هزلیات اسکارون^{۲۷} دیده می شود. باهمه اینها آبراهام بوس^{۲۸} به کالو شبیه تراست. چون در عکسهای متعدد و نقاشیهای کتابها از کالو پیروی کرده و توانائیش را برمشابه سازی طبیعت، براستی و عمق نشان داده تا آن جا که کارهای آبراهام بوس غالباً اسنادی مهم از زندگی مردم فرانسه در عصر اوست.

کنده کاران در نیمه دوم قرن هفدهم

تأسیس چاپخانه سلطنتی در اواخر سال ۱۶۴۰ توسط ریشلیو رویداد مهمی در پیشرفت صنعت کتاب و هنر آن در فرانسه بود. چون سری کاملی از کتابهای ارزشمند در آن جا چاپ شد. از آن جمله چاپ تورات در سال ۱۶۴۲ که نقاشیهای آن رانیکولا پوسن^{۲۹} تهیه وکلود ملان^{۳۰} کنده کاری کرد. دراین زمان سباستین کراموازی^{۳۱} نخستین مدیر چاپخانه لوفر که چاپخانه ملی کنونی است، با نظارتش بر چاپ بسیاری از کتابهای کلاسیکی کثرت دانش و برتری مقامش را به عنوان چاپخانه دار به اثبات رساند.

هنرمند دیگری که در فرانسه به فعالیت زیاد و موهبات عالی ممتاز بود فرانسوا شوو^{۳۲} است. او با نقاشیهایی از اشکال مختلف، نزد ناشران پاریس از مشهورترین نقاشان عصرش به شمار می رفت.

سباستین لکلرک^{۳۳}

با وجود این بزرگترین نام در نیمه دوم قرن هفدهم شوو نبود، بلکه سباستین لکلرک بود. لکلرک شاگرد کالو، و علاقمند به ریاضیات بود. بنابراین سری کاملی از اشکالی که در آن خطوط خشک هندسی بامناظر زیبای طبیعی درهم آمیخته بود نقاشی

26- Stefano Della Bella.

27- Scarron.

28- Abraham Bosse.

29- Nicolas Poussin.

30- Claude Melan.

31-Sebastien Cramoisy.

32- Francois Chauveau.

33-Sebastien Leclerc.

کرد . لازم است او را در ردیف بوس و شوو قرار دهیم که از پیشگامان نخستین هنر تزئینی کوچک بودند ، هنری که بعدها رونق بسیاری یافت .

مشابهت فراوانی بین هنر لکلرک و هنر استادش کالو ، دیده می شد گرچه کارهای لکلرک استحکام و عمق کمتری داشت ، باوجود این سایه آن کمتر زیبایی آن بیشتر بود ؛ فقط مقدار ناچیزی از کارهای لکلرک در زمان وزارت ریشلیو وجود داشت .

لکلرک با توجه به آنچه از هنرش یاد کردیم ، مرحله انتقال بین این عصر و عصر بعدی را نشان می داد . بعلاوه اهمیت منزلی که تزئین در هنرش پدید آورد به درجه ای است که برآنچه در قرن هفدهم رایج بود برتری یافت .

چاپخانه داران و ناشران بزرگ هلندی

به رغم فعالیت زیادی که در زمینه هنر کتاب در قرن هفدهم در فرانسه انجام می شد و به رغم جایگاه بلندی که در این قرن ناشر هوشمند کلود باربن^{۳۴} در پاریس به دست آورد در این قرن ناشرانی در فرانسه دیده نمی شوند که بتوان آنها را با امثال آنتوان ورار^{۳۵} یا سیمون وُستر^{۳۶} مقایسه کرد .

همچنان که مؤسسه پلانتن در آنورس به خاطر توسعه کننده کاری در تصویر سازی کتاب اهمیت بسیاری کسب کرد ، بلژیک به طور عام و هلند به طور خاص چنین وضعی داشتند به طوری که آنها در قرن هفدهم در زمینه های صنعت کتاب جایگاه اوّل را در اروپا به دست آوردند . علت این برتری از یک سوبه رهبری سیاسی سرزمینهای سفلی در این عصر و از دیگر سو به برتری مرکزیت آن در جهان دانش مربوط می شد . جای تعجب نیست که گروههای دانشجو از تمامی اطراف دنیا دانشگاه لیدن را هدف قرار می دادند و برای حضور در درسهایی که توسط تعداد بسیاری از اساتید مشهور تدریس می شد به آنجا وارد می شدند .

34- Claude Barbin.

35- Antoine Verard.

36- Simon Vostre.

خاندان الزویر

در اواخر قرن شانزدهم شخصی به نام لودویک الزویر^{۳۷} یا الزوی به معاونت دانشگاه لیدن منصوب شد. وی کسی است که پس از رسیدن به این مقام اجازه فروش کتاب به دانشجویان را به دست آورد. کم کم به تجارتش توسعه ای وصف ناشدنی داد زیرا فعالیتش را به شهر و وطنش هلند محدود نکرد و شعبه ای دایمی در فرانکفورت تأسیس کرد به طوری که آلمان جنوبی همه کتابهای خارجی مورد نیازش را از آنجا می خرید.



SCRIPTORVM Illustrum duo in urbe secula in primis felicissima fuisse Augulli scilicet & Vespasiorum fratrum: quum inter alios duo Plinii florere, è quibus luminot natalibus clariis, quo die & anno natus sit, adhuc quaeritur: sub Nerone, non ambigitur. Patria Novocomensis, L. Cæcilio patre, & histocici Plinii ex sorore genitus: à quo per adoptionem familiæ ejus inferus, avunculi bonorum & studiorum alio scribendi genere fuscator. Præceptores habuit Fabium Quintilianum, & Niceten sacerdotem: in Syria tribunus militum Euphratem philosophum audivit, Veritate Liviana plerumque capiebatur. Græca in Latium, nostra in Græciam dum transferret, studium suum adolescens intendebat. Puer admodum comediam Græcam composuit, elegos & heroicos aliquando pangens. Suos etiam hendecasyllabos, quorum libellum emisit, à Græcia probari gloriauit. Nunquam enim versiculos parum severos, ipse tamen integerrimus vita, laus: non sine summa

لودویک گروه بزرگی از چاپخانه داران و ناشران را گرد آورد و دامنه فعالیت اینان طی قرن هفدهم به بسیاری از شهرهای هلند کشیده شد به طوری که نام الزویر سراسر اروپا را فراگرفت. مشهورترین افراد این گروه پسر لودویک بونا وانتور^{۳۸} و نوه اش آبراهام بودند. دوران فعالیتشان در سالهای (۱۶۲۵ تا ۱۶۵۲) اوج عظمت خاندان الزویر بود.

چاپهای الزویر

همچنان که آلدو در زمانش به روش ونیزی در سراسر اروپا چاپهای کوچکش را از نوشته های کلاسیکی با حروف مایل چاپ و منتشر ساخت، چاپهای الزویر نیز تعداد زیادی از چاپهای در قطع

شکل ۱۴ - یک صفحه از نامه های بلینوس چاپ الزویر (۱۶۴۰)

دوازه و تقریباً مانند چاپهای آلدو را به بازار جهان عرضه کرد. در این عصر که کتابها در قطع نصف بزرگ رواج داشت، این چاپها مانند چاپهای آلدو پیش از این، رنگ قومی جدیدی داشت که به خاطر قطع معمولی و قیمت مناسب آن خواستاران زیادی پیدا کرد. مشهورترین این کتابها چاپ قیصر و بلینوس (شکل ۱۴) و ترانس^{۳۹} و ویرژیل^{۴۰} است.

37- Lodewijk Elzevir.

38- Bonaventure.

39- TERENCE.

40- Virgil.

این چاپها را از حیث دقت لغوی متن آن نمی توان با چاپهای آلدومقایسه کرد . این چاپ به واسطه تمیزی و صفای حروفش جلوه ای باوقار داشت که شیوه کلاسیکی به اندیشه راه می یافت . حروف آن را کریستوفل وان دیک^{۴۱} طبق الگوی گارامون کننده کاری کرده بود ، همان حروفی که بعدها مدت زیادی در انگلستان مورد استفاده واقع شد و آن هنگامی بود که کشیش فل^{۴۲} حدود سال ۱۶۷۰ آنها را وارد انگلستان کرد و در چاپخانه دانشگاه آکسفورد به کار گرفت .

سپس خاندان الزویر ، علاوه بر چاپ مؤلفات کلاسیکی بسیاری از نوشته های دیگر را نیز منتشر کردند . از جمله کارهایی که در سال ۱۶۲۶ به آن دست یافتند امتیاز چاپ سلسله ای از کتابهای کوچک است که شامل توصیف آماری و توپوگرافی عده ای شهرها بود و براین سلسله نام سلسله جمهوریه^{۴۳} اطلاق شد که بسیار مناسب هم بود . یکی از نواده های مؤسس این خاندان که همان نام را داشت و لودویک صغیر نامیده می شد در سال ۱۶۳۷ در شهر آمستردام مستقر شد او کتاب فلسفی دکارت را چاپ کرد و پیوندی محکم باقاضی بزرگ قانون دولتی هوگو گروتیوس^{۴۴} داشت . از میان چاپهای مشهور الزویر چاپ کتابهای قدیس اوکوستین در سال ۱۶۷۵ و چاپ ترجمه گرنی^{۴۵} ۱۶۵۲ و کتاب تقلید مسیح^{۴۶} اثر توماس آ . کمپیس^{۴۷} را می توان نام برد . همچنین چاپ کتاب قانون رومانی^{۴۸} بسال ۱۶۶۳ در قطع نیمه به اضافه چاپهای مویر ، کورنی ، راسین ، پاسکال و دیگران از بزرگترین نویسندگان فرانسه تا آن جا که چاپهای حقیقی الزویر از دوهزار گذشت ؛ زیرا در آن جا چاپهای متعددی بود که از الزویر اقتباس شده بود همان گونه که در رابطه با چاپهای خاندان آلدووضع به همین حال بود .

ثروت خاندان الزویر در قرن هیجدهم و نوزدهم

کتابهای الزویر بویژه در قرن هیجدهم و نوزدهم با استقبال بسیاری از کتابدوستان روبرو شد ؛ تا آن جا که منجر به پیدایش عشقی واقعی در عالم دوستداران کتاب به نام عشق الزویری^{۴۸} گردید . و این عشق و علاقه تا به امروز بویژه در بین عاشقان و

41- Christofel Van Dyck.

42- Fell.

43- The Republics.

44- Hugo Grotius.

45- Corneille.

46- Imitation of Christ.

47- Thomas A.Kempis.

48- Elzeviromania.

مجموعه داران ثروتمند آمریکایی پایدار مانده است ، به طوری که نگهداری نسخه هایی از این آثار با کمی پوسیدگی افتخار بزرگی شمرده می شود . نتیجه این ، معیار کتابهای الزویر مخصوصاً در مقایسه ابعاد حاشیه های کتابها بود ، تا جایی که نسخه های آنان که خوب مانده و به دوران طلایی خاندان باز می گردد به قیمت های خیلی عجیب به فروش رسیده است ؛ هرچند خیلی نایاب هم نبوده است از نمونه های معروف قیمت روبه افزایش برخی کتابهای الزویر کتاب کوچکی است با عنوان *قناد فرانسوی*^{۴۹} که مؤسسه الزویر آن را در سال ۱۶۵۵ به نقل از اصل فرانسوی آن چاپ کرد و قیمتش در یکی از فهرستهای مرکز انتشارشان کمی بیشتر از نصف فلورن^{۵۰} تعیین شده بود ، ولی باگذشت زمان کتاب نایاب شد ، تا حدی که بهای برخی از نسخه های خوب آن در نیمه دوم قرن نوزدهم به ده هزار فرانک رسید . از مهمترین و زیباترین مجموعه های چاپ الزویر، *مجموعه برگمان*^{۵۱} موجود در کتابخانه استکهلم است .

خاندان آئشده^{۵۲}

بخشی از ذخایر حروف الزویر در قرن هیجدهم به خاندان دیگری از چاپخانه داران هلندی تعلق گرفت . خاندان آئشده در شهر هارلم^{۵۳} که مؤسسه شان را ایزاک آئشده در سال ۱۷۰۳ تأسیس کرد .

این مؤسسه همچنان تا امروز پایدار مانده و صاحب ذخایر گوناگونی از حروف چاپ قدیم و جدید است به طوری از این لحاظ که بر تمامی چاپخانه های اروپایی برتری دارد . مؤسسه مذکور حدود بیست سال ابزار چاپی متعلق به چاپخانه دار مشهور برلینی جی . اف . اونگر^{۵۴} را که بعداً از او سخن خواهیم گفت در اختیار داشت .

گسترش حوزه مؤسسه الزویر

خاندان الزویر در فعالیتشان به عنوان تاجر کتاب بر تمامی معاصران خود برتری

49- French Pastry-Cook.

۵۰- Florin فلورن = سکه ای طلا مربوط به فلورانس در قرون وسطی (۱۲۵۲) - م .

51- Berghman collection.

52- Les Enchedés.

53- Harlem.

54- J.F.Unger.

یافتند ، بنابراین در زمینه بازرگانی کتاب کسی مانند آنان نبود . آنها در عصر خود در زمینه ادبیات فرانسه با تجدید چاپ کتابهای فرانسوی انتشارات بسیاری داشتند که ممکن نبود از طریق دیگری این کار انجام پذیرد . ایشان موفق به عقد قرار دادهای مهمی با انگلستان شدند ، چون تمامی تجارت کتاب که بین انگلستان و قاره اروپا صورت می گرفت ، در آن زمان در هلند انجام می شد . خاندان الزویر در این میدان همه در جایگاه نخست قرار داشتند .

مؤسسه الزویر کتابهایش را جلد شده می فروخت و در این مورد کارش باناشران دیگر فرق نداشت . از میان جلدسازان این مؤسسه خاندان ماگنوس^{۵۵} بود که خاندانی مشهور از جلدسازی است که در این عصر از جلدهای فرانسوی تقلید می کردند ، همان طور که کتابهای دیگری را برای دیگر چاپخانه داران هلندی جلد کردند . مؤسسه بلو^{۵۶} نیز که از سال ۱۶۱۸ تا سال ۱۶۷۲ پایدار و ویژه انتشار اطلسهای جغرافیایی بزرگ بود ، در زمره این چاپخانه داران محسوب می شود .

خاندان بلو

علم اطلسها در هلند پیشرفت زیادی کرد و به شهرهای کناره دریا رسید . از بزرگان این فن ویلیام یانسون بلو^{۵۷} مؤسس مرکز بلو بود که طی سفرهایش به شهرهای دانمارک با تیکو براهه^{۵۸} آشنا شد و معلومات ارزنده ای در هیأت ونجوم و اطلسها از او فرا گرفت . او چندین اطلس و نقشه دریایی را منتشر ساخت که در دقت و زیبایی بر نقشه های پیشین برتری داشت . به طور مثال نقشه های کره زمین^{۵۹} که در آمستردام منتشر شد از آن جمله است .

اطلس بزرگ

بزرگترین اثری که باعث شهرت این خاندان شد ، اطلس بزرگی بود که پسر بلو به نام یان^{۶۰} تهیه کرد و برای نخستین بار در سال ۱۶۰۲ در یازده مجلد در قطع نصف انتشار

55- Magnus.

56- Blaeu.

57- Willem Janszoon Blaeu.

58- Tycho Brahe.

59- Globen en Kaartemaker.

60- Jan.

یافت .

کننده کاری روی مس از علل موفقیت چاپهای او بود . وی نه تنها در ترسیم نقشه های رنگ آمیزی شده با دست ، بلکه در عکسهای لوحه آغازین کتاب و تزینات ، نیز موفق بود . به رغم بزرگی اندازه و گرانی قیمت این اطلس کاملاً مطلوب بود تا جایی که می گویند شاهزاده تسکانیا برای بهای یک نسخه عالی آن سی هزار فلورن پرداخت کرد . این اطلس بسیار گرانبها همچنان تا حال حاضر باقی مانده است .

انسان با تعجب در برابر این کار از خود می پرسد چگونه این اطلس و چاپهای قدیمی دیگرش به دست آمده است . ممکن است این سؤال را از جهتی ، در رابطه با پایین بودن دستمزد کارگران در آن زمان تفسیر کرد . ولی در بسیاری از این حالات لازم است به اهمیت اقتصادی اموالی که فرمانروایان برای تشویق به کسب علوم می دادند اعتراف کرد . ناشر با عباراتی در اوّل کتاب از آنان ستایش و سپاسگزاری می کرد . بدون این حمایتها این گونه کارهای علمی بزرگ صورت نمی گرفت ، درست همان چیزی که امروز روی می دهد که بدون کمک دولت و افراد انتشار امثال آن غیر ممکن است .

کتابخانه ها در قرن هفدهم

آغاز فروش کتاب ، از طریق مزایده

در نخستین سالهای قرن هفدهم شکل جدیدی از تجارت کتاب پدید آمد . کتاب به میدان حراجهای عمومی راه یافت تا به هر کس قیمت بالاتری پردازد فروخته شود . در آن زمان نیز هلند آغازگر این میدان بود . در لیدن معاملات اولیه کتاب از طریق مزایده انجام می گرفت . گمان می رود لودویک الزویر اولین کسی بود که به این روش عمل می کرد .

بزودی روشن شد که این روش معامله برای خریدار و فروشنده امتیازاتی دربردارد معامله از طریق مزایده ، هم به مصلحت خریدار بود و هم به مصلحت فروشنده . فروشنده بهره بیشتری می برد و خریدار ، مجموعه هایی را به دست می آورد که شامل کتابهای متفرقه فروشنده کتاب نمی شد ، آن چنان که حتماً در مجموعه های کتب

موجود در کتابفروشیها روی می دهد . با همه اینها پس از اندکی شکایات شروع می شد که کتابفروشیهایی که به این نوع فروشها اقدام می کردند از این فرصتها برای رهایی از برخی کتابهای ارزان قیمت استفاده می کردند ، به این طریق که در این موقعیت مناسب ، آن کتابها را با کتابهای حراج بفروش می رساندند ، چنان که امروزه نیز روی می دهد . فهرستی که از کتابهای چاپی در معرض فروش بین حراج کنندگان پخش می شد ، غالباً کتابها را برحسب قطع ، تقسیم کرده بودند از قبیل قطع یک هشتم و یک چهارم و نصف . پس از اندکی ، معاملات کتاب از طریق مزایده در هلند ، نظر کشورهای بیگانه را به خود جلب کرد ، به این جهت کم کم اهمیت دولتی یافت . سپس یکی از رجال دینی انگلیسی به نام جوزف هیل^{۶۱} مدتی در هلند اقامت گزید و این رسم را در سال ۱۶۷۶ به لندن وارد کرد به این طریق که کتابخانه یکی از دوستان مسافرش را خرید و چیزی نگذشت که این روش رایج شد .

حراجهای کتاب از جو مهیجی که عادتاً همراه تمام حراجهای دیگر است خالی نبود . وقتی کتابهای نایاب به حراج گذاشته می شد ، غالباً حوادث هیجان انگیزی اتفاق می افتاد . باوجود این ، رواج حراج کتابها فقط در قرن هیجدهم آغاز شد . این روش در فرانسه و آلمان نیز رایج شد ، سپس در حدود سال ۱۶۷۰ به ساکسون رسید تا این که دست به کارشدن کتابفروشان آلمان بازار رقابت آن را بی فایده ساخت .

کتابدوستان و مجموعه داران فرانسوی

هلند بدین گونه جایگاه بزرگی در تجارت کتابهای اروپایی در قرن هفدهم به دست آورد ، حتی فرانسه - به رغم رونق ادبی درخشان آن کشور - در این راه به مقام دوم دست یافت و بسیاری از انتشارات ادبی فرانسه ، چنان که ذکر کردیم ، به تقلید از هلند مدیون است . مع ذلک فرانسویها در زمینه جمع آوری کتاب در مقام اول بودند ، زیرا فرانسویان سنت گرویه را ادامه دادند و به جنبه های زیبایی کتاب اهمیت زیادی می دادند به طوری که شکوه و زیبایی شکل بسیاری از کتابها محفوظ ماند و این امتیازی است که

دولتهای اروپایی از ابتدا به آن توجه داشتند .

دوستان کتاب از میان بزرگان و اشراف

هرچه بر قدرت شاه و دربار فرانسه افزوده می شد کتابهای زیباتری به دربار راه می یافت و رقابت اشراف و درباریان به جمع آوری کتاب بیشتر می شد و شاه و لردهای دربار و سایر دوستان کتاب با خرید کتابهای نفیس سعی داشتند بر گنجینه های خود بیافزایند . این اشتیاق در زمان حکومت لویی سیزدهم و لویی چهاردهم آغاز شد و در زمان سلطنت جانشینان این دو ، لویی پانزدهم و لویی شانزدهم به اوج خود رسید . با همه اینها ، اگر اهتمام واقعی به ادبیات را به این دو پادشاه اخیر و دربارشان نسبت دهیم جداً مبالغه کرده ایم ، زیرا باید گفت ، آن دو به دوستان جمع آوری کتابهای گرانبها در امپراتوری روم شباهت دارند به طوری که در حقیقت ریشخند و زخم زبانی که فیلسوف سنکا^{۶۲} به رجال امپراتوری روم زده بود می توان بر بسیاری از این فرانسویان قرن هفدهم و هیجدهم منطبق دانست . بنابراین صرف تصادف نبود که لایبرویر^{۶۳} در کتابش به نام **شخصیتها**^{۶۴} برخی از کتابدوستان را استهزاء کرده است . البته شکی نیست که در این میان روشنفکران و کتابخوانهایی بودند که غرضشان از جمع آوری کتاب و ایجاد کتابخانه ارضای حس خودبینی و خودپرستی نبود . مجموعه های بسیاری از دوستان کتاب این قرن بزرگ که قرن دکارت و پاسکال و مولیر و راسین و ملک شمس^{۶۵} نامیده شده ، بر روح روشی گواهی می دهد که فلسفه و هنر را در این عصر از هم جدا می ساخت تا آن جا که بسیاری از کتابخانه های قرن هفدهم دارای نشان علمی بودند .

ریشلیو و کتابها

از میان سیاستمداران بزرگی که به کتاب علاقه واقعی داشتند در درجه اول باید از ریشلیو و مازارن و کولبر نام برد .

یکی از مهمترین دلایل اهتمام ریشلیو به کتاب ، چنان که دیدیم ، ایجاد چاپخانه سلطنتی در لوفر است که در پیشرفت صنعت چاپ در فرانسه تاثیر زیادی داشت . مؤسس آکادمی فرانسه نیز جمع آورنده کتاب به سبک اولیه آن بود او نه تنها بودجه

62- Seneca.

63- La Bruyère.

64- Les Caractères.

۶۵- ملک شمس یا پادشاه خورشید، یکی از القاب لویی چهاردهم است - م .

زیادی به کتابخانه اش اختصاص داد بلکه در فرصتهای بسیاری برای مصادره کتاب یا نسخه های خطی که مورد علاقه اش بود به زور متوسل می شد ، به طوری که این آکادمی در مدتی اندک به عنوان غنی ترین کتابخانه اروپا شهرت یافت پس از مرگ ریشلیو ، یکی از وارثانش مجموعه های او را به سوربن سپرد . اما بخشی از آن ضمیمه کتابخانه سلطنتی (کتابخانه ملی کنونی) شد .

کتابخانه مازارن^{۶۶}

مازارن ، جانشین ریشلیو نیز به کتاب عشق و علاقه زیادی داشت . در حقیقت او کسی است که از اوّل جوانیش به کتاب علاقمند بود . ریشلیو و مازارن برای تحقیقاتشان همکاری بزرگ یافتند که سرپرست کتابخانه هایشان بود . وی گابریل نوده^{۶۷} است که نامش در تاریخ کتاب بواسطه یادنامه ای که در سال ۱۶۲۷ تحت عنوان : توصیه هایی برای ایجاد یک کتابخانه^{۶۸} منتشر ساخت مشهور شد . این نخستین کوشش برای پی ریزی جهتی منظم بود که علم کتابشناسی در آن مسیر حرکت کرد . نوده بادقتی زیاد به کاری خستگی ناپذیر دست زد و از تمامی کتابفروشیهای اروپا فهرستی تهیه کرد تا این که موجودی کتابخانه مازارن کم کم به چهل و پنج هزار مجلد رسید که رقمی قابل توجه است .

کاردینال آرزو داشت به آسینیوس پولیون فرانسه معروف شود^{۶۹} ، یا به عبارتی دیگر کتابخانه اش را کتابخانه ای عمومی کند به طوری که همکارانش بتوانند از آن استفاده کنند . این تصمیمی بود که پیش از او ریشلیو درباره آن اندیشیده بود . این اندیشه در سال ۱۶۴۷ ، هنگامی که قرار شد کتابخانه مازارن هفته ای یک بار به روی عموم گشوده شود تحقق یافت .

اما این روزهای فرخنده بدرازا نکشید و مدتی نگذشت که مازارن (دو سال بعد از آن) از منصبش برکنار شد و کتابخانه باشکوهش بفروش رسید و در طی اغتشاشهای فروند^{۷۰} همه گنجینه آن از هم پاشیده شد . نوده که بر اثر این مصیبت بزرگ در کار خود

66- Mazarin.

67- Gabriel Naudé.

68- Avis pour dresser une Bibliothèque.

69- Asinius Pollion.

70- Fronde.

شکست خورده بود به دعوت ملکه کریستین^{۷۱} پادشاه سوئد که نسخه های خطی مازارن را خریده بود پاسخ گفت و عازم استکهلم شد و در آن جا سرپرستی کتابخانه ملکه را به عهده گرفت .

اما وقتی مازاران به قدرت بازگشت ، و شروع به جمع آوری مجموعه های جدید کرد ، سرپرست قدیمی کتابخانه اش را دعوت به بازگشت کرد . اما وی در راه بازگشت مرد و نتوانست در تأسیس کتابخانه دوّم مازاران که در سال ۱۶۹۱ برای عموم افتتاح شد شرکت کند . این کتابخانه امروز یکی از کتابخانه های مهم پاریس است .

کتابخانه کولبر^{۷۲}

کولبر نیز از دوستان و مشتاقان جمع آوری کتاب بود . هنگامی که کاردینال مازاران به طور کلی امر گسترش کتابخانه اش را به نوده واگذار کرد ، کولبر شخصاً در توسعه دادن به کتابخانه او شرکت کرد . در این زمینه هیأت های اعزامی فرانسوی بخارج به او کمک کردند ، علاوه بر این ، کتاب های نفیسی که به این مرکز اهدا می شدند به گسترش آن کمک کردند . کولبر بارها چندین مجموعه که برخی از آنها مهم بود برای آن خریداری کرد .

یکی از افراد خاندان کولبر مجموعه نسخه های خطی او را - که بیش از پانزده هزار نسخه بود - به صد هزار ایکو به لویی پانزدهم فروخت .

اما کتاب های چاپش از طریق حراج به فروش رسید و در نتیجه آن کتاب های جلد شده از پوست بز که نشان مار داشتند پراکنده شدند و بوسیله این جلدها کتابخانه های اختصاصی بسیاری در آن عصر ، تزیین شد .

دوستان کتاب در قرن هفدهم

در میان کسان دیگری که نامشان در دفترهای دوستان کتاب در قرن هفدهم مشهور است گاستون دُرلئان^{۷۳} برادر لویی سیزدهم است که دو مجموعه بزرگ داشت ، یکی در پاریس و دیگری در قصر بلوا^{۷۴} . هر دوی آنها هم اکنون در کتابخانه

71- Christine.

72- Colbert.

73- Gaston d'Orléans.

74- Blois.

ملی موجود است . پیر سگیه^{۷۵} وزیر لویی سیزدهم نیز جمع آورنده بزرگ کتاب و مشتاقی لطیف طبع نسبت به جلد کتابها بود و کم کم در کتابخانه اش که در آن اعضای آکادمی فرانسه گرد می آمدند ، در کنار کتابهای چاپش مجموعه ای که بیش از بیست هزار جلد بود فراهم کرد . در این کتابخانه تقریباً چهار هزار نسخه خطی شرقی وجود داشت . جان بالندن^{۷۶} منشی ویژه او کتابخانه ای داشت که از لحاظ کمیت از آن کمتر بود، اما از لحاظ نوع کتاب و زیبایی ، کم از آن نبود .

نخستین کتابخانه های عمومی آلمان

کتابخانه برونزویک^{۷۷}

لایپتس^{۷۸} فیلسوف ، یکی از شاگردان نوده بود که در تنظیم کتابخانه ، روش استادش را به کار برد، بدون این که کورکورانه از او تقلید کند . وی در سال ۱۶۷۶ مدیر کتابخانه ای در شهر هانور^{۷۹} شد ، سپس برای اداره کتابخانه ای که شاهزاده اوگوست دوبره و نزویک - لون برگ^{۸۰} تأسیس کرده بود به شهر ولفن بوتل رفت و در سال ۱۶۴۴ مجموعه هایش را که در قصر هیتزاکر^{۸۱} قرار داشت به آن جا منتقل کرد ، این کتابخانه بخاطر کثرت کتاب و گرانی قیمت آن موجب شگفتی معاصرین این عصر شده بود . به رغم کارهای زیاد شاهزاده در امور حکومت ، وی پاره ای از وقتش را به افزایش دادن کتابها اختصاص داده بود ؛ تا حدی که هنگام مرگش در سال ۱۶۶۶ نزدیک صدوشانزده هزار مجلد کتاب داشت . این رقمی است که بیش از محتویات کتابخانه سلطنتی پاریس است . او شخصاً برای این کتابخانه فهرستی در بیش از چهار هزار صفحه تهیه کرد .

سپس کتابخانه ولفن بوتل که در میان مجموعه های کتابخانه های باشکوه آلمان نمونه بود، تبدیل به کتابخانه ملی برونزویک شد . این کتابخانه تنها نمونه ای از کتابخانه های بسیار دیگر است . این نمونه ثابت می کند که کتابخانه های ملی در عصر ما

75- Pierre Séguier.

76- John Ballenden.

77- Brunswick.

78- Leibnitz.

79- Hanover.

80- Auguste de Brunswick-lunebourg.

81- Hitzacher.

از کتابخانه های فرمانروایان در قرن هفدهم سرچشمه گرفته یا این که در این عصر بسیار رشد کرده اند .

کتابخانه پروسیا

در سال ۱۶۵۹ شاهزاده منتخب ، فردریک ویلیام ، در اردوگاهش ، در ویبرگ^{۸۲} سندی را امضا کرد که در آن ، افتتاح کتابخانه قصر برلین برای عموم مقرر شده بود (گرچه معنای این لفظ در آن روز بسیار محدودتر از معنای آن در حال حاضر بود) و بدین ترتیب اساس پیدایش کتابخانه ملی پروسیای کنونی گذاشته شد . فردریک ویلیام^{۸۳} برای توسعه آن فعالیت زیادی کرد که به فراهم آوردن مجموعه های بسیار و مهم محدود نمی شد ، بلکه بودجه ثابت سالیانه ای نیز به آن اختصاص داد .

می توانیم به این کتابخانه کتابخانه ملی دیگری را که از کتابخانه های فرمانروایان سرچشمه گرفته اند ، اضافه کنیم ، که از آن جمله کتابخانه دولتی مونیخ است این کتابخانه را شاهزاده آلبرت پنجم^{۸۴} در سال ۱۵۵۸ تأسیس کرد و نیز کتابخانه ملی وین که ممکن است اصل آن به امپراتور ماکس میلان اول بازگردد . نباید از ذکر کتابخانه پاریس که قبلاً از آن بحث شد غافل بمانیم .

فعالیت در کتابخانه های فرمانروایان بزرگ

تمام کتابخانه های فرمانروایان در یک صفت عمومی مشترکند و آن این است که تاریخ آنها به رویدادهای پی در پی مسرت انگیز یا شوم منحصر می شود . فرمانروایانی بودند که شخصاً برای کتاب اهمیت قائل می شدند و مبالغ هنگفتی را به کتابخانه هایشان اختصاص می دادند . فرمانروایان دیگری بودند که نسبت به کتاب سهل انگار بودند و کتابخانه ها را رها می کردند تا به حیات غیر فعال خود ادامه دهند .

وقتی مورخ دانشمند پیتر لامبچ^{۸۵} از هامبورگ در سال ۱۶۶۲ سرپرست کتابخانه دربار وین شد ، گنجینه های گرانبهای آن جا از گرد و خاک پوشیده شده بود . به طوری که ناچار شد یک سال کامل برای نظم و نظافت دوباره آن تلاش کند .

82- Viborg.

83- Frederik William.

84- Albert V.

85- Peter Lambech.

در مورد سهولت و آسانی حق استفاده و امانت گرفتن کتاب ، کتابخانه های فرمانروایان همیشه در حال تغییر و تبدیل بود . هنگامی که فردریک ویلیام برای این که خدمتی به امرا کند استفاده از کتابخانه قصر را برایشان آزاد گذاشت ، دستوری دیگر در سال ۱۷۱۰ صادر شد که حق امانت گرفتن کتاب را فقط به مستشاران سرّی و اعضای آکادمی علوم منحصر می کرد .

اگر سرپرست کتابخانه می توانست نزد حاکم نفوذی پایدار یابد ، این امر در گسترش کتابخانه اهمیتی اساسی داشت . بخوبی پیداست که وجود این نفوذ یا عدم آن ، در اعتماد حاکم و مقرّری مخصوص برای این کتابخانه اهمیت داشت و پیشرفت کتابخانه های فرمانروایان به طور کلی تا اندازه زیادی موقوف بر این موقعیت ها بود .

پیشرفت هنر معماری کتابخانه ها

باگذشت زمان ، ساختمان کتابخانه ها از لحاظ نمای خارجی پیشرفت کرد . در حالی که چیدن کتابها در جاکتابی در بخش بزرگی از قرن شانزدهم معمول بود ، می بینیم کم کم پیروی از روشی خاص در غرفه های کتابخانه ها عمومیت یافت . این روش عبارت بود از چیدن کتابها به طور ایستاده برلوحه هایی به شکل قفسه در کنار دیوار که غالباً ارتفاع قفسه ها به سقف می رسید و در وسط غرفه راهروی ایجاد شده بود .

احتمال می رود این سبک معماری یعنی سبک غرفه ها ، برای نخستین بار در مادرید و دربنایی باشکوه که در نیمه دوم قرن شانزدهم برای کتابخانه اسکوریال^{۸۶} ساخته شد معمول شده باشد و تنها از این روش پیروی می شد ، و جز در نیمه قرن نوزدهم تغییر نکرد ، زمانی که روشهای معماری دیگر که از جنبه علمی سادگی بیشتری داشت جایگزین آن شد .

شکوه و تزئین در عمارت کتابخانه

در نتیجه سلیقه هنری معماران ، برای کتابخانه سالنهای بزرگ آزاد و باز ساخته شد

و بسیاری از آنها در گنبدها و ستونها و سقفهای رنگ آمیزی شده و کتیبه هایشان زیبایی فراوانی را آشکار می ساختند .

به رغم معماری کتابخانه ها که به سبک باروک بود ، ارزش زینتی کتابهای چیده شده در قفسه ها ، و تاثیر زیبایی آن در نمای عمومی ناشناخته مانده بود . بحثی نیست که شکوه و رفعت در معماری این کتابخانه ها ، باعث کم توجهی به کتابها شد ، به طوری که چهارچوبهای زینتی قفسه ها که کتابها را احاطه کرده بود جزو اصلی شمرده می شد . مع ذلک این امر ، در آن روزگار که مردم غرق در تجمل پرستی بود عیبی به شمار نمی آمد . بناچار تالارهای کتاب ، شکل موزه بخود گرفته بودند و قرار دادن کره های زمینی یا آسمانی یا ویتربینهای شیشه ای پر از نقایس هنری و همه نوع نقایس نایاب در وسط غرفه ، نیز تأکیدی بر این تجمل پرستی بود .

این امر تاحدی ، چنین تفسیر می شود که بسیاری از شیفتگان کتاب ، دوستداران گرد آوری نقایس هنری نیز بودند از جمله آنان پیر سگیه است که قبلاً از او صحبت شد . او سالنهایی برای قرائت کتابها در قصرش بنا کرد و مجموعه هایی از زینتهای چینی در آن قرار داد که نقایسی نایاب تر از خود کتابها بود .

کتابخانه سن ژنویو^{۸۷}

از بهترین نمونه های تالار کتابخانه با سبک معماری باروک ، تالار قدیمی کتابخانه سن ژنویو است که در آغاز قرن هیجدهم تأسیس شد . در این تالار شکوه و جلال و برتری تزئین هماهنگی خاص ایجاد کرده است و ارتفاع گنبد از اندازه معمول فراتر نرفته است . با این که بیشتر تالارهای کتابخانه ها بسیار مرتفع است ، حتی در بسیاری موارد لازم بود که برای تقسیم آن به دو بخش و کم شدن ارتفاع قفسه های بلند ، بالکنهایی روی همدیگر ساخته شود ، گرچه این روش نیز از استفاده از نردبانهای متحرک بی نیاز نبود .

کتابخانه وین

در میان کتابخانه های متعددی که در آن بالکنهای بلند ساخته شده ، تالاری است از زیباترین تالارهای مشهور با گنبدی عالی که در آغاز قرن هیجدهم برای کتابخانه قصر در شهر وین ساخته شده و آن را مهندس بزرگ اتریشی و متخصص سبک باروک^{۸۸} فیشر فون ارلاخ^{۸۹} ساخته است . این تالار تا امروز به همان حال بدون تغییر باقی مانده است و از باشکوهترین آثار وین به شمار می آید . طول این تالار بیش از ۷۸ متر و ارتفاع آن ۱۵ متر است و در آن ستونهایی چهار گوش از سنگ مرمر دیده می شود سقفهای رنگ آمیزی شده تالار به انواع رنگها و نقشهای متعدد تزئین شده اند و دیوارها با اشکال کنده کاری شده طلایی بر چوب جلوه خاصی دارند . در این تالار نوعی هماهنگی و وحدت به چشم می خورد که همان تاثیر هنری شگفت انگیز آن است تنها وجود نرد بانهای بلند متعدد که برای دستیابی به کتابها لازم است ، این هماهنگی را خدشه دار می کند .

کتابخانه وایمار^{۹۰}

در این کتابخانه نمونه دیگری از تالارهای کتابخانه وجود دارد که خیلی بزرگ نیست ، این کتابخانه شامل سه بالکن بلند بر روی هم و به شکل بیضی است که بتدریج گسترده می شود . ستونهای مرمرین و تاجهای آن به طلا تزئین شده و در جاهای خالی بر روی دیوارها تابلوهای هنری آویخته شده است . این تابلوها و تمثالهای نیم قد متعدد ، و کره های بزرگ زمین حالت موزه مانندی به تالار کتابخانه می دهند که گفتیم در سایر کتابخانه ها نیز غالباً دیده می شود .

بعلاوه ، آن جا ، نمونه های متعددی از تالارهای کتابخانه ای با سبک باروک وجود دارد ، بویژه بازینتهای کتابخانه های کلیسایی در آلمان جنوبی و اتریش که در موضوع اصلی تزئینی که از آن تقلید شده تنوع فراوانی به چشم می خورد .

۸۸- Baroque ، سبکی در معماری و تزئین ، عبارت از آزادی در طراحی ، کثرت اشکال گوناگون و در هم بودن ترکیب عناصر که در اواخر قرن ۱۶ در ایتالیا به وجود آمد- م .

89- Fischer von Erlach.

90- Weimar.

جلد سازی در قرن هفدهم

جلدهای معمولی

جلدهای عالی پایه پای زیباسازی عمارت کتابخانه پیشرفت کرد . مع ذلک بسیاری از جلدها در قرن هفدهم به پایه انواع جلدهای عالی که قبلاً از آن صحبت کردیم نرسیدند ، زیرا جلدها غالباً معمولی بودند . در کتابخانه ها تعداد زیادی از جلدهای ساخته شده از پوست گوساله و گوسفند را می بینیم که به این دوران بازمی گردد ، و با اشکالی از قبیل شکل پوست لاک پشت تزئین شده و یا با کربنات آهن رنگ شده اند ، ظاهر آن بسیار ساده است و شکل ساده آن به علت خالی بودن اجزای داخلی یا ستونهای آن از برگ کاج ، بسیار آشکار است ، به طوری که ستونهای آن بر گهای بزرگی را نشان می دهد .

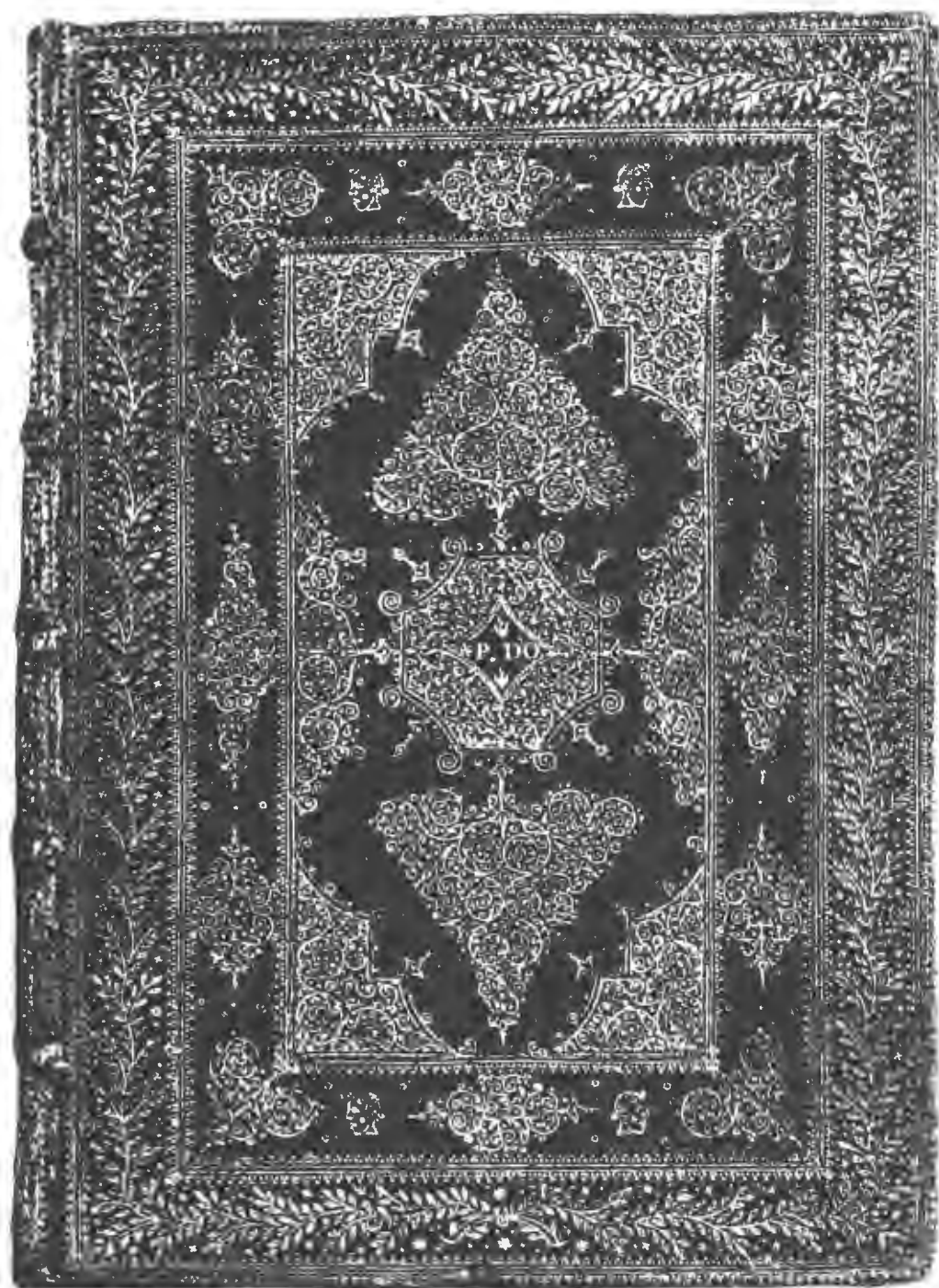
جلدهای معمولی هلندی و آلمانی از پوست خوک سفید مرغوب و ممتاز که دوبار شسته شده بود ساخته می شد . این جلدها زینتهای ساده ای داشت و عنوان کتاب را با مرکب چینی در قسمت بالایی نرم پشت جلد کتاب می نوشتند ؛ اما در جلدهای ایتالیایی و اسپانیایی ساخته شده از پوست ، عنوان کتاب بر عکس ، بر عطف کتاب نوشته می شد زیرا این جلدها مطلقاً هیچ تکیه گاهی از کاغذ محکم نداشت ، بلکه نرم و ترد و مانند جلد کتابهای کوچک ساخته شده از پوست بزکوهی بود .

جلدهای هنری

بیشتر عاشقان کتاب و فرمانروایان و اشراف چنان که گفتیم به جلدهای کاملاً ساده قانع نبودند ، بریژه در فرانسه که هنر جلد سازی در دوران فرانسوای اول و هانری دوم ارزش و اعتباری کسب کرده بود .

سبک لوگاسکن^{۹۱}

سبک فانفار با اقسام تزئین ها و شاخه هایی زینتی از جمله شاخه های درخت غار



که داشت ، نیز در ابتدای قرن هفدهم رایج بود . از سوی دیگر می بینیم جلدهای زینت یافته با گل‌های پراکنده (مانند گل‌های زنبق) و حروف اوّل و غیره تا زمان هانری دوّم ارزش خود را حفظ کرده است . امّا سبک تزینی جدیدی در سال‌های بعد در دوران حکومت لویی سیزدهم پدید آمد ، در این سبک زینتهای کوچک نقطه دار به اشکال چهارگوش دقیق مشبک با نقطه های کوچک نزدیک بهم ، مانند بافت تار عنکبوت ، بالای تمامی سطح جلد دیده می شود ، یا قسمت وسط جلدر را احاطه کرده و شامل نشانه های صاحب کتاب است ، شایان توجه است که در این سبک ، نشانه های کمرنگی از زینتهای سبک باروک دیده می شود . از این رو فرصتی برای صحبت در تاریخ جلدسازی از مدّت واقعی سبک باروک مانند دوره آن سبک در تاریخ هنر نیست . زینتها بر پشت جلد کتاب نیز آشکار بود ، حتّی در قسمت داخلی جلد نیز وجود داشت و در جلدهای گرانیقیمت ، غالباً این قسمت با پوست یا ابریشم پوشیده می شد . آما آستر بدرقه جلد که در گذشته از کاغذ سفید معمولی ساخته می شد ، غالباً کاغذ راه دار بود و همچنین کناره های کتاب راه دار یا طلایی و گاهی اوقات رنگین بود . ابتکارترین نقطه دار به لوگاسکن جلدساز منسوب است امّا درباره او اطلاع کمی در دست است ، حتّی نمی دانیم این نام ، نام حقیقی وی یا لقبی است که بر محلّ تولّدش دلالت دارد .

برخی گفته اند که لوگاسکن جلدساز دیگری است به نام فلوریمون بادیه^{۹۲} که جلد‌هایی به سبک خود ساخت ولی اکنون می دانیم که آن دو ، دو جلدساز مختلف بودند .

گسترش سبک لوگاسکن در فرانسه

لوگاسکن یا شاگردانش برای کتابدوستان بزرگ این عصر کار می کردند . از قبیل گاستون دُرلثان ، ریشیلیو ، مازارن ، کولبر ، سگیّه ، دوپویی^{۹۳} و دانشمند نیکولا کلود فابری دوپیرسک^{۹۴} و سبک خاص او در سراسر فرانسه و نیز در کشورهای مجاور آن تقلید می شد .

92- Florimond Badier.

93- Dupuy

94- Nicolas-Claude Fabri de Peiresc.

لوگاسکن احتمالاً تا سال ۱۶۶۰ به کارش ادامه داد ، اوبزرگترین مبتکر این عصر یاب‌تر بگویم مبتکر تجلیداتی است که به نامش معروف می باشد و کار او بر تولیدات همه مقلدانش برتری دارد ، نه تنها از لحاظ زیبایی ، بلکه از لحاظ عظمت اندیشه ای که آن تزئین ها را فراهم ساخته است .

همچنین یکی از معاصران لوگاسکن به نام فلوریمون بادیه^{۹۵} را نام بردیم که می گویند در سال ۱۶۴۵ کتابفروش بوده و از وی سه جلد کتاب جلد شده با امضایش باقی مانده است مخصوصاً جلدی با پوست بز و تزئین شده به زینتهای نقطه دار ارزشمند .

لوگاسکن تنها جلدساز قرن هفدهم است که می توان بطریقه ای مستند تجلیداتش را به او نسبت داد اسامی جلدسازان دیگری امثال : بوایه^{۹۶} و لویی ژوزف دوبوا^{۹۷} و اخیراً ماسه روئت^{۹۸} را می دانیم که برخی تجلیدات به آن نسبت داده شده اما محال است از روی کارهایشان بتوان حتی یک جلد را شناسایی کرد .

همچنین نوعی جلد را که در پایان قرن شانزدهم مورد استفاده قرار گرفته به اوگستن دوسوی^{۹۹} نسبت می دهند ، حال آن که این جلدساز کارش را در آغاز قرن هیجدهم شروع کرده است . این جلدها به دوقاب تزئین شده که هریک از سه خط بلند باتزئین زاویه های خارجی برای قاب دوم وزینتهایی از گل تشکیل شده است .

گسترش سبک لوگاسکن ، در خارج فرانسه

سبک لوگاسکن از جمله اشکالی بود که خاندانی از جلدسازان به نام خاندان ماگنوس^{۱۰۰} که پیش از این درباره آنها صحبت کردیم در هلند از آن تقلید کردند . این سبک بازینتهای نقطه دار برای جلد کردن کتابهای الزویر که آماده فروش بود مورد استفاده واقع می شد . این جلدها معمولاً از پوست سبزرنگ بز ساخته می شد ، در حالی که جلدهای قرمز در فرانسه و شهرهای دیگر بر آنها برتری داشت . در انگلستان نیز ، هنگامی که طبقه اشراف و شخصیت‌های دینی تعداد زیادی از دوستداران کتاب

95- Florimond Badier.

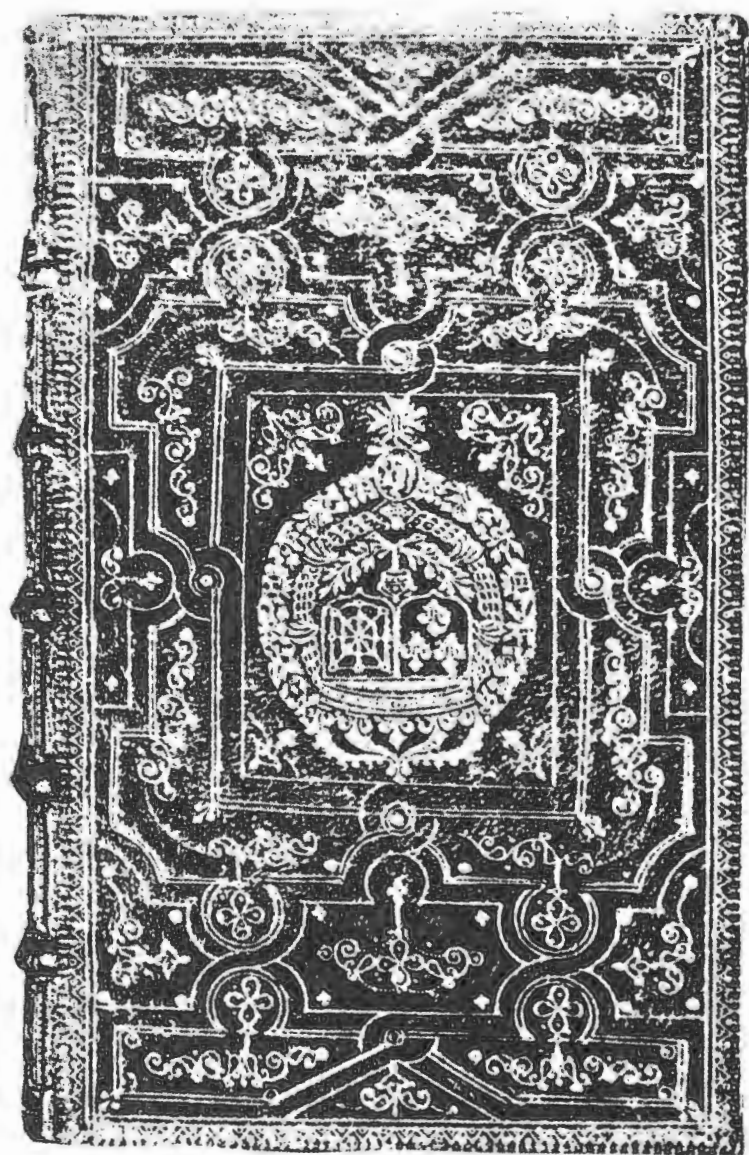
96- Boyet.

97- Louis-Joseph Dubois.

98- Macé Ruet.

99- Augustin du Seuil.

100- Magnus.



راتشکیل می دادند ، سبک لوگاسکن ، توسط ساموئل مرن^{۱۰۱} جلد ساز پادشاه چارلز دوم^{۱۰۲} وارد آن جا شد . وی زینتهای نقطه چین و غیرنقطه چین را با اشکال هلال ماه و گلهای میخک زینتی و گلهای دیگر در هم آمیخت .

سبک جلدسازی ژانسنیستها^{۱۰۳}

سبک لوگاسکن باین که تنها سبک این زمان نبود اما مدت‌ها رواج داشت . آنتوان روئ^{۱۰۴} جلدساز ، پسر ماسه روئ^{۱۰۵} برای پادشاه لویی چهاردهم و دربارش جلدهایی ساخت که زینتهای آن خیلی معتدل بود .

بعدها سادگی آن بیشتر شده و جلدهایی ساختند که تقریباً بدون تزئین بود . تا حدی که در نشان دادن تأثیر هنری در جلد سازی ، تنها به حروف جلد اکتفا می شد .

این جلدها که دارای ظاهری خشن و زبر و کاملاً مخالف با تجمل معمول در آن روزگار ، یعنی آغاز قرن هیجدهم بودند ، بخاطر هماهنگی با عقاید دینی و اخلاقی شدیدی که طایفه ژانسنی به آن معروف بودند ، جلدهای ژانسنی نامیده شدند .

در برابر این ساده گرایی برای جبران مافات در جلدسازی از بهترین نوع پوست بز استفاده می شد و چه بسا زیبایی جنس جلد به واکنشی بر ضد زیاده روی در تذهیب منجر شد . شکی نیست که در زمینه تذهیب افراط می شد ، بویژه در عصر ملک شمس ، مردم آن روزگار به لذت طلبی کشیده شدند .

زینتهای گوناگون

چیزی نگذشت که زینتهای اولیه لوگاسکن رفته رفته تغییر کردند و نقوش و تزئین های تازه و متنوعی جای آنها را گرفت . همزمان کنده کاران ، فروش اشکال نمونه ای را که جلدسازان هنرمند به کار می بردند آغاز کردند ، زینتهای ساخته شده به

101- Samuel Mern.

102- Charles II.

۱۰۳- Jansenists پیروان ژانسیوس (Jansenius) (۱۶۳۸-۱۵۸۵) که مخالف تعلیمات مذهبی سن اگوستین و مکاتب یسوعیون بود و پاسکال و دیگران طرفدار او بودند .

104- Antoine Ruetete.

105- Macé Ruetete.

شکل گل‌های کوچک یابادبزین بود که در سال ۱۶۲۰ اختراع شد ، در کنار آن نشانه های بزرگی بر روی جلدها قرار داشت و بویژه در ایتالیا رواج یافت . این زینتها وارد آلمان نیز شد ، گرچه به نمونه های فرانسوی شباهت نداشت ؛ مگر تنها توسط جلدسازان هایدلبرگ^{۱۰۶} که میراث تقلیدی را از دوران اتوهرنی حفظ کرده بودند . شاید بتوان در کتابخانه حاکم شهر کاسل^{۱۰۷} که بعدها کتابخانه شاهزاده منتخب به آن ضمیمه شد به نمونه های زیبایی دست یافت که در آن سبک فرانسوی در زینتهای نقطه دار به کار رفته است .

جنگ سی ساله و نتایج آن

برامستی سالهای پس از ۱۶۲۰ برای آلمان دوران رکود و انحطاط به حساب می آید زیرا کشمکشهای جنگ سی ساله نیروی سیاسی و اقتصادی دولت را به تحلیل برد و نیز باعث ایجاد فقر همه جانبه شد و در پی آن کم کم فرهنگ عمومی روبه ضعف نهاد . ده سال پیش از آن نظیرش در زمان جنگهای دینی (۱۵۶۲ - ۱۵۹۸) برای فرانسه روی داد . کشمکشهای دایمی و انقلابی در این زمان سراسر زندگی مردم را فرا گرفته بود شکی نیست که تمامی این عوامل به فرهنگ و تحقیقات ادبی و جمع آوری کتاب آسیب رسانید .

بحران کتاب در آلمان

ناشران آلمانی در برابر ۱۳۵۸ کتابی که در سال ۱۶۱۳ به بازارهای فرانکفورت و لایپزیک فرستاده بودند ، در سال ۱۶۳۵ فقط ۲۸۶ کتاب جدید عرضه کردند و تا حدود نیمه قرن هیجدهم انتشاراتشان به سطح قدیم نرسید . این نسبت تماماً بر اثر تغییراتی بود که در شمار ساکنان روی داد . در مقابل ، انحطاط آلمان به هلندیها فرصتی داد که تولیدات و فروش کتابشان را تا حد زیادی بالا ببرند حتی نقاشیهایی که در آلمان طی قرن هفدهم پدید آمد ، جز نقشهای شگفت انگیز از هنرکنده کاری هلندی و فرانسوی نبود . تجارت کتاب از تجدید چاپ نامحدود کتاب نیز زیان بسیاری دید و علت آن بود که

حقوق ناشران رعایت نمی شد و کوشش برای رعایت آن نیز موثر نبود زیرا در کشوری مانند آلمان که در آن زمان ، تقسیم شده بود اجرای مقررات عملی نبود . چاپخانه داران دانمارکی نیز در آن زمان این زیان را تحمل می کردند ، چون تولیدات چاپخانه داران دانمارکی قربانی تقلیدی شد که رویداد آن به قلمرو دولت منحصر نمی شد بلکه از آن جابه خارج نیز راه یافته بود؛ تا آن جا که چاپخانه داران آلمان شمالی بویژه در لوبک کتابهای دانمارکی را چاپ کردند ، به حدی که بسیاری از کتابهای تولیدی این عصر و کتابهایی که قبلاً در کوپنهاگ چاپ می شد در آلمان چاپ شدند .

اما درباره آنچه به جلدسازی مربوط می شود ، آلمان از سبک قرن شانزدهم تقلید کرد ، گرچه آن زیبایی کارهایی را که تعدادی از تجلیات قدیم به آن مشهور بودند نداشت و التزام جلدسازان هایدلبرگ به روشهای جدید فرانسوی جز در مواردی اندک به چشم نمی خورد .

غارث کتابخانه ها

هنگامی که آشفتگیهای جنگهای مذهبی فعالیت کتابفروشان را فلج کرده بود ، پیامدهای آن بیشترین آسیب را بر کتابخانه های آلمان وارد آورد .

غارث کتابخانه ها توسط کاتولیکها

قدیمی ترین کتابخانه های دانشگاهی آلمان ، کتابخانه استان پالاتینات مشهور به کتابخانه هایدلبرگ است که قبلاً نام بردیم و از بزرگترین کتابخانه های این عصر به شمار می رود .

این کتابخانه در سال ۱۶۲۳ بر اثر استیلای سپاه تیلی بر شهر به دست کاتولیکها افتاد . سپس به ماکس میلیون دوباویر^{۱۰۸} پاپ بزرگ و رهبر کاتولیکها اهداء و بعدها ضمیمه مجموعه های واتیکان شد .

ثروتهای کتابخانه های سوئدی

پروتستانها نیز از لحاظ غارتگری دست کمی از کاتولیکها نداشتند ، وقتی گوستاو آدلف پادشاه سوئد پروتستانها را برای مقاومت در برابر کاتولیکهای پیروز فراخواند و از پیشروی کاتولیکها جلوگیری کرد تمام کتابخانه هایشان بویژه کتابخانه دانشکده های یسوعیون را مصادره کرد .

در مناطقی که صحنه جنگ بود بر تمامی کتابخانه ها یکی پس از دیگری دست یافت سپس آنها را به عنوان غنایم جنگی به سوئد منتقل ساخت در سال ۱۶۲۰ گوستاو آدلف کتابخانه آپسال^{۱۰۹} را که از مجموعه کتابهای غنیمتی فراهم شده بود تأسیس کرد . این دوران شکوفایی که در تاریخ کتابخانه های سوئدی آغاز شد پس از مرگ گوستاو آدلف نیز ادامه یافت در جنگهای شارل گوستاو در یولند و دانمارک ، کتابهای بسیاری به عنوان غنایم جنگی به دست آمد ، زیرا اشراف سوئد که به عنوان افسر در سپاه خدمت می کردند یاطی جنگ مقام اجرایی داشتند ، بویژه برادرزن و صدر اعظم شارل گوستاو به نام گابریل دولوگاردی^{۱۱۰} و نیز اریک اوکسرنس ترن^{۱۱۱} و شرینگ روزن هین^{۱۱۲} و دیگران از این موقعیت استفاده کردند و کتابهای زیادی را به کتابخانه های شخصی خودشان منتقل کردند .

درست است که در هر جنگ بزرگ از گذشته تاکنون سپاهیان پیروز بر کتابخانه های دشمن دست یافته اند ؛ ولی چه پیش از جنگهای سوئدیاها یا پس از آن ، هرگز غارتی همه جانبه مانند زمان پیروزی سوئدیاها روی نداده است چون آنان به محض دستیابی بر کتابخانه ها، کتابها را برای خود ضبط کردند، و این برعکس عرف جنگهای معمول بود که هنگام صلح ، کتابهای به دست آمده را به صاحبشان باز می گردانند .

کتابخانه های غارت شده

از میان کتابخانه های آلمانی که بیشترین خسارت از سوی پیروزمندان سوئدی برآن وارد شد کتابخانه دانشکده یسوعی در شهر برونس برک^{۱۱۳} و کتابخانه هیأت کلیسای

109- Uppsala.

110- Gabriel de La Gardie

111- Eric Oxenstierna.

112- Schering Rosenhane. 113- Braunsberg.

فروئبرگ^{۱۱۴} بود و گوستاو آدلف مجموعه های این کتابخانه ها را به کتابخانه آپسال اهدا کرد و نیز بخش زیادی از مجموعه هایی را که در ورتس برگ^{۱۱۵} و مانیس در سال ۱۶۳۱ به دست آورده بود ضمیمه آن کتابخانه کرد. همزمان نیز سوئدیه‌ها تقریباً دیرهای ارفورت^{۱۱۶} و دانشکده یسوعی رادر شهرهای لیگن هاس^{۱۱۷} غارت کردند.

در همان وقت هم پیمانهای آنان فرمانروایان هسن^{۱۱۸}، بخشی از کتابخانه یسوعی را در شهر پادربورن^{۱۱۹} غارت کردند. ایشان بودند که بر مجموعه یسوعیون در کلیسای فولدا دست یافتند و نیز بر بخش اعظم کتابخانه کلیسای ابرباخ^{۱۲۰} مستولی شدند و در همین زمان اهل برونزویک مسوول ویرانی کتابخانه یسوعی در شهر هیلدس هایم^{۱۲۱} به حساب می آمدند.

اما کتابخانه قدیم کوروی سالهایی دراز تنها شبی از گذشته خود را نشان می داد، چون سپاهیان سوئدی در سال ۱۶۳۲ دست کم پنج مرتبه به آن جا دستبرد زدند بعلاوه بخش مهمی از آن نیز در اثر آتش سوزی از بین رفت. فقط راهبان کلیسای زویفالتن^{۱۲۲} کبیر هنگام نزدیک شدن سوئدیه‌ها توانستند به همراه کتابهایشان فرار کنند و بعدها بدون خسارت بار دیگر به آن جا باز گردند. اما در سالهای آخر جنگ سی ساله به کلیساهای بوهمیا و مورافیا آسیب رسید و مجموعه جالبی که متعلق به بوهمیا در قصر هرادشین^{۱۲۳} درپراگ بود، از آن جا به شهر استکهلم انتقال یافت سپس ضمیمه کتابخانه ملکه کریستینا شد. این ملکه هنگام عزیمت از سوئد بخش مهمی از این کتابها را با خود برد بطور مثال بیشترین نسخه های خطی آن را در واتیکان می بینیم و بخشی از این کتابخانه که در سوئد باقی مانده بود هسته مرکزی کتابخانه سلطنتی استکهلم شد. سپس باغنائیم شارل گوستاو در جنگهایش با بولند و دانمارک افزایشی چشمگیر یافت.

چنان که قبلاً گفتیم، سوئدیه‌های پیروز کتاب کدکس^{۱۲۴} یا کتاب نقره فام مشهور رادر میان این اوضاع و احوال به شهر آپسال بردند که هنوز هم در کتابخانه دانشگاه موجود است.

114- Frauenberg.

115- Wurzburg.

116- Erfurt.

117- Heiligenhaus.

118- Hessen.

119- Paderborn.

120- Eberbach.

121- Hildesheim.

122- Zwiefalten.

123- Hradshin.

124- Codex Argenteus.

دوره مؤلفان کتابهای چند زبانی و چند دانشی

نیازی نداریم که نمونه هایی از دستداران کتاب در قرن هفدهم و کسانی را که به مطبوعات عمومی در اروپا اهتمام داشته اند ذکر کنیم . ممکن است در فرانسه از میان آنان افسر نگهبانی به نام سیسترنی دوفی^{۱۲۵} را که به افسانه های سوارکاری فرانسوی اهمیت می داد نام ببریم .

مجموعه های این دوران به طور عموم دارای یک صفت کلی بودند کتابهای علمی همه به زبان لاتین بود . حتی فهرست بازار عید قیامت مسیح در لایب زیگ به سال ۱۶۵۰ هفتاد در صد کتابهای آن بزبان لاتین بود . می توان تاکید کرد که کتابهای علمی به زبان لاتین اساس تشکیل بازار کتاب در آن عصر بوده است .

و با وجود این دستداران کتاب توانستند کم کم کتابهای فرانسوی و ایتالیایی را تهیه کنند . ادبیات هلند و اسپانیا و انگلیس نیز در بازارهای آلمان مشتریانی داشتند .

وقتی مجموعه های کتاب از حیث زبان رسمیتی یافتند ، از لحاظ موضوعات نیز دایره آن گسترش یافت . به رغم آموزشهای دینی که همواره کتابهای موعظه رایج را شامل می شد و غالباً جایگزین کتابهای دیگر شده بود ، در آن جا خود را در زمان نویسندگان کتابهای چند زبانه و چند دانشی می بینیم تا آن جا که علم به سوی کلیات کشیده شده و تا آن زمان تخصص فکری ناشناخته مانده بود . دانشمندی می توانست در تمامی زمینه ها برتری کسب کند ، و ممکن بود یک استاد را دید که گاهی یک موضوع را درس می دهد و احیاناً در پی آن موضوع دیگری را تدریس می کند .

چنین پیداست که استاد با قدرت و کفایتی که داشت می توانست دو موضوع درسی را تدریس کند . روح چند دانشی که جزئی از امتیازات قرن هیجدهم بود ، بین کتابخانه ها و دانشمندان این عصر نیز نفوذ کرد . از نمونه های ممتاز مؤلفین چند دانشی در آن زمان دانشمند مشهور ایتالیایی انتونیو مالیابکی^{۱۲۶} است که از تیزهوشی شگفت انگیزش داستانهای متعددی نقل شده که بیشتر آن درست است . داستانهای متعددی درباره هرج و مرج حاکم بر آن زمان نیز نقل کرده که نمی توان آنها را تایید کرد می گویند

125- Cisternay du Fay.

126- Antonio Magliabecchi.

که او در میان توده ای از کتابهایی که جمع آوری کرده بود زندگی می کرد .

تجارت کتاب در آلمان و فرانسه

مراکز بزرگ تجارت کتاب در آلمان

تجارت کتابهای آلمانی در طی قرن هفدهم مرکزی کسب کرد که بتدریج از جنوب غربی به شمال شرقی منتقل شد و در پایان قرن شانزدهم بازارهای کتاب در لایپ زیگ رونق بسیاری داشت . فهرستهای این بازار در سال ۱۵۹۴ پدید آمد با این که جنگ سی ساله باردیگر این بازارها را به کساد کشانده بود . بازار قدیم فرانکفورت گرمی و رونق خود را تا سال ۱۶۸۷ حفظ کرد و لایپزیگ جایگاه اولیه کامل خود را به دست آورد . و نیز همزمان شهرهای دیگر از قبیل اینا^{۱۲۷} و درزدن^{۱۲۸} مراکز مهم تجارت کتاب شدند در آن زمان شهرهای دیگر مانند کلسن و استراسبورگ که در گذشته در این زمینه نقش درخشانی داشتند از این فعالیت بی بهره بودند . تمامی این تغییرات ارتباط مستقیمی به انحطاط مطبوعات لاتینی داشت که در گذشته نسبت به مطبوعات آلمانی بازار را اشباع کرده بود .

چاپ کنندگان ناشر

کتابفروشان ، ناشران و یا واسطه ها بودند ، هر چند غالباً این دوکار را باهم انجام می دادند ، با وجود این یکی از این دو صفت به طور عام بردیگری غالب آمد . چاپ و تجارت کتاب مانند گذشته همواره در دست یک نفر نبود و شاخه های صنعت یکی را از دیگری جدا کرد . با همه اینها تا این زمان گروهی از چاپخانه داران همزمان ، ناشر هم بودند . ایشان ، چاپ کنندگان حکومت و مجالس و دفاتر و دانشگاهها بودند . با این وصف ، امتیاز چاپ و نشر اسناد رسمی فرمانروایان و مؤسسات را داشتند غالباً نیز حق انحصار کتابهای درسی و تعلیم اصول دین و تقویمها و جراید را دارا بودند و ملزم به ارائه اجباری نسخه هایی از هر چاپ خود به دولت

می شدند ؛ بعلاوه ملزم به تعیین نرخهای معین باقید به کار بردن مواد خوب در کارشان شده بودند . آنها در برابر این شرایط از امتیازات بسیاری بهره مند بودند که از آن جمله معافیت از مالیات و عواید گمرکی و نیز مسکن مجانی بود . از این رو تعجبی نیست اگر ببینیم چنین افرادی که از مزایای فوق بهره مند گشته اند مورد حسد چاپخانه داران و کتابفروشان دیگر واقع شوند .

صحافان کتابفروش ، فروش کتابهای جیبی

از سوی دیگر در میدانهای تجارت کتاب خلافاً فکریهای دیگری به چشم می خورد ، که از آن جمله کار صحافان شهرهای کوچک بود . آنها وقتی از کارهایشان سود کافی به دست نمی آوردند غالباً به فروش کاغذ و کتابهای عوام پسند گوناگون و کتابهای کوچک از قبیل کتابهای موعظه و عامیانه و خوابنامه ها و معماها و مجموعه های پزشکی سنتی و تقویمها و غیره می پرداختند ، هرچند امروزه دشوار است بتوانیم تاریخ انتشار این نوع مطبوعات را تعیین کنیم ، اما یقیناً اینها از جمله کالاهای انتشاراتی فراوان آن زمان که فروش خوبی داشته اند به شمار می رفته اند . و نیز مؤسسه های مهمی برای صحافی وجود داشت ، که ناچار بودند به میدان تجارت کتاب راه یابند ، چون برخی ناشران کتابهای جدیدشان را که منتشر شده بود جلد می کردند . و بجای بهای جلدها کتابهای جدید دیگری را به جلدساز می دادند و جلدساز با فروش آن ، مبلغی را به حساب ویژه خود باز می گرداند . طبیعی بود که این روش تعارضی را بین مصالح جلدسازان و مصالح واسطه ها برجای می گذاشت . پس از کشمکش زیاد سرانجام به توافقی رسیدند که به مقتضای آن ، جلدسازان حق فروش کتاب را جز در دایره کتابهای کوچک نداشتند .

بازرسی

هنگامی که بازارهای کتاب بر اثر اختلافات زیادی که بین تجار و صنعتکاران بوجود آمد زیان دید ، ممکن بود با مشکلاتی از نوع دیگر روبرو شود . لذا از دوران اولیه

چاپ ، بناچار بازرسی کاری معمول بوده است .

بازرسی دینی

اسقف بزرگ ماینس در سال ۱۴۸۶ طرحی را در این باره ارائه کرد ؛ سپس در پی آن چندین دستور از سوی پاپ صادر شد که صریحاً بروجوب مراقبت چاپخانه ها برای حمایت کلیسا از خطر انتشار کتابهای الحادی تاکید می کرد . در سال ۱۵۶۳ کلیسای کاتولیک انتشار فهرستهای خود را از کتابهای تحریم شده و معروف به نام فهرست کتابهای تحریم شده^{۱۲۹} آغاز کرد . اما در دانشگاه پاریس ، دانشکده الهیات آن از سال ۱۵۲۶ به بازرسی تمامی کتابهای دینی اختصاص یافته بود . بویژه این حق در سال ۱۵۳۷ به هنگام جنگهای دینی به عنوان وسیله ای برای اجرای محاکمه های قطعی بر ضد چاپخانه دارانی که در خدمت طرفداران لوتر بودند مورد استفاده واقع شد .

بازرسی سیاسی

قرن هفدهم بویژه دوران بازرسی دینی به شمار می رود ، هر چند بازرسی سیاسی دوران زیادی پایدار بود و به رغم آن برآستی جز در قرن بعد پیشرفت نکرد . پیش از هر چیز هدف بازرسی دینی دفاع از دین و اخلاق فاضله بود ، گرچه یکی از مبادی آن در زمان مذکور رعایت مصالح دولت بود ، به این جهت فرمانروایان ناچار بودند این قدرت را در داخل قلمروشان به کار گیرند . به همین سبب در استانهای مختلف آلمان بازرسی یک فرمانروا با فرمانروای دیگر با روشی کاملاً مختلف و شدتی متفاوت صورت می گرفت .

انجمن کتاب امپراتوری در آن وقت ، مأموریتش این بود که از تعرض به امتیازات امپراتوری که به تجار کتاب داده می شد جلوگیری کند . در فرانسه کار بجایی رسید که در سال ۱۵۶۳ فرمانی صادر شد . براساس این فرمان ممنوع بود که فرد « در هر حال و موقعیتی که باشد چاپ و نشر کند یا کسی را مکلف به چاپ هر گونه کتاب یا نامه یا غیره نماید و هر کس با این قانون مخالفت کند کیفرش اعدام خواهد بود » . قانون مذکور

در دوره حکومت هانری چهارم که در حقیقت روح سهل انگاری بر او حاکم بود بشدت اجرا نشد ، اما پس از مدتی در دوران لویی سیزدهم و ریشیلو به قاطعیت و شدت خود بازگشت ؛ حتی در حین جنگ فروند^{۱۳۰} چاپ و فروش « مازاریناها »^{۱۳۱} با وجود این که هزاران مرتبه منتشر شده بود برای چاپخانه دار خطرناک بود . به رغم قوانین سختی که به عنوان قوانین بازرسی اجرا می شد ، کتابهای بسیاری از بازرسی درامان مانده و از مصادره نجات یافتند در حالی که اگر دیده می شدند ناچار محکوم به مصادره بودند . از طرفی نمونه های بسیاری را می شناسیم که ممنوع کردن آنها - چنان که این روزها روی می دهد - به منزله تبلیغ آنهاست و فقط به افزایش فروش پنهانی این نوع کتابها منجر می شود .

تقلب و حق امتیاز

در آن زمان تقلب یک بیماری واقعی شده بود و مقررات بازرسی نمی توانست از آن جلوگیری کند . لذا کوشش شد برای حمایت از هر کتاب حق امتیازی برقرار شود . قدیمی ترین حق امتیاز در آلمان به اوایل قرن شانزدهم باز می گردد . به مقتضای حق امتیاز ، تجدید چاپ کتاب ممنوع شد . اما درحالتی که صاحب کتاب حق امتیازی از سوی امپراتور داشت ، به این معنی بود که قرار منع شامل هر آلمانی می شود . این حق برای مدت یک یا چندین سال برقرار بود و به همین جهت امر امتیاز برای صاحب کتاب بود که غالباً دراول کتاب چاپ می شد . اما کیفر مخالفت با این قانون موجب پرداخت غرامتی بود که از لحاظ کمیّت متفاوت بود . با همه اینها تقلب ازین نرفت به رغم این لوایح افراد متقلب ، کتاب راز شکل اصلی می انداختند و گاهی پیوستهائی به آن می افزودند که کمترین ارتباطی با چاپ اصلی کتاب نداشت .

۱۳۰ - جنگی داخلی در فرانسه که در ابتدای حکومت لویی چهاردهم بر ضد دربار و سیاست وزیرش مازارن روی داد . کلمه فروند در زبان فرانسه به معنای فلاخن است . استعمال این لفظ برای تمسخر این جنگ داخلی است - م .
۱۳۱ - مازاریناد (Mazarinade) هجونه ها و نوشته هایی که علیه مازارن در طی جنگ فروند منتشر می شد - م .

آیین نامه پادشاهی صادره در سال ۱۶۸۶ در فرانسه

این آیین نامه زیربنایی برای اعاده قانون تنظیم تجارت کتاب در فرانسه بود که برای حالت هرج و مرج گذشته حدی را تعیین می کرد. در این قانون که مخصوص پاریس بود به محدودیت تعداد تاجران چاپ کننده به سی و شش نفر تصریح شده بود که باید زبان لاتین و یونانی را می دانستند و درکوی دانشگاه مستقر می شدند، تعداد بازرسان شاهی که مکلف به نظارت بر آنان بودند کمتر از هفتاد نفر نبودند. تاجران و چاپخانه داران اتحادیه ای داشتند که یک رئیس و چهار کارمند داشت و گروه صحافان و جلدسازان و تذهیب کاران چهار نفر ناظر داشتند. به این طریق چاپخانه ها و کتابفروشیها از آزادی نسبی در مدتی طولانی برخوردار شدند. آنها از اوضاع واحوالی که مناسب با رشدشان بود بهره مند شدند. پاسداری از حق امتیاز در فرانسه آسان تر از آلمان عملی شد. با سهولت بیشتر در نظارت بر کتاب در فرانسه بیشتر کتابها در پاریس و تعداد کمی در شهرهای دیگر چاپ می شدند.

قیمت گذاری کتاب

نرخ کتاب در قرن هفدهم معین نبود. در حقیقت نرخ کتاب را ناشران در بازارها تعیین می کردند (مانند نرخ گذاری فرانکفورت یا لایب زیگ) جز این که اضافاتی را که تجار محلی تقاضا می کردند کاملاً متفاوت بود. انتشار فهرستهای ناشران که در آن قیمت کتابها تعیین شده بود تنها بعد از سالهای اوّل قرن هیجدهم در آلمان آغاز شد، و دیده شده که گیورگی^{۱۳۲} کتابفروش هنگامی که در سال ۱۷۴۲ فهرست بزرگ اروپائیش را که در آن تعداد صفحات هر کتاب و قیمت آن تعیین شده بود، منتشر کرد مورد خشم همکارانش قرار گرفت.

بامقایسه این نرخ گذاری با نرخ گذاری کنونی، می بینیم که در آن وقت قیمتها بالا بوده است. از نمونه های آن در پهنه ادبیات عامه این است که کارگری از شهر لایب زیگ حدود سال ۱۷۰۰ مبلغ هفت گروس^{۱۳۳} برای قیمت کتاب سرودها پرداخت که

132- Georgi.

۱۳۳ - یکی از مسکوکات که هم اکنون رایج و اصل آن کلمه عربی غرش و جمع آن غروش است - م.

معادل دستمزد یک روز کامل او بود . علاوه بر این اگر تولید محلی باقیمت‌های معمولی کتابهای خارجی آن زمان در آلمان مقایسه شود ، نسبتاً اندکی نرخش بالاوین دو و پنج پنس آلمانی برای هر برگ بود . هنگامی که کاغذ چاپ از نوع سیسرون در لایزیک در سال ۱۶۶۴ بیش از دو پنس نبود ، چاپهای الزویر که در سال ۱۶۹۲ انتشار یافت به دوازده پنس می‌رسد و این قیمتی است که باتولید زیاد وفق می‌دهد . علتش این است که بی شک تولید کتاب در قرن هفدهم در آلمان به سطح بالایی نرسیده بود . ابزار نقاشی که ویژه‌کننده کاری روی چوب بود و به قرن شانزدهم باز می‌گردد به رغم این که قابل استفاده نبود ، غالباً به کار گرفته می‌شد . همچنین غالباً در خود کتاب ترکیبی عجیب از تزیینات دوران رنسانس که بر چوب کنده کاری شده و عناوین کنده کاری شده بر مس را با سبک باروک می‌بینیم .

رسومات اتحادیه کاری و استبداد کاری در آلمان

ریخته‌گری یا قالب‌ریزی حروف - پس از آن که در ابتدای امر چاپ‌کننده ، خود این کار را می‌کرد - کم‌کم به حرفه‌ای خاص مبدل شد بویژه وقتی که حرفه چاپ‌کنندگان علاوه بر سایر موانع ، مقررات قاطع اتحادیه کاری راپیش‌روداشت . مدت کارآموزی صنعت کار بین چهار و هشت سال بود و حتی پس از پایان کارآموزی ، لازم بود کودک پیش از آن که همکار اتحادیه چاپ‌کنندگان شود دوره‌ای را به نام کورنات^{۱۳۳} بگذراند . برای رسیدن به این مرحله لازم بود اوّل نامزد و بعد پذیرفته شود . به این معنا که باید یک سلسله از مقررات عجیب و دشوار را بپذیرد که عبارت از یک سلسله کارهای رمزی است که دانشگاه‌های قرون وسطا شاگردان خردسال خود را وادار به قبول آن می‌کردند و بر آنها اسم عامی که به معنی تصدیق^{۱۳۴} است اطلاق می‌شد . علاوه بر این شخصی که نامزد می‌شد باید مالیات معینی را پرداخت می‌کرد ؛ سوری هم به همکارانش می‌داد . این همکار پس از این که عضو اتحادیه می‌شد غالباً چند سالی را به دوره‌گردی در آلمان می‌گذراند و اگر به راه و روش اتحادیه آشنا بود ، هر کجا وارد می‌شد همکارانش با آغوش باز او را می‌پذیرفتند . در مقابل این می‌بایست هیچ کاری را

133- Cornut.

134- Deposition.

مطلقاً در هیچ چاپخانه ای از چاپخانه های پنهانی متعددی که بدون اجازه ازبازرسی به چاپ کتابهای جدلی از نویسندگان مجهول یا آگهی ها و اعلامیه ها می پرداختند قبول نکند .

موکداً نظام قاطعی که بعداً اتحادیه ها آن را پذیرفتند در ابتدای امر نظامی بود که چاپخانه داران برضد چاپخانه های پنهانی دفاع می کرد اما ممانعتهای اتحادیه ای ، پس از اندک زمانی از میان رفت ، و به استبدادی واقعی تبدیل شد ، به طوری که اگر نظامهای اتحادیه ای کنونی خود را با آن وضع مقایسه کنیم ، نظام مایحیلی بخشنده تر از آن است . اما کشورهای اسکاندیناوی هنگامی که چاپخانه ها غالباً در آلمان و تماماً تحت نفوذ آلمانیها بود در نتیجه آن کشورها نیز عاداتهای آلمانی را پذیرفتند ، در جالی که چاپخانه داران هلندی و فرانسوی و انگلیسی آن را رد کرده بودند ، و این عاداتهای اتحادیه ای فقط در آغاز قرن نوزدهم معتدل شد .

برای مطالعه بیشتر - مترجم

کتاب آرایی (کتابهای مصور)

آتابادی ، بدری ، فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی ، تهران ، کتابخانه سلطنتی ، ۱۳۵۳ ، ۲۲ ، ۴۰۸ ص .

آرتولین ، « نقاشیهای نسخه خطی جامع التواریخ رشید الدین فضل الله همدانی » ، روزگارنو ، دوره پنجم ، شماره ۳ (آذر ۱۳۵۴) ص ۶-۱۱ .

آریانپور ، امیر اشرف ، « گنجینه های هنرایران در آلمان : کتابهای مصور خطی فارسی در کتابخانه دانشگاه توپینگن » ، هنر و مردم ، دوره چهاردهم ، شماره ۱۵۸ (آذر ۱۳۴۷) ، ص ۳۱-۴۸ .

ابراهیمی ، نادر ، مقدمه ای بر مصور سازی کتاب کودکان ، تهران آگاه ، ۱۳۶۷ ، ۲۴۷ ص ،

مصور (رنگی) .

۱. د. (مترجم) «نقاشی کتاب»، سخن، ج ۱۷ (۱۳۴۶)، ص ۳۲۶-۳۲۸.
- اسعدی، اسماعیل، «زیبائی کتاب»، سخن، دوره هفتم، ص ۵۱۰-۵۱۵.
- «هنر تصویر کتاب»، سخن، دوره ششم، شماره ۱۰ (آذر ۱۳۳۴)، ص ۸۹۸-۹۲۰.
- الاصمعی، محمد عبدالجواد، تصویر و تجمیل الکتب العربیة فی الاسلام ونوابغ المصورین والرسّامین من العرب فی العصور الاسلامیه، القاهرة، دارالمعارف، ۱۹۷۱، ص ۲۳۰.
- اقبال، عباس، «نقش و نگار داستانهای ملی ایران قدیم». سیمرخ، شماره ۲ (آبان ۱۳۵۴)، ضمیمه، ص ۱۷-۲۶.
- الباشا، حسن، التصوير الاسلامی فی العصور الوسطی، القاهرة، مكتبة النهضة المصریة، ۱۹۵۹، ص ۵۱۱، مصور.
- برزین، پروین، «نگاهی به سابقه تاریخی کتابت قرآن، هنر و آشنایی با چند اثر بدیع از هنرمندان جلدساز ایرانی قرن هشتم و نهم هجری»، هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۴۹، ص ۶۵-۶۸.
- بغداد، جامعة بغداد، المكتبة المركزية، فهرست المخطوطات العربیة المصورة فی العراق و الموجودة فی المكتبة المركزية لجامعة بغداد، اعداد زاهدة ابراهيم، بغداد، جامعة بغداد، المكتبة المركزية، قسم الفهرست والتصنيف العربی، ۱۹۷۰، ص ۱۳۳.
- بلانشار، ژرار، «الفباى درآمیختن متن و تصویر»، پیام یونسکو، دوره چهارم، شماره ۴۱ (دی ماه ۱۳۵۱)، ص ۳۶-۴۱.
- بلر، شیدا، موضوع تصاویر شاهنامه بزرگ قرن هشتم هجری، شاهنامه فردوسی، حماسه جهانی. تهران، ۱۳۵۶، ص ۸۵-۹۰.
- بهنام، عیسی، «تأثیر هنر کمال الدین بهزاد در صفحات مصور نسخه های خطی دوران شاه اسماعیل اول»، هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۶۶، ص ۲-۷.
- «مشهورترین نسخه های خطی مصور ایران در موزه های جهان»، هنر و مردم، دوره پنجم، شماره ۳۹ (آبان ۱۳۴۵)، ص ۲۰-۲۵.
- بینون، لورنس، «تصویرهای خمسه نظامی در موزه بریتانی»، روزگارانو، ج ۱، شماره ۱، ص ۲-۵.

«سیر تاریخ نقاشی ایرانی»، نوشته لورنس بینون، س. ویلکینسون، بازل یل گری، ترجمه محمدایران منش، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ۴۳۴ ص، مصور.

پوپ، آرتور، «نقاشی کتاب»، ترجمه ا. و. سخن، دوره هفتم، ص ۳۲۶-۳۲۸.
تجویدی، علی اکبر، «کتاب آرای در ایران»، هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۴۹، ص ۵-۹.

نقاشی ایران از کهن ترین روزگار تا دوران صفویان، تهران، وزارت فرهنگ و هنر. اداره کل نگارش، ۱۳۵۲، ۱۶۳ ص.

الجادر، خالد، المخطوطات العراقية المرسومة فی العصر العباسی، بغداد، اللجنة التحضیریة لمهرجان الواسطی، ۱۹۷۲، ۶۴، ۴۸ ص.

جامعة الاردنیة، مرکز الوثائق والتوثیق، ۱۹۷۷، ج ۴.

جغتائی، محمد عبد الله، «نسخه های مصور گلستان و بوستان»، ترجمه ایران (از اردوبه فارسی). هنر و مردم. دوره چهارم، شماره ۱۴۳ (شهریور ۱۳۵۳)، ص ۴۸-۵۹.

حبیبی، عبدالحی، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، مشتمل بر سوابق و لواحق هنر در آسیای میانه و ممالک مجاور آن با معرفی ۲۶۴۵ اثر هنری و فهرس هنرمندان و نامهای آثار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵، ده، ۱۰۱۸ ص، مصور، نمونه (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۲۲۱).

دارالکتب و الوثائق القومیة، الفهرس الوصفی للمخطوطات الفارسیة المزینة بالصور والمحفوظة بدارالکتب، تألیف نصرالله مشیرالطرازی تقدیم ثروت عکاشة. القاهرة: مطبعة دارالکتب، ۱۹۶۸، ۳۶، ۱۹۰ ص.

دانشور، سیمین. «هنر تصویر کتب خطی در ایران». نقش و نگار، دوره اول، شماره ۲ (زمستان ۱۳۵۳) ص ۳۵-۴۴.

درودی، ایران، جلوه هایی از مینیاتور ایران، سخن ج ۱۷ (۱۳۴۶) ص ۸۹۳-۸۹۷.
ذکاء، یحیی، «خاوران نامه، نسخه خطی مصور در موزه هنرهای تزیینی»، هنر و مردم، دوره دوم، شماره ۲۰، (خرداد ۱۳۴۳)، ص ۱۶-۲۹.

رایس، تاماراالبوت، «زیباییهای کتب فارسی»، ترجمه عبدالباقی لطیفی. کابل، ۵، ص ۴۵۵-۴۶۱.

قرن هفدهم / ۲۹۹

- روضاتی ، محمد علی « کتاب چاپی و خوشنویسان تبریز » ، آینده ، دوره ششم ، شماره ۱ و ۲ (فروردین و اردی بهشت ۱۳۵۹) ، ص ۹۵ - ۱۱۰ .
- زکی ، محمد حسن ، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام ، ترجمه محمد علی خلیلی ، تهران ، اقبال ، ۱۳۲۰ .
- تاریخ نقاشی در ایران ، ترجمه ابوالقاسم سحاب ، تهران ، کتاب سحاب ، ۱۳۵۷ ، ۲۰۰ ص ، مصور (بخشی رنگی) .
- زیگر ، کارل (فن) ، هنر تذهیب و نقاشی کتاب در ایران ، ترجمه مصطفی مهدب ، ماهنامه فرهنگ ، ج ۱ ، شماره ۱ .
- السلمان ، عیسی ، المدرسة العربية فی التصوير الاسلامی ، ملامح مدرسة بغداد لتصوير الكتاب ، تألیف نورى الراوى ، بغداد ، وزارة الاعلام اللجنة التحضيرية لمهرجان الواصل ، ۱۹۷۲ ، ۱۸ ، ۱۵ ص .
- سهیلی خوانساری ، احمد ، « هنر کتاب سازی در ایران » ، راهنمای کتاب . دوره چهاردهم ، شماره ۹ - ۱۲ (آذر - اسفند ۱۳۵۰) ، ص ۷۵۳ - ۷۶۲ .
- سیدرف ، آلکسی . آ . ، « کتاب عرصه هنرهای گوناگون » ، پیام یونسکو ، دوره چهارم ، شماره ۴۱ ، ۳۰ - ۳۵ .
- سیمسن ، ماریانا . سبک نقاشی شاهنامه بزرگ قرن هشتم هجری ، شاهنامه فردوسی ، حماسه جهانی ، تهران ، ۱۳۵۶ ، ص ۹۱ - ۹۷ .
- شچوکیف « نقاشیهای نسخه های خطی صفوی » از ۱۵۰۲ - ۱۵۸۷ م . پاریس ، ۱۹۵۹ .
- شرودر ، اریک ، « هنر کتاب سازی در ایران » ، ترجمه پرویز ناتل خانلری ، کتابهای ماه ، دوره سوم ، ص ۸۰ - ۸۸ .
- شیرازی ، محمد علی ، « درباره هنرهای کتاب » ، راهنمای کتاب ، دوره پانزدهم ، شماره ۳ - ۴ (خرداد و تیر ۱۳۵۱) ، ص ۳۴۲ ، ۳۴۸ .
- شیروانی ، ا . س . ، « ورقه و گلشاه مصور به مینیاتورهای ایرانی قرن سیزدهم » ، پیام ، دوره سوم ، شماره ۲۷ ، (آبان ۱۳۵۰) .
- علمی ، محمد یوسف ، « ممیزات نقاشیهای نسخه های خطی آثار الباقیه و جامع التواریخ » ، سخن ، دوره هیجدهم ، شماره ۱ . (خرداد ۱۳۴۷) ص ۲۳۱ .

غروی ، مهدی ، « چند نسخه خطی نفیس » ، هنر و مردم ، دوره هفتم ، شماره ۷۵ (آذر و دی ۱۳۴۷) ، ص ۵۲-۵۴ .

« حمزه نامه ، بزرگترین کتاب مصور فارسی » هنر و مردم .
« شاهنامه فردوسی و نقش آن در استمرار هنر صورت نگاری سنتی » . هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی ، ۴ (۱۳۵۷) ، ص ۴۱-۴۴ . دوره هشتم ، شماره ۱۳۵ (آبان ۱۳۴۸) ، ص ۳۱-۳۴ .

« قدیمیترین شاهنامه مصور جهان » ، هنر و مردم ، دوره دوازدهم ، شماره ۱۳۵ (دی ۱۳۵۲) ، ص ۴۱-۴۴ .

معرفی دو شاهنامه کهن (شاهنامه مصور کاما و شاهنامه مصور سیمرخ) شاهنامه فردوسی ، حماسه جهانی ، تهران ۱۳۵۶ ، ص ۴۵-۵۶ .

قاهره ، معهد المخطوطات العربیة ، فهرس المخطوطات المصوّرة ، تصنیف فؤاد سید ، القاهرة ، دارالریاض للطبع والنشر ، ۱۹۵۴-۱۹۶۰ ، ج ۴ (در ۸ مجلد) .

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران ، نمایشگاه نسخه و اسناد خطی ، تهران دانشگاه تهران ، کتابخانه مرکزی مرکز اسناد ، ۱۳۵۰-۱۱۴ ص ، مصور .

گری ، باذیل ، نقاشی ایران ، ترجمه عربعلی شروده ، تهران ، عصر جدید ، ۱۳۶۹ ، ۲۶۸ ص ، مصور (رنگی) ، کتابنامه .

گری ، باذیل - نگاهی به نگارگری در ایران ، ترجمه و حواشی از فیروز شیروانلو ، ویرایش ۲ ، تهران ، ۱۳۵۵ ، ۲۰۵ ص ، مصور (بخشی رنگی) .

م . م . « محمد بن حسام و خاوران نامه مصور او » . هنر و مردم ، دوره هشتم ، شماره ۹۱ (اردی بهشت ۱۳۴۹) ، ص ۲۹-۳۷ .

مایل هروی ، غلامرضا ، « تحقیقی درباره کتاب سازی ، کتاب نویسی ، کتابهای خطی ایران ... » ، رستاخیز ، شماره ۸۹۸ (۱۳۵۷/۲/۷) ، ص ۱۲-۱۳ .

« مجموعه بهترین مینیاتورهای ایران ، کتابهای ماه ، ج ۴ (۱۳۳۹) ، ص ۱۶۰-۱۶۱ .
مراویا ، آلبرتو ، « تصویر و نقشه » ، پیام یونسکو ، دوره سوم ، شماره ۳۰ ، (بهمن ۱۳۵۰) ، ۲۳ ص .

مردیت ، اونس ، « فن و رسوم هنر نقاشی کتب خطی فارسی » ، ترجمه سیروس مصدقی .

قرن هفدهم / ۳۰۱

راهنمای کتاب ، دوره دوازدهم ، شماره ۹-۱۰ (آذر و دی ۱۳۴۸) ، ص ۵۱۵-۵۱۸
و شماره ۱۱-۱۲ (بهمن و اسفند ۱۳۴۸) ، ص ۷۰۲-۷۰۵ .

«نسخ فارسی مصوّر در موزه بریتانیا» ترجمه سیروس مصدقی ، راهنمای کتاب ، دوره
سیزدهم ، شماره ۱ ، (فروردین و اردی بهشت ۱۳۴۹) ، ص ۶۸-۷۲ و شماره ۳-۴
(خرداد و تیر ۱۳۴۹) ، ص ۳۰۴-۳۱۳ .

معروف ، حبیب ، «به دفتر نگارید چندی نگار» معرفی ده نسخه مصوّر از «شاهنامه
فردوسی» ، نشر دانش ، سال دهم ، شماره ۴ . (خرداد و تیر ۱۳۶۹) ، ص ۳۴-۴۳ .
مقدم اشرفی ، م . ، همگامی نقاشی با ادبیات در ایران (از سده ششم تا یازدهم هجری
قمری) ، ترجمه رویین پاکباز ، تهران ، نگاه ، ۱۳۶۷ ، ۲۴۸ ص ، مصور (بخشی
رنگی) .

ممیز ، مرتضی ، تصویر و تصوّر ، مجموعه کارهای تصویر سازی مرتضی ممیز برای نشریات
گوناگون ، تهران ، اسپرک ، ۱۳۶۸ ، ۲۴۳ ص ، مصور .
موزه ایران باستان ، راهنمای گنجینه قرآن در موزه ایران باستان ، تهران : چاپخانه بانک ملی
ایران ، ۱۳۲۳ ، ۶ ، ۷۰ ، ۱۰۶ ص .

نراقی ، حسن ، «آثار نبوغ و هنر ایران در قلب کشورهای جهان ، کتابهای خطی و مصوّر از
مکتب نقاشی مغول تا آثار هنری رضا عباسی» ، هنر و مردم ، دوره چهارم ، شماره ۳۸
(آذر ۱۳۴۴) ، ص ۳۰-۳۶ .

«نمونه هایی از صفحه آرایی و نقاشی در کتابهای چاپ سنگی» ، در گنجینه کتابخانه مرکزی
و مرکز اسناد دانشگاه تهران ، کتابداری ، دفتر سیزدهم ، ۱۳۶۷ .

هاجلی ، زا ، «اهمیت تصویر در کتاب» ، ترجمه محمود رجب نیا ، راهنمای کتاب ، دوره
ششم ، (۱۳۴۲) ، ص ۳۵۸-۶۳۱ . همایونفرخ ، رکن الدین ، «دسته گلی به
دوستداران کتاب» ، هنر و مردم ، شماره ۹۴ ، ص ۴۱-۶۰ .

«هنر کتابسازی در ایران» ، راهنمای کتاب ، دوره چهاردهم ، شماره ۴، ۵، ۶ (تیر ،
شهریور ۱۳۵۰) ، ص ۲۲۷-۲۵۶ .

بخش پنجم

قرن هجدهم

هنر کتاب آرای در دوران لویی پانزدهم

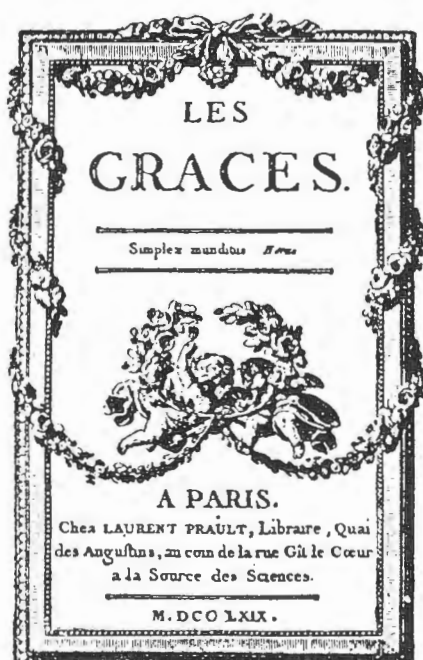
دوره جلد سازی به سبک روکوکو

باروک که سبکی پرکار و سنگین بود ، و تا اوایل سلطنت لوی پانزدهم ابتدا در هنر و سپس در فن کتاب آرای رواج داشت ، در این زمان با اندیشه تجمل گرایی که زندگی طبقات بالا و اشرافی را ممتاز می کرد ، هماهنگ نبود . از طرفی نیروهای اجتماعی که در اعماق طبقات ملت رشد می یافت و در پایان قرن به انقلاب فرانسه منجر شد ، هنوز به منصف ظهور نرسیده بود . در حقیقت هر چیزی که زیبا بود ، همیشه دربارها و اشراف را باظواهر دلفریبشان بخود جذب می کرد . و دربار از لحاظ تجمل در نظر عامه مردم در ردیف بزرگترین نشانه های تحسین برانگیز و شگفتی آور بود . حتی طبقات بالا چنین بنظرشان می آمد که ادامه زندگی بدون کامل شدن مظاهر ناز و نعمت که سرچشمه همیشگی زیبایی و آقایی و سروری هستند ، در مجالس سرور و شادمانی غیر ممکن است . این نگرش به زندگی در سبکی جلوه گر شد که آن را سبک روکوکو نامیدند ، سبکی که جانشین سبک باروک شد . حالت ظریف ، شادی بخش و روشن این سبک با حالت سنگین و پر آب و تاب سبک باروک خیلی فرق داشت .

روح عصر چنان که سبکش آن را تشریح می کند

در هیچ عصری به آن صورتی که در زمان لویی پانزدهم نطفه بی بند و باری شکل

گرفت ، نمونه ای گویا نمی توان یافت در حالی که الهه کوچک پیروزی ، به همراه ترکش خود رمزی برای این دوران شده بود ، شعر چوپانی از انواع کارهای ادبی پرطرفدار برای خوانندگان بود . اما در هنر ، مناظر عاشقانه مضمونی بود که بیش از همه دیده می شد . حتی در زندگی سیاسی تمایلات و عشقهای درباری از طریق دسیسه های خانمهای دربار تأثیرات خود را نشان می دادند . همچنین این فکر تعبیر فنی خود را به عنوان سبک سفارشی در بیشترین دوره حکومت لویی پانزدهم به دست آورد ، وجای تجمل و سنگینی راجوی کم نور و جو اعیاد و زیبایی گرفت . اما در زمینه کتاب در این سبک جدید رفته رفته کتابهای قطع کوچک جای کتابهای بزرگتر از قطع نصف را گرفتند .



سبک روکوکو^۱ و تزئین به سبک وینیت^۲

کنده کاری روی مس ، جایگاه بزرگی را در تزئین به دست آورد ، و نقش مهمتری را از آنچه قبلاً داشت در زمینه تزئین ایفا کرد ، و تنها به تزئین کتابها

باشکلهای واقعی اکتفا نکرد ، بلکه با تزئین صفحات گل و بوته کوچک و تصاویر زینتی

1- Rococo.

۲- Vignettes ، نقوش و تصاویری ظریف و ریز (گل و بوته ، برگهای مو ، پیچک ها ، شاخه های انگور و غیره) که در حاشیه بالا یا پایین صفحه کتاب به کار می رود .

شکل ۱۵ - عنوان کتابی که موری صغیر نقاشی و حکاکی کرده است .

و برگ مو در ابتدای هر فصل از فصول کتاب ، یادریایان آن از این هم فراتر رفت .
بیشترین اشکالی که بین این اشکال کوچک می بینیم اشکال خدایان عشق است که حلقه
زده و به دسته گلی چنگ انداخته اند (شکل ۱۵) (و اطلاق کلمه تآك كوچك^۳ به این نوع
زینتها باز می گردد چون اولین زینت این نوع به شکل خوشه انگور و شاخه های آن بود)
در نوارهای این اشکال زینتهایی به کار رفته که با خطوطی به شکل حرف C و S احاطه
شده است .

سبک لویی پانزدهم در فرانسه

چیزی نگذشت که گروهی از نقاشان و صورتگران مشهور فرانسه کتابهای هنری را
با استفاده از این سبک جدید تزئین به حد کمال رساندند . اشکال دلپذیر و منسجم ابتدا
بر لوحه های مسی حکّ و سپس به صفحه کتاب منتقل می شد . آنها کتابهایی را به وجود
آوردند که در آن وقت ذوق عالی زنان را که همان علاقه به سرور و شادمانی بود ارضا
می کرد . جلوه های این ذوق را بویژه در کتابهای مصوّر به زینتهای وینیت می بینیم اما
غالباً در این کتابها مانند بسیاری از کتابهای دوران رنسانس تناسبی بین اشکال و متون
نمی بینیم و افزایش اشکال بر مبنای حساب متون نوشته شده صورت می گرفت و تمامی
تلاش و ذقّت متوجّه تزئین خارجی کتاب بود .

پیشگامان نخستین

از شخصیهایی که گرایش به تجمل در عصر گذشته را به روح سبک هنر جدید
منتقل کرد و آن را نشان داد ، برنارد پیکار^۴ است که شاگرد سباستین لکلرک بود و به
واسطه فعالیت زیادش در آمستردام شهرت یافت . از میان کتابهایی که مصوّر سازی
کرد: تورات و چاپهای کلاسیکی است . اما نخستین نمونه از شکلهای جدید
در هنر کتاب آرایی که فعلاً می توانیم نام ببریم کتاب *داستان چوپانان* از نویسنده یونانی
لونگوس^۵ تحت عنوان *دافنی و کلونه*^۶ است که در سال ۱۷۱۸ در پاریس چاپ شد ،
و با عکسهای کنده کاری بر روی مس مصوّر سازی شده است . مؤلف این عکسها را از

3- Vignette.

4- Bernard Picard.

5- Longus.

6- Daphnis et Chloe.

تابلوهایی که خود برای شاهزاده فلیپ دُرلئان^۷ ترسیم کرده نقل کرده است . این شاهزاده در کودکی به جانشینی لویی پانزدهم تعیین شد .

همچنین از میان نخستین نمایندگان هنر جدید کلود ژیلو^۸ استاد هنرمند مشهور واتو^۹ است . ژیلو هنرمندی نابغه بود ، که می توانست بانوگی که داشت در موضوعات کاملاً متفاوت تابلوهایی ابتکاری وشاد بسازد ، تابلوهایی که در هنر کتاب آرایی بندرت در آن زمان یافت می شد . بویژه از دلپذیرترین نقاشیهایی که انجام داده *افسانه های لاموت*^{۱۰} مربوط به سال ۱۷۱۹ است .

بوشه^{۱۱}

با همه این احوال کتابهای ساخته شده به سبک وین یت در فرانسه در قرن هیجدهم فقط با چاپ کتابهای مولیر^{۱۲} در سال ۱۷۳۴ به اوج شهرت خود رسید . این کتابها با بیش از دوست تصویر وین یت همراه بود که نقاش مشهور فرانسوا بوشه آنها را ترسیم کرده بود . غیر از این کار ، این نقاش که به فروتنی و نیکوکاری خیلی معروف بود ، تابلوهایی جالب و دلپذیر که بسیار مورد توجه عامه بود نقاشی کرد و در زمینه کتاب آرایی تنها بصورت فرعی فعالیت می کرد .

مهمترین کار انجام شده در بین کتابهای فرانسوی ، چاپ کتب مولیر است که ذکر آن گذشت ، و نیز چاپ کتاب *تغییرات*^{۱۳} تالیف اُوید^{۱۴} (۱۷۶۷ - ۱۷۷۱) که زیبایی آن نیز مربوط به توانایی ومهارت لوران کار^{۱۵} حكاك است ، وی نیز به قریحه تزیین ممتاز بود . در نشر این کتاب چندتن از بزرگترین متخصصان تزیینات ظریف این عصر شرکت داشتند از قبیل : گراولو ، ایزن^{۱۶} ، موروی صغیر^{۱۷} ، شوفار^{۱۸} و دیگران . در این زمان هنرمند موفق به ایجاد هماهنگی بین نورها وسایه ها شد و توانست از این راه بشکل ، گستردگی بسیار بزرگتر از آنچه در این گونه مساحت های محدود میسر است ، بپاشد .

7- Philipp d'Orléans.

8- Claude Gillot.

9- Watteau.

10-Fables de la Motte.

11- Boucher.

12- Molière.

13- Métamorphoses.

14- Ovide.

15- Laurent Cars.

16- Gravelot, Eisen.

17- Moreau le Jeune.

18- Choffard.

کوشن پسر^{۱۹}

نظیر این نبوغ در نشان دادن سایه ها را در کار هنرمندان دیگری همچون ، کوشن پسر ، ایزن ، شوفار ، مارلیه^{۲۰} و بویژه گراولو و مورو کوچک نیز می بینیم ، کسانی که خود را وقف خدمت به کتاب آرایی کرده اند .

بدون تردید در آفرینش لوحه های آغازین کتاب وکنده کاری روی مس برتری با کوشن پسر است و برتری اصلی او به خاطر زینتهای ظریف متعددی است که در بسیاری از کتابها ، حتی در کتابهای علمی او دیده می شود ؛ کتابهایی که در سرلوحه آنها عکسهای متعددی از کودکان در حال بازی گروهی به صورت رمزی به چشم می خورد ، همه اینها نشان دهنده میزان هنر در دوران لویی پانزدهم است .

اما کوشن خود ، پیش از هر چیز نقاشی چیره دست و دقیق بود و بدون شک نحوه استفاده از قلم حکاکی را از کارگاه پدرش که حکاک ممتازی بود ، فراگرفت . سپس در کارگاه ژاک فیلیپ لوبا^{۲۱} کار کرد ، استادی دیگر در فن کنده کاری روی مس که کارگاهش سرمنزل مقصود عده بسیاری بود .

اودری^{۲۲} ، شوفار ، ایزن ، مارلیه

در میان زیباترین کتابهای قرن هیجدهم ، لازم است به چاپ کتاب *افسانه های لافونتن*^{۲۳} که بین سالهای ۱۷۵۵ - ۱۷۵۹ در چهار مجلد در قطع نصف چاپ شد اشاره کنیم . این کتاب به تابلوهای بزرگ که قبلاً بر لوحه های مسی کنده کاری شده بودند آراسته بود . درکنده کاری تابلوهای مسی آن ، گروهی از بهترین حکاکان عصر کار می کردند و تصاویر زیبای حیوانات را که توسط نقاشان ورزیده ترسیم شده بود به لوحه های مسی منتقل می کردند .

اما پیر شوفار استاد ترین نقاش گلها و نقاشیهایش سرصفحه وپایین صفحات بود . وی در این زمینه مهارت بی نظیری کسب کرد و بانوگی که داشت ، در زمینه تنظیم وپیشبرد هنر کتاب آرایی به پیروزیهای بزرگی رسید ، بویژه در چاپ کتاب بزرگ *اُوید* که

19- Cochin le Fils

20- Marillier.

21-Jacques-Philippe le Bas.

22- Oudry.

23- Fables de la Fontaine.

قبلاً نام بردیم ؛ همچنین در چاپ کتاب *افسانه های لافونتن* که در سال ۱۷۶۲ به سرمایه عمومی^{۲۴} انتشار یافت تعدادی از تصاویر و تزیینات سرصفحه ها و پایین صفحه ها به دست شوفاژ انجام شد . سایر تصاویر این کتاب به وسیله شارل ایزن ترسیم شد ، هنرمندی فلانکی که در نقاشی نقوش و تصاویر شهرت زیادی داشت . همچنین ایزن در تصویرسازی برای کتابهایی که موضوع آنها عشقی بود نقاش موفق بود : مثل تصاویری که برای کتاب *مونتسکیو*^{۲۵} به نام *معبد گنید*^{۲۶} ویا برای کتاب *اشعار احساسی شاعر مشهور*، دورا^{۲۷} ترسیم کرد . تصاویر زیبا و لطیف ایزن با اشعار نغز احساساتی دورا هماهنگی خاصی داشتند . عنوان این کتاب کوچک شعر دورا بوسه ها بود که در سال ۱۷۷۰ به چاپ رسید . در این کتاب ، مانند بسیاری از کتابهای مصور دیگر قرن هیجدهم ، می بینیم که صور و اشکال بنا به تقاضای دستداران کتاب پوشیده یا باز است .

پیرکلیمان مارلیه هنرمند دیگری است که بیش از ۲۰۰ تصویر به سبک وین پت برای کتاب *افسانه های دورا* ترسیم کرد که از بهترین نقاشیهای این عصر بود . از نقاشیهایش چنین بر می آید که نه تنها اشعار عاشقانه را تفسیر کرده ، بلکه جنبه های روحانی و تاثیر تزیینات را نیز در نظر داشته است فضل و برتری وی در زنده نگاه داشتن کتاب دورا بخوبی ظاهری شود در واقع شهرت کتاب دورا مدیون هنر مارلیه است .

گراولو

نقاشیهای او بر فرانسوا گراولو با کار ایزن و مارلیه کاملاً تفاوت دارد . شاید علت آن به اقامت چند ساله او در انگلستان مربوط باشد که تاحدی به هنرش استحکام بخشیده است . از جمله بهترین نقاشیهایش نقاشی برای چاپ گرنی^{۲۸} است که در سال ۱۷۶۴ ولتر آن را منتشر کرد و نقاشیهای کتاب *حکایت های اخلاقی* از مارمونت^{۲۹} در سال ۱۷۶۵ که در آن توانایی و کفایت ابتکاری خود را در تکوین شکلهای اثبات کرده است . علاوه بر جاودانگی اش در روش نقاشی لباسها و موقعیت و زندگی طبقات بالای آن

24- Fermiers Généraux.

27- Dorat.

25- Montesquieu.

28- Corneille.

26- Temple de Gnide.

29- Marmontel.

زمان، مهارتش را به عنوان نقاش و حکاک نشان داده است .

موروی اصغر

ژان میشل مورو ، ملقب به موروی اصغر از نقاشانی بود که در آثارش این جوّ تجمل پرستی دیده نمی شود او برخلاف دیگران ، در نقاشیهایش به طبیعت اهمیت می داد . از این رو کتابهایی که وی نقاشیهایش را بر عهده داشت ، از بیشتر کتب این عصر که حاوی تصاویر و نقوش وینیت است جالبتر است . زیرا در حقیقت بسیاری از نقاشان با نبوغی فراوان که به خرج می دادند ، گرچه نبوغی سطحی و شتابزده بود ، در نشان دادن روح زیبایی ممتاز این دوره مبالغه می کردند و آن را در کتابهایی به کار می بردند که با این روح بستگی نداشت . کتابهای بوکاپیو و آراتینو^{۳۰} می توانست برخی از نقاشان را در این گرایش تا حدّی به مبالغه بکشاند ، تاجایی که حتّی در چاپ کتابهای هراس و اُوید نیز این مبالغه به چشم می خورد .

اما مورو از این ضعف برکنار بود . در نقاشیهایش زیبایی طبیعت بوضوح دیده می شود و پیداست که از ایجاد جاذبه های کاذب و مصنوعی در خلق مناظر ، خودداری کرده است . این هنرمند طبیعت را می پرستید به طوری که در نقاشیهایش برای چاپ در کتابهای روسو که بین سالهای ۱۷۷۴ و ۱۷۸۳ منتشر شدند نبوغ و روح بزرگ این فیلسوف را منعکس کند ، کاری که در توان نقاش دیگری نبود . بعلاوه او در کار نقاشی وینیت نیز استاد بود و در عین حال در حکاکی توانایی زیادی داشت . بهترین کارهایش یک سری تصاویر بیست و چهارتایی است که زندگی روزمره خانواده های اشراف فرانسه را نشان می دهد و برای مصوّر کردن کتابی تحت عنوان *قصیر لباس*^{۳۱} ترسیم شده اند . در این کتاب آمده است : « اشکالی برای توضیح تاریخ آداب و رسوم و لباسهای فرانسویها در قرن هیجدهم »^{۳۲} این کتاب بین سالهای ۱۷۷۴ و ۱۷۸۳ در سه سری که هر یک دوازده تابلو داشت انتشار یافت سری اوّل کار فروید برگ^{۳۳} و دو سری

30- Aretino. 31-Monument du costume. 32- Estampes pour servir à l, histoire des mœurs et du costume des Français dans le XVIIIe siècle.

33- Freudeberg.

دیگر کار موروی صغیر بود . این تصاویر به سبب حالتی تقریباً امپرسیونیستی که داشتند و نیز به سبب طرح جسورانه سایه ها و روشنی ها که فریبندگی خاصی به آنها می بخشید معروفیت زیادی کسب کردند . آنها آن زندگی را به تصویر کشیده بودند که برای همیشه در طوفان انقلاب فرانسه نابود شد .

چاپ در عصر لویی پانزدهم

برخی کتابهای عصر لویی پانزدهم از طریق کنده کاری روی مس از آغاز تا پایان مصور شده بود به حدی که نقاشی و حکاکی بدون آن که به اصل متن خللی وارد شود ، به نحو مطلوب صورت می گرفت . گرچه بیشتر متون این کتابها با حروف چاپی چاپ شده بود اما حروف مورد استفاده ، اقتباس شده از حروف گارامون رومی با اشکال جدید بود .

حروف مورد استفاده

فیلیپ گران ژان^{۳۴} مُبدع حروف سلطنتی رومی بود . این حروف در چاپخانه لوفر ، محل چاپ بهترین کتب آن عصر که سابقاً ذکرش گذشت ، به شکلی خاص به کار می رفت . امتیاز این مجموعه حروف به آن بود که طرف چپ حروف با نسبت به طرف دیگرش ضخیم تر بود . این حروف مهیب و چشمگیر بود ، ولی به پایه حروف گارامون نمی رسید .

از میان حروف گذشته حروفی دیگر به نام حروف رومی که نزدیکتر به حروف گارامون بود وجود داشت ، گرچه با آن در یک سطح نبود ، این حروف را - در حدود نیمه قرن - پیر سیمون فورنیه صغیر^{۳۵} ترسیم کرد . او کسی بود که در سال ۱۷۶۶ کتابی درسی و کلاسیک را در فن چاپ منتشر ساخت .

بعداً سومین مجموعه حروف پدید آمد که دارای اشکال فشرده و متراکمی بود . نظریه مناسبت آن ، بطور خاص ، با طبیعت متراکم و در هم فرو رفته موبه نام حروف مویی نامیده شد .

34- Philippe Grandjean.

35- Pierre-Simon Fournier, le Jeune.

همکاری در تولید کتاب در قرن هیجدهم

از صفات برجسته تولید کتاب و کتاب آرایی در قرن هیجدهم ، همکاری پایدار بین ناشر و چاپچی و نقاش بود . بطور کلی زیبایی تصاویر و نقاشی های کوچک در کتاب ، هماهنگی در جزئیات کتاب از لحاظ مرغوب بودن کاغذ و حروف چاپ و حروف زینتی و زینتهای کوچک به سبک وینیت در پایان فصلها و اشکال و چاپ صفحات بدون شک ، همه و همه مدیون این همکاری موفق است . براستی بسیاری از ناشران ، امثال ژ - ب . کوانیار^{۳۶} و کاوالیه^{۳۷} و دوله لن^{۳۸} و دیگران از جمله هنرمندان اصیل به حساب می آیند ؛ زیرا برای تولید کتابهای حائز این صفات چندگانه که در کمال بخشیدن به کتاب مؤثراند ، وجود حس زیبایی شناسی حقیقی در حد بالایی لازم و ضروری است . اما آنچه مایه تأسف می باشد این است که زینتهایی به این زیبایی در کتابهای درجه دوم بکار رفت و میل به تصویر سازی تمامی کتابها مانند آنچه در قرن شانزدهم در تمامی کتابهای ساعات و اجبات روی داد ، رفته رفته آنقدر تنزل کرد که تبدیل به هوس و آزد شد .

تجلید - تزئین و طرح مليله کاری میشل پادلو

کتابخانه سلطنتی مانند بسیاری از دوستان کتاب در عصر لویی پانزدهم جلدسازی رابه نام آنتوان - میشل پادلو^{۳۹} برای جلدسازی کتابهایش استخدام کرد که نامش در تاریخ جلدسازی همیشه باشهت و اعتبار همراه است .

در آن زمان جلدهایی وجود داشت که برای لویی پانزدهم و همسرش ماری لک زانسکا^{۴۰} و دوستش مادام دو پمپادور^{۴۱} ساخته شده بود و نام پادلو را همراه داشت و همچنین جلدهای مجموعه کنت هویم^{۴۲} که بعداً از آن صحبت خواهیم کرد مزین به این نام بودند . اما جلدهایی که برای پادشاه ساخت ، همه متحد الشکل و از پوست مراکشی به رنگ قرمز بودند و از میان آنها چندین نسخه که مجالس دربار را توصیف می کردند توسط چاپخانه سلطنتی به چاپ رسیدند .

36- J. -B. Coignard.

37- Cavalier.

38- Delailain.

39- Antoine Michel Padeloup.

40- Marie Ieczinska.

41- Madame de Pompadour.

42- Hoym.

در این زمان جلدساز دیگری نیز به نام مونیه یا لو مونیه^{۴۳} استخدام شد و روشی را که در قرن هیجدهم بسیار رواج داشت به کار گرفت، در این روش تکه های پوست رنگین مختلف روی جلد کتاب قرار می گرفت، بطوری که طرحی شبیه قالیچه به دست می آمد. این هنر که بعداً خیلی مورد توجه قرار گرفت به کار مورائیک بر چرم شهرت یافت.

ملیله کاری به عنوان عنصری از عناصر تزئین

پیش از هر چیز باید چگونگی پیدایش تزئین به روش ملیله کاری یا لا اقل حدّ پیشرفت و استحکام آن شناخته شود.

به طور کلی این جلدها به وسیله قابهایی با پهنای مختلف و زینتهایی از نوعی ملیله کاری طلایی باکناره ها و فرورفتگیهای منظم زینت می یافت. این تزئینات، اطراف مرکز جلد را فرا می گرفت و در مرکز آن جایی خالی برای نشان صاحب کتاب باقی گذاشته شده بود، خواه به صورت رمز، یا حروف ابتدایی نام صاحب کتاب از این نمونه هزاران جلد با اشکال بی نهایت متنوع تولید شد، اما پشت جلد کتاب نیز تزئین می شد. غالباً تزئین عبارت از گل و بوته^{۴۴} بود که تمامی قسمت های پشت جلد را فرا می گرفت. همچنین زاویه ها بازینتهای کوچک تزئین می شدند.

کناره ها تذهیب می شد، ولی بندرت مانند جلد های قرن هفدهم کنده کاری روی آن انجام می گرفت. زینتهای ملیله کاری با مهارتی ویژه و ظرافتی بی نظیر در جلدهای جلدسازانی از قبیل: ژاک-آنتوان دورم^{۴۵} ملقب به کوچک و پسرش نیکلا دونی دورم^{۴۶} به کار می رفت. همچنین برخی جلدسازان از قبیل پیرپل دوبویسون^{۴۷} که رنوک^{۴۸} می دانست و نقاش بود و لوی دو سور^{۴۹} جلدساز پادشاه مانند پادلرو دیگران نام خویش را در این عصر جاویدان ساختند.

43- Le Monnier.

44- Fleuron.

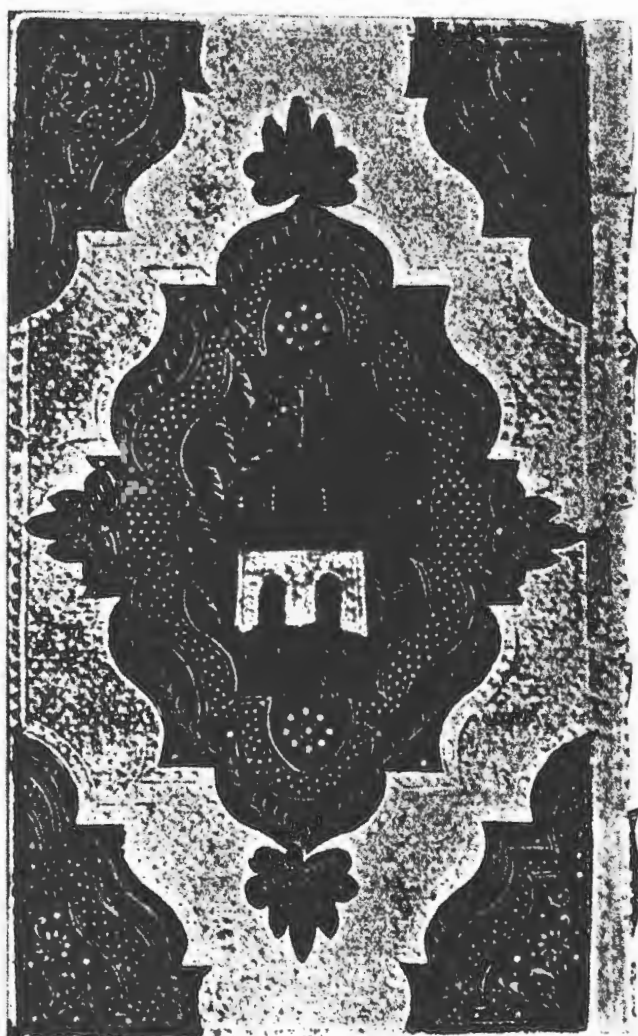
45- Jacques-Antoine Derome.

46- Nicolas-Denis Derome.

47- Pierre-Paul Dubuisson.

۴۸- سبک رنک در نقاشی: سبکی است که در آن طرحها و الگوها مانند استخوان شاه ماهی به صورت چپ و راست، یا کج و معوج به طور مایل ترسیم می شوند- م.

49- Louis Douceur.



ساخت نشان مالکیت کتاب^{۵۰}

نشانه های مالکیت کتاب کتابخانه های عمومی به صورت نشانه هایی رنگین در آغاز کتابها از دوران قرون وسطا شناخته شده است . در نیمه دوم قرن بعد از اختراع چاپ ، تعدادی از این نشانه ها را می بینیم که بر چوب کنده کاری شده و داخل جلد یا بروی برگه مخصوصی که برای چسباندن در اوّل کتاب آماده شده چاپ شده است . اما قدیمترین نشانه های تاریخ دار مالکیت کتاب در آلمان ، تاریخ آن به سال ۱۵۱۶ باز می گردد ؛ گرچه نشانه هایی بدون تاریخ به دست آمده ، که تقریباً مربوط به سال ۱۴۷۰ است ، قدیمیترین نشانه از این نوع را که تاکنون باقی مانده ، در فرانسه می بینیم که احتمالاً منسوب به دانشمند ژان برتو دولاتور بلانش^{۵۱} است که تقریباً به سال ۱۵۲۵ باز می گرد . احتمال دارد از نشانه های دیگری اطلاع یابیم که مالکیت سابق کتاب را مشخص می کند .

نشانه های مالکیت در قرن شانزدهم و هفدهم

بسیاری از هنرمندان بزرگ آلمانی عصر کنده کاری روی چوب ، نشانه های مالکیت کتاب را نقاشی می کردند ؛ از قبیل دورر^{۵۲} (مانند کارهای ویلی بالت پرک هایمر^{۵۳} از نورمبرگ) ، اسپرین گین کلک^{۵۴} ، لوکاس کراناخ^{۵۵} ، ورجیل سولیس^{۵۶} ، یوست امام^{۵۷} و دیگران .

تقریباً در تمامی نشانه های مالکیت کتاب در این عصر ، زینتهای رنوی را می بینیم که اشکالش رایج بود . نشانه های مالکیت قرن هفدهم نیز با افزایش انتشار کتاب منتشر می شد . این نشانه ها روی مس کنده کاری می شد ، اما سطح هنری آن پایین بود . چون میل به پرکاری که از ویژگیهای دوران سبک باروک بود در آن به چشم می خورد ، کما این که این تاثیر را نیز در شکلهای لوحه آغازین کتابی که بر مس کنده کاری شده بود دیدیم .

50- Ex-libris.

51- Jean Bertaud de la Tour Blanche.

52- Durer.

53- Willibald Pirckheimer.

54- Springinklec.

55- Lucas Cranach.

56- Virgil Solis.

57- Jost Amman.

نشانه‌های مالکیت باشکله‌های رمزی در قرن هجدهم

در قرن هجدهم بود که ساخت نشانه‌های ملکیت از لحاظ تعداد یا پایداری به اوج ارزش خود رسید .

در آن زمان نیز اکثریت بازیته‌های رنوکي بود و تشعیرها را غالباً اشکال بیضی مانند به سبک روکو کو احاطه کرده بود و بسیاری از مشهورترین نقاشان شکله‌های کوچک این عصر ، نشانه‌های ملکیت رنوکي زیبا از این نوع را ساختند که از جمله آنان : بوشه^{۵۸} و موروی صغیر و کوشن و ایزن و شوفار بودند . در همان زمان نشانه‌های ملکیت با اشکال رمزی مورد توجه بود . برخی نشانه‌های ملکیت دیگر ، دارای اشکالی کوچک به سبک وینیت بودند . این اشکال ، مناظر داخل کتابخانه و صاحب کتاب یا مناظر طبیعی یا خرابه‌هایی از آثار باستانی یا ستونی فرسوده و شکسته یا جزاین رانشان می دادند .

از اشکال معمولی زینتی رایج در این عصر شکل کتابی گشوده یا ساعتی شنی یا کره زمین بود و بیشتر نشانه‌های کتاب ، نشانه خانوادگی یا حروف اول نام یا نام کامل صاحب کتاب را داشت .

این برچسب ها را علامت مالکیت نامیده اند ، بدان جهت که غالباً قبل از اسم صاحب کتاب شامل کلمات ex-Libris هستند که می رساند کتاب از مجموعه شخصی کیست ، (یا ex- museo که مشخص می کند کتاب به مجموعه کتب کدام موزه متعلق است و یا ex-bibliotheca که مبین کتابخانه ای است که کتاب متعلق به آن است) .

آغاز قرن نوزدهم دوره نابودی هنر ساخت نشانه‌های مالکیت بود . کتابدوستی و ذوق جمع آوری کتاب نیز دستخوش چنین سرنوشتی شد ، به طوری که جز در اواسط این قرن رونق نیافت . اخیراً نیز ساخت این نشانه‌ها عادت رایج بین دوستان جمع آوری کتاب شده است .

کتابدوستی در قرن هیجدهم

رونق کتاب آرایی در فرانسه

در عصر سبک روکوکو در فرانسه کتاب دوستی و جمع آوری کتاب به علت پیشرفت هنر کتاب آرایی شکوفایی خاصی پیدا کرد. اکثر طبقات بالای جامعه، در گذشته هم به فراهم ساختن مجموعه های کتاب علاقه داشتند و روز به روز بر تعداد این افراد افزوده می شد، اما در عصر لویی پانزدهم و شانزدهم علاقه به کتاب و جمع آوری آن و تهیه مجموعه های زیبا و نفیس در میان طبقات بالای جامعه و اشراف رواج بیشتری یافت و نشانه بزرگی و تجمل محسوب شد، و این امر موجب شد که کتابهایی که به سبک وین یت تزئین شده بودند خواستاران زیادی داشته باشند.

تولید کتاب تزئین شده باشکلهای کوچک

بدون شک اگر کتابهای تزئین شده باشکال کوچک به سبک وین یت این گونه استقبال نمی شد کتابهای گرانقیمت به آسانی به فروش نمی رسید و بیشتر نقاشان و حکاکان نمی توانستند براحتی امرار معاش کنند، حتی ممکن بود زیر بار هجوم طلبها قرار بگیرند.

طبیعی است، چنان که گفتیم، کتاب هنری خواستاران فراوانی داشت. بلکه دامنه آن بویژه در نوع کمیاب آن گسترش یافت. مثلاً کازن^{۵۹} ناشر بی شک سود فراوانی به دست آورد. زیرا او کتابهای پلیسی بی شماری در قطع جیبی که دارای عکسهایی مربوط به مسائل جنسی بودند منتشر ساخت، هر چند بعضی از این کتب جنبه هنری داشتند. همان طور که قیمت کتابهای بزرگ سفرنامه در زمان ما خیلی زیاد است، قیمت این کتابها در آن زمان نیز بالا بود. چاپ این سفرنامه ها تا حدی منجر به پیدایش ابتکارات فراوانی در زمینه کتاب در قرن هیجدهم شد که پر از نقاشیهای جالب کنده کاری شده روی مس بود. از جمله این کتابها: *سفری جذاب در فرانسه*^{۶۰} در دوازده مجلد بود، و همچنین کتاب *سفری جذاب به ناپل و سیسیل*^{۶۱} که در نقاشی

59- Cazin. 60- Voyage pittoresque en France. 61- Voyage pittoresque à Naples et en Sicile.

اشکال کوچک پراز حیات واحساس آن ، اونوره فراگونار^{۶۲}، نقّاش و تعدادی از نخبگان نقّاشی شرکت داشتند .

بازگشت به کتابهای قدیمی

با همه اینها دوستاناران جمع آوری کتاب ، پولشان را فقط برای تهیه کتابهای معاصر خرج نمی کردند ، بلکه به ادبیات قرنهای گذشته نیز اهمیت می دادند . مانند توجه بر آثار نویسندگان بزرگ ، آثار ارزشمند درباره تاریخ هنر ، تاریخ طبیعی ، سیر و سیاحت ، نقشه ها و آثار کلاسیک یونانی و لاتین . به عنوان مثال ، یکی از آثاری که عده زیادی در جستجوی آن بودند چاپ یک سری ۶۴جلدی کتاب بود که به دستور لویی چهاردهم بین سالهای ۱۶۷۴ و ۱۷۳۰ به چاپ رسید و برای استفاده پسر بزرگ پادشاه (ولیعهد)^{۶۳} تهیه و تمام مطالب نامطلوب آن حذف شده بود .

تجارت کتاب در پاریس

این کتابدوستان فراوان ، به رونق بازار کتاب کمک می کردند و در مزایده هایی که در آن زمان در پاریس برپا می شد ، ایشان برای کتابهای گران قیمت مشتریانی ممتاز بودند . این دوره همچنین برای کتابفروشان دوره گرد که روی «پل جدید»^{۶۴} در طول سواحل رودخانه سن با صندوقهای کتاب گرد می آمدند موقعیت مناسبی بود و ممکن بود در دکه های آنها در میان اجناس بنجل فراوان کتابهای بی نظیر و گرانهای قدیمی و برخی کتابهای نایاب و تزئین شده بازینتهای عالی پیدا شود . حکومت با این دستفروشان کتاب میانه خوبی نداشت ، زیرا تصور می شد که آنها به فروش کتابهایی مبادرت می کنند که از نظر دینی یا سیاسی خرید و فروش آنها ممنوع است . بعلاوه سوداگران کتاب که جای پای خود را در بازار کتاب فرانسه محکم کرده بودند برای دفع این مزاحمان تلاش زیادی می کردند . اما به رغم تمام قوانین و مقررات ، این افراد که «فروشنندگان کتابهای کهنه» نامیده می شدند برگرفته از کلمه هلندی boekin به معنای کتاب کوچک - همچنان به کار و کسب خود ادامه می دادند .

62- Honré Fragonard.

63- ad usum Delphini.

64- Pont Neuf.

مجموعه داران فرانسوی - لاوالیر و هویم

شکی نیست که شاهزاده لویی دولا والیر^{۶۵} از لحاظ تعداد کتابهایی که داشت مهمترین دوستدار و مجموعه دار کتاب در قرن هیجدهم بود او در سال ۱۷۳۸ فعالیتش را برای جمع آوری کتاب در مزایده بزرگی که در کتابخانه هانری هویم سفیر ساکسونی در پاریس تشکیل شد آغاز کرد. کنت هویم ارزش مجموعه خود را که طی نه سال در خانه اش در پاریس جمع آوری کرده بود تقریباً به ۱۲۰۰۰۰ فرانک رساند. وقتی بناچار به آلمان بازگشت، همچنان به افزودن کتابهای کتابخانه اش در پاریس ادامه داد، بدون آن که کتابها را ببیند، تا این که خودکشی کرد و بدین طریق زندگی سراسر آشفته اش پایان یافت.

کتابهای هویم برگزیده ای از نسخه هایی بود که جلدهای بسیار عالی داشت. شاهزاده دولا والیر در آغاز خرید مجموعه ای بهتر از این کتابها نیافت. پس از آن در مزایده هایی فراوان به کتابهایی ارزشمند دست پیدا کرد و توانست مجموعه اش را گسترش دهد به حدی که ناچار شد برای رهایی از نسخه های مکرری که داشت، برخی از کتابهایش را در سه نوبت در معرض فروش بگذارد.

مجموعه دولا والیر در اروپا آن قدر شهرت یافت که پس از مرگش در سال ۱۷۸۴ دوستداران جمع آوری کتاب از تمامی شهرهای اروپا وارد پاریس شدند و دو نفر دانشمند و متخصص در کتابداری، ج. دو بور^{۶۶} و وان پرید^{۶۷} برای این مجموعه فهرستی تهیه کردند. مزایده هشتاد و یک روز ادامه داشت و مبلغ ۴۶۵۰۰۰ لیره به دست آمد.

دیگر مجموعه داران فرانسوی

بخشی از کتابخانه لاوالیر در مزایده به نمایش گذاشته نشد و مخفیانه به مرکز دوپولمی^{۶۸} فروخته شد. کتابهای آن را کنت دارتوا^{۶۹} که بعدها شارل دهم شد در سال ۱۷۸۱ خرید. وی نماینده یکی از کتابخانه های عمومی پاریس به نام کتابخانه آرسنال^{۷۰} بود.

65- Louis de la Vallière.

68- De Paulmy.

66- G. de Bure.

69- Conte d'Artois.

67- Van Praed.

70- Arsenal.

کتابخانه دیگری در پاریس وجود داشت که تاسیس آن به زمان دیر سنت ژنو وی یو^{۷۱} باز می گردد که در ابتدا کتابخانه ای محقر بود . اما وقتی کتابهای برجای مانده شارل موریس لو تلیر^{۷۲} اسقف ریمس ، متوفی ۱۷۱۰ به مجموعه کتابخانه مزبور اضافه شد ، کاستی های آن تا حد زیادی برطرف گشت و از آن زمان رشد این کتابخانه طی قرن هیجدهم همچنان ادامه یافت .

این کتابخانه در سال ۱۷۵۸ به روی عموم گشوده شد . ارزش جالب توجه آن به سبب تزیناتش با تصاویر و عکسهای نیم تنه بود . از جمله مکانهایی که بازدید کنندگان را به شگفتی وامی داشت ، تالار محیط بر کتابخانه بود .

برشمردن همه فرانسویان دواستداران کتاب در این قرن ، برای ما امکان پذیر نیست . لذا علاوه بر افرادی که سابقاً ذکرشان به میان آمد ، به معرفی چند نفر دیگر بسنده می کنیم . لویی گینا^{۷۳} که نقاشیهای داد خواهان رابه قصر سلطنتی اهدا می کرد موفق شد کتابخانه ای از زیباترین کتابخانه های قرن هیجدهم تاسیس کند ، اما مجموعه این کتابخانه پس از آن که ژ . ف . دو بور اقدام به تهیه فهرستی برای آن کرد ، در فروش همگانی سال ۱۷۶۹ پراکنده شد . کاردینال دو رو آن^{۷۴} را هم نام می بریم که بخشی از کتابهای ژاک اوگوست دو تو^{۷۵} را ضمیمه مجموعه خود کرد و بعد از مرگ کاردینال به پسربرادرش شارل دو رو آن رسید . همچنین امیر سوویز^{۷۶} را نام می بریم که در طول بیست سال ارتباطش را با هیچ یک از مزایده های کتاب در داخل و خارج از فرانسه قطع نکرد .

و نیز از شارل درلشان رئیس دیر روت لن^{۷۷} نام می بریم . درحوزه ریاست او تعدادی از نسخه های خطی اولین کتاب چاپ رنگی که به دست بزرگترین هنرمندان آن عصر با جلدهای بسیار عالی جلد شده بود وجود داشت .

از مادام دو پمپادور هم که حامی هنر کتاب آرایی بود یاد می کنیم . وی به هنر شکلهای کوچک وینیت علاقمند بود و کتابخانه اش بویژه از کتابهای نمایشنامه پر بود .

71- Sainte-Geneviève.

72- Charles-Maurice le Tellier.

73- Louis Gaignat.

74- Cardinal de Rohan.

75- Jacques Auguste de Thou.

76- Soubise.

77- Rothelin.

کتابخانه سلطنتی

از جمله شرکت کنندگان در خرید کتابهای لاوالیر و روت لَن کتابخانه سلطنتی بود، که از علاقه و اشتیاق دوستان بزرگ جمع آوری کتاب، بسیار بهره مند شد؛ این بهرمندی، یابخاطر خریدن تمام مجموعه های شخصی یا قسمتی از آن بود و یا بجهت هدایایی بود که آنان برای این کتابخانه می فرستادند. کتابهای گرانقیمت بسیاری برای کتابخانه مزبور از شرق، وارد پاریس می شد. همچنین سفیران فرانسه در خارج، کتابهای گرانقیمت بسیار ارزنده ای را به آن جا می فرستادند. علاوه بر آنچه نام برده شد، باید مجموعه تصاویر کنده کاری شده را که در این کتابخانه گرد آمده بود به آن اضافه کنیم. این کتابخانه از لحاظ داشتن کتابهای نایاب و نفیس بزرگترین و غنی ترین کتابخانه دنیای متمدن آن عصر به حساب می آید. مجموعه های کتابخانه سلطنتی در سال ۱۷۲۱ به قصر نور^{۷۸} که هم اکنون در خیابان ریشلیو قرار دارد انتقال یافت در آن وقت، کشیش ژان بینون^{۷۹} نخستین کسی که لقب مدیر کتابخانه سلطنتی را از سال ۱۷۲۰ داشت، مدیر آن کتابخانه بود.

کتابدوستی در انگلستان

کتابدوستی در فرانسه، مانند بسیاری چیزهای دیگر که از فرانسه گرفته شد، به فرماندهان و اشراف سایر کشورهای اروپائی تاثیر گذاشت. اگر هیچ دولتی نتوانست در عظمت و اهمیت با فرانسه رقابت کند، این موضوع مانع نمی شد که تاسرحدا امکان از چگونگی زندگی در دربار لویی چهاردهم و جانشینان او تقلید شود. طبقه اشراف انگلیس که در دربار جرج اول گرد می آمدند، تقریباً همگی آنان تحت تاثیر ذوق فرانسوی قرار گرفته بودند و تعدادی از دوستان کتاب در میان آنان وجود داشتند. در انگلستان، مانند فرانسه، می بینیم تلاش و فعالیت مجموعه داران خصوصی برای پیشرفت کتابخانه های عمومی بیشتر از سایرین است.

تأسیس موزه بریتانیا

علاوه بر این در انگلستان حقیقت مهمی را می بینیم ، و آن این که کتابخانه اختصاصی شاه بر خلاف کشورهای دیگر به کتابخانه ملی تبدیل نشد . کتابخانه ملی موزه بریتانیا هنگامی تأسیس شد که پارلمان در سال ۱۷۵۳ خرید کتابها و دست نوشته هایی را که پس از مرگ پزشک هانز اسلون^{۸۰} از وی برجای مانده بود تصویب کرد . سپس برخی مجموعه های خطی مهم به آن افزوده شد از آن جمله ، مجموعه کاتن^{۸۱} و هارلی^{۸۲} . با این هسته ، تأسیس موزه مشهور بریتانیا امکان پذیر شد . پس از چند سال ، جرج دوم مجموعه هایی از قصر پادشاهی به آن جا اهداء کرد . بعلاوه بر اساس قانون واسپاری اجباری مقرر شد از تمامی کتابهایی که در انگلستان چاپ می شد یک نسخه به آن کتابخانه سپرده شود . در سال ۱۷۵۹ این مؤسسه جدید به روی عموم گشوده شد و زیر نظر انجمنی مرکب از چهل و هشت عضو که نیمی از آن را دولت تعیین می کرد ، قرار گرفت .

مجموعه هارلی

هارلی کنت اکسفورد که قبلاً از او نام بردیم ، مجموعه ای بزرگ از کتاب و نسخه های خطی را از پدرش به ارث برد . او کتابهای دیگری را هم بر آن افزود به طوری که هنگام مرگش ۷۶۰۰ نسخه خطی ۴۰۰۰۰ خطابه و سند ، ۵۰۰۰۰ کتاب چاپی ۴۰۰۰۰ رساله و مقوله های دیگر داشت . مجموعه بی نظیری که از لحاظ غنا با مجموعه لاوالیر در فرانسه برابری می کرد .

دوستاناران چاپهای نخستین^{۸۳}

مجموعه هارلی شامل کتابهای چاپی متعددی بود که توسط قدیمترین چاپخانه دار انگلیسی ، کاکستون^{۸۴} و جانشینان بلافصلش چاپ شده بود . از این جابه میزان توجه و علاقه دوستاناران کتاب به چاپهای اولیه پی می بریم ، امری که به هیچ وجه در آن

80- Hans Sloane. 81- Cotton. 82- Harley. 83- Incunabula. 84- Caxton.

دوران معمول نبود. بدون شک یکی از دوستان جمع آوری کتاب، اسقف ایلی^{۸۵} به نام جان مور^{۸۶} توجهش به سوی این چاپهای اولیه کتب حروف سیاه، جلب شده بود. جرج اول، کتابهای این مجموعه دار را در سال ۱۷۱۵ خرید تا به کتابخانه دانشگاه کمبریج اهدا کند. اما لازم به ذکر است که دوستان جمع آوری چاپهای اولیه تا دهه های آخر قرن هیجدهم بر تعدادشان افزوده نشد. مجموعه داران انگلیسی جایگاه ممتاز خود را در این زمینه تا زمان حال حفظ کرده اند.

جلدهای انگلیسی به سبک هارلی

در تاریخ جلدسازی انگلیسی به نوع خاصی از هنر جلد کردن کتاب، سبک هارلی اطلاق شده است که منسوب به جلد‌های ساخته شده برای هارلی است. زینتهای این جلد‌ها در بخش مرکزی زمینه ای کوچک دارد که با حاشیه ای پهن مرکب از طرحهای گلابتون و گل‌های واقعی که به شکل خاص نقاشی شده اند احاطه شده است. این جلد‌ها، گرچه در عصر خود در انگلستان رواج یافت، اما سبک آن از نظر ما بسیار سنگین و پرکار است و نمی تواند با جلد‌هایی که در زمان هارلی در اسکاتلند ساخته شد و دارای ساقه گیاه با برگهایی بلند در دو طرف به شکل زینتهای گلابتون بود، برابری کند.

دوستان کتاب در آلمان

کتابدوستی فرانسه دارای چنان اهمیتی بود که انگلستان از آن تقلید کرد. باهمه اینها این یک تقلید صرف نبود در رابطه کتابدوستی فرانسه با کتابدوستی آلمان نیز این تقلید بر همین منوال بود.

فردریک دوم

در آلمان تمدن و ادبیات فرانسه دل‌باخته ای مشتاق داشت که همان فردریک کبیر،

دوست ولتر بود ، کسی که در کنار مهارت نظامیش ، خواننده ای حماسه آفرین و نویسنده ای مشهور بود . کتابهای او که در بیست و پنج جلد بین سالهای ۱۷۸۷ و ۱۷۸۹ انتشار یافت ، از حیث مقدار ، از بزرگترین کارهای چاپی قرن هیجدهم در آلمان بود .

او در شهرهای سان سوسی^{۸۷} و پوتسدام^{۸۸} نیز مجموعه های بزرگی داشت . او حتی در لشگرکشی هایش ، کتابخانه اختصاصیش را با خود می برد . به طور کلی محبوبترین کتابها در نظرش نوشته های عقلیون فرانسوی و ادبیات فرانسه بود . علاوه بر این ، او کتابهایی را که در قطع $\frac{1}{8}$ و $\frac{1}{12}$ بودند ترجیح می داد ، به حدی که تا می توانست از قطع $\frac{1}{4}$ دوری می کرد و مثل فرانسویان جلدهای ساخته شده از پوست مراکشی به رنگ قرمز با کناره های طلاکاری شده را بهتر می پسندید .

دوستانداران کتاب در درزدن^{۸۹}

بر خلاف انتظار تاثیر کتابدوستی فرانسه در آلمان بویژه در ولایات شمالی و شهرهای تحت پیمان هانس احساس می شد . شکی نیست که این تاثیر تا حدی از طریق انگلستان به دین نواحی رسیده بود .

این تاثیر در منطقه ساکسونی نیز احساس می شد . زیرا این ناحیه از زمان اوگوست منتخب هرگز به طور کامل ارتباط خود را با سنت فرانسه قطع نکرده بود . در درزدن در قرن هیجدهم تعداد زیادی کتابخانه اختصاصی وجود داشت . در این جا مانند پاریس یکی از افتخارات اشخاص این بود که مجموعه دار کتاب باشند ؛ از مشهورترین مجموعه داران این دوران درخشان باید از کنت هاینریک فون برول^{۹۰} نام برد . کتابهای وی که بالغ بر شصت و دو هزار جلد بود سرانجام به کتابخانه دربار که همان کتابخانه ساکسونی کنونی است منتقل شد .

همچنین در آن جا کتابخانه ای تاریخی ، ارزنده و مشهور ، متعلق به مجموعه دار دیگری از مجموعه داران بزرگ ساکسونی وجود داشت که همان کتابخانه هانری دو بونو^{۹۱} است ، این کتابخانه بیشتر به سبب سیستم فهرست نویسی که در آن به کار رفته

87- Sans-Souci.

88- Potsdam.

89- Dresden.

90- Count Heinrich von Brühl.

91- Henri de Bunau.

بود اهمیت زیادی داشت ، نه به سبب تعداد کتابهای آن . بونو با کمک مدیر کتابخانه اش ج . م . فرانک^{۹۲} یک سیستم فهرست نویسی را برای سهولت استفاده از مجموعه ها وضع کرده بود . اگر چه نظام فهرست نویسی بونو - فرانک در آن زمان بندرت به کار گرفته می شد ، اما پس از آن عصر تا مدتی طولانی نمونه ای بود که صاحب نظران از آن پیروی می کردند .

در مقایسه مجموعه برول با مجموعه بونو باید گفت اوکی کتابخانه تقریباً ارزنده ای به حساب می آید که تشکیل آن مدیون اشتیاق این وزیر جاه طلب بود ، حال آن که جلدهای بونو با قابهای زینتی و باسبک روکو کو که بخش مرکزی باطرحهای رنوکی احاطه شده متأثر از سبک فرانسوی است که به صورتی پرکارتر به کار گرفته شده است .

مجموعه داران اسکاندیناوی

اگر چه کتابدوستان دانمارکی ، سوئدی و کتابفروشیهای کشورهای اسکاندیناوی در اصل متأثر از کتابدوستی آلمانیها بودند ، اما تأثیر فرانسه را هم بر ایشان در آن دوره بروشنی می بینیم .

در قرن هیجدهم در دانمارک مجموعه داران بزرگی بودند که ضمن سفرهایشان به اروپا ، روابطشان را با کتابدوستان فرانسوی محکم کرده بودند . مهمترین آنان کنت اوتو توت^{۹۳} است که کتابهایش به هنگام مرگ در سال ۱۷۸۵ نزدیک به ۱۳۸۰۰۰ جلد رسیده بود . او وصیت کرد که مجموعه نسخه های خطی اش را به کتابخانه سلطنتی کپنهاگ بپارند .

اما در سوئد ، دربار گوستاو سوم کاملاً تحت تأثیر فرانسه بود و مجموعه دار و هنردوستی داشت که با بزرگترین مجموعه داران فرانسوی رقابت می کرد . وی کنت کارل گوستاو تسین^{۹۴} بود . با همه اینها بیشتر کتابخانه های اسکاندیناوی نشانی داشتند که با نشان کتابخانه هایی که قبلاً نام بردیم اختلاف داشت . کتابخانه های کشورهای اسکاندیناوی ما را بیشتر به یاد کتابخانه بونو می اندازد ، تا مجموعه های ارزشمند فرانسوی . علتش اساس علمی محکمی است که تکوین آنها بر آن استوار شده است .

92- J. M. Franke.

93- Otto Thott.

94- Gustave Tessin.

درستی این مطلب مثلاً در چگونگی مجموعه بزرگ اختصاصی استاد دانشمند کریستیان. و. بوتنر^{۹۵} اهل گوتینگن^{۹۶} آشکار می شود که با دانش گسترده جهانی و علاقه اش به جمع آوری کتاب ما را به یاد مالیاییکی^{۹۷} می اندازد. ناگزیر خانه اش مانند خانه این فلورنسی مشهور است. بنابر آنچه گوته تنظیم کننده مجموعه مالیاییکی بعد از وفاتش، می گوید: «این شاعر بزرگ در حقیقت مجموعه دار نبود، او فقط مجموعه مهمی از کتابهای علمی اختصاصی فراهم کرد. و این کار در زمانی بود که وی کتابخانه های عمومی شهرهایش را به کار می گرفت و تقویتشان می کرد.»

کتابخانه های عمومی و دانشگاهی آلمان

کتابخانه در بار در زدن حدوداً در پایان قرن هیجدهم به روی عموم گشوده شد اما نظم داخلی، چه در کتابخانه های فرمانروایان و چه در کتابخانه های دانشگاهها، رضایت بخش نبود.

وظیفه سرپرستی کتابخانه های دانشگاهی کار دومی بود که یکی از اساتید عهده دار آن می شد. کمتر اتفاق می افتاد که این اساتید بیش از حد لازم تلاش کنند تا آن جا که بیشتر کتابخانه های دانشگاهی به روزی افتاد که یادآور اوضاع و احوال مجموعه های دیرها در قرون وسطا بود. غالباً یکی از دانشجویان در انجام کارهای سبک و ساده به مدیر کتابخانه کمک می کرد و بدون شک همان دانشجو کلیه کارها را انجام می داد.

کتابخانه گوتینگن^{۹۸}

در آلمان دانشگاهی به نام دانشگاه گوتینگن وجود داشت که کتابخانه آن تا مدت زیادی الگوی تمامی کتابخانه های اروپا بود. کارگزاران کتابخانه، همان طور که بر اساس شیوه ای معین برای پیشرفت آن فعالیت می کردند، با همکاری یکدیگر سعی داشتند کاری کنند که دانشجویان آسان تر به کتابها دسترسی داشته باشند. آنگاه با مدیریت دانشمند بزرگ زبان شناس کریستیان گوتلیپ هاینه^{۹۹} مدیر سابق کتابخانه کنت برول، کتابخانه پیشرفت و تحولی را آغاز کرد که کتابخانه های دیگر جهان فقط در قرن

95- Chr. W. Buttner.

96- Gottingen.

97- Magliabecchi.

98- Gottingen.

99- Christian Gottlieb Heyne.

نوزدهم به آن نائل شدند . و طولی نکشید که گوئینگن به صورت نخستین کتابخانه تحقیقاتی اروپا به مفهوم امروزی آن درآمد .

سیاحان مجموعه دار

در سال ۱۷۶۹ کتابخانه گوئینگن با دستیابی به کتابهای یوهان فردریک فون اوفن باخ^{۱۰۰} شخصی که غالباً در جمع آوری کتب موفق بود، برغنایش افزوده شد . این عاشق کتاب طی سفری به همراهی برادرش زاخاریاس کُنراد^{۱۰۱} که در کتابدوستی حتی از او برتر بود ، آنها را به دست آورده بود . این دو برادر با داشتن فهرست کاملی از کتابهایی که قصد داشتند خریداری کنند ، سرزمینهای آلمان ، هلند و انگلستان را طی کردند . از مطالعه خاطرات سفرهایش چنین استفاده می شود که مخصوصاً اطلاعات زیادی درباره چاپ و نشر کتاب جمع آوری کرد . این سفرها را می توان سفرهای ویژه تحقیق درباره کتاب به شمار آورد . سفر عاطفی^{۱۰۲} اشترن^{۱۰۳} و یوریک^{۱۰۴} دلیل بر حیات علمی دوستان کتاب و از امتیازات این قرن است آنها بطور کلی بهترین مشتری های کتاب در هلند بودند . کتابدوستان انگلیس و آلمان و کشورهای اسکاندیناوی غالباً برای خرید کتاب به هلند می آمدند .

انتشار کتاب در قرن هیجدهم

کتابهای عوام پسند و دایرة المعارفها

در آلمان کتاب وادیات در مقایسه با انگلستان و فرانسه بیشتر با طبقه متوسط پیوند داشت به طوری که علاقه به کتاب خواندن بین گروههای مختلف عامه دائماً در حال گسترش بود . بعدها تلاش فلاسفه برای نشر ادبیات آموزشی و فرهنگ عامه به پایه ای از پیشرفت دست یافت که تا آن زمان دیده نشده بود .

100- Johann Fredrich von Offenbach.

102- Voyage sentimental.

103- Sterne.

101- Zacharis cornard.

104- Yorrick.

علاقه مردم به انتشار کتاب در این قرن

این اشتیاق ، وسیله اتصال تمامی حرکت‌های فکری شد که در اروپا پدید آمده بود و تنها مختص آلمان نبود . سخن گفتن از علت چنین حرکت‌های فکری ضروری است شکی نیست که حرکتی برای منظم ساختن حیات علمی به وجود آمد . حیات علمی ، خود راهنمایی است که نشان دهنده این نظم دهی است . منظم کردن حیات علمی بشکل فعال از قرن هفدهم ، بین دولتهای بزرگ آغاز شد . در این زمان بود که نخستین آکادمیهای علوم تاسیس شد و اولین مجلات علمی انتشار یافت . در پاریس نشریه « دانشمندان » ۱۰۵ که انتشارش به سال ۱۶۶۵ باز می گردد ؛ در لندن مجله « بحثهای فلسفی » ۱۰۶ منتشر شد ؛ این دو نشریه مرتباً تا امروز منتشر می شوند ؛ در لایپزیک مجله « کارهای دانشمندان » ۱۰۷ انتشار یافت .

دانشمندان قرن هیجدهم تمامی دانشهای اعصار را در دانشنامه های بزرگ الفبایی شده به صورتی که دستیابی به آن آسان بود ، جمع آوری کردند . دیدرو ۱۰۸ و دالامبر ۱۰۹ و دوستانشان در فرانسه *دایرة المعارف* مشهور فرانسه را از سال ۱۷۵۱ تا سال ۱۷۷۲ تدوین کردند . همین *دایرة المعارف* بود که به تنویر افکار انقلاب فرانسه بسیار کمک کرد . در پی آن کتابی از حیث حجم بزرگتر از آن به نام *دایرة المعارف موضوعی* ۱۱۰ تقریباً در ۱۶۶ مجلد پدید آمد . مؤسس آن ، ناشر بزرگ شارل ژوزف پانکوک ۱۱۱ بود ؛ گرچه مدت زیادی پس از مرگش کار انتشار آن پایان یافت . در آلمان بزرگترین ناشر لایپزیک ی . ه . تسدلر ۱۱۲ نخستین *دایرة المعارف* جهانی را که در شصت و چهار مجلد بزرگ بود ، منتشر ساخت که تا به امروز دارای ارزش و اعتبار است .

مجلات انتقادی و ادبی کم کم افزایش یافت . همچنین تقویمها و کتابهای جیبی مخصوصاً مورد توجه واقع شد . حتی توجه به کتابهای کودکان عملاً آغاز شد . از آن جمله کار کامپه ۱۱۳ در تعدیل کردن *افسانه های رابینسون کروزوئه* ۱۱۴ تالیف دانیل

105- Journal des Savants. 106- Prilosophical Transactions. 107- Acta eruditorum.

108- Diderot.

109- D. Alembert.

110- Encyclopédie Méthodique.

111- Ch. J. Panckoucke.

112- J. H. zedler.

113- campe. 114- Robinson Crusoe.

دوفو^{۱۱۵} بود که نتیجه آن آماده کردن بهترین کتابها برای کودکان بود .
در فرانسه بویژه در نیمه دوم قرن هیجدهم ، تعداد زیادی تقویم ، در قطع کوچک
که با اشکال کوچک حکاکی شده بود ، انتشار یافت . کارهای انجام شده توسط ف . م .
کودو^{۱۱۶} در این زمینه نشان فعالیت چشمگیر است .

کتاب هنری عوام پسند در آلمان - کودو ویتسکی^{۱۱۷}
در آلمان کتابهای جیبی کوچک و تقویم ها ، طرفداران بسیار داشت ، بویژه آنهایی
که با اشکال کوچک حکاکی شده برمس آراسته شده بود و هنرمندان آلمانی در ساخت آن
از هنرمندان فرانسوی تقلید کرده بودند ؛ اگر چه از لحاظ کیفیت متفاوت بود .
از میان این هنرمندان تنها یک نفر به نام دانیل کودو ویتسکی بود که توانست قدرت
ابتکاری ویژه اش را نشان دهد و در برخی حالات در نقاشیهایش صحنه هایی از زندگی
بورژوازی آلمان یا آنچه را می توان زندگی طبقه متوسط آلمان نامید ترسیم کند . از این
رو کودو ویتسکی نخستین هنرمند برجسته ملی در هنر تصویرهای وینیت آلمانی به
حساب می آید . از تصاویر کوچک به سبک وینیت مربوط به زندگی روزمره که کشیده
است ، نیز در می یابیم ، چگونه او به این شهرت دست یافت . این شهرت تاجایی بود
که کتابی مانند کتاب *افسانه های*^{۱۱۸} *گلرت*^{۱۱۹} که از ابتدای چاپ ، در تیراژ وسیعی
منتشر شد ، با افزوده شدن تصاویری که کودو ویتسکی برای آن کشید ، محبوبیت و
انتشاری بیشتر از سابق ، کسب کرد . او بخاطر عکسهایی که به سبک وینیت برای
کتاب *هرمان*^{۱۲۰} و *دوروته*^{۱۲۱} از گوته شاعر تهیه کرد و همچنین کارهایش در تقویم برای
بانوان سال ۱۷۹۹ و کتاب *مینای بارن هلم*^{۱۲۲} از لسینگ^{۱۲۳} (۱۷۷۰) و نقاشیهای
کوچک دیگرش که مناسب قطع تقویمها بود موفقیت های بزرگی به دست آورد . کودو
ویتسکی به حکاکی نشانه های مالکیت کتاب نیز می پرداخت . او نوآوریهای هم در این
زمینه پدید آورد . از میان دیگر حکاکان آلمان که معروفیت دارند گیورفردریک

115- Daniel de Foe. 116- F. M. Quevedo. 117- Daniel Chodowiecki. 118- Fables.
119- gellert. 120- Hermann. 121- Dorthée.
122- Minna de Barnhelm. 123- Lessing.

اشمیت^{۱۲۴} است که کتابهای فریدریک کبیر را تصویر سازی کرد . و نیز باید در این زمینه از ج . و . میل^{۱۲۵} و سی . جی . گایزر^{۱۲۶} و جی . ام . پرایسلر^{۱۲۷} نام برد . پرایسلر بعدها به دانمارک رفت . همه این حکاکان تحت تاثیر آثار فرانسوی قرار داشتند ، بویژه میل که در پاریس آموزش دیده بود .

در سویس شاعر نقاش سالومون گسنر^{۱۲۸} را می بینیم که نقاشیهای کوچکش گواهی بر علاقه او به طبیعت است و در ظرف بازبایی قطعات اشعار مشهورش برابری می کند .

رونق کتاب در آلمان

علاقه روز افزون به کتابخوانی تسهیلات جدیدی را برای تجارت کتاب فراهم ساخت . تولید کتاب در نیمه دوم قرن هیجدهم بسیار افزایش یافت و شمار نویسندگان در این دوره درخشان ادبیات آلمان به چندین برابر رسید .

وضع مؤلفان

در این دوره ، رفته رفته توجه به حقوق مؤلف بسیار افزایش یافت . با همه اینها همیشه پیوند مؤلفان با ناشران ، خوب و منصفانه نبود ، تا جایی که بعداً بین ناشران چنین مرسوم شد که غالباً نویسنده را در سود چاپهای مجدد کتاب سهیم نمی کردند . گاهی اوقات هم مشاهده می شد ، برای این که کتابی بدور از دست ناشر چاپ شود ، تلاشهایی صورت می گرفت ، به طوری که برخی مؤلفان کتابهایشان را شخصاً منتشر می کردند از قبیل لسینگ ، یا این که با کمک دوستانشان ، مؤسسات تعاونی برای نشر کتاب ایجاد می کردند ؛ چنانکه مؤسسه عامه دانشمندان^{۱۲۹} و یژه کلوپ استوک^{۱۳۰} چنین وضعی داشت .

124- Georg Fr. Schmidt. 125- J. W. Meil. 126- C. G. Geyser. 127- J. M. Preisler.
128- Salomon Gessner. 129- Gelehrtenrepublik. 130- Klopstock.

افزایش قیمت کتاب

به طور کلی افزایش حقوق مؤلف و زیبایی چاپ کتاب که تدریجاً از آغاز تأثیر هنر کتاب فرانسوی بر آلمان عمومیت یافت، باعث بالا رفتن قیمت کتاب شد، به طوری که در آغاز قرن هیجدهم قیمت آن از چند پفنیگ^{۱۳۱} آلمانی برای هر برگ به ده پفنیگ رسید و حتی طی دوره های آخر قرن از این مبلغ هم بیشتر شد.

مبارزه با تقلید و چاپ غیر مجاز

در قرن هیجدهم، این قیمت‌های بالا بر سوءاستفاده تجدید چاپ و کتاب که نسبت به قبل شدت بیشتری گرفته بود، اثر گذاشت و انتشار کتابهای آلمانی بطور پنهانی باتیراژ زیاد در هلند و سویس و بویژه در اتریش دوباره از سر گرفته شد، تا این که کم کم بازار فرانکفورت تبدیل به بازار کتابهای تقلیدی شد. تاجر بزرگ فیلیپ ارازم رایش^{۱۳۲} از لایپزیک نخست حمله اش را متوجه این بازار کرد و در حدود سال ۱۷۶۰ تلاش کرد تا به این وضعیت نامطلوب خاتمه دهد. تا آن که در سال ۱۷۷۳ حکومت ساکسون به نفع این ناشر وارد عمل شد. علت دیگر مبارزه اش علیه این وضع آن بود که این امر حرکت تقلید کتاب را در جنوب آلمان تندتر می کرد، به طوری که در سواییا و بافاریا و شهرهای رود این تمامی کتابهای تقلیدی شمال آلمان در حدود سال ۱۷۸۰ بفروش رسیده بود. اما حمایت از حقوق مؤلف در آلمان فقط از سال ۱۷۹۱ آغاز شد، و آن هنگامی بود که قانون پروسی در این زمان، به عنوان نخستین قانون ناشران به مورد اجرا گذاشته شد. مجازات تقلید کنندگان تنها به لغو امتیازات آنها محدود نمی شد بلکه مورد مجازات شدید و سریع نیز قرار می گرفتند و به این ترتیب زمینه برای از بین بردن تقلید و اقتباس برای بخشهای دیگر آلمانی نیز فراهم شد.

تجارت کتاب

تجارت کتاب به کندی سامان یافت. هنگامی که در جنوب آلمان مردم مدت

۱۳۱ - pfennig، سکه ای آلمانی برابر $\frac{1}{100}$ مارك.

زیادی بافروش مبادله ، خو گرفته بودند ، تجّار شمال آلمان که در راس آنان تجّار لایبزیگ قرار داشتند از این روش سر باز زدند و به روش معامله نقدی پرداختند تا آن که سرانجام در حدود پایان قرن به تاسیس بازار کتاب در لایبزیگ منجر شد . همچنین پیشنهاد اصلاح - که از سوی شارل کریستیان^{۱۳۳} هُروات و ج . ج . گوشن^{۱۳۴} پیشنهاد شده بود - سبب ایجاد تمرکزی شد که ضرورتی مصرّانه برای تجارت آلمان داشت .

بازرسی سیاسی

از مهمترین ویژگیهای تجارت کتاب در قرن هیجدهم رشد بازرسی سیاسی بود ، بازرسی دینی تقریباً بطور پنهانی آغاز شد ، و در برابر آن بازرسی سیاسی بیش از آنچه قبلاً بود شدّت یافت ، واتریش و بافاریا در راس این حرکت قرار داشتند . هرچند حدوداً در پایان قرن پروس در این راه به آن دو پیوست ، اما اسکاندیناوی از آلمان پیروی کرد .

تجارت کتاب در فرانسه

تجارت کتاب در فرانسه نسبت به سایر کشورها از نظم و انضباط بیشتری برخوردار بود در فرانسه در زمان لویی پانزدهم برای اداره امور کتابفروشیها ، مدیری تعیین شد و نخستین کسی که متصدی این پست شد مدیر کتابخانه سلطنتی کشیش بینون^{۱۳۵} بود که قبلاً از او صحبت شد . پس از او مالزرب^{۱۳۶} وزیر لویی شانزدهم با داشتن ویژگیهای یک مدیر خوب از قبیل آزادمنشی و چشم پوشی کار او را دنبال کرد .

مجلس در سال ۱۷۷۷ در زمان وزارت یکی از جانشینان مالزرب شش آیین نامه صادر کرد . از جمله مقرّرات آن ، دادن امتیاز دهساله به کتابفروشان یا به نویسندگانی بود که حق داشتند کتابهایشان را خود منتشر کنند .

اگر چه این قانون ، با کار تاجران کتاب متناسب نبود ، اما در کوتاه مدت وضعیت مناسبی را برای کتابفروشیهای فرانسوی در قرن هیجدهم ، پدید آورد . این بهبود وضعیت بواسطه قانون حمایت از مؤلفان و ناشران بود که از طریق دادن امتیاز به آنها امکان بهره برداری از تلاش مجدّانه ای که در آن زمان در زمینه ادبیات صورت می گرفت

133- Charles Chr. Horwath. 134- G. J. Goschen. 135- Bignon 136- Malesherbes.

برای آنها فراهم می شد . با همه اینها تجّار خرده پایی که در محلّ پل جدید پاریس حضور داشتند ، کتابفروشان صاحب امتیاز را به ستوه آورده بودند .

تکمیل صنعت کتاب - چاپ کلیشه ای برای یک صفحه کامل^{۱۳۷}
در این ایّام به علّت افزایش انتشارات در زمینه ادبیّات بندرت اتفاق می افتاد که یک کتاب چندین بار چاپ نشود . بنابراین ، در قرن هیجدهم طبیعتاً صاحبان چاپخانه ها به این فکر افتادند ، که فرمهای حروف چینی شده کتاب را پس از چاپ کتاب نگهداری کنند ، چون در چاپ سری کامل پی در پی کتابهای همسان مورد استفاده واقع می شد . نخستین کسی که این نوع چاپ کلیشه ای^{۱۳۸} را آزمایش کرد ، زرگر اسکاتلندی ویلیام گد^{۱۳۹} بود که کوششهایش در این زمینه به حدود سال ۱۷۲۰ باز می گردد . گرچه تلاشهای او نتیجه دلگرم کننده ای نداشت ، اما زمانی که لرد استانهوپ^{۱۴۰} ، اصلاحاتی در چاپ کلیشه ای انجام داد ، ارزش عملی آن آشکار شد . او در آغاز قرن نوزدهم تعدادی تورات به روش کلیشه ای در چاپخانه دانشگاه کمبریج چاپ کرد .

دستگاه چاپ فلزی

همچنین لرد استانهوپ در سال ۱۸۰۰ نخستین دستگاه چاپ فلزی را ساخت که جایگزین دستگاه چوبی قدیمی شد که از زمان گوتنبرگ مورد استفاده بود .

سبکهای قدیم در صنعت کتاب

واکنش ضدّ سبک لویی پانزدهم در فرانسه

در دورانی که سبک لویی پانزدهم در تزئین کتاب ، حاکم بر آلمان و اسکاندیناوی شده بود ، تاثیر آن در وطن اصلیش بسیار ضعیف شد . علّتش این بود که این هنر و

۱۳۷- stérotypie : کار کلیشه ای که منحصر می شود به حروف چینی هر صفحه از کتاب و یکدست کردن آن و استفاده مجدد از آن - م .

138- Stereotype.

139- William Ged.

140- Lord Stanhope.

صنعت ، به دستور لویی شانزدهم ، دستخوش تغییر و تحول شد . سپس سبک روکوکو (یا سبک قدیم) که دارای خطوطی در هم و پیچیده بود جایش را به خطوط هنر قدیم که تیزتر بود داد و از بی نظمی و بی قید رها شده نظامی قوی یافت .

الهام از هنر قدیم

کاوشهای شهر هرکولانیوم^{۱۴۱} و پومپی^{۱۴۲} توجه و علاقه به هنر رومی را بیدار کرد و دیری نگذشت که نقاشیهای پومپی ، چنانکه از تابلوهای دیواری که در شهرهای کشف شده پیداست ، در ایتالیا و فرانسه رواج یافت . حواشی پرپیچ و خم ، برگهای کنگر ، شاخ و برگ غار ، ظروف و جاشمعیها به عنوان عناصر تزینی در نقاشی پیوسته تکرار شدند . هنر عهد قدیم کلاسیک ، مانند عهد رنسانس مقام اول را کسب کرد ، هرچند روح روکوکو همچنان برجای بود . چندتن از بزرگترین تصویرسازان از جمله ماری لبه و کوشن پس از دیدار از ایتالیا تحت تاثیر این هنر جدید قرار گرفتند و به این گرایش گردن نهادند بویژه در پی چاپ مشهور کتاب نیلز کلیم^{۱۴۳} در دانمارک که آیل گور^{۱۴۴} آن را نقاشی کرده بود (۱۷۸۹) تا آنجا که هنرمند بزرگی مثل موروی صغیر در آخرین روزهای زندگیش به این هنر قدیمی روی آورد .

A l'Hymen sensible, aux Amours,

A la raison, à la folie:

Heureux qui sait régler toujours

Leur accord, leur douce harmonie!

شکل ۱۶ - حروف دیدو رومی

خاندان دیدو و حروف رومی

در حروف چاپی رومی که در

این عصر پدید آمدند همان جلال و

نظم سبک کلاسیک به چشم

می خورد . تا آن جا که در بهترین این

حروف نوعی انعطاف ناپذیری و عدم ظرافت نمایان بود .

تا اینکه در پاریس خاندان بزرگ دیدو که مطبوعه چی های بزرگی از آن برخاستند

بهترین سریهای حروف چاپی زمان را ابداع کردند . از بزرگترین رجال این خاندان

فرانسوا-آنبرواز دیدو^{۱۴۵} است که نه تنها به خاطر حروف رومی اش که در مس حک می شد شهرت یافت، بلکه به جهت نظام جدیدی که برای اندازه گیری حروف اختراع کرد شهرت بیشتری کسب کرد.

در سیستم دیدو یک دست حروف چاپی بر طبق «پونت» طبقه بندی می شد و طول هر ۲۶۶۰ حرف به یک متر می رسید. این نظام فرانسوی، جایگزین نظام آلمانی شد که تا این زمان مورد استفاده بود. در سال ۱۷۸۹ دستگاه چاپ دیدو به پیر پسر فرانسوا آنبرواز، تحویل داده شد. پیر به خاطر اختراع سری کاملی از حروف رومی نئوکلاسیک که بسیار مورد استقبال واقع شد شهرت یافت هیات داوری نمایشگاه ملی که در سال ۱۸۰۱ برپا شد، اعلان کرد که چاپهای بزرگ او در قطع نصف از کتابهای ویرژیل و هراس^{۱۴۶} بهترین مطبوعات دنیاست. این داوری بسیار ارزشمندی بود، چون این چاپها با چاپهای عالی دیگر در آن عصر مقایسه شده بود؛ هر چند این داوری را قرون گذشته نمی پذیرفت.

همچنین دوست دانشمند دیگر پیر، فیرومن دیدو^{۱۴۷} به خاطر چاپهای آثار کلاسیک در قطع کوچک و ارزان شهرت یافت. او این کتابها را به طریقه کلیشه ای در شکلی زیبا چاپ کرد. بطوری که از این لحاظ در حدی بود که با چاپهای الزویر در قرن هفدهم رقابت می کرد.

نخستین کتابهایی که با کلیشه چاپ شد کتاب شعر ویرژیل در قطع بود و هر نسخه ای به مبلغ هفتاد و پنج سانتیم فروخته شد.

بودونی در ایتالیا

هنگامی که در فرانسه بزرگان خاندان دیدو مشغول فعالیت بودند، در ایتالیا یک چاپچی به نام جامبا تیستا بودونی^{۱۴۸} وجود داشت که برای شاهزاده بارما کار می کرد، حروف رومی که بودونی ساخت در ۱۴۳ شکل و اندازه مختلف بودند. پاپ او را مکلف به چاپ کتاب *عشای ریانی*^{۱۴۹} به صد و پنجاه و پنج زبان کرد. در مدتی اندک

145- François-Ambroise Didot.

146- Horace.

147- Firmin-Didot

148- Giambattista Bodoni.

149- Pater Noster.

حروف بودونی شهرت جهانی یافت و چاپخانه های متعددی در اروپا آن را به کار گرفتند این حروف مانند بسیاری از حروف چاپی آن عصر دارای دقت و نظم فوق العاده ای بودند. مع ذلک امتیاز ویژه آن به اختلاف آشکاری بود که بین حروف بلند و مایل موجود در هر خط دیده می شد .

کاسلون^{۱۵۰} و باسکرویل^{۱۵۱} در انگلستان

با این همه حروف دیدو یا حروف بودونی مدت مدیدی رواجشان را حفظ نکردند و آنچه مورد توجه قرار گرفت بعضی از انواع حروفی بود که به دست مطبعه چی انگلیسی جان باسکرویل ساخته شد . این حروف بسیار مرتب و مانند حروف فرانسوی و ایتالیایی ساخته شده وبا خطی خوش بود و شاید علت آن بود

confensus bonorum omnium, nihil hic
munitissimus habendi senatus locus, ni
hil horum ora vultusque moverunt? pa
tere tua confilia non sentis? constrict-
am jam omnium horum conscientia te-
neri conjurationem tuam non vides? q
A B C D E F G H I J K L M N O P

که باسکرویل ابتدا شغلش تعلیم خوشنویسی بود .

اما حقیقت این است که از همه اینها برتر حروف ویلیام کاسلون (شکل ۱۷) ، یکی از پیشگامان با

شکل ۱۷ - حروف کاسلون رومی .

سکرویل بود . کاسلون در سال ۱۷۳۴ با الهام گرفتن از حروف

هلندی که از دوران خاندان الزویر در انگلستان دوام آورده بود ، موفق به ساخت حروف رومی شد که بسیار برتر از حروف کلاسیکی بود که بعدها اختراع شد ، و امتیازش در ظرافت و برکناری از هرگونه خشکی و سفتی بود . اما این حروف موفقیتی را که شایسته آن بود بلافاصله کسب نکرد و مدتی طول کشید تا آن که در سال ۱۸۴۴ مقام خود را به دست آورد و از آن زمان تاکنون در مقایسه با حروف جانسون و حروف گارامون و حروف

باسکرویل ، در چاپ زمان ما مقام اوّل خود را حفظ کرده است و انگلستان به خاطر این حروف چنان جایگاه ممتازی را در زمینه چاپ به دست آورده که فقط آمریکا به پایه آن می رسد . بنابراین انگلستان در تحوّل و پیشرفت حروف چاپی رومی نقش مهمی داشته است و شکی نیست که چاپخانه های انگلیسی در این تحوّل سهم زیادی داشتند . یکی از قدیمترین این چاپخانه ها ، چاپخانه یکی از بزرگترین کتابدوستان هُراس والپول^{۱۵۲} بود که در املاکش واقع در استرابری هیل^{۱۵۳} آن را برای چاپ کتابهای خودش و کتابهای تعدادی از مؤلفین ، تأسیس کرده بود .

چاپخانه بومارشه^{۱۵۴}

وسایل چاپ باسکرویل به نویسنده فرانسوی ، بومارشه ، که شرکتی برای چاپ و انتشار آثار مهم ولتر تأسیس کرده بود فروخته شد . نظر به مخالفت کلیسا با این کار ، آن چاپخانه به شهر کوچک کیل^{۱۵۵} در نزدیکی استراسبورگ منتقل شد . این شرکت در سال ۱۷۸۵ آثار فیلسوف بزرگ فرانسوی را با چاپی زیبا و مشهور در هفتاد مجلد چاپ و منتشر کرد .

چاپ آلمانی

اما در آلمان ، اگر استفاده از حروف رومی را در چاپ کتابهای علمی استثنا کنیم ، باید گفت این کشور هرگز به طور واقعی حروف رومی را نپذیرفته است . حروفی که غالباً در آلمان مورد استفاده واقع می شد و تاکنون استفاده می شود حروف سیاه شکسته است . بنابراین حروف رومی ، هر چند در فاصله زمانی معین برای آن تبلیغاتی شد ، ولی چاپچی مشهور لایپزیک ی . گ . امانوئل برایتکوپف^{۱۵۶} مؤسس شرکت نشر موسیقی با حرارت شروع به دفاع از حروف سیاه شکسته کرد که آن را حروف ملی آلمانی می نامید و در این کار موفق شد .

152- Horace Walpole.

153- Strawberry Hill.

154- Beaumarchais.

155- Kehl.

156- J. G. Emmanuel Breitkopf.

کوشش برای ترکیب حروف رومی با حروف سیاه شکسته

از میان کسانی که از این حرکت حمایت کردند چاپچی وریخته گری به نام یوهان ف. اونگر^{۱۵۷} بود که با دیدو همکاری داشت. او کسی بود که بدنبال وارد کردن حروف دیدو به آلمان بود و تاجایی در این امر پیش رفت که بحق ملقب به دیدوی آلمان شد.

حروفی که اونگر در سال ۱۷۹۳ به بازار عرضه کرد کوششی بود برای خلق چیزی بین حروف رومی و حروف سیاه شکسته، که این خود دستاوردی از نهضت نئوکلاسیک محسوب می شد.

این حروف اشکال نسبتاً بزرگ و مدور داشتند و بی شک اونگر در این راه کوشش و جدیت زیادی مبذول داشت. لکن در آن زمان تلاشهای او چندان موفقیت آمیز نبود و مردم از حروف سیاه شکسته استقبال زیادی نکردند اما بعداً کاربرد این حروف در آلمان رواج زیادی یافت و هم اکنون نیز از این حروف در صنعت چاپ استفاده می شود.

تجلید قدیمی

تمایلات هنری جدید بر جلدسازی نیز تأثیر گذاشت. حتی بعضی جلد های مربوط به سال ۱۷۷۰ را می بینیم که در آنها خطوط راست، حواشی پیچیده، برگهای کنگر و سایر عناصر کلاسیک به کار رفته است، و تزئین فقط به یک حاشیه باریک محدود شده، در حالی که بقیه پوشه ساده باقی مانده است، به عبارت دیگر سایر غلاف جلد بدون تزئین رها شده است. حتی علامت زیبای تعلق که در وسط جلد قرار می گرفت باگذشت زمان ناپدید شد.

جلدسازی انگلیسی را جرپین، مردی عجیب، که به تنهایی کار می کرد دستکاریهای خاصی در این سبک به عمل آورد. او به رغم تکمیل جلد های گران قیمت و صورت حسابهای دقیقی که به مشتریان می داد تمامی دوران زندگیش را با تنگدستی سپری کرد شاهکارهایش که بر مهارت هنری او گواهی می دهند از پوست مراکشی زیتونی یا آبی رنگ و یا از چرم روسی ساخته

می شدند و طرحهای زینتی آن از نوع نئوکلاسیک یا شرقی بود ، در بعضی از این جلد‌ها تزئین به حاشیه ای باریک منحصر شده بود که در آن خطوط ظریف یازینتهای کوچک که بر طول کناره ها امتداد می یافت به کار رفته بود . علاوه بر این در هر گوشه آن گل و بوته کوچکی وجود داشت و بیش از این تزئینی دیده نمی شد . آنچه در تجلیدات پین ، مهم بود استفاده از تاثیر زیبایی پوست و چرم عالی بود که بر زیبایی و شکوه این جلد‌ها می افزود .

تأثیر انقلاب فرانسه

تقلید سبک رومی

سبک کلاسیکی کم کم از میان رفت تا آن جا که فقط یک نسخه از سبک قدیم بر جای ماند و آن فریبندگی ممتاز نخستین را که همواره با سبک لویی پانزدهم رقابت می کرد نداشت . این سبک جایش را به شکل تازه ای داد که در سختی و خشکی مانند حروف رومی کلاسیکی بود که راجع به آن بحث کردیم .

در این زمان عکس العمل شدیدی از انقلاب فرانسه بر ضد ظرافت طلبی قرن هیجدهم آشکار شد . سبک کاملاً رومی جایگزین ظرافت آنگونه ای شد که نسل پیشین بدان خو گرفته بودند . مردم به تقلید کردن در تمامی امور بویژه در اشکال ، تزئینات و عقایدی که در روم قدیم شایع بود ، افتخار می کردند .

علامتهای جنگی زمان رومی ها بر جلد‌ها نقش بست ، به علاوه تزئیناتی که قبلاً از آن سخن رفت افزوده شد . حتی هنرمندی بزرگ از دوران طلایی طرحهای گلابتونی مثل دورم^{۱۵۸} ناگزیر شد به مقتضیات این دوره جدید گردن نهد .

تجلید

در خلال انقلاب و سالهای پس از آن مرکز تجلید با مقایسه مرکز سابق آن تا حدی ضعیف شده بود . زیرا طبقه اشراف ثروتمند و ارباب رجوع از بین رفته بودند و کاغذ به

تقلید پوست بز جای این تجلید را گرفت و بناچار می بایست جلدها مطابق خواست عموم ساخته می شد. این همان دورانی است که جلدساز معروف به نام آلکسیس پیربرادل^{۱۵۹} توانست اشکالی موافق درخواستهای این دوران ترسیم کند، او علاوه بر استفاده از تزیینات به کمک تصاویر انقلابی برای جلد مقوّا را در جلدسازی به کار برد، این ابتکار، تا به امروز، نامش را زنده نگاه داشته است.

انقلاب فرانسه و کتابخانه ها

انقلاب فرانسه نه تنها بر هنر کتاب آرایی فرانسوی تأثیر گذاشت، بلکه بر سرنوشت دوستداران کتاب فرانسوی نیز حاکم شد. در نوامبر سال ۱۷۸۹ دولت فرانسه مقرر ساخت که تمامی کتابخانه های کلیساها و دیرها متعلق به دولت است و کتابخانه های مهاجرین را در سال ۱۷۹۲ مصادره کرد.

ملی شدن کتابخانه ها

حکومت های متعددی که در آن سالها یکی پس از دیگری روی کار آمدند بی شک نقشه های زیادی داشتند، کتابخانه ها می بایست به مفهوم واقعی کلمه عمومی شوند. چنانکه در حکومت کمونیستی شوروی چنین شد و پس از آن، کتابخانه ها ملی شدند اما هرج و مرج رایج در این زمان (زمان انقلاب) تحقق این امر را به تأخیر انداخت. بلکه از این فراتر، منجر به نابودی بخش زیادی از میلیونها کتابی شد که از افراد به دست دولت افتاده بود. غیر ممکن است میزان این زیانها را بتوان مشخص کرد. در دوره اول انقلاب کتابخانه های اشراف و صومعه ها در اثر حمله مردم بکلی ویران شدند و این همانند حمله بر ضد کتابهای کاتولیکها در قرون وسطا در هنگام حرکت اصلاح دینی بود.

مخازن ادبی

اماکتبی که مقدر بود از این ویرانگریها نجات یابد ، به مخازن ادبی که در نقاط مختلف کشور ایجاد شده بود انتقال یافت . در پاریس شمار این مخازن از نه کمتر نبود ، در این مخازن انواع کتابها ، دستنوشته ها و سایر مطبوعات که به طریق مختلف از کتابخانه های دیگر و کتابخانه های دوستان کتاب منتقل شده و گرد آمده بود به صورت تلهایی عظیم روی هم انباشته بودند . این مخازن ادبی در آن زمان تاحدی سایر کتابخانه هایی را که برای عموم بازگشایی شده بود تغذیه می کردند . از میان این کتابخانه ها کتابخانه آرسنال و مازارن^{۱۶۰} و کتابخانه ویژه سلطنتی بود که از همان زمان کتابخانه ملی نامیده شده و مانند دیگر کتابخانه ها به دولت تعلق داشت .

کتابخانه ملی

کتابخانه ملی در این هنگام در حدود سیصد هزار جلد کتاب داشت ، بدون احتساب دستنوشته های بسیاری که از میان آنها نه هزار نسخه خطی از دیر سن ژرمن دپره^{۱۶۱} مشهور به دست آمده بود و بهمین جهت کتابخانه ملی چنان مرکزی شد که در مقایسه با کتابخانه های فرانسوی پیش از آن سابقه نداشت . نظم و ترتیب دادن به این کتابهای انباشته با سیستمی که در آن وقت موجود بود از کارهای بسیار دشوار بود و حدود یک قرن زمان می طلبید که کتابخانه ملی بتواند کتابهایی ، را که از دوران انقلاب به دست آورده با آن سیستم مرتب کند .

پراکنده شدن مجموعه های اختصاصی

حکومت از طریق مزایده تمامی آنچه را ضمیمه کتابهای عمومی نمی شد به فروش رساند ، هر چند این معاملات چنانکه گمان می رود ، در بدترین اوضاع و احوال انجام شد . زیرا تقاضا خیلی کمتر از عرضه بود . حتی ناگزیر به فروش کتابهای بسیار نایاب باقیمت های ناچیز شدند و به این جهت تاجران کتاب توانستند مجموعه هایی را که با مبالغ نسبتاً ناچیزی خریده بودند تشکیل دهند و بعدها که اوضاع آرام شد و قیمت ها بالا رفت با سردهای کلان آنها را بفروشند .

بخش ششم

قرن نوزدهم و بیستم

تأثیرات مخرب انقلاب فرانسه بر دنیای کتاب به آلمان گسترش یافت و سپس در طی جنگهای ناپلئون این تأثیرات به بخشهای مهم اروپا نیز کشیده شد .

کتابدوستی ناپلئون

امپراتور شخصاً تا اندازه ای کتابدوست بود و حتی در جنگهایش مانند فردریک بزرگ کتابخانه کاملی که تقریباً شامل سه هزار جلد کتاب در قطع $\frac{1}{18}$ بود به همراه داشت .

اثر جنگ

ناپلئون از کشورهایی که با آنها جنگ داشت ، تعداد زیادی کتاب به عنوان غنایم جنگی به پاریس منتقل کرد او آرزو داشت که کشور فرانسه نه تنها رهبری سیاسی بلکه رهبری فرهنگی اروپا را نیز به عهده داشته باشد . سپس او این کتابها را به کتابخانه ملی سپرد ، از آن جمله کتابهایی را نام می بریم که از ساحل سمت چپ رود راین به غنیمت گرفت ، همان مناطقی که کتابخانه های دیرهای آنجا ، به وسیله سپاهیان پیروز فرانسه در سال ۱۷۹۴ مصادره شدند .

ژان باپتیست موژرار^۱ بندیکتی که اطلاعات بسیاری از دیرهای این منطقه داشت

1- Jean-Baptiste Maugerard.

مدّت زیادی در این اندیشه بود که نسخه های خطّی و چاپهای نایاب را از آنها بخرد . وی هنگامی که مدیر فنّی و کتابدار در منطقه راین از سال ۱۸۰۲ تا سال ۱۸۰۵ بود ، بسیاری کتابهای گرانبها را که با دقّت از کتابخانه های متز^۲ ، ترو^۳ ، ماینس^۴ و شهرهای دیگر انتخاب کرده بود به پاریس فرستاد . اما بیشتر کتابهای باقی مانده در این دیرها به فروش رفت و فقط تعداد اندکی به مدارس مرکزی که در سرزمینهای اشغالی تأسیس شده بود انتقال یافت .

سپاهیان فرانسه مجموعه های متعددی از کتابخانه های سلطنتی بروکسل ، اسکوریال ، واتیکان ، دربار ژنو ، ولفن بوتل^۵ و غیره به اشکال گوناگون ربودند اما دراین میان اتریشی ها موفق شدند پیش از وارد شدن فرانسوی ها به آنجا نفیس ترین نسخه هایشان را به مجارستان انتقال دهند آنگاه مدّت هشت سال آنها را مخفی نگاه داشتند تا خطر برطرف شد .

بازگشت کتابهای غارت شده به کتابخانه ها

هنگام سقوط ناپلئون در سال ۱۸۱۵ بنابه معاهده ژنو ، می بایست بخشی از کتابهای غارت شده به کتابخانه های اصلی خود بازگردانده شود . در تمام کتابخانه هایی که نام بردیم کتابهایی بانشان ناپلئون ، یا نشان کتابخانه ملّی فرانسه وجود دارد که یادبود سفر اجباریش به پاریس است . با همه اینها ، جز تعداد کمی کتاب به کتابخانه های استان راین بازگردانده نشد ؛ به طوری که تنها در مورد نسخه های خطّی دست کم دو هزار و پانصد نسخه به محل اولیه خود بازنگشتند .

هنر کتاب آرایی در عصر ناپلئون

نظام حکومتی ناپلئون در آن عصر نشان می دهد که او قصد داشت نام فرانسه را بریژه از طریق انتشار کتابهای قطور و تزئین شده به تابلوهای زیبا ، در سراسر جهان بلند آوازه کند . از مهمترین نمونه های آن کتابی است از مصر که در چاپخانه ملّی از سال ۱۸۰۹ تا سال ۱۸۲۸ چاپ شده است . به رغم این حرکت . چنان روزگاری که

2- Metz.

3- Treves.

4- Mainz.

5- Wolfenbuttel.

بسیاری از انسانها را به قربانگاه جنگ کشانده بود ، بطور کلی مناسب تلاش ادبی و هنری نبود . دوران نقّاشان سبک وینیت مدّتی دراز بود که سپری شده بود . تا جایی که بیشترشان در حال تنگدستی مرده بودند از قبیل اوگوستن دوسن^۶ اوپن^۷ . اما هنرمندانی که در راسشان داوید بود به نمونه های عالی نقّاشی بویژه در زمینه های قهرمانی و جنگی دلبستگی داشتند و بطور کلی هنر به شکوه و سنگینی گرایید . وجود برخی افراد نادر این گرایش را ثابت می کند ، مثلاً پیر پل پروون^۸ در نقّاشیهای ویژه اش در کتاب پل و ویرژینی^۹ و داستان نوول هلوایز^{۱۰} برای این که بین تاثیر هنر یونانی - رومی و احساسی که از نوشته های ژان ژاک روسو سرچشمه می گرفت هماهنگی ایجاد کند از خود تلاشهایی نشان داد . تا آن جا که بر اورشک می بردند .

کتاب انگلیسی در عصر ناپلئون

امپراتوری فرانسه ، مطلقاً نتوانست حکومتش را تا انگلستان گسترش دهد . با همه اینها جنگهای ناپلئون تاثیر زیادی بر اوضاع و احوال این کشور گذاشت .

بحران محدودیت خواننده

بزرگترین علت محدود شدن خوانندگان در انگلیس ، جلوگیری انگلستان از ورود هر نوع کتاب از هلند یا جای دیگر بود ، تا آن جا که قیمت کتابهای موجود در آن جا به حدّ شگفت آوری رسید . کتابهایی که از برخی دوستداران کتاب برجای مانده بود ، و برای فروش به یکی از خبرگان بزرگ فنّ قیمت گذاری از قبیل لی^{۱۱} ، سودبی^{۱۲} ، ج . و . و . نیکول^{۱۳} ، کینگ^{۱۴} و یا ایوانز^{۱۵} عرضه شد خود فرصتی برای رقابت شدید بین شکارچیان کتابهای گرانها بود .

6- Augustin de Saint Aubin.

7- Pierre P. Prudhon.

8- Paul & Virginie.

9- Nouvelle Heloise.

10- Leigh.

11- Sotheby.

12- G. & W. Nicol.

13- King.

14- Evans.

مزایده روکسبرگ^{۱۵}

در مزایده فروش مجموعه شاهزاده دو روکسبرگ در سال ۱۸۱۲ آشفتگی به اوج شدت رسید، و آن هنگامی بود که مارکی دو بلانفور^{۱۶}، یکی از بزرگترین دوستداران کتاب انگلیسی آن زمان، در پی رقابتی شدید برای تملک مجموعه کتابهای بوکاجیو که چاپ آنها مربوط به سال ۱۴۷۱ بود با پرداخت بهای ۲۲۶۰ لیره استرلینگ، بر کتابدوست دیگری به نام لرد اسپنسر^{۱۷} غلبه یافت. هرچند لرد اسپنسر پس از هفت سال توانست همین مجموعه را در مزایده دیگری اندکی بیش از نهصد لیره استرلینگ بخرد، اما چیزی نگذشت که بطور کلی قیمت کتاب طی سالهای بعد به سطح عادی رسید.

کتابدوستان انگلیس در قرن نوزدهم

در قرن نوزدهم ما شاهد حضور تعداد زیادی از ثروتمندان علاقه مند به جمع آوری کتاب در بازار کتاب هستیم؛ سرتوماس فیلیپس در طی مسافرتهايش در قاره اروپا، شصت هزار نسخه خطی فراهم کرد و بزرگترین مجموعه دار نسخ خطی در جهان شد. اما مجموعه مشهور او بعداً در مزایده های متعدد پراکنده شد. تاریخ کتابدوستی غالباً نشان داده است مجموعه هایی را که نسلی فراهم ساخته نسل دیگری که آمده و در این گرایش سهم نبوده پراکنده ساخته است.

معاملات بزرگ کتاب

بزرگترین مبلغی که از مزایده عمومی کتاب در انگلستان در نیمه اول قرن نوزدهم جمع آوری شد، پنجاه هزار لیره استرلینگ بود. این مزایده بین سالهای ۱۸۳۴ - ۱۸۳۶ به مناسبت فروش ارثیه ریچارد هبر^{۱۸} کتابدوست بزرگ و کسی که کتابخانه هایی در چندین شهر اروپا داشت، برگزار شد، همچنین مجموعه مشهور ساندرا لاند^{۱۹} بین سالهای ۱۸۸۱ و ۱۸۸۳ به مبلغ کلانی که تقریباً معادل مبلغ فوق بود به فروش رفت این

15- Roxburgh.

16- Marquis de Blanford.

17- Lord Spencer.

18- Richard Heber.

19- Sunderland.

مجموعه را شارل کنت دی سوندرلاند در پایان قرن هفدهم فراهم کرده بود .
از مهمترین خریداران کتاب در این مزایده برنارد کواریچ^{۲۰} متولد آلمان بود که در دهه های بعدی قرن نوزدهم ناپلئون تجارت کتابهای قدیمی شد و حتی کنترل بازار کتاب اروپا را در زمینه کتب قدیمی چندین سال در اختیار داشت .
از میان مجموعه های متعدد گرانقیمتی که مقدر شده بود در مدتی اندک بر بساط ارزیاب بگذرد و پراکنده شود ، مجموعه قصر هامیلتون متعلق به ویلیام بکفورد^{۲۱} و شاهزاده هامیلتون و مجموعه کنت آشبرنهام^{۲۲} و کتابخانه بزرگ هوت^{۲۳} بود و بسیاری از آن مزایده استفاده کردند .

مجموعه اسپنسر

مجموعه لرد اسپنسر که قبلاً درباره اش صحبت شد ، وبه چهل هزار جلد رسیده بود ، خوش شانس ترین مجموعه ها بود . زیرا در سال ۱۸۹۲ بیوه جان رایلندز^{۲۴} که یکی از ثروتمندان و صنعتکاران منچستر بود آن را خرید . این خانم کتابخانه ای را که از همسرش برایش مانده بود به روی عموم گشود ، کتابخانه ای که در اندک زمانی بواسطه افزوده شدن تعدادی از کتابهای لرد اسپنسر و سپس از مجموعه نسخه های خطی به آن و نیز خرید کتابهایی که متعلق به کنت کراوفورد^{۲۵} بود از غنی ترین کتابخانه های انگلستان شد .

دیدین و کلوپ روکسبرگ

مدیر کتابخانه لرد اسپنسر کشیشی روستایی بود به نام توماس فروگنال دیدین^{۲۶} از این کشیش چندین کتاب با جلدهای نفیس درباره قصر آلتروب^{۲۷} ، مقرر مجموعه کتابهای این لرد ، و درباره سفرهایی که به دستور اربابش برای خرید کتاب انجام داده بود ، به ارث باقی ماند . این کتابها مانند کتاب خودش درباره جنون کتابدوستی ، گزارشهای

20- Bernard Quaritch.

21- William Beckford.

22- Ashburnham.

23- Huth.

24- John Rylands.

25- Crowford.

26- Thomas Frognall Dibdin.

27- Althorp.

تاریخی و بیوگرافی درهم و برهم و کم و بیش قابل اعتمادی هستند که به سبکی تصنعی و نامرتب نوشته شده اند و پانوشتهای « ادیبانه » بر آنها اضافه شده است .

ویلیام دیدین در نتیجه رفت و آمدش به اجتماعات ثروتمندان کتابدوست گرفتار غرور و خودبینی شد . در عین حال فداکاری دینی اش نسبت به کتابهای قدیمی و کمیاب قابل احترام است . او در واقع نخستین هسته کلوپ دوستداران کتاب را ایجاد کرد . این کلوپ در سال ۱۸۱۲ تحت نام کلوپ روکسبرگ در انگلستان تأسیس شد و اولین کلوپ از این نوع محسوب می شود . هدف از ایجاد این کلوپ در ابتدای امر پایداری یادبود مزایده کتابهای شخصی روکسبرگ بود . البته این جمعیت قبل از آن که بکلی از هم بپاشد ، تعدادی کتاب زیبا را منتشر ساخته بود . در عین حال این کلوپ پس از مدتی به جای پناهگاه کتابدوستان به پناهگاه دوستداران غذای خوب تبدیل شد .

کتابدوستی

دلباختگی شدید به کتاب^{۲۸} در انگلستان ، از زمان دیدین همواره افزایش چشمگیر یافت ؛ به گونه ای که بسیاری از کتابدوستان انگلیسی سرمایه هایی را به خرید نسخه های خطی و تجلیداتی اختصاص دادند که در تولید آنها کتابدوستان مشهور در قرون گذشته مخارجی پرداخته بودند . با همه اینها می بینیم انگلیسی ها ، چنان که یاد کردیم پیش از هر چیز ، دلباخته چاپهای اوّل و کتابهای قدیمی شهرهای خودشان بودند .

نمایشنامه های شکسپیر ، که در چهار چوب مشهور در قطع ۴- در سالهای ۱۶۲۳ ، ۱۶۳۲ ، ۱۶۶۴ و ۱۶۸۵ انتشار یافت ، از نیمه قرن هفدهم میلادی واقعاً مورد علاقه و احترام بود و هم اکنون مجموعه داران بزرگ آمریکایی نیز در آن سهیمند . همچنین هریک از نمایشنامه های چاپ قدیم او دارای چنین ارزش و اعتباری بوده اند . به رغم این که طی صد سال خرید هریک از نمایشنامه های شکسپیر در مزایده های عمومی بسادگی بایر داخت چند لیره استرلینگ امکان پذیر بود ، ولی هم اکنون هریک از آن نمایشنامه ها صدها پوند ارزش دارد .

تطور کننده کاری

کنده کاری بر سنگ

بسیاری از کتابهای دیدین با اشکالی زینتی که به روش کنده کاری بر سنگ چاپ شده ، زینت یافته بود . این روش نوعی از چاپ عکس بود که دوره ای طولانی در نیمه اول قرن نوزدهم ، در کنار روش کنده کاری بر چوب که طریقه ای جدیدالانتشار بود ، پایدار ماند . لوحه مسی طبیعتاً تا اندازه ای نرم است ، بنابراین وقتی نسخه های متعدّد



شکل ۱۸ - یک نقاشی کار ویلیام بلیک برای صفحه ای از کتاب

« بلیک حکیم » (چاپ ۱۹۰۶)

بوسیله آن چاپ شود خیلی زود ساییدگی پیدا می کند؛ بدین جهت نخست از لوحه های سنگی محکم که می توانست چاپ کتابهای زیادی را تحمل کند استفاده شد و بدین طریق دستیابی به آثار دقیقی که محال بود در کنده کاری روی مس به آن ها رسید امکان پذیر گردید.

اما کنده کاری بر سنگ بزودی چنان عمومیت یافت که انجام آن مستلزم داشتن ذوق و قریحه هنری نبود و به ابتذال گرایید و نزدیک بود بر هنر نیز تأثیر بگذارد. این روش بویژه در انگلستان مورد استفاده واقع شد، گرچه جز به اندک نتایج ارزشمندی نرسید. تا این که بعدها حکاکان از لوح مسی گالوانیزه^{۲۹} که نسبت به سنگ، نرم تر بود استفاده کردند، و دوران کنده کاری بر سنگ پایان یافت.

بلیک و کنده کاری بر مس

تقریباً در همان زمانی که عکسهای کنده کاری شده بر سنگ در کتابهای انگلیسی آشکار شد، ویلیام بلیک^{۳۰} شاعر روشی را تجربه می کرد که بدان وسیله از لوحه های مسی برای چاپ برجسته استفاده می شد او با این روش ابتکاری توانست کتابهایش را به صورتی که در مورد نسخه های خطی رنگین قرون وسطا یاد کردیم تولید کند. او شخصاً هر یک از صفحات کتابش را در متن و حاشیه و کناره ها طبق آن چه معمول رنگ کاران پیشین بود ترسیم کرد (شکل ۱۸)

بوئیک و نهضت کنده کاری بر چوب

اما کاری که توماس بوئیک^{۳۱} در پایان قرن هیجدهم در نیوکاسل شروع کرد تأثیر زیادی بر صنعت چاپ داشت. او کاربرد حکاکی بر چوب برای تصاویر کتاب را احیا کرد، و بدین طریق کار کنده کاری بر چوب به عنوان روشی از روشهای نقاشی پس از آن که بیش از دو قرن به چشم نمی خورد دوباره از سر گرفته شد. بوئیک و بسیاری از شاگردانش از گذشته تقلید نکردند، بلکه فنون جدیدی را در حکاکی ارائه دادند. در نقاشیهای قدیمی که بر چوب کنده کاری شده می بینیم که خطوط سیاه از ویژگیهای مهم

و بر جسته این صنعت است ، حال آن که در نقاشیهای بوئیک خط سفید عنصر مهم تصویر است و زمینه عکس در آن تراکم خطوط متغیر است که تاثیر سایه روشن ایجاد می کند .

تاثیر زیبایی این حکاکیهای سایه دار از این حقیقت نیز سرچشمه می گرفت که روی چوب شمشاد سفت حکاکی می شد و در حکاکی آن مانند سابق از قلمتراش استفاده نمی شد ، بلکه از قلم حکاکی که حکاکان به کار می بردند استفاده می شد ؛ و این امر انسان را به یاد کننده کاری برمس می انداخت ، که در این دوران رو به زوال گذاشته بود .



هنر بوئیک

بوئیک نقاشی نابغه بود ، و بویژه در نقاشی حیوانات مهارت داشت . جالبترین آثارش برخی کارهای مهم از پستانداران و پرندگان است که پراز اشکال مختلف می باشد همچنین از لحاظ دقت در ترسیم چشم انداز خارجی حیوانات و نیروی فهم از طبیعت هر حیوان کارهایش ممتاز است .
با همه اینها ، نبوغش را بویژه در شکلهای کوچک و کم حجم به سبک وینیت که کتابهایش را با آن تزین می کرد نشان داده است ، تصاویری که در آنها به صورت طنز به روش دیکنز زندگی مردم و حیوانات را به تصویر کشیده است (شکل ۱۹) .

اشکال کننده کاری شده بر چوب در خارج انگلستان

تاثیر مکتب بوئیک در صنعت کننده کاری روی چوب تنها به انگلستان منحصر نشد

و هنرمندان انگلیس آن را به قاره اروپا و آمریکا بردند ، تا این که این هنریکی از نمایندگان برجسته خود را مانند ویلیام ج . لین تون^{۳۲} به جهان عرضه کرد .

اشکال کننده کاری شده برچوب در فرانسه

برخی هنرمندان فرانسه بویژه پاپیون^{۳۳} هنرمند در طی قرن هیجدهم کننده کاری بر چوب را ادامه دادند ، بویژه در تزیینات گل و بوته ، و تزیینات کوچک و دقیق که در پایان فصلهای کتاب^{۳۴} قرار می گیرد ، اما بازگشت این روش از حرکت واقعی آن به تاثیر از انگلیس باز می گردد که در حدود سال ۱۸۳۰ پدید آمد .

از بزرگترین طرفداران و مؤمنین به کننده کاری بر چوب در این زمان تونی ژوهانو^{۳۵} است . وی هنرمندی بود با تخیلی ژرف و مهارت هنری چشمگیر که تولیدات بسیاری داشت و حتی به رغم تفاوت سطح هنری این تولیدات ، آنها بر تولیدات زمانش برتری یافتند .

در کنار تونی می توان از هنرمندانی چون دومیه^{۳۶} و گاواری^{۳۷} (شکل ۲۰) و رافه^{۳۸} که تنها روی سنگ نقاشی می کردند نام برد همچنین از میان آنان ژیکو^{۳۹} به خاطر نقاشیهای کوچکی که برای چاپ ۱۸۳۵ کتاب *ژیل بلاس دو سان تیلان*^{۴۰} (شکل ۲۱) ساخته بود و نیز مسونیه^{۴۱} با نقاشیهای ممتازش در کتاب *داستانهای رنس*^{۴۲} اثر کنت دو شونیه^{۴۳} (۱۸۵۸) شهرت یافتند .

اما تیزآب ، به طور استثنایی از سال ۱۸۴۰ تا سال ۱۸۶۰ در نقاشی کتاب به کاربرده شد . و این زمانی بود که کننده کاری روی مس در قرن قبل از آن روشی رایج بود .

از کسانی که در این روش برتری یافتند ، سلستن نانتوی^{۴۴} است که بویژه یک سری از نقشهای لوحه آغازین کتاب را که از جالبترین نقشهای رومانتیکی بود ساخت .

32- William J. Linton.

33- Papillon.

34- Culs-de-lampe.

35- Tony Johannot.

36- Daumier.

37- Gavarni.

38- Raffet.

39- Gigoux.

40- Gil Blas de Santillane.

41- Meissonier

42- Reims.

43- Chevigne.

44- Celestin Nanteuil.

به رغم این تلاشها و حتی به رغم موقعیت بزرگی که نقاشی روی سنگ به دست آورد- که بعداً ذکر می شود- انتشار کننده کاری بر چوب همچنان زمان زیادی پایدار ماند ، و توسط هنرمند گوستاو دوره^{۴۵} با کار هنری بزرگش از رابله^{۴۶} تا تورات و از دانه تا ادگار آلن پو^{۴۷} یعنی تا حدود سال ۱۸۷۰ ادامه یافت . این هنرمند کننده کاری سایه دار بر چوب را ترجیح داد ، یعنی چوبی که برای اشکال کوچک آن به رنگ سیاه و سفید اکتفا نمی شد دقیقترین رنگهای سایه دار را به کار می برد ، او در این نوع نقاشی به رغم آن که از لحاظ تجربی مهارت زیادی نداشت به موفقیت‌های شایانی دست یافت داستانهای شگفت^{۴۸} بالزاک (۱۸۵۸) جالبترین نقاشیهای دوره است ؛ و می توان چاپ دون کیشوت^{۴۹} در سال ۱۸۶۳ و چاپ تورات بزرگ مصور را که برای نخستین بار در سال ۱۸۶۶ آراسته به دویست و بیست شکل کننده کاری شده بر چوب منتشر شد به کارهایش افزود .

نقشهای کننده کاری شده بر چوب در آلمان

در آلمان کننده کاری بر چوب نسبت به دیگر سرزمینها شکوفاتر و زنده تر بود . اما در آن جانیز مدت زیادی پایدار نماند ، مگر تا حدود پایان قرن هیجدهم . و نیز در آن جامکتب بوئیک بود که روح جوانی و نیرو در آن دمیده شده بود ؛ و علت آن فرستادن جوانانی متخصص در این فن از انگلستان به لایپزیک به منظور تدریس اصول هنرشان در آن جا بود .

مدتی نگذشت که پس از آن کننده کاری بر چوب در درسدن شکلی ابتکاری به خود گرفت به طوری که در نقاشی هنرمندانی از قبیل : شنور فون کارولس فلت^{۵۰} ، و ری^{۵۱} تل^{۵۲} ، و ریختر^{۵۳} کاملاً متجلی شد . ریختر بین تمامی طبقات اجتماع شهرت فراوانی به دست آورد ، این شهرت به سبب نقاشیهای فراوانش از زندگی عامه ، و نقاشیهای برای داستانهای پریان بود . نقاشیهای ریختر با روح بورژوازی که در نقاشیهای

45- Gustave Dore.

46- Rabelais.

47- Edgar Allan Poe.

48- Contes drolaques.

49- Don Quichotte.

50- Schnorr von Carolsfeld.

51- Rethel.

52- Richter.

کودوویتسکی^{۵۳} متجلی بود و از طریق کنده کاری برمس ساخته شده بودند پیوندی نزدیک داشت ؛ همچنانکه آلفرد ری تل در همان وقت با نقاشیهایش برای کتاب **رقص مرگ**^{۵۴} شهرت یافت . همچنین هنرمند اد . منز^{۵۵} با نقاشیهای ویژه اش برای کتاب **فردریک کبیر** تألیف کوگلر^{۵۶} که در آن از فتوحات نظامی و روح سلحشوری این پادشاه تجلیل شده بود شهرت زیادی به دست آورد . و نیز به خاطر زینتهایی که برای چاپ بزرگ و ارزنده کتابهای این پادشاه به کاربرد امتیاز زیادی کسب کرد . از بهترین حکاکان روی چوب که برای او کار کردند . ا . کریچ مار^{۵۷} را می توان نام برد .

مهمترین چیزی که نقاشیهای آلمانی کنده کاری شده روی چوب را ممتاز می سازد - خواه از لایزیک ، درسدن یا مونیخ هنگامی که در آن جا مدرسه هنر ویژه ای تأسیس شد ، صادر شده باشد - این است که تمامی آنها خطوط هنری کاملی را نشان می دهد و به طور کلی به کنده کاری قرن شانزدهم نزدیک است . بدین جهت می بینیم با تولید فرانسوی که به طور عموم دارای آزادی بیشتری در کاربرد خطوط هنرمندان است فرق دارد .



شکل ۲۰ - عکسی کنده کاری شده روی چوب اثر ژاوارنی (قرن نوزدهم)

چاپ سنگی^{۵۸}

در این وقت ، زمان درازی از پیدایش روش جدیدی که ویژه چاپ عکس در آلمان بود سپری می شد ، و آن روش مصور کردن کتاب به طریقه چاپ سنگی بود . این روش به شاعر و نمایشنامه نویس آلوئیس سنفلدر^{۵۹} که بین سالهای ۱۷۹۸ و ۱۷۹۹ تلاشهایی

53- Chodowiecki.

54- Danse Macabre.

55- Ad. Menzel.

56- Cugler.

57- E. Kretschmar.

58- Lithographie.

59- Aloys Senefelder.

برای چاپ نوشته های ویژه خود انجام داد منسوب است .
در این روش ، متن بر سنگ مسطح آغشته به محلول چسب بوسیله مدادی روغنی که از موم و صابون و گچ ساخته شده بود نقش می شد . وقتی آب و مرکب بوسیله نورد بر سطح سنگ کشیده می شد ، فقط قسمت های منقوش ، مرکب را بخود می گرفت و باقی سنگ که چرب نبود آب را جذب و مرکب را دفع می کرد . بدین طریق روش جدیدی برای چاپ نسخه های متعدد از عکسها یا خطوط ایجاد شد ، روشی که نه چاپ برجسته مانند کنده کاری روی چوب بود و نه چاپ بر اجزای کنده کاری شده (چاپ گود) مانند کنده کاری روی مس ، بلکه چاپی همسطح^{۶۰} بود .
مع ذلک این روش ، برای نقاش دشواریهای فراوانی را به همراه داشت . زیرا برای استفاده از سنگ به جای کاغذ نقاش ناگزیر بود نقاشیهایش را به طور معکوس ترسیم کند . با وجود این استفاده از این روش بطور خاص در چاپ اوراق مستقل و همچنین در نقاشی کتابها رواج یافت .

چاپ سنگی در فرانسه

از میان کتابهای فرانسوی که در عهد اول تصویر سازی کتاب به طریقه چاپ سنگی پدید آمد ، مجموعه بزرگی معروف به سفرهای مصور و رمانتیک به فرانسه قدیم^{۶۱} بود . این مجموعه در بیست مجلد بزرگ و در طی نیم قرن زیر نظر بارون تیلور^{۶۲} و شارل نودیه^{۶۳} چاپ شد . از آن جمله نیز ترجمه داستان فاوست^{۶۴} از گوته^{۶۵} است که با نقاشیهایی از هنرمند نقاش اوژن دولا کرو^{۶۶} آراسته شده و نشانی از گرایش هنری ویژه به تاثیرات شیطانی و عجیب است . از جمله کسانی که عنصر فکاهی و طنز را وارد زمینه چاپ سنگی کرد ، نقاش دومیه^{۶۷} است ، که تابلوهای مشهورش در مجله کاریکاتور و شاریواری^{۶۸} انتشار یافت . گاوارنی^{۶۹} که به ترسیم عاداتی زمان خویش اهتمام داشت و رافه و شارله^{۷۰} که از خاطرات اولین امپراتوری فرانسه نقاشیهایی داشتند

60- Impression a plat.

61- Voyages Pittoresques et romantiques dans l. Ancienne France.

62- Baron Taylor.

63- Charles Nodier.

64- Faust.

65- Goethe.

66- Eugene Delacroix.

67- Daumier.

68- Charivari.

69- Gavarni.

70- Charlet.



تصویر چاپی که توسط تونی ژوهانوت Tony Johannot
در قرن هفدهم بر روی سنگ نقاشی شده است.

و نیز هانری مونیه^{۷۱} از جمله این نقاشان بودند .

روشهای عکس برداری

سابقه چاپ سنگی خیلی طولانی تر از زمانی بود که پژوهشگران به استفاده از دو چیز پی بردند : عکس برگردان که مستقلاً و بدون نیاز به نقاشی بر روی سنگ از آن استفاده می شد ، یا به کار بردن عکس برای انتقال نقش بر روی سنگ ، و به رغم همه اینها استفاده از این روش در صنعت جدید کتاب رایج نشد .

کنده کاری باعکس

چاپ کلیشه ای و کنده کاری با استفاده از سایه اشیا در زیر نور خورشید ، بر چاپ سنگی برتری یافت . کنده کاری کلیشه هایک یا چند بار انجام می شد و به این جهت می توانست بارنگها و نیم رنگها در روی عکسها ظاهر شود . فرانسوی ها بویژه به یک رشته کشفیات و اصلاحات ، دست یافتند و طی دو نسل اول قرن نوزدهم تصویر حکاکای شده را در صنعت چاپ عکسها به کار گرفتند ، هرچند ج . مایزن باخ^{۷۲} از مونیخ نخستین کسی بود که بین سالهای ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ موفق شد تصاویر حکاکای شده و نقاشیهای سایه دار را به کار برد . و چیزی نگذشت که این روش بعداً در آمریکا بویژه توسط ماکس لوی^{۷۳} از فیلادلفیا اصلاح شد . از میان روشهای جدید دیگر ، برای چاپ عکس به روش تصاویر حکاکای شده ، کنده کاری خطوط^{۷۴} است که در چاپ برخی کتابها و مجلات مورد استفاده واقع شد . همچنین روش کلیشه سازی نقطه نقطه^{۷۵} (ترم دار) و گراور نوری یا کنده کاری با عکس عکس^{۷۶} و عکس خورشیدی چاپی^{۷۷} و عکس چاپی رنگی^{۷۸} رواج یافت .

71- Henri Monnier.

72- G. Meisenbach.

73- Max Levy.

74- Photogravure au Trait.

75- Similigravure.

76- heliogravure.

77- Phototypie.

78- Phototypochromie.

کتابدوستی و هنر تجلید در فرانسه در قرن نوزدهم

حرکت تاریخی در کتابدوستی

هنگامی که علاقه واشتیاق به کتابهای فرانسوی ، بعد از ناپسامانی های انقلاب و جنگهای ناپلئون به حال طبیعی اولیه اش بازگشت ، ستاره راهنمای کتابدوستان فرانسه کتابی بود تحت عنوان نظامنامه کتابفروشی که ژاک شارل برونه ، یک عالم و تاجر کتاب آن را تالیف کرده بود . این کتاب که در سال ۱۸۱۰ به بازار آمد و چندین بار در چاپهای بزرگ منتشر شد نوعی کاتالوگ محسوب می شد .

کتاب برونه^{۷۹} اثر آن

برای نخستین بار ، با چاپ این کتاب ، توصیف مفصلی از کتابهایی که شایسته انتخاب بودند به اضافه قیمتهای کتب نایاب ، باقیمت‌های مخصوص عهد چاپهای اول تا عهد چاپهای قرن هیجدهم به دست آمد . این کتاب - در توصیف هر کتاب - توضیحات تاریخی مخصوص تحول آن در مرور زمان را با ذکر قیمتهایی که در گذشته ضمن مزایده های عمومی مشهور داشته است در بردارد .

کتاب برونه بسیار مورد تقدیر واقع شد . وی در این کتاب از مجلدات قدیمی آغاز کرده ، و علاوه بر این سیر انتقال کتاب از مالکی به مالک دیگر را بیان کرده است . او علاوه بر مطالبی که درباره چاپهای مؤلفان بزرگ آلمان و انگلستان ذکر کرده ، بحثهایی هم از چاپهای اصیل ادبیات کلاسیک به میان آورده است . به طور خلاصه باید گفت برونه در فرانسه اقدام به چاپ رساله ای کرد که دیدن در همین مدت در انگلستان چاپ کرد . با این تفاوت که کتاب برونه که یک کاتالوگ مهم محسوب می شد به متحدالشکل شدن مجموعه های فرانسه و نیز به تثبیت بهای برخی کتابهای مورد توجه دوستداران کتاب در آن وقت ، کمک کرد .

شارل نودیه

شارل نودیه نویسنده نیز در این راه گام برداشت . وی مدیر کتابخانه آرسنال^{۸۰} بود

که ما را به یاد دیدن و عشق فراوانش به کتاب می اندازد . جز این که نودیه شخصیتی نیرومندتر و حسّاستر بود . از مشهورترین نوشته هایش داستان **کتاب دوست**^{۸۱} است که در آن طنزی فوق العاده جالب دیده می شود . او مانند برونه معتقد بود که در جمع آوری کتاب باید نگرشی تاریخی داشت و سالهای دراز علاقه به کتاب را در فرانسه ترویج کرد و در تطوّر علاقه به کتاب در سرزمینهای دیگر نیز نقش مهمی داشت .

علاقه به جلدهای قدیمی

از میان نتایج مشخص این گرایش ، علاقه به جلدهای قدیمی بود . در بدو امر روش متداول ، تعویض جلدهای قدیمی با جلدهای جدید بود . اما بعداً ، معاصران به ارزش آن پی بردند . ایشان فهمیدند جلدهایی که تقریباً فاسد می شود ، اگر با کتاب همراه باشد بهتر از جلدهای جدید ، کتاب را نگه می دارد . همین امر باعث شد تجلیدات گرویه و نظایر آن از جلدهای قدیمی دیگر ، بطور زیاد منتشر شود . از تحقیق در نشانه های مالکیت بر آن و سبک رنگ می توان به اصل کتاب پی برد .

دوستان و خبرگان کتاب فرانسوی

سایر کسانی که بانودیه در علاقه اش به کتاب سهیم بودند عبارتند از : پل پینو^{۸۲} که در امر کتاب خبره بود و از کارش ارتزاق نمی کرد . او صاحب کتاب **علم کتابهاست**^{۸۳} (۱۸۲۳) ؛ ژوزف تکنر^{۸۴} تاجر کتاب و مؤسس مجله «دوستان کتاب»^{۸۵} که آن را از سال ۱۸۳۴ منتشر کرد و نودیه آن را می نوشت ؛ پول لاکروا معروف به ژاکوب کتاب دوست^{۸۶} و غیره . . .

از میان سایر دوستان کتاب که معاصر نودیه بود ، نمایشنامه نویسی به نام ژ . دو پیکسکور^{۸۷} است که به چاپ نمایشنامه ها و نشریه های عهد انقلاب فرانسه که بسیار مورد استقبال دوستان کتاب بود ، همت گماشت . او مؤسس جمعیت معروفی به نام جمعیت فرانسویان دوستان کتاب نیز ، بود . وی عادت داشت که به کتابهای خود

81- Bibliomane.

82- Peignot.

83- Manuel de Bibliographie.

84- Joseph Techener.

85- Buletin Bibliophile.

86- Bibliophile Jacob.

87- G. de Pixerecourt.

عباراتی به خط نویسندگان آنها پیوست کند . همین رسم را بعدها دوستداران کتاب از او اقتباس کردند که بر ارزش مجموعه هایشان می افزود . در فرانسه مجموعه داری دیگر از دوستداران کتاب عهد انقلاب وجود داشت . وی کنت دو لا ب دوایر^{۸۸} است که توانست بیش از صد هزار جلد کتاب گردآوری کند . دیگری کتابفروشی به نام ژاک آناطول فرانسواتی بو^{۸۹} (نام واقعی آناطول فرانس)^{۹۰} است که فهرستی برای این مجموعه منحصر بفرد نوشت و آن را ضمیمه کتابخانه ملی کرد .

همچنین لازم است در عصر نودیه از دو مجموعه دار بزرگ دیگر نام ببریم که متولد فرانسه نبودند ، هرچند زندگیشان در فرانسه سپری شد . آن دو ، کنت اسکاتلندی مک کارتی^{۹۱} و یونانی ابریشم ساز کنت . ن . یمنیز^{۹۲} بودند . قیمت فروش مجموعه اول درمزایده ، نزدیک به چهار صد و هشت هزار فرانک و دومی به هفتصد و بیست و پنج هزار فرانک رسید . این دو مجموعه بواسطه دارا بودن نسخه های منحصر بفرد و چاپهایی بر روی پوست و چاپهای ابتدایی مجلدات کمیاب و ویژگیهای دیگر ممتاز بودند .

بزرگترین مجموعه دار فرانسوی که از آنها به مانزدیکتر است و از کسانی که نه تنها به ادبیات پیشینیان بلکه به ادبیات زمان خودش نیز توجه داشت ، شاهزاده دومال^{۹۳} است که کتابخانه باشکوهش همچنان تا امروز در قصر شانتی پایدار مانده است . همچنین ل . کونکه^{۹۴} ناشر بزرگ چاپهای عالی حدود سال ۱۸۸۰ تا سال ۱۸۹۰ می باشد . چاپخانه دار دانشمند امبروازفرمن دیدو^{۹۵} را که قبلاً نام بردیم و نویسنده و مجموعه دار ژول ژانن^{۹۶} و همچنین ا . پایه^{۹۷} که سالها رئیس جمعیت دوستداران کتاب بود بارون دو لاروش لاکارل^{۹۸} متخصص تجلیدات قدیمی ، و کنت دو لیرول^{۹۹} و بارون پیشون^{۱۰۰} و بارون دو روچیلد^{۱۰۱} و ...

در این جا شایسته است از هانری برالدی^{۱۰۲} بطور ویژه یاد کنیم که در سال ۱۹۳۱

88- Conte de la Bedoyere.

91- Mac Carthy.

94- L. Conquet.

97- E. Paillet.

99- Conte de Lignerolles.

102- Henri Beraldi.

89- Thibault.

92- N. Yemeniz.

95- Ambroise-Firman Didot.

98- Baron de la Roche lacarelle.

100- Baron Pichon.

90- Anatole France.

93- Duc d, Aumale.

96- Jules Janin.

101- James de Rothschild.

در گذشت . وی آخرین نماینده این گروه دوستداران و شیفتگان کتاب حتی هسته مرکزی فعالیتشان بود .

برالدی نویسنده ای دانشمند و با احساس بود ، که پس از خود اثری بزرگ ، که پُر از نشانه های نبوغ در هنر کتاب آرایی است بر جای گذاشت . عکسهای کنده کاری شده و کتابها : تجلید در قرن هیجدهم ، تجلید در قرن نوزدهم ، پیشنهادی برای یکی از دوستداران کتاب و غیره در این اثر به چشم می خورد .

مقالات فراوان ، وانتقادات زنده و محکمشی که در مجلات چاپ شد ، احساسات را بیدار کرد و تحت تاثیر قرار داد و حرکتی واقعی در راستای کتابدوستی آفرید . نظر به این که او روحیه ای ستیزگر و نگرش جدیدی نسبت به کتابدوستی داشت با اندیشه کتابدوستی تجملی گذشته مخالفت کرد . وی به ترویج همین دعوتش اکتفا نکرد ، چنان که به دفاع از کنده کاری ابتکاری بر چوب بر ضد کنده کاری سایه دار قانع نشد ، بلکه خود سرپرستی انتشارات را به عهده گرفت . و هنرمند بزرگ اوگوست لوپر^{۱۰۳} را به میدان مصور سازی کتاب کشاند . او همزمان پیام رسان و پیشوا و پدر و مباشر بسیاری از جمعیت های فعال فرانسوی دوستدار کتاب بود .

به هر حال علاقه و شوق به کتاب در فرانسه از زمان جنگ ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ رشد فراوانی کرد ، تا آن جا که جمعیت های دوستدار کتاب ، بسیار افزایش یافت . امروز در این زمینه بیست و سه جمعیت فعال وجود دارد و هرچه زمان پیش می رود ، دامنه عشق به تخصص در زمینه کتابدوستی پاب پای توسعه علوم ، گسترش می یابد ، و گویی به آخرین حد کمال خود رسیده است .

دوران طلایی کتابفروشیهای کوچک کتابهای قدیمی^{۱۰۴}

کتابدوستان در عهد نودیه بهترین زمینه های شکار کتاب را در صندوقهای کتابفروشان جزء کتابهای قدیمی یافتند ، و نیمه اول قرن نوزدهم دوره طلایی کتابدوستی مطلق به شمار می آمد . در آن زمان بود که استاد ادبیات لاتین آشتتر^{۱۰۵} به صفوف آنان پیوست ، زمانی که واقعاً کتابهای نایابی در صندوقهایشان به دست می آمد . حتی نودیه

در برخی از این صندوقها به کتاب *رؤیاهای پولی فیل* ^{۱۰۶} دست یافت ، و این تحفه را باعکسهای کنده کاری بر چوب در آن که به دوران نهضت جدید اروپایی بازمی گشت ، به مبلغ سیصد سنت خرید . اکنون این رویداد خیالی بیش نیست و در این جا تاثیرات خاصی که گردشهای روزانه نودیه در کناره های رودخانه سن ، بر ذهن حساس و رمانتیکی وی داشته بخوبی قابل درك است .

قانونگذاری تجارت کتاب

تثبیت آزادی صنایع در عهد انقلاب ، منجر به تعدیل اوضاع واحوال تجارت کتاب شد . دوران اتحادیه های پیشه ها هم که تا آن زمان نسبت به چاپ و تجارت کتاب ادامه داشت پایان یافت . از این پس هر کس حق داشت که این دو حرفه را داشته باشد . اما در سال ۱۸۱۰ آیین نامه ای صادر شد که بر اساس آن ، کار و حرفه چاپ لازمه اش داشتن اجازه ، وادای سوگندی خاص بود . در آن زمان تعداد چاپخانه داران پاریس به شصت نفر می رسید ، اما این رقم پس از اندك زمانی به هشتاد رسید . بعدها در سال ۱۸۷۱ موج تازه ای از آزادی تمام این قیود را از بین برد . اما در سال ۱۸۸۱ که قانون مطبوعات تصویب شد ، برخی قیود جدید به وجود آمد و بعداً قانون واسپاری اجباری به گونه دیگری تصویب شد و سرانجام از قانونی که در سال ۱۹۲۵ صادر شده بود استفاده گردید که در حال حاضر از آن پیروی می شود .

تمایلات جدید در تجلید

حرکت رومانتیکی از زمان نودیه ، همراه با حماسه و تمامی آنچه به قرون وسطا نسبت داده می شد ، به کتابدوستی سرایت کرد و نیز به تمامی مظاهر حیات عقلی که این نهضت ادبی کسب کرده بود راه یافت .

تجلید با سبک امپراتوری

سبک کلاسیکی همچنان در زمان ناپلئون در راس بود . این ویژگی سبک

امپراتوری همان میل به عناصر تزینی قدیمی بود . همچنان که مظاهر آن را در کارهای تجلید هنری می بینیم . این به رغم نظر برادران بوزریان^{۱۰۷} ، صحافان بزرگ ناپلئون بود که این تزینیات را جز در موارد کمی به کار نمی بردند .

تجلید باسبک دوران بازگشت پادشاهی^{۱۰۸}

با سقوط ناپلئون ، سبک امپراتوری از میان رفت و نخست جای آن را سبک دوران بازگشت پادشاهی گرفت ، که در آن زمان ژوزف تووَن^{۱۰۹} معاصر نودیه و جلدساز برتر او ، یک سری تجلیدات هنری بسیار گرانبها را ساخت ، گرچه ابتدا تزینیاتش شامل نوار و بخش مرکزی میانه می شد ، اما دارای شکل معین یا شکل گل و تا حدی پرکار بود . اما از جنبه های هنری ، لازم است به استفاده از زینت جدیدی که به طریقه فشار (لوحه سنگی) چاپ شده است اشاره کنیم ؛ اعم از این که تزین مطلقاً یا غیر مطلقاً یارنگین باشد و گاهی هم به روشهای تزینی سه گانه با هم دست می یابیم .

تجلید رومانتیکی با سبک کاتدرالی

پس از پیدایش داستان **گوزپشت نتردام** پاریس^{۱۱۰} اثر ویکتور هوگو ، سبک گوتیک میانه بتدریج بزرگترین الگو شد .

همچنان که معماران این دوران ، آزاد بودند که کاخها و منازل را باسبک گوتیک بسازند ، نجاران و هنرمندان می توانستند در کارهایشان بر اساس گوتیک کار کنند . جلد سازان هم اشکال گوتیک را در تزینیاتشان برای کتاب مورد استفاده قرار می دادند ؛ تا حدی که تمامی غلاف تجلید را پراز تزیناتی می کردند که به شبکه های پنجره و مانند آن شباهت داشت ؛ همچنان که در ظریف کاریهای معماری شایع در کلیساهای قرون وسطی به یاد داریم .

این زینتها بحق ، به نام سبک کاتدرالی نامیده شد . ژوزف تووَن نیز به آن علاقمند شده بود .

107- Bozerian.

108- Restauration.

109- Joseph Thouvenin.

110- Notre Dame de Paris.

این نوع زینتها برجسته بود ، مانند تجلیدات قرون وسطا ، به این طریق که تزئینات ابتدا بر لوحه سنگی کنده کاری می شد ؛ همچنان که تزئینات برجسته تووَن بامهارت دستی فوق العاده انجام شده بود . هرچند دو جلدساز پورگل^{۱۱۱} و سیمیه^{۱۱۲} این تزئینات را بگونه ای بسیار جالب به کار بردند .

بازگشت به سبک قدیم

در این زمان سبک امپراتوری ، پایه پای سبک کاتدرالی مورد استفاده واقع شد گرچه این حرکت تنها در فاصله زمانی کمی روی داد و پس از اندکی شگفتی روز افزون تجلیدات قدیم منجر به ظهور پیروی از سبک گرولیه و فانفار^{۱۱۳} و لوگاسکن^{۱۱۴} و غیره شد . و غالباً با مهارتی انکارناپذیر ساخته می شد . همچنین تلاشی تاریخی برای احیای زینتهای عصر لویی پانزدهم به عمل آمد و شکل تازه ای از این سبک ، تقریباً بین سالهای ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ بر تعداد زیادی از مجلدات در فرانسه و جاهای دیگر پدیدار شد . اما در مجلدات آلمان ودولتهای اسکاندیناوی ، بیشتر از همان زینتهای سبک روکوکو^{۱۱۵} پیروی می کردند ، اعم از این که بر روی غلاف خارجی تجلیدات یا بر پشت جلد نرم بوده باشد .

بخش عمده ای از تجلیدات هنری ، که در قرن نوزدهم انجام شد نشان تقلید و آمیختگی را به همراه دارد ، بطوری که بندرت ابتکارات شخصی را در آنها می بینیم . مثلاً جلدساز بزرگ بوزونه^{۱۱۶} برای تجلید سبکی خاص را پدید آورد . هنر تزئین او منحصر به نوارهایی است که از تعداد کمی خطوط موازی که با دقت تمام روی جلدی از نازکترین انواع ، با مهارتی کامل چاپ شده تشکیل یافته است . تروتز^{۱۱۷} جلدساز شاگرد وی نیز سبک بوزونه را به کار گرفت ، او نه تنها دوباره این سبک را باز گرداند و عظمت گذشته اش را به آن بخشید ، بلکه چیزی نمانده بود که در تذهیب و تزئین جلد بر استادش برتری یابد .

111- Purgold.

112- Simier.

113- Fanfares.

114- Le Gascon.

115- Rococo.

116- Bauzonnet

117- Trautz.

تجلید معاصر

استفاده از سبک عصر گذشته از زمانی طولانی به جلد سازان این امکان را داد که به استفاده از تجلیدات کاشی مانند و شکل دادن به جلدها بازگردند، این روشها تقریباً از سال ۱۸۷۰ بیشترین رونق را داشت و با این روش، ظاهری زیبا به غلاف جلد داده می شد.

از میان اساتید فرانسوی هنر جلد سازی باید از ماریوس میشل^{۱۱۸} و لئون گروئل^{۱۱۹} نام برد. اوگی به طور خاص جایگاهی بزرگ در تاریخ جلد سازی فرانسوی در قرن نوزدهم دارد؛ عصری که هنر تزئین از تزئینات گل و بوته ای الهام می گرفت، کما این که او می توانست تجلیداتی به سبک کاشی و تزئینات آب طلایی نیز بسازد، وی علاوه بر پیشرفت در حرفه جلد سازی به درجه ای از دقت رسید که گویی از عصر نهضت اروپایی جدید بر جای مانده است. و در کنار امتیازش در ابتکار - همزمان در هماهنگ کردن زینتها و خطوط و رنگهای مناسب با موضوع کتاب ضرب المثل شده بود.

میشل از سال ۱۸۸۰ شروع به کار یک سری از جلد های کنده کاری کرد که اولین آنها *داستان فاست* با تزئینات دولاکروا بود، و در پی آن *داستان چهارپسر آیمون*^{۱۲۰} و از مشهورترین تجلیداتش تجلیدی است که با آن کتابهای دعا^{۱۲۱} آراسته شده، سپس - تقریباً از سال ۱۸۹۰ - شروع به تجلیدات بزرگ جدید کرد، و کارش را با کتاب *بالمکس*^{۱۲۲} اثر هویس مان^{۱۲۳} آغاز کرد. از زیباترین تجلیدات یکی هم کتاب *سرود سرودها*^{۱۲۴} ترجمه ارنست رنان^{۱۲۵} چاپ هاشت بود. این کتاب جزو مجموعه شاهزاده مالبارا^{۱۲۶} بود. و نیز تألیف کتاب: *تاریخ تجلید فرانسوی از اختراع چاپ تا پایان قرن هیجدهم* را به ماریوس میشل - که در هنر خود دانشمند بود - نسبت می دهند. اما تجلیدات لئون گروئل که تا امروز پسرش همان روش را ادامه می دهد بخاطر ساخت محکم و درخشندگی تذهیب آن شهرت یافت به طوری که آن را در ردیف تجلید

118- Marius Michel.

119- Leon Gruelle.

120- Quatre Fils Aymon.

121- Livres d'offices.

122- A Rebours.

123- Huysman.

124- Cantiques des cantiques.

125- Ernest Renan.

126- Malborough.

مرسیه^{۱۲۷} پسرش قرار می دهد .

اما دیگر جلدسازان معاصر فرانسوی عبارتند از : دورو^{۱۲۸} و شامبول^{۱۲۹} کاپه^{۱۳۰} و . . . که همگی مقلد و ماهر در تجلیدات اساتید پیشین این فن هستند .

اما در آلمان ، اوتوهوپ^{۱۳۱} نقاش از مشهورترین نقاشان تجلیدات کنده کاری شده باسبک دوران نهضت آلمان بود . اما تزئین جلد کنده کاری شده در فرانسه مهمترین برگزیدگان آن فن اوجیست لیبر حکاک روی چوب یاتیزآب و توفیل استن^{۱۳۲} بودند که به ذکرشان خواهیم پرداخت .

می توانیم گروهی دیگر از مجلدات را به این سبک اضافه کنیم که مجلدات گویا^{۱۳۳} نامیده می شدند . این جلدها در فرانسه حدود سال ۱۸۸۰ پدید آمدند و جلدسازان باروشی تاحدی دشوار سعی داشتند که وجه تشابهی بین تزئین جلد ، پیام کتاب برقرار کنند .

این روش که جلد ساز را به شکلی به سمت نقاش یارسام بودن سوق می داد ، در تمامی کشورها تقلید شد . هر چند غالباً به نتایج وخیمی منجر شد ، زیرا در این روش چیزی از روشن بینی رعایت نمی شد . مشهورترین هنرمندان این روش در فرانسه مونی^{۱۳۴} ، کیفر^{۱۳۵} ، کوزان ، پتی^{۱۳۶} و مرسیه بودند .

بدیهی است که تجلیدات انگلیسی در نیمه اول قرن نوزدهم از نمونه های فرانسوی متأثر بود . این تأثیر بعد از نیمه قرن نیز ادامه داشت ؛ این تأثیر بویژه در تجلیدات جلدساز فرانسوی و مبتکر ، روبریویر^{۱۳۷} و همکار آلمانی الاصل او یوزف^{۱۳۸} تساندرف به چشم می خورد . باهمه اینها تشخیص این تجلیدات انگلیسی ساده است . تجلیدات انگلیسی پرکارتر ، و مقوای غلاف آن محکم و همچنین تذهیب آن قرمزتر است .

127- Mercier.

130- Cape.

133- Reliures parlantes.

136- Petit.

128- Duru.

131- Otto Hupp.

134- Meunier.

137- Robert Riviere.

129- Chambole.

132- Theophile Steinlen.

135- Kieffer.

138- Joseph zaehnsdorf.

صنعتی شدن کتاب و عکس العمل هنری

پیروزی صنعت ماشینی در تولید کتاب

از میان ویژگیهای تاریخ کتاب در قرن نوزدهم ، پیشرفت شگرف تولید کتابهای ادبی بود . مثلاً وقتی تولید سالیانه آلمان ، حدود سال ۱۸۰۰ ، نزدیک به سه هزار و سیصد کتاب چاپی رسید ، با یک جهش ادبی در نیمه قرن به ده هزار و سپس در پایان قرن نزدیک به بیست و پنجهزار رسید .

به کارگیری ماشین

این پیشرفت مهم در تولید کتاب از کاربرد روشهای فنی و تغییر روشهای دستی به روش استفاده از ماشین حاصل شد ؛ همچنان که در تمامی زمینه های صنایع دیگر همین تحول روی داد . پیشرفت اصلی با اختراع ماشین کاغذ سازی آغاز شد ، که ساخت آن را به روبر فرانسوی در سال ۱۷۹۹ نسبت می دهند و نیز اختراع ماشین پرس توسط فردریک کونیک^{۱۳۹} آلمانی در سال ۱۸۱۰ که جایگزین پرسهای دستی قدیمی شد ، و بوسیله آن ، پس از یک سلسله اصلاحات صاحبان چاپخانه ها توانستند تعداد زیادی نسخه های کتاب را در کوتاهترین زمان چاپ کنند . حدود سال ۱۸۵۰ در نیویورک نخستین وسیله چاپ استوانه ای ساخته شد ، که این وسیله را بعدها مارینونی^{۱۴۰} در فرانسه اصلاح کرد .

ماشینهای حروف ریزی

ماشینهای حروف ریزی پیشرفت جدیدی را در صنعت کتاب به وجود آورد . آزمایشهای نخستین آن به کر . سورنسن^{۱۴۱} دانمارکی باز می گردد . گرچه نمونه ای که موفقیت آمیز بود ، نمونه لاینوتاایپ^{۱۴۲} بود که آن را ساعت ساز آلمانی اوتمار مرگن تالر^{۱۴۳} حدود سال ۱۸۸۵ ساخته بود . این وسیله جمع کننده حروف ، مانند ماشین

139- Frederic Konig.

140- Marinoni.

141- Chr. Sorensen.

142- Linotype.

143- Ottomar Mergenthaler.

دیگری که بعداً ساخته شد ، ماشین مونولاین^{۱۴۴} و تایپوگراف^{۱۴۵} و دیگر ماشین های مشابه به طریقه ای ساخته شده بود که می توانست در آن واحد حروف را بریزد و در یک خط جمع کند . جمع حروف به طریقه فشار دادن دکمه ها انجام می شد . همچنان که در ماشین تایپ معمولی مشاهده می کنیم . و می توان بوسیله ماشین لاینو تایپ که هر خط را در یک توده مستقل جمع می کند ، کار چاپ را در یک سوم یا یک چهارم وقتی که صرف همین کار به روش جمع آوری بادیست می شود انجام داد .

به همین مناسبت ، لازم است این جا اشاره شود که ماشین حروف چینی به نام مونو تایپ^{۱۴۶} که قبلاً هنگام سخن از حروف گارامون (صفحه ۱۸۵) از آن نام بردیم برخلاف ماشین لاینو تایپ است که حروف جابجا شدنی و جدای از یکدیگر تولید می کند ، بطوری که بوسیله آن می توان خط چاپ شده ماشینی را مانند حروف چینی دستی حرف به حرف جمع کرد .

این پیشرفت بزرگ در روشهای صنعتی بویژه در چاپهای ارزان باتیراژهای زیاد و چاپهایی که انجام آن وقت زیادی را نمی طلبید و نیز کتابهایی که غالباً چاپ آن با ابزاری به نام ماشین چاپ دورویه^{۱۴۷} انجام می شد حاصل گردید . اما در چاپهای زیبایی که نیاز به توجه خاصی داشتند و کتبی که بویژه برای دوستداران کتاب چاپ می شد ، همیشه از روش حروف چینی دستی استفاده می کردند ، و نسخه های آماده و ضبط شده بوسیله ابزاری معروف به ابزار چاپ یک رویه انجام می شد که در آن واحد جزیک روی ورقه را چاپ نمی کرد .

در کنار این دوروش نوع سوم مهمی از ابزار چاپ پدید آمد که برای چاپ نسخه های متعدد ، از قبیل کتابهای درسی و نمایشنامه های پرفروش مورد استفاده واقع می شد . منظورمان از این ابزار ، ابزار استوانه ای^{۱۴۸} است که در چاپ مجلات هم به کار می رفت .

به کاربردن ماشینهای متعدد پرس و ابزار حروف چینی ، تحوّل کاملی در چاپ به وجود آورد . همچنان که به چاپخانه های کنونی پدیده جدیدی را بخشید و آن را به

144- Monoline.

145- Typograph.

146- Monotype.

147- Machines a retiration.

148- rotatives.

کارخانه ای شبیه ساخت که پیش از آن چنین نبود .

نشریات ادواری

موفقیت روشهای صنعتی جدید در چاپ نشریات ادواری که در آن زمان بسیار منتشر می شد اهمیت ویژه ای داشت . زیرا از حدود سال ۱۸۸۰ نه تنها جراید روزانه از اختراعات بهره بردند ، بلکه این موضوع به مجلات هفتگی ملی بسیار و انواع مجلات دیگر نیز سرایت کرد و از گامهای پیشرفت سریعی که در چاپ آن به کار رفت ، آنها نیز بهره مند شدند .

اهمیت این موضوع زمانی آشکار می شود که انتقال چاپ عکس از روشهای کند ، مثل کنده کاری بر چوب و چاپ سنگی ، به کنده کاری با عکس حکاکی شده که قبلاً ذکر شد و در چند ساعت انجام می شد ، امکان پذیر گردید . حکاکان روی چوب بهترین فرصت را برای کارشان در جراید به دست آوردند ، از قبیل :

Illustrierte zeitung,

Illustrated london News, Magazin Pittoresque Le monde

Illustre, & l'illustration.

این مجلات تعداد زیادی عکسهای زیبای کنده کاری بر چوب در کنار عکسهای کم اهمیت دارد .

عکس العمل بر ضد به کارگیری ماشین - ویلیام موریس .

پیروزی ماشینی در زمینه تولید کتاب ، به کیفیت کار آسیب رساند زیرا سرعت روز افزون و دائمی تولید ، خطری بود که احساس زیبایی شناسی نزد نقاشان و چاپخانه داران را جریحه دار کرد و عکس العمل شدید بر ضد این آشفتگی در ربع آخر قرن نوزدهم آشکار شد .

این عکس العمل از ناحیه هنرمندان انگلیسی که منسوب به گروه پیش از رافائل^{۱۴۹} می باشند و گرد نقاشانی از قبیل برن جونز^{۱۵۰} و د . ج . روسیتی^{۱۵۱} جمع شده بودند ،

روی داد . از فعالترین اعضای این گروه ویلیام موريس بود . این شخصیت عناوین نقاش و معمار شاعر و آشوبگر اجتماعی را به همراه داشت . استعداد و فعالیت خستگی ناپذیر او موجب شد که در ضد حمله نقاشان قبل از رافائل رهبری روحانی و عملی را به عهده گیرد . آنها تصمیم داشتند روشهای اصلی را در نقاشی احیا و آن خلوص سبک که بهترین آثار گذشته را مشخص می کرد دوباره ایجاد کنند .

بازگشت به روش زیبایی قدیم

میلی همگانی به بازگشت به روشهای قدیمی در تمامی شاخه های پیشه ها و احیای سبک زیبا که کارهای بزرگترین هنرمندان قدیمی بدان ممتاز بود و همچنین در تمامی چیزهایی که به زندگی روزمره مربوط می شد پدید آمد . در این جا گرایش روش رمانتیکی را به هنر میانه احساس می کنیم .

موريس و همکارانش به کار ااثیه ها و فرشها و بافتنی ها و نقاشیهای روی شیشه و بطور کلی آنچه متعلق به تزیینات منزل است پرداختند . این هنرمندان تمامی روشهای صنعتی در حرفه های قدیمی را در زمینه های گوناگون آموختند و سرچشمه الهامشان همانند ویلیام بلیک و نیز گروهی از هنرمندان رمانتیکی فرانسوی که اشکال میانه ویژه سبک گوتیک بود . فقط ، موريس کارش را در زمینه کتاب بعداً آغاز کرد .

کتاب آرایی موريس

موريس در چاپخانه چیزویک ۱۵۲ که از بهترین چاپخانه های لندن بود بر چاپ تعدادی کتاب نظارت داشت . سپس در سال ۱۸۹۰ در املاکش - املاک کلمسکوت ۱۵۳ در کنار رودخانه تمز - چاپخانه ای اختصاصی تاسیس کرد که همان چاپخانه مشهور کلمسکوت است . او چهل کتاب را که تمامی آن در چاپهای قطع بود در آن جا چاپ کرد .

در حال حاضر این کتابها همچنان شدیداً مورد توجه دوستداران کتاب است .

موريس نمونه هايش را از گذشته اقتباس کرد ، همچنان که نسبت به ديگر مشاغل وضع به همين منوال بود . حتى حروف روميش معروف به حروف طلايی از یک جهت از سبک نيکلاجانسون واز سوی ديگر از نوع گوتیک (سبک چوسر ۱۵۴ و تروا ۱۵۵) طبق نمونه های دوران نخست چاپ ، گرفته شده بود . در تزئين نيز به همان مصادري که صفحات به طور جالب با آن تزئين می شد ، بازگشت . کناره هایی که از شاخه های انگور کنده کاری شده بر چوب ، تشکيل شده بود و آنچه در کتابهای چاپی با حروف رومانی به کار برده ، همه متأثر از هنرکنده کاری بر چوب در عهد آلدومانوچی ۱۵۶ است . اما جالبترين توليداتش ، چاپ بزرگ چوسر بود که نقاشیهای آن را برن جونز ترسيم کرده بود . در کتاب هنري موريس که دارای حروفي درشت و تزئيناتی عالی است ، استحکام و جلوه ای به چشم می خورد که تأثیری زینتی و قوی دارد . به رغم تکیه اش بر دستاوردهای دورانهای گذشته ؛ توليداتش در ردیف آثار اقتباسی قرار نمی گیرد . بی شک کار او در طی فعالیتش هسته سبکی پيچیده را به همراه داشت که بسیاری از مقلدانش نمی توانستند از آن بدور باشند .

همکاران موريس در انگلستان

مذتها پيش از آن که موريس به انتشار کتاب پردازد ، عکس العملی بر ضد حروف باریکی که فاقد ابتکار بود ، روی داد .

چیزی نگذشت که حروف رومی از سبک کاسلون ۱۵۷ را دوباره چاپخانه ای که قبلاً نام بردیم ، یعنی چاپخانه مرکز چاپ چیزویک ، مورد استفاده قرار داد . همچنین دکتر دانیل استفاده از حروف اسقف فل ۱۵۸ هلندی را که به قرن هفدهم باز می گردد از عالم فراموشی خارج ساخت . موريس ، تا آن هنگام که یک سری کامل از چاپهای ویژه پدید آمد و کتابهایی منتشر شد که مبین ذوقی پيچیده و هماهنگ با سبک قدیم بود ، اقدام به تأسیس چاپخانه نکرد . به رغم کتابهای متنوعی که توسط چارلز ریکت ۱۵۹ در چاپخانه ویل ۱۶۰ و جان هورن بی ۱۶۱ در چاپخانه آشنیدن ۱۶۲ و کوبدن ساندرسون ۱۶۳ و امری

154- Chaucer.	155- Troy.	156- Aldo Manucci.	157- Caslon.
158- Fell.	159- Charles Rickett.	160- Vale.	161- John Hornby.
162- Ashendene.	163- Cobden Sanderson.		

واکر ۱۶۴ در چاپخانه دو- ووز ۱۶۵ . . . با این روش چاپ شد ، همه آنان این امتیاز را داشتند که به اشکال چاپی چاپخانه داران دوره رنسانس بازگشته بودند ، و همگی از اصولی که موریس به منظور ایجاد تأثیر زینتی در حروفچینی پی ریزی کرده بود الهام گرفته بودند . فعالیت این چاپخانه های ویژه که در این سالهای مشخص نسبتاً منحصر به چاپخانه های بزرگ بود ، تأثیری انکار ناپذیر بر پیشرفت صنعت چاپ در انگلستان گذاشت .

چاپ هنری در آمریکا

با همه این ها آمریکا در روزگار ما در زمینه چاپ به پایه کشورهای دیگر رسیده است انگلیسیها در سال ۱۶۳۰ صنعت چاپ را به دیگر سواحل اقیانوس اطلس انتقال دادند . در قرن هیجدهم ، یکی از بهترین نمایندگان این صنعت در انگلستان شخصی به نام بنجامین فرانکلین بود او در پی مدتی کار در انگلستان ، سالهای درازی به عنوان چاپخانه دار در فیلادلفیا اقامت داشت . چاپ آمریکایی جز در سالهای اخیر به اهمیت ویژه اش دست نیافت ، بویژه از زمان پیدایش حروفی که به ابتکار فردریک . و . گودی ۱۶۶ و بروس راجرز ۱۶۷ از حروف رومی جانسون و قالبهای دیگر نقل شد .

مجلدات هنری ساندرسون

عضو دیگر جمعیت موریس کوبدن ساندرسون وکیل دعاوی سابق و مؤسس چاپخانه دو- ووز بود که قبلاً از آن نام بردیم . کار ساندرسون منحصر به چاپ نبود ، بلکه بویژه به خاطر مجلدات هنریش که در کارگاهش معروف به کارگاه صحافی یا جلد سازی دو- ووز در هامراسمیت ۱۶۸ نزدیک لندن ساخته می شد ، شهرت یافت . زینتهای مجلدات دافر متکی بر اصولی تزینی بود که جلد سازان قدیم رعایت کرده بودند . او تزینات را شخصاً رسم می کرد و دائماً با اعتدالی کامل به کار می برد . به این جهت ، تا حدی به هموطن بزرگ خود راجرین ۱۶۹ شبیه است . ساندرسون در زمینه کتاب

164- Emry Walker.

165- Doves.

166- Frederic W. Goudy

167- Bruce Rogers.

168- Hammersmith.

169- Roger Payne.

سازی انگلیسی شهرتی کسب کرد که با شهرت ویلیام موریس در زمینه چاپ برابری می کرد . تعدادی از شاگردان وی از قبیل دوگلاس کوکرل^{۱۷۰} ابتکاراتی موفقیت آمیز را به ثبوت رسانیدند که جلوه عالی سبک و خرد او را به یاد ما می آورد .

کتاب آرای معاصر در اروپا

حرکتهای جدید و کتاب آرای در آلمان

چیزی نگذشت که تاثیر حرکتی که موریس آغاز گر آن بود بروشنی در اروپا ظاهر شد . این تاثیر را در بلژیک و فرانسه می بینیم ، اما در آلمان آشکارتر آن را مشاهده می کنیم .

تطور چاپ

آلمانی ها تقریباً از سال ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰ ، از صنعت دوران رنسانس آلمان که در قرن شانزدهم رواج داشت پیروی کردند . حروفی که بیشتر مورد استفاده آنان قرار می گرفت حروف شوابخ^{۱۷۱} بود . هدف این بود که به کتاب جلوه ای آلمانی و قدیم ببخشند . اما حروفی که عموماً رواج داشت حروف شکسته و بی مایه ای بود که در آن ابتکار هنری کمتری وجود داشت . این حروف باکتیبه ها وزینتهایی به شکل گل که چندان اهمیتی نداشت و دیگر مورد استفاده نبود همراه بود .

با همه اینها ، تقریباً از سال ۱۸۹۵ کم کم تاثیر انگلیسی پدید آمد و استفاده از حروف محکمی که در قالبهای قدیمی ریخته شده بود افزایش یافت . بعلاوه از حروفچینی بافاصله به حروفچینی پیوسته و تنگ که متین تر به نظر می آمد ، انتقال صورت گرفت .

تصویر سازی

از میان تصویرگران لازم است از جوزف ساتلار^{۱۷۲} که به واسطه شرکت بادیگران

170- Douglas Cockerell.

171- Schwabach.

172- Joseph Sattlar.

در چاپ مهمی از کتاب سرود نیبلونگن^{۱۷۳} (سال ۱۹۰۰) شهرتی به دست آورد و نیز از ملکیور لختر^{۱۷۴} نام ببریم. این دو مانند موريس از هنر میانه متأثر بودند. لختر، پیش از هر چیز بر اثر نقاشیهایش برای کتاب گنج فقرا^{۱۷۵} اثر مترلینگ^{۱۷۶} شهرت یافت. کار وی نمونه ای از حرکت کتاب آرایی آلمانی به سوی تاثیرات پرکار است. مجله هنری معروف به نام پان^{۱۷۷}. که در سال ۱۸۹۵ تاسیس و ماکس کلینگر^{۱۷۸} نقاش و تعدادی جوانان هنرمند در آن شرکت داشتند، نیز بواسطه خدمتش به حرکت جدید در صنعت کتاب آلمان مشهور شد. اما از میان ناشران می توان گفت موضوع نسبت به اویگان دیتریکس^{۱۷۹} و مؤسسه انتشاراتی اینزل^{۱۸۰} چنین بود، پیشرفت این مؤسسه به مجله اینزل باز می گردد. و - سوای کلینگر - هنرمند افسانه ای ت. ت. هاینه^{۱۸۱} نیز به گروه پان منسوب است، که از جمله کارهایش یک سری نقاشیهای جلد است، که دارای ارزش هنری بسیار است، و از هماهنگی محکم بین آن و هنر جدید نقاشی های دیواری پرده بر می دارد.

نام بردن از مشهورترین هنرمندان کتاب که به تنوع و کثرت تولید در آلمان مشهور است یعنی ماکس اسلی فوکت^{۱۸۲} ضرورت دارد. او بویژه برای یک سری کتابهای بزرگ که توسط دو ناشر به نام پول و برونو کلاسیر^{۱۸۳} انتشار یافت، نقاشیهای راروی سنگ و یا وسیله اسیدهای سوزنده انجام داد. این نقاشیها بواسطه تاثیر قوی و به تفکر واداشتن شخص در ردیف بهترین ابتکارات چاپ در آلمان جدی قرار می گیرند. او به سبب بُوغ زیادش به آن حد رسید که توانست کتابهای گوته و داستانهای گریم^{۱۸۴} و حکایات هندی یا داستانهای پلیسی از کوپر^{۱۸۵} را به تصویر بکشد.

اما ماکس لیبرمان^{۱۸۶} که او نیز نقاشی از مکتب امپرسیونیسم و معاصر اسلی فوکت بود بر کتابهای گوته و هاینه و کتاب داستانهای کوتاه^{۱۸۷} اثر کلايست^{۱۸۸} هر چه

173- Chant de Nibelungen. 174- Melchior Lechter.

175- Le Tresor des Humbles. 176- Maeterlinck.

178- Max Klingner.

179- Eugen Dietrichs.

181- Th. Th. Heine.

182- Max Slevogt.

184- Grimm.

185- Cooper.

187- Kleine Schriften.

188- Kleist.

177- Pan.

180- Insel.

183- Paul & Bruno Classirer.

186- Max Lieberman.

توانست نقاشیهای تازه افزود . اما شیر نقاشی بانوخی ملایم یافت و نقاشیهای کتابهایش از نقاش هنرمند هانس ماید^{۱۸۹} است که مهارتش را بویژه در عکسهای چاپ سنگی کتاب *والنشتاین*^{۱۹۰} که در سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۸ انتشار یافت به نمایش گذاشته است .

چاپخانه داران هنرمند معاصر

در آغاز قرن جدید ، فعالیتهایی در زمینه چاپ و ابتکار حروف جدید شروع شد و نمایشگاه بین المللی پاریس که در سال ۱۹۰۰ برپا شد ، و مجمع عید پانصدمین سال گوتنبرگ در این زمینه در آلمان بیش از جاهای دیگر از خود تاثیر برجای گذاشت . از میان هنرمندانی که تمام نیروی خود را وقف این جنبه چاپ ویژه تزئین کتاب کردند هنرمند اتوهوپ که قبلاً از او نام بردیم و پیتربارنس^{۱۹۱} ، اتواکمان^{۱۹۲} ، ف . ه . امک^{۱۹۳} ، هاینریک یوست^{۱۹۴} و ف . و . کلوکنز^{۱۹۵} بودند . ا . ر . وایس^{۱۹۶} و والتر تیمان^{۱۹۷} که هر دو به سبک امپراتوری آلمانی و باحروف قدیمی کار می کردند ، همچنین ناشر پوشل از لایپزیک^{۱۹۸} ، و اخیراً رودلف کُخ^{۱۹۹} که شاید از لحاظ ابتکار از دیگران برتر بود ، بر آنان اضافه می شوند .

شایان ذکر است که تعداد بسیار کمی از این حروف رومی وانکساری . که هنرمندان نامبرده ترسیم کردند و حروفی که برای فروش جهت ریختن حروف بزرگ عرضه شد توانست بر دیگر حروف برتری یابد ، بااین که از جنبه دیگر چنین استحقاقی نداشت ، اما در مجموع برتبلور هنر آلمانی در زمینه کتاب و گرایش شدید به کاربرد رنگهای جدید گواهی می دهد . در سالهای بعد تعداد زیادی از چاپخانه های اختصاصی رونق فراوانی یافتند ، و از میان آنها چاپخانه کراناک^{۲۰۰} در وایمار^{۲۰۱} ، چاپخانه بریمر^{۲۰۲} در مونیخ و چاپخانه جونپروس^{۲۰۳} در استوت گارت^{۲۰۴} و چاپخانه

189- Hans Meid.

192- Otto Eckmann.

195- F. W. Kleukens.

198- Poeschel.

201- Weimar.

190- Wallenstein.

193- F. H. Ehneke.

196- E. R. Weiss.

199- Rudolf Koch.

202- Bremer.

191- Peter Behrens.

194- Heinrich Jost.

197- Walter Tiemann.

200- Cranach.

203- Juniperus.

204- Stuttgart.

راتیو^{۲۰۵} در دارمستات^{۲۰۶} و چاپخانه های رودولفینی^{۲۰۷} در شهر کلوکنر . و چاپخانه روپرخت^{۲۰۸} بود . این چاپخانه ها در برابر هنرمندان کتاب آلمانی با مشکلاتی مواجه می شدند که گره آن به دست این هنرمندان گشوده می شد .

این سبک جدید از دورانی نه چندان دور شکوفا شد ، و سبکی معروف به نام چاپ اساسی^{۲۰۹} بود . که بر اثر همراهی با هنر تذهیب در عرصه چاپ آلمانی پیشرفت سریعی داشته است . اما ویژگیهای این سبک از یک سو به رنگ دادن به کاغذ به همان اهمیت رنگ اصلی نقش واز سوی دیگر به برتری استفاده از حرفی که در چاپ تجاری معمول بود ، منحصر می شد .

هنر جلدسازی جدید

بسیاری از هنرمندان که قبلاً نام بردیم ، نیز فعالیتشان را در زمینه تجلید مصروف کردند ، و نیز توانستند هنر جلد سازی آلمانی را از رکودی که در طی بخش اعظم قرن نوزدهم بر آن حاکم شده بود نجات دهند .

هنرمندانی از قبیل وایس و تیمان و امک و هوگو اشتاینرپراگ^{۲۱۰} و اریک گرونر^{۲۱۱} در ترسیم نقاشیهایی برای تعداد زیادی کتاب شرکت کردند . اعم از کتب ناشران ، که در عصر ما بسیار مورد استفاده واقع می شوند یا کتب گرانبهایی که بر حسب سفارش با نبوغی فراوان و بامهارت جلدسازی از قبیل پل کرستن^{۲۱۲} و فرانز وایسی^{۲۱۳} و و . کولین^{۲۱۴} و پل آدام^{۲۱۵} و شارل زونتاک^{۲۱۶} و ارنست دُرفنر^{۲۱۷} و ایگناتس وایملر^{۲۱۸} از لایزیک و دیگران ساخته می شد ، با این همه نمی توان گفت که هنر تجلید آلمانی تا آن وقت به نتایجی رسیده باشد که بتوان بانتایجی که آلمان در سایر زمینه های هنر کتاب آرایی به دست آورده بود قابل مقایسه باشد .

205- Ratio.

208- Rupprecht.

211- Erick Gruner.

214- W. Collin.

217- Ernest Dorfner.

206- Darmsta.

209- Typography.

212- Paul Kersten.

215- Paul Adam.

218- Ignaz Wiemler.

207- Rudolfini.

210- Hugo Steiner-prag.

213- Franz Weisse.

216- Charles Sontag.

کتاب آرایی در دولتهای اسکاندیناوی و انگلیس

از سال ۱۸۸۰ کتاب در کشورهای اسکاندیناوی پیشرفت زیادی حاصل کرد در دانمارک این حرکت را بویژه حکاک چوب . ف . هندریکسن^{۲۱۹} و در سوئد چاپخانه دار و . ساکریسون^{۲۲۰} رهبری می کرد . در این دو کشور ، مانند آلمان توجه بیشتر به حروفچینی معطوف می شد تا به خود حروف و غالباً حروفچینی را در رقابت با نقاشی قرار می دادند .

دولتهای اسکاندیناوی سالهای درازی تقریباً تمام مواد اولیه چاپی را از قالبهای آلمانی می خریدند . این دولتها در سالهای بعد حروفی را از دولتهای دیگر مورد استفاده قرار دادند .

می توانیم به شمار تصویر گران دانمارکی - سوای اسکووگر و تگنر^{۲۲۱} که پیش از این نام بردیم - والدما رآندرسن^{۲۲۲} و آکسل نیگور^{۲۲۳} را اضافه کنیم . در سوئد دو هنرمند، اک . کوملیان^{۲۲۴} و یونگ برگ^{۲۲۵} از بهترین هنرمندان کتاب شمرده می شوند . بزرگترین هنرمند در نروژ ا . وارن شول^{۲۲۶} است که شهرتش مربوط به نقاشیهایی است که برای کتابهای شعر حرمانی قدیم^{۲۲۷} ترسیم کرده است .

دانمارک به خاطر همکاری محکمی که در آن جا بین اساتید این هنر و دسته ای از مشهورترین هنرمندان تزیینی ، از قبیل ت . بندزبول^{۲۲۸} و یوآکیم اسکووگر و هانس تگنر وجود داشت ممتاز است . جلد سازی دانمارکی بواسطه این تاثیر متبادل به حدی رسید که توجه خارجیان را نیز به خود جلب کرد ؛ همچنان که کارهای جلدساز دربار سوئد گوستاوهدبرگ^{۲۲۹} همین وضع را داشت . در انگلستان نیز در سالهای اخیر هنرمندان به تصویرگری پرداختند ؛ ولی در حدی کمتر نسبت به کشورهای دیگر . اما آنان بر عکس آنچه یاد کردیم طرح چاپ خالص را برای کتاب بسیار متقن و محکم کردند . با این همه آن امر مانع وجود نقاشان مشهور انگلیسی از قبیل اوبری بردسلی^{۲۳۰} هنرمندی که هنرش منعکس کننده اندیشه های ناگهانی و گذرا بود و در این باره

219- F. Hendriksen.

220- W. Zachrisson.

221- Skovgaard, Tegner.

222- Valdemar Andersen.

223- Axel Nygaard.

224- Akke Kumlien.

225- Young Berg.

226- Werenskiold.

227- Sagas.

228- Th. Bindesboll.

229- Gustav Hedberg.

230- Aubrey Beardsley.

معروفیت داشت . از میان نقاشیهای او تصاویری است که برای رمان *سالومه* از اسکار وایلد^{۲۳۱} ساخته است و نیز از میان این نقاشان و . نیکولسون^{۲۳۲} است که تصویر سازی کتاب *نمونه لندن*^{۲۳۳} که در سال ۱۸۹۸ انتشار یافت و کتابهای دیگر منسوب به اوست .

کتاب آرایی در فرانسه

کتاب هنری تقریباً از سال ۱۸۸۰ در فرانسه بر اثر استقبال شدیدی که از آن شد مانند آنچه امروزه برای کتاب مصور به چشم می خورد ، رونق زیادی یافت . این رونق همچنان تا امروز ادامه داشته ، به طوری که نقاشی تنها منحصر به کتابهای قدیمی نیست ، بلکه به کتابهای ادب معاصر نیز سرایت کرده است . در عصر ما کتاب در شکلی خلاصه و جامع که متضمن روح ادبی و روشهای هنری است ارائه می شود .

با این همه ، پدیده ای که این هنر در آن آشکار می شود ، جلوه ای متنوع دارد به درجه ای که غالباً با آن تشخیص تمایلات عامه دشوار می شود . می بینیم از هم اکنون به بعد تحقیق در هنر کتاب معاصر بر ایمان دشوار می شود . موانع بسیاری داریم که باعث می شود برای بحث در این موضوع به سخنان کوتاهی اکتفا کنیم . با همه اینها ، اگر این فصل از تاریخ کتاب نوعاً پیچیده تر از اجزای دیگر ، بویژه نسبت به دورانهای گذشته است ، علت آن کثرت تولیدی است که طی پنج سال آخر در این زمینه وجود داشته است . اهمیت ویژه ای که این تولیدات برای دوستداران کتاب عصر ما داشته اند نیز در این امر مؤثر بوده است . بخشی از کتابها را که در این مدت در آن جا منتشر شده اند می بایست در شمار کتابهای تقلید شده به حساب آورده از قبیل کتابهایی که ژواوس^{۲۳۴} منتشر ساخت و کتابهایی که بانقاشیهای کنده کاری شده با تیزآب تزئین کرد ، و کتابهایی که نشان طرز تفکر قرن هیجدهم را همراه دارد .

231- Oscar Wilde.

232- W. Nicholson.

233- London Types.

234- Jouaust.

چاپهای ادوار پلتان^{۲۳۵}

در برابر این آثار ، بعدها ، از سال ۱۸۹۶ ، ناشری به نام ادوار پلتان پیدا شد ، که فعالیتش تاثیر روشنی بر گشودن میدان وسیع تولید هنری پیش روی گروه زیادی از تصویرگران داشت . از جمله آنان دانیل ویرژ^{۲۳۶} و ا . گراسه^{۲۳۷} و ا . لورو^{۲۳۸} . همچنین حکاکان برجوب از قبیل کلمان بلانژه^{۲۳۹} فرومان^{۲۴۰} پسرش و فلوریان^{۲۴۱} و برادرش و بیریشون و اوپر^{۲۴۲} و دوپلسی^{۲۴۳} ژولیان تینار^{۲۴۴} بودند . ادوار پلتان همواره تجربه های مداوم داشت ، و بین متن و نقاشیها انسجامی بوجود می آورد . او طبق برنامه ای مبتنی بر این که « مصور سازی کتاب ، تفسیری برای متن و تزئین صفحات کتاب است » ، عمل می کرد . این ناشر مانند استادش او گوست کنت ، شخصیتی با فرهنگ و مشحون از علاقه به نظم و منطق بود . او با حرکت تقلیدی و اتخاذ روشهای جدید برای چاپ که به شکلی نخستگی ناپذیر این روشها را با روشهای قدیم کاملاً تطبیق می داد ، کار کرد . وی در ضمن کارش که در سال ۱۹۱۲ پایان یافت به عنوان یک ناشر ، توانست حدود هفتاد کتاب و تابلو که تمامی آن کاملاً ممتاز و در نهایت استحکام و زیبایی تولید هنری بود ، منتشر سازد . بعلاوه ، وی به کمک روح نقاد و نظریه ویژه اش در مفهوم تعبیری حروف چاپی ، نمونه های جدیدی از حروف را ساخت ، که مقدمه ای برای پیشرفت زیادی بود که از پایان قرن گذشته در روشهای چاپ شناخته شده است . آرای او به خارج از فرانسه راه یافت و دوستداران کتاب معاصر آن را به عنوان یک قاعده پذیرفتند .

بدین جهت لازم است ، قبول کنیم که این ناشر در زمینه کتاب هنری فرانسوی معاصر سهم فراوانی داشته است . داماد و جانشین او رنه هلو^{۲۴۵} از او تقلید کرد و کتابهایی را منتشر ساخت که جنبه چاپ هنری آن چشمگیر بود ؛ بویژه مجموعه های قدیمی فرانسوی ، و کتابهای امیل ورهارن^{۲۴۶} و کتاب جشنهای نشاط انگیز^{۲۴۷} از

235- Edouard pelletan. 236- Daniel Vierge.

237- E. Grasset.

238- A. Leroux.

239- Clement-Bellenger.

240- Froment.

241- Florian.

242- Aubert.

243- Duplessis.

244- Julien Tinayre.

245- Rene Helleu.

246- Emile Verhaeren.

247- Fetes Galantes.

ورلن^{۲۴۸} همان طور که بعداً در نشر کتاب تاریخ مائُن لسکو و شوالیه گریو^{۲۴۹} باشریکش ر. سرژان^{۲۵۰} همکاری کرد. در تصویرسازی آن از نبوغ عظیم نقاش روی سنگ، شارل گرَن بهره مند شده است.

و نیز لازم است به چاپهای ناشران لونت^{۲۵۱} و کورنکه^{۲۵۲} و فرو^{۲۵۳} و کالمان لوی^{۲۵۴} و دیگران اشاره شود که در تصویر سازی کتابهایشان از نبوغ هنرمندان مانند پِل آوریل^{۲۵۵}، لالوز^{۲۵۶}، موریس لالوار^{۲۵۷}، رُشگروس^{۲۵۸}، روبودی^{۲۵۹}، دولر^{۲۶۰}، روبیدار^{۲۶۱}، رودو^{۲۶۲}، پرو^{۲۶۳}، دته^{۲۶۴}، جاکو ملی^{۲۶۵} که در انواع نقاشی بر جسته بوده اند، بهره گرفتند. در این جا لازم است از بهترین هنرمندان عصر پلطان از آن جمله از دانیل ویرژ متولد اسپانیا، نام ببریم که در کارهایش نشانی از نبوغ و تاثیر گویا^{۲۶۶} به چشم می خورد، از میان نقاشیهای چاپ کتابهای ویکتور هوگو و کتابهای تاریخی



شکل ۲۱- عکسی کوچک کار ژرژ ژانیو در یک صفحه از کتاب مکر انسان اثر مولیر (پلطان ۱۹۰۷)

میشله^{۲۶۷} حائز اهمیت است، او بعداً داستان دوستِ نظم^{۲۶۸} اثر ژ. ژ. تارو^{۲۶۹} را نیز تصویر سازی کرد، همچنین اوژن گراسه^{۲۷۰} تولد لوزان در کتاب آرای مشهور بود.

- | | | |
|-------------------------|--|----------------------|
| 248- Verlaine. | 249- Histoire de Manon lescaut et du chevalier des Grioux. | |
| 250- R. Sergent. | 251- Launette. | 252- Conquet. |
| 253- Ferroud. | 254- Calman levy. | 255- Paul Avril. |
| 256- Lalaue. | 257- Maurice Laloir. | 258- Rochegrosse. |
| 259- Robaudi. | 260- Delort. | 261- Robida. |
| 262- Roudaux. | 263- Peraux. | 264- Dete. |
| 265- Giacomelli. | 266- Goya. | 267- Michelet. |
| 268- L' Ami de l'ordre. | 269- J. & J. Tharaud. | 270- Eugene Grasset. |

او در زمینه های دیگر هنرترین نیز بر اثر تخیل و زیبایی شکل شهرتی کسب کرد .
 از بهترین نقاشیهای او نقاشیهای داستان حاکم یهودا^{۲۷۱} اثر آنتول فرانس است . او
 داستان چهار پسر ایمون^{۲۷۲} را نیز مصور سازی کرد . از دیگر هنرمندان این فن ژر
 ژانیو^{۲۷۳} است که از پدر و مادری فرانسوی در ژنو متولد شد . وی نه تنها نقاش ، بلکه
 عکاس و حکاک نیز بود ، نقاشیهایش برای داستان ادولف از بژامن کنستان^{۲۷۴}
 و نمایشنامه دشمن مردم^{۲۷۵} اثر مولیر (شکل ۲۲) و داستان کشاورزان^{۲۷۶} از بالزاک
 و داستان روابط خطرناک^{۲۷۷} شودرلو دو لاکلو^{۲۷۸} از زیباترین ابتکاراتش به شمار
 می آید . توفیل استلن^{۲۷۹} متولد لوزان هنرمند دیگری از آن طایفه است ، او چندین
 نقاشی داشت که از لحاظ چشم انداز و نشان مردمی و دلسوزی فراوان برای بینوایان
 جامعه و تخصص در ترسیم آنان ممتاز بود . وی در نقاشی چندین روزنامه بویژه ژیل
 بلاس^{۲۸۰} شرکت داشت ، و یک سری زیبا از نغمه های پروآن^{۲۸۱} را منتشر و در این
 اثر سبک شخصی خود را آشکار کرد . و بین سالهای ۱۸۹۰ و ۱۹۰۰ شخصیتهای
 خیابانهای پاریس را همراه مناظر طبیعی در کتاب سرود فقرا^{۲۸۲} از ژان ریشپن^{۲۸۳}
 و داستان کرن گیل^{۲۸۴} از آنتول فرانس را ساخت که آخری از بهترین کارهایش محسوب
 می شود . او گوست لورو هنرمندی دیگر به روش نقاشان بزرگ قرن نوزدهم کارکرد .
 او که شاگرد هنرمند پونا^{۲۸۵} بود ، جایزه بزرگ رومی را در سال ۱۸۹۴ برد . نقاشیهای
 او بر احساسی قوی از عنصر تصویری در عکس گواهی می دهد ، و باصفتی ویژه ، داستان
 مهمانخانه ملکه پدوک^{۲۸۶} از آنتول فرانس و داستان جشنهای کرتوس^{۲۸۷} از خودش ، و
 داستان اوژنی گراند^{۲۸۸} از بالزاک ، و داستان بلوار و پکوشه^{۲۸۹} از فلوربر^{۲۹۰} ، و داستان

271- Le Procureur de Judee.

273- Geoges Jeanniot.

275- Misanthrope.

277- Les Liaisons Dangereuses.

279- Theophile Steinlen.

281- Chansons de Bruant.

283- Jean Richepin.

285- Bonnat.

287- les Noces Corinthiennes.

289- Bouvard et Pecuchet.

272- Quatre Fils d'Aymon.

274- Benjamin Constant.

276- Les Paysans.

278- Choderlos de Laclos.

280- Gil Blas.

282- La Chanson des Gueux.

284- Crainquebille.

286- La Rotisserie de La Reine Pedauque.

288- Eugenie Grandet.

290- Flaubert.

رئیس دیرکاسترو^{۲۹۱} اثر استاندال^{۲۹۲}، و داستان سافو از دوده^{۲۹۳} را تصویر سازی کرده است و نیز از جمله این هنرمندان ژرژ روشگروس^{۲۹۴} بود که از مهمترین کارهایش نقاشیهای داستان بورگراوها^{۲۹۵} اثر ویکتور هوگو و داستان ارودیاس و سالامبو^{۲۹۶} اثر گوستاو فلوبر است. همچنین نقاشیهای اخیرش برای اودیسه^{۲۹۷} اثر هومر ترجمه لوکنت دو لیل^{۲۹۸} است، که کاری بزرگ بود و در انجام آن حدود چهار سال وقت صرف کرد. چنین به نظر می رسد که در این کتاب نتایج کارهای هنری خود را ثبت کرده است. آکبر رویدا^{۲۹۹} هنرمند دیگری است که کتابهای شکسپیر و رابله را با نقاشیهای، مصور کرد که در ذکاوت و روح، بلکه از جنبه فکاهی ممتاز بود؛ همچنین نقاشیهای او برای کتاب فرانسه قدیم^{۳۰۰} که منتشر را نیز خود نوشت، و نیز نقاشیهای کتاب قرن بیستم^{۳۰۱} از کارهای بزرگ او می باشد. موریس لولوار که شاگرد دوستش الکساندر لویی لولوار^{۳۰۲} نقاش و تصویر گری کاملاً نابغه بود، از میان نقاشیهایش که با ذوقی کاملاً دقیق و توجهی تمام انجام داده، نقاشیهای کتابهای ذیل است: روبنسون کروزوئه اثر دانیل دوفو و مانون لسکو از اسقف پروو^{۳۰۳}، پل و ویرژینی^{۳۰۴} زبرناردن دو سن پیر^{۳۰۵} سه تفنگدار^{۳۰۶} و خانم دومونسور و^{۳۰۷} از الکساندر دوما. هکتور جاکومیلی نیز از هنرمندانی است که تصویر گر و حکاک و نقاش بود. این هنرمند از پدر و مادری خارجی متولد شد و بخاطر نقاشیهای متعددش از پرندگان، معروف شد. از جمله آن ها نقاشی دو کتاب پرنده و کتاب حشره اثر میشل بود. و دو کتاب دیگر: پرندگان ما^{۳۰۸} از اندره توری^{۳۰۹} و توکای سفید^{۳۱۰} اثر الفرد دو موسه^{۳۱۱} می باشد. همچنین لازم است نقش بزرگی را که هنرمند بزرگ اوگوست لورپر ایفا

291- Abbesse de Castro.

292- Standahl.

293- Daudet.

294- Georges Rochegrosse.

295- Les Burgraves.

296- Herodias, Salammbô.

297- L' Odyssee.

298- Le Conte de Lisle.

299- Albert Robida.

300- La Vieille France.

301- Le Vignetieme Siecle.

302- Alexandre Louis Leloir.

303- Prevost.

304- Paul et Virginie.

305- Bernardin de Saint Pierre.

306- Les Trois Mousquetaires.

307- La Dame de Monsoreau.

308- Nos Oiseaux.

309- Andre Theuriet.

310- Merle Blanc.

311- Alfred de Musset.

می کرد به یاد داشته باشیم که هانری برالدی^{۳۱۲} در تجدید کننده کاری بر چوب در پایان قرن نوزدهم از اوالهام گرفت . کتابهای بسیاری که در این زمان مصوّر سازی کرده از قبیل : کتاب مناظر پاریس^{۳۱۳} از گردو^{۳۱۴} و کتاب سگ آبی و سن سورن^{۳۱۵} از اویس مانس^{۳۱۶} کتاب ستایش جنون^{۳۱۷} از ارازم^{۳۱۸} ، نمونه هایی از این نوع به شمار می رود . این کارها تاثیر چشمگیری بر نقاشان آن عصر داشت .

چاپ سنگی

همچنین ولار^{۳۱۹} ناشر به خاطر کتابهای زیبایی که چاپ کرد و جایگاه مهمی به دست آورد ، از میان نقاشان این کتابها باید از نقاشیهای هوشمندانه و زیبا که توسط هنرمندی والامقام مانند پیر بونار^{۳۲۰} بر روی سنگ ترسیم می شد نام برد . از بهترین کارهای چاپی ولار کتاب دافنیس و کلوه^{۳۲۱} در سال ۱۹۰۲ و دیگری کتاب به طور موازی^{۳۲۲} اثر ورلن می باشد . چاپ سنگی از آن زمان ادامه یافت و دوران مهم و معینی را در تصویر سازی سپری کرد . کننده کاری بوسیله تیزآب نیز همین وضع را داشت ، و بویژه فلیسین روپس^{۳۲۳} بلژیکی در یک سری نقاشیهای کوچک و نقاشیهای لوحه آغازین کتاب که گاهی شامل عکسهای پلیسی می شد از این روش استفاده کرد روشی که در عین حال اهمیت هنری اش را پیوسته حفظ کرده است . سپس حدود سال ۱۹۱۰ چاپهای فرانسوا برنوار^{۳۲۴} چاپخانه دار زیرک و ژرف نگر که رنگها را با ذوق خود به کار می برد پدید آمد .

نشان مالکیت

در میدان گسترده کتاب ، بخشی دیگر نیز از رونق این صنعت هنری بهره برد که همان نشانه های مالکیت بود . به این ترتیب که کیفیت هنر نشانه های مالکیت طی

312- Henri Beraldi.

314- Goudeau.

316- Huysmans.

319- Vollard.

322- Parallelement.

313- Paysages Parisiens.

315- La Bievre et Saint Severin.

317- L'Eloge de La Folie.

320- Pierre Bonnard.

323- Felicien Rops.

318- Erasme.

321- Daphnis et Chloe.

324- François Bernouard.

آشفته‌گیهایی که در پی روزهای انقلاب روی دادتنزل کرد . این امر پس از نظام زیبایی بود که پیش از این بر کتابخانه های فرانسوی حاکم شده بود . علاقه به نشانه های مالکیت که بروشی هنری ساخته می شد ، فقط از سال ۱۸۶۰ تا حدود سال ۱۸۷۰ ، بازگشت و آن هم در میان برخی گروههای محدود از دوستداران کتاب دیده می شد اما نشان مالکیت فقط در قرن حاضر هم در فرانسه و هم در کشورهای دیگر رواج و گسترش یافت ، وبدون شک این گرایش در روزگار ما مانند قرن هیجدهم معمول شده است .

لکن برخلاف رسم این عصر - که مجموعه داران چون طبیعتاً بیشتر از طبقه اشراف بودند از اشکال رنوکی استفاده می کردند - می بینیم اشکال رنوکی به کار رفته در نشانه های مالکیت جز در دوره کوتاهی پایدار نماند و در این نشانه ها نقاشیهای گوناگون و متنوعی را می بینیم ، مثلاً منظره های داخلی کتابخانه ها ، و منظره های طبیعی ، و عکسهای شخصیت‌های کتابدوست و غیره ، جز این که در فرانسه ویژگی این هنر ، بی شک ، شکلی رمزی داشت که به شعار صاحب کتاب ، و نام ، و مرکز ، یا برخی ویژگیهای شهری که صاحب کتاب مقیم آنجا بود ، یا شهری که در آن جا رشد کرده بود مربوط می شد . از نمونه های ممتاز این نوع نشان مالکیت ، نشان ویژه ادوارمانه ۳۲۵ نقاش ، و نشان فلکس براکمون ۳۲۶ است که خدای هرمس ۳۲۷ را نشان می دهد ، و بالای نقش این الهه کلمه مانه و زیر آن جمله همیشه زنده باد ۳۲۸ را می خوانیم ، که بازی زیرکانه ای با نام مانه است .

در آن زمان نمونه دیگری از نشان مالکیت کتاب وجود داشت که ویکتور هوگو از آن استفاده می کرد و در آن آگلوس بوون ۳۲۹ هنرمند ، قسمت کناری کاتدرال نوتردام دوپاری را که پراز تأثیر هنری و تزئینی است نقاشی کرده است ؛ و برخلاف بسیاری از نشانه های مالکیت کتاب انگلیسی و آلمانی ، به طور کلی می بینیم نشانه های مالکیت فرانسوی دارای حجمی کوچک است . این تأثیر به هانری برالدی مؤسس جمعیت دوستداران کتاب در پاریس باز می گردد که گفته بود : « ارزش و منزلت عاشق کتاب ، با

325- Edouard Manet.

328- Et manebit.

326- Felix Bracquemont.

329- Aglaus Bouvenne.

327- Hermes.

حجم نشان مالکیت کتابهایش تناسب معکوس دارد . ۳۳۰

صنعت چاپ

در قرن بیستم در فرانسه مانند آلمان ، فعالیت زیادی در ساخت حروف تزئینی جدید صورت گرفت . از میان پیشگامان این میدان ، لازم است از ب. ج. پینو^{۳۳۰} ریخته گر ویژه حروف وپسرش نام ببریم ، بسیاری از این حروف جدید به روش حروف دورانه‌ای گذشته طرح ریزی شده بودند . هرچند برخی تغییرات گوناگون در آن انجام می شد ، به عنوان مثال این گونه تغییرات را در نوع زیبایی که منسوب به کوشن است می توان دید که در خارج فرانسه نیز - بویژه در شهرهای سوئد - بطور فراوان مورد استفاده واقع شد و همچنین نوع حروف منسوب به گارامون که قبلاً از آن صحبت شد می بینیم . در آن جا حروف جدید دیگری وجود داشت که تقریباً یا تماماً با نمونه های گذشته فرق داشت ؛ و بطور خاص همان نوع حروف مشهوری بود که اوژن گراسه^{۳۳۱} ترسیم کرده بود ، یا امثال آن از انواع بسیاری که ادولف ژیرالدون^{۳۳۲} برای مؤسسه دبرنی^{۳۳۳} ساخته بود .

مصور سازی کنونی فرانسه

در حال حاضر موفقیت نویسندگان هنری فرانسه ، بطور خاص ، به تولید صفحاتی با روش جدید و بهتری باز می گردد که از تمامی امکانات تزئینی برای صفحات برخوردار است . ژوزف همار^{۳۳۴} با مصور سازی رنگی کتابهایش و استفاده از روش کاملاً تازه ، معروف به روش الگوزدن (استنسل)^{۳۳۵} این مطلب را به اثبات رسانیده است .

استفاده از رنگها ، منحصر به ابتکارات فکاهی همار نیست . چون در فرانسه

330- B. G. Peignot & Fils.

331- Eugene Grasset.

332- Adolphe Giraldon.

333- Deberny.

334- Joseph Hemard.

۳۳۵- Stencil ، با صفحه ای منقوش با حروف یا اشکال چیزی را نقش کردن .

هنرمندان بسیاری بودند که نقاشیها و عکسهایشان را با تیز آب کنده کاری کرده بودند . بلکه می توان گفت از این بالاتر ، روش رنگ آمیزی مذکور از امتیازات هنر کتاب آرایی جدید فرانسوی به حساب می آمده است . ویژگی دیگری که این هنر در فرانسه داشت ، چنان که گفتیم استفاده رایج از روشهای اصلی است که در چاپ عکسها معمول بود ، از قبیل حکاکی با تیز آب و چاپ سنگی و حکاکی روی چوب .

در پایان لازم است به کثرت تولید کتابهای عالی و کثرت شمار هنرمندانی که نامشان در چاپهای هنری آمده است اشاره شود . انتشار فراوان کتابهای هنری در سالهای اخیر ، منجر به تعیین تخصص هر هنرمند در هر ناحیه ای شد . در نتیجه طبعاً به حدی رسید که نظیر آن را جز در دوران طلایی کتاب در قرن هیجدهم ، نمی بینیم . بعداً دو هنرمند بزرگ هرمان پُل ۳۳۶ و کارلگل ۳۳۷ شهرتی به دست آوردند و توانایی آنان در نخستین آثارشان پدیدار گشت . تلاش آن دو - برای هماهنگی بین عکسهای کنده کاری شده بر چوب و متن - امتیاز و اهمیت فراوانی یافت . این دو هنرمند را می توان از نخستین پیشگامان هنر کتاب آرایی در دوران بعد از جنگ به شمار آورد ، ایشان ، چنین موقعیتی را با همکاری لئون پیشون ۳۳۸ به دست آوردند ، کسی که عکسهای آنان را منتشر می ساخت ، و شخصاً حكاك و چاپچی بود . اگر به ترتیب زمانی بررسی کنیم ، در آن چاپهای الگوهای کتاب هنری فرانسوی تقریباً از سال ۱۹۱۶ گرایشی به چشم می خورد پس از این که پیشون نخست بعنوان حكاك زینتهای نمایشی شهرت یافت ، از قبیل نقاشی زینتهای پایان فصلها ۳۳۹ همچنین نقاشیهای وینیت که کتابهایش را به آن تزئین کرد ، می بینیم کم کم از تزئین مستمر باز می ایستد ، به این منظور که فقط یک چاپچی باشد و بتواند از تأثیرات تزئینی بسیاری رهایی یابد . او بویژه ملزم شد که از اختلاف هنری ، روشی که بین رنگ سیاه و سفید است استفاده کند . بیشتر کتابهای معروفش از این قرار است : *سرود زندان ریدینگ* ۳۴۰ اثر اسکار وایلد که دارانیس ۳۴۱ نقاشیهای آنرا روی چوب کنده کاری کرده بود ، همچنین *داستان عشقهای روستایی دافنیس*

336- Hermann Paul.

337- Carlegle.

338- Leon Pichon.

339- Culs-de-lampe.

340- La ballade de geole de Reading.

341- Dargnes.

وکلوه^{۳۴۲} اثر لونگوس^{۳۴۳} که کارلژ نقاشیهایش را بر چوب حکاکی کرده ، وداستان **گارگانتوا**^{۳۴۴} اثر رابله و کتابهای فرانسوا ویلون^{۳۴۵} که نقاشیهای اصلی آن را هرمان پُل روی چوب ترسیم کرده بود . همچنین لازم است از میان تصویرگران جدید کتاب فرانسوی که بی شمارند ، چند تن را نام ببریم از قبیل : مِهو^{۳۴۶} ، ژرژ روو^{۳۴۷} ، لویی ژو^{۳۴۸} ، دینی مون^{۳۴۹} ، هرمین داوید^{۳۵۰} ، دو نوآیه دو سگون زاک^{۳۵۱} ، شاس لاپورد^{۳۵۲} ، لاپورور^{۳۵۳} ، ج. بوف^{۳۵۴} ، راثول دوفی^{۳۵۵} ، پیر فالکه^{۳۵۶} ، پیر لاپراد^{۳۵۷} ، امیل برنار ، لوک آکبر مورو^{۳۵۸} ، جان مارشان^{۳۵۹} ، ا. روبیل ، آلفرد لاتور^{۳۶۰} ، روبر بونفیس^{۳۶۱} ، ولامنک^{۳۶۲} ، سریا^{۳۶۳} ، پاسن^{۳۶۴} ، بارتولدمان^{۳۶۵} ، سیلون^{۳۶۶} ، سوواژ^{۳۶۷} ، فرنان سیمثون^{۳۶۸} ، رافائل دروآر^{۳۶۹} ، و ورلس^{۳۷۰} ، مجارستانی به البر دوکاریس^{۳۷۱} ادی لوگران^{۳۷۲} از لحاظ سن از همه آنان کوچکتر بودند .

هریک از این هنرمندان و دیگرانی که به علت کثرتشان نتوانستیم نام ببریم ، در حوزه تخصصشان توانستند روح کتاب و پیام آن را که این هنرمندان تمامی نبوغشان را وقف ایجاد آن کرده بودند به تصویر بکشند . بیشتر آنان خود را ملزم کرده بودند که زندگی واقعی معاصر را با جلوه های مختلفش در جوامع متوسط نشان بدهند . از آن جمله کار دو هنرمند هرمین داوید و لاپورور است که نمونه شخصی اسراف کار را در شهری جدید و بزرگ نشان می دهد ، گرچه هرمین داوید با سبک شخصی و روشن خود ، از بهترین نمایندگان حرکت رومانتیکی جدید معاصر است . مهمترین ابتکاراتش

342- Les Amours Pastorales de Daphnis et Chloe.

343- Longus.

346- Mehaut.

349-Dignimont.

352- Chase Laborde.

355- Raoul Dufy.

358- Luc Albert Moreau.

361- Robert Bonfils.

364- Pascin.

367- Sauvage.

370- Verles

344- Gargantua.

347- Georges Rouault.

350- Hermine David.

353- Laboureur.

356- Pierre Falke.

359- Jean Marchand.

362- Vlaminck.

365- Bartold Mahn.

368- Fernand Simeon.

371- Albert Decaris.

345- Francois Villon.

348- Louis Jou.

351- Dunoyer de Segonzac.

354- G. Bofa.

357- Pierre Laprade.

360- Alfred Latour.

363- Ceria.

366- Sylvain.

369- Raphael Drouart.

372- Eddy Legrand.

تصویر سازی کتاب **لوگران مولن** ۳۷۳ اثر آلن فورنیه ۳۷۴ و کتاب **زیبا** ۳۷۵ اثر ژان زیرودو ۳۷۶ است . اما لابرور که هنرمندی خیال پرداز بود و به حکاکی به روش نقطه خشک ۳۷۷ اشتغال داشت نقاشیهای گوناگونی داشت که هریک بادیگری فرق داشت ؛ گرچه باهمه این ها نوعاً از روش مبالغه آمیزتهی نبود ، بهترین نقاشیهایش را در کتاب لحظه های سکوت کلنل برامبل اثر مروا ۳۷۸ و داستان گردش با جبرئیل ۳۷۹ اثر ژان ژیرودو و داستان **رویای یک زن** ۳۸۰ اثر رمی دو گورمون ۳۸۱ می بینیم و نیز دونوایه دو سگون زاک نخست به خاطر نقاشیهای ممتازش از جنگ شهرتی به دست آورد و نبوغ وی در داستان **صلیب های جنگل** ۳۸۲ و **داستان کاباره زن زیبا** ۳۸۳ یا **داستان مهره گوی** ۳۸۴ اثر در ژلس ۳۸۵ سال ۱۹۲۰ آشکار شد به شکلی که در نقاشی و تصویر سازی او را بابرخی از نقاشان جدید در شمار بزرگترین هنرمندان هنر کلاسیکی اصیل قرار می دهد . و شاس لابرورد نیز از جمله هنرمندانی است که در ترسیم دختران هوسباز و کولیا و زندگی در خیابانها متبحر بود . همچنین دنیمون ۳۸۶ که پس از تصویر سازی داستان **کلنل شابر** ۳۸۷ اثر بالزاک در سال ۱۹۲۴ ، در تصویر سازی احیای پاریس مخروبه و شهرهای بزرگ تخصصی یافت . همچنین مثلاً در نقاشیهای داستان **مزون تلیه** ۳۸۸ و **داستان بندر** ۳۸۹ اثر گی دو موباسان ۳۹۰ و **داستان بیگناهان** ۳۹۱ اثر فرانسیس کارکو ۳۹۲ مهارت خود را نشان داده است .

همچنین لازم است به طور جداگانه اسامی تصویرگران و نقاشان و حکاکانی را که چاپخانه دار شدند ذکر کنیم . نخستین آنان هنرمند اشمیت ۳۹۳ است که صفحاتی را در

373- Le Grand Meaulnes.

374- Alain Fournier.

375- Bella.

376- Jean Giraudoux.

۳۷۷ - pointe-seche ، حکاکی ریز و بسیار ظریف که ابتدا روی ورق مس بدون کاربرد اسید انجام و سپس به صفحه کتاب منتقل میشود .

378- Maurois.

379- La Promenade avec Gabrielle.

380- Le Songe d, une Femme.

381- Remy de Gourmont.

382- Les Croix de bois.

383- Le Cabaret de la Belle Femme.

384- La Boule de Guy.

385- Dorgeles.

386- Dignimont.

387- Colonel Chabert.

388- Maison Tellier.

389- Le Port.

390- Guy de Maupassant.

391- Les Innocents.

392- Francis Carco.

393- Schmidt.

کمال زیبایی تصویرسازی و چاپ و حکاکی کرد . همچنین ژاک بالتران^{۳۹۴} ، لویی ژو ، دارانس^{۳۹۵} ، دسلی نر^{۳۹۶} از جمله آن هنرمندان می باشند . کتابدوستی معاصر ، مدیون این پنج هنرمند است . زیرا کتابهای بسیار جالبی منتشر کرده اند .

ما نوعی خاص کتاب هنری جدید معاصر را می بینیم که از تقدیر بسیاری برخوردار است . داستان تاییس^{۳۹۷} اثر آناتول فرانس از این قبیل است لوی ژو آن را برای مؤلف با تعداد بسیاری عکسهای حکاکی شده بر چوب ، تصویر سازی کرده که بطور رنگی چاپ شده است . همچنین لویی ژو کتابهای بسیار دیگری بویژه کتاب انجیل متی^{۳۹۸} و داستان عشق اثر ا . سوآرس^{۳۹۹} و کتاب قطعاتی شعر برای هلن^{۴۰۰} اثر پ . رونسار و یکی از داستانهای بوکاچیو و داستان پسی شه (آینه)^{۴۰۱} اثر لافونتن را نقاشی کرده است . مجموعه کارهای این هنرمندان ، اندیشه ای دقیق از هنر کتاب آرایی فرانسوی را در حال حاضر به ما می دهد .

پیدا است که رونق هر یک از کتابهای هنری ، یا کتاب های عالی ، و شبه عالی ، بعد از جنگ تا حد زیادی به نبوغ هنرمندان باز می گردد . گرچه ظالمانه است ناشران را نیز که از جنبه های گوناگون کمکشان کرده اند ، با آنان سهیم ندانیم . برخی از این ناشران عبارتند از : بلزو^{۴۰۲} ، کامیل بلوک^{۴۰۳} ، کارتره^{۴۰۴} ، ژرژ کرس^{۴۰۵} ، شامپیون^{۴۰۶} ، دوامبز^{۴۰۷} ، امیل پل^{۴۰۸} ، گراسه ، هاسان^{۴۰۹} ، هلو^{۴۱۰} ، سرجان ، بلون ، لئون پیشون^{۴۱۱} ، کیفیر^{۴۱۲} ، مورنی^{۴۱۳} ، ری^{۴۱۴} ، لاروزره^{۴۱۵} ، لاباندرو^{۴۱۶} و دیگران ، همچنین تمامی چاپخانه داران عصر پلتن که قبلاً نام بردیم و کسانی که هنوز زنده اند .

394- Jacques Baltrand.

397- Thais.

399- A. Suares.

401- Psyche.

402- Blaizot

405- Georges Cres.

408- Emile Paul.

411- Leon Pichon.

414- Rey.

395- Daragnes.

398- L'Evangile selon Saint-Mathieu.

400- Sonnets pour Helene, P.Ronsard.

403- Camille Bloch.

406- Champion.

409- Hasan.

412- Kieffer.

415- La Roseaie.

396- Desligneres.

404- Carteret.

407- Devambez.

410- Helleu.

413- Mornay.

416- La Banderole.

هنر تجلید

اما در زمینه تجلید ، اساتید فرانسوی روزگار ما جلد سازی به سبک کاشی ، و جلد حکاکی شده را ادامه می دهند . غالباً در یک تجلید ، بسیاری رنگها و جلدها با ذوقی موفق و نیز نقاشی برجسته به کار گرفته شده که تأثیری کاملاً موفقیت آمیز داشته است .

اما اصول تزئین ، پس از دوران « تجلید گویا »^{۴۱۷} پایان نیافت ، و در کنارش اشکال تزئینی بی شمار و کاملاً متنوع وجود داشت ، نخست اشکال طبیعی صرف ، از قبیل برگ درخت ، یا گل بود که ماریوس میشل^{۴۱۸} در نهایت جذابیت رسم می کرد . یا اشکال دریایی ، که توسط روبر بونفیس ترسیم و تزئین آن شامل دو طرف جلد می شد . زینتهای هندسی صرف ، مانند زینتهای پیر لوگرن^{۴۱۹} به شکل ، سکون و اعتدال بسیاری می بخشید . می توان لئون گروئل^{۴۲۰} را نیز که در تجلیدات قدیمی امتیاز خبرگی را داشت ، در ردیف اول جلدسازان هنرمند قرار داد .

کتاب آرایی در دیگر کشورهای اروپایی

در تمامی اروپا تجدید نظری همه جانبه در هنر کتاب آرایی پدید آمد ؛ حتی دولتهایی را که تازه تاسیس شده بودند ، از قبیل چک اسلواکی فراگرفت ، اما در هلند و بلژیک و ایتالیا و اسپانیا و اتریش و مجارستان ، می بینیم هر کشور برای اثر هنری سبک ویژه خود را دارد ، بویژه آنچه به تصویر سازی تعلق دارد . در روسیه پیش از انقلاب تجارت کتاب تحت تأثیر نفوذ انگلیس و فرانسه بود و هنرمندان روسی از جمله باکست^{۴۲۱} که در تصویرگری یکی از چهره های برجسته بود ، به جایگاه بلندی از مهارت رسیده بودند .

و در سالهای بعد نیز این کشور در زمینه کتاب آرایی پیشرفت بیشتری کرد ، بطوری که هیچ دولت اروپائی از لحاظ اهمیت دادن به کنده کاری روی چوب ، به عنوان یک وسیله برای نقاشی به پایه روسیه نرسید . این نوع کنده کاری فرصتی برای فعالیت

417- Reliure Parlante.

420- Leon Gruel.

418- Marius Michel.

421- Baxt.

419- Pierre Legrain.

در زمینه کتابهای کودکان فراهم آورد . کتابهایی که پاره ای از بزرگترین اساتید هنر نقاشی جدید روسیه آنها را با اشکال زیبا و جالب تزین کرده اند ، جز تعداد کمی از آنها ، در غرب بقیه ناشناخته مانده اند .

نمایشگاههای دولتی کتابهای مصور

بسیاری از ملتها از زمان نمایشگاه هنرهای تزینی که با ویژگیهای گوناگون در سال ۱۹۲۵ در پاریس تشکیل شد ، صفحات چاپ شده و تجلیداتی را که نشانگر تولیداتشان بود پدید آوردند . اما چون برای دوستداران کتاب ، بررسی و مقایسه نمایشگاهها و بازدید از چندین مجموعه کاری مشکل بود ، بیشتر آنان از این بابت اظهار تأسف می کردند ، در نتیجه چنین تصمیم گرفته شد که بسیاری از کتابهای بین المللی که طی بیست سال گذشته انتشار یافته در یک محل گردآوری شود .

دست اندرکاران صنعت کتاب در آلمان از سال ۱۹۷۲ به ریاست م . هوگو استاینر^{۴۲۲} پراگ به این خواسته پاسخ دادند . ایشان همکاران خارجی خود را دعوت کردند که همزمان با تقدیم برگزیده ای از کارهایشان از لحاظ خط و چاپ و تصویر و تجلید به موزه هنرهای زیبا در نمایشگاه لایپزیک شرکت کنند .

فرانسویهای دعوت شده ، خواستار تکرار تشکیل چنین نمایشگاه مهم هر سه سال یک بار در یکی از پایتختهای کشورهای اروپایی شدند . هدفشان امکان نمایش بهترین تولیدات هر کشور در چهار چوب ویژگیهای میهنی خود بود . انجمن کتاب هنری فرانسه که ریاست آن با موریس دنیس^{۴۲۳} بود ، در سال ۱۹۳۱ توانست بیست کشور را همانند فرانسه بپذیرد و بهترین تولیداتشان را در شاخه های مختلف صنعت کتاب جلب کند .

این نمایشگاههای دولتی کتاب هنری ، از زیباترین نمایشگاههای اندیشه و سبکهای هنری به شمار می رود ، که به بسیاری از ملتها امکان می دهد تمدن و فرهنگشان را به نمایش بگذارند تا از میان آنها آثار ممتاز برگزیده شود .

422- Hugo Steiner-Prag.

423- Maurice Denis.

تطور کتابخانه ها

تفکر جدید از کتابخانه - مطالب فرهنگی جدید

دربرسی علل واقعی تحول بزرگی که طی صد ساله اخیر در زمینه تولیدات ادبی حاصل شده ، نخستین علت را می توان گسترش تحقیقات علمی و تخصص روز افزون و پیوسته ای دانست که منجر به نتایجی از قبیل پیدایش مجموعه ای از مجلات علمی شده است ، سپس پیشرفت دموکراسی ، است که بین تمامی طبقات ملت گرایش جدید و شورانگیزی به کتابخوانی و آموزش به وجود آورده است . این پدیده بویژه در دولتهای بزرگ اروپائی ودر ایالات متحده آشکار شده است . تمامی جنبه های این پیشرفت ، پایه ای برای رونق روز افزون کتابخانه ها به حساب می آید .

غنای کتابخانه ها

این رونق تنها در پیشرفت تعداد کتابها نبود و انقلاب در غنی ساختن کتابخانه های پاریس از حیث تعداد کتابها ، سهم بزرگی داشت . مخازن کتب ادبی^{۴۲۴} کتابخانه ملی در عهد مدیر هوشیار و کتابشناسش فان پرات^{۴۲۵} پر از کتاب شد . در پی سالهای دراز از کارهای گذشته ، فهرست ورده بندی این کتابها جز در ربع آخر قرن نوزدهم امکان پذیر نشد . توفیق در این کار بویژه به لئوپولد دولیل^{۴۲۶} مدیر این کتابخانه باز می گردد .

پانیتسی و کتابخانه فعال

پیشرفت کتابخانه ملی و دیگر کتابخانه ها به اندازه ای که در ایجاد روحیه ای جدید و احیای نشاط داخلی و خارجی در حدود نیمه قرن مؤثر بود ، درافزایش تعداد کتاب تأثیر نداشت ورفته رفته فکری جدید پدید آمد که کتابخانه به عنوان سازمانی از سازمانهای دولتی ، باید دارای قیود و تعهداتی باشد . از پیشگامان اولیه این روش ، یکی

از مدیران هوشیار موزه بریتانیا ، شخصی ایتالیایی به نام آنتونی پانیتسی^{۴۲۷} است . او در برنامه ای که برای این کتابخانه تنظیم کرد ، چنین مقرر کرد که رسالت کتابخانه تنها در خرید کتاب و موزه ساختن آن نیست ، بلکه هدف ایجاد مرکزی زنده ، به منظور گسترش فرهنگ عمومی است ، در این جا ما خود را در پیشگاه تفکر امروزی در مورد کتابخانه ها می بینیم و آن پیش از هر چیز ، استفاده عملی از کتابخانه است و این که کتابها باید صرفاً برای هدف علمی ، یا به معنای گسترده تر ، به عنوان وسیله ای برای گسترش فرهنگ مورد استفاده واقع شوند .

تنظیم کتابخانه جدید - کارهای پانیتسی

این نوع بینش ، تجدید نظر در تمامی زمینه ها ، تنظیم مؤسسه وزنده نگه داشتن آن ، آماده سازی ساختمانها ، ایجاد فهرستها ، خرید کتاب و غیره را می طلبد . از مهمترین کارهای پانیتسی انتشار فهرستی برای کتابخانه موزه بریتانیا به کمک ریچارد گارنت^{۴۲۸} بود . این کاری الزامی و از وظایف کتابخانه به شمار می رفت که در نتیجه آن فهرستی در صد جلد و در قطع نصف تهیه شد .

نظیر این کار مهم و ضروری در سال ۱۸۹۷ در پاریس نیز صورت گرفت ، و فهرست کتابهای چاپی کتابخانه ملی انتشار یافت . این فهرست بیش از صد جلد در قطع $\frac{1}{8}$ بود ، ولی تاکنون ناتمام مانده است .

همچنین از آثار بزرگ پانیتسی ایجاد سالن جدید برای مطالعه در موزه بریتانیاست که شامل صدها جایگاه مخصوص مطالعه است او کتابخانه مرجع مهمی نیز تأسیس کرد و در اطراف کتابخانه چندین مخزن ایجاد کرد . او در طرح و نقشه مخزنها حد اکثر استفاده از فضا را در نظر گرفت ، به طوری که هم اکنون مراجعان به سهولت به کتابها دسترسی دارند .

این مخزنها قفسه های متحرک کوتاه دارند ، به طوری که بدون استفاده از نردبان دسترسی به بالای آن ممکن است . مخزنها بین سالهای ۱۸۵۴ تا ۱۸۵۷ ساخته شده اند و حاکی از نظام سالنهایی است که همچنان تاکنون مورد استفاده واقع می شوند . چیزی نگذشت

که این مخزن‌ها الگوی کتابخانه‌های جدید شد و آنها از این روش تقلید کردند .
پیشرفت ادبی بزرگی که در طی عصر اخیر روی داد نیز کم کم سازمان کتابخانه‌ها را به اهمیت دادن به مشکل فضای کتابخانه واقف کرد . پس از تثبیت نظام مخزن‌ها ، هدفی که در پی آن بودند افزایش فضای کتابخانه باروشی کاملاً دقیق بود ، و از روش معمول در گذشته که در ایجاد این مخزن‌ها حداقل یک متر ونیم برای مسافت و مرور بین قفسه‌ها در نظر گرفته شده بود پی در پی به ممرهایی که تنگ تر بود ، تغییر شکل می داد ، تا این که اخیراً به پهنایی تقریباً به اندازه ۹۰ سانتیمتر رسیده است .
این جا تفاوت بسیار بین مخازن کتب جدید که تعداد زیادی کتاب را در فضایی که با مهارت و اقتصاد مورد بهره برداری قرار گرفته جای داده است و فضای به هدر رفته سالن‌های قدیم برایمان آشکار می شود . کتابخانه‌های جدید آن زیبایی هنری کتابخانه‌های قدیم را ندارند ، جز این که - برعکس - مظهری از مظاهر اولیه را که اصالت کار در آن ملحوظ است و امروزه در فن معماری شاهد آن هستیم نشان می دهند .

توسعه کتابخانه ملی پاریس

دیری نگذشت که اندیشه پانیتسی منبع الهام سایر کشورها از جمله فرانسه قرار گرفت و در سال ۱۸۶۰ گسترش کتابخانه ملی پاریس آغاز و در سال ۱۸۶۸ سالن مطالعه جدید و باشکوهی در این کتابخانه افتتاح شد . این سالن را مهندس بزرگ هانری لایروست^{۴۲۹} که در آن وقت از ساختمان کتابخانه سنت ژنوی یو^{۴۳۰} فارغ شده بود طرح ریزی کرد . این سالن باستون‌های آهنی زیبا و نه گنبدی ، نمایی باشکوه و ممتاز داشت ، و نسبت به عصر خود بنایی بادوام و محکم ، با طرحی کاملاً جدید محسوب می شد .

کتابخانه‌های آلمان

کتابخانه دانشگاه گوتینگن^{۴۳۱} در آلمان دوران درازی ، الگویی برای تقلید بود . زیرا پیش از پایان قرن موفق شده بود انتظارات مردم را از یک کتابخانه جدید برآورده کند

قرن نوزدهم و بیستم / ۳۹۷

و نیز با مدیریت شارل دزیا تزکوس^{۴۳۲} از سال ۱۸۸۰ تا سال ۱۸۹۰ جایگاه خود را حفظ کرد. این جاوآن جا آیین نامه ها و مقررات جدیدی پیدا شد، گرچه بسیاری از این کتابخانه ها همچنان متأثر از سیستم دورانهای گذشته بودند.

تأثیر آلتهوف^{۴۳۳}

تغییر کنونی، پس از سال ۱۸۷۰ آغاز شد، هنگامی که حکومت‌های ولایتی در روسیه به مدیریت فراکتیو و وظایفشان را در قبال کتابخانه ها روشن کردند، از قبیل بالا بردن اعتبار و ایجاد پست مدیریت کتابخانه و برنامه های آموزشی ویژه کتابخانه. از میان طرحهایی که آلتهوف به آن اهمیت می داد و نیز لازم است ذکر کنیم، ایجاد فهرست عمومی مهمی برای کتابخانه های ایالت پروس بود، که نقشه های اصلی آن توسط کتابداران جدید ترسیم شده است این کتابخانه بیش از یک و نیم میلیون کتاب دارد و در سال ۱۹۳۱ برای انبوه کتابهای موجود فهرست تهیه کرد.

در آلمان نظام مخزنهای کتاب را برای نخستین بار پانیتسی برای استحکام مبانی جدید کتابخانه دانشگاه هال^{۴۳۴} بین سالهای ۱۸۷۸-۱۸۸۰ وضع کرد و در آن زمان اوتو هارت ویگ^{۴۳۵} با فعالیت چشمگیری اداره آن جا را به عهده داشت. سپس تنظیم کتابخانه های ولایات آلمان و دانشگاهها تدریجاً در سراسر آلمان دوباره شروع شد، بدون این که مانند فرانسه پس از انقلاب یا مانند ایتالیا در سالهای اخیر در آن جا مرکزیتی قوی به وجود آید.

کتابخانه های ملی در کشورهای انگلیسی ساکسونی

در این کشورها نفوذ آلمان رادزمینه ای خاص که عرصه کتابخانه های ملی باشد حاکم نمی بینیم زیرا تقریباً نفوذ آن جز در شهرهایی که فقط به انگلیسی تکلم می کنند به چشم نمی خورد و پیشرفت این کتابخانه ها در این کشورهای انگلیسی ساکسون بیش از پیشرفت کشورهای دیگر بوده است به طوری که از بزرگترین موفقیت‌های تمدن که

432- Charles Dziatzkos.

433- Althoff.

434- Halle.

435- Otto Hartwig.

می توان دانشمند انگلیسی به آن افتخار کند ، شمرده می شود .

دخالت دولت

این تطوّر در انگلستان ، مانند آمریکا در میانه قرن نوزدهم آغاز و قوانینی وضع شد که دولت بتواند مالیاتی مخصوص برای ساختمان کتابخانه های عمومی جمع آوری کند تا به عنوان کمک به پژوهشگران ندهند ، بلکه فقط خواسته های مطالعه کنندگان عادی آن جا را بر آورده سازد . شهر منچستر در انگلستان رهبری این حرکت را بر عهده داشت ، تا این که کتابخانه عمومی این شهر صنعتی بزرگ معروف به کتابخانه عمومی آزاد^{۴۳۶} از مهمترین و فعالترین کتابخانه های انگلستان شد و در امانت دادن کتابهایش که شماره آن تقریباً به سه میلیون جلد می رسید پیشرو شد .

اما در آمریکا مهمترین گامهای نخستین در شهر بوستون^{۴۳۷} آغاز شد . سپس کتابخانه های عمومی در شهرهای آمریکا بیش از اروپا از عوامل تمدن محسوب شد و تا حدی این امر به بخش بزرگی از وظایفی باز می گردد که در اروپا برای مدارس تعیین شده بود و برای کتابخانه های آمریکا هم چنین شد . و نیز این موضوع به اهمیتی اجتماعی که عادتاً آمریکاییها برای کتابخانه ها بویژه در شهرهای بزرگشان قائلند ، باز می گردد .

دوستان و حامیان کتاب در آمریکا

در آمریکا پیوسته مبالغ هنگفتی به کتابخانه ها تخصیص داده شده است ، چنان که در حال حاضر نیز مانند آن مبالغ نه تنها از ناحیه دولت و شهرداریها بلکه به نسبت زیادی نیز از جانب افراد نیکوکار تخصیص می یابد . حامیان کتابخانه ها در دنیای جدید شخصیتهای سرشناسی هستند . در صورتی که در دنیای قدیم چنین افرادی نادر بودند . از جمله آنان در درجه اوّل اندرو کارنگی است^{۴۳۸} که در طی زندگیش بانیکوکاری در موارد لازم نزدیک هزار کتابخانه تاسیس کرد و تنها میلیونها دلار برای کتابخانه های وابسته در نیویورک هدیه کرده است .

آنچه توانایی آمریکا را در اهمیت دادن کامل به کتابخانه های عمومی آشکار می سازد این است که تعداد بسیاری از دوستان کتاب آمریکایی در های کتابخانه اختصاصی خود را برای مطالعه عموم گشودند یا این مجموعه ها را به کتابخانه های عمومی اهداء کردند تا آن جا که در کتابخانه های دانشگاهی بسیاری از مجموعه های اختصاصی بزرگ دیده می شود و نیز کتابخانه هایی را می بینیم که ایجاد آن مدیون کرم افرادی از ثروتمندان است از آن جمله مجموعه ادبی ایسلندی مشهور است که ویلارد فیسک^{۴۳۹} آن را به دانشگاه کُرنل^{۴۴۰} اهداء کرده است ، و در حال حاضر دانشگاه هاروارد کتابخانه ای را که متعلق به ثروتمند آمریکایی هاری الکینز وایدنر^{۴۴۱} بود در اختیار دارد . وی کتابهای دیکنز^{۴۴۲} و بویژه استونسن^{۴۴۳} را جمع آوری کرده بود و در سال ۱۹۱۲ به هنگام بازگشت از لندن در راه آوردن کتابهای زیبایی که از مزایده هوت^{۴۴۴} خریداری کرده بود در حادثه کشتی تیتانیک^{۴۴۵} غرق شد .

همچنین بسیاری از میلیونرهای دیگر آمریکا بویژه پیرپونت مورگان^{۴۴۶} به این امر همت گماشتند ؛ چنانکه وایدنر نسبت به مزایده های علمی اروپایی اهتمام داشت . اینان بواسطه امکانات نامحدودشان توانستند برر قیبیان اروپایی خود در این مزایده ها پیروز شوند و برای کشورشان به تعداد زیادی کتابهای نایاب دست یابند ؛ اعم از نسخه های خطی یا چاپهای اول یا تجدیدات گرانهای تاریخی . از جمله این اقدامات آن کاری است که مردی صنعتکار به نام روبرت هو^{۴۴۷} انجام داد و مجموعه تقریباً کاملی از چاپهای آلدو تهیه کرد که بیشتر آن با سبک گرولیه جلد شده است همچنین می گویند هنری ا. هان تینگ تون^{۴۴۸} مدیر راه آهن طی ده سال کتابهایی را به شش میلیون دلار خرید و هنگام مرگش در سال ۱۹۲۶ بزرگترین مجموعه دار در آمریکا به شمار می رفت .

کتابخانه های بزرگ آمریکا

بزرگترین کتابخانه آمریکا کتابخانه کنگره در واشینگتن است . این کتابخانه که

439- Willard Fiske.

440- Cornell.

441- Harry Elkins Widener.

442- Dickens.

443- Stevenson.

444- Huth.

445- Titanic.

446- Pierpont Morgan.

447- Robert Hoe.

448- Henry E. Huntington.

ابتدا ویژه اعضای پارلمان بود ، گام به گام پیشرفت کرد تا سرانجام کتابخانه ملی ایالات متحده شد و در حال حاضر دارای سه میلیون جلد کتاب است^{۴۴۹} و از بزرگترین کتابخانه های جهان به شمار می رود .

با همه اینها تعداد کتابهایی که به امانت می دهد نمی تواند با کتابهای امانت داده شده کتابخانه عمومی نیویورک رقابت کند . کتابخانه نیویورک بزرگترین ساختمان شهر را در تصرف دارد و علاوه بر تالارها و سالنهایی که برای مطالعه دارد ، بیش از هزار و هفتصد جایگاه و چهل و هشت شعبه و نزدیک چهارصد مخزن برای کتابهای امانت در بخشهای پراکنده و اطراف شهر دارد . رقم کتابهایی که از این مؤسسه بزرگ به امانت داده می شود ، نزدیک به بیست میلیون می رسد . سایر کتابخانه های بزرگ آمریکا نیز چنین وضعی دارند .

تنظیم علمی کتابخانه ها

سهولت کار امانت دادن کتاب با این کثرت ، مشروط به پیشرفت فراوان وسایل فنی بود ، و ترتیب دهندگان کتابخانه به تمامی موارد فنی متوسل شدند و روشی عملی را وضع کردند که در تمامی کشورها مورد استفاده واقع شده و منجر به تهیه نشانی یک پارچه در شکلی دقیق برای کتابخانه های مختلف و تنظیم کتابخانه ها و روش اداره و رده بندی و فهرست نویسی کتابها و ایجاد آن و شرایط کتابهای امانت و گسترش فعالیت کتابخانه ها به جاهای دور شد .

مشهورترین ابداع کنندگان این روشهای فنی ، ملویل دیویی و چارلز ا. کاتر بودند . هم اکنون این روشها در بسیاری از مدارس کتابداری برای آموزش کتابداران تدریس می شود . مع ذلک این روشهای فنی نتوانست کمبود فرهنگ عمومی کتابداران آمریکایی را به طور کامل رفع کند . همچنان که این روشهای فنی نتوانست بر روش تجربی که به طور حتم طبعاً از کار در کتابخانه های بزرگ سر چشمه گرفته بود ، برتری یابد .

۴۴۹- این آمار مربوط به ۵۸ سال قبل است و تعداد کتابهای این کتابخانه در حال حاضر از مرز ۲۶ میلیون جلد گذشته است و با توجه به فیلم ها ، نوارهای ویدئویی ، صفحات ، کارتها ، میکروفیلم ، و غیره تعداد آثار این کتابخانه از مرز ۹۰ میلیون می گذرد- م .

قرن نوزدهم و بیستم / ۴۰۱

بنابراین - به رغم همه اینها - این ابر نشوانست جلو نوری را که بر کتابخانه های آمریکا پرتو افکنده بود بگیرد . علاوه بر این لازم است اشاره کرد که دولتهای بزرگ اروپایی در دورانه های اخیر برای تنظیم ورشد کتابخانه های خود از آمریکا استمداد کرده و بهره برده اند .

رشد تجارت کتاب

اوضاع عمومی انتشارات معاصر

رشد زیاد در زمینه کتابهای چاپی و اهتمامی که لازمه آن است و اساس رونق چشمگیر و سریع کتابخانه های دوران اخیر را تشکیل می دهد ، طبعاً تأثیر زیادی در تجارت کتاب داشته است .

تخصّص

در آن زمان تخصّصی بوجود آمد که گسترش آن تدریجی بود . برای مثال می توان چنین تفسیر کرد : چگونه است که برخی ناشران و کتابفروشان انتشار کتابهای پزشکی را ترجیح می دهند در حالی که دیگران به انتشار کتابهای قانون تمایل دارند و عده ای دیگر به انتشار کتابهای فنی ، و حتی می بینیم بخش بزرگی از مخزنهای بزرگ کتابهای قدیمی نیز تخصّصی است .

این تخصّص به شکلی خاص در آلمان رایج است و غیر از این مورد برخی اختلافات را بین قواعد حاکم در آلمان و دولتهای اسکاندیناوی از یک سو و بین نظایر آن در جهان انگلیس ساکسونی و کشورهای لاتین از سوی دیگر می بینیم .

تنظیم اماکن تجارت کتاب

تجارت کتاب آلمان چنان که یاد کردیم ، تجزیه و کمبود کار مشترک را که مانع پیروزی در ستیز شرافتمندانه با تقلب می شد ، در گذشته و در قرن هیجدهم تحمل کرد .

در تجارت کتاب ، روح همبستگی اجتماعی که تا زمان ظهور مژده وحدت امپراتوری آلمان در سال ۱۸۱۵ ناشناخته مانده بود در میان مردم آلمان بیدار شد و از نتایج آن ایجاد بازار لایزیک در سال ۱۸۲۵ بود .

مع ذلک در آن دوره در زمینه ایجاد قانونی که در برابر تقلب ایستادگی و از حقوق ناشران حمایت کند پیشرفتی حاصل نشد و دوره های نخستین قرن نوزدهم نیز در حالی که پُر از جدالها و تلاشهایی در این زمینه بود سپری شد .

از میان شخصیت‌هایی که مدت زیادی در این فاصله شکل گیری ، فاصله ای که در آن توجهی جدید به حقوق مؤلفان و ناشران شد ، می زیستند ، لازم است از فردریک پرتس^{۴۵۰} نام ببریم که از سوی هموطنانش بسیار مورد تقدیر است ، زیرا او در برابر استیلای ناپلئون اجنبی نسبت به حقوق مؤلفان نظریاتی داشت . فرد دیگری ف . ا . بروکهاوس^{۴۵۱} است که پس از اشتغال به صنعت پارچه بافی به حرفه نشر پرداخت و از مهمترین ناشران آلمان شد .

قانون ویژه حقوق مؤلفان

سرانجام اتحادیه تجار و کارگزاران باتلاش مهمی لایحه ثابتی برای حمایت از حقوق مؤلف تدوین کرد . این تلاش که از سوی دولت آلمان آغاز شد ، نخستین رویداد دولتی در برن در این مورد در سال ۱۸۸۶ محسوب می شود .

شایان ذکر است که کنگره ملی فرانسه از سال ۱۷۹۳ قانونی مقرر ساخت که حق مؤلف را در ردیف حقوق مالکیت قرار می داد . قانون جنایی ناپلئون بر این روش جاری بود و برای متقلبان کیفری تعیین می کرد که تا امروز همچنان به قوتش باقیست .

نخستین معاهده ادبی بین دولت فرانسه و کشورهای سفلی در سال ۱۸۴۰ منعقد شد . این معاهده هسته اولیه معاهده برن بود . با گذشت مدت کمی از معاهده برن ، این پیمان چندین بار اصلاح شد . در حال حاضر تقریباً تمامی دولتهای متمدن به آن پیوسته اند ؛ به طوری که هر نویسنده از اهالی این کشورها ، همان حق حمایت مالکیت ادبی کشور خود را در آن دولتها دارد .

بعداً در فرانسه جمعیت ادبا^{۴۵۲} تشکیل شد و نمایندگان متعددی در خارج داشت به طوری که نوشته های اعضای آن جز از طریق پرداخت مبلغی به نویسندگان آن قابل انتقال نبود .

آزادی انتشارات

اما در زمینه سانسور انتشارات ، نیمه اول قرن نوزدهم نیز در آلمان فاصله ای مقدماتی بیش نبود که آثار بازرسی گاهش یافت و این امر در زمانی بود که میل به آزادی همواره رو به افزایش مستمر داشت با این که در سال ۱۸۲۸ با اعلان آزادی انتشارات و لغو سانسور مطبوعات و انتشارات به آزادی دست یافتند .

تنظیم تجارت کتاب

ساختار قدیم تجارت کتاب چنان که در بازارها به آن بازگشتند ، کم کم در نیمه اول قرن نوزدهم اهمیتش را از دست داد ، زیرا فروش کتاب خارج از مدت برگزاری بازارها درست باهمان سهولتی که طی بازارها انجام می گرفت میسر شد و این بواسطه بهبود وسایل ارتباط مشترک بود و روشهای مناسبات بین ناشران و واسطه ها به هنگام برگزاری بازارهای کتاب روابط و گفتگو های شخصی به حساب می آمد .

تجارت کتاب در آلمان

در نیمه دوم قرن نوزدهم باحمایت اتحادیه تجار و کار گزاران آلمانی تنظیم تجارت جدید کتاب امکان پذیر شد . این اتحادیه فهرستی بسیار جالب برای تجارت کتاب و فهرستهای نیمساله و فهرستهای پنجساله تهیه کرد . این فهرستها از لحاظ کثرت و دقت ، بر نظایر شان در کشورهای دیگر برتری یافتند .

تجارت کتاب در آلمان دارای نظامی دقیقتر بود . لایبزیگ به عنوان یک مرکز مهم آلمان ، نظامی کاملاً قوی داشت . این مرکز مقر اتحادیه ناشران و نمایندگان کتابفروشان

آلمانی و مرکز انتشار مجلات حرفه ای بود که مهمترین آنها مجله های اتحادیه تجار و کارگزاران بودند و در تمامی روزهای کار منتشر و همه کتابهای آلمانی در آنها معرفی می شدند .

همچنین عصر مهمی برای انتشار کتاب نه تنها در مراکز بزرگ مانند لایپزیک در برلن و اشتوتگارت^{۴۵۳} و مونیخ بلکه در تعداد بسیاری از شهرهای استانیهای کوچک نیز بویژه در شهرهای دانشگاهی پدید آمد ، مانند توبینگن^{۴۵۴} و هیدلبرگ^{۴۵۵} گوتینگن^{۴۵۶} و جاهای دیگر .

از میان ناشران برجسته آلمانی ، غیر از کسانی که نام بردیم عده ای روشهایشان با هم فرق داشت ؛ که از جمله آنان در برلین والتر دو گروتز و شرکایش^{۴۵۷} ، اوربان^{۴۵۸} ، شوارتسن برگ^{۴۵۹} ، یولیوس اشپرینگر^{۴۶۰} ، برونوکاسیرر^{۴۶۱} و س . فیشر^{۴۶۲} بودند . در لایپزیک ناشرانی از قبیل کارل . و . هیرسمان^{۴۶۳} ، ب . ج . توبنر^{۴۶۴} و ر . آلدنبرگ^{۴۶۵} ، و در شهریه نا^{۴۶۶} گوستاوفیشر^{۴۶۷} و دیگران در این عرصه ظاهر شدند .

تمامی ناشران آلمان ، آنهایی که از جهتی دارای اهمیت بودند ولی در لایپزیک اقامتگاهی نداشتند ، انبار امانتی برای مطبوعاتشان نزد واسطه های مخصوص خود در آن شهر داشتند . همچنان که تجار آلمانی در شهرهای دیگر غیر از لایپزیک با تجار بیگانه برای تعیین واسطه ای که به حساب آنها کتابهای سایر ناشران را در موقع نشر بخرد ، تماس داشتند به طوری که بیشترشان معاملات را به آنان واگذار می کردند .

این مرکزیت و تنظیم تجارت کتاب لایپزیک ، انتشار گسترده کتابهای آلمانی را آسان می کرد . از اصول تثبیت شده در معاملات که در آلمان باشکلی خاص رشد یافت ، روش معروف به نظام شرطی بود که به اقتضای آن تعداد معینی از نسخه های چاپ جدید به واسطه ، و برخی دیگر به کتابفروشان خرده پا تسلیم می شد ؛ به این شرط که اگر

453- Stuttgart.

454- Tübingen.

455- Heidelberg.

456- Göttingen.

457- Walter de Gruyter & Co.

458- Urban.

459- Schwartzberg.

460- Julius Springer.

461- Bruno Cassirer.

462- S. Fischer.

463- Karl W. Hiersemann.

464- B. G. Teubner.

465- R. Oldenbourg.

466- Jena.

467- Gustav Fischer. 467- Koehler.

نتوانستند بفروشند ، در یک مهلت محدودی برگردانند . اما نسخه های فروخته شده به حساب ثابت یعنی بیعی که در آن شرط می شد کتابها را باز نگردانند واریز می شد و با تخفیفی بیش از طریقه مشروطه فروخته می شد . این تعارض بجهت کساد فروش آن به طریقه اخیر توجیه می شود .

شایان ذکر است که مهلت بازگرداندن ، پیش از جنگ سال های ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ مهلتی طولانی بوده است ، در حالی که اکنون ، این مهلت از سه ماه تجاوز نمی کند . گذشته از آن ، بازگرداندن کتابهای مشروط برای ناشر ، با توجه به تمام شدن زمان فروش آن ، یک ضرورت به حساب می آید .

اما مدت پی در پی معروف به پیمان مجدد ، که هر سه ماه تجدید می شد و در فرانسه رایج بود ، در آلمان متداول نبود .

در این شهرها گروهی خاص از فروشندگان به نام اتحادیه تجار جزء آلمانی وجود داشتند . این اتحادیه جز با کتابفروشان معامله نمی کرد . نمایندگان آن از میان کتابفروشیهای کوچک و دوره گردان بیگانه انتخاب می شدند ، آنان بطور کلی تعداد زیادی از نسخه ها و گاهی تمامی نسخه های چاپی یک کتاب را می خریدند . همچنین گاهی تالیفاتی را می خریدند که برای فروش روزانه و متداول چاپ می شد و از این راه به ارزانی استثنایی دست می یافتند و از این طریق به آنان اجازه داده می شد شرایطی را که واسطه های ناشران برای نمایندگان آنان تعیین کرده بودند بپذیرند . این دسته از فروشندگان جزء تنها در مراکز بزرگ از قبیل لایپزیک و برلین و اشتوتگارت وجود داشتند . از مهمترین آنها شرکت کوهلر^{۴۶۸} و فولکمارا^{۴۶۹} . ج و شرکایشان بودند که به فهرستهای کتب و کتابهای ویژه علم کتابداری که داشتند ، مشهورند .

تجارت کتاب در فرانسه

از بزرگترین ناشران فرانسوی در قرن نوزدهم ، غیر از کسانی که نام بردیم ژ . ژ . لوفور^{۴۷۰} است که مجموعه ای معروف به نام مجموعه کتابهای کلاسیک فرانسه^{۴۷۱} را

468- Koehler.

469- Volckmar A. G. & Co.

470- J. J. Lefevre.

471- Collection de Classiques Français.

در هفتاد و سه مجلد منتشر ساخت ؛ و نیز پانکوک پسر^{۴۷۲} که موفقیت بزرگی را با شرکت دیگران در انتشار کتاب پیروزی و فتوحات فرانسوی ها^{۴۷۳} به دست آورد . ناشر دیگر ، رنوآر مردی بسیار روشنفکر بود . او با مجموعه ویژه درسی که چاپ کرد شهرت یافت همچنین اوتولو رانز^{۴۷۴} که فهرست معروفش به نام کاتالوگ کتابدار^{۴۷۵} به دنبال کتاب ژ . م . کرار^{۴۷۶} به نام فرانسه ادبی^{۴۷۷} انتشار یافت و اثری است که در ابتدای امر ، با همین عنوان ، توسط لوآندر-^{۴۷۸} بورکلو چاپ شد و از جالبترین فهرستهای کتب فرانسوی به شمار می رود . و نیز از جمله ناشران رومانتیکی راندوئل-کورمر^{۴۷۹} و بعد از آن دو هتزل^{۴۸۰} ، هاشت^{۴۸۱} و لومر^{۴۸۲} هستند .

از جمله آنان نیز فیر من دیدو^{۴۸۳} ، پلون^{۴۸۴} ، کالمان-لوی^{۴۸۵} شارپانتیه^{۴۸۶} و جانشینش فاسکل^{۴۸۷} و دیگران بودند . در کنار این ناشران عده دیگری از ناشران شهرت یافتند از قبیل لاروس^{۴۸۸} و ارمان کولن^{۴۸۹} که کتابهای تربیتی شامل علوم مختلف تربیتی را منتشر ساختند . و در حال حاضر دامنه این فعالیت گسترش زیادی یافته است .

همچنین عده زیادی از فرانسویهای متخصص در صنعت و تجارت کتاب به آنان پیوستند و تحت اداره اتحادیه ای معروف به دایره تجارت کتاب^{۴۹۰} قرار داشتند که در سال ۱۸۴۷ در پاریس تأسیس شد . بیشتر این اتحادیه ها از دایره مذکور مقرری برای خود می گرفتند . مهمترین آنها دو اتحادیه بود : اتحادیه ناشران و اتحادیه تجارت کتاب . این انجمن نشریه هفتگی خود را معروف به کتابشناسی فرانسه^{۴۹۱} منتشر ساخت ، در این نشریه کتابهای جدید آگهی می شد و معلوم می شود که برای رفع نیاز آن زمان برای تجارت کتاب فرانسوی کافی نبود .

برعکس آنچه در آلمان روی داد می بینیم ناشران فرانسوی تقریباً همه آنان در پاریس مقرری داشتند و شخصاً کتابها را به کتابفروشیها و حتی به افراد می فروختند . این

-
- 472- Panckoucke Fils. 473- Victoires et Conquetes des Français.
 474- Otto Lorenz. 475- Catalogue de la Librairie. 476- J. M. Querard.
 477- Le France Litteraire. 478- Louandre-Bourquelot. 479- Renduel-Curmer.
 480- Hetzel. 481- Hachette. 482- Lemerre. 483- Firmin Didot.
 484- Plon. 485- Calmann-Levy. 486- Charpentier. 487- Fasquelle.
 488- Larousse. 489- Armann Colin. 490- Cercle de La Librairie.
 491- Bibliographie de la France.

فروش برای کتابفروشان یا از طریق حساب ثابت یا از طریق سپرده تأمینانی انجام می شد و این نظام سپرده تقریباً مانند فروش مشروط رایج در آلمان بود . و نیز این رسم که از هر سیزده نسخه یک نسخه رایگان به کتابفروش داده شود به فرانسه سرایت کرد و در آنجا نیز واسطه هایی برای فروش کتاب پیدا شدند که تقریباً همگی مقیم پاریس بودند ، گرچه تعدادشان محدود بود و وظیفه اصلی آنان منحصر به این بود که جداگانه مطالبات یک کتابفروش را از عده ناشران مختلف جمع آوری و از آن صورتی تهیه کنند و این کار به کتابفروش فرصت می داد که بخش زیادی از مخارج حمل و نقل را که از نامه ها و فروشهای کوچک متفرقه حاصل می شد با اعتبار مزد واسطه ها افزایش دهد ، همچنین احیاناً واسطه ها کتابهایی را به حساب کتابفروشها می خریدند . در فرانسه هیچ سیستمی مشابه این نظام آلمانی معروف به نظام فروش متمرکز^{۴۹۲} وجود نداشت .

اما حسابهای قسطی که ناشران فرانسوی برای واسطه ها و کتابفروشان جزء باز می کردند بطور کلی مدت آن کوتاه و بین سه و حداکثر شش ماه بود .

تجارت کتاب در انگلستان

معاملات کتابفروشیهای انگلستان تنها به روش حساب ثابت انجام می شد . با همه اینها ، می توانستند کتابهای مورد نظرشان را از ناشران یا نمایندگان بخواهند ، این کتابها را در صورتی که نتوانستند بفروشند ، می بایست در مدت بسیار کوتاهی به ناشر بازگردانند . اما نسخه هایی که پیش از چاپ سفارش داده شده بود ، بسیار ارزان به فروش می رفت .

ناشران انگلستان از مشهورترین آنها ، لانگ منز^{۴۹۳} ، موری^{۴۹۴} ، مک میلان^{۴۹۵} استنلی آن وین^{۴۹۶} با نظام فروش کوتاه مدت معامله می کردند . این ناشران بر طبق نظام معامله کوتاه مدت کتابهایشان را به تاجران بزرگ می فروختند ، اما کتابهایی را که نمی توانستند به این طریق بفروشند ، با قیمتی ارزانتر به بقیه تاجران و واسطه هایی که به

492- Barsortimente.

493- Longsmans.

494- Murray.

495- Macmillan.

496- Stanley Unwin.

خرید و فروش کتابهای بفروش نرفته اشتغال داشتند می فروختند . این روش تا حدّ زیادی ، به رونق تجارت انگلیس کمک کرد زیرا نمی توانستند در پایان سال کتابهای فروخته نشده را به ناشر بر گردانند . تجّار فرانسوی و آلمانی نیز چنین کردند ، اما تجارت کتاب با توجه به اهمّیت بسیار آن ، بین انگلستان و مستعمراتش بیشتر از طریق هیاتی به نام کلی فروشان^{۴۹۷} انجام می شد و از جمله آنان مؤسسه سیمپکین و مارشال و شرکای آن بود .^{۴۹۸}

تجارت کتاب در کشورهای اسکاندیناوی

تنظیم تجارت کتاب در دانمارک و سوئد و نروژ از لحاظ گستردگی دامنه ، تقریباً مانند نظام آلمانی بود . با همه اینها برخی ویژگیهای جالب در این روش به چشم می خورد . در دانمارک ناشران برای هر کتابفروشی جدیدی که تأسیس می شد حسابی باز می کردند . ابتدا شرایط این حساب را به روشی که اتحادیه کتابفروشان و نماینده تجّار متفقاً تثبیت کرده بودند گوشزد می کردند .

در سوئد ناشران در چنین وضعی ضمانتهای جدّی می خواستند که در صورت تأمین به آنان تمامی ضمانت لازم را در آنچه متعلّق به معاملات آینده بود ، می داد . علاوه بر این آنان با ارزان کردن قیمت کتابهایشان موافق نبودند مگر در قبال تجّار و واسطه های مورد اعتماد از اتحادیه خود . کتابفروش ملزم به شرکت اجباری در یکی از هیاتهای مسؤول در برابر ناشران و برخی تعهدات اعضای آن بود .

علاوه بر این تاجر ملزم به شرکت اجباری در یکی از هیاتهای مسؤول در برابر ناشران و پذیرفتن برخی تعهدات اعضای آن بود . در نروژ نیز می بینیم ، قانون تجارت سخت بود زیرا هر کتابفروش جدیدی که می خواست حسابی را نزد ناشران باز کند ، ملزم به شرکت اجباری در اتحادیه کتابفروشان بود و می بایست صاحب حساب مدّتی در کتابفروشی کار کرده باشد و هر طلبی را دفتر اتحادیه ناشران حسابرسی می کرد . علاوه در باره هر داوطلبی که قصد داشت داخل در اعتبار شود تحقیقات فنی انجام می شد

و همچنین موقعیت شهری که وی قصد تجارت در آن جا داشت بررسی می شد و این کار به خاطر اجتناب از ورود به رقابتی زیانبار انجام می گرفت ، و نیز نامزد تجارت کتاب می بایست سپرده ای داشته باشد که در هر حالت ویژه ، اعتبار آن تامین شود .

بسادگی می فهمیم که این قبیل قوانین که در اسکاندیناوی جاری بود ، قطعاً بین شغل و ورود عناصر مشکوک یا بدون وسایل یا بد سابقه تحولی ایجاد می کرد .

تجارت کتاب در بلژیک و هلند

تجارت کتاب در بلژیک تجارتی آزاد شمرده می شد . در این کشورها فقط لیستی از اسامی کتابفروشی ها و واسطه هایی که از سوی اتحادیه خود تأیید شده بودند وجود داشت . تنها آنان بودند که حق ارزان کردن جنس را نزد ناشران داشتند ، با همه اینها ناشران ملزم نبودند که تمامی کتابهایشان را که منتشر می سازند به آنان بدهند .

در هلند اتحادیه ناشران و هیاتی به نام جمعیت کتابفروشان وجود داشت . این جمعیت لیستی از اسامی کتابفروشان و واسطه هایی در اختیار داشت که تنها اینان حق ارزان کردن کتاب را نزد ناشران متعهد بر اساس قوانین اتحادیه داشتند زمانی که موافقت اتحادیه کتابفروشان به دست نمی آمد ، مطلقاً نمی بایست نزد هیچ تاجر جدید کتاب حسابی باز کنند . از سوی دیگر ، اگر کتابفروشی جانشین کتابفروش دیگر می شد ، می بایست اولاً قرضهای گذشته او را پیش از این که از امتیاز استفاده کند بپردازد . علاوه بر این هیچ داوطلبی اجازه نداشت به شغل کتابفروشی بپردازد ، مگر این که چندین سال در یکی از کتابفروشی ها سابقه کار داشته باشد . اخیراً شرط شده است که کتابها را به عنوان یک کالا نزد تجار به امانت نسپارد ، مگر این که ناشران آن از سوی اتحادیه تأیید شده باشند .

تجارت کتاب در آمریکا

ناشران ایالات متحده آمریکا در فروش کتاب به کتابفروشان ، فقط طبق نظام حساب ثابت مانند همکارانشان در انگلستان عمل می کنند . اما روشهای فروش مشروط یا سپرده مؤقت در آن جا معمول نیست ، مؤسسات تجارتی کوچک به فروش بیشتر این

کتابها اقدام می کنند و شرکت اخبار آمریکایی ۴۹۹ از مهمترین آنهاست .

فروشنندگان دوره گرد

اهمیت این روش تدریجاً در تجارت کتاب افزایش یافت . پس از این که در ابتدای امر ، مخصوصاً به فروش کتابهای دینی اکتفا می شد . لکن پس از اندکی به محض کاربرد این روش ، در دایره شرکتهای کتاب به طور هماهنگ گامهای موثری برداشته شد . و بسا که این روش در آغاز قرن نوزدهم در انگلستان توسط ناشر ج . ا . بارت ۵۰۰ از برسلو ۵۰۱ نا آگاهانه به وجود آمد . این روش در زمان ما در بسیاری از دولتهای اروپائی گسترش فراوانی یافته است . این در زمانی بود که روش « پرداخت اقساطی » معروف به روش تقسیط شیوع داشت .

جنگ جهانی اول و سالهای پس از آن

جنگ و صنعت کتاب

جنگ جهانی اول مانند جنگهای بزرگ گذشته ، اهمیت زیادی در صنعت کتاب داشت ؛ زیرا دولتهای در حال جنگ از گفتار چاپ شده به عنوان سلاحی بر ضد دشمنان خود استفاده کردند که تا آن زمان معمول نبود . در آن زمان کتابخانه ها دوران بسیار مشکلی را سپری می کردند و از رونق آنها کاسته شده بود .

بحران کتاب در دولتهای جنگ طلب

بی شک در آن زمان پدیده قدیمی که پدیده غارت کتابها و بردن آن به عنوان غنیمت جنگی بود آشکار نشد . آتش سوزیهای کتابخانه های لوون ۵۰۲ ، دانکرک ۵۰۳ لیل ۵۰۴ ، نانسی ۵۰۵ که به سبب اشغال آلمان یا اخراج آلمانیها روی داد جز حالات استثنایی نبود .

499- American News Company.

500- J. A. Barth.

503- Dunkerque.

501- Breslau.

504- Lille.

502- Louvain.

505- Nancy.

پس از اندکی ، بحران اقتصادی خطری ناگهانی شد . قطع روابط فرهنگی که بین دولتها روی داد سرنوشتی چاره ناپذیر بر تبادله سابق بود . این بدبختی اثرش از سابق کمتر نبود . در آلمان ، مخصوصاً پیش از ورود به جنگ ، بنای پایه های محکم کتابخانه پروس جدید در برلن آغاز شد . حتی در سالهای اول جنگ ، پایان کار ایجاد کتابخانه ملی آلمان در لایپزیک امکان پذیر شد . این همان کتابخانه آلمانی^{۵۰۶} تحت حمایت اتحادیه بازار و بواسطه اعطای اختیاراتی بود که ناشران به آن داده بودند ، با این همه بواسطه سقوط گنجینه های مارک کتابخانه ها دچار دشواریهای وصف ناشدنی شدند . چه بسا ، نظیر این به شکلی گسترده تر در کتابخانه های اتریشی روی داد .

رونق کتاب در دولتهای بی طرف

وقتی مقایسه می کنیم می بینیم که جنگ دورانی طلایی برای دولتهای بی طرف بود چون تولید کتاب افزایش یافت و کتابخانه ها از قدرت خرید نقدی استفاده کردند . علاوه بر این از سوی دولت هم به آنان کمک شد و به این طریق توانستند در میان دولتهای در حال جنگ بویژه آلمان و اتریش که کتابخانه های بزرگ اختصاصی را به معرض فروش گذاشته بودند به معاملات سودآوری دست یابند .

بازگشت تعادل پس از جنگ

در کشورهای بی طرف پس از پایان جنگ دوباره فعالیت بیشتری آغاز گردید . و این هنگامی بود که کتابخانه های آلمانی در دنیای آن روز بویژه توسط اتحادیه علم آلمانی^{۵۰۷} رفته رفته نیروی خود را باز یافتند . این مؤسسه هیاتی رسمی به منظور مبادله با کتابخانه های کشورهای بیگانه ایجاد کرد .

رشد کتابخانه های ملی

حرکت دموکراسی نیرومندی که در نتیجه جنگ پدید آمد ، با همان شتابی که آمریکا داشت ، منجر به رشد زیاد کتابخانه های ملی شد .

این امر بویژه در دولتهای چک اسلواکی بروشنی دیده می شود . اما طرح آمریکا برای ایجاد مدرسه کتابداری توسط کتابداران آمریکا بعد از جنگ در پاریس ثمر بخش بود . این مدرسه در سالهای بعد در ژاپن و سپس در چین نیز ایجاد شد .

در تمامی شهرهای فرانسه از زمانهای دور می بینیم کتابخانه های عمومی باسیستم امانت خارجی کار می کنند چنان که در هر محله از محلات شهر پاریس حداقل یک کتابخانه وجود داشت و این برخلاف کتابخانه های دولتی دانشگاهی است . لکن تنظیم کتابخانه ها که مدت زیادی از آن می گذرد تقریباً برای اولین بار در فرانسه صورت گرفته است . برای تجدید نظر در سیستم کتابخانه ها در فرانسه و همچنین کشورهای دیگر جز در سالهای اخیر تلاشی دیده نشده است .

انقلاب روسیه منجر به مصادره تعداد زیادی از کتابخانه های اختصاصی ارزنده برای دولت شد پیش از این ، در انقلاب نیز چنین شده بود . از زمان ایجاد جمهوری روسیه شوروی ، لینینگراد ، پایتخت قدیم روسیه ، مرکز کتابخانه ها به حساب آمد . و بعداً مرکز حیات عقلی روسیه شد . برای کتابخانه لنین که در اصل موزه ای به نام رومیانتزف^{۵۰۸} بود بنای بزرگی ساخته شد که گنجایش نه میلیون جلد کتاب داشت و سالنهای مطالعه آن هفت تا نه هزار مطالعه کننده را در خود جای می داد .

کتابخانه های تخصصی

از بزرگترین ویژگیهای رشد کتابخانه هادر سالهای اخیر ، پدیدآمدن حرکتی برای تعیین روشهای گوناگون تولیدات کتب بوده است که بیش از گذشته رشد داشته است ؛ علاوه بر این ایجاد اتحادیه ای برای تمامی کتابخانه های شهرها بوده است که در آن ، این حرکتها ، ارتباط محکمی با اوضاع واحوالی داشته که افزایش بسیار تعداد

کتابخانه های اختصاصی آن را بوجود آورده بود . آنچه بر موجّه جلوه دادن این حرکتها نیز می افزاید ، مشکلات اقتصادی بود که بناچار در حال حاضر مؤسسات با آن روبرو هستند .

بنا به توصیه جامعه ملل روابطی به منظور مبادله امانت کتابهای ادبی یا علمی که در آن جاها بود بین کشورهای مختلف برقرار شد ، از این برتر ، بین برخی دولتها دفترهایی برای مبادله اطلاعات سودمند روشنفکرانه در تمامی زمینه ها به وجود آمده است .

آینده کتاب - تمایل به هماهنگی بین هنر و صنعت

زندگی زودگذر و آشفته کنونی ماطبعاً بر صنعت کتاب نیز تأثیر گذاشت . این گونه زندگی به کسادی بیشتر بازار کتاب که پیش از این در شکل عمومی کتاب عادی به چشم می خورد کمک کرد .

ابزاری که از لحاظ کمیّت برای اصلاح و کار آمدی تولیدات به کار گرفته شد ، همچنان بازار جهانی روز را لبریز از امواج مطبوعات کرد ، بگونه ای که حرکت صنعتی در ساخت کتاب به پیروزی کامل دست یافت .

و بازگشت به شیوه ساخت قدیمی که منجر به حرکت عکس العملی که موریس^{۵۰۹} و مدرسه اش برای مدّت کوتاهی به آن پرداخت ، غیر ممکن شد .

همچنین از نشانه های این عصر نیز عدم تعارض بین تلاشهای اخیر در زمینه کتاب هنری و وسائل ماشینی مورد استفاده در صنعت کتاب است و نیز در یافت مردم از این که بی نیازی از روشهای ماشینی غیر ممکن است ، نشانه دیگری به حساب می آید . نتیجه این شد که به منظور رسیدن به بهترین تولیدات هنری ممکن ، باید استفاده از ماشین ادامه یابد . می توان گفت که تمامی نیروها در این زمینه به رقابت پرداخته اند که این امر نیز برای رسیدن به اهداف همیشگی هنر است . چه بسا آشفته گی و کسادی کنونی طی چند سال پایان یابد و به بالاترین درجه رونق برسد و در آن آرزوهای کنونی جلوه نماید . چنان که دانشمندان قرن بیستم و بزرگان صنعت ماشینی^{۵۱۰} اعتراف دارند که همواره موفقیت روشهای ماشینی نمونه کامل و برجسته ای برای صنعت کتاب می باشند .

کتابنامه

در این جا کما بیش اسامی کتبی را می بینیم که اندیشه ای کلی از یک یا چند شاخه از تاریخ کتاب را به دست می دهد . یا یک یا چند دوره از این تاریخ را شامل است . هدف ما بویژه ذکر مراجعی است که دسترسی به آن آسان است و بطور کلی از آوردن منابعی که به مباحث خاص و تحقیقاتی که بستگی به مراجع اصلی دارد خودداری کرده ایم .

نسخه های خطی - کتاب در دوران باستان و قرون وسطا

MANUSCRITS. — LE LIVRE DANS L'ANTIQUITÉ ET AU MOYEN AGE.

TH. BIRT, *Das antike Buchwesen*. 1882.

LECOY DE LA MARCHE, *Les Manuscrits*. 1886.

F. MADAN, *Books in Manuscripts*. 1893.

W. WATTENBACH, *Das Schriftwesen im Mittelalter*. 3. vermehrte Auflage. 1896.

K. DZIATZKO, *Untersuchungen über ausgewählte Kapitel des antiken Buchwesens*. 1900.

HENRI MARTIN, *Les peintres de manuscrits*. 1906.

W. SCHUBART, *Das Buch bei den Griechen und Römern*. 2. umgearbeitete Auflage. 1921.

L. COELLEN, *Die Stilentwicklung der Schrift im christlichen abend lande*. 1922 (traite aussi des divers styles de l'imprimerie).

K. LOFFLER, *Einführung in die Handschriftenkunde*. 1929.

AMÉDÉE BORNES, *La Miniature carolingienne : origine et développement*.

MAURICE PROU, *Manuel de paléographie latine et française*. 1924.

چاپ و مصوّر سازی

E. WERDET, *Histoire du Livre en France depuis les temps les plus reculés jusqu'en 1789*. 3 vol. 1861.

DIDOT, *Essai typographique et bibliographique sur l'Histoire de la gravure sur bois*. 1863.

کتابشناسی

H. BOUCHOT, *Le livre*. 1883 (traite aussi les reliures).

J. ADELIN, *Les Arts de la reproduction vulgarisés*. 1884.

H. BOUCHOT, *Les livres à vignettes du 19^e siècle*. 1891.

H. MEISNER U. J. LUTHER, *Die Erfindung der Buchdruckerkunst*. 1900.

A. CHRISTIAN, *Origines de l'imprimerie en France*. 1900.

WALTER CRANE, *On the decorative Illustration of Books*. 2^e edition. 1901.

LÉON ROSENTHAL, *La Gravure*. 1909.

THEVENON et LEMIERRE, *Les Arts du Livre*. 1909.

A. M. HIND, *A short History of Engraving and Etching*. 2^e edition. 1911.

HENRI COHEN, *Guide de l'amateur de livres à gravures du XVIII^e siècle*. 6^e éd. par SEYMOUR DE RICCI. 1912.

A. W. POLLARD, *Fine Books*. 1912.

FELIX POPPENBERG, *Buchkunst*. 1912.

JEANNE DUPORTAL, *Étude sur les livres à figures édités en France de 1601 à 1660*. 1914.

F. LIPPMANN, *Der Kupferslich*. 1914.

H. G. ALDIS, *The printed Book*. 1916 (traite aussi les reliures).

PIERRE GUSMAN, *La gravure sur bois d'épargne et sur métal du XIV^e au XX^e siècles*. 1916.

M. J. FRIEDLAENDER, *Der Holzschnitt*. 1917.

A. W. POLLARD, *Early illustrated Books*. 2^e edition. 1917.

K. SCHOTTENLOHER, *Das alte Buch*. 2. Auflage. 1921 (contient aussi des chapitres sur la reliure et le commerce des livres).

D. P. UPDIKE, *Printing Types, their History, Form and Use*. Vol. 1-2. 1922.

Das alte Buch und seine Ausstattung, vom 15. bis 19. Jahrhundert (Die Quelle, Mappe XIII).

ALBERT SCHRAMM, *Schreib und Buchwesen einst und jetzt* 1922

COURBOIN, *La Gravure en France*. 1923.

STANLEY MORRISON, *The Art of the Printer*. 1925.

Les trésors des bibliothèques de France. Publiés sous la direction de R. CANTINELLI et EM. DACIER. T. I (1925-1926); t. II (1927-1928); t. III (1929 - 1930) ; t. IV (en cours de publication en 1932). Les éditions G. van Oest, qui publient cet ouvrage, ont fait paraître encore plusieurs autres volumes sur l'histoire de la miniature dans les différents pays d'Europe et sur le livre français, entre autres : HENRI MARTIN, *La miniature française du XIII^e au XV^e siècles*. 2^e édition; A. BLUM, *Les Origines du livre à gravures en France* ; J. LIEURE, *La gravure en France au XVI^e siècle dans le livre et l'ornement* ; EM. DACIER, *La gravure de genre et de mœurs en France au XVIII^e siècle* ; LOUIS RÉAU, *La gravure d'illustration en France au XVIII^e siècle*, etc., etc.

K. HAEBLER, *Handbuch der Inkunabelkunde*. 1928.

Printing, A short History of the Art. Edited by R. A. PEDDIE. 1927.

HANNS BOHATTA, *Einführung in die Buchkunde*. 1927 (traité aussi des manuscrits, de la reliure et de la librairie).

G. A. E. BOGENG, *Geschichte der Buchdruckerkunst*. 1928-31.

MARIUS AUDIN, *Histoire de l'imprimerie par l'image*. Tome 1-4. 1929.

R. BRUN, *Le livre illustré en France au 16^e siècle*. Paris, 1930.

R. HESSE, *Le livre d'art du XIX^e siècle à nos jours*. s. d.

A. MARTIN, *Le livre illustré en France au 15^e siècle*. Paris, 1931.

PAUL DUPONT, *Histoire de l'imprimerie* 2 Vols.

صحافي و تجليد

MARIUS MICHEL, *La reliure française*. 1880.

LÉON GRUEL, *Manuel historique et bibliographique de l'amateur de reliures*. 1-2. 1887-1905.

P. ADAM, *Der Bucheinband. Seine Technik und seine Geschichte*. 1890.

GUIGARD, *L'Armorial du bibliophile*. 1890.

W. S. BRASSINGTON, *A History of the Art of Bookbinding*. 1894.

CH. MEUNIER, *La reliure française ancienne et moderne*. 1910.

G. A. E. BOGENG, *Der Bucheinband*. 1913.

OLIVIER, HERMAL et DE ROTON, *Manuel de l'amateur de reliures armoriées*. 1924.

W. MEYER, *Bibliographie der Buchbinderliteratur*. 1925.

J. LOUBIER, *Der Bucheinband in alter und neuer Zeit*. 2. Ausgabe. 1928.

تجارت کتاب

· LIBRAIRIE.

F. KAPP und J. GOLDFRIEDRICH, *Geschichte des deutschen Buchhandels*. Bd. 1-4. 1886-1903.

F. A. MUMBY, *The Romance of Bookselling*. 2. ed on. 1930.

دوستان کتاب و کتابخانه

BIBLIOPHILES ET BIBLIOTHÈQUES.

J. BRIVOIS, *Guide de l'Amateur : Bibliographie des ouvrages illustrés u XIX^e siècle*. 1883.

J. C. BRUNET, *Manuel du Libraire*. 1860. 8 vol.

LEROUX DE LINCY, *Recherches sur Jean Grolier, sur sa vie et sa bibliothèque*. 1866.

QUENTIN-BAUCHART, *Les Femmes bibliophiles*. 1886.

EDOUARD RAHIR, *La Bibliothèque de l'Amateur*. 1924.

ROUYEYRE, *Les Connaissances nécessaires à un bibliophile*. 1899. 10 vol.

GABRIEL VICAIRE, *Manuel de l'Amateur de livres du XIX^e siècle*. 1801-1892 ; Vols. 1-7. 1894-1920.

RAYMOND HESSE, *Histoire des Sociétés de Bibliophiles en France de 1820 à 1930*.

E. EGGER, *Histoire du Livre*, 2^e éd., 1880.

CH. J. ELTON and Mary A. ELTON, *The great Book-Collectors*. 1893.

OTTO MUHLBRECHT, *Die Bucherliebhaberei in ihrer Entwicklung bis zum Ende des 19. Jahrhunderts*. 2. Aufl. 1898 (traite aussi l'imprimerie, les illustrations et la reliure).

J. W. CLARK, *The Care of Books*. 1901.

ALBERT CIM, *Le livre. I ; Historique*. Tome 1-2. 1905-06.

EDOUARD RAHIR, *La Bibliothèque de l'amateur*. 1907.

EUGÈNE MOREL, *Bibliothèques*. Tome 1-2. 1908.

G. A. E. BOGENG, *Umriss einer Fachkunde für Büchersammler*. 1911.

F. MILKAU, *Die Bibliotheken* (Kultur der Gegenwart I, 1). 2. Auflage, 1912.

G. A. E. BOGENG, *Die grossen Bibliophilen*. Bd. 1-3. 1925.

ALFR. HESSEL, *Geschichte der Bibliotheken*. 1925.

F. C. LONCHAMP, *Manuel du bibliophile français* (1470-1920). Tome 1-2. 1927 (traite aussi de l'imprimerie, de l'illustration et de la reliure).

RAYMOND HESSE, *Histoire des sociétés de bibliophilie en France de 1820 à 1930*. 1930-31.

Handbuch der Bibliothekswissenschaft herausgegeben von FR. MILKAU. Bd. 1. 1931 (contient l'histoire du livre).

CLÉMENT JANIN, *Essai sur la bibliophilie contemporaine de 1900 à 1928*. 1-2. 1931.

